

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار کارگری ماه فروردین سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

امیرجوهری لنگرودی

Roorshomar_k@yahoo.com

یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۲ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۱۳

یادداشت گردآورنده :

روند پرشتاب رویدادهای کارگری در تمامی سال گذشته در آستانه عید نوروز ۹۲ با تعمیق یافتن بحران اقتصادی و با توجه با تحریم های گسترده امپریالیسم جهانی، فقر و مسکنت شتابانتری را بر حیات جامعه ما تحمیل کرده است. همه چیز گواه تورم و گرانی و تقلیل شدید قدرت خرید کارگران و نگرانی فزاینده از بیکاری و از دست رفتن محل های اشتغال و بویژه سطح نازل دستمزدها، در برابر این گرانی ها است.

در فروردین ماه به دلیل تعطیلات نوروزی و تعطیلی رسانه های خبری از حجم اخبار کارگری کم شده ولی با پایان یافتن تعطیلات نوروزی، بتدریج روال پیشین خود را از سر خواهد گرفت .

اعتراضات این مرحله کارگران عمدتاً بر سر نرخ دستمزدهای اعلام شده برای سال ۱۳۹۲ و بازگشت کارگران بیکار شده بر سر کار و لغو قرارداد های موقت و حذف شرکت های پیمانی و باز پرداخت حقوق های معوقه و آزادی کارگران زندانی و پاسخ گویی نسبت به وضعیت باز نشستگان و تساوی حقوق زنان کارگر و سایر مطالبات بی پاسخ مانده کارگران است.

امروز همچون دیروز مهم نیست که هنوز اکثر اعتراضات کارگران تدافعی است. مهم این است که این اعتراضات وجود دارند، پیوسته در حال افزایش هستند. چرا که سرکوب هر قدر هم که شدید باشد تنها می تواند روند پیشروی کارگران را به تاخیر بیندازد ولی نمی تواند مانع هر نوع تحولی گردد. این تحول بیشک نه تنها یگانه راه تغییر وضعیت فلاکت بار اقتصادی- اجتماعی طبقه کارگر است، بلکه آرایش نیرو در جامعه را به نفع جنبش های اجتماعی فعال زنان - دانشجویان - جوانان - اقلیت های ملی و نیروی میلیونی بیکاران دگرگون خواهد کرد و شرایط را برای ایجاد دگرگونی های گسترده و پیشروی جنبش طبقاتی همه لایه های مزد و حقوق بگیر کشورمان ما در آستانه اول ماه

مه، روز جهانی کارگرو در شرایط انتخابات پیشروی مهیا خواهد کرد. از این فرصت بهره میگیریم و اول ماه مه را به همه کارگران جهان و خاصه کارگران کشورمان و آن کارگرانی که در پشت میله های زندان ها بسر می برند و خانواده های آنان نگران وضعیت آنان اند، روزشان را به یکایک شان تبریک می گوئیم. باشد که سال جدید نوید بخش پیروزی و پیشروی کارگران در امر سازمانیابی تشکلات مستقل شان و تعرض کارگران برای دست یابی به زندگی بهتر و گشاینده تر آنان باشد.

بمناسبت ۲۸ آوریل، روز همبستگی جهانی با کارگران قربانی حوادث و بیماری های شغلی:

سازمان بین المللی کار، از ۲۸ آوریل ۲۰۰۳، روز دیگری را به تقویم خود به نام «روز جهانی ایمنی و سلامت شغلی» افزوده است و هر سال مراسم بزرگداشت روز جهانی ایمنی و بهداشت حرفه ای را به منظور ارتقاء سطح پیشگیری از بیماری ها و حوادث شغلی در روز ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) برگزار می نماید.

در آغاز این نوشته، بایداد کارگرانی که در حین کار بدون کمترین پشتوانه امنیت شغلی، بیمه شغلی و بیمه بیکاری و دفترچه ارزاق کارگری، وجود موسسه تامین اجتماعی جانبدار کارگران، جان گران خود را برای چرخش تولید سرمایه در معادن زغال سنگ، چوبه های داربنایی و نجاری، کوره های آجرپزی و چاه کنی و صدها حوادث دیگر از دست داده اند و امروز نه دولت و نه کارفرما، بلکه تنهادر یاد و خاطر خانواده ها و کسان شان، و هم طبقه ی هایشان و مدافعان کارگری باقی اند، حاکمان قدرت از آنان یاد نمی کنند.

یادداشتم را در چنین روزی به نام آنان بیان می دارم. باید اعلام دارم؛ که عامل اصلی سوانح حین کار؛ دولت و کارفرمایان بخش خصوصی اند، مشترکا دست در دست هم با کارکردی همسان، عوامل اصلی مرگ کارگران هستند.

بقول شاعر توده ها احمد شاملو

«... خورشید را گذاشته،

می خواهد

با اتکا به ساعت شماطه دار خویش

بیچاره خلق را متقاعد کند

که شب

از نیمه نیز برنگذشته ست.»

توفان خنده ها...

من

درد دررگانم

حسرت دراستخوانم

چیزی نظیر آتش در جانم

پیچید.

سرتاسر وجود مرا

گوئی

چیزی به هم فشرد

تا قطره ئی به تفتگی خورشید

جوشید از دو چشمم.

از تلخی تمامی دریاها

در اشک ناتوانی خود ساغری زدم.

در رابطه با حداثت حوادث حین کارومیزان مرگ و میر کارگران در سطح جهان، در سال ۱۹۹۸، سازمان جهانی کار اعلام کرده بود که هر سال هزاران کارگر بر اثر حوادث شغلی در دنیا جان خود را از دست می دهند. این آمار در سال های بعد تریپوسته گسترش یافته است. امروزه با گسترده تر شدن بحران سیستم سرمایه داری در جهان ما شاهد بی حقوقی بیشتر کارگران و فزونی آمار حوادث شغلی هستیم. طبق آخرین آمار سازمان جهانی کار هر سال ۲۷۰ میلیون حادثه شغلی اتفاق می افتد و هر سال ۲ میلیون و ۲۲۰ هزار کارگر به خاطر حوادث شغلی جان خود را از دست می دهند. به عبارت دیگر در هر ۱۵ ثانیه یک کارگر و یا در هر روز ۶ هزار کارگر جان خود را از دست می دهند. هر ساله ۳۰۰ هزار کارگر بخاطر کار با مواد کشنده شیمیایی دچار بیماری مهلک سرطان می شوند. همچنین برپایه همین آمار در سال ۲۲ هزار کارگر کودک بجای حضور در مدارس و کسب علم و دانش، در محیط های الوده و خطرناک کار، جان خود را از دست می دهند. در همین گزارش آمده است که امار مرگ کارگران بالاتر از این ارقام است چرا که در بسیاری از کشورها خصوصا در کشورهای فقیر و یا در حال رشد، حوادث شغلی در جایی ثبت نمی شود.

در ایران کشوری که ادامه خط بقاء و زندگی، تامین امنیت شغلی و سلامت زندگی طبقه کارگر هر روز وساعت از جانب حاکمیت سرمایه همواره به هیچ گرفته می شود. کارگران از بی حقوقی مطلق رنج می برند. پوشش های حمایتی و قوانین جاری در امر جانبداری از کارگران در حین کار بی معنی است. حقوق کارگران گام به گام توسط نظام حاکم پایمال می گردد. حوادث شغلی در محیط های کاری ایران بیداد می کند. به همین نسبت ترتیب اوضاع ایمنی و بهداشت خصوصا در بخش های معادن گوناگون، کارگاه های زیرزمینی و حاشیه ای کارگری

بشدت اسفناک است. گسترش تحریم‌های امپریالیستی از سویی باعث افزایش هزینه‌های ایمنی شده، و از طرف دیگر کاهش بازرسی‌های اداره کار از عوامل مهم افزایش حوادث ناشی از کار است. این عوامل به معنای آن است که دولت و کارفرمایان بخش خصوصی دست در دست هم از عوامل اصلی مرگ کارگران هستند و باعث شده اند که براساس آمارهای رسمی سازمان پزشکی قانونی، در سال گذشته (۱۳۹۱) بطور میانگین روزانه پنج تا هفت کارگر جان خود را در جریان حوادث حین کار از دست می دهند. باید به این همه بیافزایم: .

فروردین ماه سال، یادآور کشتار کارگرانی است که در یکی از دهها معدن دولتی و بخش خودمانی شده صنعت، جان باختند. در تاریخ ۳۰ فروردین ۸۸ ما شاهد قتل عام شدن عمدی تعداد پانزده تن از کارگران معدن زغال سنگ "باب نیزو"ی کرمان بودیم. جنایتی که بعد از کشتار معدن شاه زند اراک، فروریختن بنای ساختمانی سعادت آباد و آتش سوزی بخاری کودکان دبستانی و دهها و صدها جنایت دیگر، که تماما در روز شمار کارگری ثبت شده است. برای طبقه کارگر ایران و فعالان مدافع این جنبش عظیم طبقاتی، هیچ جای سکوت و فراموشی بیار نمی آورد. بی گمان تا روزی که این نظام بر سر کار است و تاروژی که ساختار فعلی کارگری ایران تغییر اساسی نیابد و قوانین مستحکمی نباشد که همه ی کارگران را زیر پوشش و چتر حمایتی خود قرار دهد و تا زمانی که در امر تامین شغلی و معیشت کارگران، بهداشت و بیمه و ایمنی حین کار کارگران تسریع نگردد. تا زمانی که خود این امور به نیروی فکر و خلاقیت های بی نظیر خود طبقه کارگر مان بدل نشود و به آن بی توجه بمانیم و تا زمانی که کارگران از تشکل های مستقل طبقاتی خود محروم باشند به جرات می توان گفت: ما شاهد استمرار روند خونریزی بی وقفه کارگران خواهیم بود و متأسفانه باید بگوییم؛ میزان غم و اندوه و غمگساری همه ی ما در کنار خانواده های کارگران ایران و جامعه ما فزونی خواهد یافت و چیزی از آن کم نخواهد شد.

گفته اند؛ سالی که نکوست از بهارش پیداست. آغاز سال جدید با دغدغه گرانی فرونتر و رشد تورم لجام گسیخته تراز سال پیش، گسترش فقر و فشار اقتصادی اسفبار تر و استمرار زندگی کارگران و کلیت مزد و حقوق بگیران را در حجم نگرانی ها و سختی توان فرسای روندی منفی و نگران کننده و بدون چشم اندازی روشن به پیش می رود.

آقا رضاشهابی عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در عصر روز دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۲ با بدرقه ی خانواده، تعدادی از رانندگان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و همچنین جمعی از فعالان جنبش کارگری و تعدادی از فعالین اجتماعی به زندان اوین بازگشت. بازگشت رضا در پی تماس مأموران امنیتی مبنی بر اتمام زمان مرخصی او بود. در پی این تماس رضا این موضوع را با اعضای سندیکا مطرح کرد و در نهایت تصمیم جمعی این شد که رضا در موعد مقرر و به همراه تعدادی از رانندگان و اعضای سندیکا تا زندان بدرقه شود. همو در پیام نوروزی اش که تیتراژ بود «»

بهار آمد، نبود اما حیاتی» و از صمیم قلب ابراز امیدواری نمود که «... سال جدید با اتحاد و همبستگی طبقاتی بتوانیم گامی در مسیر زدودن تاریکی‌ها و ناعدالتی‌ها برداریم و زندگی بهتری برای فرزندانمان - که آینده متعلق به آنهاست - بسازیم.» او که چنین آرزوی انسانی برای آحاد جامعه در سر داشت، دیگر باره به زندان فرستاده می‌شود تا که شب پرستان تاریک اندیش بتوانند، همکاران و همیاران او را مرعوب نمایند و فعالیت جمعی و جشن همبستگی کارگران را برای فعالان کارگری در آستانه روز جهانی و همبستگی طبقاتی کارگران سراسر جهان (اول ماه مه) دیگر نیز دشوار تر نمایند.

موقعیت کارگران در سالی که گذشت نه بر پایه حدس و گمان بلکه داده‌های آماری و اطلاعات مستند خبری که تماماً در روز شمار سال گذشته مرور گردید؛ نشان می‌دهد که فشار فزاینده نه تنها هر ماه نسبت به ماه پیش‌اش، هفته‌ای از پس هفته دیگر بلکه روز از پس روز دیگر، کمترین کنش و واکنش روبه بهبود را با خود نداشته بلکه فرایند مسیر زندگی کارگران سراسر کشور بسیار و بسیار نگران‌کننده بوده است. در سطح تولید صنایع، زبان سخنگوی خانه کارگر، رئیس پارلمان کارگری اینگونه می‌گردد: «از هر ۱۰ واحد تولیدی ۸ واحد وضعیت بحرانی دارند.» (علیرضا محبوب، روزنامه مردمسالاری، ۲ اسفند ۹۱) باز هم به نقل از حمیدرضا فولادگر، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، آمده است: «بر اساس گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس، در حدود ۷۰ درصد از واحدهای صنعتی اعم از دولتی و خصوصی تعطیل شده‌اند.» (روزنامه بهار، ۱۸ دی ماه ۹۱)، یادرحوزه بیکاری جوانان، به نقل از گزارش مرکز آمار ایران، آمده است: «بین ۶۷ تا ۷۶ درصد کل بیکاران کشور جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله‌اند.» (به نقل از سایت فرآرو، ۹ اسفندماه ۹۱)

همین مسئله در رابطه با مسائل و مشکلات زنان کارگر به عینه دیده می‌شود. رژیم سرمایه داری برای ادامه حیات ننگین خود، از آغاز با اعمال سیاست‌های زن ستیزانه و فوق ارتجاعی خود نقض خشن حقوق زنان و سرکوب فعالان آن را دنبال کردند. رژیم در دوره‌های مختلف با طرح و تصویب قوانین تحقیرآمیز و ضد انسانی، سیاست‌هایش را به شکلی هدفمند، با حذف تدریجی زنان از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کند و حضور آنان را در حوزه‌های کار، تحصیل، آموزش، و مشارکت در امور اجتماعی و اقتصادی را بیش از گذشته محدود می‌کند. در این ارتباط از لایحه «کاهش ساعات کار زنان در صنایع» - که پیش از هرچیز امنیت شغلی زنان کارگر را هدف قرار می‌دهد - گرفته تا طرح‌هایی مثل: «اشتغال زنان با محوریت توجه به خانواده»، «اشتغال نیمه وقت زنان»، یا «افزایش مرخصی زایمان» بدون بستر سازی اقتصادی و اجتماعی به نفع زنان، «دورکاری»، «استخدام دو زن به جای یک زن»، و تشویق و پیشبرد سیاست بالا بردن نرخ باروری با رهنمود ولی فقیه، و به کارگیری دهها سیاست قرون وسطائی و تحمیل تقییک جنسیتی بر تمام ارکان اجتماعی زنان را می‌توان نام برد که همچنان لحظه به لحظه دنبال می‌گردد. همه این اجحافات در جهت بازگرداندن، تقویت، و دوام بخشیدن به نقش سنتی زنان به کار بسته می‌شوند. همه این تدابیر و اقدامات، بی تردید موجب رشد بیش از پیش نرخ بیکاری زنان می‌شود. می‌توان نوشت: در عرصه حقوق مدنی نیز رژیم

زن‌ستیز و مردسالار جمهوری اسلامی، تلاش‌های گسترده‌ای را برای تهاجم یا بازپس گرفتن دوباره دستاوردهای مبارزاتی زنان همچنان در دستور کار است. دخالت در امور خصوصی، نقض حقوق شهروندی‌ای چون کنترل و اجبار پوشش زنان، لایحه ارتجاعی «حمایت از خانواده» و لایحه «صدور گذرنامه» برای زنان و دختران بالای ۱۸ سال، که تنها با اجازه پدر یا همسر صادر می‌شود، از نمونه‌های بارز دستبرد به حقوق زنان است که برخلاف مخالفت‌های قاطع گروه‌بندی‌های مختلف زنان، حکومت همچنان مصمم است آن‌ها را به تصویب رساند.

در رابطه با دست‌مزد زنان، در سطوح مختلف کار و برپایه گزارشات و مصاحبه‌های صورت گرفته، به دفعات آمده است؛ که زنان کمتر از همکاران مرد خود در قبال کار مساوی، مزد دریافت می‌دارند و این یکی از جدی‌ترین معضلات زنان کارگرما است. در خصوص زنان کارگر اشاره به این نکته مهم خالی از فایده نیست که اغلب کارگران زن در گروه‌های سنی گوناگون در واحدهای تولیدی کوچک و متوسط و در زیرزمین‌های نور، پای دارقالی مشغول به کار هستند و صد البته از بیمه و افزایش حقوق ساعات کاری نیز خبری در میان نیست. بنابراین با صراحت می‌توان گفت؛ اکثریت مطلق زنان کارگر سراسر کشور علاوه بر آنکه از یک تبعیض جنسیتی فرساینده در محیط‌های کاری رنج می‌برند و از حقوق اولیه خود نظیر حق انتخاب پوشش محروم هستند، دست‌مزدی کمتر از کارگران مرد دریافت می‌کنند و در نتیجه نخستین قربانیان فقر و سقوط سطح زندگی به‌شمار می‌آیند. بعبارتی زنان کارگر با دست‌مزد کمتر از مصوبه‌های "شورای عالی کار" آسیب‌پذیرترین گروه زحمتکش به‌شمار می‌آیند که با کاهش ۵۰ درصدی ارزش پول ملی در ماه‌های گذشته به اینسو بیش از سایر کارگران شاهد کاهش قدرت خرید خود و خانواده‌هایشان بوده‌اند.

با این مختصر بزبانی می‌توان گفت؛ تقریباً هیچ بخشی از جامعه و خاصه طبقه محروم و تهیدست کشور همواره با تورم فلج‌کننده و کمر شکن، با تغذیه بدتر، با مسکن گران و مسکنت آمیزتر، با ناامنی شغلی، با فقدان حمایت‌های قانونی، با تهاجم اخراج و تعطیلی واحدهای کاری خود، با عدم وجود بیمه‌های کارآمد و موثر اجتماعی، و دل‌نگرانی و دلم‌شغولی نسبت به ادامه زندگی امروز و فردای فرزندان خود از یک‌طرف و از سوی دیگر همه لایه‌های نیروی کار جامعه از پرستاران- معلمان- نیروی میلیونی دارندگان مشاغل کاذب که تا دیروز به کاری مشغول بودند و امروز بعد از اخراج به حرفه‌ای روی آورده‌اند که هیچ ثباتی نداشته و همواره در مقام تعرض‌اند. و مهم‌تر از همه اینکه این گروه‌بندی‌های طبقات اجتماعی موجود بدلیل حاکمیت خشن و ضدتشکل، امکان راه‌یابی این نیروی عظیم میلیونی برای سازمان‌یابی آنان را سد کرده و همه آنان فاقد تشکل مستقل خود‌اند.

در میان این خانه‌خرابی بیشمار خامنه‌ای در پیام نوروزی‌اش به مانند سال‌های گذشته با نام‌گذاری‌های بی‌پشتوانه و دهن‌پُرکن، همچون سال گذشته (۱۳۹۱)، شعار «حمایت از تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» را سر داده بود. سال ۹۲ را «سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی» نام‌گذاری می‌کنیم.

جالب اینستکه سیدعلی خامنه‌ای، هرازگاهی سرنا را از سرگشادش می‌دمد تا در تداوم سیاست های ارتجاعی همین شعارهای صدمن یک غاز را زیر گرفته و به نفع اربابان سرمایه داری بازار و تجارت ازادهمسویی های خود را مداوما نشان دهد. در تداوم و تایید چنین سیاست‌هایی، در سخنانی که دنیای اقتصاد ۱۸ مرداد ۹۱ منتشر کرد، اظهار داشت: «اگر سیاست‌های اصل ۴۴، آن گونه که تبیین شد، اجرا شود، قطعاً به سرمایه‌داری مضموم و محور شدن سرمایه‌داری در تصمیمات کلان کشور منتهی نخواهد شد. ... باید مراقب بود تا نگاه سوسیالیستی بر تفکرات اقتصادی غلبه پیدا نکند.» در اینکه برنامه‌های اقتصادی ایران سوسیالیستی نیستند و بویی از سوسیالیسم نبرده اند شکی نیست، و باید اذعان کرد که این برنامه‌ها بشدت ضد سوسیالیستی هستند، اما اینکه از جانب ایشان این یاوه گویی سرداده می‌شود. برنامه‌های به مورد اجرا گذاشته شده ضد سرمایه‌داری است، ادامه همان دروغ‌گویی‌ها و حیل‌گری‌های همه‌ی سال‌های حاکمیت سیاه و ضد انسانی و سرمایه سالارانه نظام جمهوری اسلامی ایران است. که همچون اختاپوسی بر حیات و ممات کلیت جامعه ما سایه افکنده و آنرا به طرف نیستی و سقوط همه جانبه سوق میدهد.

در چنین وضعیت ما در روزهای آینده به سوی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر، سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) می‌رویم. روزی که از لحظه رودرویی کارگران در خیابان‌های شیکاگو در سال ۱۸۸۶ با حافظان سرمایه بر سر خواسته های خود درگیر شدن و در این رودرویی نابرابر با نیروی پلیس، چند تنی از کارگران، جانشان را از دست دادند یعنی بعد از گذشت ۱۲۷ سال از کشتار کارگران در شیکاگو (ایالات متحده آمریکا) این روز از قبل چنین نبردی به نام جهانی کارگران در مجامع سوسیالیستی به ثبت رسید و برای میلیارد ها کارگر به مثابه روز جشن و تجدید پیمان با آن جان‌هایی ایست که برای به دست آوردن مطالبات طبقاتی خویش جان سپردند و برای گرامیداشت خاطر آنان این رزم و جشن مشترک در سراسر جهان برگزار می‌گردد. در ایران گرامیداشت روز جهانی کارگر همچنان توسط صاحبان سرمایه و رژیم اسلامی به رسمیت شناخته نشده و از ممنوعه‌ها است و کارگران تعطیلی این روز و تجمعات ویژه آنرا از خواسته‌ها و حقوق‌های دست نیافتنی خود می‌شمارند. میتوان گفت رژیم حتی به نهاد های شبه کارگری و عوامل خود (خانه کارگری) ها نیز طی امسال اجازه ظاهر شدن در خیابان‌ها را نداده ولی از سوی دیگر بآل‌ماسکه اعلام هفته کارگر را با سروصدای فراوان برپا می‌دارد. چرا که نمایشی ای قابل کنترل و خبرساز رسانه‌های دولتی می‌باشد و از اجتماع تحمیلی شده بر کارگران بر سر قبور مرده و زنده خود خمینی و بهشت زهرا و اجتماع در جماران، در آستانه انتخابات پرده برداری می‌نماید.

اما خواسته‌ها و مطالبات بی پاسخ مانده کارگران را می‌شود برای اول ماه مه امسال بعنوان مثال از زبان کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در ۷ ماده – از زبان و قلم رضا شهابی زکریا کارگر وراننده‌ی دربند، عضو هیأت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد زندان اوین اندرزگاه شماره

۳ سالن ۱ اتاق ۳ در ۱۴ ماده و همینطور از زبان فعالان سندیکای کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه و سندیکای کارگران خبازی های مریوان و سروآباد را در ۱۰ ماده اعلام داشتند، شنید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اینگونه می نویسند:

سندیکای کارگران شرکت واحد همانند دیگر سندیکا های کارگری جهان که خواسته ها و اعتراضات خود را در چنین روزی اعلام می کنند، بخشی از مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام می نماید.

۱- آزادی فوری و بی قید شرط آقای رضا شهابی راننده زحمت کش شرکت واحد و عضو هیئت مدیره سندیکا از زندان و درمان وی تا سلامتی کامل و بازگشت بکار و پرداخت همه ی حق و حقوق معوقه ایشان از تاریخ بازداشت.

۲- بازگشت بکار فوری رانندگان زحمت کش شرکت واحد آقایان حسن سعیدی، وحید فریدونی، ناصر محرم زاده، که به علت پی گیری حقوق همکاران خود در سال گذشته با پرونده سازی و اعمال روش های غیر قانونی از کار معلق شده و هم اکنون در شرایط سخت اقتصادی بسر میبرند.

۳- رعایت شأن و منزلت انسانی کارگران و پایان بخشیدن به رفتارهای غیر قانونی پلیسی امنیتی علیه فعالیت سندیکایی کارگران و آزادی همه ی زندانیان مدافع و فعال حقوق کارگری.

۴- تامین امنیت شغلی و جلوگیری از اخراج کارگران به ویژه فعالان حقوق کارگری و لغو قراردادهای سفید امضاء و موقت کارگری.

۵- تجدید نظر در حداقل دستمزد سال ۹۲ متناسب با گرانی کمر شکن و تورم روز افزون، و تامین معاش خانواده در حد استانداردهای یک زندگی انسانی متناسب با نیازهای خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش.

۶- جلوگیری از کار کودکان به ویژه در امور خدمات جمع آوری و باز یافت زباله توسط باند های خلاف کار و سازمانهای خدماتی شهرداری که روز بروز در حال گسترش است.

۷- پایان بخشیدن به تمامی بی عدالتی های مخالف حقوق انسانی و اجرای بی کم و کاست حقوق مردمی که از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی و جوامع حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و رعایت آنها از وظایف حکومتگران می باشد.

رضا شهابی می نویسد؛ ما کارگران خواستار :

۱- افزایش دستمزدها بر اساس ماده ۴۱ قانون کار .

۲- تشکیل تشکل های مستقل و مورد نظر کارگران و به رسمیت شناختن این تشکل ها توسط دولت .

۳- حق اعتصاب و اعتراض و تجمع و راهپیمایی .

۴- تضمین امنیت شغلی همه ی کارگران به ویژه لغو هر گونه قرارداد موقت و سفید امضاء و حذف واسطه های پیمانکاری.

۵- متوقف کردن اخراج ها و بیکار سازی های گسترده .

۶ - لغو سه جانبه گرایی که همیشه در نهایت به نفع سرمایه داران بوده است .

۷ - ایجاد کار برای هر کارگر آماده به کار و بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار .

۸ - تساوی حقوق زن و مرد و رفع هر گونه ستم به زنان به ویژه ستم مضاعف کارفرمایان بر زنان کارگر .

۹ - پایان دادن به دستگیری کارگران و آزادی بی قید و شرط تمام کارگران زندانی و بازگشت به کار همه آنها یا پرداخت ۵۰ درصد حقوق طبق ماده ۱۷ قانون کار و پرداخت حق بیمه به همسر و فرزندان تا زمان رفع محکومیت .

۱۰ - لغو کار کودکان و ایجاد شرایط مادی و روحی مناسب برای رشد کودکان آسیب دیده و بی سرپرست .

۱۱ - گنجانیدن روز کارگر در تقویم کشوری به عنوان روز تعطیل رسمی .

۱۲ - توقف خشونت ها و تبعیض دولتی و غیر دولتی علیه کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان و برخورداری کامل آنها از حقوق شهروندی و کارگری .

۱۳ - لغو احکام ناعادلانه قضایی شامل اعدام، شلاق، جریمه، حبس، تبعید و غیره علیه فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی .

۱۴ - لغو مجازات مرگ .

هستیم .

فعالان دوسندیکای کارگران خبازی های شهرسندج و حومه، سندیکای کارگران خبازی های مریوان و سروآباد، اینگونه می نویسند:

۱ - برسمیت شناخته شدن روز جهانی کارگر به عنوان روز تعطیل رسمی در ایران و برپایی مراسم های این روز بطور مستقل.

۲- ما کارگران خباز، تعیین حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومان برای کارگران را توهین به شان کارگران می دانیم و خواهان لغو جلسات سه جانبه برای تعیین حداقل دستمزدها هستیم.

۳- ما کارگران خباز افزایش دستمزدهای خود را بر اساس گران شدن قیمت نان غیر قانونی دانسته و خواستار احتساب دستمزدهای خود بر اساس تورم واقعی در کشور می باشیم.

۴ - ما خواهان اجرایی کردن کامل قانون مشاغل سخت و زیان آور، برای کلیه کارگران شاغل در این صنف می باشیم و خواستار آن هستیم تا کارگران خباز از بازنشستگی پیش از موعد بهره مند گردند.

۵- ما خواهان امنیت شغلی کارگران در کارگاههای زیر پنج نفر می باشیم.

۶- ما کارگران خباز لایحه اصلاحیه قانون کار را حمله ای آشکار به معیشت کارگران می دانیم و خواستار عدم اجرای این لایحه هستیم.

۷- ما کارگران خباز تشکل های مستقل کارگری را حق قانونی خود می دانیم و خواستار برسمیت شناخته شدن تشکلات مستقل کارگری از طرف دولت هستیم.

۸- ما کارگران خباز هر گونه اهانت به کرامت انسان علی الخصوص زنان را در جامعه محکوم می کنیم و خواستار احتساب حقوق متساوی برای زن و مرد در جامعه هستیم.

۹- ما ضمن محکوم کردن کار کودکان خواهان برچیده شدن این عمل غیر انسانی در اجتماع هستیم.

۱۰- مدیریت درمان تامین اجتماعی استان به وعده خود وفا کند و درمانگاهی که قرار بود برای ۱۳ هزار بیمه شده اصلی شهرستانهای مریوان و سروآباد احداث کند را عملی کند.

زنده باد روز همبستگی طبقاتی کارگران

اردیبهشت ۱۳۹۲

منابع روزشمارکاری فروردین ماه سال ۱۳۹۲، همچون دفعات پیشین آنچه در این مجموعه به نظرتان می رسد،

گردآمده از منابع گوناگون از جمله : خبرگزاری های دولتی ایران (ایلنا - ایسنا - مهر - سایت آفتاب، وسایت فرارو، سلامت نیوز...) و سایت های اصلاح طلب (کلمه ی کارگری - آوای کارجنبش سبز - جرس - اعتماد وسحام نیوز....) و روزنامه خراسان و دنیای اقتصاد و ...، تشکل ها، نهادها وسایت های مستقل مانند : (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه، جمعی از فعالان کارگری ایران خودرو، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، خبرنامه مازندران، سایت میدان زنان، کمیته حمایت از شاهرخ زمانی، کمیته دفاع از رضا شهابی - کانون صنفی معلمان تهران، کردستان میدیا، آسمان دلی نیوز وغیره) در داخل وخارج وهمینطور امکانات خبررسانی های خارج از کشور (تارنمای چشم انداز کارگری، سایت روشنگری، افق روشن، وبلاگ کارگری راه کارگر، سایت خبری راه کارگر وغیره ...) وخبرهای دریافتی به ایمیل آدرس روزشمار کارگری فراهم آمده وبه نظرتان می رسد.

اضافه نمایم؛ علاقمندان به روزشمارکاری، برای دست یابی به آرشیوروزشمارکاری سال های پیشین و جداول استخراج و جمع بندی آن ها ،می توانند با آدرس ایمیل روزشمارکاری ایجاد ارتباط نمایند تا لینک های آنان خالصانه در اختیارشان قرار گیرد .

خوشحال می گردیم که فعالان کارگری، مدافعان حقوق کارگران وهرآنکس که روزشماربه دستش می رسد، بتواند نکته نظر ها وانتقادات سازنده وموثر خود رابرسر این مجموعه کاربا من درمیان نهد .

بیش ازهرچیز از دریافت ایمیل های شما خرسند گشته وخواهم آموخت .

با دوستی و رفاقت

امیرجوهری لنگرودی

Rooshomar_k@yahoo.com

اخبار روز شمار کارگری فروردین ماه سال ۱۳۹۲

بهار آمد نبود اما حیاتی !

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است که ؛ فرا رسیدن بهار می تواند آغازی نو در مسیر ساختن یک زندگی بهتر باشد؛ آغازی برای ترک زشتی ها و عادات بد و شروعی تازه برای یک زندگی انسانی همراه با آسایش و رفاه برای تمام جامعه و نه تنها برای درصد کمی از آن. پس به استقبال نوروز می رویم، برای با هم بودن، بهتر بودن و بهتر زیستن .

هموطنان عزیز! نوروز در حالی فرا می رسد که سال گذشته سالی پرفراز و نشیب برای اکثریت زحمتکش جامعه بود؛ مردم در شرایط سخت اقتصادی و معیشتی، تورم افسارگسیخته، نداری و بیکاری سال را به آخر رساندند! از صمیم قلب امیدوارم در سال جدید با اتحاد و همبستگی طبقاتی بتوانیم گامی در مسیر زدودن تاریکی ها و ناعدالتی ها برداریم و زندگی بهتری برای فرزندانمان - که آینده متعلق به آنهاست - بسازیم . سال نو و عید نوروز را به عموم کارگران، زنان و مردان آزادیخواه و عدالت طلب ایران، افغانستان و دیگر کشورهای منطقه که نوروز را جشن می گیرند و هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان و همچنین به همکاران عزیزم در سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه و نیز معلمان، پرستاران، دانشجویان، زنان و مادران داغ دیده، شخصیت های مردمی و کلیه کارگران زندانی، زندانیان سیاسی و خانواده های آنان شادباش می گویم و آرزو می کنم که سال جدید عالیتین و شایسته ترین دستاوردها را برای همه این عزیزان به همراه داشته باشد .

نوروز ۱۳۹۲

رضا شهابی

عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

پیام تبریک سال نوي بهنام ابراهيم زاده وبلاگ نویس وفعال کودک وکارگري

به کارگران وزنان وبه آنان که کار مي کنند رنج مي کشند واز اين رو پیکار مي کنند.

به نام صلح ودمکراسي وآزادي وبرابري براي همگان ؛ به تمامي افرادي که آزادي را درآغوش مي گیرند و براي آن احترام قائلند سلام و درود وتبریکات سال نوتقدیمشان باد.

خطاب من بیش از همه به زنان فروتن ومتواضع کشورمان زنان ودختران روستايي وشهري وکارگران که به ما اعتقاد دارند زنان ومرداني که در کارخانه ها وشرکتها وکوره آجر پزي ها بیشه ها ومزارع ساعتها ي طولاني کار مي کنند ومادرائیکه آوازخوانان توان روحیه رزمنده جواني شان را در راه جنبش کارگري و دانشجوي ايران صرف کرده اند.

مردان وزنان وکارگران وکشاورزان ؛ روشنفکران ، جوانان ودانشجویان و معلمان. همه آنهاي که دراین روز هاي سخت ودشوار وحشناك در اینروزهاي که تنها فرزند م نيماي عزيزدر بستر بيماري است لحظه اي ما را تنها نگذاشتندودر کنارمان بودند خانواده زندانيان سياسي وهمه آنهاي که قلبشان

براي يك دنيايبهتر و آزادي و برابري مي تپد.

سال نو را به همه این عزیزانتبریک مي گویم.

به امید سال رهايي وآزادي و رهايي از فقر وفلاکت ونويد دنيايي بهتروشاد وخلاق

بهنام ابراهيم زاده عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگري؛ وعضو جمعیت دفاع از کودکان کار وخیابان.

اول فروردین 92

بخوان به نام گل سرخ در صحاری شب

که باغ ها همه بیدار و بارور گردند

امسال بهار را در شرایطی آغاز می کنیم که فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر کارگران و زحمتکشان هم چنان تداوم دارد، گرانی های سرسام آور و افزایش ناچیز دستمزدها برای سال آینده هم چنان حاکی از سخت تر شدن زندگی برای اکثریت قاطع مزد و حقوق بگیران و کسانی است که مجبورند نیروی کار خود را بفروشند تا زندگانی را بگذرانند. تحریم های بین المللی که لبه ی تیز آن متوجه مردم تحت ستم است گذران زندگی را هر روز سخت تر کرده و بر نگرانی ها می افزاید. از يك سو گسترش خصوصي سازي و از سوي ديگر موج بيكارسازي گريبان جامعه را گرفته است، درعين حال فعالان کارگری و اجتماعی براي کوچک ترین اعتراضی نسبت به این همه ستم، هم چنان تحت فشار های زندان و تعقیب قرار دارند.

اما مگر قرار است زمستان دائمی باشد و شب بی پایان . سرسختی زمستان در برابر ضرورت رویدن جوانه ها سر فرود می آورد و نسیم صبح هر بامداد نوید می دهد که شب زندگی را پایانی است که آن هم از درون تلاش و کوشش ما برمی خیزد.

از همین رو بهار را با امید سالی بهتر و پربارتر آغاز می کنیم و نوید روزهای پربارتری را به جوانه های نو رسیده این باغ خزان زده می دهیم زیرا که عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

نوروز 1392

بیانیه نوروزی اتحادیه آزاد کارگران ایران: سرسبزی بهار را سرلوحه آغازی پرشکوه قرار خواهیم داد



به نوشته سایت خبری راه کارگر آمده است : اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت نوروز بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه خطاب به کارگران و مردم ایران آمده است. کارگران و مردم ایران؛ سالی دیگر در حال بر آمدن از پس تلاش ها و آرزوها و امیدهای ما مردم ایران است. سال گذشته ما کارگران ایران روزهای بسیار سختی را سپری کردیم و برای ماندن و زیستن لحظه ای از حرکت باز نایستادیم و قدم به قدم برای دست یابی به حقوق انسانی مان مبارزه کردیم. اینک سالی دیگر و بهاری دیگر پیش روی ماست، اما سال پیش رو برای ما مردم ایران سالی سخت تر و به همان درجه تعیین کننده تر از همیشه خواهد بود بطوریکه به جرات می توان گفت وضعیت حاضر چنان وضعیتی نیست که طبقه کارگر و عموم توده های زحمتکش مردم ایران برای دوره ای دیگر و سالی دیگر قادر به ماندگاری و ادامه حیات بر روی پایه های آن باشند. شرایط تحمیل شده بر ما کارگران در تحمل ناپذیرترین وضعیت قرار دارد و به یقین چنانچه به فوریت گشایش و بهبودی در شرایط معیشتی توده های میلیونی طبقه کارگر ایران صورت نگیرد سال پیش رو سال اعتراضات گسترده کارگری خواهد بود. اتحادیه آزاد کارگران ایران با درک عمیق و احساس مسئولیت بسیار بالایی در قبال وضعیت حاضر، همراه با عموم کارگران و مردم ایران به استقبال سال نو می رود و با تبریک فرا رسیدن عید نوروز به آنان، آغاز بهاری تازه را در کنار خانواده های کارگران جان باخته، خانواده های کارگران دربند و خانواده های تمامی زندانیان آزادیخواه گرامی می دارد و به همه عزیزانی که بدلیل دفاع از حقوق انسانی خود و کارگران و مردم ایران در کنج زندان ها هستند درود می فرستد، دست آن ها را می فشارد و سبدها سبید شکوفه بهاری نثار این عزیزان می کند. ما حیات و سرسبزی و طراوت را برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار کنونی سرلوحه آغازی پر شکوه در سال جدید قرار خواهیم داد و همدوش با کارگران در سراسر کشور کشور لحظه ای از حرکت برای دست یابی به مطالبات انسانیمان باز نخواهیم ایستاد.

بدون شرح

رهبر معظم انقلاب در پیام به مناسبت حلول سال جدید:
سال ۹۲ را به عنوان «سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نامگذاری می‌کنیم

خامنه‌ای ... در پیام به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۲، با اشاره به حرکت رو به جلوی ملت ایران در سال گذشته بویژه در مواجهه ی اقتصادی و سیاسی با جهان استکبار، چشم انداز سال ۹۲ را امیدوارانه و همراه با پیشرفت و تحرک و ورزیدگی و حضور جهادی ملت ایران در عرصه های سیاسی و اقتصادی دانستند و تاکید کردند: با این نگاه، سال ۹۲ را "سال حماسه ی سیاسی و حماسه ی اقتصادی" نامگذاری می کنیم. به گزارش ایلنا، بخش هایی از پیام خامنه ای به این شرح است:

...ساعت تحویل و هنگام تحویل، در حقیقت حد فاصلی است بین یک پایان و یک آغاز؛ پایان سال گذشته و آغاز سال نو. البته نگاه عمده ما باید به طرف جلو باشد؛ سال نو را ببینیم، برای آن خودمان را آماده کنیم و برنامه ریزی کنیم؛ اما حتماً نگاه به پشت سر و راهی که طی کرده ایم هم برای ما مفید است، برای این که ببینیم چه کرده ایم، چگونه حرکت کرده ایم، نتایج کار ما چه بوده است، و از آن درس بگیریم و تجربه بیاموزیم.

سال ۹۱ مثل همه سال‌ها، سالی متنوع و دارای رنگ‌ها و نقش‌های گوناگون بود؛ شیرینی هم داشت، تلخی هم داشت؛ پیروزی هم داشت، عقب ماندگی هم داشت. زندگی انسان‌ها در طول حیات، همیشه همین جور است؛ با کش و قوس‌ها همراه است، با فراز و نشیب‌ها همراه است؛ مهم این است که از نشیب‌ها خارج شویم، خودمان را به اوج‌ها برسانیم....

در زمینه اقتصاد البته بر مردم فشار وارد آمد، مشکلاتی ایجاد شد؛ بخصوص که اشکالاتی هم در داخل وجود داشت؛ برخی از کوتاهی‌ها و سهل انگاری‌ها انجام گرفت که به نقشه‌های دشمن کمک کرد؛ لیکن در مجموع، حرکت مجموعه نظام و مجموعه مردم، یک حرکت رو به جلو بوده است و ان شاء الله آثار و نتایج این ورزیدگی را در آینده خواهیم دید.

در عرصه سیاست، از یک جهت همت آن‌ها این بود که ملت ایران را منزوی کنند، از جهت دیگر ملت ایران را دچار دودلی و تردید کنند؛ همت آن‌ها را کوتاه و ضعیف کنند. ... در زمینه مسائل داخلی، کارهای بزرگی هم بحمدالله در طول سال انجام گرفته است؛ تلاش‌های علمی، کارهای زیربنایی، تحرک فراوان مسوولین و مردم. زمینه‌ها برای حرکت رو به جلو و ان شاء الله جهش، فراهم شده است؛ هم در زمینه ی اقتصاد، هم در زمینه سیاست، و هم در همه زمینه‌های حیاتی دیگر...

البته آنچه را که ما در سال ۹۲ در پیش رو داریم، باز عمدتاً در دو عرصه ی مهم اقتصاد و سیاست است. در عرصه ی اقتصاد، به تولید ملی باید توجه شود؛ همچنان که در شعار سال گذشته بود. البته کارهایی هم انجام گرفت؛ منتها ترویج تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی، یک مسئله ی بلندمدت است؛ در یک سال به سرانجام نمی‌رسد. خوشبختانه در نیمه ی دوم سال ۹۱ سیاستهای تولید ملی تصویب شد و ابلاغ شد یعنی در واقع این کار ریل گذاری شد که بر اساس آن، مجلس و دولت میتوانند برنامه ریزی کنند و حرکت خوبی را آغاز کنند و ان شاء الله با همت بلند و با پشتکار پیش بروند.

در زمینه امور سیاسی، کار بزرگ سال ۹۲، انتخابات ریاست جمهوری است؛ که در واقع مقدرات اجرایی و سیاسی، و به یک معنا مقدرات عمومی کشور را برای چهار سال آینده برنامه ریزی می‌کند. ان شاء الله مردم با حضور خودشان در این میدان هم خواهند توانست آینده نیکی را برای کشور و برای خودشان رقم بزنند. البته لازم است هم در زمینه ی اقتصاد، هم در زمینه سیاست، حضور مردم حضور جهادی باشد. با حماسه و با شور باید وارد شد، با همت بلند و نگاه امیدوارانه باید وارد شد، با دل پر امید و پر نشاط باید وارد میدان‌ها شد و با حماسه آفرینی باید به اهداف خود رسید. با این نگاه، سال ۹۲ را به عنوان «سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نامگذاری می‌کنیم و امیدواریم به فضل پروردگار، حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی در این سال به دست مردم عزیزمان و مسوولان دلسوز کشور تحقق پیدا کند....

فشار بر خانواده های فعالین کارگری در سنندج

به گزارش رسیده به روز شمار کارگری در اول فروردین 92 آمده است: هم زمان با بازداشت غالب حسینی در محل کارش، نیروهای امنیتی با یورش به منزل شخصی اش، اقدام به بازداشت موقت همسر ایشان خانم گلباغ بهمنی نموده، و با انتقال او به اداره ی اطلاعات، وی را به مدت چند ساعت مورد بازجویی قرار دادند؛ تا بدین وسیله، و با زیر فشار قرار دادن خانواده ی این فعال کارگری، عرصه را هر چه بیشتر براو تنگ نمایند. شایان ذکر است نیروهای امنیتی با توسل به تهدید خانم گلباغ بهمنی، و تحمیل فشار روانی بر ایشان، سعی بر شکستن مقاومت نام برده و دست شستن از حمایت همه جانبه اش از فعالیت های کارگری شوهرش نمودند، که نامبرده با مقاومت خود، بار دیگر بر حقانیت فعالیت های غالب حسینی و دیگر فعالین کارگری تأکید ورزید.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم نمودن اعمال فشار بر خانواده های فعالین کارگری، خواهان آزادی هر چه سریعتر وفا قادری، علی آزادی، حامد محمودنژاد، بهزاد فرج الهی، شریف ساعد پناه، خالد حسینی و غالب حسینی و همچنین آزادی کارگران و زندانیان سیاسی می باشد.

تجمع خانواده های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... آمده است: ... بار دیگر خانواده های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج برای پیگیری وضعیت عزیزانشان در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات در این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی بود که خانواده ها طبق قرار قبلی اعلام کرده بودند که اگر عزیزانشان را آزاد نکنند سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری پهن خواهند کرد و سال تحویل در آنجا خواهند بود؛ اما نیروهای امنیتی حاضر در محل با حمله به تجمع خانواده ها از برگزاری مراسم سال تحویل ممانعت به عمل آورده و سفره هفت سین آنان را جمع کردند.

لازم به ذکر است که امروز یکی دیگر از فعالین کارگری سنندج و عضو کمیته هماهنگی به نام کوروش بخشنده طی تماسی تلفنی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود که پس از ۲ ساعت بازجویی به وی ابلاغ کرده بودند که تا ۱۵ فروردین فرصت دارد که از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری استعفا داده در غیر این صورت با وی برخورد خواهد شد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن دستگیری و احضار فعالین کارگری، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط ۷ فعال کارگری بازداشتی در شهر سنندج و همچنین آزادی سایر کارگران و زندانیان سیاسی دیند می باشد

تعطیلی ۴ هزار واحد صنعتی در سال ۹۱

به نوشته سایت ایران پرس نیوز و به نقل از گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در دوم فروردین 92 آمده است: معاون وزارت صنعت گفت، امسال ظرفیت تولید واحدهای تولیدی کشور 20 تا 30 درصد کاهش یافته است.

فخرالله مولایی همچنین از تعطیلی 4 هزار واحد در سال 91 خبر داد و گفت، 75 درصد مشکلات واحدهای تولیدی در این سال مشکلات ارزی و ریالی بوده است. گفتنی است سال 91 از سوی مقام معظم رهبری سال حمایت از تولید ملی نامگذاری شده بود.

اقدام متحدانه کارگران شرکت راهسازی ایران

براساس گزارش خبری ارسالی از بوشهر در تاریخ نوزدهم اسفند سال گذشته، در کارگاه بوشهر این شرکت شایعه شد که کار فرما قصد دارد ماشین آلات سنگین را به کارگاه کرمان منتقل نماید. کارگران که مدت ده ماه حقوق دریافت نکرده بودند به خشم آمده و به فکر چاره افتادند. کارگران ابتدا درب کارگاه را با زنجیر قفل کرده و سپس یک دستگاه میکسر و یکدستگاه غلطک را هم دو طرفش قرار دادند و اعلام کردند تا حقوق ها پرداخت نشود اجازه نخواهند داد، که هیچ وسیله ای از کارگاه

خارج شود. این حرکت کارگران، پس از سه روز کارفرما را وادار به عقب نشینی کرد. بخشی از حقوق کارگران نقدی و مابقی هم بصورت چک برای اردیبهشت ماه پرداخت شد. فعالین کارگری در همین رابطه می گویند زمانی که حرکت خودجوش کارگری باعث احقاق بخشی از حقوق آنها میشود، اگر تشکیلات حقیقی کارگری، مانند سندیکا اتحادیه یا هرتشکل مستقل ودموکراتیک دیگری، توسط کارگران و دیگر حقوق بگیران بوجود بیاید بسیاری از مشکلات کارگران میهن مان حل خواهد شد

تورم در سالی که گذشت / رکوردزنی در روزهای پایانی سال

به نوشته سایت خبر آنلاین: محمد هیراد حاتمی آمده است : گرانی ها در سال 1391 از همان روزهای نخست آغاز شد، موضوعی که معاون توسعه بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت آن را به صراحت در اردیبهشت 1391 اعلام کرد: « قطعاً گرانی وجود دارد اما باید میان گرانی و گران فروشی مرز بندی کرد. » اگر چه ضیغمی در میانه های سال 1391 از وزارت صنعت، معدن و تجارت رفت اما اینکه باید میان « گرانی » و « گرانفروشی » مرز بندی کرد موضوعی بود که به دفعات از سوی مسئولان اقتصادی و فعالان صنفی مورد تاکید قرار گرفت. آنها در حالی بر این مساله تاکید داشتند که موضوع « گرانی » بیش از « گران فروش » مشهود بود به طوریکه در سال 1391 نرخ تورم میانگین اقتصاد ایران از 21.8 درصد برای فروردین شروع شد و به طور حدودی 10 درصد افزایش پیدا کرد. بر همین اساس در روزهای پایانی سالی که گذشت نرخ تورم برای اسفند فراتر از 31 درصد برآورد شد. رسیدن نرخ تورم میانگین به سطحی بالاتر از 31 درصد از آبان سال 1375 به بعد سابقه نداشته است و بنابراین می توان گفت تورم در سال 1391 رکورد شکنی کرد . نرخ تورم میانگین در اقتصاد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی فقط از آبان 1373 تا آبان 1375 رقمی فراتر از 30 درصد را به ثبت رسانده بود و دیگر تا سال 1391 خودش را تکرار نکرده بود . «تورم » در حالی در سال 1391 رکورد زنی کرد که محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی، در روزهای ابتدایی اسفند به صراحت اعلام کرد نرخ تورم می تواندست رقمی بیش از آنچه هست، باشد و این سیاست های بانک مرکزی بوده که نرخ تورم را در سطح 31 درصد کنترل کرده است. به گفته رئیس کل بانک مرکزی، اگر اقدامات کنترلی بانک مرکزی در مدیریت عوامل شتاب دهنده تورم انجام نمی شد، نرخ تورم می توانست 14 واحد درصد از نرخ کنونی بیشتر باشد. رئیس کل بانک مرکزی در شرایطی اینگونه در رابطه کنترل نرخ تورم سخن گفت که روند افزایشی نرخ تورم تقریباً از مرداد سال 1389 آغاز شده بود. درست زمانیکه تب و تاب اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه ها در جامعه افتاده بود و حتی برخی کارشناسان خبر از تورم 50 درصدی پس از اجرایی شدن هدفمندی یارانه ها دادند. درمرداد 1389 نرخ تورم میانگین معادل 8.8 درصد گزارش شد و در پایان سال 1389 نرخ تورم به رقم 12.4 درصد رسید. گفتنی است نرخ تورم در اسفند 1390 نیز رقم 21.5 درصدی را ثبت کرد .

جدال بر سر اعلام نرخ تورم

از رقم های مربوط به نرخ تورم در سال 1391 که گذر کنیم نکته قابل توجه دیگر درباره تورم در سال گذشته این است که اعلام نرخ تورم به محل نزاع میان بانک مرکزی و مرکز آمار ایران تبدیل شد. جدال دیرین بانک مرکزی و مرکز آمار در خصوص مرجع رسمی و صاحب صلاحیت برای اعلام نرخ، از خبرهایی بود که در این سال چندین بار در رسانه ها مطرح شد. اوج یکی از این مجادلات به آنجایی مربوط شد که رئیس مرکز آمار کشور از اعلام انحصاری نرخ تورم در سال بعد از سوی این مرکز و پایان مرجعیت بانک مرکزی در اعلام نرخ تورم از سال 1392 خبر داده بود. امری که البته با مخالفت مسوولان بانک مرکزی مواجه شده بود. رئیس کل بانک مرکزی در گفت و گویی که با خبرنگاران سال 1391 داشت در همین رابطه گفت: « مرکز آمار نرخ تورم را اعلام کند. ما هم اعلام می کنیم. وظیفه بانک مرکزی است. البته تفاوتی که در آمار ارائه شده مشاهده می شود به سال پایه بر می گردد»

فشار بر خانواده های فعالین کارگری در سندج

به گزارش رسیده هم زمان با بازداشت غالب حسینی در محل کارش، نیروهای امنیتی با یورش به منزل شخصی‌اش، اقدام به بازداشت موقت همسر ایشان خانم گلباغ بهمنی نموده، و با انتقال او به اداره اطلاعات، وی را به مدت چند ساعت مورد بازجویی قرار دادند؛ تا بدین وسیله، و با زیر فشار قرار دادن خانواده این فعال کارگری، عرصه را هر چه بیشتر براوتنگ نمایند. شایان ذکر است نیروهای امنیتی با توسل به تهدید خانم گلباغ بهمنی، و تحمیل فشار روانی بر ایشان، سعی بر شکستن مقاومت نام برده و دست شستن از حمایت همه جانبه‌اش از فعالیت‌های کارگری شوهرش نمودند، که نامبرده با مقاومت خود، بار دیگر بر حقانیت فعالیت‌های غالب حسینی و دیگر فعالین کارگری تأکید ورزید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم نمودن اعمال فشار بر خانواده‌های فعالین کارگری، خواهان آزادی هر چه سریع‌تر وفا قادری، علی آزادی، حامد محمودنژاد، بهزاد فرج الهی، شریف ساعد پناه، خالد حسینی و غالب حسینی و همچنین آزادی کارگران و زندانیان سیاسی می‌باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری-۱ فروردین

ادامه تجمع خانواده های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج

به گزارش امروز چهارشنبه 30 اسفند ماه بار دیگر خانواده های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج برای پیگیری وضعیت عزیزانشان در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات در این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی بود که خانواده ها طبق قرار قبلی اعلام کرده بودند که اگر عزیزانشان را آزاد نکنند سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری پهن خواهند کرد و سال تحویل در آنجا خواهند بود؛ اما نیروهای امنیتی حاضر در محل با حمله به تجمع خانواده ها از برگزاری مراسم سال تحویل ممانعت به عمل آورده و سفره هفت سین آنان را جمع کردند.

لازم به ذکر است که امروز یکی دیگر از فعالین کارگری سنندج و عضو کمیته هماهنگی به نام کوروش بخشنده طی تماسی تلفنی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود که پس از 2 ساعت بازجویی به وی ابلاغ کرده بودند که تا 15 فروردین فرصت دارد که از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری استعفا داده در غیر این صورت با وی برخورد خواهد شد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم کردن دستگیری و احضار فعالین کارگری، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط 7 فعال کارگری بازداشتی در شهر سنندج و همچنین آزادی سایر کارگران و زندانیان سیاسی دربند می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

1 فروردین 1392

محکومیت دستگیری ها در سنندج

مربوان:

جمعی از فعالین اجتماعی شهر مربوان با انتشار بیانیه ای، بازداشت فعالین کارگری در سنندج را محکوم کردند. در بخشی از این اطلاعیه از جمله آمده است: "در تاریخ ۱۷ اسفندماه، یکروز مانده به ۸ مارس، مامورین امنیتی رژیم نیمه شب با یورش به منزل تعدادی از فعالین کارگری به اسامی وفا قادری، خالد حسینی، حامد محمودنژاد، علی آزادی و بهزاد فرج الهی اقدام به بازداشت و ضبط پاره ای وسایل شخصی آنان نمودند. باید خاطر نشان نمود که با گذشت یک هفته، نامبردگان همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند و هیچگونه تفهیم اتهامی در خصوص دستگیری این فعالین کارگری صورت نگرفته و مراجعه مکرر خانواده های آنان با پاسخ های مبهم وضد و نقیض مواجه گردیده است. ما ضمن محکوم نمودن بازداشت این فعالین کارگری، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان بوده و از تمامی تشکلهای اجتماعی و نهادهای حقوق بشر و انسانهای آزادیخواه و

برابری طلب، خواستاریم که حمایت خود را از بازداشت شدگان به هر طریق ممکن اعلام نمایند
کرمانشاه:

"انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه" با انتشار اطلاعیه ای ضمن محکوم کردن بازداشت فعالین کارگری در سنندج، خواستار آزادی فوری آنان گردید. در بخشی از این اطلاعیه تصریح شده است: "بیش از یک هفته از بازداشت شش فعال کارگری به نام های وفا قادری، حامد محمودنژاد، بهزاد فرج اللهی، علی آزادی، خالد حسینی اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و شریف ساعدپناه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران می گذرد و هنوز هیچ خبری از آزادی این افراد نیست. این انسانهای شریف هیچ جرمی مرتکب نشده اند که باید جایشان در بازداشتگاه باشد. اینها کسانی هستند که به فقر و بی عدالتی، به حقوق چندین برابر زیر خط فقر ۴۸۷ هزار تومانی اعتراض داشته اند. اینها خواستاریک زندگی انسانی برای همه و از جمله کارگران هستند و تنها به این جرم بازداشت و زندانی شده اند." ۱۱ روز از بازداشت ۵ کارگر عضو کمیته هماهنگی؛ وفا قادری، بهزاد فرج اللهی، خالد حسینی، حامد محمودنژاد، علی آزادی و ۸ روز از بازداشت شریف ساعد پناه عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران میگذرد. در این مدت خانواده های دستگیر شده همگام و در حمایت از تعدادی از شهروندان در سنندج برای آزادی فوری دستگیر شدگان دست به اعتراض و تجمع زده اند. هم اکنون این اعتراضات ادامه دارد. دستگیری فعالین کارگری شگرد دائمی و سازمانیافته و آگاهانه اداره اطلاعات جمهوری اسلامی است. مزدوران جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست "گروگانگیری" کارگران در هر دوره ای اهداف خاص و معینی را تعقیب کرده است. با نزدیک شدن به مراسمهای روز جهانی زن، اول ماه مه روز جهانی کارگر به عملی کردن سیاست "گروگانگیری" افزوده و عملاً بخشی قابل توجه از انرژی و توان فعالین کارگری و جنبش برابری طلبانه زنان را در زندانها از آنها گرفته است. سیاست "گروگانگیری" از طبقه کارگر و جنبش برابری زنان در خدمت جلوگیری از همایش، اعتراض، گردهمایی و راه پیمایی و گرامیداشت روز کارگر و روز جهانی زن است. همراه با اتخاذ این سیاست ها، اعتراض و تلاش برای خنثی کردن تعرض اداره اطلاعات وجود داشته است. چاره کارگران و مردم سنندج در این شرایط برای آزادی دستگیر شدگان چند روز گذشته وسیع کردن دامنه اعتراضات است. حمایت مردم و جوانان و مدارس و دانشگاه ها از اعتراضات خانواده های دستگیر شده بقدرت و توان این اعتراضات میفزاید. فرستادن اکیپ های چند نفره از خانواده های دستگیر شده به کارخانه ها، مراکز تجمع کارگری، مدارس و دانشگاه ها و دعوت از آنها به منظور حمایت از تجمعاتشان گام اول در خنثی و به شکست کشاندن سیاست "گروگانگیری" و به زندان انداختن فعالین کارگری است. هر تعرض به رهبران کارگری در ایران با انبوه تر شدن صف اعتراضی مستقل کارگری در ایران و رشد جنبش همبستگی بین المللی کارگری پاسخ خواهد گرفت

من شمع رسوا نیستم تا گریه در محفل کنم

عید نوروز فرا می رسد:

چشمان مضطرب کودک به در دوخته شده، پدر از راه می رسد خسته و درمانده، خشم سرپای وجود کودک را فرا گرفته ونهیب پر سوز او وجود پدر را نشانه رفته است.... در دستان پدر چیزی وجود ندارد.... مجری تلویزیون با لبخند ادامه می دهد، امام علی می فرمایند: عید ما روزیست که در آن گناه نکرده باشیم.

پدر مات و مبهوت است بالاخره تصمیم خود را می گیرد - پیش تر هم به آن فکر کرده بود - اطراف خیابان ناصر خسرو تهران قدم می زند. به او می گویند به دنبال اعلامیه های نصب شده بر در و دیوارها باشد، اما پیش تر بهتر است گزارشی از (کلیه) خود را از طرف پزشک در دست داشته باشد در این صورت راحت تر می تواند برای فروش کلیه خود اقدام کند!!! هرکلیه بین پنج تا شش میلیون تومان معامله می شود.

رویداد ذکر شده کاملاً واقعی و شرحی که گذشت مربوط به یکی از کارگران شرکت ایرانی می باشد.

البته در شرایطی که همه کارگران در فقر و ناداری زندگی می کنند این بار نیز حمیت و غیرت کارگران دست به دست داده و مقدار پولی تهیه و در اختیار این کارگر عزیز گذارده شد تا چشمان بی رمق

کودک خردسال در دستان پدر هدایای نوروزی ببیند. در مورد این کارگر کلیه فروشی به تعویق افتاد!!!

دردا که این معما شرح و بیان ندارد.

آنانکه احادیث معنوی بر پرده نمایش ریا و تزویر خود نگارش می کنند، پرده رنگینی از نام و رسم کارگر تصویر می کنند و شعر شرمندگی کارگری بی نوا در برابر فرزند خرد سال را پشت پرده بی حمیتی خود جا ساز می کنند، نمی دانند و یا نمی خواهند بفرماند کارگر ضجه کودک بی نواست، کارگر تابلوی دستان پینه بسته است، شعری از قلب پر کینه، شعری از زنجیر سنگین استثمار و شعری از خشم و خروش و شعری از غارتگران پر مدعاست. فرصت طلبان بی درد سرود رهایی را به نام کارگر خواندند. جسم ها را از زنجیر آزاد کردند و در ازای آن روح ها را به زنجیر کشیدند. و البته با صدای بلند و برای فریبکاری دغدغه درد و محرومیت کارگر را سر دادند.

زورآزمایی و ارایه چهره خشن پلیسی در برابر بازوان خسته اما شرافتمندانه کارگر تحت هر نام و عنوانی حاکی از زبونی و بی حمیتی عوامل بی دردی است که عامل بقای خود را در خطای نام کارگر می بینند.

در حالی که امروز در شرایط سخت اقتصادی چرایی اعمال فشار بر توده زحمتکش کارگری هیچ توجیه و ادله قابل قبولی ندارد.

در عید سعید نوروز آزادی کلیه کارگران زندانی را فریاد می داریم. زود خواهد بود که ببینند عوامل بی درد که خشم آتشین کارگر، هراسی عظیم در تاروپود آنان اندازد. مزدگانی که گل از غنچه برون می آید. باشد که کارگران به موجی عظیم برای نابودی علفهای هرز کشورمان تبدیل شوند

آنروز دیر نیست... کارگران برای روز موعود لحظه شماری می کنند. به زودی تمام جهانیان صدای آن را خواهند شنید.

قاسم دبیری - عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران

جنگ بر سر حداقل مزد تازه آغاز شده است

بر پایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است : بیش از ۱۰ ماه است که طومار سی هزار امضاء اعتراضی، مطالباتی کارگران به بستری مهم برای فریاد حق طلبی طبقه کارگر از مسئولین حکومتی تبدیل شده است به شماره نامه های ۹۱/۵/۲۵-۸۳۸۸۱، ۹۱/۷/۱۶-۱۰۲۰۸۸ و ۹۱/۷/۱۶-۱۵۸۷۴۰-۹۱/۱۰/۵.

هریک ده هزار امضاء در ماههای خرداد، مهر و آذر تحویل وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و رونوشت آن ها به مجلس و دفتر ریاست جمهوری داده شد. در این طومار بر مطالبات عاجل میلیون ها کارگر در سراسر کشور از قبیل لغو قراردادهای موقت، برچیده شدن شرکت های پیمانکاری، به سرانجام رسیدن بیمه کارگران ساختمانی، پرداخت حقوق های معوقه، اجرای قوانین کارهای سخت و زیان آور، تعیین حداقل مزد بر اساس ماده ۴۱ قانون کار با شرکت و دخالت مستقیم نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران، حقوق بازنشستگان و توقف اصلاح قانون کار بر مبنای پیش نویس لایحه ضدکارگری دولت و... به صورت مشخص تاکید شده است.

بدون شک این طومار به عنوان یک قدم اولیه بستر مناسبی برای پیشبرد مطالبات میلیون ها کارگر در سراسر کشور بود. میلیون ها کارگری که تا آنجا که به طرح و پیشبرد مطالبات سراسری کارگران مربوط می شود سالهاست هیچگونه وسیله و ابزاری برای ابراز وجود و بیان مشکلات و دردهای مشترک خود نداشتند. در این میان سی هزار کارگر با اسم و رسم و ذکر نام محل کار خود سندی را امضاء کردند که بیانگر بخشی از اعتراضات و مطالبات آنان بود. این سند بخشی از هویت آشکار مبارزه طبقاتی در ایران است و در آن امید به آینده و تغییر با امضاء هر یک از این سی هزار نفر کارگر تبلور عینی یافته است. فریاد رسای سی هزار انسان، سی هزار کارگر به وسط صحنه عمل اجتماعی کشانده شد و آنان با صدای رسایی اعلام کردند ما زنده ایم، ما کار می کنیم و شادی و رفاه می خواهیم. ما باید از حق زندگی انسانی برخوردار باشیم.

هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی مطالباتی با تکیه بر همبستگی کارگران با انتشار مراحل سه گانه ده هزار امضاء که در اکثر رسانه های خبری، مطبوعات و سایت ها انعکاس یافت خواسته های خود را که به صورت حل نشده ای بر روی میز دولت و مجلس و مسئولین بود به موضوع روز جامعه بدل

کردند و این خود گام اول موفقیت کارگران بود. هماهنگ کنندگان بر خواسته‌های کارگران در تحصن ۲۸ آذر ماه خود در مقابل مجلس شورای اسلامی پافشاری کردند و در مذاکرات و کشمکش‌های خود با نایب رئیس مجلس، رئیس کمیسیون اقتصادی، وزیر کار، استانداری تهران، دفتر پیگیری وزارت اطلاعات و معاون روابط کار وزارت کار بدون اینکه یک میلیمتر از مطالبات کارگران عدول کنند پاسخگویی و حل مسائل معیشتی کارگران را بر روی میز آنان گذاشتند. استدلال ما روشن و شفاف بود. هدف ما دستیابی به مطالبات خود و بهبود شرایط معیشتیمان بود اما این حرکت در عین حال در بطن خود می‌تواند به عالیت‌ترین اشکال بروز حرکت‌های متحدانه کارگری نیز تبدیل بشود شاید به همین دلیل هم بود که یکی از اتهامات هماهنگ کنندگان طومار از سوی مأمورین امنیتی چسباندن سی هزار کارگر به همدیگر عنوان شد. اینک اگر حتی استانداری تهران مجوز تجمع ما کارگران معترض را صادر نکند و یا هرگونه تجمعی اعتراضی حول مطالبات مطرح شده در طومار اعتراضی ممنوع شود هرگز ذره‌ای از حق خواهی خود کوتاه نخواهیم آمد و هر گونه هزینه‌ای را نیز برای این حق خواهی خواهیم پرداخت. بر این اساس و در سال پیش رو اولویت اصلی ما تعیین حداقل مزدی است که حق حیات ما را به رسمیت بشناسد و بر اساس مولفه‌های زیر در حداقل مزد مصوب شورای عالی کار تجدید نظری فوری و اساسی صورت بگیرد:

۱- طبق ماده ۴۱ قانون کار تعیین حداقل مزد می‌باید متناسب با نرخ تورم و مهم‌تر از آن بر اساس تامین سبد هزینه یک خانوار چهار نفره تعیین شود بطوریکه یک خانواده چهارنفره از یک زندگی شرافتمندانه‌ای برخوردار شود.

۲- چون نرخ واقعی تورم اعلام نمی‌شود لذا طبق واقعیات موجود و بر اساس سبد هزینه ۳۹ قلم کالای اساسی زندگی، حداقل مزد یک کارگر می‌باید بالای ۱/۵۰۰/۰۰۰ باشد تا یک خانوار کارگری قادر به ادامه حیات باشد.

۳- افزایش حقوق کارگران بالاتر از ۱/۵۰۰/۰۰۰ چیزی حدود ۷ تا ۹ درصد هزینه‌های تولید را شامل می‌شود و این مبلغ برای یک خانواده کارگری نه تنها مصرف می‌شود بلکه کم هم می‌آید از این رو بر خلاف ادعاهای واهی موجود مطلقاً تأثیری بر افزایش قیمت‌ها نخواهد گذاشت

۴- براساس طرح آزاد سازی قیمت‌ها (هدفمندی یارانه‌ها) همه اقلام زندگی از خوراک و پوشاک تا مسکن و لوازم خانگی و دارو و درمان و... تا چندین برابر افزایش قیمت داشته‌اند نتیجتاً این یک امر بدیهی است که حداقل مزد کارگران نیز همچون قیمت سایر کالاها واقعی شود.

بر اساس گزارش‌های رسمی منتشر شده اکنون هزینه‌های زندگی بیش از چهار برابر حداقل مزد می‌باشد. بدون تردید نرخی که در شورای عالی کار (۲۵ درصد افزایش حداقل مزد) تعیین شده با ساز و کار و شاخص‌هایی که در ماده ۴۱ آمده است مغایرت بسیار فاحشی دارد و این اعلام جنگی آشکار بر علیه کارگر ایران است. حداقل حقوق ۴۸۷ هزار تومانی هیچگونه توجیه قانونی، عقلانی، اخلاقی و انسانی ندارد و با هیچ استاندارد و شاخص اجتماعی و اقتصادی مطابقت ندارد. تصویب چنین میزانی از حداقل مزد آنهم در شرایطی که سی هزار کارگر خواهان افزایش چندین برابری حداقل مزد بودند، اگرچه ماهیت ضد کارگری جناح‌های حاکم سرمایه داری در ایران از سال‌ها قبل برای کارگران آشکار بود اما همه عوام فریبی‌های تشکلهای ضد کارگری و دست ساخته دولتی و جناح‌های مختلف و به ظاهر متضاد حکومتی را به مضحک‌ترین شکلی بیش از پیش آشکار کرد. دولت و کارفرمایان با اعلام ۴۸۷ هزار تومانی حداقل مزد ما را به لبه پرتگاه دره‌ای از گرسنگی و مرگ و فلاکت عقب راندند و اکنون دیگر جایی برای ذره‌ای تمکین و عقب نشینی باقی نمانده است. برای ما کارگران پرونده تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۲ نه تنها مختومه نشده بلکه جنگ بر سر حداقل مزد تازه آغاز شده است و ما برای لغو این مصوبه و تعیین حداقل دستمزدی که حق حیات، آبرو و شرافتمان را تضمین کند خواهیم جنگید.

شاپور احسانی راد از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران- دوم فروردین ماه ۱۳۹۲
دوم فروردین ماه ۱۳۹۱

اطلاعیه ی کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های کارگری اطلاعیه ای تحت عنوان «تعیین حداقل دستمزد به شیوه کنونی، کاهش معیشت کارگران است» منتشر کرده است:

افزایش دستمزدها که ظاهراً و در تبلیغات دولتی در قبال افزایش قیمت ها و نرخ تورم در ایران صورت میگیرد نه تنها حداقل معیشت کارگران را تعیین نمی کند، بلکه دهن کجی بزرگی به زندگی کارگران است.

با توجه به آمار و ارقامی که خود منابع دولتی از نرخ تورم و فزونی قیمت‌ها اعلام می کنند اینک به وضوح می توان هویت ضدکارگری (تعیین دست مزد) را مشاهده کرد. چنین رفتاری با کارگران و نادیده گرفتن حداقل حقوق آنها، در حقیقت تدارک دیدن جنگی بزرگ بر علیه ۹۹٪ جامعه به شمار می رود. جنگی که در آن نهایتاً صف ضدکارگری مغلوب خواهد شد. این عرصه مبارزه جنگ طبقاتی که دولت به نمایندگی سرمایه داران در آن حضور فعالی دارد. سالهاست که کارگران به عقب رانده می شوند و شرایط سخت تر به آنها تحمیل می گردد که همچنان تداوم دارد. برای ساکت کردن کارگران همواره از شیوه ایجاد رعب و وحشت استفاده شده. دست به خشونت زدن و اعمال و رفتار غیرانسانی و دستگیری و زندانی کردن کارگران و فعالان کارگری (که اکنون تعدادی فعالان کارگری را در استان کردستان تحت پی گرد قرار دادند) این شیوه ها همانطور که اشاره شد روی دیگر سکه ای است که دولت برای به تمکین و داشتن کارگران در پذیرش شرایط برده داری نیروی کار انجام می دهد. پایین نگه داشتن سطح معیشت و حق زندگی کارگران از طریق کاهش قدرت خرید آنها و از سویی دستگیری و زندانی کردن کارگران خود بخود عرصه فلاکت را بیش از پیش به روی کارگران می گشاید.

ما کارگران هیچ چاره ای جز مقابله با این شرایط خفت بار را نداریم. ما کارگران علاوه بر اینکه خواهان افزایش مجدد فصلی دستمزدهای کارگران هستیم، همچنین خواهان آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی می باشیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری
دوم فروردین ماه ۱۳۹۱

بازداشت کارگران محکوم است

در آستانه روز جهانی (۸ مارس) و سال نو تعدادی از کارگران به نامهای بهزاد فرج الهی، علی آزادی، وفا قادری، خالد حسینی، حامد محمودنژاد و غالب حسینی از اعضای کمیته هماهنگی و شریف ساعد پناه از اعضای اتحادیه آزاد بازداشت و زندانی شدند. این بازداشت‌ها در شرایطی انجام می‌گیرد که موج بیکاری فزاینده‌ای کشور را فرا گرفته و تورم افسار گسیخته و گرانی سرسام آور کمر طبقه کارگر را خم کرده است. مگر این کارگران چه خواسته‌ای داشتند که در آستانه سال نو بایستی در زندان باشند؟ جز اینکه خواستار دستمزد عادلانه و زندگی شرافتمندانه برای کارگران و مردم عزیز و رفع تبعیض بودند؟ آیا جای این انسانهای شریف در زندان است. این نوع برخوردها و تهدید و ارباب خانواده‌ها و بازداشت کارگران محکوم است و خواستار آزادی فوری و بی‌قید شرط این کارگران هستیم. با آرزوی اتحاد و همبستگی تمامی کارگران
علی نجاتی- عضو هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه-۴ فروردین ۱۳۹۲

بیانیه پدram نصرالهی کارگر زندانی به مناسبت سال نو

کارگران، زحمتکشان، و مردم شریف ایران!
امسال در شرایطی به استقبال سال نو می‌رویم که بیش از هر زمان دیگری زندگی رنجبران در تندباد شدید بحران اقتصادی سیستم سرمایه‌داری ایران، بر سرآشوب تند سقوط قرار گرفته است. مشکلات معیشتی خانواده‌های کارگری، به طبع گرانی سرسام‌آور مایحتاج زندگی، و تحمیل طرح ریاضت اقتصادی، از جانب حافظان سرمایه، هر دم عرصه را بر محرومان ایران تنگ‌تر نموده، و هر گونه مجالی را برای بهره‌مندی شرایط بهتر از آنان ربوده است. سرمایه‌داری ایران با تحمیل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، و به راه انداختن موج عظیم بیکارسازی‌ها، و خالی‌تر کردن سفره‌ی کارگران، بار دیگر نقاب از چهره‌ی ضد کارگری خود برداشته، و آشکارا کلید نبردی نابرابر را با کارگران و فرودستان، جهت تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به طبقه‌ی کارگر زده است؛ تا شاید بدین‌وسیله، و به قیمت زدودن هر گونه نشانی از زندگی شایسته و

انسانی و درخور شأن انسان امروزی از آنان، مرهمی بر زخم ولع سیری ناپذیر خود بگذارد.

با چنین رویکردی، شکاف طبقاتی روز به روز عمیق تر شده، و فاصله ی قشرهای دارا و ندار هر روز بیشتر از پیش می شود؛ استانداردهای زندگی، خصوصاً در میان کارگران و محرومان جامعه تنزل یافته، و امید به زندگی در آنان هر لحظه کمتر می شود، و جای خود را به بیم و هراسی وحشتناک از سرنوشت نامعلوم داده است.

سرمایه داری ایران با تبدیل مغزهای محرومان و مستضعفان به انبار مهملات پوچ و واهی، و القای مفهوم قسمت الهی و قناعت پیشگی به آنان، و تکریم چشم پوشی نمودن از امکانات دنیوی و امروزی و شایسته ی انسانی، سعی در فروکش کردن هر گونه شور و هیجان زمینه ساز اعتراضات توده ای دارد؛ و هر دم در سایه ی آن بر سرعت ماشین چپاول خود می افزاید.

اما در چنین شرایطی، و با توجه به تهاجم گسترده و همه جانبه ی سیستم سرمایه داری به جنبه های مختلف زندگی طبقه ی کارگر، ضرورت تحکیم و تقویت اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران را بیش از هر زمان دیگری ایجاب می نماید و، نیاز به متشکل شدن را برجسته تر می سازد. طبقه ی کارگر با قبول و درک این باورداشت مهم می تواند گام های بلندی را در جهت تحقق اهداف خود برداشته، و نبرد تاریخ ساز طبقاتی را به سود خود به پایان برساند.

در پایان ضمن شادباش به مناسبت فرا رسیدن نوروز و سال نو به تمامی مردم ایران، صمیمانه ترین درودهای کارگرم را نثار تمامی انسان های نستوه و استواری می کنم که با تلاش های پی وقفه ی خود، زمینه ی برپایی دنیایی آزاد و برابر، و عاری از هرگونه ستمی را فراهم می نمایند. انانی که دل در گرو رهایی انسان از تمامی قیود مناسبات موجود داشته، و هر گونه رنجی را سرافرازانه متحمل می شوند.

به امید متشکل شدن هر چه بیشتر کارگران در سال ۹۲

بهاران خجسته باد!

کارگر زندانی و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

پدرام نصراللهی_زندانی مرکزی سنندج ۹۱/۱۲/۲۸

تشدید شکاف حداقل مزد با هزینه زندگی کارگران- چشم انداز وضعیت اشتغال در سال ۱۳۹۲
نتایج طرح نمونه گیری اشتغال و بیکاری در بهار، تابستان و پاییز ۱۳۹۱ از سوی مرکز آمار ایران
تصویری نگران کننده از بازار کار کشور به دست می دهد. هر چند بر اساس نمونه گیری پاییز نرخ بیکاری به ۲.۱۱ درصد کاهش داشته ولی آنچه حائز اهمیت است، میزان فرصت های شغلی جدید و میزان تغییر در جمعیت فعال است.

میزان شاغلان در بهار، تابستان و پاییز سال ۱۳۹۱ حدود ۳.۲۱ میلیون نفر ثابت باقی مانده است. به عبارت دیگر در طول فصل تابستان و پاییز که از نظر کشاورزی و ساخت و ساز پررونق ترین زمان کار است، تعداد مشاغل جدید با شمار شغل هایی که از میان رفته برابر بوده است و به طور خالص میزان افزایش اشتغال صفر است. بنابراین سوال مهم اینجاست که اگر به طور خالص شغل جدیدی ایجاد نشده پس چطور نرخ بیکاری کاهش یافته است. جواب معما در کاهش جمعیت فعال کشور است. نگران کننده تر آنکه جمعیت فعال کشور در پاییز سال ۱۳۸۵ نسبت به پاییز سال ۱۳۹۱ فقط ۵۰۰ هزار نفر کمتر بوده است.

به سخنی دیگر طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۵، سالانه حدود ۸۰ هزار نفر به جمعیت فعال کشور افزوده شده است. تبیین علل ثبات نسبی جمعیت فعال کشور طی شش سال گذشته، با توجه به جمعیت جوان کشور و شمار بالای فارغ التحصیلان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دشوار است. هر چند شمار کثیری از زنان تحصیل کرده و افراد می انسانی که کار خود را از دست می دهند ناامید از یافتن شغل از بازار کار خارج می شوند، ولی به نظر می رسد در برآورد جمعیت فعال کشور اشتباهاتی وجود داشته باشد. در هر صورت، تنزل نرخ بیکاری نه به خاطر رشد سریع مشاغل جدید و به کارگیری نیروی کار کشور، بلکه در اثر کاهش جمعیت فعال، همگام با کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حاصل شده است.

طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ شمار شاغلان کشور از ۱۷ به ۲۰/۵ میلیون نفر رسیده و سالانه به طور متوسط حدود ۷۰۰ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شده که با توجه به رشد اقتصادی بالا طی این دوره، رشد اشتغال با افزایش بهره وری همراه بوده است. مقایسه آمار شاغلان در فاصله سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ به وضوح نشان می دهد بنیان های اقتصادی کشور توان اشتغال زایی خویش

را از دست داده‌اند. در طول سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۵ تعداد شاغلان کشور در کل ۸۰۰ هزار نفر و سالانه به طور متوسط کمتر از ۱۲۴ هزار نفر افزوده شده است. اگر تاکید دولت بر ایجاد سالانه حداقل ۵.۱ میلیون فرصت شغلی (عمدتاً از طریق ایجاد مشاغل موقت در طرح مسکن مهر) صحیح باشد، آمار تغییر شمار شاغلان بیانگر از میان رفتن میلیون‌ها فرصت شغلی در دیگر فعالیتهای اقتصادی کشور است؛ زیرا در فاصله پاییز ۱۳۸۵ تا پاییز ۱۳۹۱ حدود ۸۰۰ هزار نفر بر شمار شاغلان افزوده شده است. بدین ترتیب در حالی که طی این دوره کشور صدها میلیون دلار درآمد از صادرات نفت کسب کرده، ولی با هدایت منابع مالی به فعالیتهای غیرمولد، بنیانهای اقتصادی کشور به طور خالص صرفاً سالانه ۱۵۰ هزار شغل جدید ایجاد کرده است. بنابراین تاکید بر نرخ بیکاری، بدون توجه به توان اشتغالزایی اقتصاد ایران و نوسانات جمعیت فعال کشور، مبنای مناسبی برای تحلیل عملکرد بازار کار ایجاد نمی‌کند.

تشدید شکاف حداقل مزد با هزینه زندگی کارگران

محدودیت مشاغل از یک سو به کاهش جمعیت فعال منجر شده و از سوی دیگر جویندگان کار را ناگزیر کرده که مزدهای کمتر از حداقل قانونی را بپذیرند. کمتر کارفرمایی حداقل مزد قانونی را برای تامین زندگی کارگران کافی می‌داند؛ ولی از سوی دیگر بخش بزرگی از کارفرمایان با مشکل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش تقاضا و کمبود نقدینگی دست به گریباند. برخی تولید را کاملاً متوقف کرده و نیروی کار را اخراج کرده‌اند و گروهی به دلیل کاهش میزان تولید قادر به پرداخت حقوق کارگران نیستند. مشکل حقوق و مزایای معوقه نیروی کار در بخش اعظم شرکتهای خصوصی، شبه خصوصی و دولتی فراگیر شده است. بسیاری از کارگران فشار فقر و تنگدستی را به جان می‌خرند ولی به نوبه خود تلاش می‌کنند تا واحد تولیدی تعطیل نشود. بدین ترتیب بار اصلی بحران اقتصادی به کسانی تحمیل می‌شود که توان تغییر شرایط نامناسب کار خود را ندارند.

ممکن است این استدلال مطرح شود که یارانه‌های نقدی همراه با مزد کارگران برای تامین زندگی آنان کافی است. نگاهی به روند افزایش قیمت‌ها به وضوح نشان می‌دهد که درآمد یک خانوار چهار نفره (۱۸۰ هزار تومان یارانه نقدی و حدود ۴۰۰ هزار تومان حداقل مزد قانونی) برای پرداخت اجاره بهای یک مسکن دواناقه در شهرهای بزرگ نیز کافی نیست به همین دلیل خانوارهای کم درآمد کارگری چاره‌ای جز کوچک‌تر کردن سفره‌های کوچک خود ندارند، زیرا قدرت خرید درآمد ثابت و محدود آن‌ها به سرعت در حال کاهش است. سالهاست که حداقل مزد قانونی بسیار کمتر از مزد مناسب برای زندگی خانواده چهارنفره کارگری است. به طور مثال، در شهر بابلسر برای خانواده‌ای که در دو اتاق زندگی می‌کند حقوق ۴۰۰ هزار تومان کافی نیست. حتی با اضافه شدن یارانه نقدی به درآمد اینگونه خانوارها، باز هم مخارج زندگی در شرایط تورمی کنونی تامین نمی‌شود. هر چند آمار دقیقی از وضعیت مزد در واحدهای تولیدی و خدماتی در دست نیست، ولی بر اساس برآوردهای غیررسمی حدود نیمی از جامعه کارگری حداقل دستمزد قانونی را هم دریافت نمی‌کنند. می‌توان تصور کرد که شمار فزاینده‌ای از خانوارهای کارگری که سرپرست آن‌ها ناگزیر به پذیرش مزدهای بسیار پایین‌تر از حداقل قانونی هستند، در چه وضعیتی به سر می‌برند.

چشم انداز وضعیت اشتغال در سال ۱۳۹۲

کاهش درآمدهای ارزی، محدودیت در واردات مواد اولیه و ماشین آلات و قطعات و تجهیزات و افزایش هزینه‌های تولید، اکثر شرکتهای تولیدی و خدماتی را با مشکل مواجه کرده است. در چنین شرایطی حفظ فرصتهای شغلی موجود و و ایجاد مشاغل جدید دشوار خواهد بود. ریسک بالای فضای کسب و کار ناشی از تغییر مداوم قوانین و مقررات، نوسانات نرخ ارز و روابط نامناسب بین المللی، گرایش بخش خصوصی به سرمایه گذاریهای مولد و اشتغال را تضعیف کرده است. با توجه به وجود بیش از چهار میلیون دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، در آینده نزدیک سالانه حدود یک میلیون نیروی کار تحصیل کرده وارد بازار کار خواهد شد. فقدان فرصتهای شغلی، علاوه بر از میان بردن فرصت بهره گیری از استعداد و توان جوانان کشور، می‌تواند آسیبهای اجتماعی جدی به دنبال داشته باشد. از این رو ایجاد تحولی اساسی در فضای کسب و کار کشور، برای مقابله با چالشهای بازار کار در سال ۱۳۹۲ ضروری است.

منبع: خبرآنلاین-۴ فروردین

چهارم فروردین ماه ۱۳۹۲

سندیکای س ر ت فرانسه، در کنگره خود با کارگران ایران اعلام همبستگی کرد

از ایران محمود صالحی فعال سرشناس کارگری به این کنگره دعوت شده بود و او با حضور در این همایش مورد استقبال فعالان سندیکائی س ژ ت قرار گرفت. این کنگره همبستگی کارگران سندیکای س ژ ت را با کارگران ایران اعلام و از مطالبات آنها حمایت کرد .

پنجاهمین کنگره سندیکای س ژ ت فرانسه، هفته پیش در شهر تولوز برگزار شد و پس از بحث درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور فرانسه، با انتخاب یک دبیر کل جدید و انتشار قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد .

در این کنگره بزرگ سندیکائی که بیش از هزار نفر از نمایندگان این سندیکا از سراسر کشور شرکت کرده بودند، تعدادی از فعالین سندیکائی از کشورهای دیگر جهان هم دعوت شده بودند تا می‌همان این کنگره باشند .

فعالین سندیکائی کشورهای خارجی که بعنوان ناظر در این کنگره شرکت داشتند عبارت بودند از نمایندگان از فعالان کارگری کشورهای تونس، برزیل، سنگال، ژاپن، رومانی، و رونیون .

امسال سندیکای س ژ ت تصمیم گرفته بود که نمایندگانی از فعالان کارگری چهار کشور را هم بقصد اعلام همبستگی بین المللی با آنان، به کنگره دعوت کند .

از این رهگذر نمایندگانی از کشورهای ساحل عاج، بیرمانی، فلسطین و ایران به کنگره دعوت شده بودند و شرکت کنندگان با آنان اعلام همبستگی کردند .

قطعنامه ویژه‌ای نیز در حمایت از مطالبات کارگران فلسطین در این کنگره به تصویب رسید .

از ایران آقای محمود صالحی فعال سرشناس کارگری به این کنگره دعوت شده بود و او با حضور در این همایش مورد استقبال فعالان سندیکائی س ژ ت قرار گرفت. این کنگره همبستگی کارگران سندیکای س ژ ت را با کارگران ایران اعلام و از مطالبات آنها حمایت کرد .

در گفتگوی تلفنی که با محمود صالحی در ایران داشتیم، وی که بتازگی از فرانسه به کشور بازگشته است، سخنانش را با ادای احترام به خانواده‌های کارگران زندانی در کشور آغاز کرد که در این ایام نوروز در زندان بسر می‌برند .

محمود صالحی ضمن توضیح نکات برجسته‌ای که در سخنرانی‌اش در اجلاس سندیکائی س ژ ت مطرح کرده بود، درباره وضعیت کارگران ایران گفت که در ایران داشتن تشکل ممنوع است، جرم است. و کسانی که به این کار اقدام کنند مجرم محسوب می‌شوند .

صالحی توضیح داد در همان لحضاتی که در کنگره تولوز بوده است ده‌ها نفر از کارگران ایرانی بجرم تشکیل تشکل و دفاع از مطالبات کارگران در زندان‌ها بسر می‌بردند .

محمود صالحی در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت کارگران ایران، می‌گوید وضعیت آنها با توجه به دستمزدشان «همیشه در حال بدی هست.» صالحی اضافه می‌کند بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا کشور ما را هم شامل می‌شود، چونکه ما هم جزو جامعه جهانی هستیم. او تاکید می‌کند که در ایران تعطیلات برای کارگران هیچ مفهومی ندارد .

به این گفتگو گوش کنید :

http://telechargement.rfi.fr.edgesuite.net/rfi/persan/audio/modules/actu/201303/Social_2_5_03_13.mp3

منبع: رادیو بین المللی فرانسه- نوشته بیژن برهمندی- ۲۵ مارس ۲۰۱۳

عدم استقرار کانکس توسط کارفرما و نگرهبانی زیرنایلون در سرمای زمستان !

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 5 فروردین 92 آمده است : روزهایی که بیشتر خانواده‌ها مشغول تدارک هر چه بهتر برای حضور در سر سفره هفت سین بودند در گوشه و کنار شهر هم کسانی هستند که برای تأمین زندگی و مایحتاج خانواده‌شان فرسنگ‌ها دور از خانواده زندگی می‌کنند و در بدترین شرایط سختی‌ها را تحمل می‌کنند تا رنجی به سایر اعضای خانواده تحمیل نشود .

دود سیاهی چند روز از محوطه زمینی که شهرداری ساری مدتی آن را حصار کرد، توجه‌ام را جلب کرد .

حدود چند روز بود که این دود در محوطه حوالی محل کارم خودنمایی می‌کرد .

به خاطر همکف بودن محل کار و بلند بودن دیوار نمی‌توانستم داخل دیوار محصور شده را خوب ببینم .

هر وقت برای انجام کاری از محل کار خارج می‌شدم دود سیاه کمرنگ آزارم می‌داد .

تا قبل از حصار شدن دیوار توسط شهرداری فقط تیکه‌ای آهن پاره وسط زمین بود ولی پس از حصار

شدن دیوار وضع آهن پاره تغییر کرد و نایلونی بر روی آهن پاره گذاشته شد .
نایلون جان پناهی شده بود برای مردی که برای گذران زندگی خویش از بندر ترکمن استان گلستان راهی مازندران شده بودند .

باب گفت وگویی کوتاهی را با مردی که حدود ۵۰ ساله به نظر می‌رسید، باز کردم .
از وی خواستم درباره علت حضور در محوطه زمین بگوئید و بگوئید که چگونه در این سرما در این نایلون زندگی می‌کند .

می‌گفت اهل بندر ترکمن است، در حال حاضر مشغول نگهبانی آهن پاره‌های دستگاه جرثقیلی است که قرار است برای ساختن آپارتمان کوچه بغلی چند روز دیگر منتقل شود .
از وی پرسیدم زندگی در این سرما سخت نیست که گفت: چاره‌ای ندارم، کارفرما هم کانکسی برایم مهیا نکرده است .

وی ادامه داد: من و همکارم به صورت شیفتی هر شش ساعت جایمان را عوض می‌کنیم .
دلم می‌خواست تا نام محل زمین را ذکر کنم تا همه بدانند که کارگران چگونه توسط برخی کارفرمایان خود این‌گونه مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند، ولی ترسیدم از این‌که درج محل آدرس ممکن است سبب بیکاری نان‌آور خانواده‌ای شود که ایام عید منتظر دریافت دستمزد پدرشان هستند .
باران به شدت شروع به بارش گرفت و پیرمرد از من خداحافظی کرد و رفت ولی درد و سرما همچنان باقی بود و دود سیاه همچنان بلند بود .

نامه کودکان خردسال غالب حسینی فعال کارگری دربند

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری آمده است :

دروود بر همه آزادی خواهان جهان
من نینا حسینی و خواهر دوقولیم هدیه حسینی به تمام مردم ایران می‌گوییم که پدر ما غالب حسینی فعال کارگری هیچ جرمی نکرده است. و با حمله نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده و زندانی شده است. همان روزی که پدرمان دستگیر شد قرار بود ما را برای خرید نروزی به خیابان ببرد و لباس‌های تازه عید را برای ما بخرد تا با آن‌ها سال تازه را جشن بگیریم و در کنار هم سال خوشی را شروع کنیم. اما الان هیچ لباسی نخریده‌ایم. اما اگر لباس تازه هم داشتیم نمی‌توانستیم به تنمان کنیم و سال تازه را جشن بگیریم چون پدر عزیزمان در زندان است و بدون او ما هیچ شوقی نداریم .

ما هر دو نفر آرزو می‌کنیم هر چه زودتر پدر عزیزمان آزاد شود و همه زندانی‌های سیاسی و فعال‌های کارگری آزاد شوند تا در کنار فرزندان‌شان عید را جشن بگیرند .

نینا حسینی و هدیه حسینی کلاس سوم ابتدایی ۱۳۹۲/۱/۳

رئیس اتاق بازرگانی تهران: ۷۵ درصد جامعه دچار مشکل اقتصادی هستند

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس دز سوم فروردین ۹۲ آمده است : رئیس اتاق بازرگانی تهران می‌گوید دولت آینده باید بتواند در کوتاه مدت پنج نیاز خوراک، مسکن، پوشاک، بهداشت و آموزش اقشار ضعیف تا متوسط جامعه را تامین کند.

یحیی آل‌اسحاق، در گفتگو با خبرگزاری افزوده است: ۷۵ درصد طبقات ضعیف تا متوسط جامعه در تأمین این پنج مورد دچار چالش هستند.

آل‌اسحاق که نامزد مورد حمایت حزب موتلفه در یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری است همچنین گفته که دولت آتی باید "در اولین فرصت تغذیه را در حد وفور برای مردم فراهم کند".

به گفته وی وی خرید و اجاره مسکن برای مردم "کمرشکن" شده است و دولت یازدهم باید برای مسکن نیز که یکی دیگر از "مشکلات عامه مردم است چاره‌اندیشی کند".

با وجود انکار مشکلات کشور در تأمین مواد غذایی و دارو از سوی برخی مقام‌های دولتی، تعادی از نامزدهای انتخابات در سخنرانی‌های خود به دشواری‌ها در تأمین این محصولات اشاره می‌کنند.

مجید خراسانی، رئیس بسیج سازندگی نیز در روزهای گذشته گفته بود در حال حاضر در شرایط "خاص اقتصادی" قرار داریم و کشور از لحاظ "تأمین امنیت غذایی دچار مشکل است".

بخشنامه دستمزد ۹۲ کارگران ابلاغ شد/ جزئیات کامل افزایش مزد

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دولتی مهر، در سوم فروردین ۹۲ آمده است: سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بخشنامه دستمزد ۹۲ کارگران را برای اجرا ابلاغ کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، در بخشنامه شش بندی اسدالله عباسی سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره مزد ۹۲ کارگران آمده است: شورای عالی کار با حضور نمایندگان سه گروه (دولت، کارفرمایان و کارگران) در جلسه مورخ ۲۱/۱۲/۱۳۹۲، پس از بحث و بررسی راجع به تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۲، در اجرای ماده ۴۱ قانون کار با در نظر گرفتن مصالح کارگران در انطباق هر چه بیشتر میزان درآمد آنان با سطح معیشت و همچنین با توجه به مقتضیات بنگاه های تولیدی و کارفرمایان و شرایط اقتصادی جامعه موارد زیر را به اتفاق آرا مورد تصویب قرار داد.

۱- از اول سال ۱۳۹۲ حداقل مزد روزانه با نرخ یکسان برای کلیه کارگران مشمول قانون کار (اعم از قرارداد دائم یا موقت) مبلغ ۱۶۳۳۷۵ ریال (یکصد و شصت و دو هزار و سیصد و هفتاد و پنج ریال) تعیین می گردد. همچنین از اول سال ۱۳۹۲ سایر سطوح مزدی نیز روزانه ۱۰ درصد مزد ثابت یا مزد مبنا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) به اضافه روزانه ۱۹۴۸۵ ریال به نسبت آخرین مزد در سال ۱۳۹۱ افزایش می یابد.

تبصره: با اعمال افزایش این بند مزد شغل کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نیز مزد ثابت سایر کارگران نباید از مبلغ ۱۶۳۳۷۵ ریال (یکصد و شصت و دو هزار و سیصد و هفتاد و پنج ریال) بند (۱) کمتر شود. ۲- به کارگرانی که در سال ۱۳۹۲ دارای یکسال سابقه کار شده و یا یکسال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان گذشته باشد روزانه مبلغ ۳۰۰۰ ریال نیز به عنوان پایه (سنوات) پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱: پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن رقم فوق الذکر برای گروه یک با توجه به دستور العمل و جدول اعلامی توسط اداره کل روابط کار و جبران خدمت صورت می گیرد.

تبصره ۲: به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۳۹۱، میزان مقرر در این بند یا تبصره یک آن حسب مورد تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۳: بر اساس مصوبه مورخ ۲۱/۱۲/۱۳۹۱ شورای عالی کار و در راستای مهارت محوری و بهره مندی تمامی کارگران و در نتیجه رضایتمندی کارگران با سابقه، از ابتدای سال ۱۳۹۲ همه کارگران دارای قرارداد دائم و موقت مشمول قانون کار که دارای یک سال سابقه کار شده و با یک سال از دریافت آخرین پایه (سنوات) آنان در همان کارگروه گذشته باشد، اعم از اینکه حق سنوات یا مزایای پایان کار خود را تسویه حساب کرده باشند یا خیر، مشمول دریافت پایه (سنوات) خواهند بود.

۳- بر اساس مصوبه مورخ ۲۱/۷/۱۳۸۷ شورای عالی کار در جهت افزایش رضایتمندی کارگران و کارفرمایان و به منظور تثبیت و تسری به تمامی کارگران، اعم از دائم و موقت مقرر شد از ابتدای سال ۱۳۹۲ کمک هزینه اقلام مصرفی خانوار به عنوان مزایای رفاهی و انگیزه ای موضوع تبصره ۳ ماده ۳۶ قانون کار بابت هر کارگر (اعم از متاهل یا مجرد) ماهانه مبلغ ۳۵۰۰۰۰ ریال از سوی کارفرمایان به آنان پرداخت گردد.

۴- ضوابط مربوط به چگونگی نحوه اعمال افزایش مقرر در بند (۱) و تبصره یک بند (۲) در کارگاه هایی که دارای طرح طبقه بندی مشاغل می باشند و نیز در مورد کارگران کارمزدی و هم چنین چگونگی ارتقاء طبقه شغلی به موجب دستور العمل های اداره کل روابط کار و جبران خدمت خواهد بود.

۵- مقررات این مصوبه شامل حال دانش آموزان و دانشجویانی که در ایام تعطیلات تابستانی در سال ۱۳۹۲ به طور موقت در کارگاه ها اشتغال می یابند، نخواهد شد.

۶- واحدهای مشمول قانون کار به منظور ایجاد رابطه هر چه بیشتر مزد و مزایا با بهره وری و تولید و ایجاد انگیزه بیشتر در بین کارکنان خود، علاوه بر اجرای این مصوبه می توانند نسبت به افزایش و برقراری مزایا در قالب موافقت نامه های کارگاهی و پیمان های دسته جمعی و پس از تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اقدام نمایند."

پیشگامه

شورای عالی کار با حضور نمایندگان سه گروه (دولت، کارفرمایان و کارگران) در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ پس از بحث و بررسی و رایج به تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۲ - در اجرای ماده ۵۱ قانون کار با در نظر گرفتن مصالح کارگران در انتهای هر چه بیشتر میزان درآمد آنان با سطح معیشت و هم چنین با توجه به مقتضیات دستگاه های تولیدی و کارفرمایان و شرایط اقتصادی جامعه موارد زیر را به اتفاق آراء مورد تصویب قرار داد:

۱- از اول سال ۱۳۹۲ حداقل مزد روزانه با نرخ یکسان برای کلیه کارگران مشمول قانون کار (اعم از قراردادی دائم یا موقت) مبلغ ۶۶۲,۳۷۵ ریال (پنجاه و شصت و دو هزار و سیصد و هشتاد و پنج ریال) تعیین می گردد. همچنین از اول سال ۱۳۹۲ سایر سطوح مزدی نیز روزانه ۱۰ درصد مزد ثابت با مزد مینا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) به اضافه روزانه ۱۹,۸۸۵ ریال به نسبت آخرین مزد در سال ۱۳۹۱ افزایش می یابد.

بصره: با اعمال افزایش این بند مزد مشاغل کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نیز مزد ثابت سایر کارگران نباید از مبلغ ۶۶۲,۳۷۵ ریال (پنجاه و شصت و دو هزار و سیصد و هشتاد و پنج ریال) بند (۱) کمتر شود.

۲- به کارگرانی که در سال ۱۳۹۲ دارای یکسال سابقه کار شده و یا یکسال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان گذشته باشد روزانه مبلغ ۳۰۰۰ ریال نیز به عنوان پایه (سنوات) پرداخت خواهد شد.

بصره: پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی کارگران مشمول طرح های طبقه بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن رقم فوق الذکر برای گروه یک با توجه به دستورالعمل و جدول اعلامی توسط اداره کل روابط کار و جبران خدمت صورت می گیرد.

بصره: ۳- به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۳۹۱، میزان مقرر در این بند با بصره یک آن حسب مورد تعلق خواهد گرفت.

دستورالعمل نحوه اجرای مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ شورای عالی کار
در مورد کارگران کارمزدی دائم و موقت

در اجرای بند ۱ پیشگامه شماره ۲۱۵۴۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ سرپرست محترم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موضوع مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ شورای عالی کار، بدینوسیله نحوه اجرای پیشگامه مذکور را در مورد کارگران کارمزدی اعلام می نماید:

۱- نحوه اعمال ۱۰ درصد افزایش بند ۱ پیشگامه

نرخ های کارمزدی در سال ۱۳۹۲ (به نسبت آخرین کارمزد در سال ۱۳۹۱) در مورد کارگران کارمزدی (اعم از موقت یا دائم) به مبالغ ۱۰ درصد افزایش می یابند. در صورتی که کارگران دارای بخش ثابت مزد (علاوه بر کارمزد) باشند این بخش نیز بایستی ۱۰ درصد افزایش یابد.

بصره: چنانچه نرخ یا ملاک های کارمزدی تابع قسمت ثابت مزد بوده و یا به عبارت دیگر به صورت درصدی از قسمت ثابت مزد تعیین شده باشند در این صورت تنها بخشی ثابت مزد مشمول ۱۰ درصد افزایش خواهد گردید. (زیرا با این عمل نرخ یا ملاک های کارمزدی نیز به دلیل تبعیت از قسمت مذکور خود بخود دستخوش افزایش خواهد شد.)

۲- چگونگی اعمال افزایش رقم ثابت موضوع بند ۱ پیشگامه

علاوه بر افزایش ۱۰ درصد بر روی قسمت ثابت مزد، قسمت مذکور در سال ۱۳۹۲ روزانه ۱۹,۸۸۵ ریال دیگر نیز افزایش خواهد یافت و در صورتی که کارگران فاقد قسمت ثابت مزد باشند در سال ۱۳۹۲ روزانه ۱۹,۸۸۵ ریال در اجرای مصوبه شورای عالی کار بصورت ثابت در مورد آنان برقرار خواهد گردید.

بصره: در صورتی که مجموع دریافتی کارگران بابت بخش ثابت و متغیر مزد کمتر از ۶۶۲,۳۷۵ ریال در روز گردد، ملاک محاسبه و پرداخت آن به کارگران کارمزد همان ۶۶۲,۳۷۵ ریال خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه فرهنگستان
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

بررسی

شماره:

تاریخ:

پروست:

نیمه ۳: بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ شورایی کار و در راستای تقویت مهارت محوری و بهره مندی تمامی کارگران و در نتیجه رضایتمندی کارگران با سابقه از ابتدای سال ۱۳۹۲ همه کارگران دارای قرارداد دائم و موقت مشمول قانون کار که دارای یک سال سابقه کار شده و با یک سال از دریافت آخرین پایه (ستوات) آنان در همان کارگاه گذشته باشند، اهم از اینکه حق ستوات یا مزایای پایان کار خود را تسویه حساب کرده باشند یا غیره - مشمول دریافت پایه (ستوات) خواهند بود.

۴- بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۶ شورایی کار و در جهت افزایش رضایتمندی کارگران و کارفرمایان و به منظور تثبیت و تسری به تمامی کارگران - اعم از دائم و موقت - مقرر شد از ابتدای سال ۱۳۹۲ کمک هزینه اقلام مصرفی خاتوار به عنوان مزایای رفاهی و انگیزه ای موضوع تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون کار بابت هر کارگر (اعم از متاهل یا مجرد) ماهانه مبلغ ۳۵۰۰۰۰ ریال از سوی کارفرمایان به آنان پرداخت گردد.

۴- ضوابط مربوط به چگونگی نحوه اعمال افزایش مقرر در بند (۶) و تبصره یک بند (۴) در کارگاه هایی که دارای طرح طبقه بندی مشاغل می باشند و نیز در مورد کارگران کارمندی و هم چنین چگونگی ارتقاء طبقه شغلی به موجب دستورالعمل های اداره کل روابط کار و جبران خدمت خواهد بود.

۵- مقررات این مصوبه شامل حال دانش آموزان و دانشجویانی که در ایام تعطیلات تابستانی در سال ۱۳۹۲ به طور موقت در کارگاه ها اشتغال می یابند نخواهد شد.

۶- واحدهای مشمول قانون کار به منظور ایجاد رابطه هر چه بیشتر مزد و مزایا با بهره وری و تولید و ایجاد انگیزه بیشتر در بین کارکنان خود، علاوه بر اجرای این مصوبه می توانند نسبت به افزایش و برقراری مزایا در قالب موافقت نامه های کارگاهی و پیمان های دسته جمعی و پس از تشکیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اقدام نمایند.

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



۲



جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

بررسی

شماره: ۲۱۵۳۳۲۲

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۶

پروست:

۳- اعلامی مزد ستوات

علاوه بر افزایش کارمزد کارگران کارمندی نیز بر حسب آن که مشمول طرح طبقه بندی مشاغل باشند یا خیر، حسب مورد و مطابق دستورالعمل های ذی ربط از پایه ستواتی موضوع بند ۳ بخشنامه شماره ۲۱۵۳۳۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ سرپرست محترم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برخوردار خواهند شد.

اسامیل نظری آزاد
مدیر کل روابط کار و جبران خدمت



تهران - خیابان آزادی - پستی ۱۴۵۷۹۳۴۳۹ - کدپستی: ۱۴۵۷۹۳۴۳۹
Website : www.mcls.gov.ir Email : info@mcls.gov.ir

بازداشت کارگران محکوم است

در آستانه روز جهانی (۸ مارس) و سال نو تعدادی از کارگران به نامهای بهزاد فرج الهی، علی آزادی، وفا قادری، خالد حسینی، حامد محمودنژاد و غالب حسینی از اعضای کمیته ی هماهنگی و شریف ساعد پناه از اعضای اتحادیه آزاد بازداشت و زندانی شدند. این بازداشتها در شرایطی انجام می گیرد که موج بیکاری فزاینده ای کشور را فرا گرفته و تورم افسار گسیخته و گرانی سرسام آور

کمر طبقه کارگر را خم کرده است، مگر این کارگران چه خواسته ای داشتند که در آستانه سال نو بایستی در زندان باشند؟ جز اینکه خواستار دستمزد عادلانه و زندگی شرافتمندانه برای کارگران و مردم عزیز و رفع تبعیض بودند؟ آیا جای این انسانهای شریف در زندان است، این نوع برخوردها و تهدید و ارباب خانواده ها و بازداشت کارگران محکوم است و خواستار آزادی فوری و بی قید شرط این کارگران هستیم.

با آرزوی اتحاد و همبستگی تمامی کارگران

علی نجاتی-عضو هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه
۴ فروردین ۱۳۹۲

سال ۹۱؛ سالی سخت برای بیماران: بیمارانی که بیش از همه در ایران آثار تحریم را درک کردند .

بر پایه خبر رسیده به ایمیل روز شمار کارگری به نقل از سایت خبر آنلاین آمده است که ؛ سال ۹۱ برای بیماران به سختی گذشت. بیمارانی که بیش از همه در ایران آثار تحریم را درک کردند، برخی از داروها یا نایاب شدند و یا بسیار گران. از این رو رئیس جامعه متخصصان داخلی ایران می گوید که حال سلامت در سال ۹۱ خوب نبود، «با توجه به تحریمهای دارویی که اتفاق افتاد و بسیاری از هموطنانمان برای تامین دارو با مشکل مواجه بودند و همچنین با توجه به افزایش تورم که قدرت خرید بیماران برای دارو را کاهش داده و امکان مراجعه آنها به پزشک و بستری شدن در بیمارستان را کم می کرد، در مجموع سال خوبی را از لحاظ سلامت پشت سر گذاشتیم.» او همچنین از مشکلات پزشکان می گوید: «با مشکلاتی که امروزه پزشکان با آنها روبه رو هستند شاهدیم که تعداد پزشکانی که از گردونه درمان خارج شده اند و یا برای کار به کشورهای دیگر مهاجرت کرده یا به کار دیگری مشغول شده اند روزه روز افزایش می یابد، مهاجرت پرستاران و پزشکان به کشورهای اروپایی و حتی بعضی از کشورهای همسایه نشان می دهد که وضعیت آنها در اینجا مطلوب نیست و جا دارد تا دیر نشده مسوولان به این قضایا توجه کنند»

گفت و گوی سایت خبر آن لاین، با ایرج خسرونی، رئیس جامعه متخصصان داخلی ایران را در ادامه می خوانید .

وضعیت سلامت مردم در سالی که گذشت چگونه بود؟
سال ۹۱ از نظر سلامت اصلا سال خوبی نبود. با توجه به تحریمهای دارویی که اتفاق افتاد و بسیاری از هموطنانمان برای تامین دارو با مشکل مواجه بودند و همچنین با توجه به افزایش تورم که قدرت خرید بیماران برای دارو را کاهش داده و امکان مراجعه آنها به پزشک و بستری شدن در بیمارستان را کم می کرد، در مجموع سال خوبی را از لحاظ سلامت پشت سر گذاشتیم .

اتفاق مثبتی در این حوزه نیفتاد؟
تا جایی که به یاد دارم اتفاق مثبتی نیفتاد و نه از نگرانیهای مردم و نه از نگرانیهای پزشکان کاسته نشد .

به نگرانیهای مردم درباره تحریمهای دارویی و تورم و هزینه های بالا در بخش دارو و درمان اشاره کردید اما نگرانیهای پزشکان چیست؟
پزشکان از طرفی به دلیل مشکلاتی که بیمارانشان با آنها دست به گریبانند و حال و روز خوبی ندارند، ناخشنود هستند و از طرف دیگر به دلیل مشکلاتی که خودشان دارند نگران هستند. با مشکلاتی که امروزه پزشکان با آنها روبه رو هستند شاهدیم که تعداد پزشکانی که از گردونه درمان خارج شده اند و یا برای کار به کشورهای دیگر مهاجرت کرده یا به کار دیگری مشغول شده اند روزه روز افزایش می یابد. مهاجرت پرستاران و پزشکان به کشورهای اروپایی و حتی بعضی از کشورهای همسایه نشان می دهد که وضعیت آنها در اینجا مطلوب نیست و جا دارد تا دیر نشده مسوولان به این قضایا توجه کنند .

چه اتفاقی باید بیفتد تا هم اوضاع بیماران و هم پزشکان بهتر شود؟ برای بهبود وضعیت سلامت مردم باید در درجه اول نگاه سیاست‌گذاران به بخش سلامت اصلاح شود تا پس از آن سهم سلامت در بودجه افزایش پیدا کند، بیمه‌ها به وظایف خود به درستی عمل کنند و بودجه کافی به بیمارستان‌های دولتی برای پذیرش و درمان رایگان بیماران اختصاص یابد. متأسفانه وضعیت درمان در بیمارستان‌های دولتی چندان مطلوب نیست و همین مسئله باعث شده تا مردم این مشکلات از چشم پزشکان ببینند در حالی که مقصر پزشکان نیستند. مسأله‌ای هم که می‌تواند به بهبود وضعیت پزشکان کمک کند این است که تعرفه‌های غیرواقعی اصلاح شود. در شرایط فعلی تعرفه‌هایی که وجود دارد تعرفه‌های واقعی و منطقی نیست و همانطور که گفتم می‌تواند به دلسردی و نارضایتی پزشکان از ادامه فعالیت در رشته‌های تخصصی‌شان منجر شود.

اما تعرفه‌های جدید درمان در بخش دولتی و خصوصی که در اواخر سال اعلام شد، افزایش زیادی داشت.

تعرفه واقعی زمانی است که آن را با تورم بسنجند. ما الان شاهد تورم ۴۰ درصدی هستیم اما تعرفه‌ها تنها ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است و باز هم این ارقام واقعی نیست. پایین بودن تعرفه‌های پزشکی تبعات خود را خواهد داشت که یکی از پیامدهای آن می‌تواند این باشد که به پدیده ناپسند زیرمیزی گرفتن منجر شود. تعرفه‌های غیرواقعی نه تنها به ضرر جامعه پزشکی و بخش خصوصی است بلکه بیمارستان‌های دولتی هم متضرر می‌شوند. در حال حاضر سرانه بهداشت و درمان کشور آنقدر پایین است که ۷۰ درصد هزینه‌های درمانی در بیمارستان‌های دولتی از جیب مردم پرداخت می‌شود و با این حال، مراکز درمانی دولتی در حال ورشکستگی هستند.

نقش بیمه‌ها در این میان چیست؟

در شرایط فعلی اوضاع بیمه‌ها هم خوب نیست. وقتی سرانه بهداشتی درمانی کم شود و التهاب در وضعیت سلامت جامعه به وجود بیاید انجام آزمایش‌ها و موارد اینچنینی هم بیشتر شده و بیمه‌ها هم متضرر خواهند شد.

به محقق شدن پزشک خانواده در سال آینده امیدوارید؟

متأسفانه با بودجه‌ای که برای این قضیه در نظر گرفته‌اند، به نظر من این طرح به سرانجام نمی‌رسد و نمی‌توان امیدوار بود که رابطه مالی بین پزشک و بیمار از این طریق قطع شود.

شما امیدوارید چه اتفاقی بیفتد که وضعیت سلامت بهتر شود؟

این که وزارت بهداشت، انجمن‌های پزشکی و سازمان نظام پزشکی دست به دست هم دهند تا بیش از این وضعیت سلامت مردم به خطر نیفتد. سهم درمان در بودجه بیشتر شود و بیمه‌ها کارکرد درستی داشته باشند تا مردم هم برای خدمات پیشگیرانه و هم برای درمان با خیال راحت به مراکز پزشکی مراجعه کنند و در آینده شاهد انبوهی از بیماری‌های مزمن و درمان‌نشده که به وضعیت وخیمی رسیده باشند نباشیم. متأسفانه مسوولان فکر می‌کنند پولی که در بخش بهداشت و درمان خرج می‌شود، هزینه‌بر است در حالی که با سرمایه‌گذاری در این بخش، از بروز هزینه‌های سنگین ناشی از درمان بیماری‌ها پیشگیری می‌شود. همچنین این که انتظار می‌رود سازمان نظام پزشکی به عنوان بزرگترین خانه صنفی جامعه پزشکی کشور بتواند مدافع حقوق پزشکان و مردم باشد و انتظارات و توقعات آنها را برآورده سازد. متأسفانه در حال حاضر سازمان نظام پزشکی فقط یک عضو مشورتی است و قدرت اجرایی ندارد و امیدواریم نمایندگان مجلس با تغییراتی در قانون این سازمان، شرایطی به وجود بیاورند تا نظام پزشکی مانند سایر اصناف کشور مدافع حقوق مردم و جامعه پزشکی باشد.

قدرت‌یابی زنان از طریق سازمان‌دهی: انجمن زنان خود اشتغال هند (سیوا)[1]

هاله صفرزاده

حالا دیگر ما هر روز شاهد پیوستن زنان بسیاری به بازار کار هستیم. در جامعه‌ی ما نیز مانند تمام دنیا زنان اولین قربانیان طرح‌های تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و بحران‌های اقتصادی هستند. رشد پدیده‌های ناهنجار اجتماعی ناشی از آن مانند اعتیاد و بیکاری که موجب افزایش آمار طلاق

شده و نبود حمایت‌های دولتی و بی‌سامانی اقتصادی و تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی، معضلاتی را برای تمام مردم، به خصوص زنان به وجود آورده است.
متن کامل: http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/03/1_25.html

سندیکای س ژ ت فرانسه، در کنگره خود با کارگران ایران اعلام همبستگی کرد

✚ گوش کنید...

بر پایه گزارش رادیو فرانسه در تاریخ 5 فروردین 92 آمده است: از ایران محمود صالحی فعال سرشناس کارگری به این کنگره دعوت شده بود و او با حضور در این همایش مورد استقبال فعالان سندیکائی س ژ ت قرار گرفت. این کنگره همبستگی کارگران سندیکای س ژ ت را با کارگران ایران اعلام و از مطالبات آنها حمایت کرد.

پنجاهمین کنگره سندیکای س ژ ت فرانسه، هفته پیش در شهر تولوز برگزار شد و پس از بحث درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور فرانسه، با انتخاب یک دبیر کل جدید و انتشار قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد.

در این کنگره بزرگ سندیکائی که بیش از هزار نفر از نمایندگان این سندیکا از سراسر کشور شرکت کرده بودند، تعدادی از فعالین سندیکائی از کشورهای دیگر جهان هم دعوت شده بودند تا میهمان این کنگره باشند.

فعالین سندیکائی کشورهای خارجی که بعنوان ناظر در این کنگره شرکت داشتند عبارت بودند از نمایندگان از فعالان کارگری کشورهای تونس، برزیل، سنگال، ژاپن، رومانی، و رونیون.

امسال سندیکای س ژ ت تصمیم گرفته بود که نمایندگانی از فعالان کارگری چهار کشور را هم بقصد اعلام همبستگی بین المللی با آنان، به کنگره دعوت کند.

از این رهگذر نمایندگانی از کشورهای ساحل عاج، بیرمانی، فلسطین و ایران به کنگره دعوت شده بودند و شرکت کنندگان با آنان اعلام همبستگی کردند.

قطعنامه ویژه‌ای نیز در حمایت از مطالبات کارگران فلسطین در این کنگره به تصویب رسید.

از ایران آقای محمود صالحی فعال سرشناس کارگری به این کنگره دعوت شده بود و او با حضور در این همایش مورد استقبال فعالان سندیکائی س ژ ت قرار گرفت. این کنگره همبستگی کارگران سندیکای س ژ ت را با کارگران ایران اعلام و از مطالبات آنها حمایت کرد. در گفتگوی تلفنی که با محمود صالحی در ایران داشتیم، وی که بتازگی از فرانسه به کشور بازگشته است، سخنانش را با ادای احترام به خانواده‌های کارگران زندانی در کشور آغاز کرد که در این ایام نوروز در زندان بسر می‌برند.

محمود صالحی ضمن توضیح نکات برجسته‌ای که در سخنرانی‌اش در اجلاس سندیکائی س ژ ت مطرح کرده بود، درباره وضعیت کارگران ایران گفت که در ایران داشتن تشکل ممنوع است، جرم است. و کسانی که به این کار اقدام کنند مجرم محسوب می‌شوند. صالحی توضیح داد در همان لحضاتی که در کنگره تولوز بوده است دهها نفر از کارگران ایرانی بجرم تشکیل تشکل و دفاع از مطالبات کارگران در زندان‌ها بسر می‌بردند.

محمود صالحی در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت کارگران ایران، می‌گوید وضعیت آنها با توجه به دستمزدشان "همیشه در حال بدی هست." صالحی اضافه می‌کند بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا کشور ما را هم شامل می‌شود، چونکه ما هم جزو جامعه جهانی هستیم. او تاکید می‌کند که در ایران تعطیلات برای کارگران هیچ مفهومی ندارد.

سخنرانی محمود صالحی در کنگره
www.youtube.com

رادیو فرانسه - بیژن فرهنگندی

اتحادیه های کارگری: گذشته، حال، آینده
کارل مارکس - ترجمه محسن حکیمی

(الف) گذشته

سرمایه نیروی اجتماعی متمرکز است، حال آن که کارگر فقط می-تواند نیروی کارش را بفروشد. بنابراین، قرارداد بین سرمایه و کار هرگز نمی تواند مبنایی عادلانه داشته باشد، عادلانه حتی به معنای رایج در جامعه ای که مالکیت وسایل مادی زندگی و کار را در یک سو می گذارد و انرژی های تولیدی حیاتی را در سوی دیگر. نیروی اجتماعی کارگران فقط در تعداد آنهاست. اما پراکندگی کارگران این نیرو را نابود می کند. این پراکندگی را رقابت ناگزیر کارگران با یکدیگر می آفریند و تداوم می-بخشد.

اتحادیه های کارگری در اصل از دل تلاش خودانگیخته ی کارگران برای از میان بردن یا دست کم مهار این رقابت بیرون آمدند، تلاش برای احاطه بر شرایط قرارداد آن گونه که آنها را حداقل در وضعیتی بالاتر از وضعیت برده ی صرف قرار دهد. بنابراین، هدف فوری اتحادیه های کارگری فقط پاسخ به نیازهای روزمره ی کارگران، لوازم ممانعت از تعدی و تجاوز بی وقفه ی سرمایه و، در یک کلام، مسائل مربوط به دستمزد و زمان کار بود. این فعالیت اتحادیه های کارگری نه تنها مشروع بلکه ضروری است. تا زمانی که نظام کنونی تولید وجود دارد، نمی توان از این فعالیت چشم پوشید. از سوی دیگر، اتحادیه های کارگری، بی آن که خود متوجه باشند، مراکز سازمان یابی طبقه ی کارگر بودند، همان گونه که شهرها و کمون های قرون وسطا مراکز سازمان یابی طبقه ی متوسط بودند. بی گمان، اتحادیه های کارگری برای جنگ چریکی کار با سرمایه لازم اند، اما آنها در مقام نهادهای سازمان یافته برای الغای نفس نظام کار مزدی و حاکمیت سرمایه اهمیت بیشتری دارند.

(ب) حال

اتحادیه های کارگری بیش از حد به مبارزات محلی و روزمره علیه سرمایه چسبیده اند و، به همین دلیل، قدرت خود را برای عمل بر ضد خود نظام بردگی مزدی دست کم گرفته اند. از این رو، آنها خود را بیش از حد از جنبش های اجتماعی و سیاسی کنار کشیده اند. با این همه، به نظر می رسد که اخیراً تا حدودی به رسالت تاریخی بزرگ خود پی برده اند؛ این را برای مثال از شرکت آنها در جنبش سیاسی اخیر در انگلستان، از وسعت یابی دید آنها به علت ایفای نقش در ایالات متحده ی آمریکا، و از قطع نامه ی زیر می توان دریافت، که در کنفرانس بزرگ اخیر نمایندگان اتحادیه ها در شفیلد صادر شده است:

این کنفرانس، ضمن قدردانی کامل از کوشش های «انجمن بین-المللی» [انترناسیونال اول] برای متحد کردن کارگران تمام کشورها از طریق برقراری پیوند مشترک و برادرانه میان آنها، از صمیم قلب به تشکل های گوناگونی که نمایندگان شان در اینجا حضور دارند توصیه می کند که به این انجمن بپیوندند، زیرا بر این باور است که این امر برای پیشرفت و شکوفایی کل جامعه ی کارگری حیاتی است.

(پ) آینده

اتحادیه های کارگری، صرف نظر از این که در اصل برای چه اهدافی به وجود آمده اند، اکنون باید آگاهانه همچون مراکز سازمان یابی طبقه ی کارگر و با هدف کلی رهایی کامل این طبقه عمل کنند. آنها باید به هر جنبش اجتماعی و سیاسی که در جهت این رهایی باشد یاری رسانند. اتحادیه های کارگری، که خود را پرچمدار کل طبقه ی کارگر می دانند و به این عنوان عمل می-کنند، نمی توانند از فراخواندن کارگران نامتشکل به صفوف خود غفلت ورزند. آنها باید دغدغه ی منافع کارگرانی را داشته باشند که سطح دستمزدشان از همه پایین تر است، مانند کارگران کشاورزی، که اوضاع و احوال استثنایی کنونی آنان را بیچاره کرده است. اتحادیه های کارگری باید تمام دنیا را متقاعد سازند که تلاش های شان نه برای اهداف تنگ نظرانه و خود خواهانه بلکه به قصد رهایی میلیون ها انسان ستمدیده انجام می گیرد.

این قطعه، که در اوت ۱۸۶۶ نوشته شده است، رهنمود ششم از نوشته ی مارکس به نام «رهنمودهایی برای نمایندگان شورای عمومی موقت» انترناسیونال اول است، و خطاب به اعضای شورا در کنگره ی نخست انترناسیونال، که در سپتامبر ۱۸۶۶ در ژنو برگزار شد، نوشته شده است، و در این کنگره به عنوان گزارش رسمی شورا خوانده شد. قرائت این رهنمود در کنگره بحثی نظری راه انداخت که در آن نمایندگان فرانسه، که تحت تأثیر پرودون بودند، با اعتصاب و مبارزات اتحادیه های کارگری مخالفت کردند. کنگره ی ژنو، در پایان، از قطع-نامه های مارکس حمایت کرد.

منبع:

The General Council of the First International, 1864-1872: Minutes (in five volumes)
.(-)(Moscow: Progress Publishers, 1962

نقل از:

Marx and Engels on the Trade Unions, edited with an introduction and notes by Kenneth
Lapides, International Publishers/New York, 1987, p.64-5

فروردین ۱۳۹۲

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

دست فروشان ولی عصر، متحد شوید

برپایه گزارش برگرفته از سایت خبری راه کارگرد 5 فروردین 92 آمده است: دست فروشان چه کسانی هستند؟ چرا به این کار رو آورده اند؟ آیا سود سرشاری دارند؟ این فعالیت اقتصادی چه تفاوتی با کارهای دیگر دارد؟ چه کسانی از این نوع فروش و گردش کالا و پول سود می کنند؟

شما ممکن ست در مواجهه اجباری هرروزه با انواع و اقسام دست فروشان از خودتان این سوال ها را پرسیده باشید اما به جز تکرار کلیشه ها جوابی پیدا نمی کنید. معمولا دست فروشان به دلیل این که تحت شرایط متزلزلی کار می کنند از هر نوع دادن اطلاعات پرهیز می کنند و موقعیت هم طوری ست که نمی توان آن چه را که می گویند محک زد. این جا چند نمونه از مکالمه ها یی که با دست فروشان داشتیم را نقل می کنیم تا نشان دهد چگونه نیروی کاری که خیابان را زنده و دینامیک نگه می دارد در ترس زندگی و کار می کند و از این رو فقط به گزران خود فکر کند و به فکر نیست تا از نیرویی که می تواند بر خیابان اعمال کند به نفع خود و سایر کارگران استفاده کند.

روایت هایی که از انقلاب های تونس و مصر نگاشته شده به ما نشان می دهد که کارگران پراکنده نیولبرالیسم و خصوصا دست فروشان می توانند نقش مهمی در به راه انداختن جنبش و حفظ جوشش خیابانی آن داشته باشند. جرقه انقلاب در تونس توسط جوان دست فروش میوه فروشی زده شد که خود را در منظر عموم آتش زد. وضعیت کار و معیشت او چنان آشنا و عمومی بود که همبستگی ملی را برانگیخت. در مصر آن گونه که بلاگر ها روند انقلاب را توصیف کرده اند تظاهرات میدانی با پیوستن دست فروشان خیابانی به میدان تحریر صورت متفاوتی به خود گرفت. این دست فروشان متوجه شده بودند که نیرو و اهمیت خیابان به آنان تعلق دارد و چنان چه آنها این نیرو را از خدمت سرمایه در آورده و به خدمت جوشش انقلابی در آورند می توانند بر خیابان تسلط یابند. هدف ما هم در این فوتوبلاگ همین هست. ما می خواهیم راه هایی را که انرژی نیروی کار را به سلطه می گیرد در خیابان شناسایی کنیم و راه هایی را که این انرژی را به خدمت مردم و نیروی کار و نه صاحبان سرمایه می گیرد پیدا کنیم. این اطلاعات بر ما ناشناخته ست و ما نسبت به آن ناآگاهیم هرچند که درون شان هستیم و هر روز باز تولیدشان می کنیم. در چرخش انرژی به سمت انقلاب دست فروشان می توانند سهم بالقوه پی داشته باشند چرا که مورد استثمارترین گروه اند و اگر از بردگی سرمایه آزاد شوند نیرو انگیزه و دینامیسم انقلاب را تولید خواهند کرد درضمن با مکان ها آشنا هستند و می دانند در خیابان چه اتفاقاتی می افتد پلیس کجاست چه کسانی حامی کارگران اند کدام دسته از خرده بورژوازی مستقر در خیابان پشتیبان تغییر رادیکال هستند. به کجا ها می توان گریخت. پناهگاه ها کجا هستند و غیره.

خیابان ولی عصر بالاتر از تقاطع شهید بهشتی

خوب به سراغ دست فروشان می رویم. این خانم را همه ی آنهایی که به چهارراه ولی عصر رفت و آمد می کنند احتمالا می شناسند. چندین سال ست که لباس زیر زنانه و لباس های بچه گانه می فروشد. آن چه 4 سال پیش توجه من را نسبت به این خانم جلب کرد وجود لباس هاس زیر زنانه بر خیابان ولی عصر بود. راستی با وجود این همه سخت گیری در مورد حجاب مانتوهای کوتاه و تنگ و رنگ های روشن چگونه می توان شورت های قرمز را آشکارا در معرض دید قرار داد؟ 4 سال پیش این خانم اجازه داد که از وسایل اش عکس بگیرم به شرط آن که صورتش معلوم نباشد. تابستان 91 هم باز این خانم را در همین مکان دیدم اما دیگر اجازه عکس دادن نمی داد و به شدت نگران خبرنگاران

بود. من سعی کردم باب صحبت را باز کنم و عکس های دیگری که از دست فروشان گرفته بودیم را نشان اش دادم تا بلکه بیشتر درباره موقعیت کاری اش حرف بزند. مثلاً این که با پلیس چه طور رفتار می کند؟ مشتری هایش بیشتر چه کسانی هستند؟ چه لباس هایی بیشتر به فروش می روند؟ اما علاقه یی به صحبت کردن نداشت. در این طور مواقع عکس تنها مدیومی ست که با وجود همه ی گنگی اش حداقلی از بازنمایی را امکان پذیر می کند.

با این آقا بالاتر از میدان ونک آشنا شدم که وزن می کشید. خیلی اهل حرف زدن نبود اما مثلاً تعریف کرد که خیلی یک جا نمی ماند و مرتب جایش را تغییر میدهد این که بازنشسته ست و حقوق آن کفاف مخارج اش را نمی دهد. چیزی که در مورد این آقا نظرم را جلی کرد حس بدون تعارفی بود که در خیابان داشت. کفش هایش را در آورده و کنارش گذاشته و در حال تسبیح انداختن بود. نقاب های اجتماعی دیگر کارکردی برایش نداشت و بدون آن ها در ولی عصر می گشت. به وضوح دیگر چیزی برای از دست دادن نداشت. کارگران همان طور که مارکس و انگلس به ما گفته اند جز زنجیرهایشان چیزی برای از دست دادن ندارند.

این دو خواهر را حوالی ده شب در میدان ونک دیدم و هیچ وقت دوباره ندیدم شان. دستمال کاغذی بسته بندی شده که توی کیف جا بشود می فروختند یکی شان حدود 10 و دیگری 7 ساله بود هر دو به شدت از پلیس و شهرداری می ترسیدند اما چندان ترسی از تاریکی هوا یا ترس از تعرض جنسی بروز ندادند. من گفتم که خیلی دیر وقته کی خانه می روید؟ چه طور به خانه می روید؟ آن ها گفتند که تا همه دستمال ها را نفروشنند نمی روند خانه چون می خواهند به پدرشان کمک کنند و باید همه چی را بفروشند. گفتند که با اتوبوس می روند. از این که با من حرف می زدند بسیار ترسیده بودند و خیلی خواهش کردند که از صورت شان عکس نگیرم.

کودکان کار قربانیان مضاعف سیستم نیو لیبرال هستند و بیشترین منفعت را برای سیستم می آورند چه آن هایی که در خیابان کار می کنند چه آن هایی که در خانه ها و کارگاه ها، چرا که مزدی که دریافت می کنند چندین برابر کمتر از کارگران بالغ ست. به تازگی جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان رادیوی خود را راه اندازی کرده اند که ورود آنها را به حوزه ی رادیو خوش آمد می گویم و امیدواریم که به ما در آشنایی هر چه بیشتر با شرایط کارگران نیولیبرال چه کودک چه بالغ یاری برسانند. شماره صفر رادیو را می توانید این جا بشنوید: <http://radiojamat.com/>

عدم پرداخت حقوق 600 ناجی غریق مازندران!

به نوشته سایت مازندنومه در 6 فروردین 29 آمده است: ما 600 نفر را تاکنون نگه داشتیم و جلوی استانداری نیامدند، اما اگر 200 نفرشان می آمدند چه بلوایی می شد. به گزارش 6 فروردین مازندنومه، رئیس هیئت نجات غریق مازندران گفت: بچه های ما اگر بلال فروشی کنند ماهی یک میلیون و 500 هزار تومان درآمد دارند اما ما وعده حقوق 450 هزار تومانی دادیم که این مبلغ هم پرداخت نشده است. اسلامی گفت: حالا دیگر خانواده های ناجیان غریق به ما زنگ می زنند و ما در مقابل خانواده ها قرار داریم. وی افزود: ما 600 نفر را تاکنون نگه داشتیم و جلوی استانداری نیامدند، اما اگر 200 نفرشان می آمدند چه بلوایی می شد.

کارگران شرکت پیمانکاری ورزشگاه نقش جهان اصفهان تعطیلات نوروزی ندارند !

به گزارش خبرگزاری ایمنّا، در تاریخ 6 فروردین 92 آمده است: با وجود تعطیلی چند روزه دستگاه های دولتی به مناسبت آغاز سال نو، کارگاه های ساخت ورزشگاه نقش جهان در ایام نوروز هم فعال بود.

بنابراین گزارش، طبق قول پیمانکار ورزشگاه نقش جهان، در ایام نوروز هم حدود ۵۰ نفر کارگر در ورزشگاه نقش جهان اصفهان حضور داشتند.

البته تعداد کارگران حاضر در این ورزشگاه طی روزهای گذشته به میزان تعداد این کارگران پیش از

آغاز نوروز نبود چراکه پیش از این روزانه نزدیک به ۱۵۰ کارگر در ورزشگاه نقش جهان حضور داشتند که این تعداد در ایام نوروز حدود ۵۰ نفر بود .

کاهش ۲۰ درصدی تجارت میان ایران و دبی در سال ۲۰۱۲

به گزارش رادیو صدای آلمان به نقل از گزارش منابع رسمی، در ۶ فروردین ۹۲ آمده است : تجارت دبی با ایران به علت تحریمهای مالی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۲ میلادی ۳۰ درصد کاهش یافته است. البته این موضوع تاثیری بر اقتصاد این شیخنشین حاشیه خلیج فارس نداشته است .

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه ۲۵ مارس (پنجم فروردین) گزارش داد نقش دبی به عنوان یکی از کانالهای اصلی واردات کالا به ایران و همچنین میزبان ده هزار فعال اقتصادی ایرانی به شدت آسیب دیده است .

دلیل این اتفاق نگرانی مراکز مالی و بانکهای این شیخنشین از ارائه خدمات به بازرگانان و طرفهای ایرانی است. خدماتی که ممکن است با تنبیههای مالی ایالات متحده آمریکا همراه شود. بخش دیگری از این کاهش به علت از دست رفتن ارزش واحد پول ایران، ریال، در برابر دلار آمریکا و دیگر ارزهای خارجی است .

ایالات متحده آمریکا و همپیمانان غربی این کشور در تلاش هستند با اعمال تحریمهای اقتصادی، از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران جلوگیری کنند. برنامه‌ای که به باور غرب ممکن است اهدافی نظامی را دنبال کند. با این حال حکومت جمهوری اسلامی ایران تاکید می‌کند که برنامه هسته‌ای‌اش تنها برای هدفهای غیرنظامی است .

گزارش رویترز به نقل از احمد بوتی احمد رئیس گمرک دبی تصریح می‌کند که مبادلات تجاری میان ایران و دبی در سال ۲۰۱۲ میلادی ۲۵ میلیارد درهم (شش میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار) بوده است. این میزان در مقایسه با تجارت ۲۶ میلیارد درهمی سال ۲۰۱۱، کاهشی در حدود ۳۱ درصد را نشان می‌دهد .

تجارت کالا با ایران در حال حاضر دو درصد از تجارت دبی را تشکیل می‌دهد. بر اساس داده‌های منتشر شده توسط سازمان تجارت جهانی، ارزش صادرات و واردات میان ایران و دبی در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۱۹۴ میلیارد دلار برآورد شده بود .

رئیس گمرک دبی تصریح می‌کند که تجارت سنتی کالا با ایران با لنج‌های کوچک که در خلیج فارس میان این دو کشور رفت و آمد می‌کنند ادامه دارد. به گفته وی این کالاهای بیشتر شامل غذا و دیگر محصولات است که مشمول تحریمهای بین‌المللی نمی‌شوند .

با آنکه تجارت میان ایران و دبی کاهش یافته با این وجود آمارها نشان می‌دهد که تجارت غیرنفتی دبی در سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۳ درصد افزایش یافته است. به همین دلیل کارشناسان اقتصادی تصریح می‌کنند که کاهش تجارت میان ایران و دبی، تاکنون تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد دبی نداشته است.

قیمت میوه سر به فلک کشیده است!

به گزارش سایت تابناک در ۶ فروردین ۹۲ آمده است : هر چقدر پرتقال آبروداری کرد و در ایام زمستان نجومی قیمتش بالا نرفت، اما در ایام نوروز رکورد شکنی کرد و هم اکنون به حدود ۵۰۰۰ تومان و حتی بیشتر رسیده است. موز ۶۲۰۰ به بالا به فروش می رسد، گوجه فرنگی ۵۰۰۰ تومان به فروش می رسد. سیب حدود ۴۰۰۰، خیار بالای ۳۰۰۰ تومان و...

به گزارش «تابناک»، خواب خرگوشی نوروزی برخی از مسئولین را درنور دیده است و بازار میوه و تره باره هم انتقام تورم را از مردم می گیرد. این در حالی است که هنوز صدای مسئولان مختلف در گوش مردم طنین انداز است که مردم نگران میوه نوروز خود نباشند. همه چیز تحت کنترل است، مردم با خیال راحت در صف ها بایستند و نفری چهل هزار تومان یارانه بگیرند تا بتوانند حداقل هفت کیلو موز یا هشت کیلو پرتقال، یا هشت کیلو گوجه فرنگی برای یک ماه خود بخرند. مردم عموماً فراموش نمی کنند، این برخی از مسئولان هستند که فراموش می کنند. اکنون دیگر بحث تورم یا گرانی نیست! مدت هاست به لطف برخی مسئولان کار از کار بگذشته است. صحبت اکنون درباره تحقیر و از بین رفتن عزت نفس ایرانیانی است که امسال نوروز با

چشمانی پر از خجالت همدیگر را نگاه می کردند. آنانی که پسته و آجیل نتوانستند خریداری کند که هیچ. آنانی هم که نتوانستند خریداری کنند نمی توانستند تعارف کنند که آنان نیز خجالت می کشیدند از نخوردن میهمانان!

پسته و آجیل را که به راحتی این ملت نجیب بی خیال شدند! اما اکنون پرتقال را هم، موز را هم، خیار را هم، گوجه فرنگی را هم، سیب را هم باید بی خیال شوند! اگر قرار است هر کسی خود تعیین کننده قیمتش باشد، اگر قرار است مردم هر روز شاهد از دست رفتن قلمی از اقلام زندگی خود باشند و هیچ کس هم رسیدگی نکند، پس دولت ها به چه کار می آیند؟ اگر بناست دولت تایید کننده گرانی ها باشد که این همه قشون نمی خواهد! نکته جالب اینکه چند روز دیگر که مسئولان از تعطیلات بر می گردند و حسب وظیفه گزارش دهی و نه برای انجام کاری عملی، به محاسبه تورم یا عملکرد نروزی خود بپردازند، همه مسائل درست و حسابی است، مشکلی وجود نداشته است و فقط یک مقطعی، دقت کنید یک مقطعی به دلیلی همه چیز چند برابر شده است که آن هم با تلاش مسئولان به سرعت بر طرف شده است و مردم اصلاً دغدغه ای نداشته اند!

دولت سه هزار میلیارد تومان یارانه را به جیب زد و به مردم نداد

به نوشته سایت بازتاب در 7 فروردین 92 آمده است: در گزارشی از ترفند دولت برای پرداخت نکردن یک ماه یارانه ایرانیان به مبلغ حدود ۳ هزار میلیارد تومان پرده برداشت و نوشت: همان طور که پیش بینی می شد، سرانجام دولت احمدی نژاد ظرف دو سال با ایجاد تاخیرهای تدریجی موفق گردید یارانه یک ماه ایرانیان را پرداخت نکند و بدون آن که کسی متوجه شود، ۳ هزار میلیارد تومان حق ۷۰ میلیون نفر را به جیب بزند. این اقدام در حالی صورت می گیرد که مطابق با قانون، دولت موظف به پرداخت یارانه نقدی که در مقابل آن قیمتها چند برابر افزایش یافته، است. اما دولت با زرنگی توانست یارانه یک ماه را با روش با پنبه سر بریدن به مردم ندهد. این در حالیست که نخستین یارانه ایرانیان دو سال قبل و در بیست و هفتم آذر ماه سال ۱۳۸۹ به صورت دو ماهه پرداخت شد. یعنی به طور متوسط یارانه ۳۲ روز زودتر پرداخت گردید و اکنون یارانه ۲۵ روز دیرتر پرداخت شده است. این به آن معناست که حدود دو ماه در پرداخت یارانه های نقدی تاخیر ایجاد شده و عملاً یک ماه یارانه ایرانیان ناپدید شده است. عملکرد دولت در بالا کشیدن سه هزار میلیارد تومان یارانه ۷۰ میلیون ایرانی در آستانه انتخابات، ابهاماتی درباره چگونگی هزینه کردن این پول هنگفت را مطرح می سازد. یارانه یک ماه ایرانیان در حالی پرداخت نمی شود که در این ایام گرانی پایان سال، مردم به این مبالغ به شدت نیاز دارند. شاید در نگاه اولیه، روزهای واریز شدن یارانه نقدی تفاوتی نکند؛ اما در پرداخت هایی که سقف انتهایی ندارند، یعنی باید به صورت مداوم پرداخت شوند، تغییر در روز پرداخت و تبدیل شدن پرداخت قبل از ماه به آخر ماه بعد، به معنای پرداخت نشدن یک ماه مستمری است. به عبارت دیگر، دولت به جای آن که یارانه ماه آبان را در اواخر مهر پرداخت کند، این یارانه را در اواخر آبان پرداخت می کند و به همین ترتیب در ماه آذر و دی نیز تاخیر ایجاد می شود و در عمل یک ماه پرداخت نقدی انجام نمی شود. همانگونه که جدول زیر نشان می دهد، نتیجه این تاخیرات تدریجی موجب شده است در سال ۱۳۹۰ عملاً یازده مرحله پرداخت یارانه نقدی به جای دوازده مرحله صورت بگیرد. علت آن است که اواخر سال ۸۹ یارانه قبل از ماه واریز می شد، اما بعداً واریز به اوایل و اواسط همان ماه موکول شد.

سال ۹۱، سالی سخت و پرمشقت برای اکثریت مردم ایران، به ویژه مزدبگیران بود.

به نوشته سایت خبری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 فروردین 92 آمده است: دبیر خانه کارگر مشهد معتقد است سال ۹۱، سالی سخت و پرمشقت برای اکثریت مردم ایران، به ویژه مزدبگیران بود. حسین رسولی در این باره به ایلنا گفت: جامعه کارگری در سال ۹۱ روزهای سخت و پرمشقتی را پشت سر گذاشت. بسیاری از کارگران به دلیل کاهش ارزش پول ملی که واحدهای تولیدی را با مشکل کمبود منابع مالی مواجه کرد، از کار بیکار شدند.

او افزود: کسادی بازار کار، بی‌رونق شدن تولیدات داخلی، محقق نشدن خواسته‌های کارگران بویژه در بخش دستمزد و حقوق جانبی همه از جمله مواردی هستند که در سال ۹۱ به زیان جامعه کارگری رخ داده است .

این فعال کارگری در مشهد ادامه داد: دولت می‌توانست با انجام وظیفه‌اش در اختصاص ۳۰ درصدی سهم بخش تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها، از بخشهای اقتصادی و تولیدی حمایت کند. اما در سایه بی‌توجهی و عدم حمایت دولت از بخش تولید، با تعطیلی واحدهای تولیدی بسیاری از کارگران در سراسر ایران بیکار شدند .

رسولی افزود: وادات بی‌رویه کالاهای چینی، افزایش قیمت حاملهای انرژی و کمبود منابع مالی از عواملی بودند که توان رقابت واحدهای تولیدی را در بازار گرفتند و کارفرمایان علاوه بر ناتوانی در تامین موارد اولیه تولید، در پرداخت حقوق کارگران خود نیز دچار مشکل شدند .

دبیر خانه کارگر مشهد درباره نرخ مصوب برای دستمزد سال ۹۲ کارگران نیز گفت: میزان افزایش حقوقی که دولت در سال ۹۲ برای کارگران در نظر گرفته است، نسبت به تورم موجود حداقل ۲۰ درصد عقب‌تر از سبد هزینه خانوار کارگری است .

این فعال کارگری در خاتمه به سال سختی که پیش روی کارگران است اشاره کرد و گفت: تعداد زیادی از کارگران در حالی سال ۹۲ را آغاز کردند که ماه‌هاست حقوقی دریافت نکرده‌اند و بسیاری نیز به دلیل تمدید نشدن قرارداد کاریشان سال جدید را در «بیکاری» آغاز کردند .

شریف ساعد پناه با وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۹۲ آمده است : پس از گذشت ۱۷ روز از بازداشت شریف ساعد پناه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار ۳۰ هزار نفره کارگران، امروز با وثیقه یکصد میلیون تومانی آزاد شد. شریف ساعد پناه این مدت تحت بازداشت اداره اطلاعات سنندج بود. روز هفدهم اسفند ۵ تن از فعالین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری که ظاهراً در ارتباط با تلاش برای برگزاری روز جهانی زن دستگیر شده . و سه روز پس از آن شریف ساعد پناه نیز توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت شد طی سالیان گذشته تا به امروز فعالین و رهبران کارگری همواره با اتهامات بی اساس تحت فشار قرار گرفته اند تا در مبارزه برای خواستههای مشروع و به حق کارگران وادار به سکوت گردند.

بازداشت های اخیر در روزهای پایانی سال گذشته نیز در این راستا صورت گرفته است. اتهاماتی که نهادهای امنیتی برای ساکت کردن فعالین کارگری به آنان وارد میکنند علی رغم بی ارتباط بودن به فعالیت اجتماعی کارگرانی چون شریف ساعد پناه ، امروزه جزئی از حقوق مدنی خدشه ناپذیر و پذیرفته شده شهروندان در سطح دنیا می باشد. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن تبریک به شریف ساعد پناه و خانواده و دوستان وی ، خواهان آزادی تمامی کارگران در بند و از جمله ۵ تن از اعضای کمیته هماهنگی می باشد که نوروز امسال را بجای حضور در کنار خانواده های خود، در بازداشتگاه می گذرانند

آزادی شریف ساعد پناه با قرار وثیقه

به گزارش انعکاس یافته در سایت کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۹۲ آمده است : روز پنج شنبه ۸ فروردین ، شریف ساعد پناه فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران با قرار وثیقه ۷۰ میلیون تومانی آزاد گردید .



در پی برقراری جو امنیتی در شهر سنندج در آستانه ۸ مارس به جهت جلوگیری از برگزاری مراسم ۸ مارس توسط کارگران و فعالین در شهر سنندج، ۵ نفر از اعضای کمیته هماهنگی در ۱۷ اسفند و شریف ساعد پناه نیز در تاریخ ۲۰ اسفند در منزل مسکونی اش توسط نیروهای اطلاعات دستگیر شدند .

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن تبریک آزادی شریف ساعد پناه خواهان آزادی وفا قادری، علی آزادی، حامد محمود نژاد، خالد حسینی، بهزاد فرج الهی و غالب حسینی اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی در شهر سنندج و همچنین آزادی

سایر کارگران و فعالین و زندانیان سیاسی می باشد.

۸ فروردین ۱۳۹۲

سیاست های دورکاری و تأثیر آن بر سرنوشت زنان محبوبه قنبری

برپایه گزارش رسیده به روزشمار کارگری در 8 فروردین 92 آمده است : دورکاری یکی از طرح هایی است که از چند سال قبل در حوزه ی اشتغال مطرح شد. هر چند دورکاری در حوزه ی کارگری بحث جدیدی نیست و تحت عنوان مشاغل خانگی دسته بندی می شود، یعنی تولید و کار در منازل نیروهای کار انجام می شود. طبق تعاریفی که در آیین نامه دورکاری آمده است، دورکاری یعنی اینکه فرد بتواند کار را بدون حضور فیزیکی در محل کار انجام دهد. کارمند دورکاری به آن دسته از کارمندانی اطلاق می شود که بتوانند خدمات خود را در محیطی خارج از اداره، با استفاده از نظام الکترونیکی، ارائه کنند و قرار بود بر اساس برنامه ها و هدف گذاری های انجام شده در شرایط عادی می بایست تا پایان سال 91 سی درصد نظام اداری کشور دورکاری شود. این شیوه ی کار که در حوزه ی ادارات دولتی این طرح با سروصدای بسیار آغاز شد و در برخی ادارات شهر تهران و برخی شهرستان ها به شکل آزمایشی به اجرا درآمد، بیشتر زنان شاغل را هدف قرارداد.

ارتقای بهره وری با استفاده از خلاقیت کارکنان، کاهش تردد و ترافیک در شهرهای بزرگ و صرفه جویی در وقت و هزینه، از مزایای این طرح عنوان شد. از دیگر مزایای این طرح برای زنان، بهتر انجام دادن وظایف کاری خود در خانه عنوان شد و این که «طبیعتاً کمتر خسته شده و آسایش و آرامش در زندگی خانوادگی حکم فرما خواهد شد و در سایه ی این آرامش، امنیت بیشتری در فضای خانواده به وجود می آورد.» با اجرای این طرح دستمزد بر اساس کار انجام شده پرداخت می شود نه بر اساس ساعات کار فیزیکی.

پس از اجرای این طرح، مشکلات یکی پس از دیگری خود را نشان داد و کم کم سروصداها خوابید و دیگر در تیتراژ خبرها چیزی از این طرح بزرگ دیده نمی شود؟ هیچ کس هم نمی پرسد اجرای آزمایشی این طرح چه بر سر زنان شاغلی آورد که مشمول این طرح شده بودند. اداره ی میراث فرهنگی یکی از اداراتی بود که این طرح در آنجا اجرا شد. بسیاری از کارمندان (بیشتر زنان) شامل این طرح شدند. با یکی از این زنان صحبت کوتاهی داشتیم. دختر جوانی با مدرک لیسانس و 6 الی 7 سال سابقه ی کار. می دانید از چه زمانی بحث دورکاری مطرح شد؟

دقیقاً نمی دانم، ولی این طرح در مجلس هم که مطرح شد اما اصلاً اسم سازمان ما نبود. يك دفعه در عرض يك ماه بحث انتقال معاونت هایمان به استان ها مطرح شد و در عرض يك هفته معاونت صنایع دستی ما منتقل شد اصفهان. با چه فضاحتی همکاران ما را منتقل کردند. چه خانواده هایی که از هم نپاشید! بعد از آن، معاونت پژوهشگاه ما را منتقل کردند شیراز و بعد ساختمان پژوهشگاه هنرهای سنتی واقع در خیابان آزادی با يك کتابخانه ی عظیم. همه را جمع کردند. کتاب ها را نتوانستند ببرند و خیلی هایش هم از بین رفت. هم زمان با این مسأله، بحث دورکاری هم مطرح شد. يك دفعه دستور دادند 50 درصد نیروی شاغل باید دور کار شوند آن هایی که نمی توانند بروند استان ها، باید دورکار شوند... یکی از دورکارها من بودم.

طبق چه برنامه ای این کار را انجام دادند؟

هیچ برنامه ای برایش نداشتند. اینکه چه کاری باید به این کارمندان داد، چگونه باید به آنها حقوق داد... فقط گفتند باید دورکاری کرد.

بماند که با چه فضاحتی ما را از اداره بیرون انداختند. يك روز آمدند وسایل مرا جمع کردند و مرا توی سالن نشانده با برخوردهای بد. حتی همکارانی که دور کار نشده بودند با ما مثل جزامی ها رفتار

می کردند که مثلاً شما دور کار شدید. همه ما فکر می کردیم که انتهای این طرح اخراج است که برای همه ی ما این تبعات بسیار بدی داشت، برای من که مستقل زندگی می کنم و تمام درآمد من از این اداره است و یا آقایونی که باید خرج خانه و خانواده شان را بدهند. سه ماه اول دورکاری کلاً به ما 300 هزار تومان دادند. بماند که الان بعد از سه سال دو سال و نیم خیلی از همکاری های ما که از پژوهشگاه دور کار شده اند هنوز 300 الی 400 هزار تومان می گیرند. خیلی از مزایایی که سازمان می دهد به آنها تعلق نمی گیرد. به آنها وعده داده بودند زمین می دهند وام می دهند که به خیلی از این وعده ها عمل نکردند. برنامه نداشتن خیلی بد بود. باعث شد یک سری همکاران هر روز دارند می روند سرکار. یک سری شان تا ساعت 11 و 10 شب کار می کنند. مجبورشان می کنند. در مقابل دو ماه یا سه ماه است که یک سری دورکارها خانه نشسته اند، چون هیچ کاری برایشان تعریف نشده ولی چون سرپرستشان از دوستانشان است، برایشان گزارش کار رد می کند. حقوق کامل هم می گیرند. تبعیض همه جا هست. برای خود من خیلی غیرمنتظره این اتفاق افتاد. ضربه ی بدی بود. 4 یا 5 سال کار در سمت هایی کار کرده بودم و از نظر کاری رزومه ی خوبی داشتم. ما را فرستادند به محلی در تهران که قرار بود همایشی در آنجا برگزار شود. ولی آنجا، چون دور کار بودیم، هر کاری به دستشان می رسید، به ما می دادند، مثل لوله کردن پوستر همایش و ... به اسم اینکه دور کار بودیم. مرخصی نداشتیم حتی ساعتی. اگر دیر می رفتیم کسر کار حساب می شد...

فکر می کنی چرا طرح دورکاری را اجرا کردند؟ چیزی که خودشان گفتند برای صرفه جویی در انرژی. می گفتند ببینید چقدر کمتر آب و برق و ... مصرف می شود. ولی طرح دورکاری در کشورهای دیگر هزینه ی رفت و آمد اینترنت و برق و ... را می دهند، در یک دوره ای کرایه ی ماشین هامن را هم خودمان می دادیم. واقعاً نمی دانم چرا این کار را کردند. تمرکززدایی! احساس می کنند فتنه از ادارات است. کارمندان را از محل کار دور کنند. می خواهند تهران را به خاطر شلوغ نشدن سیاسی، خالی بکنند.

حال وضع به چه منوال است؟

خب کارها آن طور که می خواستند پیش نرفت. حالا قرار است دورکارها را برگردانند ولی تا دوباره کارها به روال سابق برگردد کلی طول می کشد. در این وسط نمی دانید چه بر سر خانواده ها آمد. وقتی می خواستند خانمی از همکاران ما را به شهرستان منتقل کنند، گفته بود که همسرم موافقت نمی کند به شهرستان بروم. مسئول ایشان گفته بود «این که مشکلی نیست طلاق بگیر».

در این مدتی که دور کار بودم ناامنی شغلی را بسیار خوب تجربه کردم. هر روز منتظر بودم اخراج شوم. به دلیل اینکه امکان دیگری برای کسب درآمد نداشتیم ناگزیر بودم بمانم و با این شرایط بسازم. برای کسانی که صاحب همسر و فرزند هم بودند شرایط به همین گونه بود. درآمدان کمتر شده است طبیعتاً این مسأله سبب می شود که امکانات کمتری را بتوانی برای خانواده ات فراهم کنی. وقتی شب بیکاری و نداشتن درآمد، تمام مدت روی سرت باشد چگونه مادری برای فرزندت خواهی بود؟! هنوز هم نمی دانیم چه بر سر ما خواهد آمد.

اگر امکانش را داشتیم حتماً استعفا می دادم ولی شما کاری سراغ دارید؟

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/03/blog-post_26.html#more

من از طومار اعتراضی مان بر سر دستمزد دفاع میکنم قاسم دبیری

به نوشته سایت روشنگری در فروردین 92 آمده است : افزایش سرسام آور قیمت ها و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر زندگی ما میلیونها کارگر را هر روز بیشتر بیشتر به نابودی کشانده است. بر پایه این حقیقت تلخ یک طومار اعتراضی توانسته است صدای اعتراض سی هزار کارگر را بلند کند. تازه اگر مشکل نداشتیم این طومار به همه کارخانجات و به میان همه همکارانمان

میرفت شک ندارم که جمعیتی میلیونی دور آن جمع میشد. این میان کسانی پیدا میشوند که کلاس آموزشی برای ما باز کرده و تحت عنوان "الفبای مبارزه کارگری" و با ارجاع به قرنی پیش برای ما استدلال می آورند که طومار پاسخ نیست. پاسخ من به این دوستان این است که الفبای مبارزه چیزی جز دیدن تلاش هر روزه کارگران برای بهبود دائمی زندگیشان و مبارزه طبقاتی جاری نیست. همچنین هستند کسانی که تحت عنوان اینکه قدم بعدی اهمیت و جایگاه همین اولین قدم ما را کمزنگ و یا انکار میکنند. در حالیکه نفس اینکه سی هزار کارگر صدای اعتراض را آنچنان بالا برده است که در موردش رسانه ها نوشته اند و چنین مباحثی به راه افتاده است، نشانگر اینست که طومار اعتراضی ما متکی بر یک حقیقت عظیم اجتماعی است که قدرت خود را از آنجا گرفته است و به همین اعتبار توانسته است چنین صدا کنند. باید این قدرت را دید تا اهمیت این کار را متوجه شد. این ها همه نشان میدهد که طومار اعتراضی ما یک دستاورد و یک پیشروی برای همه کارگران و کل جامعه است. من میخواهم از این دستاوردمان دفاع کنم .

اتحادیه آزاد کارگران ایران از بدو تشکیل همواره به منظور آگاهی رسانی به اقشار مختلف جامعه در خصوص وضعیت نابسامان کارگران کوشیده است صدای اعتراض جامعه کارگری را از طرق مختلف به گوش مقامات کشوری برساند .

اتحادیه آزاد کارگران ایران بدین منظور با طراحی یک حرکت ماندگار تاریخی در ایران , طرح جمع آوری و امضاء کارگران با نام طومار اعتراضی کارگران سراسر کشور را به صورت مرحله به مرحله به مورد اجراء گذارد که کماکان ادامه دارد .

باز تاب گسترده این حرکت در رسانه های کشور حاکی از عملکرد ممتاز طراحان این طومار اعتراضی بوده است .

این طومار نمایانگر پرده بزرگ اعتراضی کارگر در مقابل وضع موجود بود .

طوماراعتراضی, فریاد خشم کارگردر برابر توطئه گریهاییست که برای ندید گرفتن اعتراض امضا کنندگان طومار را افرادی بی هویت خوانده و حتی عوامل دشمن میداند. این طومار در برابر کسانی چون کانون عالی شوراهای اسلامی و غیره است که زیر فشار اعتراض ما کارگران ناگزیر به درد ما اشاره میکنند اما با گفتن اینکه وظیفه ما قبل از هر چیز حفظ نظام است, حتی اگر نتوانیم جانب کارگر را بگیریم .

جنبه مهم دیگر طومار اعتراضی ما, همبستگی کارگران در این طومار و جمع شدن سی هزارکارگر به دور آنست. سی هزار کارگر که همه درد مشترک دارند. به همین اعتبار طومار بر سر دستمزد دعوت کارگران به اتحاد است .

طومار اعتراضی همچنین راه مشارکت کلیه کارگران را در این حرکت اعتراضی بسیار ساده کرده است. طوماری که اعتراضش به فقر و فلاکت است و با خواست مشخص افزایش فوری دستمزدها زمینه ساز حرکت های سنجیده و بزرگ بعدی خواهد بود .

حرکت ممتازاین اتحادیه و هماهنگ کردن چنین طوماری الگویی مناسبی برای کل کارگران و دیگر تشکلهای کارگری ایجاد کرده است .

همه اتفاق نظر داریم که کارگران , در شرایط تدافعی هستند ومطالبات آنها تعرضی نیست اما این طومار با یک خواست تعرضی آنهم خواست افزایش دستمزد که خواست میلیونی کارگران است, یک گام مهم به جلو است. در شرایطی که کارگر زیر چشم کارفرمایان و انبوه قوانین و مقررات ضد کارگری و جلوی چشم حراست و نیروهای سرکوب در محیط های کار چنین گامی را برمیدارد, حرکتی مهم و قابل تقدیر و ستایش است .

کار این طومار از اول مه ماه 1391 با انتشار 5000 امضا شروع شد. سپس در اولین مرحله در شمار ده هزار تایی این طومار به امضای کارکنان ده ها کارخانه و بنگاه اقتصادی و تولیدی در شهرهای مختلف با قید اسم و رسم و نام و نشانشان رسید و مطالبات خود را کتبا و رسماً به وزارت خانه های ذیربط اعلام داشت. پس از آن مرحله دوم و سوم آن اعلام شد و امضاها به 30 هزار رسید. در هر مرحله هماهنگ کنندگان طومار با اعلام اینکه اگر دستمزدها به روال هر سال تعیین شده و چند برابر زیر خط باشد حق خود میدانیم که در اشکال مختلف اعتراضمان را ادامه دهیم, ما سی هزار کارگر و کل کارگران را نمایندگی کردندو

خواست افزایش دستمزد دیگر دفاع نیست. اعتراض است

می توان گفت مضمون خواست ما کارگران در طومار اعتراضیمان یک اعتراض است. اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر و افزایش فوری سطح آنست. این یک تعرض متحد از جانب ما کارگران در برابر تهاجم هر روزه به زندگی و معیشتمان است. ما با این کارگر اعلام کرده ایم که دیگر این وضع را

قبول نمیکنیم.

هم چنان که انتظار می رفت این نامه علیرغم انعکاس گسترده در مطبوعات و روزنامه ها و سایت ها و خبر گذارهای کشور هیچ گونه پاسخ درخور توجهی از سوی مخاطبان نامه در پی نداشت. از همین رو این مبارزه ایست که ادامه دارد. چون مساله زندگی و معاش ما میلیونها کارگر و کل جامعه است. این طومار اعتراضی به همگان فهماند که آنطور هم که آنان فکر می کنند کارگران در ناآگاهی به سر نمی برند و نمی توان آنها را تحت عنوان _ مذهب و رضایت بر قضای الهی و مصلحت حاکم و غیره به تحمل بردگی کنونی و زندگی مشقت بار حاضر نگه داشت. این حقیقتی است که اگر کسی میخواهد الفبای مبارزه را بنویسد باید ببیند و همراهش شود . ما طبعاً میدانیم که جنبش اعتراضی کارگران در قالب جمع آوری طومار سراسری بنا نیست یکسره به صورت بنیادین تغییر و تحول اساسی در سطح جامعه پدید آورد . اما یک شروع برای اعلان خشم توده زحمتکش کارگری و بیان مطالباتشان است . ما اکنون با صفی سی هزار نفره صف قدرتمند هستیم. میخواهیم بگویم در الفبای مبارزاتان این را ارج بگذارید .

قاسم دبیری

پرتقال و مرغهای آلوده، قتل عام خاموش هزاران ایرانی و بی تفاوتی مسئولان

به گزارش خبرنگار سرویس اجتماعی بازتاب، در 8 فروردین 92 آمده ات: در حالیکه سلامت میلیونها ایرانی بدلیل توزیع میوه ها و مواد غذایی فاقد استانداردهای بین المللی در خطر است وزارت بهداشت و سازمان استاندارد ایران کوچکترین حساسیتی به موضوع نشان نمی دهند.

به گزارش خبرنگار بازتاب، اکثر شهروندان ایرانی در ماههای اخیر از قیمت پایین و اندازه بزرگ پرتقالهای مشهور به تامسون شمال تعجب کرده اند.

این پرتقالها که در زمستان گذشته با قیمت حدود ۱۱۰ تا ۱۳۰۰ تومان در میادین میوه و تره بار شهرداری توزیع شده اند و در نوروز نیز با قیمت ۱۵۰۰ تومان بعنوان میوه نوروزی توزیع می شوند از ظاهری غیرطبیعی برخوردارند و بزرگی فراتر از اندازه یک پرتقال طبیعی دارند.

اندازه وزون این پرتقالها بیشتر شبیه طالبی است و بسیاری از آنها بجای وزن حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ گرم یک پرتقال استاندارد بین نیم یا یک و نیم کیلو وزن دارند.

قیمت پایین وزن بالای این پرتقالها موجب تعجب مردم شده است اما بدلیل گرانی سایر اجناس و ارزانی نسبی میوه بازار خرید این پرتقالها در ماههای اخیر بسیار داغ بوده است و اقشار متوسط به پایین بخش مهم میوه مصرفی خود را این پرتقالها قرار داده اند.

در حالیکه گفته می شود پایین بودن قیمت این پرتقالها بدلیل برگشت خوردن آن از صادرات به کشورهای عربی است چرا که بدلیل مصرف غیرمجاز کود ازت بویژه بصورت برگپاشی که برای صرفه جویی در مصرف کود انجام می شود و وجود مواد شیمیایی بیش از اندازه، این پرتقالها برای سلامتی زیان آورند و پس از عدم امکان صادرات آنها بازرگانان برای جلوگیری از فاسد شدن و دور ریخته شدن آنها، تصمیم به توزیع این پرتقالها در داخل کشور با قیمت ارزان تر گرفته اند و تنها چیزی که در این میان اهمیت ندارد سلامتی مردم است.

در مورد مرغ نیز شاهد شرایط مشابهی هستیم، مصرف بیش از حد استاندارد داروهای شیمیایی و هورمون ها برای پروارتر کردن جوجه در مراغداری های کشور موجب شده است تا گوشتهای مرغ تولید داخل کیفیت و سلامتی مورد نیاز خود را از دست بدهد و مصرف آن پیامدهای منفی برای سلامتی مردم داشته باشد.

گفته می شود یکی از دلایل افزایش تصاعدی و غیرطبیعی نرخ سرطان در ایران عدم استاندارد بودن مواد غذایی و استفاده بیش از حد از داروهای شیمیایی است.

این داروها موجب تشدید مبتلا شدن شهروندان ایرانی به بیماری سرطان می شود که در شرایط تحریم معالجه آن نیز بسیار دشوار است و در اکثر موارد به مرگ خاموش شهروندان ایرانی منجر می شود.

هم اکنون سالانه بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار ایرانی به سرطان مبتلا می شوند که بیش از ۴۰ هزار نفر نیز بر اثر سرطان فوت می کنند.

سن مبتلا شدن به سرطان در ایران بشدت رو به کاهش است و در میان انواع سرطان سرطان معده کشنده ترین نوع سرطان در ایران محسوب می گردد که مواد غذایی ناسالم بویژه دارای مواد شیمیایی غیرمجاز از عوامل اصلی آن محسوب می گردد.

طبقه کارگر و سناریوی انتخابات بورژوازی

بر پایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری در 8 فروردین 92 آمده است : این روزها باز هم بازار گفتگوی دولت اسلامی سرمایه، اپوزیسیون های رنگارنگ راست و چپ بورژوازی در داخل و خارج، رسانه ها و تریبون های گوناگون در باره سناریوی انتخابات رئیس جمهوری داغ است و احتمالاً هر روز نیز از روز پیش داغ تر خواهد شد. هر کسی چیزی می گوید، هر جناحی نغمه ای برای ساز دارد، تحلیل گران به گمانه ها می آویزند. حرف های سران رژیم، رده های مختلف دولتمردان یا عمله و اکره سیاسی، نظامی امنیتی مستقر در ماشین دولتی بورژوازی را کنار می نهیم. آن ها که خود را اپوزیسیون می نامند، از راست تا چپ، هر چه بر زبان می رانند، ترجیع بند واحدی دارد. « انتخابات آزاد نیست، مهندسی خواهد شد. با پر بودن زندانها و تعطیلی روزنامه ها انتخابات چه معنی دارد، رفتن پای صندوق های رأی تحکیم پایه های قدرت رژیم اسلامی است. کارگران نباید فریب منافذیان شرکت در انتخابات را بخورند، تحریم بهترین راه است. صرف تحریم چاره کار نیست باید کارهای دیگر کرد » و فراوان بحث های دیگر که بازگوئی آنها ملال انگیز است .

در میان حرف ها، افشاگری ها یا گفت و شنوهای به اصطلاح آگاهگرانه!! جای چند نکته به طور کامل خالی است و هر بار نیز از بارهای پیش خالی تر می شود. این نکته ها که انتخابات اساساً چیست؟ به طبقه کارگر چه ربطی دارد؟ چرا کارگران آماج شنود این جار و جنجال های گمراه کننده بی ربط به کار و استثمار و پیکار و سرنوشت زندگی خود می گردند؟ و بالاخره اینکه توده های کارگر در مقابل طوفان عوامفریبی هائی که هر چند وقت یک بار زیر این نام بر سرشان خراب می شود چه واکنشی باید نشان دهند و دست به چه کارهائی باید بزنند. از نکته نخست شروع کنیم .

انتخابات حتی آزادترین، شفاف ترین، فراگیرترین و دموکراتیک ترین نوعش، حتی اگر همه این «صفات عالی» را پسوندهای عالی تر بخشیم، باز هم فقط یک تحریف، یک فریبکاری شنیع علیه توده های کارگر و علیه هر نوع جنب و جوش اعمال قدرت کارگران علیه سرمایه است. این ذات بورژوازی است که مثل هر طبقه دیگر حاکم در تاریخ، با بیشترین فریبکاری و شیادی از مصالح عام، حقوق مشترک و منافع واحد کل جامعه سخن می گوید!! و خود را نماینده این منافع و حقوق اعلام می دارد!! بورژوازی با این حرف بر روی تمامی واقعیت های جامعه موجود خط می کشد، وجود طبقات را انکار می کند، سرمایه دار و کارگر را انسان های برابر با منافع واحد می خواند و بر دنیای عظیم نابرابری های همه نوعی آنان پرده می اندازد، استثمار جنایتکارانه طبقه دوم توسط طبقه نخست را تکذیب می نماید، انفصال جامع الاطراف توده های کارگر از کار و محصول کار و سرنوشت زندگی اجتماعی خویش را از انظار پنهان می سازد. تسلط اختاپوسی هار طبقه سرمایه دار بر همه وجوه هستی طبقه کارگر را به زیر پرده فریب می کشد. بورژوازی با پیش کشیدن مصالح عام و منافع واحد کل جامعه، به تمامی این وارونه پردازی های سبعانه دست می زند. در همین راستا و به عنوان ساز و کار حصول این هدف از پدیده های دروغین گمراه کننده ای مانند « میهن»، « ملت»، « توسعه ملی»، « وطن مستقل»، « سرنوشت مشترک ملی» و فراوان ترهات مشمئز کننده دیگر سخن می راند. نمایندگان فکری و سیاسی این طبقه کل بازگونه سازی های بالا و تمامی الفاظ و مفاهیم واهی اخیر را ردیف می کنند تا از این طریق و به یمن همه این ترفندبازی ها بر روی واقعیت، مبرمیت و اجتناب ناپذیری مبارزه طبقاتی توده های کارگر علیه اساس سرمایه داری پرده اندازند. پدیده موسوم به انتخابات نیز درست از همین جا، از دل این دروغ ها، دروغ پردازی ها، ترفندآفرینی ها و شستشوی مغزی دادن ها بیرون می آید. فحواى کلام بورژوازی در گفتمان انتخابات این است که « همگی انسان های دارای منافع یگانه، میهن واحد و سرنوشت مشترکی هستیم. برای تضمین این منافع واحد و تعیین سرنوشت مشترک باید انتخابات برگزار کرد، هر چه وسیع تر در انتخابات شرکت نمود. نمایندگان خود را برای پاسداری آرمان ها و منافع و مصالح مشترک و برای توسعه ملی و این جور کارها انتخاب کرد و دنیائی حرفهای دیگر که تاریخ از تراکم و تعفن آنها مالا مال است. انتخابات اساساً این است، سیره هستی بورژوازی برای مسخ و متحجر ساختن شعور کارگران، سلاخی شناخت و بصیرت طبقاتی آن ها، به تعطیل کشاندن مبارزه طبقاتی و جنبش ضد سرمایه داری آنان، تحکیم هر چه بیشتر بنای قدرت سرمایه داری و تحمیل هر چه بی

هزینه تر کل سیه روزی های ناشی از موجودیت این نظام بر طبقه کارگر است .
انتخابات در بنمایه خود، مستقل از آزاد بودن، نبودن، شفافیت، حالت فرمایشی داشتن یا چگونگی
اجرایش چیزی سوای این نیست و از همین جا به نکته دوم می رسیم. اینکه این پدیده با این معنی
و موضوعیت حتی با فرض آزادی و شفافیت بی مثال، چه ربطی به طبقه کارگر دارد؟! چرا کارگران
باید به این هیاهوها گوش دهند؟! چرا آنان باید در مقابل این سناریوی چندش بار برای خویش تعیین
تکلیف بنمایند؟! حقیقت این است که انتخابات در هیچ شکلی امر توده های کارگر و مسأله جنبش
کارگری نمی باشد. کل آنچه تحت این عنوان جنجال می شود سونامی مرگ و چهل و ترفندی است
که از سوی محافل جوراجور بورژوازی، از حاکم گرفته تا اپوزیسیون، راست تا چپ بر سر کارگران آوار
می گردد. دولت سرمایه و حاکمان نظام بردگی مزدی زمین و زمان را برای انتخابات آذین می بندند،
بانگ آزاد بودنش را بر عرش می کوبند، تا کارگران را در چهاردیواری این سناریو به دام کشند و از
جنگ طبقاتی باز دارند. اپوزیسیون های متلون طبقه سرمایه دار عین همین منظور را در هیأت ها و
تصویرهای دیگر دنبال می کنند. اینها برای مسخ توده های کارگرنسخه های خاص خود را می
پیچند .

جماعتی می گویند که رأی دهید و حاکمان را عوض کنید! یعنی اینکه رسالت برنامه ریزی و اجرای
نظم سرمایه و تحمیل تمامی بربرمنشی ها و سببیت های این نظام بر طبقه کارگر را به آنان
بسپارید، حرف دلشان این است که برای تشدید موحش تر استثمار کارگران، سلاخی قوت لایموت
فرزندان آنها به نفع سود کلان تر و انباشت کهکشانهای تر صاحبان سرمایه، طرحها، راهکارها و
راهبردهای مؤثرتری دارند. دار و دسته دیگر همین عوامفریبی را در شیواری دیگر و با سمفونی دیگر
ساز می کنند. از نامعلومی سرنوشت آراء می گویند و رفتن پای صندوق رأی را به آزاد بودن و
مهندسی نشدن انتخابات موکول می نمایند. عده ای فراتر می روند. نماد عالی « رادیکالیسم » می
شوند، بر منبر چپ می نشینند!! به « کمونیسم » می آویزند!! پاسدار بلامنازع منافع پرولتاریا می
گردند!! و در انتهای همه این کارها ندای تحریم، تحریم سر می دهند!! یک سؤال مهم از این
جماعت « رادیکال » این است که مرادشان از تحریم چیست؟ اساساً در باره پدیده انتخابات چه فکر
می کنند و از کجا به مقوله تحریم می رسند .

درک جواب آنان بسیار ساده است. اینان به اصل انتخابات حتی در جامعه موجود سرمایه داری هیچ
انتقادی ندارند. جنگ و دعوای آنان صرفاً علیه انتخاباتی است که خود، حزب و دفتر و دستکشان در
آن جایی به دست نمی آرند. این را بسیار صریح نیز می گویند. همه جا، در همه تریبون ها جار می
زنند که دولت راه شرکت فعال آنان در یک انتخابات واقعی و آزاد را بسته است، یعنی این که حق
فعالیت سیاسی وسیع از جمله کارزار انتخاباتی حزب و گروهشان را به رسمیت نمی شناسد و راه
را بر ورودشان به قله قدرت می بندد. جماعت مذکور از اینجا ره تحریم پیش می گیرند. نقد آنان هیچ
سنخیتی با نقد رادیکال ضد سرمایه داری طبقه کارگر بر پدیده انتخابات ندارد. تک تک احزاب و
محافل طیف تحریم گر در درون سازمان های خود شب و روز انتخاباتی از همین قماش و با همین
ماهیت برگزار می کنند تا قدرت توده تشکیلات را به نخبگان عالیجاه بسپارند. طبقه کارگر، دقیق تر
بگوئیم، کمونیسم و رویکرد ضد کار مزدی این طبقه به سناریوی انتخابات چنین نگاه نمی کند. از
منظر این رویکرد، نفس برگزاری انتخابات سیره بورژوازی است و همان اهدافی را دنبال می کند که
بالاخر گفتیم. توده کارگر آگاه نه فقط بعد از برچیدن سرمایه داری، نه فقط در کار برپایی جامعه آتی
که همین حالا، در سازمانیابی جنبش ضد سرمایه داری خود به انتخابات نمی آویزد. اصل قیوموت
انسان ها توسط نخبگان و بالانشینان را مطرود می داند. به شوراها و به دخالتگری خلاق، آزاد، نافذ
و آگاه آحاد کارگران در همه موارد تصمیم گیری ها باور دارد. در شوراهایش هیچ نهاد بالای سر افراد
موجود نیست. هیچ کس و هیچ نهادی را انتخاب نمی کند تا برای او تصمیم گیرند، تا برایش تعیین
سرنوشت کنند، تا انفصال وی از قدرت و حق تأثیرگذاری خلاق و آگاهش را لباس مصلحت عام
پوشانند. پرولتاریای آگاه از منظر برنامه ریزی شورائی سوسیالیستی لغو کار مزدی جامعه انسانی
است که انتخابات را امر بی ربط طبقه خود اعلام می کند و گفتگو در باره آن یا آزاد بودن و نبودنش را
تحمیل بورژوازی بر کارگران می داند. آخرین نکته بحث اینست که طبقه کارگر در مقابل این سناریوی
تحمیلی دولتمردان و نمایندگان فکری سرمایه چه باید بکند و چه راهی را باید پیش گیرد. در اینجا
نیز پاسخ دشوار نیست. جار و جنجال شرکت، عدم شرکت یا تحریم، راه حل ها، راهبردها و
راهکارهای بورژوازی است. ما انتخابات را فقط تحریم نمی کنیم، علیه اساس برگزاری انتخابات
بورژوازی هستیم. کار ما پیش کشیدن و پیگیری پیکار طبقاتی خود در برابر این سناریوی ترفند
است. طبقه سرمایه دار از حاکم تا اپوزیسیون به انتخابات می آویزند تا به یمن آن ما را مسخ و
سلطه نظام بردگی مزدی بر ما را دوام بخشند. واکنش فعال ما به این ترفند. تلاش آگاه تر، جامع تر

و مؤثرتر برای سازمانیابی سراسری ضد سرمایه داری شوراهای اعمال قدرت توده های طبقه خویش است .
علیه هر نوع انتخابات بورژوازی !
پیش به سوی سازمانیابی سراسری جنبش شورائی ضد سرمایه داری همزنجیران کارگر !
فعالین جنبش لغو کار مزدی
مارس 2013

قدرتیابی زنان از طریق سازماندهی: انجمن زنان خود اشتغال هند (سیوا) [۱] هاله صفرزاده

حالا دیگر ما هر روز شاهد پیوستن زنان بسیاری به بازار کار هستیم. در جامعه ما نیز مانند تمام دنیا زنان اولین قربانیان طرحهای تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی و بحرانهای اقتصادی هستند. رشد پدیده های ناهنجار اجتماعی ناشی از آن مانند اعتیاد و بیکاری که موجب افزایش آمار طلاق شده و نبود حمایت های دولتی و بی سامانی اقتصادی و تعطیلی بنگاه های اقتصادی، معضلاتی را برای تمام مردم، به خصوص زنان به وجود آورده است .
متن کامل: http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/03/1_25.html

سیاست های دورکاری و تأثیر آن بر سرنوشت زنان محبوبه قنبری

دورکاری یکی از طرح هایی است که از چند سال قبل در حوزه اشتغال مطرح شد. هر چند دورکاری در حوزه کارگری بحث جدیدی نیست و تحت عنوان مشاغل خانگی دسته بندی می شود، یعنی تولید و کار در منازل نیروهای کار انجام می شود. طبق تعاریفی که در آیین نامه دورکاری آمده است، دورکاری یعنی اینکه فرد بتواند کار را بدون حضور فیزیکی در محل کار انجام دهد. کارمند دورکاری به آن دسته از کارمندان اطلاق می شود که بتوانند خدمات خود را در محیطی خارج از اداره، با استفاده از نظام الکترونیکی، ارائه کنند و قرار بود بر اساس برنامه ها و هدف گذاری های انجام شده در شرایط عادی می بایست تا پایان سال ۹۱ سی درصد نظام اداری کشور دورکاری شود .

این شیوه کار که در حوزه ادارات دولتی این طرح با سروصدای بسیار آغاز شد و در برخی ادارات شهر تهران و برخی شهرستان ها به شکل آزمایشی به اجرا درآمد، بیشتر زنان شاغل را هدف قرارداد .
متن کامل :

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/03/blog-post_26.html#more

اعتصاب مجدد کارکنان بی بی سی در اعتراض به تعدیل نیرو

به گزارش ۲۸ مارس بی بی سی، گروهی از کارکنان بی بی سی از ظهر امروز به وقت لندن در اعتراض به تعدیل نیرو، حجم کار و ادعاهای مربوط به زورگویی به مدت ۱۲ ساعت اعتصاب کرده اند . این اعتصاب به دعوت اتحادیه ملی روزنامه نگاران بریتانیا و اتحادیه بکتو (که اعضای آن عمدتاً کارکنان بخش های فنی هستند) برگزار می شود .

تعدادی از کارکنان بخش فارسی بی بی سی نیز در این اعتصاب شرکت می کنند .
اعتصاب قبلی به دعوت اتحادیه ملی روزنامه نگاران روز ۱۸ فوریه (۳۰ بهمن) به مدت ۲۴ ساعت برگزار شد .

بی بی سی در یک دوره پنج ساله برای صرفه جویی مالی ۲۰۰۰ شغل را حذف می کند. بیشتر این شغل ها از طریق بازخرید داوطلبانه کارکنان حذف می شود، اما ۱۱۰ نفر با بازخرید اجباری روبرو هستند .

اتحادیه های کارکنان خواهان تعویق شش ماهه بازخریدهای اجباری هستند تا در این مدت در مورد مشکلات کاری مذاکره و بازنگری انجام شود، اما بی بی سی می گوید که این کار هزینه هایی دارد که موسسه را در آینده به صرفه جویی بیشتر مجبور خواهد کرد .

اتحادیه ها همچنین گفته اند که پرونده ای شامل جزئیات موارد «تکان دهنده» زورگویی و آزار به یک هیأت تحقیق داخلی بی بی سی ارائه کرده اند .

میشل استین ستریت، دبیر کل اتحادیه ملی روزنامه نگاران بریتانیا که برنامه‌های صرفه جویی بی‌بی‌سی بر کیفیت کار در این موسسه تأثیر گذاشته و شرایط به سمتی می‌رود که حجم کار و استرس برای کارکنان به سطح غیر قابل قبولی برسد.

جری موربسی، دبیر کل بکتو هم می‌گوید: «اعضای اتحادیه ما دچار دشواری هستند چون بی‌بی‌سی تصور می‌کند که می‌تواند همان میزان برنامه را با تعداد بسیار کمتری نیروی کار تولید و پخش کند.»

بی‌بی‌سی می‌گوید از اینکه اتحادیه‌ها تصمیم به اعتصاب گرفته‌اند «عمیقاً ناخرسند» است. یک سخنگوی بی‌بی‌سی گفته است: «با توجه به صرفه جویی هنگفتی که باید انجام شود، ناچاریم برنامه تعدیل نیرو را ادامه دهیم و اعتصاب تأثیری بر این تصمیم نخواهد گذاشت.» هشتم فروردین ۱۳۹۲

بهنام خدادادی فعال کارگری و عضو انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان اخراج شد

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ جمعه ۹ فروردین ۹۲ آمده است: این اخراج در پی سخنرانی فعال کارگری در روز عید در سالن اجتماعات کمپ کارگری طاهری در کنگان منطقه پارس جنوبی صورت گرفت. در روز ۰۱/۰۱/۹۲ و هنگام تحویل سال نو بهنام خدادادی پس از صحبت در مورد افزایش حقوق و فقدان تشکلهای کارگران را دعوت به اتحاد و تشکل یابی کرد. وی همچنین با حمایت از اعتراضات کارگری در اروپا از طبقه کارگر ایران خواست تا همگام با کارگران دیگر کشورها اعتراضات خود را دامنه دارتر کنند. در هنگام سخنرانی این فعال کارگری، حراست فاز ۱۲ و کمپ طاهری با هجوم به وی قصد دستگیری‌اش را داشتند که با اعتراض بیش از حد ۱۵۰۰ کارگر مواجهه شدند و نیروهای حراست را به عقب راندند. اما بعد از ۷ روز این فعال کارگری از شرکت توسعه شبکه‌های صنعتی ایران (IIND) در فاز ۱۲ اخراج شد. انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان این حرکت بی‌شرمانه و ضد کارگری را محکوم و اعلام می‌دارد برای تحقق خواسته‌های کارگری از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان

فعال صنفی معلمان به یک سال تبعید محکوم شد

به نوشته ویلاگ کارگری راه کارگو به نقل از هرانا در ۹ فروردین آمده است: فعال صنفی معلمان به یک سال تبعید محکوم شد. محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه طی حکمی از سوی اداره آموزش و پرورش استان کرمانشاه به یک سال تبعید در خارج از استان محکوم گردید. به گزارش هرانا وی در اواخر دی ماه سال گذشته پس از احضار به اطلاعات سپاه کرمانشاه بازداشت و ۱۲ بهمن ماه با تودیع وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده بود. بر اساس آخرین گزارشات رسیده هیات رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش استان کرمانشاه وی را به اتهام تشویق روحیه کم کاری در معلمان به یک سال تبعید به خارج از استان محکوم کرد.

نایب رئیس مجلس در گفتگو با مهر: اثر تحریم در اقتصاد کشور ۲۰ تا ۳۰ درصد بود

محمدرضا باهنر در گفتگو با خبرنگار پارلمانی مهر در ۹ فروردین ۹۲ اعلام داشت: با بیان این که اتفاقات زیادی در مسایل اقتصادی و پولی کشور در سال ۹۱ رخ داد که تأثیرات زیادی بر جای گذاشت گفت: متأسفانه چند پیرش و جهش جدی در قیمت‌ها داشتیم که عوامل آن متعدد و متنوع است.

نایب رئیس مجلس خاطرنشان کرد: از جمله این عوامل افزایش بی‌رویه نقدینگی، نحوه اجرای هدفمندی یارانه‌ها، پروژه‌های مسکن مهر و بنگاه‌های زود بازده است.

نماینده تهران خاطرنشان کرد: متأسفانه افزایش نقدینگی تأثیر سنگینی در افزایش قیمت‌ها گذاشت، فشار تحریم‌ها یواش یواش زیاد شد. البته اثر تحریم در مسایل اقتصادی کشور در حد ۲۰-۳۰ درصد بود و مابقی به دلیل مشکلات تصمیم‌گیری‌ها در داخل بود. باهنر افزود: واحدهای تولید از رهگذر اجرای هدفمندی یارانه‌ها متأسفانه خیلی متضرر شدند و

نگرانی ما این است که تعداد زیادی از آنها در آستانه بیکاری قرار گرفته اند حتی برخی هم اکنون تعطیل شده اند. در مجموع در سال 91 موفقیتی در تحقق اهداف شعار سال نداشتیم. وی در خصوص مرحله دوم اجرای هدفمندی یارانه ها گفت: تا مرحله اول هدفمندی یارانه ها آسیب شناسی نشود، مجلس برای اجرای مرحله دوم رای نمی دهد، زیرا باید با احتیاط در این زمینه عمل کنیم.

نایب رئیس مجلس در پاسخ به این سوال که دولت در به کارگیری تدابیر اقتصادی تا چه میزان موفق بود، گفت: تلاش زیادی داشتند و زحمات زیادی کشیدند و در جاهایی هم خوب توانستند عمل کنند و تحریم ها را دور بزنند اما در مواردی که باید از قبل پیش بینی می شد و از زمان خیلی جلوتر به استقبال کار می رفتند چنین نشد و به نظر می رسد مقداری کوتاهی داشتند.

بهنام خدادادی فعال کارگری و عضو انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان اخراج شد

بر پایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ نهم فروردین 92 آمده است: این اخراج در پی سخنرانی فعال کارگری در روز عید در سالن اجتماعات کمپ کارگری طاهری در کنگان منطقه پارس جنوبی صورت گرفت. در روز 01/01/92 و هنگام تحویل سال نو بهنام خدادادی پس از صحبت در مورد افزایش حقوق و فقدان تشکلهای کارگری کارگران را دعوت به اتحاد و تشکل یابی کرد. وی همچنین با حمایت از اعتراضات کارگری در اروپا از طبقه کارگر ایران خواست تا همگام با کارگران دیگر کشورها اعتراضات خود را دامنه دار تر کنند. در هنگام سخنرانی این فعال کارگری، حراست فاز 12 و کمپ طاهری با هجوم به وی قصد دستگیری اش را داشتند که با اعتراض بیش از حد 1500 کارگر مواجه شدند و نیروهای حراست را به عقب راندند. اما بعد از 7 روز این فعال کارگری از شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران (IIND) در فاز 12 اخراج شد. انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان این حرکت بی شرمانه و ضد کارگری را محکوم و اعلام می دارد برای تحقق خواسته های کارگری از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. انجمن کارگران برق و ساختمان اصفهان - جمعه نهم فروردین 1392

سال 91 سال تورم، گرانی، بیکاری، تنش، بی ادبی، بی اخلاقی و بی قانونی بود

به نوشته سایت آفتابدر جمعه 9 فروردین 92 آمده است: دکتر مسعود پزشکیان در مورد میزان تحقق شعار حمایت از تولید ملی در سال 91 به تابناک، گفت: وقتی می گویم تورم و گرانی یعنی اینکه حمایت از تولید محقق نشد. اگر حمایت از تولید وجود داشت تورم و گرانی به وجود نمی آمد. اگر از تولید کنندگان حمایت می شد وضعیت اینگونه نمی شد. وی افزود: سال 91 سال تورم، گرانی، بیکاری، تنش، بی ادبی، بی اخلاقی و بی قانونی بود. نماینده مردم تبریز در ارزیابی کارنامه مجلس در سال 91 گفت: مجلس ضعیف عمل می کند چون اگر ما با قدرت عمل کنیم و در همان لحظه وقوع انحراف جلوی انحراف بایستیم و حرفمان را بزنیم و برخورد کنیم نباید کار به اینجا برسد. راهکار آن این است که ما ناظران خوبی باشیم. باید حرف خوب بزنیم و قانون صحیحی تصویب کنیم. باید پای قانون بایستیم و آن را اجرا کنیم تا از ابتدا مدیران درست انتخاب شوند و قانون را درست اجرا کنند. پزشکیان در مورد مهمترین اتفاق سال گذشته را تورم و گرانی دانست و گفت: همین که شب می خوابید و صبح که بیدار می شوید و می بینید که ارزش پولتان نصف شده است بدترین اتفاقی است که ممکن است رخ دهد. از دیگر اتفاقات نیز این بود که آقای احمدی نژاد در جریان استیضاح وزیر کار در مجلس حرف هایی زد که نمی باید می زد.

شاخص فلاکت: ۴۴ درصد/اقتصاد ایران به رکود تورمی رفت

به نوشته سایت خبر آنلاین در تاریخ 9 فروردین 92 آمده است: در 12 کافای است نرخ تورم و بیکاری را با یکدیگر جمع کنید تا شاخص فلاکت به دست بیاید. در کشوری که انتشار نماگرهای اقتصادی گاه به گاه «قفل» می شود و برای محاسبه شاخص های اقتصادی، هیچ چیز در دسترس نیست؛ حتی صحبت کردن از روند طی شده «شاخص فلاکت» در سال 1391، کار سختی است.

آخرین باری که مرکز آمار ایران نرخ بیکاری را اعلام کرده، تابستان امسال است. مرکز آمار پس از یک دوره متوالی مناقشه بر سر مرجع انتشار نرخ بیکاری، با تاخیری چندماهه، نرخ بیکاری دوره زمستان 1390 را 14.1 درصد اعلام کرد. بانک مرکزی نیز، انتشار آمار نرخ بیکاری را چندی است که «متوقف» کرده و مرجع اعلام نرخ تورم شده است. حال قرار است در این شرایط مبهم و با اطلاعات ناقص، چه اعدادی برای «شاخص فلاکت» تعریف شود؟ شاخص فلاکت یک نشانگر اقتصادی است که فرمولی بسیار ساده دارد: کافی است نرخ تورم و بیکاری را با یکدیگر جمع کنید تا شاخص فلاکت به دست بیاید. معرفی این شاخص، مدیون دو اقتصاددان آمریکایی به نامهای «آرتور اوکان» و «رابرت بارو» در دهه 1970 میلادی است. البته روش دو اقتصاددان یادشده برای محاسبه شاخص فلاکت با هم فرق می کرد. آقای «اوکان» از همان فرمول ساده استفاده می کرد یعنی نرخ تورم به علاوه نرخ بیکاری. اما آقای «بارو» فرمول دیگری داشت؛ او از ترکیب تولید ناخالص داخلی و نرخ سود بانکی، شاخص فلاکت را تعیین می کرد. بعدها، آنچه که «آرتور اوکان» طراحی کرده بود، به عنوان شاخص «صحیح» فلاکت شناخته شد و فرمول «رابرت بارو» دیگر کاربردی ندارد. حالا اگر بر سر تعریف کلی و کاربردی «شاخص فلاکت» تفاهم شود؛ باید گفت که در یک عبارت ساده می توان شرایط «رکود تورمی» را به عنوان بازتاب بالا بودن شاخص فلاکت شناخت.

اقتصاددانان می گویند «تورم و بیکاری» در دو منحنی عکس یکدیگر عمل می کنند. یعنی اگر تورم بالا باشد، بیکاری پایین است و برعکس. به عبارت دیگر، «تورم بالا» گاه ممکن است بیکاری را «کاهش» دهد یا اینکه «بیکاری بالا» می تواند با «تورم پایین» همراه شود. به همین دلیل، در خیلی از کشورها، سیاست های تورمزا اجرا می شود تا قدری از نرخ بیکاری کاسته شود. اما در کشورهای دارای درآمدهای نفتی بالا، ماجرا کمی فرق می کند. در این نوع کشورها، وقتی قیمت نفت بالا می رود و درآمدهای نفتی جهش پیدا می کند، دولتها سعی می کنند، بخشی از درآمدهای ارزی به دست آمده را به بدنه تولید تزریق کنند تا در کوتاه مدت تورم موجود با تولید بالا خنثی شود و در درازمدت بیکاری هم کاهش پیدا کند. اما تجربه نشان داده این سیاست، شکست خورده است. چرا که درآمدهای نفتی با واحد «دلار» به دست می آید و برای تزریق آن به بخش تولید نیاز به «ریال» است. اینجاست که تزریق درآمدهای نفتی به بخش تولید، «پایه پولی» را افزایش می دهد، تولید را پایین می آورد و حالا هم «چوب» را خورده و هم «پیاژ» را؛ هم تورم در اقتصاد وجود دارد و هم موجی از بیکاری به واسطه تعطیلی کارخانه ها و بنگاههای تولیدی به راه افتاده است.

تجربه روشن این نوع حرکت دو شاخص تورم و بیکاری، بزرگترین طرح اشتغالزایی دولت نهم موسوم به «بنگاه های زودبازده» است. برنامه های «آرمانی» که با «وامهای ارزان قیمت» راه را برای تزریق نقدینگی به بخش تولید باز کرد و تورم را بالا برد. دولتی ها می گفتند این برنامه آرمانی، بیکاری را کاهش داد؛ اما با گذشت پنج سال از اجرای برنامه بنگاه های زودبازده و تزریق پول به بخش تولید، آخرین آمار اعلام شده از نرخ بیکاری -که از سوی مرکز آمار ایران اعلام شده است- حاکی از افزایش بیکاری تا بیش از 14 درصد در زمستان پارسال است. در اقتصاد متکی به درآمد نفتی، رانت و فساد نیز محتمل است و آنچه در تجربه «بنگاههای زودبازده» رخ داد نشان داد، اگر ساختار اقتصادی به خوبی کار نکند، توفیقی برای هیچ یک از دو هدف گیری کوتاه مدت و بلندمدت به دست نخواهد آمد. اما اگر ساختار اقتصاد، به درستی عمل کند چطور؟ در کشورهای پیشرفته که درآمدهای عمده دولت از راه مالیات به دست می آید، دو شاخص تورم و بیکاری چگونه عمل می کند؟ در اقتصاد پیشرفته دو شاخص تورم و بیکاری به صورت معکوس عمل می کند. افزایش تورم و رشد قیمت ها به تولیدکننده این علامت را می دهد که باید تولید را افزایش داد و به میزان اشتغال افزود. در این حالت، تورم در درازمدت کنترل می شود و اشتغال در کوتاه مدت به سطح بالایی می رسد. به تازگی نشریه «اکنومیست» رتبه بندی کشورها را بر اساس شاخص فلاکت انجام داده است که البته با استناد به آمارهای سال 2011 میلادی به دست آمده است. این رتبه بندی مربوط به 96 کشور جهان است و با توجه به آمار نرخ تورم و بیکاری در سال 2011 میلادی، ایران را با عدد شاخص 33 درصد، در رتبه سوم قرار داده است. نکته جالب، رده های پایینی این جدول است که کشورهایمانند قطر، سوئیس، آلمان و دانمارک را به خود می بیند. قطر با نرخ تورم 2.5 درصدی و نرخ بیکاری نیم درصدی، در مجموع شاخص فلاکت را به سه درصد رسانده و رتبه 96 را در میان 96 کشور بررسی شده به خود اختصاص داده است. بالاتر از سوئیس که شاخص فلاکت در آن 3.5 درصد است و حتی آلمان و دانمارک که شاخص فلاکت در آنها به ترتیب 8 و 9 درصد است. اما شاخص فلاکت در سال 1391 چه روندی را در ایران داشت؟ برای پاسخ به این پرسش، نیاز به دو شاخص مهم اقتصادی، یعنی تورم و بیکاری و دسترسی به رقم دقیق این دو شاخص است. اینجا مشکلی

اساسی وجود دارد که در سطرهای ابتدای گزارش آمد. مشکلی به نام نبود اطلاعات که به تازگی در اقتصاد ایران جریان یافته است. تمام آنچه در ادامه می آید نیز با استفاده از نرخ بیکاری اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران، یعنی 14.1 (مربوط به زمستان سال گذشته) است. بانک مرکزی آخرین رقم تورم در بهمن ماه را به میزان 29/8 درصد اعلام کرده است. با توجه به نرخ بیکاری 14.1 درصدی و از آنجا که از مجموع این دو شاخص، نشانگر فلاکت مشخص می شود، می توان گفت رقم شاخص فلاکت با همین اطلاعات موجود به مرز 44 درصد رسیده است. یعنی با گذشت سه ماه از سال 2013 میلادی، شاخص فلاکت نزدیک به 11 درصد بیشتر از سال 2011 میلادی است. در سالی که گذشت، شاخص فلاکت در یک منحنی صعودی به کار خود پایان داد. آنچه در نمودار شاخص فلاکت در سال 1391 رخ داده؛ نشان از کوتاه نیامدن هیچ کدام از دو شاخص تورم و بیکاری داشته است. به گونه ای که «رکود تورمی» با خوردن «چوب و پیاز» شکل گرفته است. دلایل بسیاری برای این موضوع می توان برشمرد. در سال گذشته، نوسان نرخ ارز، ارزش پول ملی را کاهش داد و به تبع اجرای هدفمندی یارانه ها، هزینه های تولیدی بالاتر رفت. به گواه گزارش های فعالان کارگری و کارفرمایی، بسیاری از واحدهای تولیدی در معرض ورشکستگی و تعطیلی قرار گرفت. آخرین گزارش بانک مرکزی از «شاخص قیمت تولیدکننده» نشان می دهد هزینه های تولید نسبت به مهرماه سال گذشته 33.1 درصد افزایش یافته است. ضمن اینکه رشد شاخص بهای تولیدکننده در طول یک ماهه شهریور تا مهرامسال به رقم بی سابقه 8.2 درصد رسیده است. پس از رشد 8.3 درصدی در اردیبهشت 1374 و رشد 15.3 درصدی در دی ماه 1389 این رقم بالاترین رقم رشد ماهانه در 23 سال گذشته به حساب می آید. به طور کلی افزایش شاخص قیمت تولیدکننده منجر به افزایش شاخص تورم می شود و افزایش تورم نیز به طور خودکار بر تصمیمات بانک مرکزی تاثیر مستقیمی دارد؛ بنابراین هر چقدر شاخص بهای تولیدکننده نسبت به پیش بینی ها افزایش یابد انتظار تقویت قیمت ها وجود دارد. شاید در شرایط رکود تورمی، صنایعی مانند صنایع غذایی و برخی از صنایع پایین دستی بخش نفت و بخش هایی که کمترین نیاز را به کالاهای وارداتی دارند سودآوری خوبی داشته باشند؛ اما ادامه چنین وضعیتی میتواند به حذف بسیاری از واحدهای صنعتی فعلی بینجامد و جایگزین کردن این واحدها نیز در میان مدت غیرممکن خواهد بود.

علیه تهاجم وسیع به فعالین کارگری به میدان بیایم

بر پایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 9 فروردین 92 آمده که بهنام ابراهیم نوشته است : وفا قادری، خا لد حسینی؛ حامد محمود نژاد؛ علی آزادی؛ بهزاد فرج اللهی؛ غالب حسینی؛ پدرام نصراللهی؛ آزاد باید گردند .

خواستم ننویسم ، خواستم به خاطر تنها فرزندم نیما که در بستر بیماری است هم شده نسبت به اینهمه دستگیری ها سکوت کنم خواستم دیگر بار قلم فرسایی نکنم و بهانه ندهم و مرا در این شرایط که تنها فرزندم در بیمارستان محک در بستر بیماری است به زندان برنگردانند اما هر کاری کردم نتوانستم نسبت به دستگیری دوستان و رفقایم وهم طبقه هایم سکوت کنم و راحت از کنار این حجم دستگیریها بگذرم وقتی نامه دو کودک خردسال تنیا وهدیه حسینی دوفزند غالب حسینی عزیز را دیدم وخواندم قلمم مجروح شد چطور دوکودک خردسالی که با شور شوق واشتیاق فراوان خود را برای خرید عید وجشن نوروز آماده کرده بودند آرزوهای کودکانه شان برباد رفت و نتوانستند درعید نوروز پدر دلبندهشان در کنارشان باشد. خبردستگیری فعالین کارگری باری دیگر بر دوش ما و دلیلی مکرربر خروش ماست شنیدیم و به درد شنیدیم که فعالان کارگری از اعضای کمیته هماهنگی بازداشت خانواده های آنان مورد اذیت وآزار قرار گرفته اند تا شاهدهی دیگر باشند به همراهی زر و زور و برهانی دیگر باشند بر همکاری تیغ و طلا و تسبیح؛ امروز بزرگانی بازداشت شده اند ودر آغاز سال نو همچنان در بازداشتندکه از دل جنبش کارگری بر آمده اند وپرچم رایت برابری را برافراشتند و قدمی بر نداشتند جز در راه احقاق حقوق بنیادین خود .

اقدام کارگران در تاسیس سندیکا وتشکلهای کارگری خود به منظور در خواست حقوق صنفی شان خشم اقتدار طلبان و تمامیت خواهان را که علت اصلی همه مشکلات ملت ایرانند بر انگيخته است این اتفاق در حالی روی داد که فعالان کارگری در بند نیز به اشکال مختلف مورد اذیت وازار روحی وجسمی قرار می گیرند اعمال فشار تهدید وارعاب وصادر کردن حکم های ناعادلانه بر ضد فعالین کارگری بخشی از برنامه سرکوب علیه جنبش کارگری ایران است که در دستور کار حاکمان سرمایه قرار دارد در کنار همه اینها افزایش فشار بر روزنامه نگاران؛ فعالان حقوق بشری و مدنی وکلاء و دانشجویان؛ فعالان کودک؛ وبلاگ نویسان، کاربران ساده اینترنت؛ اقلیت های قومی ودینی، جامعه

بهایان و.....همواره ادامه داشته و دارد. هدف حاکمان سرمایه در این برهه در حالی که طبقه کارگر از نظر معیشت به شدت در تنگنا قرار دارد و تعیین دستمزدهای زیر خط فقر توهینی آشکار بر کرامت میلیونها انسان شریف و زحمتکش جامعه است از شدت بخشیدن به اعمال فشار بر فعالین کارگری و دیگر فعالین دور کردن این فعالین از جنبش کارگری و زحمتکشانشان کشور است. میلیونها کارگر در کنار خواسته های سیاسی و صنفی خود خواستار پایان دادن تهدید و ارباب و بازداشت کارگران و فعالین کارگران زندانی و حق بدیهی و مشروع به رسمیت شناخته شدن حقوق هم طبقه ای های خود هستند. حمله و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری حتی به مدت کوتاه آنهم در شروع سال جدید مصداق بارز سلب آزادی است .

من به عنوان فعال کارگری و از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری دستگیری و بازداشت های اخیر فعالین کارگری را به شدت محکوم کرده و خواستار پایان دادن به بازداشت و اذیت و آزار فعالین کارگری و خانواده های کارگران زندانی هستم فعالین کارگری درین بدون هیچ قید و شرطی باید آزاد گردند.

بهنام ابراهیم زاده از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان؛
فروردین ۹۲

میادین میوه و تره بار باز شد، میوه ارزان نشد

به نوشته گزارشگر خبرگزاری دولتی مهر در 9 فروردین 92 آمده است : اگرچه معاون بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده بود که دلیل گرانی میوه در روزهای ابتدایی نوروز امسال، تعطیلی میادین میوه و تره بار و جلوگیری پلیس از ورود کامیون های میوه بوده است، اما حال که میادین باز شده، اما باز هم خبری از توزیع میوه های تنظیم بازاری نیست و گرانی میوه در سطح شهر در سایه تعطیلات مسئولان، بازار را آشفته کرده است.

روزهای نوروز یکی پس از دیگری سپری می شوند. دور اول سفرهای نوروزی به پایان رسیده است و بسیاری از مردم به منازل خود بازگشته اند و قرار است از این پس، پذیرای میهمانان خود باشند، در حالیکه هم اکنون آنها در تامین میوه با کیفیت و با قیمت مناسب در سطح شهر با مشکلات بسیاری مواجه هستند.

بررسی های میدانی خبرنگار مهر نشانگر این است که علیرغم وعده مسئولان مبنی بر توزیع میوه تنظیم بازاری در تمام ایام نوروز، اما خبری از توزیع میوه نیست و اگر هم سب و پرتقال به قیمت تنظیم بازاری به صورت محدود عرضه می شود، اما کیفیت به اندازه ای پایین است که توزیع آن، دردی را از آشفته بازار قیمت دوا نمی کند.

این در شرایطی است که در روزهای ابتدایی نوروز نیز که همزمان با تعطیلی میادین میوه و تره بار در تهران بود، قیمت میوه به شکل سرسام آوری بالا رفت و میوه فروشان به هر میزانی که دلخواهشان بود، قیمتگذاری میوه را صورت می دادند. این جا بود که حسن رادمرد، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد که با بازگشایی میادین میوه و تره بار، روند عرضه میوه حالت عادی به خود خواهد گرفت و افزایش قیمت در بازار فروکش خواهد کرد.

اما هم اکنون که چند روزی از بازگشایی میادین میوه و تره بار می گذرد، نه تنها قیمت میوه کاهش پیدا نکرده است، بلکه در میادین، عرضه میوه های تنظیم بازاری نیز با کیفیت مناسب آنطوری که مسئولان وعده داده بودند، صورت نگرفته است و مردم باز هم ناچار هستند که میوه را از سطح شهر با قیمت های گزاف خریداری کنند. البته دلیل دیگری که این معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت برای گرانی میوه اعلام کرده بود، جلوگیری پلیس از ورود کامیون های میوه به داخل شهرها بوده است که این امر، افزایش قیمت را به دنبال داشته است. بنابراین مقصر اصلی در گرانی میوه به گفته وی، یا میادین میوه و تره بار هستند یا پلیس و دست اندرکاران ستاد نوروزی تنظیم بازار، هیچ تقصیری به گردن ندارند!

یکی از خریدارانی که برای خرید میوه به میدان میوه و تره بار در شرق تهران مراجعه کرده بود، با

اعلام نارضایتی از کیفیت میوه‌های عرضه شده گفت: در روزهای پایانی سال نیز که میوه تنظیم بازاری از سوی دولت عرضه شد، این میوه‌ها از کیفیت مناسب برخوردار نبودند و بنابراین باز هم مجبور شدیم که از خارج از شبکه توزیع میوه تنظیم بازاری خرید کنیم که قیمت گزافی داشته است.

وی می‌افزاید: خرید میوه برای شب عید را از وانت‌بارهایی صورت دادیم که اگرچه قیمت بالاتری نسبت به عرضه کنندگان میوه تنظیم بازاری داشتند، اما به مراتب کیفیت آنها بهتر بود. بنابراین بهتر است دولت وعده ندهد که مردم هم به امید آنها برنامه ریزی برای خرید میوه نداشته باشند. یکی دیگر از خریداران می‌گوید: قیمت میوه در سطح شهر به میزان سرسام‌آوری بالا رفته است و هم اکنون یک کیلو پرتقال با کیفیت نسبتاً مناسب حداقل ۴ تا ۴٫۵ هزار تومان عرضه می‌شود. سیب با کیفیت هم قیمتی کمتر از ۵ هزار تومان ندارد.

در این میان البته علاوه بر میوه، سیب زمینی و پیاز نیز با افزایش شدید قیمت مواجه بوده‌اند و مغازه‌های سطح شهر با قیمت گزافی این محصولات را عرضه می‌کنند که نشان از بی‌برنامه‌گی در بازار دارد.

جزئیات قیمت میوه و تره بار

بررسی‌های میدانی مهر نشانگر این است که هم اکنون قیمت پرتقال تامسون شمال ۲۵۰۰ تومان، تامسون جنوب ۴۳۰۰ تومان، پرتقال مجلسی ۴۵۰۰ تومان، سیب قرمز ۴۶۰۰ تومان، سیب زرد ۳۴۰۰ تومان و خیار ۲۵۰۰ تومان است.

همچنین قیمت هر کیلوگرم نارنگی ۲۵۰۰ تومان، لیموشیرین ۱۸۰۰ تومان، کیوی ۳۴۰۰ تومان و موز ۶۰۰۰ تومان است.

قیمت هر کیلوگرم سیب زمینی ۱۲۰۰ تومان، پیاز ۱۸۰۰ تومان، فلفل دلمه ای ۱۸۰۰ تومان، کلم ۸۰۰ تومان، کاهو ۱۵۰۰ تومان و گوجه فرنگی ۲۵۰۰ تومان است.

علیه تهاجم وسیع به فعالین کارگری به میدان بیایم

وفا قادری، خا لد حسینی؛ حامد محمود نژاد؛ علی آزادی؛ بهزاد فرج الهی؛ غالب حسینی؛ پدرام نصراللهی؛ آزاد باید گردند. خواستم ننویسم، خواستم به خاطر تنها فرزندم نیما که در بستر بیماری است هم شده نسبت به اینهمه دستگیری‌ها سکوت کنم خواستم دیگر بار قلم فرسایی نکنم و بهانه ندهم و مرا در این شرایط که تنها فرزندم در بیمارستان محک در بستر بیماری است به زندان برنگردانند اما هر کاری کردم نتوانستم نسبت به دستگیری دوستان و رفقایم وهم طبقه هایم سکوت کنم و راحت از کنار این حجم دستگیریها بگذرم وقتی نامه دو کودک خردسال تنیا وهدیه حسینی دوفرزند غالب حسینی عزیز را دیدم وخواندم قلمم مجروح شد چطور دوکودک خردسالی که با شور شوق واشتیاق فراوان خود را برای خرید عید وجشن نوروز آماده کرده بودند آرزوهای کودکانه شان بریاد رفت و نتوانستند درعید نوروز پدر دلبندهشان در کنارشان باشد. خبر دستگیری فعالین کارگری باری دیگر بر دوش ما و دلیلی مکرربر فروش ماست شنیدیم و به درد شنیدیم که فعالان کارگری از اعضای کمیته هماهنگی بازداشت وخانواده های آنان مورد اذیت وآزار قرار گرفته اند تا شاهدهی دیگر باشند به همراهی زر و زور وبرهانی دیگر باشند بر همکاری تیغ و طلا و تسبیح؛ امروز بزرگانی بازداشت شده اند ودر آغاز سال نو همچنان در بازداشتندکه از دل جنبش کارگری بر آمده اند ویرچم رایت برابری را برافراشتند و قدمی بر نداشتند جز در راه احقاق حقوق بنیادین خود.

اقدام کارگران در تاسیس سندیکا وتشکلهای کارگری خود به منظور در خواست حقوق صنفی شان خشم اقتدار طلبان و تمامیت خواهان را که علت اصلی همه مشکلات ملت ایرانند برانگیخته است این اتفاق در حالی روی داد که فعالان کارگری در بند نیز به اشکال مختلف مورد اذیت وآزار روحی وجسمی قرار می گیرند اعمال فشار تهدید وارعاب وصادر کردن حکم های ناعادلانه بر ضد فعالین کارگری بخشی از برنامه سرکوب علیه جنبش کارگری ایران است که در دستور کار حاکمان سرمایه قرار دارد در کنار همه اینها افزایش فشار بر روزنامه نگاران؛ فعالان حقوق بشری و مدنی وکلاء و دانشجویان؛ فعالان کودک؛ وبلاگ نویسان، کاربران ساده اینترنت؛ اقلیت های قومی ودینی، جامعه بهاییان و.....همواره ادامه داشته ودارد. هدف حاکمان سرمایه در این برهه در حالی که طبقه کارگر از نظر معیشت به شدت در تنگنا قرار دارد و تعیین دستمزدهای زیر خط فقر توهینی آشکار بر

کرامت میلیونها انسان شریف وزحمتکش جامعه است از شدت بخشیدن به اعمال فشار بر فعالین کارگری و دیگر فعالین دور کردن این فعالین از جنبش کارگری وزحمتکشان کشور است. میلیونها کارگر در کنار خواسته های سیاسی و صنفی خود خواستار پایان دادن تهدید و ارباب و بازداشت کارگران و فعالین کارگران زندانی و حق بدیهی و مشروع به رسمیت شناخته شدن حقوق هم طبقه ای های خود هستند. حمله و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری حتی به مدت کوتاه آنهم در شروع سال جدید مصداق بارز سلب آزادی است.

من به عنوان فعال کارگری و از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری دستگیری و بازداشت های اخیر فعالین کارگری را به شدت محکوم کرده و خواستار پایان دادن به بازداشت و اذیت و آزار فعالین کارگری و خانواده های کارگران زندانی هستم فعالین کارگری درین بدون هیچ قید و شرطی باید آزاد گردند.

بهنام ابراهیم زاده از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان- فروردین ۹۳

تجمع مجدد در مقابل دادگاه انقلاب سنندج در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری

به گزارش رسیده امروز ۱۰ فروردین جمعی از فعالین کارگری و خانواده های اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی در اعتراض به دستگیری این فعالین در مقابل دادگاه انقلاب شهر سنندج تجمع نمودند .

تجمع کنندگان ضمن درخواست آزادی این فعالین همچنین خواهان ملاقات با دادستانی جهت پیگیری وضعیت پرونده شدند که متأسفانه موفق به ملاقات با دادستان نشدند. تجمع کنندگان ضمن اعتراض به این نحوه برخورد و عدم پاسخگویی ، به مسئولین مربوطه اعلام کردند که تا زمان آزادی فعالین کارگری بازداشتی به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

۱۰ فروردین ۱۳۹۳

مرکز آمار ایران: نرخ تورم سال ۹۱ به ۳۱٫۵ درصد رسید

به گزارش خبرگزاری دولیت فارس، در ۱۱ فروردین ۲ آمده است : مرکز آمار ایران گزارش «شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور» در سال ۹۱ را اعلام کرد که بر اساس آن، نرخ تورم سال ۹۱ به ۳۱٫۵ درصد رسید.

بنابهمین گزارش، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی درگاه ملی آمار ، شاخص کل (بر مبنای ۱۰۰=۱۳۸۱) در اسفند سال ۱۳۹۱ عدد ۶۰۱/۴ را نشان می دهد که نسبت به ماه قبل ۳/۰ درصد افزایش داشته است که سهم گروه عمده خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات از این افزایش ۸۵/۱ درصد و سهم گروه عمده کالاها و غیرخوراکی و خدمات از این افزایش ۱۴/۹ درصد است.

افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۴۰/۶ درصد است. درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به اسفندماه سال ۹۱ (تورم سال ۹۱) نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۱/۵ درصد است که در مقایسه با این رقم در بهمن ماه ۱۳۹۱ (۳۰/۲ درصد) افزایش یافته است.

تجمع مجدد در مقابل دادگاه انقلاب سنندج در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ ۱۰ فروردین ۹۲ آمده است : به گزارش رسیده امروز ۱۰ فروردین جمعی از فعالین کارگری و خانواده های اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی در اعتراض به دستگیری این فعالین در مقابل دادگاه انقلاب شهر سنندج تجمع نمودند.

تجمع کنندگان ضمن درخواست آزادی این فعالین همچنین خواهان ملاقات با دادستانی جهت پیگیری وضعیت پرونده شدند که متأسفانه موفق به ملاقات با دادستان نشدند. تجمع کنندگان ضمن اعتراض به این نحوه برخورد و عدم پاسخگویی ، به مسئولین مربوطه اعلام کردند که تا زمان آزادی فعالین کارگری بازداشتی به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اخبار تکمیلی در رابطه با تجمع خانواده کارگران بازداشتی در سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ...در تاریخ 10 فروردین 92 آمده است : طبق خبر دریافتی روزهای 10 و 11 فروردین، خانواده های فعالین کارگری بازداشتی و جمعی از مردم در اعتراض به بازداشت اعضای کمیته ی هماهنگی در مقابل دادگاه انقلاب سنندج حضور پیدا کردند و خواهان آزادی عزیزانشان شدند.

نیروهای امنیتی و انتظامی با حضور در محل تجمع و تهدید آنان از تجمع کنندگان خواستند تا به این تجمع پایان داده و آنجا را ترک کنند؛ اما با بی اعتنایی حاضرین رو برو شدند و در نهایت چند نفر از حاضرین به عنوان نماینده با دادستان کل آقای جواهری ملاقات کرده و وی نیز به نماینده ها وعده داد تا پایان تعطیلات که 16 فروردین می باشد تحقیقات در باره پرونده بازداشت شدگان را به اتمام برسانند.

لازم به ذکر است که حاضرین اعلام کردند که اگر در موعد مقرر جوابی قطعی به آنان داده نشود به تجمع خود مقابل دادگاه انقلاب ادامه خواهند داد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

آخرین خبر در سال جدید از وضعیت نیما ابراهیم زاده

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 11 فروردین 92 از جانب دوستان و یاران بهنام ابراهیم زاده آمده است : نیما ابراهیم زاده امروز یکشنبه شیمی درمانی وودر بعدازظهر تزریق خون شد. صبح وقتی بهنام به ملاقات تنها فرزندش که بیش از سه ماه است در بستر بیماری است رفت خبر از شیمی درما نی تنها فرزندش نیما به ما داد طبقه گفته بهنام نیما که در حال حاضر در بیمارستان محک ودر بخش شیمی درمانی بستری است امروز قبل از ظهر شیمی درمانی شد ودر بعدازظهر به بدن نیما خون تزریق کردند بعد از شیمی درمانی و تزریق خون نیما در حال حاضر از شکم درد رنج می برد وکمتر میل به خوردن غذا ومایعات دارد پزشکان این وضعیت را اثرات داروهای استفاده شده می دانند وروند بهبودی نیما را طولانی مدت توصیف می کنند بهنام ابراهیم زاده درباره تمدید مرخصی اش می گوید بعد از سیزده بدر باید برای تمدید مرخصی ام به دادستانی مراجعه کنم که همین تمدید کردنهای گاه وبیگاه استرس زیادی روی فرزند بیمارم گذاشته است چراکه هربار می خواهم برای تمدید به دادستانی مراجعه کنم نیما خیلی نگران می شود که نکند پدرم را به زندان برگردانند ما برای نیما آرزوی بهبودی وقطع درمان کامل ویرای بهنام ودیگر زندانیان آزادی همیشگی.

در محکومیت بازداشت فعالین کارگری دربند

کارگران، مردم آزاده !

همان گونه که مطلعید بیش از سه هفته است که تعدادی از کارگران و فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، به اسامی حامد محمودنژاد، علی آزادی، بهزاد فرج الهی، وفا قادری، خالد حسینی و غالب حسینی در بازداشتگاه اداره اطلاعات در سنندج بسر می برند و ضمن پیگیری خانواده ها و نیز دیگر فعالین کارگری، وضعیت آنها هنوز در بلاتکلیفی می باشد .

این بازداشت و تهدید فعالین کارگری در شرایطی صورت می گیرد که حامیان و حافظان سرمایه با حمله همه جانبه به سفره خالی کارگران، قصد خاموش کردن صدای اعتراض کارگران و پیشروان جنبش کارگری نسبت به بیکار سازی های گسترده، فقر، و تورم و گرانی افسار گسیخته و... که روز به روز نیز در حال گسترش می باشد و بسیاری از مردم حتی قادر به تامین نیازهای اولیه زندگی شان نیستند؛ دارد .

به همین خاطر ما جمعی از کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت فعالین کارگری در سنندج؛ وجود تشکل های مستقل را حق بدون چون چرای خود دانسته و فعالیت انسانی این افراد در چنین تشکل هایی کاملاً برحق بوده و بار دیگر ضمن حمایت از

خواست و مطالبات طبقه کارگر در ایران، خواهان آزادی بی قید و شرط این کارگران و سایر کارگران و فعالین کارگری و سیاسی می باشیم.

جمعی از کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه.
۱۱/۱/۱۳۹۲

افزایش 25 درصدی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ 11 فروردین 92 آمده است : حقوق کلیه بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی 25 درصد افزایش یافت.
به گزارش 11 فروردین ایسنا، بنقل از علیرضا رخشنده رومعاون اداری و مالی سازمان تامین اجتماعی، میزان حقوق و مستمری سال 1392 بازنشستگان تامین اجتماعی نسبت به سال قبل 25 درصد افزایش می یابد.

اخبار تکمیلی در رابطه با تجمع خانواده کارگران بازداشتی در سنندج

طبق خبر دریافتی روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین، خانواده های فعالین کارگری بازداشتی و جمعی از مردم در اعتراض به بازداشت اعضای کمیته ی هماهنگی در مقابل دادگاه انقلاب سنندج حضور پیدا کردند و خواهان آزادی عزیزانشان شدند .



نیروهای امنیتی و انتظامی با حضور در محل تجمع و تهدید آنان از تجمع کنندگان خواستند تا به این تجمع پایان داده و آنجا را ترک کنند؛ اما با بی اعتنایی حاضرین روبرو شدند و در نهایت چند نفر از حاضرین به عنوان نماینده با دادستان کل آقای جواهری ملاقات کرده و وی نیز به نماینده ها وعده داد تا پایان تعطیلات که ۱۶ فروردین می باشد تحقیقات در باره پرونده بازداشت شدگان را به اتمام برسانند .

لازم به ذکر است که حاضرین اعلام کردند که اگر در موعد مقرر جوابی قطعی به آنان داده نشود به تجمع خود مقابل دادگاه انقلاب ادامه خواهند داد.



دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۹۲

اخراج یک فعال کارگری از شرکت توسعه شبکه‌های صنعتی ایران

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در تاریخ 12 فروردین آمده است: بهنام خدادادی فعال کارگری و عضو انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان اخراج شد. بنا به گزارش تارنمای انجمن کارگران برق ساختمان اصفهان، این اخراج در پی سخنرانی فعالان کارگری در روز عید در سالن اجتماعات کمپ کارگری طاهری در کنگان منطقه پارس جنوبی صورت گرفت. در روز یکم فروردین ماه سال جاری و هنگام تحویل سال نو بهنام خدادادی پس از صحبت در مورد افزایش حقوق و فقدان وجود تشکلهای کارگری، کارگران را دعوت به اتحاد و تشکل یابی کرد. وی همچنین با حمایت از اعتراضات کارگری در اروپا از طبقه کارگر ایران خواست تا همگام با کارگران دیگر کشورها اعتراضات خود را دامنه دارتر کنند. در هنگام سخنرانی این فعال کارگری، حراست فاز ۱۲ وکمپ طاهری با هجوم به وی قصد دستگیری‌اش را داشتند که با اعتراض بیش از حد ۱۵۰۰ کارگر مواجهه شدند و نیروهای حراست را به عقب راندند. اما بعد از ۷ روز این فعال کارگری از شرکت توسعه شبکه‌های صنعتی ایران (IIND) در فاز ۱۲ اخراج شد.

اخراج تعدادی از کارگران پتروشیمی کردستان

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 12 فروردین آمده است: براساس خبر دریافتی کارفرما و سهام دار جدید پتروشیمی کردستان آقای کابله سوری تعداد 10 نفر از کارگران باسابقه این شرکت را از کار اخراج کرد. بر اساس همین گزارش کارگران این شرکت در تاریخ پانزدهم اسفند ماه سال گذشته به دلیل مطالبات و دستمزدهای معوقه خود به مدت 12 روز دست از کار کشیدند که این اعتصاب بدون نتیجه ای برای کارگران اعتصابی پایان پذیرفت. لازم به ذکر است که آقای کابله سوری یکی از کارفرمایان و سهام دار کارخانه احیاء صنعت نیز می باشد که چند ماه پیش اکثر کارگران خود را به دلیل کم شدن فروش تولیدات کارخانه از کار اخراج کرده بود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-12 فروردین 1392

برای حمایت از کارگران زندانی وزندانان سیاسی،پیتشین را امضاء کنید

لینک پتیشن جمع آوری امضا جهت اعتراض به جمهوری اسلامی در رابطه با افزایش فشار علیه زندانیان سیاسی در گوهر دشت کرج و همچنین فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی. لازم است دوستان و تمامی کسانی که قصد فعالیت در جهت کسب آزادی دارند با ما همراه شوند

یک امضا نیز قدمی در جهت مبارزه است .

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

<http://www.gopetition.com/gohar-dasht-prison-is-in-political-prisoners-in-irans-petitions/the-life-of/great-danger.html>

http://chzamani.blogspot.com/2013/04/blog-post_4476.html

باز تکثیر از :
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
1392/1/12

مهدی فراخی شانديز، زندانی سیاسی، هفته‌ها در انفرادی اوین نگهداری شده است

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا - آمده است : مهدی فراچی شانديز، فعال حقوق کارگران و معلمان که در حال سپری کردن دوره محکومیت سه ساله خود در زندان اوین است، در ماه‌های اخیر، در دو نوبت و مجموعاً بیش از دو ماه را در سلول‌های انفرادی این زندان گذرانده است . بنا به گزارش بامدادخبر، فراچی شانديز که از دی‌ماه سال ۹۰ در بند ۲۵۰ زندان اوین به سر می‌برد، روز یازدهم دی‌ماه سال ۹۱ و به دنبال سر دادن شعارهای اعتراضی در این بند، به مدت بیست روز به انفرادی تنبیهی منتقل شد و پس از پایان این مدت، به جای بند ۲۵۰ که در آن زندانیان سیاسی نگهداری می‌شوند به سالن ۱۰ اندرزگاه ۸ که محل نگهداری زندانیان عادی است انتقال داده شد . اما دوره دوم انفرادی این زندانی سیاسی در نیمه بهمن‌ماه آغاز شد و این بار تا پایان سال ۹۱ به طول انجامید. بر اساس این گزارش، دلیل عمده فشار بر مهدی فراچی شانديز، نافرمانی اعتراضی او نسبت به قوانین زندان عنوان شده که شامل سر دادن شعارهایی چون "مرگ بر ..."، "زنده باد آزادی" و "مرگ بر دیکتاتور"، و همچنین خودداری از حضور در آمارگیری زندان بوده است . مهدی فراچی، "یسرعموی" اعظم‌السادات فراچی همسر محمود احمدی‌نژاد است. او در یازدهم دی‌ماه ۹۰ بازداشت و برای گذراندن حکم سه سال زندان خود به دو اتهام "توهین به رهبری" و "اخلال در نظم عمومی" به زندان اوین منتقل شد و در همان ماه‌های نخست محکومیتش نیز مدتی را در سلول انفرادی بند ۲۴۰ این زندان سپری کرد . این زندانی سیاسی که دارای مدرک مهندسی برق از دانشگاه صنعتی اصفهان است، در فاصله اردیبهشت تا بهمن ۸۸ نیز ۹ ماه را در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین سپری کرده بود. بازداشت پیشین او در ارتباط با شرکت در تجمع روز جهانی کارگرو بوده است. وی یک بار نیز در سال ۱۳۸۵ در ارتباط با تجمعی در پارک لاله تهران بازداشت و زندانی شد. نسبت فامیلی مهدی فراچی شانديز با همسر محمود احمدی‌نژاد با وجود بازداشت‌های چندین‌باره او تا مدت‌ها مخفی مانده بود.

تورم از مرز 40 درصد گذشت / تورم موارد خوراکی 57 درصد

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دولتی مهر، از قول مرکز آمار ایران در 12 فروردین 92 اعلام کرد: در راستای اجرای ماده 54 قانون برنامه پنجم توسعه کشور در خصوص مرجعیت رسمی مرکز آمار ایران برای تهیه، اعلام و انتشار آمارهای رسمی کشور، گزارش "شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور" اعلام می شود و این گزارش شامل سری زمانی ماهانه سال 1391 است .

1- شاخص کل (بر مبنای 100=1381) در اسفند ماه سال 1391 عدد 601.4 را نشان می دهد که نسبت به ماه قبل 3 درصد افزایش داشته است که سهم گروه عمده خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات از این افزایش 85.1 درصد و سهم گروه عمده کالاهای غیرخوراکی و خدمات از این افزایش 14.9 درصد است. افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) 40.6 درصد است. درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به اسفندماه سال 91 (تورم سال 91) نسبت به دوره مشابه سال قبل 31.5 درصد است که در مقایسه با این رقم در بهمن ماه 1391 (30.2 درصد) افزایش یافته است .

2- شاخص گروه عمده "خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات" در این ماه به رقم 895.6 رسید که نسبت به ماه قبل 6.7 درصد افزایش نشان می دهد. شاخص گروه اصلی "خوراکی ها" در ماه مورد بررسی به عدد 937 رسید که نسبت به ماه قبل 7 درصد افزایش نشان می دهد. شاخص گروه اصلی "خوراکی ها" نسبت به ماه مشابه سال قبل 57.4 درصد افزایش نشان می دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه 46.7 درصد است. شاخص گروه عمده "خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات" نسبت به ماه مشابه سال قبل 58.5 درصد افزایش نشان می دهد و درصد تغییرات این گروه در دوازده ماه منتهی به اسفندماه 91 نسبت به دوره مشابه سال قبل 47 درصد است .

3- شاخص گروه عمده "کالاهای غیر خوراکی و خدمات" در اسفندماه 91 به رقم 493.9 رسید که 0.7 درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می دهد. میزان افزایش شاخص گروه عمده "کالاهای غیرخوراکی و خدمات" نسبت به ماه مشابه سال قبل 30.8 درصد بوده است و نرخ تورم دوازده ماه منتهی به اسفندماه سال 1391 نسبت به دوره مشابه سال قبل این گروه 23.8 درصد است .

همچنین بررسی ارقام مربوط به تغییرات قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری در ماه های سال 91 نشان می دهد در فروردین ماه سال گذشته نسبت به دوره مشابه سال قبل "نرخ تورم" به میزان 26.4 درصد، در اردیبهشت 26.2، خرداد 26، تیر 25.9، مرداد 25.9، شهریور 25.9، مهر 26.4، آبان 27.2، آذر 27.9، دی 28.8، بهمن 30.2 و اسفند 31.5 درصد افزایش یافته است .

نامه بیگم یادی مادر غلامرضا خسروی به آقای بانکی مون:

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در تاریخ 12 فروردین آمده است : **به نام خدا**
آقای بان کی مون، با سلام و احترام
من خانم بیگم یادی؛ ۷۰ ساله؛ مادر غلامرضا خسروی سوادجانی زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زندان اوین تهران؛ می باشم .
از شما و گزارشگر شما آقای احمد شهید، بسیار تشکر می کنم. قسمتی از گزارش آقای احمد شهید را خواندم و از اینکه ایشان در مورد پسر من غلامرضا خسروی، گزارش درستی داده اند، بسیار سپاسگزارم .
به غلامرضا خیلی ظلم شده و به خاطر کمک ناچیز مالی به شبکه تلویزیونی، ۴۰ ماه زندان انفرادی کشیده و به او حکم اعدام داده اند که تایید هم شده و مسئولان ایران هم اصلا به فکر من و خانواده اش نیستند و برای آن ها اصلا ما اهمیت و ارزشی نداریم .
جان غلامرضا در خطر است و جان من هم به او بسته است، از شما تقاضا می کنم که غلامرضا را به من و خانواده اش برگردانید. او همسر و یک پسر ۱۶ ساله هم دارد.

نامه مادر غلامرضا خسروی به احمد شهید و بان کی مون

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در تاریخ 12 فروردین آمده است : **بیگم یادی مادر زندانی سیاسی غلامرضا خسروی سوادجانی در دو نامه جداگانه خطاب به بان کی مون دبیر کل سازمان ملل و احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران ضمن تشکر از تلاش های ایشان، اقدامات صورت گرفته را تا کنون بی ثمر دانسته است .**
در بخشی از نامه مادر این زندانی سیاسی به احمد شهید آمده است: "الان بیش از ۵ سال از زندانیش می گذرد و اگر حکم قبلی اش را در نظر بگیریم، او نزدیک به آزادی است. به او نه ملاقات حضوری و نه مرخصی می دهند."
متن اصلی دو نامه بیگم یادی را در زیر مشاهده می کنید .
نامه بیگم یادی مادر غلامرضا خسروی به آقای احمد شهید:

به نام خدا

آقای احمد شهید، با سلام و عرض ادب و احترام
من خانم بیگم یادی؛ ۷۰ ساله؛ مادر غلامرضا خسروی سوادجانی زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زندان اوین؛ می باشم .
مادری رنج کشیده که به خاطر ظلمی که به پسر من می شود، بسیار در رنج و عذاب می باشم .
قسمتی از گزارش شما را خواندم و از اینکه در مورد غلامرضا، گزارش درستی داده اید و پیگیر حل مشکل او هستید، بسیار سپاسگزارم؛ ولی تاکنون تمام این تلاش ها به نتیجه ای نرسیده و هنوز مسئولان، حکم ناعادلانه و ظالمانه اعدام برای غلامرضا را باطل نکرده اند .
مسئولان اصلا به فکر من و خانواده او نیستند و آن ها برای ما هیچ ارزش و اهمیتی هم قائل نیستند و من بسیار درنگرانی هستم .
همانطور که در گزارش آورده اید، آیا حکم کسی که به یک شبکه تلویزیونی کمک مالی ناچیز داده، اعدام است؟
آیا کسی که به ۶ سال زندان محکوم شده، باید حکمش را به اعدام تبدیل کنند؟
الان بیش از ۵ سال از زندانیش می گذرد و اگر حکم قبلی اش را در نظر بگیریم، او نزدیک به آزادی است. به او نه ملاقات حضوری و نه مرخصی می دهند .
از شما و از همه کسانی که انسان ها برایشان قابل ارزش هستند، تقاضا دارم که غلامرضا را به من و خانواده اش بازگردانید. یقین داشته باشید اگر جسمی سالم داشتم، خودم خیلی دنبال کار غلامرضا می رفتم، ولی مریضم و سالخورده و در شهرستان اصفهان زندگی می کنم.

اسباب کشی در گیلان بدون هماهنگی با پلیس ممنوع

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنادر 13 فروردین 92 آمده است : پلیس استان گیلان با انتشار اطلاعیه ای و با تبریک سال نو به شهروندان این استان ، تاکید کرد: از جابه جایی بدون

هماهنگی اثاثیه منازل جلوگیری به عمل می آید .

به گزارش ایلنا از رشت، این اطلاعیه می افزاید: پلیس گیلان این اقدام را به منظور پیشگیری از وقوع سرقت منازل، تحت پوشش حمل اثاثیه و جابه جایی منزل در ایام تعطیلات نوروز انجام می دهد .

این اطلاعیه خاطر نشان کرده است: فرماندهی انتظامی ا گیلان در اجرای وظایف محوله خود و به منظور برقراری نظم و امنیت و حفظ و حراست از جان و مال، از شهروندان استان گیلان می خواهد قبل از جابه جایی و انتقال اثاثیه، کلانتری و پاسگاه های محل سکونت خود را مطلع ساخته و مجوز لازم را برای انتقال اثاثیه اخذ کنند .

بحران اقتصادی در ایران به رغم درآمد بی سابقه دولت

به نوشته سایت رادیو دویچه وله در 13 فوردين 92 آمده است : دولت های نهم و دهم در جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال بیش از ۸۶۰ میلیارد دلار درآمد داشته اند. این میزان از مجموع درآمدهای همه دولت های پیشین بیشتر است. با این حال به نظر نمی رسد وضعیت اقتصادی ایران بهبود یافته است .

منتقدان سیاست و عملکرد محمود احمدی نژاد، دولت وی را ناتوان و ناموفق در بهبود شرایط اقتصادی ایران ارزیابی می کنند. این منتقدان یکی از نشانه های این عدم موفقیت را شرایط نامساعد اقتصادی سال های اخیر ایران با وجود درآمد هنگفت دولت های نهم و دهم می دانند .

وبسایت خبرآنلاین در گزارشی به بررسی درآمدهای دولت از محل صادرات نفت، فروش اوراق مشارکت، فروش شرکت ها و کارخانجات دولتی و همچنین دریافت مالیات پرداخته است. بر این اساس دولت محمود احمدی نژاد در هشت سال اخیر (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱) ۸۶۴ میلیارد دلار درآمد داشته است .

سهم صادرات نفت از درآمد دولت در هشت سال اخیر بالغ بر ۵۷۸ میلیارد دلار می شود. در مقام مقایسه باید افزود که دولت های ایران در طول ۲۳ سال (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۳) از محل درآمد نفتی تنها رقمی معادل ۱۴۵ میلیارد دلار درآمد کسب کردند .

درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۹۱ خورشیدی با وجود عدم تغییر متوسط قیمت نفت ایران نسبت به سال پیش از آن، بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته و به حدود ۵۰ میلیارد دلار رسیده است. ایران سال ۱۳۹۰ خورشیدی ۱۱۳ میلیارد دلار از صادرات نفت خام درآمد کسب کرده بود. به نظر می رسد این کاهش ناشی از تحریم های بین المللی و کاهش شدید صادرات نفت ایران است .

سایر درآمدهای دولت

دولت احمدی نژاد در آمد هنگفتی نیز از محل واگذاری شرکت های دولتی داشته است. گرچه این روند بنا به اصل ۴۴ قانون اساسی قرار بود منجر به تقویت بخش خصوصی شود اما اکثر شرکت های سودده به شبه دولتی ها از جمله شرکت های وابسته به نهادهای نظامی و امنیتی واگذار شده اند. درآمد دولت از این واگذاری ها بالغ بر ۱۰۷ میلیارد دلار بوده است .

درآمد مالیاتی دولت های نهم و دهم نیز بر اساس برابری دلار و ریال در این دوره هشت ساله معادل ۱۴۹ میلیارد دلار است. در همین مدت دولت از فروش اوراق مشارکت (اوراق قرضه ملی) ۲۸ میلیارد دلار درآمد کسب کرده است .

با وجود این درآمدهای قابل توجه، اقتصاد ایران از رکود و تورم همزمان رنج می برد. مرکز آمار ایران نرخ تورم در سال ۹۱ را بیش از ۳۱ درصد اعلام کرد. تورمی که در ۱۷ سال گذشته سابقه نداشته است. کارشناسان اقتصادی پیش بینی می کنند که میزان تورم در سال آینده نیز افزایش یابد و به بیش از ۲۵ درصد برسد .

از سوی دیگر ایران در سال گذشته میلادی رشد اقتصادی ۳۶ دهم درصد را تجربه کرد. پیش بینی ها نیز از رشد منفی اقتصادی در سال جاری میلادی حکایت می کنند. این در حالی است که اقتصاد ایران در چند سال منتهی به ۱۳۸۴ و پیش از شروع دولت محمود احمدی نژاد رشد هفت درصدی را تجربه کرده بود .

دولت تنها مقصر نیست

اما آیا دولت تنها مقصر شرایط نامساعد اقتصادی ایران با وجود درآمد هنگفت سال های اخیر است؟

به باور کارشناسان، نمایندگان دوره‌های مختلف مجلس نیز با در پیش گرفتن سیاست‌های نادرست اقتصادی و عدم نظارت بر عملکرد دولت در به وجود آمدن این شرایط موثر بوده‌اند. سیاست‌گذاری کلی حکومت ایران که توسط رهبر جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد نیز در نابسامانی اقتصادی فعلی نیز تأثیر قابل توجهی داشته است.

همچنین با وجود آمار نگران کننده اقتصادی اعلام شده توسط نهادهای حکومتی، همچنان مسوولان عالی‌رتبه ایران از دستاوردهای غیرقابل انکار سخن می‌گویند.

نمونه‌ای از این اظهارات خوشبینانه را در سخنرانی اولین روز فروردین سال جاری آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد می‌توان دید. وی در بررسی شرایط اقتصادی و میزان پیشرفت‌های ایران در زمینه‌های مختلف گفت که پیشرفت‌های به دست آمده در چند سال اخیر زمینه اقتصادی، هسته‌ای، امنیتی، نظامی و تکنولوژیک قابل مقایسه با سال‌ها گذشته نیست و "جهشی عظیم" محسوب می‌شود.

در حالی که کارشناسان مستقل به این آمار رسمی بد بینند و تصریح می‌کنند که نابسامانی شرایط اقتصادی ایران فراتر از آمارهای اعلام شده است. پیش‌تر احمد علوی کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با دویچه‌وله تصریح کرد که شرایط فعلی چشمانداز روشنی را برای آینده نشان نمی‌دهد و افزود: «برای این که یک جامعه از این رکود تورمی عمیق بیرون بیاید باید سرمایه تزریق شود، امیدواری تزریق شود، ثبات و امنیت اقتصادی در جامعه حاصل شود و چنین شرایطی را ما الان در چشمانداز نداریم»

باور کردنی نیست اما واقعیت!

به گزارش سایت بوشهرنیوز، در 14 فروردین 92 آمده است: شرکتی در جزیره خارک وجود داشته که به صورت علنی به حقوق کارگران تجاوز کرده و تاکنون هیچ یک از دستگاه‌های مرتبط نیز با مدیران متخلف این شرکت برخوردی نکرده‌اند.

این گزارش حاکیست، در یکی از شرکت‌های خصوصی وابسته به یکی از پتروشیمی‌های جزیره خارک، حقوق کارگران آن 350 هزار تومان در ماه بوده که واقعا عذاب آور است.

گفته می‌شود کارگران مذکور در گرمای طاقت فرسای خارک مشغول به فعالیت‌های گازی بوده و در حقیقت پول خون خود را دریافت می‌کنند اما از کمترین امکانات و خدمات بهره‌مند شده و با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند.

البته گفته می‌شود آقایان مسئول این شرکت در اقدامی خیرخواهانه دو ماه مانده به پایان سال با افزایش حقوق این کارگران، آن را به ماهی 380 هزار تومان رسانده‌اند!

پرسشی که باقی است این که آیا مدیران این شرکت خودشان می‌توانند با ماهی 380 هزار تومان زندگی کرده و روزگار بگذرانند یا این که صرفه جویی و کاهش هزینه‌ها فقط مربوط به اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه بوده و مدیران عزیز این شرکت با پول چنین کارگران زحمتکشی، نوروز لذت بخش و رویایی را در کنار خانواده خود سپری کرده‌اند!

امیدواریم وجدان‌های بیدار با مطالعه این چند سطر به خود آمده و نگذارند زحمات کارگران زحمتکش این جزیره در دمای بیش از 40 درجه پایمال شده و همه کمک کنند تا این کارگران به حقوقشان دست یابند.

فعالان اتحادیه‌های کارگری می‌خواهند بدانند چرا؟ USAID به اداره سولیداریتی سنتر در بوگاتا ۲ میلیون دلار اهدا کرد جیمز جوردن ترجمه و تلخیص: بابک پاکزاد

اداره سولیداریتی سنتر در بوگاتا برای عملیات هایش در منطقه آند مقدار قابل توجه و غیر معمول ۲ میلیون دلار کمک اهدایی برای دو سال، دریافت نمود. نه افق و ابعاد کمک‌چندان روشن است و نه این که دقیقا این مبالغ را باید در کدام برنامه‌ها بکار گرفت و هزینه کرد. با این حال، با توجه به سابقه اداره بوگاتا و نمایندگی‌های سولیداریتی سنتر در منطقه آند، ناظران پیشبینی می‌کنند که کاربرد اصلی موارد اهدایی در کلمبیا و ونزوئلا است، یعنی مکان‌هایی که عمده فعالیت‌های مرکز معمولا در آن جا متمرکز شده است. منطقه آند همچنین پرو، اکوادور و بولیوی را شامل می‌شود. سولیداریتی سنتر هم در پرو و هم در کلمبیا اداره‌هایی دارد.

کمک‌های اهدایی، از سوی USAID (آژانس ایالات متحده برای توسعه بین الملل) ارسال می شود. اداره هم زمان با سه تحول کلیدی در جریان، نوید این سرمایه گذاری را دریافت کرده است. در ونزوئلا، انتخابات ماه اکتبر، و در کلمبیا، اجرایی شدن توافقنامه تجارت آزاد جدید (FTA) با ایالات متحده، هم زمان با جنبش فراگیر مردمی که خواستار راه حلی سیاسی برای درگیری های مسلحانه و درگیری‌های اجتماعی است. اطلاعات اندکی در ارتباط با جزئیات این کمک در دسترس است.

به دلیل تاریخ مستند مداخله AFL-CIO در ونزوئلا از طریق سولیداریتی سنتر، فعالان باید به منظور بحث آگاهانه پیرامون گمانه زنی درباره تقویت این فعالیت‌ها، تاریخ گذشته را تحلیل کنند. سولیداریتی سنتر یکی از چهار نهاد اصلی اهدای ملی برای دموکراسی (NED) و مخلوق بزرگترین مرکز اتحادیه های کارگری ایالات متحده، AFL-CIO است.

همراه با سولیداریتی سنتر، چهار نهاد اصلی NED، انستیتو جمهوری خواه بین الملل (در ارتباط با حزب جمهوری خواه)، انستیتو دموکرات ملی (در ارتباط با حزب دموکرات) و مرکز بین المللی شرکت های خصوصی (در ارتباط با اتاق بازرگانی) را شامل می شوند. NED در ۱۹۸۳، در دوره ریاست جمهوری ریگان توسط دولت ایالات متحده تاسیس شد. NED فقط به یک دلیل به وجود آمد: دستکاری و مداخله در امور دولت‌ها، جنبش‌های اجتماعی و انتخابات در دیگر کشورها به منظور پیشبرد سیاست های بین المللی ایالات متحده، برای زمینه سازی دسترسی بخش خصوصی به منابع طبیعی و افزایش سود کمپانی های فراملی.

آلن وینشتین، یکی از بنیان گذاران NED، در ۱۹۹۱ طی مصاحبه ای با نیویورک تایمز اظهار داشت که "بخش عمده ای از کارهایی که امروز انجام می دهیم قبلا توسط CIA به صورت مخفیانه انجام می شد". مارک پلتنر، قائم مقام رئیس NED، نقش سازمان در بافت استراتژی امپریالیستی را توضیح داده و می گوید که چگونه آن، نخ‌های سیاست، تجارت و ارتش را در قالب یک پارچه به هم بافته است: "لیبرال دموکراسی به وضوح آن ترکیب و ترتیب اقتصادی را می پسندد که جهانی سازی را تغذیه کند.... نظم بین المللی که جهانی سازی را تداوم بخشیده، از سوی برتری نظامی آمریکا تقویت و پشتیبانی می‌شود." سولیداریتی سنتر بیش از ۹۰ درصد بودجه اش را از خزانه عمومی از طریق وزارت امور خارجه، USAID و NED تامین می‌کند. سهم اتحادیه معمولا چیزی حدود دو تا سه درصد است.

بنابراین، سولیداریتی سنتر ربط چندانی با اتحادیه های محلی و صفوف فعالان اتحادیه ای ندارد، اگرچه از همکاری کامل عالی ترین مقامات AFL-CIO برخوردار است. اتحادیه های محلی هیچ سهم یا اراده ای در ایجاد روابط بین الملل و یا برنامه توسعه نداشته اند. سولیداریتی سنتر برخی برنامه های خوب و مفید دارد که بعضی از آن ها کمابیش بی خطر و خوش خیم اند. اما این برنامه های خوب می تواند همچون پوششی برای هدف اصلی عمل کند که همانا نفوذ و تحت تاثیر قرار دادن جنبش های کارگری کشورهای دیگر و فراهم کردن کانالی برای مداخله در فرآیند های انتخاباتی است.

نخستین موفقیت NED در آمریکای لاتین شکست دانیل ارتگا، کاندیدای ساندنیست ها برای ریاست جمهوری در انتخابات سال ۱۹۹۰ در نیکاراگوئه بود. دولت ایالات متحده از طریق NED و کانال های دیگر، به ازای هر رای بیش از بیست دلار پرداخت و به شکل موثری برای کاندیدای مطلوبش، ویولتا چامورا پیروزی را خرید. دولت آمریکا در ۱۹۹۰، به ازای هر رای دهنده نیکاراگوئه‌ای بیشتر هزینه کرد تا هر دو حزب (جمهوری خواه و دموکرات)، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ۱۹۸۸.

قابل ذکر است که در آن زمان، نیکاراگوئه فقط ۳ میلیون نفر جمعیت داشت. هائیتی نمونه دیگری است از این که چگونه سولیداریتی سنتر عمل می کند. در سال ۲۰۰۴، انستیتو جمهوری خواه بین الملل، یکی از شرکای سولیداریتی سنتر، نه تنها توطئه گران کودتا علیه دولت منتخب پرزیدنت برتراند آریستد را تامین مالی کرد بلکه آن‌ها را گردآوری کرد و تعلیم داد. در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، این کمک‌ها قبل از کودتا آغاز شد و تا ماه‌ها بعد از کودتا ادامه پیدا کرد که حمام خون علیه حامیان آریستد برپا شد که از جمله قربانیان اش، اعضای کنفدراسیون کارگران هائیتی (CTH) بودند.

به جای کمک به این اتحادیه که بیشتر از همه مورد هدف کودتاچیان قرار گرفته بود، سولیداریتی سنتر صدها هزار دلار را به سوی سازمان کارگری کوچکی کانالیزه کرد که قبل از آن و طی کودتا کاری برای دفاع از دولت منتخب صورت نداد و در حقیقت خواستار برکناری پرزیدنت آریستد بود. سال ها بعد، در سال ۲۰۰۹، هنگامی که CTH مواضع اش را تغییر داد و پیشنهاد نصف حداقل دستمزدی که دولت آریستد تعیین کرده بود برای کارخانه ها تایید کرد، سولیداریتی سنتر بیش از ۲۰۰۰۰۰ دلار اهدا کرد و تامین مالی CTH را آغاز نمود. با دریافت چنین مبالغی، CTH، مجامع انتخاباتی خود را تغییر داد و در شورای انتخاباتی دولت پریوال مشارکت جست. دولت پریوال

مشارکت لاولاس، حزب آریستد را در انتخابات، به رغم این که بزرگترین حزب سیاسی هائیتی بود ملغی و منتفی دانست.

موردی که بیشتر مربوط به بحث جاری ماست تاریخ مداخله در ونزوئلا از طریق اداره سولیداریتی سنتر کاراکاس است. درست مثل اداره بوگاتای امروز، آن توسط رد دومیت اداره می شد. وی در قبل از کودتای ۲۰۰۲ و طی آن کمک کرد تا مبالغ اهدایی به سوی کارلوس ارتگا و کنفدراسیون کارگران ونزوئلا (CTV)، کنفدراسیونی که شهرت ضد دموکراتیک و آمیخته به فساد داشت، کانالیزه شود. کیم اسکیز، فعال با سابقه کارگری و جامعه شناس Purdue University North Central، طی مطالعه موردی اش درباره سولیداریتی سنتر بر زمینه کودتای ۲۰۰۲ علیه هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا می گوید... بر اساس گزارش فصلی ژانویه - مارس ۲۰۰۲ سولیداریتی سنتر به NED که توسط روزنامه نگاران (جرمی بیگ وود و اوا گالینگر) کشف و افشا شد... کارکنان سولیداریتی سنتر در نشست هایی که طراحی شده بود تا رهبران CTV و FEDECAMARAS (کنفدراسیون تجارت و کسب و کار ملی) با هم به تفاهم برسند، نقش فعالی ایفا کرده اند. این ملاقات ها که در کل شش نشست را شامل می شد، در نقاط مختلف کشور برگزار شد و در یک نشست ملی در ۵ مارس ۲۰۰۲ به اوج خود رسید. در آن نشست CTV و FEDECAMARAS... به مثابه "سازمان های پرچمدار" در مبارزه علیه پزیدنت چاوز تقدیس شدند... تقریباً پس از گذشت بیش از ۳۰ روز از کنفرانس ۵ مارس، CTV و FEDECAMARAS در ۹ آوریل در اعتراض به خلعت مدیریت یک کمپانی نفتی در ۷ آوریل، یک اعتصاب عمومی در سطح ملی به راه انداختند و این وقایع منتهی به آغاز تلاش برای کودتایی شد که در آن CTV و FEDECAMARAS نقش کلیدی ایفا کردند.

در یازدهم آوریل، راهپیمایی وسیع و گسترده ای در حمایت از اتحادیه برگزار شد. در اواسط روز یازدهم آوریل، بلندگوهای ایوژیسیون در راهپیمایی، یعنی بلندگوهای کارمونا و ارتگا، به حامیان خود فراخوان دادند که به سوی کاخ ریاست جمهوری، میرافلورس، راهپیمایی کرده و خواستار استعفای چاوز شوند. حول و حوش همان زمان بود که فعالان اتحادیه های کارگری در آمریکا جنبشی را آغاز کردند و خواستار آن شدند که سولیداریتی سنتر پرونده هایش را در ارتباط با فعالیت هایش در گذشته، حال و آینده بگشاید تا شفافیت آن تضمین شود و فرآیند پایان بخشیدن به وابستگی مالی اش به دولت آمریکا آغاز شود. آنها اصرار کردند که سولیداریتی سنتر سرمایه گذاری و سوگیری اش را به سمت سازمان های اتحادیه ای مشروع برگرداند، و مشارکت حداکثری بدنه و سطوح پایه ای AFL - CIO را تضمین کند. این وضعیت شرایط را به گونه ای عوض کرد که در آن برای NED و USAID کانالیزه کردن حمایت هایشان به ذی نفعان ونزوئلایی، بویژه از طریق نهاد های کارگری بسیار مشکل شد. در پاسخ، آن ها بازی پیچیده ای را آغاز کردند، از جمله این که، کمی قبل از کودتا، عملیات های اداره کاراکاس را به بوگاتا منتقل کردند و مبالغ اهدا شده برای برنامه ها در ونزوئلا را نیز به موارد اهدایی به منطقه منتسب کردند و به این ترتیب این مبالغ، ذیل تخصیص های ویژه به ونزوئلا ثبت و فهرست نشد.

برای مثال، در سال ۲۰۱۰، سولیداریتی سنتر "به منظور حمایت از اتحادیه ها در کلمبیا و ونزوئلا به دلیل دفاع آن ها از حقوق اساسی کارگران..." ۴۰۰۰۰۰ دلار از NED دریافت کرد. برای برخی ناظران جنبش کارگری در سطح جهان، این ترکیب بسیار نادر به نظر می رسید چرا که مبارزات در ونزوئلا، جایی که بروزات اتحادیه ای به رشد خود ادامه می داد و بدون این که تهدید به خشونت شود عمل میکرد؛ با فضا و حال و هوای کلمبیا بسیار متفاوت بود که بروزات کارگری حتی از کشورهای که تعلق به اتحادیه غیرقانونی است کمتر است و هرساله، تعداد قتل و سوء قصد به جان فعالان اتحادیه های کارگری، بالاترین در جهان است. اما از چشم اندازی دیگر، از منظر اهداف ایالات متحده و امپراطوری شرکتی، دلایل متعددی برای برشمردن و معامله با ونزوئلا و کلمبیا بصورت هم زمان وجود دارد.

با منابع طبیعی، جمعیت قابل توجه، جنبش تاریخی و قدرتمند چپ و موقعیت ژئوپلیتیک اشان، هر دو کشور در شرایط بسیار ویژه ای قرار دارند و موجب نگرانی شدید مقامات رسمی ایالات متحده هستند. به ویژه با انتخابات قریب الوقوع ونزوئلا و گمانه زنی درباره سلامت پزیدنت چاوز (که معمولاً از سوی افراد غیر پزشک که چیزی درباره این موضوعات نمی دانند مطرح می شود). ایالات متحده و امپراتوری شرکتی مطمئناً درصدد است از هر فرصت و از تمام فرصت ها برای خارج کردن انقلاب بولیواری از ریل استفاده کند.

در حالی که در کلمبیا آن چه می خواهند از ریل خارج کنند جنبش توده ای فعالان اتحادیه های کارگری، دانشجویان، جمعیت روستایی، بومیان، آفریکلمبیایی ها و ایوژیسیون سیاسی علیه وضعیت موجود است. این گروه ها خواستار اصلاحات ارضی، سرمایه گذاری اجتماعی و روند های

سیاسی امن و آزاد هستند. آن ها خواستار مذاکره و راه حلی سیاسی برای مناقشات مسلحانه و همچنین درگیری های سیاسی و اجتماعی اند. به بیان دیگر، آن ها خواهان پایان بخشیدن به سیاست های اقتصادی نئولیبرالی هستند که به سود شرکت های فراملیتی به هزینه جوامع بومی و نیازهای مردم عمل می کند.

از طرف دیگر، ایالات متحده و امپراتوری شرکتی مسیر مداخله و دستکاری جنبش کارگری را در پیش گرفته تا ثبات سیاسی را حفظ کند و کنترل و سودآوری اش را به حداکثر رساند. در آخرین دیدارم از کلمبیا در آوریل ۲۰۱۲، فرصت های متعددی پیش آمد تا با فعالان اتحادیه های کارگری ونزوئلا و کلمبیا سخن گویم. من حکایاتی در ارتباط با حضور فعالان اتحادیه های کارگری ونزوئلا از طرف سولیداریتی سنتر شنیدم که به کارگران کلمبیایی در آموزش برخی موضوعات تکنیکی و فنی کمک کرده بودند. حداقل یکی از چنین آموزش هایی اعضای CUT را شامل گردیده، که بزرگترین کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در کلمبیا است. مقامات رسمی اتحادیه که به من درباره آموزش ها گفتند، اظهار داشتند که در مقطعی فعالان اتحادیه های کارگری ونزوئلا شروع به صحبت درباره موضوعات سیاسی کردند و خط ورط اشان "بسیار محافظه کارانه و راست گرا" بود. اگرچه سولیداریتی سنتر با CUT روابطی دارد اما با دو کنفدراسیون محافظه کارتر روابط بسیار نزدیک تری دارد که CTC (کنفدراسیون کارگران کلمبیا)، که از نظر تاریخی با احزاب محافظه کار و لیبرال مرتبط بوده و CGT (کنفدراسیون عمومی کار) که بخشی از کنفدراسیون جهانی کار اسبق در ارتباط با احزاب سیاسی دمکرات مسیحی بین الملل بوده را شامل می شوند.

ویسایت سولیداریتی سنتر هیچ بخش ویژه ای برای فعالیت هایش در ونزوئلا ندارد و با نگاه به آن ممکن است تصور شود که هیچ برنامه ای برای آن جا ندارد. اما با نگاه به منابع دیگر، این موضوع واضح و آشکار است که آنها برنامه های در جریانی دارند و در سایه عمل می کنند تا مورد موشکافی و تحقیق عموم قرار نگیرند. اگرچه با توجه به روایت های ذکر شده، این مورد بسیار دراماتیکی محسوب نمی شود، اما ما می توانیم برخی گره ها را در ارتباط با طبیعت فعالیت هایی که سولیداریتی سنتر حامی آن هاست مشاهده کنیم. ما می توانیم تداوم فعالیت ها در ونزوئلا، این که کار در ونزوئلا و کلمبیا توسط اداره بوگاتا به هم ربط پیدا می کند، و این که به شکل رسمی و غیر رسمی، پایه ای ترین آموزش ها می تواند فضایی برای انتشار ایده های راست گرایانه فراهم کند را مشاهده کنیم.

اطلاعات رخنه کرده از سفارت آمریکا در بوگاتا تاریخ جلسات و اطلاعات رد و بدل شده ای را نشان می دهد که دومیت و اداره بوگاتا در آن شرکت داشته اند. این اطلاعات مکالمات درجریانی را نشان می دهد که هدف آن به روشنی تغذیه ظهور گرایش مدافع FTA در اتحادیه های کارگری کلمبیا و همزمان تلاش برای تحلیل بردن نه فقط گرایشات و رهبری چپ در جنبش کارگری بلکه هر گونه مبارزه سیاسی از سوی اتحادیه های کارگری کلمبیا است.

ایالات متحده و امپراتوری شرکتی ونزوئلا و کلمبیا را همچون دو پاشنه ی دری می بینند که به روی آمریکای جنوبی و درعمل، آمریکای لاتین گشوده می شوند. تأثیر گذاری و دستکاری سازمان ها و جنبش های کارگری تکنیک بسیار مهمی است. آری. نیازها و مبارزات جنبش های کارگری ونزوئلا و کلمبیا بسیار با یکدیگر متفاوت اند.

اما آن چه برای سولیداریتی سنتر و حامیانش در وزارت امور خارجه مهم است این است که این جنبش ها باهم کلیدی هستند که آنها می توانند از آن برای گشودن این در استفاده کنند و راه دوره جدیدی از استعمار مجدد را باز کرده و موانع را از سر راه کسب سود شرکت ها بردارند.

منبع: Marxism Leninism Today

اعتراض سندیکای هفت تپه به ادامه ی بازگشت کارگران خواستار آزادی بی قید و شرط همه کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم

به موجب خبر رسیده به روز شمار کارگری در ۱۴ فروردین ۹۲ آمده است که: سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار بیانیه ای نسبت به ادامه ی بازداشت اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری اعتراض کرد. در این اطلاعیه چنین آمده است:

کارگران و انسان های آزادیخواه!

همانطور که مطلع هستید بیش از ۲۰ روز است که تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به نام های غالب حسینی، خالد حسینی، بهزاد فرج الهی، وفا

قادری، علی آزادی و حامد محمود نژاد دستگیر شده اند و با وجود پیگیری های خانواده ها و دوستان بازداشت شدگان همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند.

دستگیری ها، ارباب و تهدید فعالین در حالی صورت می گیرد که فریبرز رئیس دانا، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، پدرام نصرالهی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی در بدترین شرایط همچنان در زندان هستند.

فعالین کارگری در شرایطی بازداشت و محاکمه می شوند که اقشار تهری دست جامعه به لحاظ نازل بودن سطح معیشت و دستمزد و سطح بالای بیکاری در شرایط بسیار اسفباری به سر می برند. بدیهی است در چنین وضعیتی کارگران و فعالین کارگری برای تحقق خواسته ها و مطالبات خود راهی جز مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری ندارند و این اعمال سرکوبگرانه نمی تواند موجب توقف تلاش ها و مبارزات فعالین کارگری شود.

ما کارگران نیشکر هفت تپه دستگیری این فعالین را محکوم می کنیم و خواستار آزادی بی قید و شرط همه ی کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۳۹۳/۱/۱۴

در 50 سال گذشته صدها هزارهکتار از جنگل های ایران از بین رفته و یا تغییر کاربری یافته است

به نوشته روزنامه خراسان در 14 فروردین 92 آمده است : میزان جنگل و درختان در ایران حدود یک چهارم متوسط جهانی است. سرانه جنگل در جهان 8 هزار متر مربع است در صورتی که این سرانه در ایران حدود 2 هزار متر مربع است. به گزارش ایرنا، علی محمد شاعری قائم مقام سازمان حفاظت محیط زیست با بیان این مطلب افزود: هفت درصد مساحت ایران را جنگل در بر گرفته است در حالی که به طور متوسط باید 25 درصد مساحت کشورها به جنگل اختصاص یابد. وی اظهار داشت: بر اساس آمارهای موجود مساحت جنگل در ایران در دهه 40 حدود 18 میلیون هکتار بوده که در حال حاضر به حدود 14 میلیون هکتار کاهش یافته است. وی گفت: به طور متوسط در 50 سال گذشته صدها هزارهکتار از جنگل های کشور از بین رفته و یا تغییر کاربری یافته است که باید با برنامه ریزی های اصولی جلوی این تخریب بی رویه گرفته شود. شاعری افزود : هر هکتار جنگل و فضای سبز در هر سال 68 تن گرد و غبار و ذرات معلق را جذب می کند و از این طریق 2/5 تن اکسیژن برای موجودات زنده تولید می شود. علاوه بر این اراضی جنگلی بیش از 40 برابر اراضی غیر جنگلی آب در خود جذب می کنند. وی گفت: در حال حاضر بسیاری از گونه های با ارزش درختی در حال انقراض است و از این رو به یک طرح ضروری برای احیا و حفاظت ویژه از درختان نیاز است. در حال حاضر ایران جزو 70 کشور با پوشش کم جنگل است و از بین 56 کشور دارای جنگل ، رتبه چهل و پنجم را دارد. شاعری خاطرنشان کرد : بر اساس شاخص های جهانی هر کشوری که مساحت جنگل آن کمتر از 10 درصد مساحت کشورش باشد از لحاظ زیست محیطی آسیب پذیر است و به عنوان کشوری با پوشش کم جنگل معرفی می شود. در حال حاضر هفت درصد مساحت کشور را جنگل ها در بر گرفته است .

بهنام ابراهیم زاده: همچنان صدای اعتراض کارگران ، کودکان و زنان خواهم بود

بنا به گزارشات رسیده ازطرف نزدیکان بهنام ابراهیم زاده، این کارگر زندانی و فعال کارگری روز شنبه 17 فروردین ماه باید برای تمدید مرخصیش به دادستانی تهران مراجعه کند.

این در حالی است که تنها فرزندش نیما از بیماری خونی رنج می برد و شنبه مجدداً باید در بیمارستان محک بستری شود.

نیما ابراهیم زاده بیش از سه ماه است که در بیمارستان فوق تخصصی محک کودکان بستری است و پزشکان معالجش براین باورند که درمان وی بیش از سه سال به طول خواهد انجامید.

پدر نیما ؛ بهنام ابراهیم زاده میگوید: ازوقتی از زندان به مرخصی آمده ام باتمام توان و وجودم برای نجات جان نیما تلاش کرده ام و می کنم. امروز درمان فرزند عزیزم اولویت اصلی من است.

این فعال کارگری می افزاید، تحمیل این وضعیت به تنها فرزندم نیما ی عزیز و فشارهای سنگین بمن به خاطر باور ، اعتقادات سیاسی و فعالیت هایم درعرصه کودکان و کارگران ما نوع فعالیت های من نمی تواند باشد. من همچنان صدای اعتراض کارگران ، کودکان و زنان خواهم بود .

وضعیت بحرانی کارگران کوره‌پزخانه‌ها؛ کار در محیط ناسالم و بدون امکانات ابتدایی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 فروردین 92 آمده است: در حالی که فصل کار کوره پزخانه‌ها از اردیبهشت ماه شروع می‌شود بسیاری از فعالان کارگری معتقدند کارفرمایان در تامین حداقل استانداردهای بهداشتی در کارگاه‌های آجریزی کوتاهی می‌کنند. به گزارش ایلنا، کارگران کوره پزخانه‌ها هر چه دارند از اوایل انقلاب است که کارفرمایان مجبور بودند امکانات رفاهی را برای آنان فراهم سازند و تمام این امکانات زندگی از جمله خانه، آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی از سی و چهار سال پیش دست نخورده باقی مانده و پس از گذشت چند دهه اینک مخروبه شده است. این شرایط باعث شده است نا سلامت کارگران کوره پزخانه‌ها به دلیل محیط کاری نامناسب همواره در معرض خطر قرار گیرد. در این زمینه «پیروز چراغی»، رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های منطقه یافت آباد در گفتگو با ایلنا وضعیت بهداشت کوره پزخانه‌ها را «زیر صفر» توصیف کرد. «معمولا از تجهیزات اولیه پزشکی در این کارگاه‌ها خبری نیست و اگر اتفاقی در محیط کار بیافتد امکان خدمات رسانی به کارگر مصدوم وجود ندارد از این روی لازم است مسئولان به فکر تاسیس درمانگاه برای کارگران کوره پزخانه‌ها باشند».

کاهش تعداد کارگران کوره پزخانه‌ها

از جانب دیگر گزارش‌های ایلنا حاکی است که تعداد کارگران کوره پزخانه‌ها نسبت به گذشته به مراتب کمتر شده است. ریشه این کاهش نیروی انسانی را می‌بایست در نحوه پرداخت دستمزد و تغییر مواد و مصالح ساختمانی جستجو کرد. «غلامرضا عباسی» رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران با اشاره به «فراری داده شدن کارگران کوره پزخانه‌ها» می‌گوید: کارفرماها در فصول قبل، با کارگران کوره‌پزخانه‌ها رفتار مناسبی نداشتند و آن‌ها را به نحوی فراری دادند. این کارفرماها در سال‌های قبل هم از اتباع غیر ایرانی استفاده می‌کردند و هم در بحث مزد، مبالغ مورد توافق را به کارگران پرداخت نمی‌کردند.

لزوم بازدید دوره‌ای بازرسان کار از کارگاه‌های آجریزی

طبق قانون کار، بازرسان وزارت کار با اختیارات «ضابط قضایی» موظف‌اند که به صورت دوره‌ای یا سرزده در فواصل زمانی کوتاه از واحدهای صنعتی کوچک، متوسط یا بزرگ بازدید کنند و اگر آنان وظایف خود را به درستی انجام دهند از میزان حوادث ناشی از کار به طور قابل توجهی کاسته می‌شود. طبیعی است وقتی نظارت بر کارفرمایان کم رنگ باشد، حقوق کارگران به راحتی پایمال می‌شود.

در همین رابطه پیروز چراغی رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های منطقه یافت آباد معتقد است «به ندرت اتفاق می‌افتد که بازرسان وزارت کار برای نظارت بر وضعیت کوره پزخانه‌های منطقه یافت آباد به این منطقه اعزام شوند».

لزوم حضور فعال تشکلهای کارگری

حضور تشکلهای مستقل کارگری می‌تواند به بازرسان وزارت کار و بیمه کمک کند تا مشکلات کارگران را بهتر ببینند و درک کنند.

غلامرضا عباسی با انتقاد از دید منفی مسئولان دولتی نسبت به انجام وظایف صنفی تشکلهای کارگری می‌گوید: هرگاه مسئله‌ای در جهت احقاق حق کارگران از سوی تشکلهای کارگری دنبال می‌شود مسئولان به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویا دخالتی در کار آن‌ها شده است. حال آنکه وظیفه تشکلهای کارگری کمک به مسئولان در شناسایی مشکلات کارگران و حراست از حقوق نیروی کار است.

عدم اعمال افزایش 25 درصدی حقوق بازنشستگان در فروردین ماه

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 14 فروردین 92 آمده است: حقوق فروردین ماه بازنشستگان براساس سال گذشته به حساب‌های آنها واریز شده است و حداکثر تا خرداد حقوق مستمری‌بگیران

بر اساس مصوبه دولت با 25 درصد افزایش پرداخت و مابه‌التفاوت ماه‌های گذشته همراه با حقوق به حساب آنها واریز می‌شود.

جوابیه به اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران

مازیار گیلانی نژاد

بر پای ایمیل رسیده به روز شمار کارگری آمده است: در آخرین دقایق سال گذشته تکذیبیه ای در مورد مصاحبه من منتشر شد. اطلاعیه اتحادیه کارگران آزاد در تعطیلات بدستم رسید. برایم بسیار سخت است که درشرایطی که می باید انسجام در بین تشکلهای کارگری برای به پیشواز رفتن اول ماه مه را حفظ کنیم به این اطلاعیه جوابیه بنویسم. آنچه مرا مجبور کرد که به نگارش این سطور بپردازم بیشتر تحقیری بود که این اتحادیه در مورد تلاش کارگران فلزکار مکانیک در جمع آوری امضا انجام داد. وگرنه مازیار گیلانی نژاد قابل تکذیبیه نوشتن نیست.

1- دوستان اتحادیه اعلام کرده اند «اواسط بهمن ماه سالجاری طی ملاقاتی که دو نفر از هماهنگ کنندگان با ایشان داشتند به وی اعلام کرده بودند از نظر ما چنانچه هر فعال کارگری و یا کارگر معترضی با هر دیدگاهی خواهان حضور در جمع هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی باشد با در نظر داشت این نکته ی مهم که همیشه در پیگیریها و تجمعات هماهنگ کنندگان و دیگر امور مربوط به طومار در صف اول این اعتراض کارگری قرار بگیرد جزو هماهنگ کنندگان محسوب میشود و چنانچه خودش بخواهد نام اش در لیست هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی قرار میگیرد.....» لذا ما هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران از آنجا که مازیار گیلانی نژاد هیچگاه در نشستها، تصمیم سازیها و تصمیم گیریها، سیاست گذاریها و هماهنگی های لازم و ملزوم جمع ما و یا تجمعات و دیگر تلاشهای خاص و ویژه ی هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی، هیچ نقش و یا دخالت و شرکتی نداشته است.....»

دوستان درست می گویند البته فقط دوستان فراموش کرده اند که یادآور بشوند که هیچ دعوتی از من به عمل نیاورده اند تا در جلسات آنها شرکت کنم و برای هر تصمیمی که گرفتند از جمله تصمیم به تجمع، رفتن به استانداری اینجانب بی خبر بوده ام. چرا که دوستان لازم نمی دیدند که من در جلسات آنها شرکت داشته باشم. و هر بار که طی 3 جلسه با اعتراض من مواجه می شدند که چرا مرا مطلع نکردید اظهار می داشتند: « تو در دسترس نبودی و یا موضوع ناگهانی پیش آمد.» دوستان بسیار اصرار داشتند که نامم از همان روز اول در لیست هماهنگ کنندگان قرار بگیرد. حال چرابه این موضوع یک تبصره اضافه کردند و این موضوع را موکول به بعد از ارایه 40 هزار امضای اعتراضی می کنند قابل توجه است. دوستان حتا فراموش کرده اند که بگویند این توافق بین کارگران فلزکار مکانیک و اتحادیه آزاد بوده است نه بین مازیار گیلانی نژاد و چند هماهنگ کننده. دوستان حتا فراموش کرده اند که بگویند برای اینکه نام اعضای دیگر سندیکاهای کارگری در این لیست قرار بگیرد، تا هنگام رفتن پیش وزیر کار برای پی گیری 30 هزار امضای اعتراضی، این لیست از نام دیگر فعالین بنام سندیکایی پر بار باشد، چه تلاشی توسط اینجانب صورت گرفت. حتا یکی از لیدرهای این دوستان چقدر برای این امر تلاش کرده بود ولی موفق نبود، پس از من مصرأ می خواست که این دوستان در سندیکاهای دیگر را راضی کنم تا نامشان در این لیست قرار بگیرد. البته به دلایل مخلف دوستان سندیکایی از بودن با این دوستان طفره رفتند و سندیکای کارگران واحد به تنهایی با 2 هزار امضای جمع آوری شده توسط سندیکا به مجلس و وزارت کار رفت که من در مصاحبه ام یادآور شدم.

البته فراموشکاری این دوستان به اینجا ختم نمی شود چرا که با تعجیلی که برای رفتن به پیش وزیر کار داشتند تاریخ اواسط اسفند را به اول اسفند تغییر دادند که باعث شد ما 400 امضای تهیه شده را به سرعت به دوستان برسانیم و تازه متوجه شدیم که دوستان برای 10 هزار امضای اعتراضی بعدی تصمیمی ندارند. البته قضاوت را تاریخ خواهد کرد و وجدان کارگری این دوستان. این دوستان برای تحقیر کارگران فلزکار مکانیک به عمد موضوع 400 امضای آخری را عنوان کرده اند تا ناخود آگاه خواننده بین 30 هزار امضا و 400 امضا مقایسه ای صورت دهد. این دوستان بخوبی می دانند که کارگران فلزکار مکانیک همانطور که در مصاحبه هم گفته شده از 10 هزار امضای بعدی به دوستان کمک کرده است ولی به عمد 400 امضای آخری را به رخ کارگران فلزکار مکانیک می کشند. البته همانطور که در مصاحبه هم گفته ام این امضاها توسط همه فعالین کارگری چه خانه کارگری ها، شورای اسلامی ها، انجمن صنفی ها، سندیکاهای کارگری جمع آوری شده و اگر کسی یا کسانی می خواهند این طور وانمود کنند که این امضاها حاصل تلاش خودشان بوده بسیار نادرست است. به

هرحال امیدوارم که دوستان در بازگویی حقیقت امانت را رعایت کنند و متحدانه به پیشواز اول ماه مه برویم.
گسترده تریاد اتحاد طبقه کارگرایران
مازیار گیلانی نژاد

بیانیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به ادامه بازداشت فعالان کارگری

بر پایه ایمیل دریافتی در 14 فروردین 92 آمده است : سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با صدور بیانیه نسبت به دستگیری و ادامه بازداشت اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری اعتراض کرده است. این سندیکای کارگری ضمن درخواست آزادی فعالان کارگری زندانی، "مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری" را تنها راه تحقق خواسته ها و مطالبات کارگران اعلام کرده است .

متن کامل این بیانیه به گزارش تارنمای کمیته هماهنگی به شرح زیر است :
کارگران و انسان های آزادیخواه !

همانطور که مطلع هستید بیش از ۲۰ روز است که تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به نام های غالب حسینی، خالد حسینی، بهزاد فرج الهی، وفا قادری، علی آزادی و حامد محمودنژاد دستگیر شده اند و با وجود پیگیری های خانواده ها و دوستان بازداشت شدگان همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند .

دستگیری ها، ارباب و تهدید فعالین در حالی صورت می گیرد که فریبرز رئیس دانا، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، پدram نصرالهی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی در بدترین شرایط همچنان در زندان هستند .

فعالین کارگری در شرایطی بازداشت و محاکمه می شوند که اقشار تهی دست جامعه به لحاظ نازل بودن سطح معیشت و دستمزد و سطح بالای بیکاری در شرایط بسیار اسفباری به سر می برند. بدیهی است در چنین وضعیتی کارگران و فعالین کارگری برای تحقق خواسته ها و مطالبات خود راهی جز مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری ندارند و این اعمال سرکوبگرانه نمی تواند موجب توقف تلاش ها و مبارزات فعالین کارگری شود .

ما کارگران نیشکر هفت تپه دستگیری این فعالین را محکوم می کنیم و خواستار آزادی بی قید و شرط همه کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم .

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۳۹۲/۱/۱۴

مرگ یکی از نگهبانان مسکن مهر دهدشت در پی سقوط از راه پله

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 14 فروردین 92 آمده است: ،یکی از نگهبانان مسکن مهر دهدشت در اثر سقوط از راه پله به کام مرگ کشیده شد. براساس این گزارش، عمار آذریناه اظهار داشت: شب گذشته جسد نیمه جان یکی از نگهبانان مسکن مهر دهدشت به اورژانس بیمارستان امام خمینی دهدشت انتقال داده شد.

مسئول اورژانس بیمارستان امام خمینی اضافه کرد: متوفی علی سینا بهزادیان و حدود هفتاد سال سن داشت.

آذریناه افزود: این فرد از ناحیه استخوان سینه، دست و پهلوی راست و نیز سر به شدت آسیب دیده بود و پس از انتقال به اتاق جراحی در حین عمل و به علت شدت جراحات فوت کرد.

گفتگوی رادیو ندا با علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

به گزارش رادیو ندا در گفتگو با آقای علی نجاتی، آمده است : علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، در گفتگو با رادیو ندا با بیان اینکه " زندگی مبارزه است " گفت :
>> امیدواریم با تلاش های خود مردم آینده خوب و روشنی داشته باشیم! << و ی همچنین در مورد

تعیین حداقل دستمزد 486 هزار تومانی برای کارگران در سال 92 گفت: «تا زمانی که کارگران تشکلی از خودشان نداشته باشند، با هم همبستگی نداشته باشند، همین آش و همین کاسه است!»

گوش کنید:

http://www.radioneda.de/2013/03/29/A_Nejati130331.mp3

تولید چادر مشکی از اولویت‌های سرمایه‌گذاری و حمایت‌های وزارت صنعت

به نوشته اقتصاد آنلاین به نقل از خبرگزاری دولتی فارس در 15 فروردین 92 آمده است: وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد تولید پارچه چادر مشکی طی سالیان گذشته در اولویت سرمایه‌گذاری و حمایت‌های این وزارتخانه قرار داشته است. وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد تولید پارچه چادر مشکی طی سالیان گذشته در اولویت سرمایه‌گذاری و حمایت‌های این وزارتخانه قرار داشته است.

به گزارش فارس، به دنبال انتشار گزارش «مافیای سنگین واردات بر سر چادر مشکی» روابط عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد: همواره پیگیری‌های لازم در راستای حمایت از تولید پارچه چادر مشکی طی سالیان گذشته در اولویت سرمایه‌گذاری و حمایت‌های این وزارتخانه قرار داشته است و بدین ترتیب تمامی متقاضیان جهت تولید این محصول صنعتی - فرهنگی در چارچوب ضوابط مربوطه از حمایت‌های لازم برخوردار می‌گردند. با پیگیری‌های وزارت صنعت طرح تولید چادر مشکی در شهر کرد با ارزش تقریبی ۲۰ میلیون یورو در ردیف طرح‌های آمایش صنعت و معدن به تصویب رسیده و وضعیت طرح فوق در دست پیگیری است. همچنین واحد تولید چادر مشکی در شهرستان یزد، تولید این محصول را در مقیاس صنعتی آغاز و تولیدات خود را نیز به بازار عرضه نموده است. لازم به ذکر است با تغییرات اخیر قیمت ارز و افزایش قیمت کالاهای وارداتی، تولید چادر مشکی در واحدهای داخلی صرفه اقتصادی پیدا کرده است و انگیزه لازم برای تولید داخلی این محصول فراهم گردیده است. لذا امید است با همت تولیدکنندگان و متخصصان داخلی در آینده نزدیک شاهد ارتقای کیفیت و تأمین بخشی از نیاز کشور از طریق تولیدات داخلی باشیم.

درباره تبدیل وضعیت کارکنان شرکت «خدمات کشاورزی»

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 14 فروردین 92 آمده است: هیات عمومی دیوان عدالت اداری با رفع یک مورد تعارض آرای صادره از سوی شعب مختلف این مرجع قضایی، درباره موضوع تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان قراردادی شرکت مادر تخصصی خدمات کشاورزی رای وحدت رویه‌ای صادر کرد.

برپایه این گزارش، متن رای شماره 911 هیات عمومی به شرح زیر است:

«اولا- وجود تعارض بین رای شعبه دهم دیوان به شماره ۱۳۸۶/۱۲/۲۴۶۳۲۲ با رای شعبه دوازدهم به شماره ۱۳۸۶/۹/۳/۱۵۷۸ محرز است و سایر آرا با توجه به مدرک تحصیلی شکات از موضوع تعارض خارج است.

ثانیا- با توجه به استدلال به کار رفته در رای وحدت رویه شماره ۹۱۲-۱۳۸۶/۸/۲۹ و رای شماره ۶۵۲ الی ۵۹۷-۱۳۸۳/۱۲/۹ هیات عمومی دیوان عدالت اداری، رای شعبه دوازدهم دیوان عدالت اداری که مبنی بر وارد دانستن شکایت در حدی که متضمن استدلال آراء مذکور و با رعایت مفاد آنها بویژه تحقق و اجتماع شرایط قانونی صادر شده است، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص داده می‌شود.

این رای به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

بازداشت تعدادی از فعالان کرد در غرب ایران

به نوشته سایت مردمک در ۱۵ فروردین ۹۲ آمده است: کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گزارش داده که از ابتدای اسفند سال گذشته ده‌ها فعال و شهروند کرد در غرب ایران به اتهام همکاری با «پژاک» بازداشت شده و از سرنوشت تعدادی از این بازداشت‌شدگان اطلاعی در دست نیست.

طبق این گزارش ده‌ها شهروند کرد در شهرهای مهاباد، سنندج، و پاوه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و چند نفر از این زندانیان در ایام نوروز با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده‌اند. براساس این گزارش در چند روز گذشته فاروق و هزار سامانی به زندان مرکزی مهاباد، مسعود و خسرو کردپور (روزنامه‌نگار) و رسول خضرمروت به بازداشتگاه ستاد خبری اداره اطلاعات ارومیه منتقل شده‌اند.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران با اعلام این خبر به نقل از یک منبع محلی گفته است که بهروز و حسن بروکانلو، عزیز دالای میلان، حسن اسدی، میرهادی موسوی، امیرحسن بهروز، افشین میرزایی، فرزاد سلامت، عبدالسلام بهاور و خسرو بدوی اسفندماه توسط نیروهای امنیتی در ارومیه بازداشت شده و خانه‌هایشان تفتیش شده است.

به نوشته این منبع خبری مخالف ایران شماری از این افراد که به همکاری با حزب پژاک متهم شده‌اند پس از بازداشت به بندهای متادون و جرائم خطرناک منتقل شده‌اند اما از سرنوشت برخی اطلاعی در دست نیست.

حزب حیات آزاد کردستان، پژاک، از احزاب مسلح مخالف حکومت جمهوری اسلامی ایران است و هدف مبارزه خود را «حمایت از حقوق ایرانیان کرد در چارچوب یک نظام دموکراتیک در کشور» اعلام کرده است.

گروه پژاک از سوی ایران، شماری از کشورهای هم‌پیمان ناتو و آمریکا در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد.

در سال ۹۰ خبرگزاری‌های ایران چندبار از درگیری میان نیروهای شبه‌نظامی پژاک و نیروهای سپاه پاسداران در مناطق غربی و شمال غربی کشور خبر داده بودند.

مقام‌های وزارت اطلاعات یا دادستانی ایران تاکنون درمورد گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران درخصوص بازداشت این شهروندان کرد اظهارنظر نکرده‌اند.

براساس گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران شماری از فعالان کرد ازجمله محمدصدیق کبودوند در ایران زندانی هستند و حکم اعدام هفت نفر از آنها در دیوان عالی ایران تأیید شده است.

طبق گزارش‌ها کامل فتح‌اللهی تیرماه سال ۹۰ دوماه پس از بازداشت در زندان قلعه حصار در بیمارستانی در تهران جان باخت.

پیش از این در اردیبهشت سال ۸۹ فرزاد کمانگر، معلم زندانی کرد و چهار زندانی سیاسی کرد به اتهام «دست داشتن در عملیات تروریستی» در زندان اوین تهران اعدام شدند.

در آن زمان خبرگزاری هرانا گزارش داد که مردم مناطق کردنشین کامیاران و سنندج در اعتراض به این اعدام‌ها تجمعات اعتراض‌آمیز برپا کردند.

احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در حقوق بشر ایران، از «خشونت‌های هدفمند در ایران علیه اقلیت‌های نژادی ازجمله کردها» انتقاد کرده است.

مرگ کارگر چاه بر اثر برق گرفتگی

به گزارش برگزاری دولتی مهر، در ۱۵ فروردین ۹۲ آمده است: سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران از مرگ کارگر ۳۰ ساله در عمق ۱۵ متری چاه بر اثر برق گرفتگی خبر داد.

جلال ملکی در تشریح این حادثه گفت: ساعت ۱۱ و ۲۴ دقیقه امروز گرفتاری یک کارگر در عمق ۱۵ متری چاه به سازمان آتش نشانی اطلاع داده شد. در ادامه امدادگران ایستگاه ۸۹ همراه گروه نجات ۴۰ خود را به محل حادثه در خیابان دروس خیابان هدایت رساندند.

وی افزود: در بررسی های اولیه مشخص شد، در محل گودبرداری یک خانه کارگری در حال حفر چاه بوده که همکارانش به دلیل اینکه او فعالیت خود را ناگهانی قطع کرده بود به موضوع مشکوک شده و موضوع را به سازمان آتش نشانی اطلاع داده بودند.

ملکی خاطرنشان کرد: آتش نشانان با ایمن سازی محل، کارگر 30 ساله را از چاه خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند که آنها مرگ او بر اثر برق گرفتگی را تأیید کردند.

سخنگوی سازمان آتش نشانی در پایان به پیمانکاران هشدار داد: هنگام حفر چاه از مقنی های حرفه ای استفاده کرده و اجازه ندهند آنها با تجهیزات نایمن وارد چاه شوند زیرا خاک نم دار بوده و احتمال برق گرفتگی وجود دارد. هنگام استفاده از تجهیزات روشنایی نیز از وسایل ایمن و تجهیزات استاندارد استفاده کنند.

تشدید فشار بر فعال کارگری دربند، پدram نصراللهی

بر پایه خبر سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 16 فروردین 92 آمده است : طبق گزارش رسیده، میزان فشارهای وارده بر فعال کارگری دربند و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری پدram نصراللهی، از سوی نیروهای امنیتی روز به روز در حال افزایش است. عوامل اطلاعات و مسئولین امنیتی درون زندان مرکزی سنندج در ادامه ی سیاست فشار بر فعالین کارگری، با مراجعات متعدد و زیر فشار قرار دادن مداوم ایشان، و در تنگنا قرار دادن وی برای پذیرش شرایط آنان مبنی بر دست شستن از کلیه ی فعالیت های کارگری و استعفا از عضویت در کمیته هماهنگی، هر لحظه بر فشارهای خود بر این فعال کارگری می افزایند؛ و با دادن وعده هایی از قبیل: آزادی فوری، اعطای شرایط اقامت در کشورهای اروپایی و غیره، سعی در تطمیع و ترغیب او در پذیرش خواسته ی خود از جانب وی دارند. اما پدram نصراللهی با اراده ای پولادین و عزمی راسخ تر از همیشه، در برابر تمامی تهدیدها و تطمیع ها ایستاده، و با پای فشاری بر حقانیت باورهای کارگری خود، از ادامه ی عضویت در کمیته هماهنگی دفاع نموده، و از حق ایجاد تشکل های مستقل و خود ساخته ی کارگران مصرانه دفاع می نماید.

کمیته هماهنگی ضمن محکوم نمودن هر گونه فشاری بر پدram نصراللهی و سایر فعالین کارگری، و تحمیل شرایط به غایت ضد انسانی به تشکل های کارگری و کارگران پیشرو، خواهان پایان بخشیدن به تمامی تعرضات و تهاجمات همه جانبه ی عوامل سرمایه به صفوف فعالین کارگری بوده، و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی فعالین کارگری دربند را خواستار می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری_ 1392/1/16

گوجه فرنگی کیلویی ۵۰۰۰ تومان

به نوشته سایت آفتاب در 16 فروردین 92 آمده است : طی یک هفته گذشته قیمت انواع مرکبات در بازار دو برابر افزایش یافته و قیمت سایر میوه ها نیز افزایش زیادی داشته است. پیش از این ستاد کنترل تنظیم بازار مصوب کرده بود با ذخیره سازی 100 هزار تن میوه در کشور و توزیع تدریجی آن در ایام عید قیمت در بازار متعادل شود. مصوب شده بود هر کیلوگرم پرتقال 1500 و سیب 1600 تومان در بازار عرضه شود .

گزارش میدانی خبرنگار فارس حاکی است در سطح شهر تهران یک کیلوگرم پرتقال 3200 تومان، سیب 2500 تومان، کیوی 2500 تومان، موز 5500 تومان، عرضه می شود .

همچنین قیمت گوجه فرنگی نیز به کیلویی 4500 تومان رسیده است .

گزارش خبرنگار فارس حاکی است قیمت میوه در شهرهای کشور نیز افزایش قابل ملاحظه ای داشته است بر اساس این گزارش در سطح شهر اردبیل قیمت پرتقال تامسون 3000 تومان، سیب قرمز 2000 تومان، لیمو شیرین 2000 تومان، گوجه فرنگی 5000 تومان و موز 5500 تومان و کیوی 3000 تومان به فروش می رسد. در این میان قیمت انواع سبزی نیز رشد چشمگیری داشته است، در سطح شهر اردبیل قیمت یک کیلو کاهو 3500 تومان، کلم 2000 تومان ، خیار 3500 تومان و سبزی خوردنی نیز کیلویی 2000 تومان به فروش می رسد .

به نظر می رسد در تعطیلی ایام نوروز نظارت بر قیمت محصولات نیز تعطیل شده است، یکی از

فروشندهگان میوه به خبرنگار فارس، گفت: یک کیلوگرم کاهو را 900 تومان از میادین تره‌بار خریداری می‌کند و به قیمت 3500 تومان به مردم می‌فروشد.

همچنین بر اساس فاکتور ارائه شده قیمت یک کیلوگرم سیر خریداری شده از میدان تره‌بار 6500 تومان بود که به قیمت 10000 تومان توسط این فروشنده به فروش می‌رفت.

پیش از این سازمان تعزیرات تأکید کرده بود که در ایام عید به قیمت میوه‌های عرضه شده در بازار نظارت جدی خواهد داشت تا با نرخ مصوب به فروش رود اما در این میان عدم نظارت بر توزیع کافی میوه‌ها نیز دلیل دیگری بر افزایش قیمت بوده است.

علی حاج فتحعلی دبیر اتحادیه بافروشان در خصوص دلیل افزایش قیمت میوه در بازار به خبرنگار فارس گفت: توزیع میوه‌ها از سردخانه‌های کشور به بازار طی چند روز گذشته تعطیل بوده است و به همین دلیل عرضه در بازار کمتر شده و قیمت بالا رفته است.

حاج فتحعلی در خصوص دلیل تعطیلی توزیع میوه گفت: به هر حال کارگران سردخانه‌ها در ایام عید تمایل دارند در کنار خانواده‌هایشان باشند و به این دلیل توزیع در طی چند روز گذشته متوقف شده بود اما از فردا توزیع دوباره میوه آغاز خواهد شد اما عامل سومی نیز برای دلیل افزایش قیمت میوه به ویژه مرکبات متصور است و آن فسادپذیری این میوه‌ها به دلیل آبدار بودن آن است. پیش از این کارشناسان هشدار داده بودند که به دلیل آبدار بودن مرکبات امسال که حتی وزن آنها در برخی موارد بیش از 1.3 کیلوگرم بود احتمال فساد آنها را بیشتر می‌کند.

آنها گفته بودند در یک ماه مانده به ایام عید مرکبات انبار شده در سردخانه‌ها بالاچار باید به بازار بیایند اما امکان نگهداری آن بعد از عید نخواهد بود و به همین دلیل قیمت مرکبات در چند روز مانده به عید پایین‌تر اما بعد از عید بالاتر خواهد رفت.

به هر حال سریال تکراری تعطیلی نظارت بر بازار همچنان ادامه دارد و به رغم اینکه در سال جاری از مزیت نسبی زیادی نسبت به سالهای گذشته در تولید میوه برخوردار هستیم تا جایی که واردات میوه برخلاف سال‌های گذشته وجود نداشت اما این حلاوت و شیرینی در غیاب نظارت بر قیمت‌ها و توزیع باز هم به کام مردم تلخ شد اما امیدواریم با آغاز به کار ادارات مأموران تعزیراتی و متولیات توزیع به فکر مردم باشند.

کشته شدن سه کارگر در حادثه ریزش ساختمان در شمال تهران

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 16 فروردین 92 آمده است ساعت 9:46 صبح جمعه ریزش یک ساختمان در حال تخریب در خیابان شریعتی بالاتر از میرداماد به سازمان آتش نشانی و اورژانس اطلاع داده شد. بلافاصله آتش نشانان ایستگاههای 89، 29 و 12 خود را به محل حادثه رساندند. در بررسیها مشخص شد کارگران در حال تخریب یک ساختمان سه طبقه قدیمی بودند که ناگهان آوار بر روی آنها ریخته و زیرخوارها خاک گرفتار شده بودند. امدادگران بلافاصله عملیات نجات را آغاز کرده و هر سه کارگر را از زیر خاک خارج کردند. پس از معاینه آنها از سوی عوامل اورژانس مرگ هر سه نفر آنان تأیید شد.

جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش نشانی شهر تهران در این رابطه به خبرنگار مهر گفت: 6 ماه قبل نیز در همین ساختمان آوار ریزش کرد و دو کارگر زیر آن گرفتار شدند که در آن حادثه خوشبختانه با امداد رسانی سریع آتش نشانان تلفات جانی نداشتیم. از آن زمان عملیات تخریب در این خانه متوقف شده بود که پس از شروع دوباره این حادثه تلخ رقم خورد. وی افزود: قربانیان دو ایرانی و یک افغانی بودند که میانگین سنی آنها 30 سال بود.

کارگران با اعتراضات حضوری میتوانند به مطالبات و خواسته‌هایشان دست یابند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 17 فروردین 92 آمده است: داوود رضوی از فعالان مستقل کارگری شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران با اعلام این مطلب گفت: علت پایین بودن دستمزدها عدم حضور نمایندگان واقعی کارگری در جلسات تعیین مزد است.

وی گفت: اعضای گروه کارگری شورای عالی کار از نظر نوع عملکرد بیشتر تابع گروه دولت و کارفرمایی هستند و با بدنه جامعه کارگری ارتباطی ندارند.

این کارگر بازنشسته ادامه داد: با این شرایط نمایندگان تشکلهای رسمی کارگری با صدور بیانیه، انجام مصاحبه، امضای طومار و یا طرح دعوای نمی‌توانند به نفع کارگران اقدامی انجام دهند.

رضوی گفت: دولت در غیاب نمایندگان واقعی جامعه کارگری، با افزایش دو نفر به اعضای خود آیین نامه برگزاری جلسات شورای عالی کار را به نفع خود تغییر داده و در نتیجه اکنون سه جانبه گرایی برای تعیین مزد عالانه نقض شده است.

این فعال مستقل کارگری ادامه داد: اگر اعضای گروه کارگری شورای عالی کار با بدنه کارگری در ارتباط بودند سه جانبه گرایی در شورای عالی کار نقض نمی شد و کارگران مزد واقعی دریافت می کردند.

وی با بیان اینکه کارگران نمی توانند با مزد تعیین شده گذران زندگی کنند، گفت: برای افزایش قدرت خرید کارگران هر اقدام اعتراضی قانونی بدون حضور مستقیم کارگران بی نتیجه است.

بهنام ابراهیم زاده :از نزدیک وهرروز با محك

برپایه گزارش رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 17 فروردین 92 آمده است : تعداد 400 کودک بهبود یافته و هشت هزار کودک قهرمانانه با سرطان مبارزه می کنند .شنبه اولین روز هفته بازهم برای بستری شدن نیما راهی بیمارستان فوق تخصصی محك در دارآباد تهران می شویم . آنجا بیمارستان کودکان سرطانی است جای که 900 کودک در آن بهبود یافته و هشت هزار کودک قهرمانانه با سرطان مبارزه می کنند.

سال گذشته کودک بهبود یافته محك در مسابقات پارالمپیک نودیک لندن به قهرمانی رسیدند ؛ نگاه کردن و دیدن کودکانی که ماهها است اسیر تخت بیمارستان و بیماری مهلکی شده اند قلب هر انسان کودک دوست را به درد و مجروح می کند چیزیکه همان لحظه اول توجه هر انسانی را در بیمارستان محك به خود جلب می کند. برخورد بسیار محترمانه و انسانی و نظم مسئولان و کارکنان این بیمارستان است که در کنار آن نقاشی ها و اسباب بازی های که برای کودکان بر روی دیوار این بیمارستان و در فضای بیمارستان فراهم کرده اند.

تا این کودکان شاد باشند از نقاشی های روی دیوار گرفته تا پخش موسیقی های شاد و برگزاری جشنها و جشن تولد برای بچه ها و هدیه دادن به این کودکان از کتاب داستان گرفته تا اسباب بازی و دهها مورد دیگر

باهمسر و فرزند نیمه برای بستری کردن نیمه به قسمت پذیرش می رویم در بخش پذیرش يك خانم جوان و خوش برخورد و مرد جوانی به نام شیخی حضور ما را می پذیرد با گرمی و مثل همیشه برای بستری شدن نیمه کارها و اقدامات لازم را انجام می دهد سریع و فشرده کار بستری نیمه صورت می گیرد سالن انتظار نزدیک اتاق پذیرش خیلی شلوغ است پراز کودک هريك از این کودکان به نوعی دچار این مریضی مهلك شده اند تعدادی از این کودکان حتی توانایی راه رفتن را هم ندارند یا در آغوش مامان باباها هستند یا روی چرخ ویلچر ؛ یکی از ناحیه گردن به این وضع دچار شده یکی از ناحیه چشم دیگری از قسمت دیگری بعضی ها تومور دارند خلاصه صحنه های دردناك و ناله های این کودکان قلب هر انسانی را به درد می آورد .درد مهلکی است و جانکاه خیلی سخت است عزیز ترین

کس و عشق و زندگی ات به این روز افتاده باشد بهر حال پذیرش انجام می گیرد به همراه نیمه و همسر برای دیدن دکتر عظیم مهرور پزشك نیمه آماده می شویم در این بیمارستان انضباط و نظم حرف اول را می زند یکی از کارکنان پرونده هارا در دست گرفته و یکی نام بیمارها را می خواند که به نزد دکتر بروند و مورد معاینه قرار گیرند نوبت ما می رسد به نزد دکتر مهرور می رویم از بس که نیمه مدتها ست در این بیمارستان بستری است همه نیمه را می شناسند از روزی که تنها برای نیم ساعت و تحت الحفظ با مامور از زندان مرا برای دیدن نیمه به بیمارستان آوردند مرا به نام بابای نیمه می شناسند با دست پرستارها و دیگر کارکنان اشاره می کنند که این بابای نیمه ابراهیم زاده است و زندانی سیاسی است همان کسی که چندی پیش با مامور برای دیدن نیمه به بیمارستان آوردنش میگویند او زندانی سیاسی است حالا دیگر بابای نیمه برای كل محك آشنا ست دکتر مهرور نیمه را مورد معاینه قرار می دهد با نیمه شوخی می کند و با مهر دکتري اش مهر به صورت و کله نیمه می زند این کار همیشه گید کتر مهرور است بعضی مواقع حتی در بخش ود رجال بستری به کله نیمه مهر می زند در مورد وضعیت نیمه و خارج رفتن نیمه صحبت می کنم دکتر با کمال احترام جواب سوالهای مرا می دهد می گوید پروتکل این جا جها نی است تجهیزات پزشکی ما عالی است نگران نباش بعد از اینکه معاینات نیمه تمام می شود به بخش شیمی درمانی که این بخش نیز در انکولوژی يك طبقه چهارم قرار دارد می رویم نیمه باید اول رگ گیری شود به اتاق رگ گیری مراجعه می کنیم داد و بیداد کودکانی که در حال رگ گیری هستند توجه ات را جلب می کند قبل ازما دختر

کوپلوی در اتاق رگ گیری است بهیارها می خواهند روی دست این دختر رگ گیری کنند اما بد جوری دادو بیداد می کند چرا که دختر کوپلو چاق و تپل است و پیدا کردن رگ روی دست این دختر کار مشکلی است بهر حال به سختی رگ را پیدا می کنند مادری در نزدیکی ما کودک خردسالش بروی تخت دراز کشیده است. کودک خردسالش را نگاه می کند و آرام آرام اشک می ریزد این ما در به روزهای که کودکش سالم و سرحال بود فکر می کند یک پدر در آنطرف سالن می بینم که دستانش را بروی چشمهایش قرار داده و حق و حق گریه می کند قلبم بیشتر مجروح می شود جرات این را ندارم نزدیک شوم و بپرسم چي شده میدانم عزیزترین عزیزش حتما در این جا در بستر بیماری است. حتی می ترسم بهش فکر کنم این تصاویر و این وضعیت هرروزه در برابر من ظهور می کند خنده و شادی در بین این کودکان و همراهان این کودکان معنی ندارد. همه به شدت نگران وضعیت فرزندان خود هستند نیما برای رگ گیری به اتاق رگ گیری انتقال داده می شود نیما با این پرستارها و همیارها بسیار راحت است و شوخی دارد رگ گیری نیما هم برای بهیارها و پرستارها امروز سخت است از بس که روی دست نیما رگ گیری شده است جای برای رگ گیری پیدا کردن سخت است بهرحال کار رگ گیری تمام می شود و نیما برای وصل کردن سرم و بستری شدن آماده می شود سرم به دستان نحیف و نازک نیما وصل می شود به اتاق بستری میرویم نیما با شوخی های همیشگی اش سعی می کند غم و غصه را از چهره ما بزداید یاد روزهای اول را بیاد می آورم که نیما می گفت اگر گریه کنی به بیمارستان نیا ؛ تحمل این وضعیت واقعا برای من و همسرم سخت است نیماي تنها فرزندم بیش از سه ماه است در بیمارستان محک در بستر بیماری است من با تمام وجودم برای نجات نیماي عزیز تلاش می کنم نیما را باید نجات دهم من به کمک شما دوستان و رفقا و مردم انسان دوست و آزادیخواه احتیاج دارم مرا در دایره حمایتهاي خود قرا ردهید. ما به بودن شما در کنارمان آرامش میگیریم و همصدا با شما همچنان صدای کودکان و کارگران و زنان خواهیم بود.

بهنام ابراهیم زاده 17 فروردین 92 تهران-بیمارستان محک

تداوم اعتراض به ادامه بازداشت فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی

بر پایه گزارش رسیده آمده است: در تاریخ 17 فروردین خانواده و جمعی دیگر از کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای پیگیری وضعیت پرونده بازداشت شدگان اعضای کمیته هماهنگی مقابل دادگستری شهر سمنان تجمع نمودند.

در همین راستا تنی چند از اعضای خانواده های بازداشتی توانستند با معاون دادستان و نیز بازپرس پرونده دیدار داشته باشند، در این ملاقات ها به خانواده ها ابلاغ گردید که پرونده آنها هنوز به دادگاه نیامده است و جواب قانع کننده ای در رابطه با وضعیت پرونده فعالین بازداشتی به خانواده ها داده نشد.

لازم به ذکر است که خانواده های فعالین بازداشتی اعلام کرده اند فردا 18 فروردین بار دیگر برای پیگیری وضعیت پرونده عزیزان شان به دادگستری مراجعه می کنند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-17 فروردین 1392

وزیر صنعت و تجارت: درآمد ارزی کشور در سال گذشته نصف شد

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 17 فروردین 92 آمده است: وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: سال گذشته در کنار همه مشکلات دو مسئله جدی (مدیریت جریان پولی و ارزی) در حوزه تولید وجود داشت، مدیریت جریان ریالی به سمت تولید می توانست بهتر انجام شود.

به گزارش تابناک، مهدی غضنفری، سال گذشته را "سالی سخت" توصیف کرده و گفته است از مجموع 100 میلیارد دلار ارز نفتی که باید سال 91 وارد اقتصاد کشور می شد نیمی از آن یعنی 50 میلیارد دلار محقق شد. سال گذشته کشور از حالت اتکا به نفت خارج شد و هم اکنون نیمه نفتی است که بایک حرکت جدید در سال 92 باید اقتصاد را کاملا از نفت رها کرد.

غضنفری با بیان این که واحدهای تولیدی درخواست سرمایه در گردش ریالی می کنند، گفت: آنها می گویند در قبال تسهیلات منابع ریالی خود را تامین می کنند تا تولید چرخش خود را داشته باشد؛ بنابراین اگر منابع بیشتری در اختیار آنها قرار دهیم چنین توانی را به طور حتم خواهند داشت.

وزیر صنعت، معدن و تجارت از سال 91 به عنوان سالی سخت در حوزه اقتصاد نام برد و گفت: البته در این سال ماموریت‌های بزرگی برعهده ما بود. شاید مهمترین شاخصه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد غلبه بر موج بحران‌ها، مشکلات و استفاده از برخی از فرصت‌های درون آن است. غضنفری ادامه داد: سال 91 را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. در شش ماه اول تحریم‌ها با تغییراتی که دشمنان جمهوری اسلامی ایران در فروش نفت کشورمان ایجاد کردند و محدودیت‌های ناشی از جابجایی ارز موجب شد که مجموعه‌ای از تدابیر پیش‌بینی شود تا بتوان اقتصاد کشور را با این فشارها تطبیق کرد. اما در نیمه دوم بتدریج تدابیر به کار گرفته شد و آثار مثبت آن در اقتصاد کشور به عینه مشاهده شد. به این دلیل تنظیم بازار هم از این مقوله مستثنی نبود.

3.3 میلیارد دلار میانگین ماهانه درآمد صادرات غیرنفتی

وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: نگاهی به آمار در می‌یابیم که میزان صادرات غیرنفتی در سال 91، ماهانه به طور میانگین 3.3 میلیارد دلار بوده و در مقابل میزان واردات هر ماه 4.6 میلیارد دلار برآورد شده که هر ماه 1.3 میلیارد دلار کمبود ارز را نشان می‌دهد. برای این رقم که در مجموع 16 میلیارد دلار است از ارز بانک مرکزی و نفت استفاده می‌شد. وی افزود: در مدت شش ماه در سال 91 حدود 25 میلیارد دلار ارز صادرکنندگان غیرنفتی در حوزه واردات کالاهای مورد نیاز کشور هزینه شد.

افزایش 11 درصدی ذخایر کالاهای اساسی در اسفندماه 91

وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: میزان ذخایر کالای اساسی در اسفند ماه 91 نسبت به مدت مشابه یک سال قبل از آن رشد 11 درصدی داشته است. وی درباره وضعیت ذخیره‌سازی در سال قبل توضیح داد: پیش‌بینی می‌شد سال 91 سال سختی باشد. به همین دلیل همان موقع مصوبه‌ای از دولت درخواست کردیم که به ما اجازه دهند با ذخیره‌سازی کالاهای اساسی از وارد شدن فشار بیشتر به مردم جلوگیری کنیم. خوشبختانه با پیشنهاد ما موافقت شد و بودجه خوبی در اختیار ما قرار گرفت. وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان این‌که مصوبه دولت وضعیت ذخایر استراتژیک و کالاهای اساسی را بهبود داد، گفت: شرکت‌های بازرگانی دولتی 10 میلیون تن و پشتیبانی امور دام 8 میلیون تن کالا به کمک بخش خصوصی وارد کشور کردند. واردات این میزان کالا به کشور تاکنون سابقه نداشته است.

غضنفری گفت: شرکت بازرگانی دولتی پنج میلیارد یورو را صرف واردات کالاهای اساسی و استراتژیکی چون گندم، برنج روغن و شکر کرد و نهاده‌های دامی و کنجاله سویا توسط شرکت پشتیبانی دام وارد کشور شد. وی گفت: ارز رسانی به کالاهای استراتژیک در شرایط خاصی از کشور با مشکلات بسیاری مواجه بود و به دلیل مشکلات ناشی از تامین نهاده‌های دام و طیور در بهار سال 91 به شدت نیازمند واردات مرغ بودیم. غضنفری ذخیره‌سازی 100 هزار تن مرغ را امری بی‌سابقه دانست و افزود: 80 هزارتن از این میزان از محل تولید داخل تامین شد.

تامین میوه موردنیاز از محل تولیدات داخل

وی درباره وضعیت میوه و مرکبات در سال گذشته نیز عنوان کرد: مناسب بودن ذخایر از سویی و وضعیت نامناسب ارزی موجب شد تا به طور کامل واردات میوه قطع شود و به تولید داخل اکتفا کنیم.

وزیر صنعت، معدن و تجارت اظهار کرد: بالا رفتن نرخ ارز از 1000 تومان به 3000 تومان باعث شد تا آثار این افزایش به تدریج در بازار کالا پدیدار شود نوعی گرانی و گرانیفروشی در بازار به وجود آمد و مسوولیت تنظیم بازار را با توجه به پدیده گرانی و گرانیفروشی برای این وزارتخانه سخت کرد. بنابراین ضمن تلاش برای تامین بازار بر بازرسی و نظارت‌ها تشدید شد. انجام بیش از 6.7 میلیون فقره بازرسی از صنوف و واحدهای خدماتی، تشکیل 454 هزار پرونده تخلف با 840 میلیارد تومان جریمه فعالیت‌های صورت گرفته درحوزه بازرسی و کنترل در سال گذشته است که غضنفری به آن اشاره کرد

مرگ کارگرمقنی در عمق ۱۵ متری چاه بر اثر برق‌گرفتگی

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 17 فروردین 92 آمده است :
کارگری ۳۰ ساله در عمق ۱۵ متری چاه بر اثر برق گرفتگی جان باخت.
بنابراین گزارش،، این حادثه ظهر دیروز در خیابان دروس، خیابان هدایت تهران رخ داد و طبق بررسی‌های اولیه نیروهای امدادی مشخص شد کارگری در محل گودبرداری یک خانه کارگری در حال حفر چاه بوده که همکارانش به دلیل اینکه او فعالیت خود را ناگهانی قطع کرده بود به موضوع مشکوک شده و به سازمان آتش نشانی اطلاع داده بودند.
بنا بر گزارش‌های دریافتی، آتش نشانان با ایمن سازی محل، کارگر ۳۰ ساله را از چاه خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند که آن‌ها مرگ او بر اثر برق گرفتگی را تأیید کردند.
سخت‌نگوی سازمان آتش نشانی پس از وقوع این حادثه به پیمانکاران هشدار داد: هنگام حفر چاه از مقنی‌های حرفه‌ای استفاده کرده و اجازه ندهند آن‌ها با تجهیزات نایمن وارد چاه شوند زیرا خاک نم دار بوده و احتمال برق گرفتگی وجود دارد. همچنین هنگام استفاده از تجهیزات روشنایی نیز از وسایل ایمن و تجهیزات استاندارد استفاده کنند.

درباره مبارزه طبقاتی کارگران ایران

رضا شهبابی

به نوشته سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی مقاله ای به قلم رضا شهبابی آمده است :

بیش از صد سال است که بزرگ‌ترین جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان، جنبش‌های کارگری هستند و نیز در دوره‌های مختلفی، بزرگ‌ترین و قدرتمندترین احزاب سیاسی هم احزاب کارگری بوده‌اند. پس چرا طبقه‌ی کارگر هنوز که هنوز است، نتوانسته در هیچ کشوری...

با سلام و عرض ادب به دوستان و هم‌طبقه‌ای‌های عزیز
این یادداشت کوتاه، توضیح بخشی از نظرات بنده و جمع‌بندی تجربیاتی‌ست که در سال‌های فعالیت خود در سندیکای کارگران شرکت واحد و جنبش کارگری ایران به آن‌ها رسیده‌ام. سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان تشکلی مستقل که بنده فعالیت کارگری خود را در آن آغاز کرده و هم‌اکنون نیز ادامه می‌دهم، تشکلی برآمده از متن بخشی از کارگران ایران است که در این سال‌ها ثابت کرده چه توانایی‌های فراوان و چه دست‌آوردهایی داشته و می‌تواند با تمامی نقاط ضعفش و نیز سنگ‌اندازی‌ها و سرکوب‌ها، به عنوان الگو و سرمشقی برای کارگران ایران به حساب آید.
جنبش کارگری در سال‌های اخیر تجربه‌های مختلفی را از سر گذرانده، شکست‌ها و موفقیت‌های مختلفی داشته و پخته‌تر و آگاه‌تر از قبل شده است. اما جنبش کارگری از ابتدای پیدایش‌اش تا به امروز، با خطرات و کژراهه‌های بسیاری روبه‌رو بوده است که عدم آگاهی نسبت به این خطرات هزینه‌های گزاف و تلخی را به همراه داشته است و موجب شده تا فداکاری‌ها و مبارزات فعالین این جنبش نتواند منجر به پیروزی و دستیابی به خواسته‌هایش شود. کارگران آگاه و پیش‌رو وظیفه دارند این خطرات را بشناسند و پیش از آن‌که دیر شود، نسبت به آن‌ها هشدار دهند و نگذارند جنبش کارگری به انحراف کشیده شود .

هم‌چنین شایسته است، با توجه نزدیکی 1 می، روز جهانی کارگر، ضمن تبریک آن به تمامی کارگران، متذکر شد که امید است این روز با شکوه هر چه تمام‌تر جشن گرفته شود و خواسته‌ها و مطالبات کارگران و اقشار زحمت‌کش در این روز هر چه رساتر، بیان شود و موجب اتحاد و هم‌بستگی هر چه بیشتر آحاد طبقه‌ی کارگر گردد.

درباره مبارزه طبقاتی کارگران ایران

بیش از صد سال است که بزرگ‌ترین جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان، جنبش‌های کارگری هستند و نیز در دوره‌های مختلفی، بزرگ‌ترین و قدرتمندترین احزاب سیاسی هم احزاب کارگری بوده‌اند. پس چرا طبقه‌ی کارگر هنوز که هنوز است، نتوانسته در هیچ کشوری دموکراسی واقعی کارگری را برقرار کند؟ چرا مواضع طبقه‌ی بورژوا و سرمایه‌داران روز به روز قدرتمندتر شده، در

حالی که کارگران پی‌درپی گرفتار شکست شده‌اند و هرگاه هم که توانستند سنگری را فتح کنند، پس از مدت کوتاهی آن را از دست داده‌اند؟ چرا کارگران به جز در انقلاب سال 1917 روسیه هرگز نتوانسته‌اند دولتی کارگری تشکیل دهند و دولت شورایی روسیه هم پس از چند سال شکست خورد و به بی‌راهه کشیده شد؟

بگذارید نگاهی به تحولات چند سال گذشته کنیم. در انقلاب مصر، «مبارک» تنها بعد از ورود طبقه کارگر به اعتصابات از قدرت کنار کشید، یعنی درست یک هفته بعد از شروع اعتصابات عمومی کارگران مصر. در تونس هم یکی از نیروهای اصلی انقلاب علیه رژیم «بن علی»، «اتحادیه عمومی کارگران تونس» بود و همین فدراسیون یکی از عوامل اصلی سقوط «بن علی» بود. اگر می‌بینید که در لیبی و سوریه کار به درگیری و ویرانی جامعه کشید از جمله به این علت بود که در این کشورها طبقه کارگر منسجم وارد صحنه نشد و در نبود یک آلترناتیو با منشأ داخلی، مسیر تحولات با اراده‌ی سرمایه‌داری جهانی و بر خلاف منافع مردم این کشورها تعیین گردید. هم اکنون در سوریه شاهد آن هستیم که از یک طرف دولت سوریه و از طرف دیگر جریانات سلفی و ارتش آزاد سوریه و ... با حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی کشورهای غربی و رژیم‌های دیکتاتوری ترکیه، قطر، عربستان و ... در یک روند فاجعه‌آمیز دست به نابودی جامعه زده‌اند.

رژیم جدید در مصر، تحت حکومت «اخوان المسلمین» حاضر نشد کوچک‌ترین خواسته‌های طبقه کارگر را برآورده کند. اخوان المسلمین از همان فردای سقوط «حسنی مبارک» با ارتش به توافق رسید که اعتصابات کارگران را سرکوب کنند و نگذارند کارگران وارد خیابان‌ها شوند. از همان فردای انقلاب مصر، فعالین کارگری و مترقی اجتماعی واقعی در مصر گرفتار پیرونده‌سازی‌ها و فشارهای یک مثلث شوم شدند: عناصر بازمانده از رژیم سابق، ارتش و نگرش‌ها و نیروهای سیاسی-مذهبی. خواسته‌ی اصلی جنبش کارگری در مصر لغو خصوصی‌سازی‌ها و دولتی کردن صنایع بزرگ بود؛ آن‌ها همچنین خواستار آزادی تشکلهای کارگری بودند. اما رژیم جدید نه تنها به هیچ یک از خواسته‌های عامل واقعی انقلاب، یعنی طبقه کارگر اهمیتی نداد، بل که تمام هم و غمش را صرف حمایت از سرمایه‌داران کرد. در تونس هم اوضاع بهتر از این نبود. رژیم جدید به رهبری حزب «النهضة» حتی حاضر نشد اعتراضی به بدهی‌های بازمانده از رژیم سابق کند. بدهی‌هایی که به اسم توده‌ی مردم و کارگران از کشورهای غربی گرفته شده بود اما به جیب خانواده و نزدیکان «بن علی» رفته بود (مثلاً خاندان طرابلسی). در تونس هم کوچک‌ترین خواسته‌های کارگران پاسخی جز بی‌اعتنایی و سپس سرکوب نداشت و حتا در یک اقدام جنایت‌کارانه، «شکری بلعید» را که از رهبران مترقی و از فعالین مدافع حقوق و مطالبات کارگران بود را ترور کردند.

چه در مورد مصر و چه در مورد تونس، کارگران مهم‌ترین نیروی انقلاب بودند، اما از همان فردای انقلاب قشر جدیدی از احزاب بورژوا قدرت را به دست گرفتند و کارگران را قربانی کردند. اوضاع بهتر که نشد هیچ، بدتر هم شد.

اصلاً در انقلاب 1357، نیروی اصلی که رژیم پهلوی را از پای درآورد و به قرن‌ها حکومت سلطنتی در ایران پایان داد، کارگران بودند. این واقعیت به قدری محرز و مسلم است که حتا تاریخ‌نویسان بورژوا نیز ناچار به تصدیق آن شده‌اند. اما فردای انقلاب چه شد؟ با شعار مستضعف‌پروری، سرکوب‌های شدید علیه آگاه‌ترین قشر کارگران صورت گرفت. «بازرگان»، رئیس دولت موقت در بحبوحه‌ی اعتصابات کارگری به تلویزیون آمد و اعلام کرد که اعتصاب کارگری یعنی همکاری با ضد انقلاب، یعنی خراب‌کاری و لذا باید مورد مجازات قرار گیرند. اعتصاب‌های کارگری سرکوب شدند. بخشی از کارگرانی که کارخانه‌ها را اشغال کرده بودند و شورای کارگری تشکیل داده بودند به شیوه‌های مختلف مورد سرکوب قرار گرفتند. نیروهای ضد کارگری و همراهان با منافع سرمایه‌داران، با نیروی مسلح به محله‌های فقیرنشین و محله‌های کار که در آن‌ها شورا تشکیل شده بود حمله کردند، به زاغه‌نشینان مستضعف یورش بردند؛ در نظام آباد، در دولت آباد، در خاک سفید و غیره. دهه‌ی 60، دهه‌ی تثبیت سرمایه‌داری، عبارت بود از دهه‌ی تعطیلی و سرکوب سندیکاها و تشکلهای شوراهای کارگری، دهه‌ی اخراج کارگران پیش‌رو و دهه‌ی تصفیه‌ی فیزیکی با شهامت‌ترین، رزمنده‌ترین و صادق‌ترین فعالین اجتماعی و نیز دهه‌ی هفتاد مصادف بود با انباشت سریع سرمایه در ایران و خصوصی‌سازی‌های بی‌امان، روال و قانونی شدن قراردادهای سفید امضا و موقت و پایین نگه‌داشتن دست‌مزدهای کارگران.

کارگران ایران باید همه‌ی این تجربیات را به دقت مطالعه و بررسی کنند. باید از همه‌ی این تجربیات زنده و تاریخی درس بگیرند. کارگران ایران باید شکست‌های برادران و خواهران خود و هم طبقه‌ای‌های‌شان را در کشورهای دیگر و در خود ایران بررسی کنند و از آن‌ها یلی برای پیروزی بسازند. چرا تاکنون (به جز چند سالی در روسیه و چند ماهی در پاریس) هیچ یک از دولت‌ها و

حکومت‌ها در اختیار کامل کارگران نبوده است؟ مگر فقط سرمایه‌داران لیاقت حکومت کردن دارند؟ اصلاً مگر این‌ها واقعاً لیاقت حکومت کردن عادلانه و آزادانه را دارند؟ کارگران ایران باید بدانند که اگر با هم متحد شوند، اگر متشکل و آگاه گردند، صدها مرتبه خوش‌فکتر از سرمایه‌داران؛ هزاران مرتبه با اخلاق‌تر و باتدبیرتر و عادل‌ترند. تاریخ نشان داده که هیچ طبقه‌ای به جز طبقه کارگر ظرفیت و توانایی اداره‌ی عادلانه‌ی اقتصاد و جامعه و ایجاد دموکراسی اقتصادی و سیاسی و حکومت مبتنی بر آزادی و برابری را ندارد. چرا که دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی معنایی ندارد و آزادی بدون برابری نیز تنها به معنای آزادی سرمایه‌داران خواهد بود و تنها این طبقه کارگر است که به دلیل نوع زیست‌اش و جایگاه‌اش در نظام تولیدی، قادر به تحقق چنین وضعیتی است. کارگران باید به نیروی خود ایمان بی‌آورند. باید تمام انرژی‌شان را صرف آگاه شدن و آگاه کردن کارگران دیگر کنند. کارگران باید اقتصاد و سیاست را به خوبی بشناسند و خود را برای ساختن جامعه‌ای جدید آماده کنند. تاریخ جهانی مبارزه‌ی طبقاتی، و فعالین پیشرو، به کارگران یاد داده‌اند که مهم‌ترین مسئله برای کارگران حفظ استقلال‌شان از طبقه بورژوا و احزابش است. احزاب بورژوا یکی و دو تا نیستند، هزار چهره دارند. یکی اسلامی است؛ یکی ناسیونالیستی است؛ یکی لیبرال است؛ حتی یکی ممکن است خود را سوسیالیست بنامد. همه‌ی این احزاب خود را دوست کارگران معرفی می‌کنند و کلمه‌ی «کارگر» ورد زبان‌شان است، اما در عمل در خدمت سرمایه‌داران‌اند. زیر قبای مخملی سبز و غیر سبزشان و لبخند مهربان‌شان خنجر پنهان کرده‌اند. تاریخ جهانی مبارزه‌ی طبقاتی به ما یاد داده است که باید در تأسیس تشکلهای واقعی و مستقل کارگری، تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر، بکوشیم، اما نباید به این اکتفا کنیم؛ بل که باید در جهت منافع کلان طبقاتی تلاش کنیم و قدرت بگیریم تا بتوانیم جامعه‌ای انسانی و عاری از بهره‌کشی انسان از انسان بسازیم. تاریخ جهانی مبارزه‌ی طبقاتی به ما یاد داده است که سیاست برای کارگران عرصه‌ی بازی نیست، بل که میدان جنگ طبقاتی با بورژوازی است. در این جنگ تمام دولت، ارتش، اکثر احزاب و سازمان‌ها به نفع بورژوازی می‌جنگند. اما طبقه کارگر قدرت غلبه بر همه‌ی آن‌ها را دارد؛ چرا که بزرگ‌ترین طبقه است، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهد و مهم‌تر این‌که چرخ‌های اقتصاد در دست کارگران است و جز زنجیرهای‌شان چیزی برای از دست دادن ندارند. کارگران آگاه و پیشرو باید با صبر و حوصله، با زیرکی و جسارت در راستای هر چه گسترده‌تر شدن جنبش کارگران گام بردارند. بزرگ‌ترین درسی که ما کارگران باید آموخته و فراراه خویش قرار دهیم، همین «حفظ استقلال طبقاتی» است. این شعار با این‌که به نظر ساده می‌رسد اما اگر در آن مذاقه کنیم، هزاران صفحه درس و نکته در آن نهفته است. من سعی می‌کنم در این‌جا خیلی مختصر، جنبه‌هایی از این شعار استقلال طبقاتی را در رابطه با شرایط امروز ایران، تا آن‌جا که به نظرم می‌رسد توضیح دهم. استقلال طبقاتی کارگران جنبه‌های مختلف و در عین حال به هم تنیده‌ای دارد که بدون تقدم و تأخر به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌کنم:

1- استقلال تشکیلاتی

کارگران باید تشکلهای مستقل خود را در محیط‌ها و حوزه‌های کاری، و از به هم پیوستن آن‌ها، تشکلهای سراسری‌شان را ایجاد کنند. اما مستقل از چه چیزی؟ مستقل از دولت ملی و دولت‌های خارجی، مستقل از سرمایه‌داران و نهادهای داخلی و خارجی آن‌ها. ما تا کنون شاهد ایجاد انواع تشکلهای مستقل کارگری، از جمله سندیکا یا شورا (در هنگامه‌ی انقلاب 57) بوده‌ایم. سندیکا یا شورا، در هر صورت، تشکلی کارگری باید مستقل باشد. بورژوازی، سرمایه‌داران و نمایندگان‌شان نمی‌خواهند کارگران تشکلی خودشان را داشته باشند. برای لیبرال‌ها، محافظه‌کاران و راست‌ها، چه مذهبی باشند و چه غیر مذهبی، چه ایرانی باشند و چه غیر ایرانی، هیچ چیز ترسناک‌تر و ناخوشایندتر از تشکلی مستقل کارگری، و همچنین احزاب کارگری ضد سرمایه‌داری نیست. بنابراین به کارگران می‌گویند شما وارد حزب و تشکیلات و جبهه‌ی ما شوید، ما خودمان خواسته‌های شما را هم برآورده می‌کنیم. اما این‌ها دروغی بیش نیست. آن‌ها هرگز در طول تاریخ به این وعده و وعیدهای‌شان عمل نکرده‌اند. کارگران باید خودشان تشکیلات خودشان را بسازند، با تمام وجود از آن محافظت کنند و آن را پرورش دهند. بنابراین کارگران باید احزاب و تشکیلات بورژوایی را بشناسند و از پیروی از آن‌ها اجتناب کنند. احزاب و تشکیلات بورژوازی هزار چهره دارند. مثلاً خانه‌ی کارگری تشکیلات اقتصادی بورژوایی و حکومتی است. اسمش کارگری است، شعارهای کارگری هم گاهی می‌دهد، اما وقتی به عمل‌کردش نگاه می‌کنید، می‌بینید مخالف رشد و قدرت‌گیری کارگران است. می‌خواهند کارگران پیاده‌نظام و سرباز حزب و دولت مطبوع آن‌ها باشند. تمام ترس‌شان از این است که طبقه کارگر بخواهد رهبر خودش باشد. بخواهد خودش برای خودش تصمیم‌گیری کند و برای تحقق منافع مشخص خودش مبارزه کند. کارگران نباید فریب

این‌ها را بخورند. باید تشکّل کارگری و حزب خودشان را تأسیس کنند؛ باید باور کنند که اگر با هم متحد و متشکل شوند، اگر عقل و درایت و قدرتشان را روی هم بریزند، تمام این تشکّل‌ها در برابر تشکیلات کارگری مثل کاه در برابر کوه خواهند بود؛ می‌توانند به قول شاعر «فلك را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند.»

استقلال تشکیلاتی در عرصه بین‌المللی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. تشکّل‌های کارگری نیاز دارند و اساساً یک وظیفه حیاتی است، که با هم‌طبقه‌ای‌های خود در کشورهای مختلف جهان ارتباط برقرار کنند، از مبارزات یکدیگر حمایت کنند، هم‌بستگی بین‌المللی کارگری را تقویت کنند، و همچنین در صورت لزوم در مجامع بین‌المللی مربوط، به عنوان نمایندگان واقعی کارگران شرکت نمایند. اما در عین حال باید توجه داشته باشیم که در سطح بین‌المللی ممکن است تفاوت‌هایی اساسی پیرامون نحوه سازمان‌یابی و افق مبارزاتی وجود داشته باشد. ارتباط، گفت‌وگو و همکاری در سطح بین‌المللی با دیگر تشکّل‌های کارگری نباید به تضعیف استقلال تشکیلاتی و سیاسی یک تشکّل مستقل کارگری و تقویت سیاست‌ها و یراتیک‌های بوروکراتیک و رفرمیستی که در بخش عمده‌ای از جهان حاکم است، بی‌انجامد. جنبش کارگری در ایران باید از درایت‌های لازمه در این خصوص برخوردار گردد که در نسبت با گذشته، هر چه بیشتر جهانی‌تر عمل نماید و در عین استقلال، نقد ضدسرمایه‌داری را در عرصه جهانی تقویت نماید.

2- استقلال مالی

یکی از بزرگ‌ترین خطرهای که در کنار نفوذ سیاسی و تشکیلاتی در کمین تشکّل‌ها و فعالین کارگری است، خطر نفوذ مالی بورژوازی، به اشکال گوناگون در این تشکّل‌هاست. این بورژوازی چندین و چند چهره دارد؛ ممکن است خود دولت باشد، ممکن است سرمایه‌داران یا تشکّل‌های سرمایه‌داران باشند، ممکن است احزاب باشند و حتی ممکن است برخی از سازمان‌های جهانی باشند که خود را طرفدار به اصطلاح حقوق بشر یا کارگر معرفی می‌کنند، اما در واقع می‌خواهند با توسل به پول و کمک‌های مالی، تشکّل‌های کارگری را کنترل کنند و تحت نفوذ خود قرار دهند. نتیجه این‌که، کارگران باید بکوشند که هر طور شده هزینه‌های مالی تشکّل‌هایشان را خودشان تأمین کنند، این سنتیست که سال‌هاست در همه کشورهای در جریان بوده است. درست است که کارگران به خاطر درآمد پایین‌شان نمی‌توانند به صورت شخصی کمک زیادی به تشکّل‌هایشان کنند، اما چون تعدادشان خیلی زیاد است و چون بر خلاف احزاب و تشکّل‌های بورژوایی، ریخت و پاش و ول‌خرجی و دزدی ندارند، می‌توانند با اتکا به درآمد خودشان، به استقلال مالی برسند. مثلاً فرض کنید یک تشکّل کارگری 8000 عضو داشته باشد، اگر هر عضو این تشکّل ماهیانه حق عضویتی برابر با 1500 تومان بپردازد، درآمد ماهیانه‌ی تشکّل برابر خواهد بود با 12 میلیون تومان! تعاونی‌های کارگری، صندوق‌های اعتصاب کارگری و صندوق‌های هم‌بستگی کارگری به خصوص در حمایت از کارگران زندانی و اخراجی، از جمله اشکال دیگری است که کارگران می‌توانند بر نیروی طبقه خود به طور شفاف و مطمئن تکیه کنند.

3- استقلال رسانه‌ای

یکی دیگر از بزرگ‌ترین خطرهای در کمین جنبش کارگری، رسانه‌های بورژوایی، اعم از داخلی یا بین‌المللی هستند. تمام بودجه و هزینه‌های این رسانه‌ها توسط دولت‌های مختلف و سازمان‌های اطلاعاتی یا دولت‌های پر قدرت از جمله آمریکا و انگلیس، فرانسه، آلمان و اسرائیل و دیگر سرمایه‌داران بزرگ تأمین می‌شود. اولین سؤال یک کارگر آگاه باید این باشد: چرا دولت‌ها و سرمایه‌دارانی که دستشان به خون هزاران کارگر و مردم بی‌گناه، از زن و مرد و کودک و پیر آلوده است، هزینه‌های کلانی را صرف تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیویی می‌کنند؟ هدفشان چیست؟ چرا به جای آن‌که پولشان را مستقیماً سرمایه‌گذاری کنند و سودش را به جیب بزنند، هزینه‌های بسیاری را صرف پخش برنامه برای مردم و کارگران می‌کنند؟ این رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی ادعا می‌کنند که هدفشان فقط آگاه کردن مردم است. آیا واقعاً چنین است؟ آیا سرمایه‌داران و دولت‌های جنایت‌کار حالا خیرخواه مردم شده‌اند و می‌خواهند آن‌ها را آگاه کنند؟ پاسخ، به نظر من منفی است. هدف این شبکه‌ها درست برعکس است، جلوگیری از آگاه شدن کارگران، شست‌وشوی مغزی مردم و کارگران. در جریان انقلاب‌های مصر و تونس هیچ‌کدام از این شبکه‌ها اسمی از بزرگ‌ترین نیروی مخالف، یعنی کارگران نبردند. در حالی‌که شب و روز درباره‌ی انقلاب‌های مصر و تونس، برنامه‌های خبری و گزارش و مصاحبه پخش می‌کردند، هیچ‌کدام از این ماهواره‌ها و رادیوها اسمی از «اتحادیه‌ی عمومی کارگران تونس» نبردند؛ هیچ‌کدام اسمی از اعتصابات وسیع و مؤثر کارگری در مصر و سرکوب آنها توسط ارتش مصر نبردند. همه فقط می‌گفتند

که این‌ها انقلاب جوانان است، اینها انقلاب فیس‌بوکی است. می‌گفتند ارتش مصر دوست مردم است. دائماً عکس سربازان مصری را پخش می‌کردند که در میدان «التحریر» قاهره به مردم لب‌خند می‌زدند. اما هیچ تصویر و فیلمی از سرکوب اعتصابات کارگری توسط همین ارتش نشان نمی‌دادند و نمی‌دهند، هیچ کدام از این رسانه‌ها نمی‌گفتند که شروع انقلاب‌های منطقه، خودسوزی «محمد بو عزیزی» جوان تونسی، در اعتراض به وضع بی‌کاری و فقر بود. آن‌ها نمی‌گفتند و نمی‌گویند که مردم علاوه بر آزادی، خواستار عدالت و رفاه نیز بوده و هستند؛ خواستار افزایش حداقل دست‌مزدها؛ خواهان تضمین اشتغال مناسب و آبرومند، خواستار داشتن تشکلهای مستقل کارگری و خواستار اجتماعی کردن صنایع بزرگ هستند. تنها چیزی که مدام تکرار می‌کردند، این بود: انقلاب مردم علیه دیکتاتور، انقلاب مردم برای آزادی. تا آن‌جا که می‌شد هیچ صحبتی از عدالت و کارگر و تشکل کارگری نمی‌کردند. چرا که می‌ترسیدند کارگران با هم متحد شوند و قدرت بگیرند. می‌ترسیدند کارگران دیگر کشورها از خواهران و برادران کارگیشان در مصر و تونس الگو بگیرند. بنابراین حقیقت را پنهان می‌کردند. به قول ناپلئون: «گفتن نیمی از حقیقت، بزرگ‌ترین دروغ است.» یک کارگر آگاه می‌پرسد: چرا در رسانه‌های غربی هر وقت می‌خواهند درباره‌ی یک موضوع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مصاحبه کنند، در 99% موارد با محققان و استادان لیبرال و راست مصاحبه می‌کنند؟ این همه استاد و متخصص مترقی و پیش‌رو در ایران و جهان هست، که در تحلیل‌هایشان منافع طبقه‌ی کارگر را در نظر می‌گیرند. چرا با آن‌ها مصاحبه نمی‌کنند؟ اگر هم هر از گاهی چنین کاری می‌کنند، برای تظاهر به بی‌طرفی است. اگر در شب هدفمندی‌پارانه‌ها با دکتر رئیس‌دانا مصاحبه کردند، به این دلیل بود که اقتصاددانان نئولیبرال هیچ مشکلی با خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها و سپردن سرنوشت فرودستان جامعه به دستان نامرئی بازار، نداشته و تنها به طریقه‌ی اجرا و عامل اجرای آن اعتراض دارند. خصوصی‌سازی، برنامه‌ی سرمایه‌داری جهانی و بالطبع ایران از زمان شاه، بود و جزء برنامه‌های کلان و خواسته‌های اساسی آنان است. پس اقتصاددانان نئولیبرال نمی‌توانستند با آن خط‌کشی اساسی داشته باشند. انتقاد آن‌ها تنها این بود که خودشان، بهتر از دولت محمود احمدی‌نژاد می‌توانند سیاستهای تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول را به اجرا در آورند.

چرا این رسانه‌ها، برنامه‌ای در مورد کارگران پخش نمی‌کنند و وقتی هم پخش می‌کنند، کارگر را تنها به عنوان موجودی بدبخت و بی‌نوا معرفی می‌کنند که باید برایش دل سوزاند، نه به عنوان تنها طبقه‌ی جامعه که قادر است آزادی واقعی، رفاه عمومی و صلح را نه فقط برای خودش بل که برای همه‌ی انسان‌های جامعه به ارمغان آورد؟ بنابراین کارگران نباید ادعای بی‌طرفی رسانه‌ها را بخورند. کارگران باید بیش از پیش به فکر تأسیس رسانه‌های مخصوص خودشان باشند، رسانه‌هایی مستقل که هدفش آگاهی‌بخشی به کارگران و عموم مردم و بیان تمام حقیقت باشد. رسانه‌هایی که سانسور و انحصار خبری طبقه سرمایه‌دار را بشکنند. این کاری دشوار، سخت و مستلزم بودجه و هزینه‌های کلان است. اما به هر حال کارگران آگاه و پیش‌رو باید از همین امروز به فکر یافتن راهی برای تأسیس رسانه‌ی مستقل باشند. امر تشکیل رسانه‌ی مستقل به مفهوم ترک سایر سنت‌های کارگری نیست، بلکه ابزاری است برای ترویج و تبلیغ؛ و به موازات آن سنت‌ها بر آن تأکید می‌شود. کارگران آگاه و پیش‌رو باید تلاش کنند تا به هر طریق ممکن موضوع و تکلیف آگاهی‌رسانی طبقاتی را در محیط‌های کار و جامعه پیش ببرند، حتا اگر شده با یک برگ کاغذ.

4- استقلال فکری و نظری

عده‌ای می‌گویند فعالیت کارگری نیازی به بحث، نظریه و کار فکری ندارد؛ تنها چیزی که لازم دارد چند نفر مرد میدان و اهل عمل است. این حرف درستی نیست؛ چنین حرف‌هایی مانعی بزرگ بر سر راه رشد طبقه‌ی کارگر است. جنبش کارگری بدون تئوری، دانش و مباحثی که کمک کنند طبقه کارگر از نظام سرمایه‌داری، استثمار و بردگی مزدی برای همیشه عبور کند، در دراز مدت راه به جایی نخواهد برد. معماری را در نظر بگیرید که می‌خواهد یک خانه‌ی نقلی یک طبقه بسازد. این احتیاج به دانش و مهارت فراوان دارد. باید نقشه‌کشی بداند؛ با علم سازه‌ها آشنا باشد، مصالح را بشناسد و علم استفاده از آن‌ها را داشته باشد؛ شالوده را محکم و دقیق بریزد و اسکلت را با دوام بنا کند؛ نما و توکاری را با سلیقه و با کیفیت به انجام رساند، و غیره. کافی است یکی از این کارها را نادرست انجام دهد تا خانه اصلاً ساخته نشود یا دیر یا زود عیب و ایراد پیدا کند.

وقتی ساختن یک خانه‌ی نقلی این قدر بر دردسر است و نیاز به دانش و اطلاعات و مهارت دارد، حساب کنید که ساختن یک جامعه‌ی جدید، یک اقتصاد و دولت جدید چه کار دشوار و عظیمی است. جهت خلاصی از سیستم و مناسبات سرمایه‌داری و قدرت‌گیری طبقه کارگر و کنترل اقتصاد و تولید و پیش‌برد منافع عمومی و عدالت اجتماعی به عنوان صاحبان اصلی جامعه، علاوه بر شهامت،

پشت کار و ایستادگی، داشتن دانش و آگاهی کافی، امری حیاتی است. تنها يك طبقه، طبقه‌ی کارگر می‌تواند از پس همه‌ی این وظایف و نقش‌ها برآید. طبقه‌ی کارگر به عنوان یک طبقه‌ی آگاه به منافع طبقاتی خود، باید به علم حقوق و اقتصاد و جامعه‌شناسی، به علوم سیاسی و تاریخ آگاه و مسلط باشد. البته منظور من این نیست که از فردا کارگران بروند کار و زندگی‌شان را ول کنند، کسب درآمد برای امرار معاش خود و خانواده‌شان را فراموش کنند و فقط به مطالعه‌ی همه‌ی این علوم بپردازند. طبقه‌ی کارگر در مسیر مبارزه باید پیوسته و پی‌گیرانه و با ابتکارات متنوع، دانش و آگاهی خود و فرزندانش و نسل جوان طبقه‌ی خود را افزایش دهد و در عین حال خودآگاهی طبقاتی را در اشکالی وسیع نهادینه نماید. جنبش کارگری در عین حال می‌تواند همراه با تحکیم و تداوم رهبری طبقه کارگر، با فعالین پیشروی که صادقانه در راه‌رهای جامعه از زنجیرهای سرمایه‌داری مبارزه می‌کنند، در زمینه‌هایی که منفعت طبقه‌ی کارگر ایجاد می‌کند ارتباط و دیالوگ برقرار کرده، تا به صورت همه جانبه به سلاح اندیشه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی مسلح شود. بدیهی است این ارتباط باید دو طرفه باشد و هر دو جانب آن، که در واقع در یک وحدت‌اند، تلاش کنند تا از طرف مقابل درس گرفته و اندیشه‌ی خود را هر چه بیشتر عینی کرده و از این طریق بتوانند در کنار هم شالوده‌ها و مقدمات یک جامعه و نظام انسانی را پی‌ریزی کنند، اما تحت هیچ شرایطی نباید رهبری جنبش کارگری، توسط خود کارگران و خطوط کارگری، خدشه‌دار گردد.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کارگران در همه جای دنیا، مشکل بی‌کاري است؛ کارگران سال‌های سال است که در همه جای دنیا کم و بیش با این مشکل دست به گریبان‌اند. کارگری که از کار اخراج شده و حالا بیکار است، خسته و افسرده و خشمگین از اوضاع زندگی‌اش، در خانه نشسته است. تلویزیون یا ماهواره را روشن می‌کند، می‌بیند که برنامه‌ی راز بقا دارد پخش می‌شود. حوصله‌ی این برنامه را ندارد؛ او فعلاً فکر و ذکرش مشغول زندگی و بقای خود و خانواده‌اش است، چه کار به پلنگ و گورخردارد. کانال را عوض می‌کند، می‌بیند که بله، يك اقتصاددان، يك متخصص اقتصاد، دارد درباره‌ی مشکل بی‌کاري صحبت می‌کند، کور از خدا چه می‌خواهد؟ دو چشم‌بینا! کارگر ما همه‌ی هوش و جواسش را، شش دانگ جمع می‌کند و به صحبت‌های آقای متخصص گوش می‌دهد. از میان کلمات قلنبه و سلنبه‌ای که از دهان متخصص خارج می‌شود، مثلاً تولید ناخالص داخلی و غیره، کارگر متوجه می‌شود که متخصص چندین بار می‌گوید که راه حل معضل بی‌کاري، سرمایه‌گذاری و به ویژه گسترش بازار آزاد و خصوصی‌سازی صنایع است. بعد هم می‌گوید که مقصر اصلی قوانینی است که کارشناسان نیست و آن‌طور که باید و شاید درهای اقتصاد را به روی سرمایه‌داری جهانی نگشوده است. و تأکید می‌کند که نظراتش کاملاً علمی است و صدها کتاب و مقاله‌ی دانشگاهی هم این نظر را تأیید می‌کنند. کتاب‌هایی که هر يك دارای نمودارهای متعدد و دقیق‌ترین روش‌های آماری و پیچیده‌ترین مدل‌های ریاضی است. کارگر ما از آن‌جا که خوش‌قلب است و اعتماد راسخی به علم و دانش دارد، و مهم‌تر از آن‌ها این که بی‌کار است، حرف‌های جناب متخصص را باور می‌کند و گمان می‌کند که مقصر را شناخته و راه حل مشکل را هم فهمیده است. حالا در نظر بگیرید که همین نظریه‌های ظاهراً علمی هر روز و هر ساعت از طریق ده‌ها شبکه ماهواره‌ای و شبکه‌ی رادیویی و روزنامه و وبلاگ و وبسایت تبلیغ و مغز اکثر کارگران را بمباران می‌کنند. نتیجه‌اش چیست؟ فرض کنید روز کارگر، روز یکم ماه می فرا برسد. صدها هزار کارگر مضطرب، خسته و خشمگین از بی‌کاري و فقر و گرانی و تبعیض به خیابان آمده‌اند. فرض کنید تظاهرات چنان عظیم و کارگران چنان خشمگین باشند که پلیس و نیروهای سرکوب‌گر وارد عمل شوند و تعدادی از کارگران دست‌گیر و مجروح و کشته شوند؛ فرض کنید تظاهرات چندین روز ادامه پیدا کند تا دولت سرنگون شود و دولت جدیدی بر سر کار آید. کارگران از آن‌جا که حرف‌های به اصطلاح علمی حضرات کارشناس را باور کرده‌اند، به حزبی رأی می‌دهند که می‌خواهد سیاست‌های اقتصادی-سیاسی «درهای باز» را اجرا کند. پس از چند سال، تازه کارگران متوجه می‌شوند که چه فریبی خورده‌اند. آن‌ها جلودار شده‌اند، خون و هزینه داده‌اند تا دولت عوض شود. اما ظاهراً تنها چیزی که عوض شده «روینا» است و «زیرینا» دست نخورده باقی مانده است؛ آب‌جو فروشی‌هایی باز شده است؛ به جای غزه و لبنان و هر جای دیگری که مردم و طبقه‌ی زحمت‌کش‌اش قربانی لشکرکشی و تجاوزات نظام‌های امپریالیستی و سرمایه‌داری شده است (که می‌بایست از سوی فعالین مترقی مورد حمایت واقعی و راستین باشند) صحبت از روابط حسنه با اسرائیل و آمریکا است؛ اما تنها چیزی که تغییر نکرده، اقتصاد و وضع معیشتی کارگران است؛ هنوز تورم، هنوز بی‌کاري، تبعیض بیشتر از گذشته، هزینه‌های زندگی بیشتر از قبل و غیره. با این که ممکن است حجاب اجباری هم لغو شده باشد، اما تبعیض جنسی و ستم بر زنان و مناسبات مردسالارانه و زن ستیزانه هم‌چنان باقی‌ست. این است نتیجه‌ی خوش‌باوری نسبت به سخنان مثلاً

علمی کارشناسان. این علم دیگر بی‌طرف نیست؛ جیب عده‌ای را پُرتر می‌کند، اما اکثریت جامعه را که کارگرآند بدبخت‌تر می‌سازد؛ ظاهراً این علم فقط برای سرمایه‌دارها درست و دقیق است. به همین دلیل است که می‌گوییم علوم انسانی، مثل اقتصاد و جامعه‌شناسی و حقوق و غیره، بی‌طرف نیستند. ظاهرشان علمی است اما باطن‌شان در خدمت سرمایه‌داران است و به ضرر کارگران. به نظر من حداقل دو سیر علمی اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست وجود دارد: علم اقتصاد سرمایه‌دارانه/ علم اقتصاد-سیاسی کارگری، جامعه‌شناسی سرمایه‌دارانه/ جامعه‌شناسی کارگری و غیره. یعنی بستگی دارد به این که با عینک کدام طبقه به جامعه، اقتصاد و سیاست نگاه کنی؛ اگر با عینک کارگری نگاه کنی، می‌بینی که بیشتر حرف‌هایی که در رسانه‌ها به اسم علم به خورد کارگران و توده‌ی مردم می‌دهند غیر علمی است؛ در خدمت منافع سرمایه‌داران است. این یکی از کشف‌های بزرگ اندیشمندان طبقه‌ی کارگر است. آن‌ها می‌گفتند آن چیزی که تا امروز به اسم علم جامعه و اقتصاد مطرح شده، از عینک بورژوازی نوشته شده است. آن‌ها می‌گفتند اگر می‌خواهیم حقیقت جامعه، اقتصاد و سیاست را بشناسیم، باید با عینک کارگری به جهان نگاه کنیم. پیش‌روان جنبش کارگری به ما یاد دادند که اگر با عینک کارگری به جهان نگاه کنیم، هم حقیقت را بهتر خواهیم شناخت و هم مجهز به علمی انقلابی می‌شویم که بشود با اتکال به آن جامعه‌ای جدید و انسانی ساخت. متأسفانه امروزه اکثر دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی با عینک سرمایه‌دارانه به جهان نگاه می‌کنند. سرمایه‌داران و نهادها و تشکیلاتشان در سراسر جهان سالیانه چندین میلیارد دلار خرج تولید و تبلیغ علوم بورژوازی می‌کنند؛ علومی که از عینک بورژوازی به جهان نگاه می‌کنند. اکثر کتاب‌ها و مجلاتی که در بازار منتشر می‌شوند از همین نوع هستند. جنبش کارگری امروز به شدت نیازمند نظریه‌پردازان و اندیشمندان است که دانش مبارزه‌ی طبقاتی را با توجه به نیاز روز تبیین کرده و آن را هر چه بیشتر به جامعه عرضه کنند. روشنفکرانی که از دل طبقه کارگر برخاسته باشند و از یک طرف دانش گسترده و عمیق داشته باشند و از طرف دیگر با مبارزات کارگری بی‌گانه نباشند؛ یعنی هیچ فرصتی را برای کمک به افزایش سطح تشکلیابی و خودآگاهی کارگران از دست ندهند. طبقه‌ی کارگر امروزه نیازمند مجلات و روزنامه‌ها و کتاب‌هایی است که هم علمی، دقیق و کارگری باشند تا بتوانند جلوی علوم بورژوازی قد علم کنند؛ و هم حاوی نقد ریشه‌ای مناسبات سرمایه‌داری باشند و بتوانند به مهم‌ترین مسائل پیش روی طبقه‌ی کارگر پاسخ مشخص، درست و ریشه‌ای دهند و عطش کارگران برای آگاهی را ارضا کنند. طبقه کارگر نیازمند ساختارهایی مناسب و متشکل از کارگران آگاه و محقق و کارشناسان کارگری است که مثلاً در جواب آن به اصطلاح کارشناسانی که گشودن درهای اقتصادی به روی سرمایه‌داری جهانی را راه حل مشکل بی‌کاری می‌دانستند، کارگران را آگاه کنند که: فریب این حرف‌ها را نخورید؛ به شیلی، مکزیک، آرژانتین، لهستان، یونان و ... نگاه کنید تا ببینید که این سیاست چه به روز طبقه‌ی کارگر آورده است؛ تا به کارگران بگویند راه حل رفع مشکل بی‌کاری، مبارزه گسترده طبقاتی و ایجاد سندیکاها و شوراهای تمامی سطوح جامعه است؛ سندیکا و شوراهایی متشکل از قاطبه‌ی کارگران یک واحد تولیدی یا اقتصادی که به صورت جمعی، خودجوش و منضبط امور اقتصادی واحد خود را اداره کنند و در سطح سراسری نیز در مقابل سرمایه‌داری، به یک آلترناتیو تبدیل شوند. طبقه‌ی کارگر بزرگ‌ترین منبع انرژی و خلاقیت است. باید به این انرژی و خلاقیت میدان داد تا خود را نشان دهد و منکشف شود. لازمی این امر آن است که کارگران تحت یک سری آموزش‌های مقدماتی قرار گیرند تا از سطح کنونی فراتر روند. عمده‌ی این آموزش‌ها عبارت‌اند از :

- 1- آگاهی از اقتصاد-سیاسی کارگری.
- 2- آگاهی از تاریخ مبارزات کارگری در ایران و جهان.
- 3- آگاهی از تحولات جاری در بخش‌های دیگر جهان، به ویژه در کشورهای منطقه، آگاهی از پیروزی‌ها و شکست‌های طبقه کارگر در این کشورها و نقشه‌ها و توطئه‌های سرمایه‌داری داخلی و جهانی برای مقابله با جنبش‌ها و سازمان‌های کارگری.
- 4- آگاهی از شرایط تبعیض‌آمیز نسبت به زنان، کودکان، کارگران مهاجر، اقلیت‌های قومی و مذهبی و نیز خواسته‌های جنبش‌های اجتماعی به خصوص جنبش زنان، دانشجویان و جنبش‌های ضد تبعیض و نژادپرستی.
- 5- آموزش سنتها و بدیل‌های کارگری در برخورد با مسایل اجتماعی و سیاسی.
- 6- پرورش عمومی ظرفیت‌های تفکر عقلانی و انتقادی در گسترده‌ترین لایه‌های کارگران.
- 7- اشکال مختلف و مؤثر سازمان‌یابی و ساختارهایی که مبارزات کارگری و توده‌ای را به پیش

ببرد.

بسیاری از کارگران شاید فرصت یادگیری و تسلط بر زیر و بم‌های تمام موارد بالا را نداشته باشند،

اما می‌توانند و لازم است که تا آنجا که ممکن است در موارد فوق آموزش ببینند و رفقا و هم طبقه‌ای‌هایشان را آموزش دهند. علاوه بر این‌ها کارگران و به ویژه لایه‌ی آگاه و فعال جنبش کارگری باید در تماس و دیالوگ مداوم با یکدیگر باشند؛ کارگران باید بحث و گفت‌وگو را به عنوان مهم‌ترین ابزار آموزش و پرورش آگاهی، در دستور کار فعالیت‌های روزمره قرار دهند.

4- استقلال در شیوه فعالیت

از موضوعات اصلی این نوشته تشریح جنبه‌های استقلال کارگران است. این استقلال به این علت ضروری است که اصلاً هدف بورژوازی از فعالیت سیاسی و اجتماعی، متفاوت از هدف طبقه‌ی کارگر است و بهتر است بگوییم مخالف آن است. بورژوازی طبقه‌ای است که دارد هر روز و هر دقیقه، طبقه‌ی کارگر را استثمار می‌کند؛ تمام ثروتش برآمده از دزدیدن بخشی از کار کارگران است. اما بورژوازی به ندرت شمشیر را از رو می‌بندد. مدام با لبخند به دیدن کارگران می‌آید و خود را دوست و هم‌دل کارگران معرفی می‌کند. هدف احزاب و گروه‌های بورژوایی از فعالیت سیاسی و اجتماعی، حفظ و گسترش سلطه‌ی طبقه‌ی بورژوا بر طبقه‌ی کارگر و مساعدتر کردن شرایط برای انباشت سرمایه و آشتی با سرمایه‌داری جهانی و گام برداشتن بر طبق برنامه‌های «صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی» است؛ آن‌ها به هیچ‌وجه به دنبال ایجاد تغییر اساسی و مخصوصاً تغییر مناسبات اقتصادی نیستند. بر عکس، کارگران به دنبال ایجاد تغییر ریشه‌ای اقتصاد و سیاست‌اند؛ به دنبال گسترش رفاه و عدالت از يك سو و آزادی سیاسی و مشارکت کارگری از سوي دیگر. بنابراین هدف‌های جنبش‌ها و احزاب بورژوایی نقطه‌ی مقابل اهداف جنبش کارگری است. پس شیوه‌ی فعالیت کارگران هم باید به تناسب هدفشان متفاوت از بورژوازی باشد. نمی‌شود با روش‌های بورژوایی به جنگ بورژوازی رفت. متأسفانه ما به بسیاری از این روش‌ها عادت کرده‌ایم و هیچ وقت به دقت بررسی نکرده‌ایم که آیا این روش‌ها واقعاً مناسب فعالیت ما هستند یا نه. آیا سلاح مناسبی برای مبارزه هستند یا نه. اتومبیلی که درست کار نکند نه تنها راننده را به مقصد نمی‌رساند، بل که ممکن است او را به کشتن دهد یا هزینه‌ای گزاف بر او تحمیل کند. همین موضوع در مورد ابزار مبارزه هم صادق است. اگر این ابزارها و سبک کارها مناسب نباشند، هزینه‌هایی گزاف به جنبش کارگری وارد خواهند کرد، بدون آن‌که دست‌آوردی داشته باشند. من در این‌جا سعی می‌کنم بعضی از ویژگی‌های شیوه‌ی فعالیت را که لازم است جنبش کارگری در آن‌ها تجدید نظر کند، به طور مختصر توضیح دهم.

1- کارگری بودن

یک تشکل کارگری و فعالین آن، باید برآمده از بطن طبقه‌ی بوده و به حوزه‌ای کارگری، چون کارخانه‌ها، کارگران ساختمانی، تاپیست‌ها، کارگران نانوائی‌ها و خیاطی‌ها، خدمات عمومی، آموزشی و ... ربط داشته، تا واقعاً به متشکل شدن بخشی از طبقه‌ی یاری‌رساند و پی‌گیری و پیش‌برد منافع روزمره و نیز کلان و تاریخی کارگران را باعث شود. به نام کارگران فعالیت کردن و تنها این نام را یک کشیدن و در واقع به کارگران ربط نداشتن، دست آخر به تفکر و فعالیت محفلی و یا به رویکردهای ضد کارگری ره‌برده، نیروها را هدر داده، باعث کژی‌بینی شده و در نهایت طبقه را به مسلخ سرمایه‌داران می‌برد. لذا یک تشکل کارگری و فعالین آن باید پیوسته این اصل را لحاظ کنند که با کارگران ارتباط مستقیم داشته و زندگی و نوع و سبک فعالیت و راهبردهایشان را به آن گره زده باشند تا هم بی‌آموزند و هم بی‌آموزانند؛ تا بیشترین تأثیر را داشته و کمترین خطا را مرتکب شوند.

2- رعایت اصول تشکیلاتی در مقابل کارفرما و دولت:

کارگران و تشکل‌های آن‌ها در مسیر تشکلیابی و مبارزات خویش، با دشواری‌های زیادی مواجه می‌شوند و از فراز و نشیب مسایل فراوانی گذر می‌کنند. در این‌جا لازم است که یک اصل مهم مد نظر قرار گیرد و آن‌هم این‌که، بسیاری از مسایل و جزئیات درون تشکیلاتی یک تشکل کارگری، به خود آن تشکل ربط داشته و اعضای آن نسبت به آن‌ها و درزشان به بیرون، به خصوص اطلاعاتی که می‌تواند توسط کارفرما، دولت و نیروهای انتظامی مورد بهره‌برداری قرار بگیرد، باید احساس مسئولیت فراوان داشته باشند. می‌توان این موضوع را این‌گونه جمع‌بندی کرد: چیزی که لازم و ضروری نیست کسی به جز اعضای تشکل کارگری بداند، نباید بازگو شود. کارگران در حال جنگی مداوم و روزمره هستند. متأسفانه امروزه اکثر کارگران در فعالیت‌های خود، به این اصل کم‌توجهی می‌کنند و به اصطلاح گشاد کار می‌کنند، که این امر موجب ضربه‌خوردن‌های پی‌درپی این تشکل‌ها از طرف نیروهای پلیس می‌شود و این هم به نوبه‌ی خود مانع ادامه‌ی حیات و رشد این تشکل‌ها. سرمایه‌داران را در نظر بگیرید. آیا مسایل درونی و تصمیمات سندیکا‌های کارفرمایی را به صورت علنی مطرح می‌کنند؟ آیا می‌دانند که فلان سرمایه‌دار یا عضو دولت چه قدر ملک و املاک و دارایی دارد و این دارایی‌ها در کدام کشور و گوشه‌ی جهان مخفی شده‌اند؟ آیا کارگران می‌دانند که پشت

پرده، بین سرمایه‌داران و دولت، و میان خود سرمایه‌داران چه پول‌ها و رشوه‌هایی دست به دست می‌شود و چه زد و بندهایی صورت می‌گیرد؟ آیا کسی از دارایی‌های شرکت‌های شبه دولتی و غیره، خبر دارد؟ نه تنها هیچ‌کس از چنین چیزهایی خبر ندارد بل، اگر که محققی حقیقت‌جو بخواهد گوشه‌ای از این اطلاعات را کشف و منتشر کند، باید هزینه‌ی سنگینی پرداخت کند. سرمایه شوخی سرش نمی‌شود. اگر بخواهی سر از کارش درآوری، باید زندگی‌ات را قمار کنی. به شرکت‌های خصوصی و شبه دولتی و نهادها و سازمان‌های مرتبط به آن‌ها نگاه کنید. همین‌ها که مدام تشکلهای کارگری را سرکوب می‌کنند و جلوی رشد و گسترش جنبش کارگری را می‌گیرند. آیا اطلاعات این‌ها علنی است؟ آیا مشخص است که چه کسانی دستور سرکوب و زندانی کردن کارگران و مردم را صادر می‌کنند؟ آمران و عاملان‌اش چه کسانی هستند؟ نه خیر، تشکیلات سرمایه‌داران و دولت و شرکت‌های شبهه دولتی و غیره هرگز علنی نیست؛ اطلاعات مربوط به آن‌ها به شدت محافظت می‌شود تا مبدا کسی از این اطلاعات بویی ببرد. طبقه‌ی کارگر از آن‌جا که از این دزدی‌ها ندارد، چنین نگرانی‌هایی در مورد امور مالی خود نیز ندارد، اما در مورد امور تشکیلاتی، سازماندهی اعتراضات کارگری، سازماندهی اعتصابات و تقسیم کارها و در کلیه‌ی مواردی که از نظر امنیتی ایجاب می‌کند، باید رعایت اصول تشکیلاتی را جدی گرفت.

-3 فردیت‌گرایی و کیش شیخیت

یکی از عادات‌های احزاب و فعالین بورژوازی، این است که بیشتر از آن‌که به دنبال فعالیت واقعی و مؤثر در جامعه باشند، در پی ایجاد قیل و قال رسانه‌ای و مطرح کردن اسم و چهره‌ی خود در رسانه‌ها هستند. سرمایه‌داری همواره و به طرق مختلف فردیت‌گرایی را در جامعه تولید و بازتولید می‌کند. این هرگز روش فعالین کارگری نباید باشد. سرمایه داری فردیت‌گرایی را در مقابل جمع‌گرایی و منافع عمومی کل جامعه قرار می‌دهد. هدف رسانه‌های سرمایه‌داری از بزرگ کردن و مطرح کردن اکثر چهره‌ها این است که افرادی را به عنوان قهرمان‌هایی مبارز و آزادی‌خواه و دانا و نیک‌سرشت به مردم و کارگران معرفی کنند. به عبارتی، نمایشی تحریف‌شده و ایده‌آل از برخی چهره‌ها ارائه دهند و مدام اسم یا عکس آن‌ها را در رسانه‌ها تکرار کنند تا مردم به آن‌ها عادت کنند و اعتماد کنند تا در شرایط تحول تاریخی و اجتماعی، این چهره‌ها شاید به نفع جریان‌ها و سیاست‌های بورژوازی، به عنوان وزیر و رئیس جمهور و نماینده‌ی پارلمان و غیره قدرت را به دست گیرند. در این میان برخی از چهره‌های صادق و مبارز کارگری هم هستند که به خاطر شهامت، پی‌گیری و صداقتشان، مورد توجه کارگران و عموم مردم قرار گرفته‌اند و رسانه‌های بورژوازی ناچار شده‌اند علی‌رغم بی‌میلی باطنی، برای حفظ ظاهر بی‌طرفی هم که شده، این چهره‌ها را مورد توجه قرار دهند و در رسانه‌ها مطرح کنند. اکنون خطری که فعالین چهره‌شده‌ی کارگری را تهدید می‌کند این است که یا نامشان و اقداماتشان در خدمت سیاست‌های این رسانه‌ها قرار گیرد (که قطعاً سیاست آن‌ها به نفع سرمایه‌داری است)، یا این‌که به این رسانه‌ها اعتماد نابه‌جا کنند و یا در رابطه با مطرح و مشهور شدن خود دچار توهم و عادات مخرب گردند. بحث این نیست که نباید فعالین و «چهره‌های» شناخته‌شده‌ی کارگری، مستقلاً اقدامی کنند و یا هیچ مصاحبه‌ای انجام ندهند؛ ملاحظه‌ی اصلی این است که بدون تکیه کردن به و ارتباط ارگانیک و تنگاتنگ با طبقه کارگر و تشکلهای کارگری چنین کارهایی، دست‌آوردی برای طبقه‌ی کارگر به همراه نخواهند داشت. بنابراین، به نظر من لازم است که ما همواره بر مبنای جمع‌گرایی و منافع کل طبقه کارگر حرکت کنیم و از این رو ایجاب می‌کند که فعالین شناخته‌شده‌ی کارگری به دور از قیل و قال نابه‌جای رسانه‌ای، به فکر فعالیت واقعی و اتحاد و توانمندسازی فکری و تشکیلاتی طبقه کارگر باشند.

-4 اصول انسانی و اجتماعی :

فعالیت سیاسی-اجتماعی بورژوازی عموماً فعالیت بی‌اصول است. مثلاً در بسیاری از احزاب و تشکلهای بورژوازی، دروغ‌گویی و فریب توده‌ها، لابی‌گری با مراجع قدرت، مبالغه و اغراق در خبررسانی (که خودش می‌تواند نوعی دروغ‌گویی باشد)، لاس زدن با منابع قدرت و ثروت، دلالتی و واسطه‌گری و فساد مالی، بدگویی و زیرآب‌زنی، ریا و دورویی، تحقیر توده‌ها و کارگران و نگاه ابرازی به آن‌ها، و غیره، اموری معمولی است که شاید به زبان نیایند، اما دائماً به طور سیستماتیک در عمل به کار می‌روند. کارگران و نیروهای مترقی باید بسیار مواظب باشند که تحت تأثیر این رفتارها قرار نگیرند و از آن‌ها الگو نگیرند. کارگران که می‌خواهند جامعه‌ای نو و انسانی بسازند نه تنها لازم است طرح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه‌ی نو را به مردم ارائه دهند، بلکه باید خودشان در عمل الگویی اخلاقی برای جامعه‌ی خود باشند. گاهی کارگران یا نیروهای مترقی به اشتباه، فکر می‌کنند که سیاسی بودن یعنی به کارگیری همین شیوه‌های غیر اخلاقی. اما چنین نیست؛ این‌ها عادات‌های رفتاری فعالین بورژوا و خرده‌بورژوا است و نفوذ این شیوه‌ها در فعالیت‌های کارگری

فسادآور است. فعالین کارگری باید هم در عمل و هم در سخن و نیز در زندگی فردی خود الگوی برابری و آزادی و عدالت باشند. سنت‌های طبقاتی کارگری را باید در جامعه همه‌گیر کرد .
5- اصول تشکیلاتی :

اصول دیگری هم هستند که اصول فعالیت جمعی و تشکیلاتی است، به ویژه داشتن انضباط و تعهد و مسئولیت‌پذیری و خوش‌قولی و غیره، که کارگران و فعالین کارگری باید آرام آرام آن‌ها را در خود نهادینه کنند تا ملکه‌ی ذهنشان شود. از سوی دیگر، اصلی که می‌بایست مورد توجه کارگران و فعالین کارگری قرار گیرد، «دموکراسی تشکیلاتی» است که پای‌بندی به اساس‌نامه و تصمیمات جمعی را مدنظر قرار می‌دهد. به تبع این اصل، اقلیت باید به رأی اکثریت که در چارچوب اساس‌نامه به عنوان قانون تشکل، تصمیم‌گیری شده است، احترام گذاشته و آن را لازم‌الاجرا بداند و برای اقلیت نیز باید حقوق لازمه در نظر گرفته شود. البته لازم به ذکر است که در اساس‌نامه به روی تغییر باز بوده و با رأی مجمع عمومی تشکل، می‌تواند در راستای منافع کارگران اصلاح شود. مسائل مربوط به اصول مطرح شده در بالا، بسیار مفصل‌تر از این‌هاست و نیاز به توضیح و تفسیر بیشتر دارد. من فعلاً به همین کلیات بسنده می‌کنم؛ به این امید که کارگران دیگر هم بکوشند خودشان این اصول را تعیین کرده و آموزش دهند .

در پایان، باید عنوان شود که برخی از نکات بالا به طور کلی مطرح شده‌اند و برخی نیز نیاز به روشن‌تر شدن بیشتر دارند. تلاش اصلی این بوده است که ما کارگران در ایران مباحثات همه جانبه‌تری را برای گسترش هم‌دلی و اتحاد طبقاتی، راجع به مصاف‌های پیش روی‌مان، راه بی‌اندازیم و واضح است که این مباحث مطرح شده در این نوشته، حتماً صیقل خواهند خورد. امیدوارم که ثمره‌ای داشته باشند.

«گسترده باد تشکلهای مستقل حوزه‌ای و سراسری کارگران»

«به امید گسترش صلح، عدالت، آزادی و برابری»

«زنده باد اتحاد و همبستگی طبقه کارگر»

رضا شهبابی

عضو هیأت مدیره و خزانه‌دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه
17 فروردین 1392

برگرفته از:

سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه

http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=436

احضار علی رضا هاشمی، عضو شورای مرکزی سازمان معلمان به دادگاه

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 17 فروردین 92 آمده است: علی رضا هاشمی سنجانی، فعال صنفی معلمان و عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران به دادگاه انقلاب احضار شده است .

به گزارش ندای سبز آزادی مطابق احضاریه ای که به علی رضا هاشمی ابلاغ شده وی باید در تاریخ بیست و پنجم فروردین در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی جهت دفاع حضور پیدا کند . اتهامات این عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران، " تبلیغ علیه نظام " و " اجتماع و تبانی " عنوان شده است .

علی رضا هاشمی، دبیر کل مستعفی سازمان معلمان ایران، اولین بار در اسفند ۸۵ به همراه تعدادی دیگر از فعالان صنفی معلمان که به علت اعتراض به عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده بودند بازداشت شد .

عدم ایمنی محیط کار موجب مرگ چهار کارگر در تهران شد

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه به نقل از خبرگزاری دولتی ایلنا در 18 فروردین 92 آمده است : در تاریخ ۱۷ فروردین، سه کارگر ساختمانی بر اثر ریزش مرگبار یک ساختمان قدیمی در حال تخریب و یک کارگر مقنی در اعماق چاه کشته شدند . به گزارش ایلنا، محل وقوع حادثه مرگ سه کارگر یک ساختمان قدیمی در حال تخریب در محدوده

خیابان شریعتی، بالاتر از بلوار میرداماد اعلام شده است و بر اساس گزارش‌های دریافتی کارگران مشغول بازکردن داریست‌های محافظ یک ساختمان سه طبقه قدیمی در حال تخریب بودند که ناگهان بخشی از ساختمان از قسمت بالکن‌ها تخریب شده و بر سر سه تن از آنان ریخته است. گزارش‌ها حاکی است که بر اثر این رخداد سه کارگر در زیر خروارها سنگ و خاक محبوس شدند و آتش‌نشانان عملیات خود برای خروج این افراد از زیر آوار را آغاز کرده و پس از مدتی، سه کارگر (یک کارگر افغان و دو ایرانی) که حدود ۲۵ سال سن داشتند را از زیر آوار خارج و به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند. عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه پس از بررسی علائم حیاتی مرگ این سه کارگر را تایید و اعلام کردند.

سخت‌نگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در خصوص علت نصب داریست در نمای این ساختمان نیز گفت: پیش از این، حدود شش ماه این ساختمان در حال تخریب بود که بخشی از آن ریزش کرده و دو کارگر در آن محبوس شده بودند که آتش‌نشانان در آن حادثه این دو کارگر را زنده از زیر آوار خارج کردند.

وی با بیان اینکه پس از این حادثه حدود شش ماه عملیات تخریب متوقف شده بود اظهار کرد: به منظور تامین ایمنی عابران در نمای این ساختمان از داریست استفاده شده بود که پس از طی مراحل قانونی و دریافت مجوز تخریب، کارگران مشغول انجام ادامه تخریب این ساختمان فرسوده و بازکردن داریست‌ها بودند که این حادثه رخ داد. ملکی علت این حادثه را بی‌احتیاطی و عدم رعایت اصول ایمنی در بازکردن داریست‌ها اعلام کرد و گفت: بهتر بود با توجه به فرسوده بودن ساختمان، کارگران پیش از بازکردن داریست بار وارد بر اسکلت‌های ساختمان را کمی سبک‌تر می‌کردند.

همچنین در حادثه ای دیگر کارگری ۳۰ ساله در عمق ۱۵ متری چاه بر اثر برق گرفتگی جان باخت. بر اساس این گزارش، این حادثه ظهر دیروز در خیابان دروس، خیابان هدایت تهران رخ داد و طبق بررسی‌های اولیه نیروهای امدادی مشخص شد کارگری در محل گودبرداری یک خانه کارگری در حال حفر چاه بوده که همکارانش به دلیل اینکه او فعالیت خود را ناگهانی قطع کرده بود به موضوع مشکوک شده و به سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده بودند.

آتش‌نشانان با ایمن سازی محل، کارگر ۳۰ ساله را از چاه خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند که آن‌ها مرگ او بر اثر برق گرفتگی را تأیید کردند.

سخت‌نگوی سازمان آتش‌نشانی پس از وقوع این حادثه به پیمانکاران هشدار داد: هنگام حفر چاه از مقنی‌های حرفه‌ای استفاده کرده و اجازه ندهند آن‌ها با تجهیزات ناایمن وارد چاه شوند زیرا خاک نم دار بوده و احتمال برق گرفتگی وجود دارد. همچنین هنگام استفاده از تجهیزات روشنایی نیز از وسایل ایمن و تجهیزات استاندارد استفاده کنند.

تجمع خانواده های بازداشتی در سنندج

به نوشته شورای بیکاران در تاریخ 18 فروردین 92 آمده است: روز شنبه و یکشنبه 17 و 18 فروردین 1392 جمع زیادی متشکل از خانواده های بازداشتی، فعالین کارگری و دوستانان جنبش کارگری از ساعت 10 صبح به مدت 3 ساعت جلوی دادگاه سنندج تجمع کردند و خواستار آزادی بی قید و شرط و فوری خالد حسینی، غالب حسینی، وفا قادری، علی آزادی، بهزاد فرج الهی، حامد محمودنژاد و کلیه زندانیان سیاسی شدند. این تجمع که به صورت نشسته انجام گرفته بود با استقبال مردم روبرو و باعث بازتاب زیادی در میان آنان شد. لازم به یادآوریست که نامبرده گان روز هفدهم اسفند ماه 1391 دستگیر و مدت 30 روز است که در بازداشتگاه اطلاعات بسر می‌برند. ما "شورای بیکاران" ضمن محکوم کردن بازداشت این عزیزان خواستار آزادی بی قید و شرط و فوری کلیه زندانیان سیاسی و فعالین کارگری هستیم و بر این باوریم که ایجاد تشکلهای خود ساخته حق مسلم کارگران است.

شورای بیکاران 1392/1/18

داوود رضوی: کارگران با اعتراضات حضوری میتوانند به مطالباتشان دست یابند

برپایه خبر دریافتی در تاریخ 18 فروردین 92 آمده است: داوود رضوی از فعالان مستقل کارگری شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران به ایلنا گفت: علت پایین بودن دستمزها عدم حضور نمایندگان واقعی کارگری در جلسات تعیین مزد است.

وی گفت: اعضای گروه کارگری شورای عالی کار از نظر نوع عملکرد بیشتر تابع گروه دولت و کارفرمایی هستند و با بدنه جامعه کارگری ارتباطی ندارند. این کارگر بازنشسته ادامه داد: با این شرایط نمایندگان تشکلهای رسمی کارگری با صدور بیانیه، انجام مصاحبه، امضای طومار و یا طرح دعوی نمی‌توانند به نفع کارگران اقدامی انجام دهند. رضوی گفت: دولت در غیاب نمایندگان واقعی جامعه کارگری، با افزایش دو نفر به اعضای خود آیین نامه برگزاری جلسات شورای عالی کار را به نفع خود تغییر داده و در نتیجه اکنون سه جانبه گرایی برای تعیین مزد عالانه نقض شده است. این فعال مستقل کارگری ادامه داد: اگر اعضای گروه کارگری شورای عالی کار با بدنه کارگری در ارتباط بودند سه جانبه گرایی در شورای عالی کار نقض نمی‌شد و کارگران مزد واقعی دریافت می‌کردند. وی با بیان اینکه کارگران نمی‌توانند با مزد تعیین شده گذران زندگی کنند، گفت: برای افزایش قدرت خرید کارگران هر اقدام اعتراضی قانونی بدون حضور مستقیم کارگران بی‌نتیجه است.

پی گیری معالجه محمد جراحی کارگر زندانی

به نوشته سایت افق روشن در تاریخ 18 فروردین 92 آمده است: محمد جراحی کارگر و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری بدنبال عمل جراحی تیروئید و دریافت جواب مثبت آزمایشگاه خوشبختانه پاسخ مثبت بوده است. این غده خوش خیم سرطانی قابل معالجه و درمان است. بدنبال پروسه درمان محمد جراحی تیم پزشکان معالج در ۲۶ / فروردین جلسه کمیسیون پزشکی را در دستور خود دارد. همچنین پزشکی قانونی زندان به خانواده این زندانی بیمار اعلام کرده است دوره درمان و معالجه بر عهده و تشخیص تیم پزشکی بیمارستان امام رضا می باشد. در ضمن گذراندن دوره قرنطینه ایشان با نظر پزشکان معالج وی در بیمارستان یا در منزل خواهد بود. ضمناً ملاقات اعضای کمیته پی گیری با خانواده این کارگر زندانی محمد جراحی در تبریز موجب خرسندی و رضایت خانواده ایشان گردید.

پروسه معالجه و درمان محمد جراحی در دستور کار قرار گرفت

برپایه گزارش انعکاس یافته از جانب کمیته پیگیری در تاریخ 18 فروردین 92 آمده است: اعضای کمیته پیگیری به دیدار خانواده کارگر زندانی محمد جراحی در تبریز رفتند این دیدار موجب خرسندی و رضایت خانواده ایشان گردید. محمد جراحی کارگر و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری بدنبال عمل جراحی تیروئید و دریافت جواب مثبت آزمایشگاه، خوشبختانه پاسخ خوب بوده است. این غده خوش خیم سرطانی قابل معالجه و درمان است. بدنبال پروسه درمان محمد جراحی تیم پزشکی معالج در 26 فروردین جلسه کمیسیون پزشکی را در دستور خود دارد. همچنین پزشکی قانونی زندان به خانواده این زندانی بیمار اعلام کرده است دوره درمان و معالجه بر عهده و تشخیص تیم پزشکی بیمارستان امام رضا می باشد. در ضمن گذراندن دوره قرنطینه ایشان با نظر پزشکان معالج وی در بیمارستان یا در منزل خواهد بود. کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

تشکرو قدر دانی از تیم پزشکان معالج "محمد جراحی"

برپایه گزارش انعکاس یافته از جانب کمیته پیگیری در تاریخ 18 فروردین 92 آمده است: امید روی دیگر زندگی است، زندگی دوباره محمد جراحی به دست توانا و تلاش تیم پزشکی بیمارستان امام رضا در تبریز هدیه ای به محمد جراحی، خانواده و دوستان او است. تیم پزشکی فوق با مدیریت آقای دکتر صمد بهشتی و با همکاری آقایان دکتر اسماعیل فرجی، دکتر محمد حسین سعمی و دکتر شهرام دبیری اسکویی با درایت و کوشش انسانی توانستند کمک شایانی به محمد جراحی نمایند.

ما کارگران و اعضای کمیته پیگیری به همراه خانواده محمد جراحی تلاش انسان دوستانه پزشکان معالج را قابل ستایش میدانیم. به این وسیله مراتب تقدیر و تشکر خود را تقدیم پزشکان و کادر و پرسنل بخش مربوطه "توراکس" بیمارستان امام رضا می نمایم. کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری-1392/1/18

کاهش ۲۰ هزار تومانی حق اولاد در بخشنامه دستمزد

به نوشته سایت خبری راه کارگر در تاریخ 18 فروردین 92 آمده است: در حالی که سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشتر از افزایش حق اولاد کارگران تا سقف ۶۲ هزار تومان برای هر فرزند خبر داده بود اما به نظر می رسد که در مجموعه وزارت کار درباره پرداخت این مبلغ به کارگران اختلافاتی وجود دارد.

در پی اتمام تعطیلات نوروزی سال ۹۲ و هم زمان با جنجال ها و حواشی مربوط به نارضایتی کارگران از نحوه افزایش دستمزدهای جدید خبرگزاری کار (ايلنا) مطلع شده است که اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان رضوی طی بخشنامه ای اظهارات سرپرست کنونی این وزارتخانه را نادیده گرفته است.

پیشتر اسدالله عباسی سرپرست وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و رئیس شورای عالی کار، در تاریخ ۲۱ اسفندماه سال ۹۱ اعلام کرده بود در سال ۹۲ مبلغ حق اولاد ماهانه کارگران دارای فرزند با ۳۸ هزار و ۹۷۰ تومان افزایش به ۶۲ هزار تومان برای هر فرزند خواهد رسید.

هرچند در بخشنامه دستمزد سال ۹۲ منتشر شده از سوی وزارت کار (شامل بخشنامه و دستور العمل های آن) به مسئله افزایش حق اولاد اشاره ای نشده است، اما رئیس شورای عالی کار پس از اعلام تصمیم شورای عالی کار برای نحوه افزایش دستمزدهای سال ۹۲ در گفتگو با رسانه ها اعلام کرد: برای سال جدید حداقل مزد ۲۵ درصد افزایش یافت، حق بن ثابت ماند و حق اولاد به ۶۲ هزار تومان رسید.

این درحالی است که به تازگی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان رضوی در نامه ای که به تاریخ هفتم فروردین ماه با موضوع «حقوق و مزایای حین کار کارگران دائم و موقت مشمول قانون کار سال ۹۲» منتشر کرد، از پرداخت ماهانه ۴۸ هزار تومان بابت هر فرزند خبر داده است.

دریند هشت این نامه آمده است: بیمه شده زن و مردی که در یک واحد یا واحدهای جدا از هم کار می کنند و صاحب فرزند هستند با داشتن شرایط بند ۸ هر دو مشمول دریافت کمک عائله مندی (حق اولاد) خواهند بود. در سال جاری میزان حق اولاد یک فرزند ماهیانه ۱۲۵/۴۸۷ ریال (چهارصد و هشتاد و هفت هزار و یکصد و بیست و پنج ریال) و دو فرزند ۲۵۰/۹۷۴ ریال (نهدصد و هفتاد و چهار هزار و دویست و پنجاه ریال) است.

در واقع اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان رضوی بدون توجه به گفته های رئیس شورای عالی کار، حق اولاد سال ۹۲ را بر مبنای ۱۰ درصد حداقل مزد جدید تعیین کرده است که به ظاهر شیوه معمول برای پرداخت حق اولاد در سال های گذشته بوده است.

به موجب قانون کار، کارفرمایان مشمول موظف اند تا به هر کارگر دارای فرزند (زن یا شوهر) مبلغی اضافی تحت عنوان حق اولاد پرداخت کنند که این مبلغ بر مبنای ۱۰ درصد حداقل مزد، حداکثر بابت ۲ نفر از فرزندان خانواده کارگر پرداخت می شود.

هرچند محاسبه حق اولاد به شیوه سنتی آنهم در دورانی که از آن با عنوان «بحران اقتصادی» یاد می شود در عمل استقبال منتقدان افزایش مزد از جمله کارفرمایان خصوصی و دولتی را به همراه دارد، اما این مسئله می تواند باعث بدبینی و بی اعتمادی بیشتر کارگران نسبت به شورای عالی کار شود.

به بیان دیگر هرچند می‌توان مدعی شد که چون در بخشنامه مزد سال ۹۲ اشاره‌ای به اظهارات رئیس شورای عالی کار نشده است، بنابراین حق اولاد جدید کارگران به همان قانون سنتی افزایش می‌یابد اما درشرایطی که عموم کارگران از میزان و نحوه افزایش مزد ناخوشنودند، این اقدام در نهایت باعث بی‌اعتمادی بیشتر کارگران نسبت به شرکای اجتماعی خصوصاً شخص رئیس شورای عالی کار که از هم اکنون زمزمه‌های وزیر شدنش بگوش می‌رسد می‌شود.

ارسال شکایت کارگران پتروشیمی بندر امام علیه مصوبه مزد ۹۲ به دیوان عدالت اداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام از ارسال شکایت نامه این تشکل کارگری به دیوان عدالت اداری در اعتراض به رقم مصوب مزد سال ۹۲ خبر داد.

به گزارش ایلنا علیرضا ملکوتی دراین باره گفت: در یک ماهی که از شروع به کار اتحادیه می‌گذرد، مهم‌ترین اقدام صورت گرفته تا به امروز، تنظیم شکایت نامه در اعتراض به حداقل مزد سال ۹۲ است که هم اکنون به دیوان عدالت اداری ارسال شده است.

وی تصریح کرد: اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام سعی دارد تا با فعالیت در چارچوب قانون به احقاق حقوق اساسی کارگران بپردازد.

این فعال کارگری در توضیح روند تشکیل این تشکل کارگری بیان کرد: یک سری مشکلات اساسی در رابطه با حقوق اولیه کارگران در منطقه ماهشهر و بندر امام وجود داشت و همچنان وجود دارد که نیاز به ایجاد یک تشکل کارگری مستقل را ضروری جلوه می‌داد.

ملکوتی با اشاره به «قوانین مربوط به مناطق آزاد» که «عموماً به زیان کارگران است» افزود: قوانین مناطق آزاد فرد یا تشکلی به عنوان نماینده کارگر را قبول دارد اما مسئولان دولتی و کارفرمایان پیش از تشکیل اتحادیه، ما را به عنوان نمایندگان کارگری به رسمیت نمی‌شناختند و به فعالان کارگری منطقه در حد رابط میان کارگر و کارفرما یا کارگر و اداره کار نگاه می‌کردند.

او ادامه داد: این موضوع ما را بر آن داشت تا با نمایندگان منطقه صحبت کنیم و اساسنامه‌ای بنویسیم و انتخاباتی را برگزار کنیم که سرانجام در ۱۲ اسفند ماه سال گذشته، اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام رسماً کار خود را آغاز کرد.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در پایان با اشاره به مخالفت‌های صورت گرفته با تشکیل اتحادیه کارگری در منطقه ماهشهر و بندر امام بر مصمم بودن اعضای این تشکل کارگری برای ادامه فعالیت‌ها در چارچوب قانون تاکید کرد.

کاهش ۲۰ هزار تومانی حق اولاد در بخشنامه دستمزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: در حالی که سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش‌تر از افزایش حق اولاد کارگران تا سقف ۶۲ هزار تومان برای هرفرزند خبر داده بود اما به نظر می‌رسد که در مجموعه وزارت کار درباره پرداخت این مبلغ به کارگران اختلافاتی وجود دارد.

در پی اتمام تعطیلات نوروزی سال ۹۲ و هم زمان با جنجال‌ها و حواشی مربوط به نارضایتی کارگران از نحوه افزایش دستمزدهای جدید خبرگزاری کار (ایلنا) مطلع شده است که اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان رضوی طی بخشنامه‌ای اظهارات سرپرست کنونی این وزارتخانه را نادیده گرفته است.

پیش‌تر اسدالله عباسی سرپرست وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و ریس شورای عالی کار، در تاریخ ۲۱ اسفندماه سال ۹۱ اعلام کرده بود در سال ۹۲ مبلغ حق اولاد ماهانه کارگران دارای فرزند با ۲۸ هزار و ۹۷۰ تومان افزایش به ۶۲ هزار تومان برای هر فرزند خواهد رسید.

هرچند در بخشنامه دستمزد سال ۹۲ منتشر شده از سوی وزارت کار (شامل بخشنامه و دستورالعمل‌های آن) به مسئله افزایش حق اولاد اشاره‌ای نشده است، اما رئیس شورای عالی کار پس از اعلام تصمیم شورای عالی کار برای نحوه افزایش دستمزدهای سال ۹۲ در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرد: برای سال جدید حداقل مزد ۲۵ درصد افزایش یافت، حق بن ثابت ماند و حق اولاد به ۶۲ هزار تومان رسید.

این درحالی است که به تازگی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان رضوی در نامه‌ای که به تاریخ هفتم فروردین ماه با موضوع «حقوق و مزایای حین کار کارگران دائم و موقت

مشمول قانون کار سال ۹۲» منتشر کرد، از پرداخت ماهانه ۴۸ هزار تومان بابت هر فرزند خبر داده است.

در بند هشت این نامه آمده است: بیمه شده زن و مردی که در یک واحد یا واحدهای جدا از هم کار می‌کنند و صاحب فرزند هستند با داشتن شرایط بند ۸ هر دو مشمول دریافت کمک عائله‌مندی (حق اولاد) خواهند بود. در سال جاری میزان حق اولاد یک فرزند ماهیانه ۱۲۵/۴۸۷ ریال (چهارصد و هشتاد و هفت هزار و یکصد و بیست و پنج ریال) و دو فرزند ۲۵۰/۹۷۴ ریال (نهمصد و هفتاد و چهار هزار و دویست و پنجاه ریال) است.

در واقع اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان رضوی بدون توجه به گفته‌های رئیس شورای عالی کار، حق اولاد سال ۹۲ را بر مبنای ۱۰ درصد حداقل مزد جدید تعیین کرده است که به ظاهر شیوه معمول برای پرداخت حق اولاد در سال‌های گذشته بوده است.

به موجب قانون کار، کارفرمایان مشمول موظف‌اند تا به هر کارگر دارای فرزند (زن یا شوهر) مبلغی اضافی تحت عنوان حق اولاد پرداخت کنند که این مبلغ بر مبنای ۱۰ درصد حداقل مزد، حداکثر بابت ۲ نفر از فرزندان خانواده کارگر پرداخت می‌شود.

هرچند محاسبه حق اولاد به شیوه سنتی آنهم در دورانی که از آن با عنوان «بحران اقتصادی» یاد می‌شود در عمل استقبال منتقدان افزایش مزد از جمله کارفرمایان خصوصی و دولتی را به همراه دارد، اما این مسئله می‌تواند باعث بدبینی و بی‌اعتمادی بیشتر کارگران نسبت به شورای عالی کار شود.

به بیان دیگر هرچند می‌توان مدعی شد که چون در بخشنامه مزد سال ۹۲ اشاره‌ای به اظهارات رئیس شورای عالی کار نشده است، بنابراین حق اولاد جدید کارگران به همان قانون سنتی افزایش می‌یابد اما در شرایطی که عموم کارگران از میزان و نحوه افزایش مزد ناخوشنودند، این اقدام در نهایت باعث بی‌اعتمادی بیشتر کارگران نسبت به شرکای اجتماعی خصوصاً شخص رئیس شورای عالی کار که از هم اکنون زمزمه‌های وزیر شدنش بگوش می‌رسد می‌شود.

کارگران انفرادی از دستمزد شکایت کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: یک فعال مستقل صنفی معتقد است برای اعتراض به پایین بودن دستمزدها، کارگران به صورت انفرادی باید اقدامات حقوقی لازم را انجام دهند.

داوود رضوی از فعالان مستقل کارگری شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: علت پایین بودن دستمزدها عدم حضور نمایندگان واقعی کارگری در جلسات تعیین مزد است. وی گفت: اعضای گروه کارگری شورای عالی کار از نظر نوع عملکرد بیشتر تابع گروه دولت و کارفرمایی هستند و با بدنه جامعه کارگری ارتباطی ندارند. این کارگربازنشسته ادامه داد: با این شرایط نمایندگان تشکلهای رسمی کارگری با صدور بیانیه، انجام مصاحبه، امضای طومار و یا طرح دعاوی نمی‌توانند به نفع کارگران اقدامی انجام دهند.

رضوی گفت: دولت در غیاب نمایندگان واقعی جامعه کارگری، با افزایش دو نفر به اعضای خود آیین نامه برگزاری جلسات شورای عالی کار را به نفع خود تغییر داده و در نتیجه اکنون سه جانبه گرایی برای تعیین مزد علانیه نقض شده است.

این فعال مستقل کارگری ادامه داد: اگر اعضای گروه کارگری شورای عالی کار با بدنه کارگری در ارتباط بودند سه جانبه گرایی در شورای عالی کار نقض نمی‌شد و کارگران مزد واقعی دریافت می‌کردند.

وی با بیان اینکه کارگران نمی‌توانند با مزد تعیین شده گذران زندگی کنند، گفت: برای افزایش قدرت خرید کارگران هر اقدام اعتراضی قانونی بدون حضور مستقیم کارگران بی‌نتیجه است.

حقوق ۹۲ کارمندان دوباره افزایش یافت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۱ فروردین ماه جاری با اصلاح مصوبه قبلی خود در خصوص ضریب حقوق کارمندان و بازنشستگان دولتی، میزان افزایش حقوق کارکنان و مستمری بگیران دولتی را برای سال جاری ۲۵ درصد تعیین کرد.

به گزارش ایلنا و به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دولت، دولت در مصوبه ۲۹ اسفند ۱۳۹۱، میزان

افزایش حقوق کارمندان در سال جاری را ۲۰ درصد تعیین کرده بود، که با اصلاح آن، افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان در سال جدید به ۲۵ درصد رسید.

در مصوبه جدید هیات وزیران ضریب حقوق کارمندان ۱۰۰۶ ریال و حداقل حقوق آنها در سال ۱۳۹۲، ۴۹۰ هزار تومان در ماه تعیین شده است.

جزئیات این مصوبه که با امضای 'محمدرضا رحیمی' معاون اول رئیس جمهوری، روز شنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۲، به تمام دستگاههای اجرایی کشور، وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و موسسات دولتی ابلاغ شده است به شرح زیر است:

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۹۱ به استناد ماده (۵۰) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹ - و ماده (۷۶) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ - تصویب نمود:

بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸) تصویب نامه شماره ۲۶۳۷۵۷/ت ۴۹۰۴۰ مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود.

۲- ضریب حقوق شاغلان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری برای سال ۱۳۹۲ به میزان یک هزار و شش (۱۰۰۶) تعیین می‌شود.

۳- ضریب حقوق کارمندان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت (از جمله کارمندان وزارت اطلاعات و شاغلان پست‌های سیاسی وزارت امور خارجه) برای سال ۱۳۹۲ به میزان یک هزار و شش (۱۰۰۶) ریال تعیین می‌شود.

۴- ضریب حقوق بازنشستگان موضوع بند (ج) ماده (۵۰) قانون برنامه پنجم توسعه برای سال ۱۳۹۲ به میزان یک هزار و شش (۱۰۰۶) ریال تعیین می‌شود. ۵- حقوق بازنشستگان، وظیفه بگیران و مشترکان صندوق‌های بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح و سایر صندوق‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۳۹۲ به میزان ۲۵ درصد (۲۵٪) نسبت به سال ۱۳۹۱ افزایش می‌یابد.

۶- حداقل حقوق و فوق العاده‌های مستمر (شاغلان) موضوع تبصره ماده (۷۶) قانون مدیریت خدمات کشوری برای کارمندان دستگاه‌های اجرایی مشمول این قانون و سایر مشمولان ماده مذکور به استثنای مشمولان بند (۸) این تصویب نامه در سال ۱۳۹۲ به میزان چهار میلیون و نهصد هزار ریال (۴۹۰۰۰۰۰) و حداکثر حقوق و فوق العاده‌های مستمر این قبیل کارمندان هفت برابر حداقل حقوق مذکور در این بند تعیین می‌شود.

۷- حداقل حقوق بازنشستگان و وظیفه بگیران و مشترکان صندوق‌های بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح و سایر صندوق‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی به میزان چهار میلیون و نهصد هزار ریال (۴/۹۰۰/۰۰۰) ریال تعیین می‌شود.

۸- حداقل حقوق کارمندان مشمول بند (۳) این تصویب نامه در سال ۱۳۹۲ به میزان سه میلیون و سیصد و بیست هزار ریال و حداکثر حقوق این قبیل کارمندان هفت برابر حداقل حقوق مذکور در این بند تعیین می‌شود.

۹- پرداخت فوق العاده اضافه کار ساعتی به کارمندان دستگاه‌های اجرایی مشمول این تصویب نامه با رعایت بند (ز) ماده (۵۰) قانون برنامه پنجم توسعه در سقف اعتبار مصوب دستگاه مجاز است. تشخیص کارکنانی که به اقتضای شغلی مطابق با بند (۹) ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری اضافه کار بیشتری دریافت می‌نمایند، با بالاترین مقام دستگاه اجرایی یا مقامات مجاز موضوع ماده (۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور خواهد بود.

افزایش ۲۵ درصدی حقوق بازنشستگان کشوری از فروردین ماه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری از افزایش ۲۵ درصدی حقوق این بازنشستگان از ابتدای سال جاری خبر داد.

به گزارش ایلنا، ایراندخت عطاریان با اشاره به صدور احکام جدید بازنشستگان اظهار داشت: افزایش ۲۵ درصدی حقوق بازنشستگان از ابتدای سال جاری اعمال خواهد شد.

وی بیان داشت: براساس مصوبه جدید هیئت وزیران ضریب حقوق بازنشستگان موضوع بند (ج) ماده ۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه برای سال ۱۳۹۲ به میزان ۱۶۰۰ ریال تعیین شده است.

مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری تصریح کرد: میانگین حقوق ماهانه بازنشستگان در سال ۹۱ رقمی معادل ۷۱۶ هزار و ۶۳۶ تومان بوده که امسال با افزایش ۲۵ درصدی میانگین حقوق ماهانه بازنشستگان رقمی معادل ۸۹۵ هزار و ۸۶۴ تومان خواهد شد.

به گفته عطاریان حداقل حقوق بازنشستگان کشوری در سال ۹۲ رقمی معادل ۴۹۰ هزار ریال است .

وی افزود: در حال حاضر یک میلیون و ۱۷۶ هزار و ۹۲ نفر بازنشسته و وظیفه بگیر تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری قرار دارند .

عطاریان در ادامه در باره استمرار بیمه طلایی برای بازنشستگان در سال جدید گفت: بسته حمایتی بیمه طلایی درمان در سال ۹۲ نیز برای بازنشستگان کشوری اجرا می شود و همه بازنشستگان می توانند در سال جاری نیز از خدمات و مزایای این خدمت جدید بدون پرداخت وجه در بیمارستان های طرف قرارداد استفاده کنند

وی افزود: امسال براساس تمهیدات انجام شده با حمایت دولت و مشارکت صندوق بازنشستگی کشوری بازنشستگان و افراد تحت تکفل آنان نیز از سه ماهه دوم سال جاری تحت پوشش بیمه طلایی درمان قرار می گیرند.

رشد ۱۳ درصدی حوادث کار در زنجان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است : مدیر کل پزشکی قانونی استان زنجان از رشد ۱۳/۶۶ درصدی حوادث کار استان در سال گذشته خبر داد.

به گزارش ایلنا، مهدی فروزش در تشریح این خبر افزود: سال گذشته ۴۱۶ مورد حوادث کار در این استان به وقوع پیوست که در مقایسه با مدت مشابه سال ماقبل آن ۲۶۶ مورد آن به ثبت رسیده بود .

مدیر کل پزشکی قانونی استان زنجان، گفت: متوفیات ناشی از تصادفات نیز در مدت زمان یاد شده ۳۳۳ مورد بود که در مقایسه با سال ۹۰، ۷/۴۲ کاهش نشان می دهد .

وی، یادآور شد: مرگ و میرهای ناشی از مواد مخدر نیز پارسال ۳۶ مورد بود که در مقایسه با سال گذشته ۵/۲۶ درصد کاهش دارد .

فروزش، افزود: جمع کل مرگ های غیر طبیعی استان در سال گذشته ۵۶۲ مورد و مرگ های طبیعی ۱۴۳ مورد بود که به ترتیب در مقایسه با سال گذشته آن کاهش ۵۱/۱۰ درصدی و افزایش ۷۲/۶ درصدی دارد

سه کارگر پیش از تخریب ساختمان کشته شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است : دیروز بر اثر ریزش مرگبار یک ساختمان قدیمی در حال تخریب در شمال پایتخت، سه کارگر ساختمانی کشته شدند .

به گزارش ایلنا، محل وقوع این حادثه یک ساختمان قدیمی در حال تخریب در محدوده خیابان شریعتی، بالاتر از بلوار میرداماد اعلام شده است و بر اساس گزارش های دریافتی کارگران مشغول بازکردن داریست های محافظ یک ساختمان سه طبقه قدیمی در حال تخریب بودند که ناگهان بخشی از ساختمان از قسمت بالکن ها تخریب شده و بر سر سه تن از آنان ریخته است .

گزارش ها حاکی است که بر اثر این رخداد سه کارگر در زیر خروارها سنگ و خاک محبوس شدند و آتش نشانان عملیات خود برای خروج این افراد از زیر آوار را آغاز کرده و پس از مدتی، سه کارگر (یک کارگر افغان و دو ایرانی) که حدود ۳۵ سال سن داشتند را از زیر آوار خارج و به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند. عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه پس از بررسی علائم حیاتی مرگ این سه کارگر را تایید و اعلام کردند .

سختگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در خصوص علت نصب داریست در نمای این ساختمان نیز گفت: پیش از این، حدود شش ماه این ساختمان در حال تخریب بود که بخشی از آن ریزش کرده و دو کارگر در آن محبوس شده بودند که آتش نشانان در آن حادثه این دو کارگر را زنده از زیر آوار خارج کردند .

وی با بیان اینکه پس از این حادثه حدود شش ماه عملیات تخریب متوقف شده بود اظهار کرد: به منظور تامین ایمنی عابران در نمای این ساختمان از داریست استفاده شده بود که پس از طی مراحل قانونی و دریافت مجوز تخریب، کارگران مشغول انجام ادامه تخریب این ساختمان فرسوده و بازکردن داریست ها بودند که این حادثه رخ داد .

ملکی علت این حادثه را بی احتیاطی و عدم رعایت اصول ایمنی در بازکردن داریست ها اعلام کرد و گفت: بهتر بود با توجه به فرسوده بودن ساختمان، کارگران پیش از بازکردن داریست بار وارد بر

اسکلت‌های ساختمان را کمی سبک‌تر می‌کردند.

مرگ مقنی جوان در عمق ۱۵ متری چاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: کارگری ۳۰ ساله در عمق ۱۵ متری چاه بر اثر برق گرفتگی جان باخت.

به گزارش ایلنا، این حادثه ظهر دیروز در خیابان دروس، خیابان هدایت تهران رخ داد و طبق بررسی‌های اولیه نیروهای امدادی مشخص شد کارگری در محل گودبرداری یک خانه کارگری در حال حفر چاه بوده که همکارانش به دلیل اینکه او فعالیت خود را ناگهانی قطع کرده بود به موضوع مشکوک شده و به سازمان آتش نشانی اطلاع داده بودند.

بنا بر گزارش‌های دریافتی، آتش نشانان با ایمن سازی محل، کارگر ۳۰ ساله را از چاه خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند که آن‌ها مرگ او بر اثر برق گرفتگی را تأیید کردند.

سخت‌گوی سازمان آتش نشانی پس از وقوع این حادثه به پیمانکاران هشدار داد: هنگام حفر چاه از مقنی‌های حرفه‌ای استفاده کرده و اجازه ندهند آن‌ها با تجهیزات ناایمن وارد چاه شوند زیرا خاک نم دار بوده و احتمال برق گرفتگی وجود دارد. همچنین هنگام استفاده از تجهیزات روشنایی نیز از وسایل ایمن و تجهیزات استاندارد استفاده کنند.

محمد جراحی تحت معالجه درمانی قرار گرفت

برپایه خبر دریافتی در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: محمد جراحی از فعالین شناخته شده در شهر تبریز و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری، به سرطان غده تیروئید مبتلا شده و جانش در خطر است و نیاز به درمان فوری دارد. این خبر موجب نگرانی خانواده وی، دوستان و همکارانش و همگان شده بود. خوشبختانه در آخرین گزارش منتشر شده از سوی کمیته پیگیری که با وی و خانواده محمد جراحی دیداری داشته اند، با خبر شدیم که وی در بیمارستان "امام رضا" در تبریز تحت عمل جراحی قرار گرفته و سرطانش خوش خیم بوده و خطر رفع شده است. اکنون او تحت نظر بیمارستان بسر میبرد و تیم پزشکی معالجش قرار است در ۲۶ فروردین ماه جلسه کمیسیون پزشکی داشته باشند.

گفتنی است که جانباختن اسلامی زندانیان سیاسی را حتی در دوران معالجه و درمان نیز زیر نظر و پیگیری خود قرار میدهند. بنا بر خبر کمیته پیگیری پزشکی قانونی زندان جمهوری اسلامی به خانواده محمد جراحی اعلام کرده است که دوره درمان و معالجه او بر عهده و تشخیص تیم پزشکی بیمارستان "امام رضا" است و دوره قرنطینه او با نظر پزشکان معالج او در بیمارستان و یا در منزل خواهد بود.

محمد جراحی در خرداد ماه سال گذشته در سال گذشته به همراه شاهرخ زمانی که ۱۱ سال حکم زندان گرفته است، دستگیر و به ۵ سال حبس محکوم گردیده است. جرم او و شاهرخ زمانی همچون همه کارگران زندانی مبارزه برای حقوق کارگران و داشتن یک زندگی انسانی است. محمد جراحی، شاهرخ زمانی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

۱۸ فروردین ۹۳، ۷ آوریل ۲۰۱۳

هشدار نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال: ورود بیش از ۶۰ هزار تن چای «غیر قابل شرب» به بازار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۸ فروردین ۹۲ آمده است: کلمه نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال از ورود بیش از ۶۰ هزار تن چای «غیر قابل شرب» به بازار خبر داد که در بازه سال‌های ۷۴ تا ۷۶ در داخل کشور تولید شده‌اند.

پرویز شعبانی در این باره به ایلنا گفت: ۶۰ هزار تن چای غیر قابل شرب که در بازه سال‌های ۷۴ تا ۷۶ تولید شده بود و در انبار سازمان تعاون روستایی در گیلان نگه داری می‌شد با تلاش مدیران و فعالان سابق صنعت چای وارد بازار شده است.

وی تصریح کرد: اگر از زمان تولید چای بیش از ۳ سال بگذرد آن را به عنوان کود مزارع استفاده می‌کنند.

شعبانی با اشاره به پیامدهای زیان بار واردات چای «غیر قابل شرب» بر شغل چای‌کاران، بیان کرد:

ورود این حجم از چای به بازار با توجه به گذشت بیش از ۱۰ سال از زمان تولید آن و کیفیت نامطلوبش، اندک رغبت باقی مانده میان مردم به چای تولید داخل را از بین می‌برد و پیامدهای زیانبار طولانی مدتی را برای کارگران صنعت چای رقم می‌زند.

نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال در پایان اظهار داشت: به طور کلی مصرف سالانه چای کشور بیش از ۱۲۰ هزار تن است که ۲۰ هزار تن آن در داخل تولید می‌شود و مابقی وارد می‌شود. از ۱۲۰ هزار تن وارد شده، نیمی به صورت قانونی و نیم دیگر به صورت غیر قانونی وارد می‌شود که مردم انتظار دارند پشت پرده این حجم از واردات غیر قانونی برای آن‌ها مشخص شود.

آزادی وفا قادری، حامد محمودنژاد و خالد حسینی با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومان

بر پایه گزارش انعکاس یافته در سایت کمیته هماهنگی... در تاریخ ۱۹ فروردین ۹۲ آمده است: به گزارش رسیده امروز ۱۹ فروردین ۳ نفر از اعضای بازداشتی کمیته ی هماهنگی در سنج در میان استقبال خانواده ها، فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری آزاد شدند.

بنا به این گزارش وفا قادری، حامد محمودنژاد و خالد حسینی با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند. همچنین برای بهزاد فرج الهی نیز ۵۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شده است که هنوز کارهای اداری مربوط به نامبرده انجام نشده است. هنوز از وضعیت غالب حسینی و علی آزادی خبری در دست نیست.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن تبریک آزادی وفا قادری، حامد محمودنژاد و خالد حسینی به خانواده های این عزیزان و کارگران، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط غالب حسینی، علی آزادی و بهزاد فرج الهی و همچنین دیگر کارگران و فعالین و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-۱۹ فروردین ۱۳۹۲

عناوین هفته کارگر سال ۹۲ مشخص شدند

در جلسه صبح امروز ستاد بزرگداشت هفته کارگر سال ۹۲، عناوین و برنامه‌های پیشنهادی ایام هفته کارگر امسال مطرح شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، جلسه ستاد بزرگداشت هفته کارگر صبح امروز با حضور نمایندگان تشکلهای صنفی کارگری، نهادهای کارفرمایی و دستگاه‌های اجرایی دولتی در محل تشکیلات خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

براین اساس در سال ۹۲، سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، مراسم هفته کارگر از روز پنجشنبه، پنجم اردیبهشت آغاز و تا روز چهارشنبه یازده اردیبهشت ماه ادامه خواهد یافت. براساس تصمیم ستاد بزرگداشت هفته کارگر، در سال ۹۲ ایام هفته کارگر با عناوینی چون «کارگران و تجدید میثاق با امام (ره) و ولایت، کارگران و معنویت، کارگران و امنیت شغلی، کارگران زن، کارگران و تشکلهای، کارگران و پیشکسوتان و روز جهانی کارگر نامگذاری شده‌اند. در این نشست نمایندگانی از تشکلهای صنفی کارگری کانونهای انجمنهای صنفی کارگری ایران، تشکیلات خانه کارگر، اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی، اتحادیه زنان کارگر، انجمن صنفی رانندگان و اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری حضور داشتند.

همچنین در جلسه امروز ستاد بزرگداشت هفته کارگر علاوه بر معاونت روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نمایندگانی از وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی چون صنعت، معدن و تجارت، ورزش و جوانان، صدا و سیما، شهرداری تهران نیز شرکت داشتند.

علاوه بر این در جلسه امروز نمایندگانی از دو تشکیلات کارفرمایی کانون کارفرمایان و خانه صنعت، معدن و تجارت نیز حاضر بودند.

پایان پیام

کانون شوراهای کار تهران علیه دستمزد شکایت می‌کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 19 فروردین 92 آمده است: دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران از تصمیم تشکل متبوعش برای اعتراض به مصوبه دستمزدهای سال ۹۲ شورای عالی کار خبر داد.

به گزارش «ایلنا»، حسن حبیبی گفت: کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در نخستین جلسه امسال خود تصمیم گرفت تا از طریق مراجع قانونی نسبت به نحوه افزایش مزد کارگران برای سال ۹۲ اقامه دعوی کند.

این مقام کارگری گفت: این شکایت حقوقی از طریق دیوان عدالت اداری علیه مصوبه سال گذشته شورای عالی کار و با عنوان «رعایت نشدن اجرای ماده ۴۱ قانون کار در تعیین مزد سال ۹۲» مطرح خواهد شد.

دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد که تشکل متبوعش تلاش خواهد کرد تا با رای دیوان عدالت اداری از طریق قانونی مصوبه دستمزد سال ۹۲ شورای عالی کار را ابطال کند.

به گفته حبیبی شاکیان این پرونده قصد دارند تا با ابطال مصوبه شورای عالی کار علاوه بر تشکیل دوباره جلسه تعیین مزد شورای عالی کار، قوانین مربوط به نحوه برگزاری و تشکیل این جلسات را نیز به حالت سابق باز گردانند.

خاستگاه اعتراض

پیش از این در شامگاه روز ۲۱ اسفند ماه سال ۹۱، اعضای شورای عالی کار در چهارمین جلسه تعیین مزد خود در مورد نحوه افزایش دستمزدهای سال ۹۲ تصمیم گیری کردند.

در این جلسه که آخرین جلسه شورای عالی کار در سال ۹۱ بود حداقل مزد کارگران با ۲۵ درصد افزایش به ۲۸۷ هزار تومان افزایش پیدا کرد.

از آن زمان این مصوبه شورای عالی کار با انتقادات و اعتراضات فراوانی از سوی کارگران شاغل و بازنشسته همراه شد.

به باور منتقدان، پایین نگهداشتن قدرت خرید کارگران نتیجه تغییر آیین نامه برگزاری جلسات شورای عالی کار از سوی دولت و عدم استقلال واقعی تشکلهای صنفی کارگری بوده است.

در سالهای پایانی دهه ۸۰ خورشیدی، دولت در اقدامی بی سابقه ساختار سه جانبه شورای عالی کار را تغییر داد و با اضافه کردن ۲ عضو دولتی به ترکیب اعضای دولتی این شورا باعث شد تا سه جانبه گرایی در این شورای عالی نقض شود.

تعیین مزد کارگران مشمول قانون کار یکی از وظایف شورای عالی کار است که به موجب ماده ۱۶۷ قانون کار با حضور سه عضو کارگری، کارفرمایی و دولتی تشکیل شده است.

شکایت کارگران پتروشیمی بندر امام علیه مزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 19 فروردین 92 آمده است: عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام از ارسال شکایت نامه این تشکل کارگری به دیوان عدالت اداری در اعتراض به رقم مصوب مزد سال ۹۲ خبر داد.

به گزارش «ایلنا»، گفت: در یک ماهی که از شروع به کار اتحادیه می گذرد، مهمترین اقدام صورت گرفته تا به امروز، تنظیم شکایت نامه در اعتراض به حداقل مزد سال ۹۲ است که هم اکنون به دیوان عدالت اداری ارسال شده است.

وی تصریح کرد: اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام سعی دارد تا با فعالیت در چارچوب قانون به احقاق حقوق اساسی کارگران بپردازد.

این فعال کارگری در توضیح روند تشکیل این تشکل کارگری بیان کرد: یک سری مشکلات اساسی در رابطه با حقوق اولیه کارگران در منطقه ماهشهر و بندر امام وجود داشت و همچنان وجود دارد که نیاز به ایجاد یک تشکل کارگری مستقل را ضروری جلوه می‌داد.

ملکوتی با اشاره به «قوانین مربوط به مناطق آزاد» که «عموماً به زیان کارگران است» افزود: قوانین مناطق آزاد فرد یا تشکلی به عنوان نماینده کارگر را قبول دارد اما مسئولان دولتی و کارفرمایان پیش از تشکیل اتحادیه، ما را به عنوان نمایندگان کارگری به رسمیت نمی‌شناختند و به فعالان کارگری منطقه در حد رابط میان کارگر و کارفرما یا کارگر و اداره کار نگاه می‌کردند.

او ادامه داد: این موضوع ما را بر آن داشت تا با نمایندگان منطقه صحبت کنیم و اساسنامه‌ای بنویسیم و انتخاباتی را برگزار کنیم که سرانجام در ۱۲ اسفند ماه سال گذشته، اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام رسماً کار خود را آغاز کرد.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در پایان با اشاره به مخالفت‌های صورت گرفته با تشکیل اتحادیه کارگری در منطقه ماهشهر و بندر امام بر مصمم بودن اعضای این تشکل کارگری برای ادامه فعالیت‌ها در چارچوب قانون تأکید کرد.

عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و عیدی و پاداش کارگران توسط شرکت پیمانکاری معتبر در سندج

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در ۱۹ فروردین ۹۲ آمده است: شرکت "معتبر" پیمانکار احداث تونل داخل شهری سندج دستمزد ها، پاداش و عیدی سه ماه آخر سال ۱۳۹۱ کارگران شاغل در این شرکت را نپرداخته است.

به گزارش تارنمای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کارفرمایان شرکت مذکور با گماردن شخصی به نام مهدویان به عنوان مدیر پروژه هایش در کردستان به استثمار شدید کارگران پرداخته و هر گونه اعتراض کارگران را با اخراج پاسخ می دهد. کارگران سد ژاوه نیز تاکنون با چندین نوبت اخراج و بیکار سازی مواجه بوده اند.

شایان ذکر است که در حال حاضر ۴۰ کارگر در پروژه احداث تونل شهری خیابان سیروس سندج به طور شبانه روزی مشغول به کار هستند.

حداقل حقوق کارمندان ۴۹۰ هزار تومان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در ۱۹ فروردین ۹۲ آمده است: بر اساس تصویب‌نامه ضریب حقوق سال ۱۳۹۲ کارکنان شاغل و بازنشسته مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری، حداقل حقوق کارمندان ۴۹۰ هزار و حداکثر سه میلیون و ۴۳۰ هزار تومان است.

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۱/فروردین/۱۳۹۲ به استناد ماده (۵۰) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹- و ماده (۷۶) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ - تصویب نمود:

بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷) و (۸) تصویب‌نامه شماره ۲۶۲۷۵۷/ت۴۹۰۴۰-هـ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ به شرح زیر اصلاح می‌شوند:

۲- ضریب حقوق شاغلان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری برای سال ۱۳۹۲ به میزان هزار و شش (۱۰۰۶) ریال تعیین می‌شود.

۳- ضریب حقوق کارمندان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت (از جمله کارمندان وزارت اطلاعات و شاغلان پست‌های سیاسی وزارت امور خارجه) برای سال ۱۳۹۲ به میزان هزار و شش (۱۰۰۶) ریال تعیین می‌شود.

۴- ضریب حقوق بازنشستگان موضوع بند (ج) ماده (۵۰) قانون برنامه پنجم توسعه برای سال ۱۳۹۲ به میزان هزار و شش (۱۰۰۶) ریال تعیین می‌شود.

- 5 - حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران و مشترکان صندوق‌های بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح و سایر صندوق‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی در سال 1392 به میزان بیست و پنج درصد نسبت به سال 1391 افزایش می‌یابد.
- 6 - حداقل حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر (شاغلان) موضوع تبصره ماده (76) قانون مدیریت خدمات کشوری برای کارمندان دستگاه‌های اجرایی مشمول این قانون و سایر مشمولان ماده مذکور به استثنای مشمولان بند (8) این تصویب‌نامه در سال 1392 به میزان چهار میلیون و نهصد هزار (4.900.000) ریال و حداکثر حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر این قبیل کارمندان هفت برابر حداقل حقوق مذکور در این بند تعیین می‌شود.
- 7- حداقل حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران و مشترکان صندوق‌های بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح و سایر صندوق‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی به میزان چهار میلیون و نهصد هزار (4.900.000) ریال تعیین می‌شود.
- 8 - حداقل حقوق کارمندان مشمول بند (3) این تصویب‌نامه در سال 1392 به میزان سه میلیون و سیصد و بیست هزار (3.320.000) ریال و حداکثر حقوق این قبیل کارمندان هفت برابر حداقل حقوق مذکور در این بند تعیین می‌شود.

زیان کارگران از حذف نظارت تعاونی‌ها بر ساخت مسکن مهر

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 19 فروردین 92 آمده است: رییس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران «فلزکار مکانیک» از حذف تعاونی‌ها از چرخه نظارت بر ساخت مسکن‌های مهر، که مهمترین عامل تعلل در واگذاری این واحدها به این کارگران و سایرین شده است، انتقاد کرد.

مازیار گیلانی با اشاره به اینکه حذف تعاونی‌ها از چرخه نظارت، علتی جز جلوگیری از فروش سهمیه تعاونی‌ها بصورت آزاد نداشته است، گفت: نتیجه تلاش شرکت [...] برای حذف تعاونی‌ها از چرخه نظارت و پی گیری مراحل ساخت پروژه ها، سرگردانی اعضا بوده است.

او افزود: سال 91 هم به پایان رسید ولی هنوز پروژه‌هایی که قرار بود در 30 شهریور امسال تحویل تعاونی کارگران فلزکارمکانیک داده شود به 30 خرداد سال 92 موکول شده است.

گیلانی‌نژاد در این زمینه اضافه کرد: پروژه «هسا» یک در فاز 6 پرند بدلیل نداشتن لوله کشی آب فاضلاب قابل تحویل نیست و در مراحل ساخت تعدادی دیگر از واحدهای این بلوک (از اردیبهشت ماه سال گذشته) نیز هیچ پیشرفتی دیده نمی‌شود.

این عضو هیئت مدیره تعاونی مسکن کارگران فلز کار مکانیک همچنین اظهار داشت: با توجه به قراردادهایی که اعضای این تعاونی با شرکت عمران پرند منعقد کرده‌اند، قرار بود تا تاریخ 30 آذر 91 همه واحدها به اعضای این تعاونی تحویل داده شود که مجدداً این موضوع به 30 خرداد سال جاری موکول شده است.

گیلانی‌نژاد پاسخگویی نامناسب به مراجعین، تغییر چند باره روند گزینش، دریافت مدارک و عدم پاسخگویی را از دیگر مشکلات متقاضیان تعاونی‌های مسکن این شهر دانست و تصریح کرد: این عمل غیر مسئولانه شرکت عمران شهر جدید پرند هم باعث سردرگمی اعضای تعاونی‌ها و هم اعضای هیئت مدیره این تعاونی‌های کارگری شده است.

او در این باره اضافه کرد: اطلاع رسانی بسیار دیر هنگام، هزینه چندباره استعلام، آوردن تعهدات دوباره محضری، نامه از تعاونی و درخواست اینکه مدیران عامل برای هر کار کوچکی باید در شهر پرند حاضر شوند، نشان از چرخه معیوب اداری دارد.

رییس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک در ادامه با بیان اینکه اجرای پروژه‌های مسکن مهر از سوی دولت با هدف خانه دار کردن اقشار کم درآمد وضعیت جامعه طراحی شده بود، گفت: متأسفانه چرخه کاغذ بازی‌ها در روند دریافت مسکن در شهر پرند بسیاری از متقاضیان را در طی مسیر دریافت، منصرف کرده است.

او در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از افزایش قیمت این واحدها از سوی دولت گفت: بسیاری از خانواده‌ها که حتی فرش زیر پای خود را برای فراهم کردن اقساط پیش پرداخت این مسکن‌ها فروخته‌اند با درخواست چند میلیون تومانی مازادی که از متقاضیان شده است زندگی را سخت‌تر می‌گذرانند.

به گفته گیلانی‌نژاد تعداد زیادی از این خانوارها با این افزایش قیمت‌ها دچار آسیب شده و در تهیه مازاد پرداختی که دولت به بهانه افزایش قیمت‌ها از آنان طلب کرده است، نگران شده‌اند.

او همچنین عنوان کرد: متأسفانه روند درازمدت تحویل مسکن در شهر پرندها، از ابهام است و مضاف بر این، دور جدید افزایش قیمت‌ها مطمئناً در ماه‌های آتی گریبان خانواده‌های کارگری را خواهد گرفت.

گیلانی‌نژاد در خاتمه با بیان اینکه اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک ۷۰ درصد پول خواسته شده خود را پرداخت کرده‌اند، گفت: پیمانکاران و همچنین شرکت عمران پرنده مدعی هستند برای تکمیل پروژه‌ها دچار کمبود منابع مالی هستند و تورم باعث افزایش قیمت مصالح شده است.

محاسبه تصاعدی مالیات کارگران غیر رسمی وزارت نفت

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۹ فروردین ۹۲ آمده است: مالیات کارگران قراردادی و پیمانی کارخانه‌های پتروشیمی منطقه ماهشهر و بندر امام به صورت تصاعدی محاسبه می‌شود که به ۳۰ درصد هم می‌رسد در حالی که مالیات کارکنان رسمی وزارت نفت حداکثر ۱۰ درصد است.

ادامه تجمع در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری در سنج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در ۱۹ فروردین ۹۲ آمده است: روز یکشنبه ۱۸ فروردین جمعی از کارگران و فعالین کارگری بار دیگر در اعتراض به بازداشت اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در مقابل دادگستری استان کردستان در سنج تجمع کردند. به گزارش تارنمای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، حاضرین با نشستن در مقابل دادگستری خواهان پاسخگویی فوری مسئولین قضایی استان در رابطه با پرونده بازداشت شدگان شدند. در ادامه یکی از مامورین امنیتی حاضر در محل دادگستری وارد جمع حاضرین شده و از آنها خواست تا یکی از اعضای خانواده بازداشت شدگان به عنوان نماینده با دادستان کل آقای جوهری دیدار کند. در این دیدار دادستان قول داد پرونده بازداشت شدگان فردا به دادگستری ارجاع داده می‌شود. بعد از صحبت با دادستان بنا به درخواست خانواده بازداشت شدگان حاضرین با کف زدن محل دادگستری را ترک کرده و اعلام داشتند که فردا نیز همچون روزهای قبل به این محل مراجعه خواهند کرد.

بر اساس این گزارش در حدود ساعت ۱۳:۳۰ امروز پرونده ۴ نفر از فعالین کارگری در بند به نامهای بهزاد فرج الهی، حامد محمودنژاد، وفا قادری و خالد حسینی به دادگستری ارجاع داده شد اما هنوز از وضعیت دو فعال کارگری دیگر به نامهای علی آزادی و غالب حسینی خبری در دست نیست.

دریافت مالیات غیر قانونی از کارگران دریایی KSL

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۹ فروردین ۹۲ آمده است: از دریافت مالیات غیر قانونی از کارگران دریایی KSL گزار شداد. بنابهمین گزارش، شرکت تامین نیرو KSL در اقدامی غیر قانونی از پرسنل خود مالیات کسر می‌کند در حالی که هیچ گونه مالیاتی به دولت پرداخت نمی‌کند. این گزارش می‌فزاید، بنابه تصمیم دولت دوم احمدی نژاد، شرکت‌هایی که از تهران خارج می‌شوند و به منطقه آزاد کیش می‌روند به شرط اشتغالزایی از مالیات معاف شوند. شرکت تامین نیرو KSL مشمول این وضعیت شده است. اگر شرکت تامین نیرو KSL از پرداخت مالیات به دولت معاف است به چه دلیلی باید از کارگران مالیات کسر شود؟ چنین اقدامی غیر قانونی است.

مرگ کارگر رشتخواری در اثر سقوط به کوره آجرپزی

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ ۱۹ فروردین ۹۲ آمده است: رییس امداد و نجات جمعیت هلال احمر رشتخوار گفت: یک کارگر ساده روز گذشته بر اثر بی احتیاطی به مخزن مواد نفتی کوره آجرپزی سقوط کرد و در دم جان باخت.

برپایه این گزارش از منطقه خراسان رضوی، علی حسین‌زاده با بیان این مطلب خاطرنشان کرد: این کارگردر حین کار بر اثر فرمان دادن به راننده کامیون حامل خاک به نزدیکی کوره همزمان با فرورفتن این کامیون به مخزن، کارگر نیز به مخزن سقوط کرد. وی ادامه داد: این فرد 45 سال سن داشت و در کوره آجرپزی جاده رشتخوار، حوالی روستای عباس آباد فرامیشان جان خود را از دست داد و نیروهای امداد جاده جمعیت هلال احمر و آتش نشانی رشتخوار جنازه وی را از کوره در آورده و جهت سیر مراحل قانونی به سردخانه منتقل شد.

جان باختن دو برادر بر اثر گازگرفتگی در یک مرغداری تربت جام

به گزارش پایگاه خبری پلیس، در تاریخ 19 فروردین 92 آمده است: بر اثر عدم رعایت اصول ایمنی در استفاده از وسایل گرمایشی، متأسفانه شب گذشته در روستا موسی آباد تربت جام خراسان رضوی دو برادر دچار گاز گرفتگی شده و جان خود را از دست دادند. براساس این گزارش، ماموران پاسگاه انتظامی موسی آباد پس از مراجعه یکی از اهالی روستا و اعلام خبر مبنی بر فوت دو برادر بر اثر گازگرفتگی در یکی از مرغداری های حاشیه روستا، بلافاصله اکیپ گشت پاسگاه به محل اعزام شدند. مشاهدات ماموران حکایت از آن داشت که دو برادر به نام های براتعلی 34 ساله و مهدی 27 ساله که در مرغداری مشغول به کار بودند هنگام خواب بر اثر استنشاق گاز منو اکسید کربن به دلیل استفاده از دودکش و کلاهی غیر استاندارد و مسدود بودن مجاری و منافذ ورودی و خروجی هوا دچار گازگرفتگی شده و جان خود را از دست دادند.

وخامت حال یک کارگر ساختمانی بدنبال سقوط از يك آپارتمان پنج طبقه در سقز

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ 19 فروردین 92 آمده است: بنقل از رئیس مرکز فوریت های پزشکی 115 شهرستان سقز، از سقوط کارگری 25 ساله از يك آپارتمان پنج طبقه در حال احداث در محله جاقل شهر سقز خبر داد. علیرضا تمیمی درباره این حادثه گفت: يك کارگر 25 ساله به نام وفا معین دوست در حین کار در طبقه پنجم یک ساختمان در حال ساخت به پائین سقوط کرد و دچار شکستگی شدید تمام اعضای بدن شد. وی در ادامه افزود: با انتقال این کارگر مصدوم به بیمارستان امام خمینی سریعاً به اتاق عمل انتقال و پس از چند مورد عمل جراحی نامبرده برای مداوای بیشتر به بیمارستان بعثت سقز اعزام شد. وی حال این کارگر را بسیار وخیم اعلام کرد.

وضعیت وخیم کارگران کشتیرانی ایران

به گزارش فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ 19 فروردین 92 آمده است: شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران یا IRISL تا سال ۱۳۸۹ دارای حدود ۱۵۰ فروند کشتی اقیانوس پیما بوده است که در حال حاضر دارای ۱۰۰ فروند کشتی می باشد. تعداد پرسنل فعال روی کشتی حدود چهار هزار نفر استخدامی و قراردادی و بطور متوسط ۷۰۰۰ ملوان و افسر و کارمند در خشکی و در شعب مختلف این کمپانی در دنیا مشغول به کار می باشند. بیشتر کشتی ها باید حدود ۳۵ نفر خدمه و در حالت Lade off داشته باشد قرار دارند. که در حال حاضر ۱۴ پرسنل می باشند هم اکنون که بیشتر این کشتی ها در بنادر چین و ایران قرار داشته و فاقد (Provesion) یا کمبود آب و غذا و تدارکات می باشند. دستمزدها به دلار بوده که به حساب کارکنان قراردادی حدود شش ماه است که تزیق نشده است و در صورت نیاز کارکنان باید دستمزد خود را به دلار ۱۴۴۰ تومانی دریافت کنند. به علت پایین بودن سطح دستمزدها نارضایتی گسترده ای در بین کارکنان مشهود است. البته این موضوع سراسری در کل شرکت های تجاری دنیا می باشد که از هر ۱۰۰ فروند کشتی ۲۰ فروند فعال هستند. کشتی ها براساس اندازه بزرگی با معیار عبور از کانال پاناما هستند ایران دارای ۸ کشتی بزرگ فوق عظیم یا افراماکس Aframax می باشد. این کشتی ها قادرند سالها کار بکنند از نظر رده بندی جوان بودن کشتی های ایران در رده سوم کمپانی های کشتی جهان است. بدبختانه با توجه به سیاست گذاری غلط تجاری و به بهانه تحریم کشتی های ایران به جای حمل کالا و غلات در حال

حاضر خاک از ایران به کشورهای خلیج فارس مخصوصاً خاک منطقه خراسان را حمل کرده . و به کشورهایمانند قطر و کویت و ... در خلیج فارس می فروشند . دلیل آن نفوذ ناپذیری این نوع از خاک در مقابل آب می باشد که این خاک را در جهت ساخت سد و یاپایه های پل یا گسترش اسکله های کاربر دارد . حتی اگر پس از پایان جنگ تجای که ایران بنام تحریم اقتصادی معروف شده است . جهت آماده سازی این کشتی های تازه جهت بارگیری یعنی زنگ زدن و رسوب حداقل ۵ ماه باید به حوضچه خشک یا draydag زمان می برد سیستم حمل و نقل در حال حاضر فرسوده و پرسنل برای ارتقای درجه افسری که توسط سازمان کشتیرانی رده بندی می شود . - سازمان بنادر و دریانوردی - بطور مثال از ۳۰۰ نفر امتحان ورودی دوره اردیبهشت ۹۱ خروجی کمتر از ۲۵ نفر بود . آنهم به علت نیاز نداشتن کشتی های باری و نفتکش به متخصص در حالیکه به جای پرسنل داخلی از پرسنل روسی - هندی - فلیپینی و اوکراینی با دستمزد بالاتر به دلار استفاده می کنند . به دلیل سیاست های ضد کارگری کشتیرانی و نفتکش Mitc ، کشتی های نفتکش فوق عظیم هم وضعیت بهتری از کشتی های باری ندارد . اکثر این کشتی های فوق عظیم نفتی در اطراف بندر خارک سرگردان و بدون بارگیری هستند .

لازم به ذکر است در سال ۸۵ حدود ۶۳ درصد سهام کشتی رانی به قیمتی نازل به تامین اجتماعی فروخته شد . بهر حال مهمترین مسئله وضعیت وخیم امنیت شغلی کارکنان شرکت کشتی رانی جمهوری اسلامی می باشد .

لازم به ذکر است که اسفند سال ۹۱ بیشتر ملوانان قراردادی در هتل بندرعباس اطراق کرده و هر روز نومیدانه بدنبال کار می روند بگونه ای که حتی در نوروز ۹۲ به دیدار خانواده خود نرفتند و بدروغ به خانواده هایشان گفتند که در کشتی و در ماموریت بسر می برند . آنان سرمایه داری و در اصل نظام گندیده سرمایه داری را عامل تمام فلاکت و بدبختی خود می دانند. این گزارش را ما در بندرعباس و از ملوانان بیکار ضد سرمایه داری تهیه کردیم

نگرانی از وضعیت زندانی سیاسی نامق محمودی

بر طبق اخبار رسیده، یک زندانی سیاسی به نام نامق محمودی، اهل سقز، عصر روز دوشنبه نوزدهم فروردین، از بند ۴ و سالن دوازده ۱۲ زندان رجایی شهر کرج به بیمارستان فارابی اعزام شده است. ایشان از مشکل آب مروارید رنج می برد، و قرار بوده برای آزمایش به بیمارستان مذکور برود تا سپس جراحی بر روی چشم او انجام شود . ایشان از پوشیدن لباس مخصوص زندانیان خودداری کرده ولی بعد با زور به او لباس مخصوص زندان پوشانده اند و با دستبند و پابند او را به بیمارستان فارابی منتقل کرده اند. دکتر پس از معاینه وی گفته است که شما بینایی چشم راست را از دست داده ای و کار از کار گذشته و ما نمی توانیم هیچ کاری انجام دهیم. بایستی مدت ها قبل شما را اعزام می کردند، و اکنون مانده بینایی چشم چپ که اگر آن هم زود عمل نشود بینایی آن هم از دست می رود . وقتی نامبرده را به زندان بر می گردانند در بازرسی زندان او را لخت می کنند و علی رغم اعتراض ایشان با زور او را مورد بازرسی بدنی قرار می دهند و بعد به داخل زندان می فرستند. نامق محمودی شصت و سه سال دارد. او هفده فروردین ۹۱ دستگیر شده، بیش از نه ماه در اداره اطلاعات سقز، سنندج و ۲۰۹ اوین بوده، و تقریباً سه ماه و هفده روز است که به زندان رجایی شهر منتقل شده است. اتهام او محاربه به دلیل همکاری با یکی از احزاب گردی است. کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

قتل عامل زندانیان توسط جمهوری اسلامی ادامه دارد !!!

رژیم اسلامی ایران زندانیان سیاسی و حتی زندانیان عادی را تحت شکنجه و یا از روش های مختلف سیستماتیک و عمدی در زندان ناقص و بیمار می کند و سپس از طریق پیش روی بیمارها و همچنین با ایجاد مانع واخلال در مداوای بیمارهای فوق زندانیان را می کشد این قتل عمد به شکل غیر مستقیم است، یعنی جمهوری اسلامی همچنان طرحهای جنایت علیه بشریت را بی وقفه ادامه می دهد هنوز دو روز از قتل کرمی خیر آبادی توسط عاملین جمهوری اسلامی نگذشته است مشکلات نامق محمودی شروع شده است .

اگر مدافعان حقوق انسانی داخلی و بین المللی از جمله کارگران ، کمونیست ها ، نهاد های کارگری ، احزاب و سازمانها و نهادهای حقوق بشری در این رابطه اقدامات فوری انجام ندهند شاهد

جنايات بيشترى عليه بشريت توسط سران و آمرين و عاملين اين نظام ارتجاعى و ضد انسانى خواهيم بود .
ما از نهادها ، سازمانها و احزاب ايرانى و جهانى مى خواهيم هرچه سريعتر و گسترده و متحده عليه قتل زندانيان اعتراضات مداوم و گسترده اى سازمان بدهند.

پيش بسوى اتحاد بيشتر، براى فشار بيشتر !!!
پيش بسوى اعتراضات گسترده و متحده با شعار :
كارگر زندانى، زندانى سياسى آزاد بايد گردد!

کميته حمايت از شاهرخ زمانى
۱۹/۱/۱۳۹۲

انفجار در کارگاه شيرينى پزى و قطع شدن دست کارگرى

به گزارش خبرگزاري دولتى مهر، در تاريخ 19 فروردين 92 آمده است : سخنگوى سازمان آتش نشانى تهران از انفجار در کارگاه شيرينى پزى و قطع شدن دست کارگرى در اين حادثه خبر داد. جلال ملكى در تشریح اين حادثه گفت: ساعت 18 و 19 دقيقه امروز وقوع انفجار در يك کارگاه شيرينى پزى در شهرک وليعصر به سازمان آتش نشانى اطلاع داده شد. وي افزود: در بررسى ها مشخص شد ، يك ساختمان مسكونى تبديل به کارگاه شيرينى پزى شده بود که در زمان حادثه مالک و پنج کارگر در محل حضور داشتند. کارگر 38 ساله اى در حال سرويس دستگاه ها بود که هنگام کار با سيلندراکسيژن اين انفجار رخ داد. سخنگوى سازمان آتش نشانى خاطر نشان کرد، بر اثر شدت جراحت دست اين کارگر از ناحيه آرنج قطع شده بود که آتش نشانان با ايمىن سازى محل دست قطع شده را فريز کرده و همراه مصدوم تحويل امدادگران اورژانس دادند. ملكى افزود : در اين حادثه به ديگر کارگران آسيبى وارد نشد.

حوادث کار: قطع دست يك کارگر به علت انفجار در کارگاه شيرينى پزى

به نوشته سايت آفتاب به نقل از خبرگزاري دولتى مهردرتاريخ 20 فروردين 92 آمده است : سخنگوى سازمان آتش نشانى تهران از انفجار در کارگاه شيرينى پزى و قطع شدن دست کارگرى در اين حادثه خبر داد .
به گزارش برگزاري دولتى مهر، جلال ملكى در تشریح اين حادثه گفت: ساعت 18 و 19 دقيقه امروز وقوع انفجار در يك کارگاه شيرينى پزى در شهرک وليعصر به سازمان آتش نشانى اطلاع داده شد. در ادامه آتش نشانان ايستگاه 38 خود را به محل حادثه رساندند .
وي افزود: در بررسى ها مشخص شد ، يك ساختمان مسكونى تبديل به کارگاه شيرينى پزى شده بود که در زمان حادثه مالک و پنج کارگر در محل حضور داشتند. کارگر 38 ساله اى در حال سرويس دستگاه ها بود که بر اثر بى احتياطى هنگام کار با سيلندراکسيژن اين انفجار رخ داد .
سخنگوى سازمان آتش نشانى خاطر نشان کرد، بر اثر شدت جراحت دست اين کارگر از ناحيه آرنج قطع شده بود که آتش نشانان با ايمىن سازى محل دست قطع شده را فريز کرده و همراه مصدوم تحويل امدادگران اورژانس دادند .
ملكى افزود : در اين حادثه به ديگر کارگران آسيبى وارد نشد و آتش نشانان ساعت 18 و 55 دقيقه با پايان يافتن عمليات به ايستگاه هاى خود بازگشتند .

آزادى بهزاد فرج الهى يکى ديگر از فعالين کارگرى دستگير شده

به نوشته سايت کميته هماهنگى... در تاريخ 20 فروردين 92 آمده است : امروز 20 فروردين بهزاد فرج الهى با قرار وثيقه 50 ميليون تومانى آزاد شد و مورد استقبال پر شور کارگران و فعالين کارگرى و اعضاى کميته هماهنگى قرار گرفت.

کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی بهزاد فرج الهی به خانواده ی این عزیز و کارگران و اعضای کمیته ی هماهنگی، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط غالب حسینی و علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

شکایت اتحادیه کارگران قراردادی علیه دستمزد

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 20 فروردین 92 آمده است : رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور اعلام کرد: این اتحادیه صنفی در تلاش است با استخدام وکیل و طرح شکایت در دیوان عدالت اداری از راه قانونی نسبت به احقاق حقوق از دست رفته کارگران در مزد سال جاری اقدام کند .

فتح الله بیات با بیان اینکه دفاع از حقوق کارگران از وظایف تشکلات کارگری است، به ایلنا گفت: همه تشکلات کارگری به نمایندگی از جامعه کارگری کشور با توجه به افزایش روز افزون نرخ تورم باید نسبت به عدم تناسب افزایش دستمزدها با معیارهای قانون کار (ماده چهل و یک) از خود واکنش نشان دهند .

این فعال کارگری در ادامه با اشاره به اینکه در سال های گذشته نیز دستمزد متناسب با تورم افزوده نمی شد، افزود: با تجربه ای که کارگران در سال گذشته کسب کردند می توان پیش بینی کرد که سال جاری با تمامی سال های گذشته متفاوت است. این موضوع باعث نگرانی کارگران برای تامین معاش خانواده های شان شده است .

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور تاکید کرد: از همه کارگران بویژه کارگران قراردادی و پیمانی می خواهیم در اعتراض به این مصوبه مزدی ناعادلانه، گروهی و یا به صورت فردی به دیوان عدالت اداری شکایت کرده و از حقوق صنفی و قانونی خود دفاع کنند .

این فعال کارگری در خاتمه اظهار داشت: لحاظ نکردن سبد معیشت خانوار کارگری در محاسبات مصوبه مزدی سال 92، کارگران را در تامین هزینه ای زندگی دچار مشکل خواهد کرد از این رو در صورت عدم حمایت دولت برای جبران کسری دستمزدها، به نظر می رسد کارگران سال سختی را سپری کنند .

مرگ 2 کولبر در ماکو وبانه

به گزارش گُرپا، در تاریخ 20 فروردین 92 آمده است: در نقطه ی مرزی شهرستان ماکو یک کولبر مورد هدف گلوله ی نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران قرار گرفت و جان باخت. براساس این گزارش، چند روز پیش یک کولبر به نام "سجاد چوپانی" 30 ساله و متأهل در کوهستان های بین ماکو و بازرگان هدف گلوله نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران قرار گرفته و جان خود را از دست می دهد.

بنابهمین گزارش، روز دوشنبه نوزدهم فروردین ماه یک کولبر دیگر به نام "محمد کریم پور" در نقطه ی مرزی "سهیران بند" شهرستان بانه توسط نیروهای انتظامی حکومت اسلامی کشته شد.

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون ادامه اعتراضات به حداقل مزد مصوب

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 20 فروردین 92 آمده است : لغو مصوبه حداقل مزد و افزایش فوری دستمزدها تنها با اعتصاب و تجمعات اعتراضی ممکن و میسر است در حالیکه از اول ماه مه سال گذشته کارگران ایران در اقدامی سراسری و با امضای طوماری اعتراضی خواهان افزایش فوری حداقل مزد شدند و در ادامه هماهنگ کنندگان این طومار در مقابل مجلس شورای اسلامی و سپس در محل وزارت کار با همراهی کارگران برخی کارخانه های تهران دست به تجمع اعتراضی زدند شورای عالی کار در آخرین روزهای سال گذشته حداقل مزد را به میزان بسیار ناچیز 25 درصد افزایش داد و مبلغ 487 هزار تومان را به عنوان حداقل مزد کارگران تعیین کرد. این اقدام ننگین در باره زندگی و معیشت میلیون ها خانواده کارگری در شرایطی از سوی شورای عالی کار صورت گرفت که طی سال گذشته هزینه های زندگی به چندین برابر افزایش یافته بود و از اولین روزهای سال جدید سیر صعودی قیمتها همچنان ادامه داشته است. در مدت سه هفته ای که از آغاز سال جدید گذشته است قیمت انواع میوه چندین برابر شده است، قیمت گوشت در حال صعود

است، هزینه مسکن سر به فلک زده است، از پایان فروردین ماه قیمت نان بار دیگر افزایش پیدا خواهد کرد، افزایش قیمت حاملهای انرژی بر روی میز دولت است و هزینه سایر مایحتاج اولیه زندگی توده های مردم ایران هر دم در حال فزونی است.

تحت چنین شرایط فلاکتباری که هیچ چشم اندازی نیز برای توقف افزایش چندین برابری هزینه های زندگی در طول ماههای آینده وجود ندارد، تمامی تشکلهای دست ساز دولتی و آنانی که امضای خود را در شورایعالی کار بر پای حداقل مزد 487 هزار تومانی گذاشته اند با آغاز اولین روزهای کاری در سال جدید تبلیغات گسترده ای را در همسوئی با نارضایتی شدید ما کارگران از مزد مصوب آغاز کرده اند و بر این بستر در تلاشند تا با ترغیب کارگران به شکایت در دیوان عدالت اداری، خشم و انزجار ما از حداقل مزد مصوب را مهار کنند و با ارجاع کارگران به دالانهای دیوان عدالت اداری حداقل مزد مصوب را تا پایان سال جاری دست نخورده باقی بگذارند. اینان خود بیش از هر کسی نیک میدانند که رسیدگی به شکایات کارگری در دیوان عدالت اداری ماهها طول میکشد و تازه در صورت لغو مصوبه حداقل مزد از سوی این دیوان، ترتیب برگزاری جلسات شورایعالی کار و نتیجه گیری در این شورا چنان به درازا خواهد کشید که به ماههای پایانی سال نزدیک خواهیم شد و به این ترتیب حداقل مزد مصوب تا پایان سال دست نخورده باقی خواهد ماند و هیچ تجدید نظری در آن صورت نخواهد گرفت. این آن چیزی است که مطلوب دولت و کارفرمایان است و تشکلهای دست ساز دولتی ضمن همسوئی با نارضایتی ما کارگران، اما همراه با دولت و کارفرمایان از طریق براه انداختن موج عظیم تبلیغاتی حول شکایت به دیوان عدالت اداری در صدد تضمین آن هستند. کارگران و همکاران در سراسر کشور

معنای عملی شکایت از شورایعالی کار به دیوان عدالت اداری برای تجدید نظر در حداقل مزد چیزی جز حفظ حداقل مزد مصوب و تمکین به تحمیل فقر و گرسنگی مضاعف برای سالی دیگر بر ما کارگران نیست، نباید خود را اسیر شکایتی کنیم که تازه در صورت رای مثبت دیوان عدالت اداری به خواست مان، تحقق آن عملاً به پایان سال خواهد کشید و به این ترتیب ما کارگران ناچار خواهیم شد سالی پر از محنت و استیصال و درماندگی برای گذران زندگی را در پیش رو داشته باشیم. تنها راه برای به تمکین واداشتن دولت و کارفرمایان برای احترام گذاشتن به حرمت انسانی ما و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه اعتصاب و برگزاری تجمعات اعتراضی است، کسانی که در این مملکت حداقل مزد چهار برابر زیر خط فقر را شایسته ما کارگران میدانند باید بدانند که ما انسانیم و تن به هر ذلتی نخواهیم داد. اینان همگی در این مملکت زندگی میکنند و خود بهتر از ما میدانند که با 487 هزار تومان بویژه در مراکز استانها حتی نمیتوان آلودگی را اجاره کرد. کجای دنیا از عقب مانده ترین تا پیشرفته ترین کشورها کارگران را به بهای اجاره آلودگی بکار میگیرند که ما چنین ننگی را تحمل کنیم. ما در سال گذشته با جمع آوری سی هزار امضا نشان دادیم که قادریم نیروی خود را یکی کنیم، نشان دادیم که میتوانیم در دفاع از هستی خود دست به اعتراض بزنیم، ما اولین گامهای مهم مان را برای اعتراضی متحدانه در سال گذشته برداشتیم و امسال نیز به یقین گامهای تعیین کننده تری را از طریق اعتصاب و تجمعات اعتراضی برای رهایی از تحقیر معیشتی بر خواهیم داشت.

منزلت معیشت حق مسلم ماست

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران

عدم تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده

به گزارش وبلاگ پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده، طبق قرار قبلی امروز بهنام ابراهیم زاده از فعالان کارگری و کودک برای تمدید مرخصیش به دادستانی تهران مراجعه کرد. دادستان علیرغم بیماری شدید نیما فرزند بهنام با تمدید مرخصی وی موافقت نکرد. دادستان تهران دلیل مخالفتش با تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده را عدم موافقت وزارت اطلاعات اعلام کرد.

دادستان افزود، وزارت اطلاعات بایده ما در رابطه با تمدید مرخصی شما اطلاع می داد که تا این لحظه با ما تماس نگرفته است .

حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری برای آخرین دفاعیات در شعبه 5 بازپرسی دادگاه سنندج حاضر شدند

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 20 فروردین 92 آمده است : بر اساس گزارش رسیده، روز سه‌شنبه 20 فروردین حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری برای آخرین دفاعیات در شعبه 5 بازپرسی دادگاه سنندج حاضر شدند.

اتهام وارده به این 3 عضو کمیته ی هماهنگی، عضویت در کمیته هماهنگی است. فعالین کارگری نام برده ضمن دفاع از مواضع کمیته از عضویت خویش در کمیته ی هماهنگی نیز دفاع کرده و بر قانونی بودن کمیته ی هماهنگی پای فشاری کردند.

کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن اتهامات وارده به این فعالین، خواهان رفع هر گونه اتهام از نام بردگان و آزادی فوری و بی قید شرط غالب حسینی و علی آزادی، پدram نصرالهی و همچنین سایر کارگران و فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

عدم تحویل زمین‌های کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی قدس در خیابان غرضی اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 20 فروردین 92 آمده است : مدیرعامل شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان گفت: هنوز کارگران این شرکت موفق به تحویل زمین‌های خود در خیابان غرضی اصفهان نشده‌اند و این افراد با وجود گذشت 17 سال هنوز خانه به دوش هستند.

اصغر بیات امروز با اشاره به اینکه طی سال‌های گذشته 288 کارگر عضو شرکت تعاونی کارخانه ریسندگی و بافندگی قدس 72 هزار متر زمین را در خیابان غرضی اصفهان خریداری کرده‌اند، اظهار کرد: اما از حدود 17 سال گذشته تاکنون هنوز این زمین‌ها به این کارگران تحویل داده نشده است. وی اضافه کرد: البته پلاک زمین‌های فروخته شده به شرکت تعاونی کارخانه ریسندگی و بافندگی قدس 290 مورد بوده است.

مدیرعامل شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان با اشاره به اینکه در حال حاضر مالکیت این کارگران برای تحویل زمین‌های خیابان غرضی محرز شده است، تصریح کرد: اما هنوز کارگران این شرکت موفق به تحویل زمین‌های خود در خیابان غرضی اصفهان نشده‌اند و این افراد با وجود گذشت 17 سال هنوز خانه به دوش هستند.

وی با تاکید بر اینکه اواخر بهمن ماه سال گذشته جلسه‌ای در دادگستری اصفهان در راستای رسیدگی به پرونده زمین‌های کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان برگزار شده است، ادامه داد: ابتدای امسال نیز دو جلسه کارشناسی نیز برای مشخص شدن ادعای این کارگران برگزار شده است.

بیات با بیان اینکه در این جلسه‌ها قاضی دادگستری دستور بررسی‌های کارشناسی را برای رسیدگی به این پرونده صادر کرده‌اند، تاکید کرد: در حال حاضر نیز کارشناسان دادگستری مکلف انجام بررسی‌های مورد نیاز برای مشخص شدن خسارت‌های وارد شده به مالکان این زمین‌ها هستند.

وی افزود: میزان خسارت‌های وارد شده به کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان به دلیل عدم تحویل زمین‌های آنها در خیابان غرضی در گروی نظرات کارشناسان دادگستری است.

میزان حقوق ماهیانه مدیران و افراد دارای پست 7 برابر کارگران- مدیران ارشد واحدهای مختلف دریافتی‌هایی به مراتب بیشتر از 7 برابر نیز دارند

برپایه خبر دریافتی آمده است : میزان افزایش حقوق هر کارگر در سال جاری 97 هزار و 425 تومان و هر مدیر و فرد دارای پست 682 هزار تومان است؛ با این حال هر فرد مشمول قانون کار امسال ماهیانه حداقل 487 هزار و 125 تومان و هر مدیر نیز 3 میلیون و 409 هزار تومان دریافت خواهد کرد.

با تعیین حداقل دستمزد سالیانه کارگران و مشمولان قانون کار وضعیت افزایش دستمزدهای مدیران و افراد دارای پست شاغل در بنگاه‌ها و واحدهای مشمول قانون کار نیز مشخص می شود. هرچند میزان افزایش حقوق امسال مشمولان قانون کار و نیروهای عادی به میزان 25 درصد است، اما مدیران و افراد دارای پست برای هر ماه کار تا 7 برابر یک نیروی عادی می توانند حقوق دریافت کنند.

با اینکه حقوق کارگران و مدیران باید تفاوت‌هایی را داشته باشد، اما با این حال فاصله فعلی و تفاوت 7 برابری حقوق و دستمزد در این بخش، شکاف قابل توجهی است. با این حال، مدیران ارشد واحدهای مختلف دریافتی‌هایی به مراتب بیشتر از 7 برابر نیز دارند.

در حالی که حداقل دستمزد سال جاری میلیون ها مشمول قانون کار و کارگر شاغل در واحدهای مختلف اقتصادی 97 هزار و 425 تومان افزایش یافته است، اما این میزان برای مدیران تا 682 هزار تومان است.

با اینکه تعداد مدیران شاغل در واحدهای اقتصادی و بنگاه های مشمول قانون کار تا 10 درصد از کل نیروها برآورد می شوند، اما هر مدیر در سال جاری برای هر ماه 3 میلیون و 409 هزار تومان دریافت می کند. البته در مواردی نیز مدیران دریافتی هایی به مراتب بیشتر از ارقام یادشده خواهند داشت. با توجه به شکاف های موجود بین حقوق مدیران و کارگران، حداقل دستمزد 487 هزار و 125 تومانی امسال کارگران با دریافتی های مدیران 2 میلیون و 922 هزار تومان تفاوت دارد. منبع: مهر-20 فروردین بخش هایی از یک گزارش

عدم پرداخت 5 ماه حقوق کارکنان شهرداری هفتکل

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 20 فروردین 92 آمده است: به گزارش فارس طی تاریخ 20 فروردین از عدم پرداخت 5 ماه حقوق پرسنل شهرداری شهرستان هفتکل خبرداد.

خودکشی یکی از کارگران بیکار شده شرکت راه آهن جمهوری اسلامی (رجا)، در محل کار سابق اش

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 20 فروردین 92 آمده است: یکی از کارگران بیکار شده شرکت راه آهن جمهوری اسلامی (رجا)، صبح امروز در محوطه اداره «مولد بخار» این شرکت به زندگی اش پایان داد.

بنابهمین گزارش از شهرستان ری، «مجید.پ» کارگر سابق یکی از شرکت های پیمانکاری رجا صبح امروز (20 فروردین) در باغچه انتهای محوطه سبز اداره مولد بخار این شرکت با طناب دار دست به خودکشی زد و جان باخت.

در همین رابطه یکی از همکاران وی می گوید: صبح امروز ساعت هشت و ربع سرکار آمدم و متوجه حضور ماموران حراست در اطراف باغچه شدم. وقتی نزدیک تر رفتم «مجید» را دیدم که از طنابی که بر روی درخت محوطه سبز اداره مولد بخار آویزان شده بود خود را دار زده است.

به گفته این کارگر پیمانکاری شرکت رجا، آقای «پ» دستان خود را با کمربند از جلو بسته بوده است. وی همچنین به نامه ای اشاره کرد که در جیب آقای «پ» پیدا شده است.

یکی دیگر از همکاران این کارگر جان باخته تایید می کند: در نامه ای که در جیب «مجید» پیدا شده دلایل خودکشی او آمده است.

او ادامه می دهد: «مجید» حدود 30 سال سن داشت. دی ماه سال گذشته در جریان تعویض شرکت پیمانکاری «مه ریل» به جای شرکت پیمانکاری «هجرت گستر جهان آفرین» به دلیل آنچه «مشکوک بودن وی به اعتیاد به مواد مخدر» عنوان شد، بیکار شد.

همکار این کارگر معتقد است خودکشی آقای «مجید.پ» در اداره، حاوی پیام خاصی برای مسئولان شرکت است و در نامه مذکور به این مساله اشاره شده است.

دیگر همکار آقای «پ» با اشاره به فشار روانی ناشی از بیکاری و مشکلات خانوادگی که بر «مجید» وارد می آمده، می گوید: «مجید» در گذشته از همسرش طلاق گرفته بود و با واگذاری حضانت فرزند شش ساله به همسرش، روحیه او بیش از پیش آسیب دید.

او ادامه می دهد: مجید دو روز پیش پسر شش ساله خود را به قتل رسانده و از آن زمان متواری شده بود.

وی در ادامه از عدم امنیت شغلی کارگران این مجموعه ابراز نگرانی کرد.

عدم تحقق وعده های دولت به کارگران نی بر بعد از گذشت سه ماه از برپایی تجمع هفت روزه

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: پس از گذشت سه ماه از تجمع اعتراضی هفت روزه کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت تپه در مقابل نهاد ریاست جمهوری (که از بامداد سوم بهمن ماه تا شامگاه روز دوشنبه 9 بهمن ماه در مقابل ساختمان دولت ادامه داشت) همچنان مشکلات این کارگران به قوت خود باقی است.

یکی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با اعلام این خبر گفت: پس از گذشت حدود سه ماه از وعدهایی که مسئولان نهاد ریاست جمهوری در خصوص دریافت مطالبات صنفی به کارگران نی برداده بودند، متأسفانه مشکلات ما حل نشده است.

کارگران نی بر این مجتمع صنعتی در تجمع هفت روزه‌ای که سه ماه پیش در مقابل ساختمان ریاست جمهوری داشتند علاوه بر درخواست اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه‌ای خود شده بودند.

این کارگر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با اشاره به اینکه معوقات حقوقی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر به دو ماه رسیده است، گفت: بعد از پایان تجمع در روز نهم بهمن ماه که برای طرح مشکلاتمان به تهران آمده بودیم، مسئولان کشت صنعت کارون شوشتر به بهانه جبران کسری ساعات کار در روزهایی که در تهران تجمع کرده بودیم به مشکلاتمان افزودند، و روزهای جمعه را که تعطیل رسمی است به اجبار از ما کار می‌خواهند.

این کارگران نی‌بر کارون شوشتر در خاتمه گفت: یکی از مشکلات جامعه کارگری به ویژه کارگرانی که به کار بریدن نی‌شکر اشتغال دارند در این شهرستان این است که مسئولان دولتی هیچ گونه همکاری در جهت حمایت از حقوق مان ندارند و ما را دشمن تصور می‌کنند.

شکایت کانون شوراهای اسلامی کار البرز در رابطه با دستمزد

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: پس از گذشت ۲۰ روز از سال جدید و شکایت چهار تشکل عمده کارگری کشور به دیوان عدالت اداری، امروز رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز با اعلام شکایت این نهاد صنفی به دیوان عدالت اداری علیه دستمزد سال ۹۲، گفت: در طول مدت ۳۰ سال گذشته متأسفانه هیچگاه مزد کارگران طبق تورم سالیانه تعیین نشده است ولی ما همواره بخاطر مصالح نظام سکوت اختیار کرده‌ایم.

به گزارش ایلنا علی‌اصلاحی در خصوص چگونگی اعتراض تشکلهای کارگری استان البرز نسبت به تعیین دستمزد سال ۹۲ افزود: طبق ماده ۴۱ قانون کار؛ شورای عالی کار موظف بود طبق تورم سالیانه مزد کارگران را افزایش دهد که امسال هم نمایندگان دولت و کارفرمایان در شورای عالی کار به رسم سنوات گذشته حداقل دستمزد این طبقه زحمتکش را کمتر از نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی تعیین کردند.

وی در ادامه بیان داشت: اگر تورم غیر رسمی موجود در جامعه که چیزی در حدود ۵۰ درصد است را نادیده بگیریم؛ بازهم تورم رسمی اعلام شده توسط بانک مرکزی ۳۱ درصد است که متأسفانه شورای عالی کار دستمزد امسال کارگران را حداکثر ۲۵ درصد افزایش داد که همین امر اعتراض جامعه کارگری را در پی داشته است.

اصلاحی افزود: تعیین این میزان دستمزد در اکثر سنوات گذشته مورد قبول نمایندگان کارگری در شورای عالی کار نبوده به طوری که در یکی از سال‌های گذشته نمایندگان کارگری مصوبه دستمزد را امضاء نکردند ولی شورای عالی کار بدون صلاح دید نمایندگان کارگری آن را اجراء کرد.

این مقام کارگری با غیر واقعی خواندن میزان دستمزد تعیین شده امسال گفت: با توجه به این موضوع که آمارهای رسمی اعلام شده توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی؛ میانگین سبد یک خانوار ۴ نفره را در ۳۲ استان ۱/۳۶۰/۰۰۰ تومان محاسبه کرده است، جامعه کارگری ما با تعیین چنین دستمزدی حتی در تامین مایحتاج اولیه زندگی خود دچار مشکل خواهد شد.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز در ادامه بیان داشت: این افزایش دستمزد فقط شامل پایه حقوق می‌شود و حقوقی مثل حق اولاد و مسکن با توجه به وجود این تورم افسار گسیخته در جامعه افزایش چشمگیری را نخواهد داشت.

وی در پایان با بیان این مطلب که اتخاذ چنین تصمیمی در خصوص تعیین دستمزد امسال؛ مغایر با ماده ۴۱ قانون کار و نوعی نقض قانون است گفت: از این روی؛ این تشکل کارگری در استان البرز همگام با کانون شوراهای اسلامی استان تهران به صورت مشترک به منظور احقاق حق از دست رفته خود، بر اساس مستندات، شکایتی را تنظیم و به دیوان عدالت اداری ارائه می‌کند.

پروین محمدی: برای اعتراض به پایین بودن دستمزدها راه‌های مختلفی وجود دارد

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری می‌گوید: کارگران در کنار مراجعه به دیوان عدالت اداری و شکایت علیه مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار، باید از سایر ابزارهای قانونی برای افزایش دستمزدها استفاده کنند. پروین محمدی با اعلام این مطلب گفت: برای اعتراض به پایین بودن دستمزدها راه‌های مختلفی وجود دارد که مراجعه به دیوان عدالت اداری و اقامه دعوی حقوقی علیه مصوبه شورای عالی کار، تنها یکی از این راه‌ها است.

این فعال کارگری با یادآوری اینکه در سال 91 در حدود 30 هزار کارگر با امضا طورمارهایی جداگانه در اعتراض به پایین بودن دستمزدها از وزارت کار و شورای عالی کار خواستار بازنگری در مصوبه وقت شورای عالی کار شده بودند، گفت: آن زمان مسئولان مربوطه نه به طورمارها و نه به مراجعه نمایندگان کارگران اعتنایی نکردند و در نتیجه علاوه بر تغییر نکردن رقم مزد، شورای عالی کار با همان روش غلط خود دوباره مزد سال 92 کارگران را تعیین کرد.

این هماهنگ کننده طومار سی هزار امضایی کارگران ادامه داد: درشرایطی که مسئولان نسبت به درخواست اعتراضی کارگران تمایلی ندارند، باید از تمامی ابزارهای قانونی موجود برای واقعی کردن دستمزدها استفاده کرد.

محمدی در ادامه به راهکار شکایت در دیوان عدالت اداری اشاره کرد و افزود: حتی با مراجعه و شکایت یک کارگر نیز دیوان عدالت اداری موظف است تا اعتراض به مصوبه دستمزدهای سال 92 شورای عالی کار را در دستور کار خود قرار دهد. برای پیگیریهای حقوقی کارگران مختارند تا بصورت فردی یا گروهی با اختیار کردن وکیل اقدام کنند اما هم زمان نباید از استفاده از سایر ابزارهای قانونی غافل شوند.

این فعال کارگری با یادآوری زمان‌بر بودن روند رسیدگی‌های حقوقی در دیوان عدالت اداری گفت: امروز به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی کارگران تحمل انتظاری حداقل 6 ماهه را ندارند.

این فعال کارگری بابیان اینکه ممکن است برخی نمایندگان نهادهای رسمی صنفی کارگری بخواهند از ماجرای شکایت حقوقی کارگران استفاده تبلیغاتی کرده و در گذر زمان کم کاری خود را پنهان کنند، گفت: از اینرو کارگران باید هوشیارانه عمل کرده و علاوه بر پیگیری حقوقی، نمایندگان رسمی کارگری را وادار به اعتراض کنند.

وی درخصوص اینکه در سالهای گذشته نیز کارگرانی بصورت انفرادی علیه احکام اخراج خود در دیوان عدالت اداری اقامه دعوا کرده و درنهایت بعضی از آنان به کار خود بازگشته‌اند، یادآور شد: چون دعوی این کارگران فردی بود آن‌ها مجبور بودند که بصورت فردی برای شکستن آرای هیات‌های حل اختلاف ادارات کار به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند و این درحالی است که مسئله مصوبه مزد شورای عالی کار به تمامی کارگران مربوط می‌شود و با شکایت حتی یک کارگر می‌توان برای شکستن آن اقدام کرد.

به گفته محمدی در سالهای اخیر دستمزدهای کارگران به دلیل عدم استقلال اعضای گروه کارگری و حذف سه جانبه گرایی از طریق تغییر غیر قانونی آیین نامه‌های مربوط به برگزاری جلسات شورای عالی کار پایین نگهداشته شده است.

وی بابیان اینکه شرایط اقتصادی امروز به کارگران اجازه نمی‌دهد که تنها از راه‌های حقوقی برای ابطال مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار اقدام کنند، گفت: درحال حاضر ثبات اقتصادی وجود ندارد و با تغییر ساعتی بهای دلار، قیمت‌ها بصورت سرسام آور بالا می‌روند و دراین میان تنها دستمزد کارگران ثابت می‌ماند.

محمدی بابیان اینکه وقتی در میان همین نمایندگان رسمی کارگری برخی مدعی‌اند که ماده 41 قانون کار اجرا شده و دیگر امکان افزایش مزد وجود ندارد، باید نگران بی‌نتیجه ماندن پیگیریهای حقوقی بود.

مرگ یک کارگر در پی انفجار انفجار در شرکت فولاد یزد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: بر اثر انفجار در شرکت فولاد یزد، مرگ یک کارگر در این واحد تولیدی فولاد رقم خورد.

براساس این گزارش، به دلیل بارش باران‌های بهاری در چند روز گذشته در استان یزد، مقداری آب در زیر سرباره و کوره ذوب فولاد شرکت فولاد یزد نفوذ کرد و این نفوذ منجر به انفجار در این شرکت شد.

در این انفجار که با آتش سوزی نیز همراه بود یکی از کارگران این شرکت دچار آتش سوزی شد و جان خود را از دست داد. هنوز اطلاعاتی از علت قطعی این انفجار در دست نیست و جسد کارگر متوفی نیز در پزشکی قانونی است. کارگر متوفی، راننده بیل مکانیکی بوده که در حال جابه‌جایی آهن، دچار آتش سوزی شده و جان خود را از دست داد.

کارگران نباید از زمان‌بر بودن شکایت علیه دستمزد بترسند

بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری معتقد است زمان‌بر بودن رسیدگی حقوقی به شکایت کارگران به دیوان عدالت علیه دستمزد نباید آنان را از ایستادگی در راه قانونی مطالبه حق‌شان منصرف کند.

«سعید ترابی» با بیان این مطلب به ایلنا گفت: در دیوان عدالت اداری رسیدگی به دعوای حقوقی فرآیندی زمان‌بر است اما کارگران و نمایندگان آن‌ها نباید برای رسیدن به خواسته‌های حق خود از پیمودن راه‌های قانونی خسته و نگران شوند.

یک فعال مستقل کارگری معتقد است زمان‌بر بودن رسیدگی حقوقی به شکایت کارگران به دیوان عدالت علیه دستمزد نباید آنان را از ایستادگی در راه قانونی مطالبه حق‌شان منصرف کند.

«سعید ترابی» با بیان این مطلب به ایلنا گفت: در دیوان عدالت اداری رسیدگی به دعوای حقوقی فرآیندی زمان‌بر است اما کارگران و نمایندگان آن‌ها نباید برای رسیدن به خواسته‌های حق خود از پیمودن راه‌های قانونی خسته و نگران شوند.

این فعال کارگری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران یادآور شد: در سالهای اخیر کارگران بسیاری در اعتراض به صدور احکام اخراج خود به دیوان عدالت اداری مراجعه کردند و در نهایت پس از چند سال پیگیری توانستند با نقض رای هیات‌های تشخیص و حل اختلاف ادارت کار، دوباره به کار بازگردند. ترابی با بیان اینکه تصمیم کارگران درخصوص شکایت علیه مزد تعیین شده واکنشی مهم محسوب می‌شود؛ گفت: کارگران و یا نمایندگان آن‌ها نباید از فرآیند زمان‌بر رسیدگی به پرونده‌ها در دیوان عدالت اداری نگران باشند.

این فعال مستقل کارگری با یادآوری اینکه سال گذشته بیش از ۳۰ هزار کارگر طی طومارهای مختلف و جداگانه از وزیرکار خواستار بازبینی مصوبه دستمزدها شده بودند؛ ادامه داد: هرچند در نهایت به این خواسته کارگران توجهی نشد اما امروز مشاهد می‌کنیم که گروهی دیگر از کارگران قصد دارند تا علیه مزد تعیین شده در دیوان عدالت اداری شکایت کنند.

وی بابیان اینکه شکایت علیه مصوبه مزدی شورای عالی کار به نوعی مکمل طومار نویسی‌های سال گذشته کارگران است، اظهار کرد: چنانچه شکایتی علیه دستمزدهای تعیین شده در دیوان عدالت اداری مطرح شود، نمی‌توان مدعی شد که میان این اقدام حقوقی با نامه نگاری و طومار نویسی سال گذشته کارگران همسویی و ارتباطی وجود ندارد.

ترابی در پایان تاکید کرد: در صورت واکنش محکم و پی‌گیری شکایت کارگران، دست کم می‌توان امیدوار بود سال آینده کارفرمایان دولتی و خصوصی در شورای عالی کار همچون سال‌های گذشته نتوانند به راحتی و بدون ترس از واکنش کارگران اقدام به تصویب دستمزد غیر قانونی کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران خواستار اعتصاب و تجمعات اعتراضی جهت لغو مصوبه حداقل مزد شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 21 فروردین 92 از جانب این اتحادیه بیانیه ای صادر شده است: و ضمن تاکید بر این مساله که "منزلت معیشت حق مسلم" کارگران است، اعلام داشت: "تنها راه برای به تمکین واداشتن دولت و کارفرمایان برای احترام گذاشتن به حرمت انسانی ما

و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه اعتصاب و برگزاری تجمعات اعتراضی است، کسانی که در این مملکت حداقل مزد چهار برابر زیر خط فقر را شایسته ما کارگران می‌دانند باید بدانند که ما انسانیم و تن به هر ذلتی نخواهیم داد."

متن کامل این بیانیه به نقل از تارنمای این تشکل کارگری به شرح ذیل است :

در حالیکه از اول ماه مه سال گذشته کارگران ایران در اقدامی سراسری و با امضای طوماری اعتراضی خواهان افزایش فوری حداقل مزد شدند و در ادامه هماهنگ کنندگان این طومار در مقابل مجلس شورای اسلامی و سپس در محل وزارت کار با همراهی کارگران برخی کارخانه‌های تهران دست به تجمع اعتراضی زدند شورایعالی کار در آخرین روزهای سال گذشته حداقل مزد را به میزان بسیار ناچیز ۲۵ درصد افزایش داد و مبلغ ۴۸۷ هزار تومان را به عنوان حداقل مزد کارگران تعیین کرد .

این اقدام ننگین درباره زندگی و معیشت میلیون‌ها خانواده کارگری در شرایطی از سوی شورایعالی کار صورت گرفت که طی سال گذشته هزینه‌های زندگی به چندین برابر افزایش یافته بود و از اولین روزهای سال جدید سیر صعودی قیمت‌ها همچنان ادامه داشته است. در مدت سه هفته‌ای که از آغاز سال جدید گذشته است قیمت انواع میوه چندین برابر شده است، قیمت گوشت در حال صعود است، هزینه مسکن سربه فلک زده است، از پایان فروردین ماه قیمت نان بار دیگر افزایش پیدا خواهد کرد، افزایش قیمت حاملهای انرژی بر روی میز دولت است و هزینه سایر مایحتاج اولیه زندگی توده‌های مردم ایران هر دم در حال فزونی است .

تحت چنین شرایط فلاکت باری که هیچ چشم اندازی نیز برای توقف افزایش چندین برابری هزینه‌های زندگی در طول ماه های آینده وجود ندارد، تمامی تشکل های دست ساز دولتی و آنانی که امضای خود را در شورای عالی کار بر پای حداقل مزد ۴۸۷ هزار تومانی گذاشته‌اند با آغاز اولین روزهای کاری در سال جدید تبلیغات گسترده‌ای را در همسویی با نارضایتی شدید ما کارگران از مزد مصوب آغاز کرده‌اند و بر این بستر در تلاشند تا با ترغیب کارگران به شکایت در دیوان عدالت اداری، خشم و انزجار ما از حداقل مزد مصوب را مهار کنند و با ارجاع کارگران به دالانهای دیوان عدالت اداری حداقل مزد مصوب را تا پایان سال جاری دست نخورده باقی بگذارند. اینان خود بیش از هر کسی نیک می‌دانند که رسیدگی به شکایات کارگری در دیوان عدالت اداری ماه‌ها طول می‌شکد و تازه در صورت لغو مصوبه حداقل مزد از سوی این دیوان، ترتیب برگزاری جلسات شورایعالی کار و نتیجه گیری در این شورا چنان به درازا خواهد کشید که به ماههای پایانی سال نزدیک خواهیم شد و به این ترتیب حداقل مزد مصوب تا پایان سال دست نخورده باقی خواهد ماند و هیچ تجدید نظری در آن صورت نخواهد گرفت. این آن چیزی است که مطلوب دولت و کارفرمایان است و تشکلهای دست ساز دولتی ضمن همسوئی با نارضایتی ما کارگران، اما همراه با دولت و کارفرمایان از طریق براه انداختن موج عظیم تبلیغاتی حول شکایت به دیوان عدالت اداری در صدد تضمین آن هستند .

کارگران و همکاران در سراسر کشور

معنای عملی شکایت از شورایعالی کار به دیوان عدالت اداری برای تجدید نظر در حداقل مزد چیزی جز حفظ حداقل مزد مصوب و تمکین به تحمیل فقر و گرسنگی مضاعف برای سالی دیگر بر ما کارگران نیست، نباید خود را اسیر شکایتی کنیم که تازه در صورت رای مثبت دیوان عدالت اداری به خواستمان، تحقق آن عملاً به پایان سال خواهد کشید و به این ترتیب ما کارگران ناچار خواهیم شد سالی پر از محنت و استیصال و درماندگی برای گذران زندگی را در پیش رو داشته باشیم .

تنها راه برای به تمکین واداشتن دولت و کارفرمایان برای احترام گذاشتن به حرمت انسانی ما و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه اعتصاب و برگزاری تجمعات اعتراضی است، کسانی که در این مملکت حداقل مزد چهار برابر زیر خط فقر را شایسته ما کارگران می‌دانند باید بدانند که ما انسانیم و تن به هر ذلتی نخواهیم داد. اینان همگی در این مملکت زندگی می‌کنند و خود بهتر از ما می‌دانند که با ۴۸۷ هزار تومان بویژه در مراکز استان‌ها حتی نمی‌توان آلونکی را اجاره کرد. کجای دنیا از عقب مانده‌ترین تا پیشرفته‌ترین کشورها کارگران را به بهای اجاره آلونکی بکار می‌گیرند که ما چنین ننگی را تحمل کنیم. ما در سال گذشته با جمع آوری سی هزار امضا نشان دادیم که قادریم نیروی خود را یکی کنیم، نشان دادیم که می‌توانیم در دفاع از هستی خود دست به اعتراض بزنیم، ما اولین گام‌های مهممان را برای اعتراضی متحدانه در سال گذشته برداشتیم و امسال نیز به یقین گام‌های تعیین کننده تری را از طریق اعتصاب و تجمعات اعتراضی برای رهایی از تحقیر معیشتی بر خواهیم داشت .

منزلت معیشت حق مسلم ماست

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران - بیستم فروردین ماه ۱۳۹۲

افتتاح مجتمع اورانیوم سازی و کارخانه کیک زرد در ایران

به نوشته یورونیوز در 21 فروردین 92 آمده است: دولت ایران روز سه شنبه، اعلام کرد که دو طرح هسته ای آغاز به کار کردند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، مجتمعهای اورانیوم ساغند اردکان در نزدیکی شهر یزد قرار دارد و در آنها اورانیوم از عمق ۳۵۰ متری بیرون کشیده می شود. کارخانه تولید کیک زرد شهید رضایی نژاد، یکی دیگر از این طرح هاست که در اردکان واقع شده و روزانه ۶۰ تن کیک زرد تولید کند.

بهره برداری از این مجتمع های اورانیوم و کارخانه تولید کیک زرد همزمان با روز ملی فناوری هسته ای در تهران و چند روز پس از پایان بی نتیجه مذاکرات ۵+۱ در آلمانی، و در حالی صورت می گیرد که دولت جمهوری اسلامی ایران گفته است که «توافقی در برنامه هسته ای ایران وجود ندارد». در مراسم هفتمین جشن روز ملی انرژی هسته ای که در محل سازمان انرژی اتمی با حضور محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی برگزار گردید، جدید ترین دستاوردهای ایران در حوزه تحقیقات هسته ای، بویژه در زمینه رادیو داروها نیز ارائه شد. آقای احمدی نژاد در این مراسم گفت که در حالیکه قدرتهای غربی تلاش کردند که مانع از هسته ای شدن ایران شوند، ایران اکنون انرژی هسته ای، فناوری هسته ای و علم هسته ای دارد. در حالی که جامعه بین المللی و بویژه کشورهای غربی نگران اهداف برنامه هسته ای ایران هستند، ایران تاکید دارد که این برنامه مقاصد صلح آمیز دارد.

سالانه 5 هزار نفر در کلان شهرهای کشور جان خود را بر اثر آلودگی هوا از دست می دهند

به نوشته روزنامه خراسان در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: سالانه 5 هزار نفر در کلان شهرهای کشور جان خود را بر اثر آلودگی هوا از دست می دهند. مهرداد بانوج لاهوتی نایب رئیس دوم فراکسیون محیط زیست با بیان این مطلب در گفت وگو با فارس، اظهار داشت: سال گذشته طرح دوفوریتی برای کاهش آلودگی هوا به مجلس شورای اسلامی ارائه شد که متأسفانه فوریت آن حذف شد. نایب رئیس دوم فراکسیون محیط زیست مجلس افزود: با توجه به اهمیت موضوع کاهش آلودگی هوا، کاهش مدت اعتبار معاینه فنی وسایل نقلیه از 5 سال به 2 سال ضرورت می یابد. وی بیان داشت: بر اساس طرح دوفوریتی کاهش آلودگی هوا مقرر شده بود که سوخت مورد نیاز خودروها تا پایان سال 92 بر اساس استاندارد یورو 4 تامین شود. وی همچنین بیان داشت: نیروی انتظامی مکلف شده بود که از ابتدای سال 92 خودروهای فاقد استاندارد یورو 4 را که شرکت های خودروساز داخلی تولید می کند شماره گذاری نکند.

بانوج لاهوتی توسعه و گسترش سیستم حمل و نقل عمومی را از دیگر راهکارهای کاهش آلودگی هوا به خصوص در کلان شهرهای کشور عنوان کرد و بیان داشت: بر همین اساس مقرر شده بود تا 75 درصد از جا به جایی ها در 8 کلان شهر کشور از طریق سیستم حمل و نقل عمومی انجام شود.

به گفته وی سهم سیستم حمل و نقل عمومی در شهرهای مختلف متفاوت است اما در کلان شهر تهران برابر 35 درصد است. بانوج لاهوتی گفت: لازم است که 30 درصد از سیستم حمل و نقل عمومی در پایتخت به قطارهای شهری اختصاص یابد این در حالی است که هم اکنون این رقم 6 درصد است. وی متذکر شد: با توجه به این که فوریت طرح جامع کاهش آلودگی هوا در سال گذشته در خانه ملت رد شد و از آنجا که سالانه حدود 5 هزار نفر در کلان شهرهای کشور بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می دهند، امید می رود تحقق این موضوع برای نمایندگان کمیسیون مربوطه حائز اهمیت باشد و در صحن علنی مجلس شورای اسلامی به عنوان طرح دوفوریتی مطرح و تصویب شود.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به اهمیت موضوع باید تلاش کنیم که طرح جامع کاهش آلودگی هوا هرچه سریعتر به صحن علنی مجلس برود.

عدم پرداخت 4 تا 8 ماه حقوق کارگران رسمی و روزمزد شهرداری بهبان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: طی گزارشی از عدم پرداخت 4 ماه حقوق کارکنان رسمی و 8 ماه حقوق کارگران روزمزد شهرداری بهبان خبرداد. همچنین بنا بهمین گزارش، تا به امروز عیدی و حق اضافه کاری این مدت کارگران رسمی و روزمزد شهرداری بهبان پرداخت نشده است. بنا بهمین گزارش، اخیراً سه ماه از حقوق عقب افتاده کارکنان و چهار ماه حقوق کارگران پرداخت شده است و وعده پرداخت!!! باقی مانده حقوق، اضافه کاری و عیدی کارگران و کارمندان شهرداری بهبان، در آینده ای نزدیک؟؟ داده شد.

تصویب نامه‌ای که فاتحه محیط زیست ایران را می‌خواند!

به نوشته سایت خبر آنلاین در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: محمد درویش: در بیست و هشتمین روز از اسفندماه 1391، یعنی در واپسین لحظه‌ها از آخرین روز کاری سال، یک شوک دیگر بر پیکر نحیف طبیعت ایران وارد شد که البته به دلیل تعطیلات نوروزی، ابعاد ویرانگر این شوک تا چند روز آشکار نشد و متأسفانه هیچ بازتاب رسانه‌ای هم نیافت. ماجرا برمی‌گردد به آخرین مصوبه هیأت وزیران با عنوان: «تصویب نامه در خصوص تشکیل ستاد اجرایی استان به منظور اجرای مصوبات کارگروه توسعه بخش معدن در استان‌ها» که متن کامل آن در ویژه نامه شماره 558 روزنامه رسمی کشور منتشر شده و هم‌اکنون بر روی تارنمای روزنامه رسمی، قابل مشاهده است. همان طور که در بند 2 از ماده 2 این مصوبه ملاحظه می‌شود، بهره‌برداری از محدوده‌های دارای پتانسیل معدنی در درون مناطق چهارگانه محیط زیست در راستای استفاده بهینه از ذخایر معدنی و راه‌اندازی معادن راکد در شمار وظایف ستاد اجرایی هر استان در حوزه فعالیت‌های معدنی قرار داده شده است. مفهوم ساده‌ی این عبارت طولانی و نه چندان ساده این است که از این پس، سازمان حفاظت محیط زیست از نظر قانونی نمی‌تواند سد راه فعالیت‌های معدنی، حتی در درون مناطق چهارگانه تحت حفاظت خود شود، چه رسد به این که بخواهد بر کیفیت این فعالیت‌ها در بیرون مناطق تحت حفاظت رسیدگی و نظارت کند. تأمل برانگیزتر آن که وقتی حتی مناطق چهارگانه در مورد فعالیت‌های معدنی از مصونیتی برخوردار نیستند، آشکار است که ادارات کل منابع طبیعی هم دیگر نمی‌توانند مانع فعالیت‌هایی مشابه در درون رویشگاه‌های جنگلی در شمال و غرب کشور شوند. این مسأله آشکارا نشان می‌دهد که مفاهیم یا قلمروهایی چون پارک ملی، مناطق حفاظت شده، منطقه شکار ممنوع یا ذخیره‌گاه‌های جنگلی، اصولاً در نزد برنامه‌ریزان و کلان‌نگران در معاونت برنامه‌ریزی راهبردی ریاست جمهور و نیز اغلب اعضای کابینه‌ی دولت دهم محلی از توجه و ارزش ندارد و حال که چنین است، فلسفه‌ی وجودی سازمان حفاظت محیط زیست یا سازمان جنگل‌ها، مرتع و آبخیزداری کشور در چیست و چرا این دو نهادی که توانایی پاسداری از حوزه تحت امر خود را ندارند، باید همچنان به حیات خود ادامه داده و از بیت‌المال، سهم طلب کنند؟! به نظر می‌رسد آقایان در رودریابیستی مانده‌اند، وگرنه بدشان نمی‌آمد تا فرمان انحلال نهادهای حامی طبیعت ایران را هم یکجا مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور صادر کنند. نکته‌ی شگفت‌آور در مورد این مصوبه‌ی دقیقه‌ی 90 آن است که هرچند بسیاری از اصحاب رسانه و فعالین محیط زیست، متوجه تصویب آن نشدند، اما آنهایی که باید بدانند، دانسته و بلافاصله در نخستین روزهای کاری سال جدید، درخواست‌هایشان را به برخی از ادارات کل محیط زیست در مناطق زاگرس‌نشین ارایه داده‌اند تا مورد بررسی قرار گرفته و تصویب شود!

توجه آنهایی که با خوشبینی، می‌پندارند تصویب این مصوبه، یک اتفاق است و جریان یا اراده‌ای غالب برای کمرنگ کردن ملاحظات محیط زیستی در دولت وجود ندارد را جلب می‌کنم به مصوبه‌ی هشتم آذر 1388 شورای عالی حفاظت محیط زیست که در تصویب هفت منطقه‌ی حفاظت شده‌ی جدید، لحاظ شش شرط را الزامی کرد که نگارنده همان زمان از این مصوبه به عنوانیک قرارداد ترکمانچای جدید یاد کرد! چرا که مطابق آن، مناطق حفاظت شده جدید، به شرطی پذیرفته می‌شوند و به سیاهه‌ی مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست افزوده می‌گردند که ادارات راه‌سازی بتوانند همچنان در آن جولان دهند؛ هر نوع رزمایش نظامی در آن برگزار گردد؛ نیازهای روستاها و شهرهای اطراف را برآورده سازد؛ طرح‌های گردشگری در آن ادامه یابد و از همه بامزه‌تر این که وزارت مسکن هم بتواند در آن نه فقط خانه‌سازی که شهرسازی کند! و حالا با تصویب نامه‌ی 28 اسفند 1391 هیأت وزیران، فعالیت‌های معدنی کاوی هم در مناطق چهارگانه آزاد شد تا به دشواری بتوان فرقی بین مناطق تحت حفاظت سازمان با مناطق آزاد یافت. و اصلن مگر فرقی هم دارند؟ بیایید حال و روز آن اندک جانورانی را در درون این مناطق چهارگانه مجسم کنید که مثلاً در

محدوده‌ی زون امن، باید انفجار ناشی از فعالیت‌های معدنی، بمب‌ها و موشک‌های ناشی از رزمایش‌ها و حرکت و سروصدای ماشین‌آلات بزرگ ساختمانی و راه‌سازی را تحمل کنند و در عین حال از امنیت جانی و روانی لازم برای بقای خویش بهره‌مند باشند! آیا خنده‌دار - بخوان گریه‌دار - نیست؟

جا دارد معاون جدید محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست، دکتر احمدعلی کیخا، نسبت به این مصوبه واکنشی سزاوارانه نشان دهد و ثابت کند که محیط زیست و طبیعت کشورش را بیشتر از صندلی ریاستش دوست دارد .
و البته من همچنان در شگفتم که چرا همه‌ی راه‌های توسعه باید به همین 10 درصد خاک کشور که ظاهراً حفاظت شده است یا هفت درصد خاک وطن که دارای رویشگاه طبیعی جنگلی است، ختم شود؟ یعنی در آن 140 میلیون هکتار دیگر کشور خبری نیست؟!

***عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور**

دیدار اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر و کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری با نیما و بهنام ابراهیم زاده

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر و تعدادی از اعضای کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری برای چندمین بار با نیما و بهنام ابراهیم زاده دیدار کردند و بار دیگر همچون گذشته تاکید کردند که برای بهبودی نیما عزیز از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نخواهند کرد و همواره در کنار این خانواده خواهند بود بهنام ابراهیم زاده نیز به گرمی از اعضای کانون و کمیته پیگیری از اینکه پیوسته و مداوم حتی در زمان بازداشتشان زمانی که دادگاه محکومیت بیست سال حبس را برای وی در نظر گرفته بود و چه در زمان حال که تنها فرزندش نیما عزیز در بستر بیماری است وی را تنها نگذاشته اند نهایت سپاس و تشکر و قدردانی خود را ابراز داشت و به گرمی از آنان استقبال کرد.

دیدار اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر با نیما و بهنام ابراهیم زاده

به گزارش وبلاگ پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده، امروز چهارشنبه اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر و تعدادی از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری برای چندمین بار با نیما و بهنام ابراهیم زاده دیدار کردند و بار دیگر همچون گذشته تاکید کردند که برای بهبودی نیما عزیز از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نخواهند کرد و همواره در کنار این خانواده خواهند بود.
بهنام ابراهیم زاده نیز به گرمی از اعضای کانون و کمیته پیگیری از اینکه پیوسته و مداوم حتی در زمان بازداشتشان زمانی که دادگاه محکومیت بیست سال حبس را برای وی در نظر گرفته بود و چه در زمان حال که تنها فرزندش نیما عزیز در بستر بیماری است وی را تنها نگذاشته اند نهایت سپاس و تشکر و قدردانی خود را ابراز داشتند و به گرمی از آنان استقبال کردند.

کودکان کار، کانون بیماری‌های پنهان: سوء تغذیه، سل، هپاتیت، ایدز و ...

به نوشته سایت قانون در 21 فروردین 92 آمده است: سمیه جاهدعطائیان: معضل قدیمی و همیشگی کودکان کار و مشکلات آنها که هر از چند گاهی مثل یک توپ فوتبال میان سازمان‌های مختلف پاسکاری می‌شود حالا دیگر به یک زنگ خطر تبدیل شده است. زنگ خطری از جنس مرگ و زندگی کودکانی که حق زندگی و سلامت دارند. جنس این خطر از نگرانی شهرداری گذشته است که هر چند ماهی یک بار به بهانه زدودن چهره شهر از وجود این کودکان اقدام به جمع آوری‌های ضربتی آنها کرده و البته بعد از مدتی هم آنها را رها می‌کند؛ حتی دیگر پاسکاری سازمان بهزیستی هم دردی را دوا نمی‌کند. موضوع از آمارهای ضدو نقیض هم گذشته است و آمار دقیق این کودکان تبدیل به سوالی تکراری شده است؛ از همه بدتر اینکه گویا پرداختن به سوژه کودکان کار هم در اصطلاح روزنامه نگاری سوخت شده و قلم هم از بیان مشکلات آنها خجالت زده است چرا که رسانه‌ها به اندازه کفایت به این موضوع پرداخته‌اند و انگار هر صحبت دیگری در مورد آنها به معنی خط خطی کردن یا لوٹ شدن این معضل است. اصلاً در گوشه بگوئیم که گویا دیگر گوش شنوایی برای بیان مشکلات آنها وجود ندارد و تمام هشدار کارشناسان، فعالان حقوق کودک و حتی اهالی رسانه در مورد افزایش این کودکان و بحرانی شدن وضعیت آنها، مثل آب در هاون کوبیدن، کاریبوده‌ای شده است. این روزها یا در سر چهارراه‌ها مملو از کودکان کار دست فروش یا

کاسبان کوچک شده یا کودکان کم سن و سال گونی به دست و زیاله گرد بسیار به چشم می‌آیند. کودکانی که روزی شان از همین کیسه‌های زیاله تامین می‌شود و لباس تمام آن‌ها هم نشان از یک درد عمیق دارد. اما موضوع تنها به همین‌ها خلاصه نمی‌شود، بیماری‌های نهفته در اکثر این کودکان که به دلیل فقر، آگاهی نداشتن و پیگیری نشدن بیماری پنهان یا فراموش شده‌اند، حکایت تلخ‌تری را روایت می‌کند. حکایتی از جنس اهمال مسئولان دولتی و غیر دولتی که همتی برای رعایت قوانین مربوط به کودکان کار ندارند و نبود بودجه مناسب را دستمایه‌ای برای توجیه عملکرد خود قرار داده‌اند.

سوء تغذیه کودکان کار
«فاطمه قاسمزاده» عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران در این ارتباط به خبرنگار «قانون» می‌گوید: اگرچه ایران مقابله نامه منع کارهای دشوار برای کودکان را پذیرفته و آنرا امضا کرده است، اما در این زمینه اقدامی انجام نشده است. به عنوان مثال گزارش‌هایی وجود دارد که کودکان زیادی روزانه ۱۰ الی ۱۲ ساعت زیر نور کم قالی بافی می‌کنند و محیط کار مرطوب و نامناسبی دارند. کارگاه‌های شیشه‌گری، ریخته‌گری و کفاشی بسیاری در کشور و در زیر پله‌ها وجود دارد که کودکان زیادی را به کار گماشته و آن‌ها در روز با مواد شیمیایی خطرناکی سروکار داشته و در معرض انواع بیماری‌های ریوی و تنفسی هستند. قاسمزاده با اشاره به فشارهای حاصل از کار در محیط نامناسب روی کودکان کار در سنین مختلف ادامه داد: کودکانی که در مزارع و فضاهای باز و زیر نور آفتاب کار می‌کنند در معرض انواع بیماری‌های پوستی یا بینایی قرار دارند. کودکانی که در چهار راه‌ها اقدام به دستفروشی می‌کنند به دلیل آلودگی هوا و تغذیه یا خواب نامناسب در برابر بیماری‌های زیادی آسیب پذیر هستند و به خصوص اینکه از مشکلات سوءتغذیه هم رنج می‌برند و کودکانی که در کارگاه‌های تولیدی کار می‌کنند هم با مشکلات شنوایی یا وز وز گوش دست و پنجه نرم می‌کنند؛ کودکان زیاله گرد هم متأسفانه از طریق جمع‌آوری زیاله از مخازن شهرداری، در معرض انواعی از آلودگی‌ها قرار دارند و اکثر آنها دچار ناراحتی‌های پوستی شدید و خفیف هستند. این فعال حقوق کودکان با اشاره به برخی از حقوق پایمال و نادیده گرفته شده این کودکان یادآور می‌شود: متأسفانه در کنار تمام خطراتی که به آن‌ها اشاره کردم، اکثر این کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست به دلیل ناآگاهی خانواده‌هایشان از بسیاری امکانات بهداشتی مثل واکسیناسیون‌های همگانی هپاتیت یا سرخچه و... محروم شده و اگر این کودکان عضو انجمن‌های مربوطه نباشند که البته تمام کودکان هم تمایلی به عضویت ندارند، از بسیاری از خدمات بهداشتی و سلامت محروم می‌مانند که این موضوع بسیار خطرآفرین است. او با اشاره به آمارهای ضد و نقیضی که در ارتباط با تعداد کودکان کار در کشور وجود دارد تأکید می‌کند: با وجود آنکه هنوز آمار دقیق و قابل استنادی در این ارتباط وجود ندارد اما طبق آمار مرکز پژوهش‌های مجلس، حدود ۳ میلیون و ۲۶۵ هزار کودک خارج از چرخه تحصیل در کشور وجود دارد که اکثر آن‌ها به طور حتم به کار و نان‌آوری مشغول شده‌اند و مشکلات اقتصادی در میان آن‌ها و خانواده‌هایشان یکی از عوامل اشتغال‌شان به کار و دورماندشان از تحصیل است که تمام این مسائل به تنهایی نقض حقوق بحق کودکان است.

پایشی در سلامت کودکان کار نمی‌شود
عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان ایران با اشاره به فعالیت مرکزی در وزارت بهداشت برای پایش سلامت و بهداشت خانواده‌ها و کودکان تصریح می‌کند: باز هم تعداد بیشماری از این کودکان به دلیل آگاهی نداشتن، فقر یا نبود امکانات لازم، از مراجعه به این مراکز در زمان بیماری یا غیر از آن محروم می‌مانند و حتی امکان پیگیری بیماری خود را هم ندارند که این معضلات کودکان کار را در زمان بیماری و غیر از آن با مشکلات بیشماری روبه‌رو کرده و بیماری آن‌ها در دراز مدت تشدید پیدا خواهد کرد. او با بیان اینکه وزارت بهداشت باید برای پایش سلامتی کودکان کار هم اقدام کند تا سلامت تمام افراد جامعه تامین شود یادآوری می‌کند: به طور حتم در صورت تشدید بیماری در این کودکان که روزی‌شان از طریق مرد و تلاش خودشان تامین می‌شود، پیشگیری و به موقع درمان نشود، به طور حتم بیماری‌شان در صورت تماس با مردم، قابل انتقال است و خطر انتقال و سرایت آن به جامعه و افراد سالم، وجود دارد؛ به همین دلیل لازم است وزارت بهداشت به دور از تمام چالش‌هایی که پیرامون این کودکان و پاسکاری‌ها وجود دارد، آن‌ها را از خدمات دوره‌ای و معاینات پزشکی بهره‌مند سازد.

بیماری های پنهان کودکان

دکتر مسعود مسلمی فرد، پزشک عمومی نیز با اشاره به مشکلات درمانی و سلامت پیش روی کودکان کار در گفت و گو با خبرنگار قانون اعلام می کند: متأسفانه کودکان کار یا اطلاعی از بیماری های پنهان خود ندارند یا چنانچه بی حالی و علائم بیماری را هم در خود مشاهده کنند، پیگیر نبوده و به دنبال درمان نمی روند که ماندگار شدن بیماری در آن ها به مرور زمان تبدیل به مشکلات حاد و بزرگ تری می شود و آگاهی نداشتن آن ها در مورد بیماری شان، خطر انتقال بیماری به خصوص بیماری های واگیر دار یا بیماری های تنفسی به سایرین را بیشتر می کند چرا که آن ها برای درمان یا علت بیماری شان به پزشک مراجعه نمی کنند. کودکانی که در چهارراه ها یا محیط های پر ازدحام مثل بازار فعالیت می کنند اغلب تماس بیشتری هم با مردم دارند و به طور حتم رهگذری از روی حس ترحم و دلسوزی دستی هم بر سر این کودکان می کشد و غافل از اینکه باعث انتشار برخی بیماری ها به خصوص به کودکان و زنان خواهد شد چرا که حس ترحم در این افراد بیشتر است. این پزشک متخصص با اشاره به افزایش تعداد کودکان زباله گرد در کشور خاطر نشان می کند: متأسفانه لباس و ابزار کار این کودکان که منبع درآمدشان است منبع آلودگی بوده و در صورت مراجعه آن ها به یک سوپرمارکت و خرید یک قلم جنس، می توانند آلودگی های زیادی را منتشر کنند. او با اشاره به بیماری هایی که در کمین این کودکان است خاطر نشان می کند: متأسفانه باید به مسئولان کشور اعلام کنیم که این کودکان در معرض انواعی از بیماری های واگیر و غیر واگیر دار مثل بیماری های پوستی، هیپاتیت، ایدز و... هستند که این موضوع هشدار جدی برای برخی از مسئولان دلسور است تا به مشکلات این کودکان رسیدگی کنند. این پزشک عمومی تصریح می کند: متأسفانه شیوع ایدز و هیپاتیت در میان آن دسته از کودکان کار که سانشان بالاتر است، بیشتر و شایع تر بوده و وقتی هزینه های کلانی در بخش سلامت کشور و پیشگیری از بیماری می شود، چرا این کودکان که یکی از عوامل انتقال بیماری به دیگران بوده و حق طبیعی شان برای داشتن سلامتی پایمال می شود، رها شده اند.

کارگران آگاه باید تهاجم نیروهای امنیتی به فعالین را با سازماندهی کارگران خنثی کنند

گروه پژوهش کارگری

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 21 فروردین 92 آمده است: چنانچه انتظار می رفت و می رود، سرمایه داری وابسته با ظاهر ولایت فقیه با فشار سرکوب شدید بدنبال استثمار بیشتر کارگران و دیگر اقشار حقوق بگیر و سود سرسام آور بادآورده، حتی نسبت به سرمایه داران امپریالیستی پشتیبانش بوده و می باشد. این موضوع در طول ۲۴ سال گذشته با دولتهای موقت، دوران جنگ، سازندگی، اصلاح طلب و اصولگرا همواره برقرار بوده و این دولتها تنها در ظاهر سیاستهای اقتصادی و سیاسی تفاوت هایی با یکدیگر داشتند، اما هیچکدام آنها هیچگاه نسبت به پایین نگاه داشتن خط فقر و سرکوب فعالین کارگری تفاوتی با یکدیگر نداشتند. سیر تصویب قانون کار با حفظ حداقل حقوق، تصویب قراردادهای موقت و حذف بیمه کارگران کارگاههای کوچک، مجاز شمردن کار کودکان و استثمار بیشتر آنها و زنان کارگر، هزینه نکردن در مورد وسایل ایمنی کار، آزاد کردن سرمایه داران برای اخراج کارگران و موارد دیگری که نام بردن از آنها به صدها صفحه نیاز دارد، همواره به ضرر کارگران بوده است. سرکوب شدید فعالین کارگری برای ایجاد تشکل مستقل و حق اعتصاب همواره از خطوط قرمز این حکومت بوده و هست، چراکه بخوبی آگاهست که این موضوع در صورت سازماندهی شدن دلیل اصلی برای سرنگونی اش خواهد بود. بهمین جهت وظیفه مهم کارگران آگاه گسترش تشکلات مستقل است تا کثرت آنها موجب گردد تا آلترناتیوی پایدار در مقابل حکومت ایجاد گردد. موضوع گسترش می تواند حول دو محور اصلی انجام گیرد؛ وحدت تشکلات مستقل موجود با یکدیگر در جهت افزایش نهادهای مستقل دیگر و در راستای آن پرداختن به افشای طبقه سرمایه دار و بافتهایش که متمایز از نوع دولت و حکومت تنها در جهت استثمار بیشتر و سرکوب کارگران است. اگر اعتصاب کارگران بویژه صنعت نفت عامل مهمی در تسریع سقوط سلطنت بشمار آید، باید پذیرفت عدم حفظ نهادهای کارگری و دموکراتیک به همراه گسترش مستقل آنها خود عامل مهمی برای تثبیت حکومت سرمایه داری با ظاهر ولایت فقیه گردید. در کنار نیروهای چپی که جنبش ۵۷ را بمثابه انقلابی تصور می کردند که کارگران قادر به ایجاد شوراها و کنترل تولیدند و در نتیجه از تثبیت نظام سرمایه داری غافل ماندند، باقیمانده نیروهای بظاهر نهضت آزادی و جبهه ملی

نیز نقش اسب تروا را برای برقراری جمهوری اسلامی نمودند تا در ادامه سرکوب نیروهای چپ و دموکرات ، خود نیز به تاریخ پیوندند . مسولین حکومت جدید با تجربه سقوط سلطنت و شاهی که جز خود به کسی باور نداشت ، بلافاصله به ایجاد نهادها و بافتهایی دست زدند تا حکومت خود را سالیان سال برقرار و حفظ نمایند . در طول ۳۴ سال گذشته اگر دگردیسی حکومت به تغییراتی از دولتهای بازرگان به رجایی و بنی صدر ، موسوی و خامنه ای ، سپس رفسنجانی به خاتمی و سرانجام به احمدینژاد انجام گرفت ، همه آنها بدرستی خود را مدیون خمینی و حکومت ولایت فقیه می دانستند و همه آنها نهادهایی را نیز ایجاد کردند که بدلیل سود سرشار براحتهی قدرت را واگذار نکرده و نمی کنند . بهمین جهت کارگران آگاه ناچارند در غیاب روشنفکرانی که به حزب بازی و سیاست ورزی مشغولند ، خود به ایجاد نهادهایی برخیزند که قدرت مقابله با حکومت و نظام را داشته باشند .

باید گفت که کارگران بدلیل استثمار فراوان و فساد اقتصادی جناحهای حکومت که موجب فقر شدید آنها گشته ، به اعتراضات و تجمعات پی در پی دست زده و آماده ایجاد تشکلات مستقلند تا از این فلاکت نجات یابند . نیروهای امنیتی رژیم که این موضوع را فهمیده ، تنها راه را دستگیری کارگران آگاه و شناخته شده نموده و جاسوسان خود را برای شناسایی فعالین کارگری بسیج نموده تا آنها را از بدنه بزرگ کارگری ایزوله نمایند . ایجاد تشکل مستقل در زمانی که خیل کارگران قادر به اداره زندگی زیر خط فقر نیز نبوده و از شرایط سرکوب و اخراج نیز آگاهی دارند ، بسیار مشکل و نیاز به تحمل سختی و فداکاری و حذف منیتهای سوسیال دموکراتیک دارد . بنظر می رسد اگر نیروهای امنیتی و سایر بافتهای دولتی و حکومتی با شدت به وظیفه خود عمل می کنند ، بخشی از فعالین کارگری هنوز به درک عمیقی از ایجاد نهادهای مستقل کارگری پی نبرده و ضمن کشیدن پوسته ای به دور خود و نهادی که به آن وابسته اند ، گاهی به درگیریهای ایدئولوژیکی پایان ناپذیر نیز می پردازند . این موضوع موجب گشته که نیروهای امنیتی و سپاه براحتهی تشکلات مستقلی را که بسیار محدودند و برخی از اعضای آنها نیز در زندانها و دادگاههای فرمایشی سرگردانند ، کاملاً کنترل نمایند . کارگران آگاه که به سختی توانسته اند برخی از این تشکلات را حفظ کنند ، تنها راهی که برای مقابله دارند ، ضمن وحدت با یکدیگر باید پوسته اعضای ثابت خود را شکافته و خون تازه ای را درون خود جریان داده تا بتوانند ضمن افزایش تحرکات گروهی ، کثرتی را ایجاد کنند که قادر به مقابله با سرکوب باشند و همچنین به تعداد تشکلات مستقل بیافزایند .

در دورانی که کارگران از کمبود تشکلات مستقل رنج می برند ، مسولان خانه های کارگر و سایر تشکیلات وابسته که نهادهای زرد وابسته به دولت را رقیب خود می دانند ، با منتسب کردن خود به ولایت فقیه و برخی از اصولگرایان ، تلاش دارند تا بخشی از قدرت غصب شده خود را بدست آورند . آنها در ماههای اخیر و با شدت یافتن جو انتخابات ، انتقادهای خود را نسبت به تشکیلات دولتی و شورایی کار افزایش داده و وانمود می کنند که قانون کار پیشین بسود کارگران بوده و تنها اصلاحات جدید ضد کارگری است ! حجم بسیار اخبار اعتراضات کارگران واحدهای مختلف در سایتهای ایلنا و دیگران ، مصاحبه های گوناگون مسولان خانه های کارگر و انجمنهای اسلامی در مورد فساد و ضعف دستگاه دولتی برای جذب کارگران و استفاده از آنها بعنوان لشکر انتخاباتی ، هرگز در جهت ایجاد تشکلات مستقل و پیروزی کارگران در بدست آوردن بخشی از خواسته های آنها نبوده و نخواهد بود . چه بسا پس از انتخابات و تعیین رئیس دولت مطیع تر به ولایت فقیه ، حجم اخبار و حمایت از اعتراضات کارگران رو به خاموشی گذاشته و کمتر شده و آنها با تثبیت قدرت حکومت با جناحبندی جدید ، دیگر به اخبار گسترده اعتراضات کارگران نپردازند . دو هفته ای که در سال جدید با کمبود اخبار اعتراضات کارگران در سایتهای همراهست ، هرچند تعطیلی سال جدید مزید بر علت است ، هشدار نیست به نیروهای چپ و تشکلات مستقل که چه اندازه از یکدیگر و بدنه کارگران و نحوه ارتباط با آنها برای انتشار اخبار کارگری دورند .

طبیعی است که نیروهای چپ بدلیل پایگاه طبقاتی که می خواهند ایجاد کنند با پراتیک اجتماعی درون طبقه کارگر ، همواره قادرند با ترویج دانش طبقاتی به درک کارگران برای ایجاد تشکل مستقل بیافزایند . در میان نیروهای چپ کسانی نیز هستند که خود را دوستدار طبقه کارگر می دانند و همچنان بدور از پراتیک درون طبقه کارگر ، تنها به درگیری ایدئولوژیکی با یکدیگر پرداخته و همزمان منتظر ایجاد اختلافی نیز در میان فعالین کارگری داخل هستند تا سیل انتقادات آنها ، بیعملی آنها را پوشش دهد . از این به ظاهر دوستان کارگر که خود را پرولترو کمونیست می نامند ، با توجه به این که به دلیل افشاگریهای وسیع آنها دیگر همه قبول کرده اند که مثلاً منصور اسانلو مادرزاد رفرمیست و اصلاح طلب بوده و یا هیات مدیره سندیکای واحد

نیز اشتباهات بسیاری در اخراج وی داشته ؛ بقول قدیمیها که میخواستند به گرفتاری خاتمه دهند ، می گفتند به پیر به پیغمبر دیگه بسه ، درخواست می گردد تا شال و کلاه کرده و بجای فر،انهای تاکتیکی و ایدئولوژیکی به داد طبقه کارگر برسند . اگر هم کمکی به گسترش سازماندهی کارگران نمی کنند و خود را دارای دانش در مورد احزاب چپ و کارگری کشورهای می دانند ، بهمان تحلیلها پرداخته و دیگر لااقل دست از سر این طبقه بردارند و اجازه دهند تا فعالین و نیروهای چپ داخل کشور که گاهی تحت تاثیر تبلیغات آنها قرار می گیرند ، بدون سردرد به سازماندهی اعتراضات کارگران بپردازند . تا چه زمانی آنها میخواهند ثابت کنند که تنها حزب کمونیستی می تواند کارگران را از استثمار نجات دهد ، درحالیکه با وجود احزاب رنگارنگی که در خارج کشور ایجاد شده ، حتی قادر نشده اند تجمعات پرطرفداری را از میان خیل ایرانیان مهاجر بسود کارگران ایران شکل دهند . تا چه زمانی آنها می خواهند ثابت کنند که تنها تشکلات مخفی و شورایی باید در داخل شکل گیرد تا از گزند ماموران امنیتی دور باشند و آیا می پذیرند که محفلهای محدود بدلیل حداقل همین وجود جو امنیتی موجب عدم اعتماد کارگران شده و آنها نتوانسته اند خودرا گسترش دهند ! اگر مارکس و لنین مورد قبول آنهاست که لااقل باید دریابند که برخورد ایدئو لوژیکی ، انتقاد و ایجاد تشکل باید در یراتیک اجتماعی یعنی کار درون طبقه کارگری که درحال حاضر بدلیل زندگی سخت خانواده های خود درگیر مبارزات اقتصادی است ، شکل گیرد . کارگران بسیاری از درون همین مبارزات روزمره قادرند بکمک کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی به آگاهی طبقاتی و درک از مبارزه طبقاتی و ایجاد تشکلات مستقل سیاسی برسند .

باید در مبارزه اقتصادی به کارگران فهماند که آنها طبقه ای را تشکیل می دهند که در مقابل طبقه سرمایه دار حاکم قرار گرفته و نوع حکومت و دولت تفاوتی در استثمار آنها ندارد . نه برابری که خمینی در زیر درخت سیب زمانی که قدرتی نداشت گفت ، باور کردنی است و نه دموکراسی غربی یا جامعه توحیدی بی طبقه برقرار می گردد . در دولتهای بازرگان و بنی صدر پایه های قوانینی گذاشته شد که نه تنها شیعه ولایت فقیهی را ظاهر فریبنده سرمایه داری وابسته می گردانید ، بلکه بکمک همان دولتهایی که اعضایش اکنون منتقد ولایت فقیه مستبد هستند ، قانون ضد کارگری بنیان گذاشته شد تا سپس در دولتهای موسوی ، رفسنجانی ، خاتمی تکمیل شده و اکنون با حمایت خامنه ای و احمدینژاد به صورتی درآید تا سردمداران دولتهای پیشین قانون کار تصویبی خود را آرمانی جلوه دهند . آنچه کارگران باید درک کنند اینکه نقش همه این دولتها بکمک بافتهای امنیتی ، مسولین زرد کارگری ، دادگاههای فرمایشی ، نیروهای سرکوب سپاه و انتظامی ، جناحهای حکومتی از اصلاح طلب و اصولگرا با همدیگر طبقه ای را تشکیل می دهند که نه تنها منابع اقتصادی را می بلعند ، بلکه کارگران را روزبروز بیشتر تحت استثمار قرار می دهند . باید کارگران درک کنند که همه شعارهای جناحهای حکومتی زمانی بر حمایت از کارگران و دیگر اقشار حقوق بگیر تکیه دارد که یا از قدرت کنار زده شده و یا درحال از دست دست دادن قدرتنند . لازمست انبوه کارگران ناآگاه دریابند تا احمدینژادی که از بهار انتخاباتی سخن گفته و مجلس را مانع اجرای هدفمندی یارانه ها می نامد ، چرا در ۴ سال اول قدرتش که همه اصولگرایان یکپارچه بودند ، گامی در جهت بهبود زندگی کارگران برنداشت ! چرا اکنون اصلاح طلبان داخلی و مهاجرغرب نشین آنها ، مسولین خانه های کارگر ، مسولین انجمنهای اسلامی ، سران نهضت آزادی و دیگر مسولین سابق ، همه کژی ها را ناشی از ولایت فقیه و دیگر جناحهای اصولگرا می دانند ، درحالیکه خود نیز پایه گذار این حکومت بوده و در زمان قدرت سودهای کلان برده اند ؟

چرا مسولین خانه های کارگر و دیگر تشکیلات وابسته تنها از ضعف مدیریتی دولت فعلی می نالند که نتوانسته با وامهای کلان تولید را راه انداخته تا سرمایه داران قادر باشند به تولید و استثمار کارگران بپردازند ، آنهایکه همواره تلاش می کنند تا ضمن چابلوسی از رهبری که در حال حاضر مسبب اصلی بحران اقتصادی است ، با فریبکاری تلاش دارند تا نظام را مبری از سوء مدیریت دانسته و پوششی بر ریشه طبقاتی آن بگذارند و متاسفانه هستند نیروهایی که خودرا اپوزیسیون دانسته و در درگیری بین جناحهای حکومت غرق شده و هرزمان از بخشی از آنها دفاع می کنند ! باید در مبارزات روزانه اقتصادی به کارگران ناآگاه فهماند که نقش ولایت فقیه از خمینی تا خامنه ای و نقش دولتها از بازرگان تا بنی صدر ، از رجایی تا موسوی ، از رفسنجانی تا خاتمی و سرانجام منفورترین آنها احمدینژاد از نظر حفظ و تثبیت نظام از طرفی و سرکوب کارگران و دیگر اقشار از طرف دیگر تفاوتی جز در اجرای تاکتیکها و برنامه های دولتی ندارند . دگرگونی دولتها به مفهوم این نیست که دولتی مثل خاتمی به سود کارگران بوده و دولت احمدینژاد به

ضرر کارگران ، بلکه باید توجه داد که بدلالی همچون مسائل خارجی و داخلی و درگیری جناحی است که تفاوتی در کارکرد آنها دیده می شود . اما با پایان گرفتن درگیری مرحله ای جناحی و تثبیت حکومت بلافاصله سرکوب نیروهای چپ ، دموکرات برای جداسدن از کارگران و سپس سرکوب خود فعالین کارگری در دستور دولت مسلط قرار می گیرد و اینکه همه دولتها همواره الویت را بر حفظ نظام گذاشته اند . اگر ظاهرا بیکاری در زمان رفسنجانی کمتر بود چون جذب سرمایه گذارهای خارجی و پروژه ها مطرح بود ، نه اینکه رفسنجانی علاقمند رشد کارگران و حقوق آنها بود چراکه آن زمان نیز نصیب کارگران جز حداقل حقوق نبود . خاتمی که جذب افکار سران غرب را در دستور داشت تا حد پذیرش کمیسیون ۳ جانبه نیز پیش رفت ، اما هرگز ایجاد تشکلات مستقل را اجازه نداد و سرکوب دانشجویان ، قتل‌های زنجیره ای و سرانجام تیرباران کارگران معادن کرمان همه در زمان وی انجام شد که بدلیل حفظ نظام همه را لاپوشانی کرد و سرانجام خود را تدارکچی نامید که حقیقتا لقب سزاواری برای همه دولتهای حکومت در ۳۴ سال گذشته است .

چنانچه پروژه انرژی هسته ای هم در تمام دولتها در حال پیشرفت بوده و هیچکدام نمی توانند ادعا کنند که از تاسیسات زیرزمینی و این پروژه اطلاعی نداشتند ، در حالیکه بخشی از بودجه آنها از طریق دولتها تامین می گردید . احمدینژاد نیز باور دارد که با اهدای یارانه از جیب ملت ، به همه لطف کرده ، در حالیکه این موضوع در برنامه های دولتهای پیشین تصویب شده بود و حتما در جهت سیاست نیولیبرالیستی باید اجرا می شد . نیرومند شدن سپاه نیز بتدریج آغاز شده و سرانجام در چند سال اخیر به اوج رسید و سرکوب فعالین کارگری نیز که مورد توافق همه دولتها بود برای حفظ نظام همواره اجرا شده است . باید به کارگران آموخت که در طول ۳۴ سال گذشته و تا زمانی که چنین دولتهای سرمایه داری حاکم باشند ، نقش دولتها و بافتهای آنها چه امنیتی و نظامی و چه سیاسی و اقتصادی تنها در جهت استثمار بیشتر کارگران و دیگر اقشار حقوق بگیر بوده و می باشد . در سالهای گذشته برخی از مسئولین نظام به همراه همه خانواده های خود همچون رفسنجانی ، بازرگان و گروه نهضت آزادی ، کروبی ، اردبیلی ، ربانی ، عسکراولادی و خاموشی و مولفه ایها ، نبوی ، طبسی ، احمدینژاد ، فرماندهان سپاه و دیگرانی مستقیما به تاراج منابع اقتصادی کشور پرداخته و برخی دیگر از مسئولین به همراه خانوادهای خود همچون خمینی ، منتظری ، موسوی ، خاتمی ، صانعی و دیگرانی از طریق بنیادها و افراد غیر وابسته دامی به تاراج پرداخته اند . اما آنچه کارگران نصیب برده اند ، فرو رفتن هرچه بیشتر زیر خط فقر و از دست دادن بیشتر امتیازاتی است که در گذشته و در زمان قدرت کمتر نظام بدست آورده بودند ، تا جائیکه در حال حاضر باید بدنبال کاری با قرارداد موقت و مزد ناچیز و بخور و نمیر دربر گشته و گاها حتی ماهها از گرفتن همان حقوقی که کارش را کرده اند نیز محروم باشند . چرا احمدینژادی که شعار بهبود زندگی مردم را می دهد ، بودجه های دولتی را صرف هزینه هایی انرژی هسته ای ، وامهای سنگین و بدون بازگشت به دوستان نموده ، ولی حاضر نیست این پولها را صرف پرداخت حقوق عقب افتاده به کارگرانی نماید که برخی از آنها خدمتشان برای همان دولت بوده است !

در دورانی که اعتراضات گسترده کارگران شدت گرفته ، مسئولین خانه های کارگر و انجمنهای اسلامی و حزب اسلامی کار بدلیل درگیری خود با بافتهای کارگری دولتی میخواهند بر چنین موجی سوار شده و آنرا کنترل نمایند . اما روش آنها اینست که اعتراضات جنبه حقوقی پیدا کرده و از طریق وکیل در دیوان عدالت اداری دنبال شود و چون اعتراضات کارگران واحدها پراکنده و بدون داشتن پشتوانه صندوق کارگری است ، ناچارند که در غیاب تشکلات مستقل به این مسئولین زرد کارگری پناه ببرند . با این ترتیب اعتراضات گسترده و نامه نگاریهایی که با سختی با هزاران امضای کارگران فراهم گشته و می بایست به ایجاد تشکل مستقل و افشای استثمار کارگران توسط همه دولتهای رژیم بیانجامد ، با کنترل این مسئولین ضد کارگری سر از دادگاههای طولانی دیوان عدالت در می آورد . حتی اگر حکم قاضیان دیوان که معمولا همچون دیگر قاضیان دیگر دادگاهها که در کنترل نیروهای امنیتی و سپاهی قرار دارند ، پس از ماهها سرگردانی بسود کارگران باشد ، مگر مسئولین دولتی و سپاهی و حکومتی که خود سرمایه های اصلی کشور را در کنترل دارند ، حاضر به عقب نشینی ، افزایش دستمزدها و تامین دیگر خواسته های کارگران هستند ! مگر کارگرانی که در پایین ترین سطح زندگی و خط فقر دست و پا می زنند ، توانایی مالی چنین دوران طولانی دادگاه را برای نتیجه ای که از پیش روشن است را دارند که مسئولین زرد کارگری تقلید سران اتحادیه های بین المللی را در معاملات حقوقی که به کمیسیونهای سه جانبه معروفند و ثابت شده سرابی بیش نیست ، دنبال می کنند ! اینکه مسئولین خانه کارگر

اعلام می دارند اضافه شدن ۲ نفر از دولت در ترکیب شورایی کار منجر به تصویب این دستمزد کمتر از تورم شده است فریبی بیش نیست ، چراکه تفاوتی در ترکیب شورایی کار با این نمایندگان دولت و کارفرما و مسئولین زرد کارگری در جهت خواسته های کارگران نمی کند و این شعارها تنها برای کنترل کارگران و نپیوستن آنها به تشکلات مستقل است . اگر اندکی دل مسئولین زرد کارگری به حال روز کارگران می سوخت باید تنها راه گرفتن حقوق اقتصادی آنها را فشار آوردن به کارفرماها و دولت می دانست که از طریق اعتراضات و تجمعات و اعتصاب مداوم عملی است که این مسئولین از آن طفره می روند . نکته مهم دیگری که باید به کارگران در مبارزات روزمره آنها آموخت ، بهره گیری سران دولت و حکومت و وابستگان آنها از جمله مسئولین تشکیلات زرد کارگری از مذهب است ، تا کارگران دریابند خواسته های آنها از طرف نمایندگان مذهبی بدست نمی آید که اگر قرار بود چنین باشد ، حتما باید برابری توسط خدا و نمایندگانش از ابتدا صورت می گرفت .

چنانچه گفته شد بهترین امکان وحدت چند تشکل موجود از طریق فعال کردن خود و تکیه بر دیگر کارگران آگاه واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی است تا اعتراضات گسترده کارگران که مدام به آن تاکید می گردد که مهمترین بستر برای یراتیک و مبارزات طبقاتی است ، سازماندهی گردد . متأسفانه برخی از اعضای این تشکلات مستقل نیز بر پوسته و تفکر سالیان گذشته خود تاکید داشته و کمتر حاضرند که اختلافات گذشته را فراموش کنند و گاهی بدلیل ترس از گسترش اختلافات تن به وحدت نمی دهند . باور کردنی نیست ولی حقیقت دارد که سایتهای آنها ضمن عدم پوشش اعتراضات کارگری ، اخبار یکدیگر را نیز پوشش نمی دهند هرچند اگر در جو خفقان و سرکوب نیروهای امنیتی قرار داشته باشند . پس از موضوع جداسدن اسانلو از هیات مدیره سندیکای واحد ، اخیرا اختلاف دو تشکل مستقل در مورد نحوه جمع آوری ۳۰،۰۰۰ امضای کارگران که در سه مرحله صورت گرفت ، بمیان آمده که باید منتفی گردد ، اگر بانیان آنها خودرا درجهت سازماندهی اعتراضات و نه رهبری کارگران به خطر انداخته اند . کارگران آگاه و فعالین باید نیروی خودرا در جهت برآورده شدن بخشی از خواسته های کارگران بکار برند ، چراکه باور دارند با تحقق بخشی از درخواستها ، کارگران بیشتری امیدوارانه به صف تشکلات افزوده می گردند . اما آنها به موازات اینکار باید ترفندهای مسئولین دولت و جناحهای حکومت را افشا کنند که آنها هرگز حاضر نیستند اولاً به خواسته های کارگران تن داده و دوماً تلاش خواهند کرد که امتیازات داده شده را به طریق دیگر خنثی نمایند . نیروهای امنیتی باور دارند که قادرند فعالین را سرکوب نموده و از بدنه کارگران جدا نمایند و اگر کارگران همواره زیر خط فقر نگاه داشته شوند ، ناچارند که تنها به تامین زندگی خانواده های خود پرداخته و جذب تشکلات مستقل نگردند . موضوع دیگری که در مقالات این دو تشکل نسبت به نقد یکدیگر نگران کننده بنظر می رسد ، اقرار مازیار گیلانی نژاد به همکاری مسئولین خانه های کارگر و انجمنهای اسلامی در گرد آوری این امضاها اگر درست باشد اشتباه بزرگی است که صورت گرفته است . البته سرانجام چنین همکاری می تواند تشکلات مستقل را به دلیل روابطی که مسئولین خانه کارگر مدعی داشتن با جناحهای حکومت و نیروهای امنیتی بوده و در واقع از طرف آنها کنترل می شوند ، به پیروی از سیاستهای آنها مجبور کرده تا استقلال خودرا از دست بدهند . بی جهت نیست که محجوب و جلودار زاده و برخی دیگر از این دایه های مهربانتر از مادر کارگران از طرف ولایت فقیه به مجلس وارد شده و یا مورد حمایت قرار می گیرند .

طبیعی است که اقدامات اعتراضی ، تجمعی و اعتصاب اگر از طریق یک واحد تولیدی و خدماتی مستقیماً انجام گیرد ، بدلیل اشتراک دائمی کارگران در مورد خواسته یا به نتیجه دلخواه رسیده و یا به افشای فریبکاری مسئولین منتهی می گردد و لذا پیگیری خواسته ها با ترکیب و تعداد بیشتری از واحدها بطور همزمان موفق تر خواهد بود . در چنین حالتی نامه نگاری با امضای اکثریت کارگران آن واحد بطور مستقل ؛ همچون امضاها جمع آوری شده اخیر توسط کارگران شرکت واحد ، نیز تاثیر بیشتری نسبت به امضای پراکنده کارگران دارد که توسط تعدادی از فعالین جمع آوری گشته چراکه امکان گردآوری کارگران واحدهای مختلف از شهرستانهای گوناگون بسیار مشکل و گاهی غیرعملی است . در چنین موردی ضمن ارج گذاری به کار آن فعالین که موجب بهم پیوستگی واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی با یکدیگر نیز می گردد ، لزوم فعال کردن بخشی از کارگران آگاه امضا کننده در مراجعه به مسئولین دولتی و قضایی اهمیت فراوانی دارد تا سرکوب و تهدید تعداد کم فعالین سازمانده از طرف نیروهای امنیتی موجب بهدر رفتن زحمت سخت صورت گرفته نشود . تهدید فعالین جمع آوری ۳۰،۰۰۰ امضا که اخیراً توسط نیروهای امنیتی مبنی بر عدم تجمع پیش از انتخابات صورت گرفته ، باید آن فعالین را

از بعهده داشتن نقش رهبر و فدایی که دیگر زمانش گذشته بازداشته و هرچه سریعتر خود کارگران را پیش از برگزاری انتخابات که امکان تجمع را آسانتر می سازد ، فعال نمایند . چنانچه گفته شد پس از هر انتخاباتی ، اختلافات جناحی فروکش کرده و جناح قدرت گرفته کنترل بیشتری بر فعالیت مخالفین خواهد داشت و بویژه که هرچه از تاریخ امضاها بگذرد ، کارگران نسبت به نتیجه بخش بودن کار سردتر شده و باید به مشکلات جدیدتری که به آنها تحمیل می شود ، نیز پردازند . درحالیکه حرکت انجام شده بدلیل ترکیب کارگران واحدهای مختلف که می تواند منشا همکاریهای آینده کارگران باشد ، درست بوده و باید نتیجه مثبتی از پس آن بیرون آید . فعالین کارگری اینگونه امضاها نیز باید عدم جواب دادن مسولین وزارت کار و دولت را برای کارگران امضا کرده توضیح داده و از این طریق نسبت به افشای طبقه سرمایه دار و اینکه خود مسولین و فرماندهان سپاه مالک اکثریت واحدهای تولیدی ، خدماتی ، پیمانکاری بوده و هیچگاه حاضر نیستند از منافع خود گذشت نمایند و اینکه تنها راه رسیدن کارگران به خواسته های خود ایجاد تشکلات مستقل در واحدهای خود و سراسری نمودن درخواستهایشان برای اعمال فشار می باشد .

نکته مهم دیگر همکاری و همراهی تشکلات مستقل و کارگران آگاه برای پشتیبانی از آزاد کردن کارگران و فعالین زندانی است که بازهم با بی مهری برخی از این تشکلات نسبت به اعضای زندانی غیرگروه مشاهده می گردد . تجمع خانواده های فعالین زندانی در کردستان که با حمایت محدود برخی از دوستان آنها انجام می گیرد ، نمونه بسیار مثبتی است که در آزاد سازی فعالین زندانی تاثیر گذاشته است که باید با حمایت فراوانتری در شهرهای مختلف نسبت به آزاد سازی فعالین کارگری اقدام نمود . متأسفانه کارگران نه تنها در داخل کشور کمتر از دیگران مورد پشتیبانی قرار می گیرند ، بلکه همچون دیگر گروههای اجتماعی ، سیاسی ، مذهبی ، نژادی ، جنسیتی که دارای نهادهای متمرکز زیادی در خارج کشور بوده و از طریق سازمانهای حقوقی و بین المللی نیز بیشتر حمایت می گردند ، کمتر مورد توجه هستند . البته دلیل اصلی اینستکه دولتهای کشورهای قدرتمند غربی و شرقی خود بر مبنای استثمار کارگران قوانین خود را تصویب نموده و حامی سرمایه های بین المللی برای سود سرمایه گزاری بیشتر در کشورهای عقب افتاده و کم رشد هستند . سازمان بین الملل و نهادهای حقوق بشری نیز تنها بر ایجاد تشکل مستقل و حق اعتصاب صحنه گذاشته و سخنی در مورد استثمار بزمیان نمی آورند . اتحادیه های بین المللی کارگری غرب هم که با برسمیت شناختن تشکیلات زرد کارگری دولتی به همراه شناخته شدن تشکیلات خانه های کارگر توسط اتحادیه های مشابه شرقی ، هیچ دردی را از کارگران ایران درمان نمی کنند و تنها گاهی صمیمی از برخی از آنان شنیده می شود که بر آزاد سازی فعالین زندانی و اهمیت سه جانبه گرایی تاکید دارند . دوستان چپ طرفدار کارگران نیز که در ایجاد تجمع بسود کارگران تنها قادرند تعداد بسیار محدودی را آنهم تنها به پشتیبانی از فعالین کارگری زندانی تشکیل دهند ، درحالیکه بودجه های کلانی برای ایجاد اپوزیسیون و طرفداری از دموکراسی و انتخابات آزاد هزینه می گردند . بنابراین وظیفه تعداد محدود فعالین کارگری مهاجر برای بدست آوردن پشتیبانی از کارگران بسیار سنگین بوده و سخنرانی کسانی همچون محمود صالحی در سفر به خارج کشور می تواند مفید باشد . منصور اسانلو نیز با سابقه مبارزاتی که در گذشته انجام داده و کاملاً در خارج کشور شناخته شده می باشد ، باید که برای حفظ دستاوردها و خاطرات آن سالها ، نیروی خود را در جهت کارگران زندانی و حمایت از ایجاد تشکل مستقل و حق اعتصاب بگذارد و جذب سیاستهای سراب آمیز اصلاح طلبان و دیگر گروههای سیاسی نگردد . عملکرد ساده و روشن کارگران آگاه و فعالینی همچون رضا شهابی ، بهنام ابراهیم زاده ، محمد جراحی ، شریف ساعد پناه ، فربرزریس دانا ، رسول بدایعی ، پدرم نصرالهی و بسیاری دیگر که بدون قهرمان بازی و از درون زندانها پشتیبانی خود را از مبارزات طبقاتی و آرمانشان از طریق پیامها اعلام می دارند ، باید درسی برای دیگرانی باشد که هدفشان برقراری سوسیالیسم است .

درگیری جناحی ممکن است منجر به تغییر دولت و جناحهای حاکم گردد ، کما اینکه در طول ۳۴ سال گذشته چنین شده ، هیچگاه موجب فرو ریختن نظام نمی گردد ، کما اینکه در طول ۳۴ سال گذشته چنین نشده است . بهمین ترتیب نتیجه جنبشها و شورشها نیز اگر قدرتمند و سازماندهی نشده باشند نظام طبقاتی دیگری است که توسط بخشی از جناح یا جناحهای طبقه سرمایه داری قدیم و یا جدید برقرار می گردد . برخی از نیروهای چپ گمان می برند امکان دارد جنبش خودبخودی کارگران به انقلاب منجر گردد و بزعم آنها در جو انقلابی ایجاد شده ، حزب کمونیست تشکیل شده و انقلاب را رهبری و سوسیالیسم را بثمر می رساند و بهمین موضوع

دلخوش داشته و به امید چنین روزی هستند . آنها فکر می کنند که تنها مشکل عدم وجود رهبری در کارگران است و تلاش دارند کسانی را بعنوان رهبر و قهرمان بیافرینند ، درحالیکه زندگی سخت کارگران از هرکدام فرهمنی ساخته و کارگران نیازی به این پدیده سوسیال دموکراتیک ندارند ، آنچه کارگران نیاز دارند تلفیق دانش مبارزاتی با آنتاگونیسم کارگری در پراتیک درون طبقه است . تاریخ نیز چنین خوش خیالی را غیرعملی دانسته و از روی انقلابات و جنبشهای گذشته می توان دریافت که هرگز بدون ایجاد نهادهای قدرتمند کارگری که در پروسه مبارزات اقتصادی و سیاسی آبدیده شده اند ، سوسیالیسم برقرار نخواهد گردید . حداقل تغییر سلطنت به جمهوری اسلامی در ایران و تغییرات جنبشهای کشورهای عربی حاکمیت که حتی اگر حکومتی در چنین کشورهایی بدلیل جنبشهای داخلی تضعیف گشته و درحال سقوط باشند ، قدرتهای بزرگ بعنوان مکانیزم وارد شده و جهت جنبش را بسمت منافع خود با روی کار آوردن جناحی جدید تغییر می دهند .

بنابراین جنبشهای کارگری نه تنها باید مستقیما با دولت و حکومت بومی مبارزه کنند ، بلکه باید مواظب باشند تا جنبش همچون برخی از اپوزیسیون که چشم براه غربیها هستند ، تحت تسلط این قدرتها قرار نگیرند . دکتر مصدق بهترین نمونه از رهبری یک جنبش ملی گرا بود که درعین حال جزو آخرین آنها هم بود و قدرتهای بزرگ غربی و شرقی نشان دادند که با چنگ و دندان منافع خود را حفظ می کنند . این موضوع گرچه به جنبشهای کارگری رنگ ضد امپریالیستی هم می دهد ، اما نباید همچون برخی از نیروهای چپ فراموش کرد که مبارزه طبقاتی کارگران هرکسور در داخل آن کشور انجام می گیرد . گرچه کارگران در هر کشور دارای نظام طبقاتی ، استثمار شده و مبارزه آنها در زنجیری یکسره بهم متصل است و بهمین جهت همواره از مبارزات یکدیگر پشتیبانی می کنند ، اما باید نیروی کارگران هر کشور صرف مبارزه طبقاتی داخلی همان کشور گردد . روز کارگر سمبل روزیست که هم طبقه بودن کارگران جهان را یادآوری کرده و در این روز کارگران همبستگی خود را نسبت بهمدیگر در مبارزه طبقاتی با طبقه سرمایه داری بومی خود و سرمایه جهانی نشان می دهند . کارگران گرچه در کشورهای قدرتمند غربی آزادند که روز کارگر را گرامی دارند ، در برخی دیگر از کشورهای عقب مانده و درحال رشد نیز کارگران بدلیل داشتن نهادهای متشکل قادرند این روز را مستقل از تشکیلات وابسته و دولتی جشن بگیرند . اما روز کارگر در بسیاری از کشورها روز خوشی برای دولتها و حکومتهای آنها نبوده و آنها تلاش می کنند تا این روز را با تشکیلات زرد کارگری و تحت کنترل برگزار کنند . در کشور ایران در دوران سلطنت روز کارگر در بیشتر سالها فرمایشی بوده و در برخی از سالها نیز با شدت و ضعف بطور مستقل انجام می گردید که خاطرات آن همواره برای کارگران گرامی است . در زمان خمینی با استفاده از مرگ مطهری که بویی از معلمان مبارزی همچون بداغی نبوده بود ، یک روز قبل از روز کارگر را روز معلم نامیدند و هرساله آنروز را جشن گرفتند تا روز کارگر تحت تاثیر و فراموش گردد . در حقیقت سران رژیم تنفر خود را از یادآوری روز جهانی کارگر ابراز کردند و در طول ۳۴ سال گذشته همواره تلاش کردند تا حتی مجوز بر مراسم یادبود را به تشکیلات زرد کارگری نیز ندهند . البته در طول ۳۴ سال گذشته نیز کارگران آگاه و فعالین تلاش کردند که چه مراسم مستقلی داشته باشند و چه مراسم تشکیلات زرد کارگری را به نماد ضد سرمایه داری تبدیل نمایند . امسال نیز مسولین وزارت کار و کشور تحت نفوذ نیروهای امنیتی و سپاه حتما مجوز برگزاری مراسم روز کارگر را در ۱۱ اردیبهشت نخواهند داد ، همچنانکه با تهدید اجازه تجمع به کارگرانی را ندادند که با مجموعا ۳۰،۰۰۰ امضای خود درخواستهایی را داشتند . اما مگر کارگران مجتمعهای پتروشیمی های منطقه بندر امام ، کارگران صنایع فلزی ، بازنشسته های ذوب آهن ، کارگران نی بر خوزستان ، کارگران نساجی مازندران ، کارگران شرکت واحد و بسیاری دیگر از کارگران واحدهای تولیدی و خدماتی مجوز تجمع داشتند که در جلوی ادارات دولتی و مجلس جمع شدند ! گرچه گرامیداشت روز کارگر مهم بوده و اگر کارگران بسیاری در شهرهای مختلف بتوانند دور هم جمع شده و اینروز را گرامی دارند ، قدرت تشکل و آرمانشان را مقابل نظام طبقاتی به نمایش می گذارند . اما همت کارگران نباید تنها به تجمع در چنین روزی و بصورت محدود باشد ، بطوریکه منجر به دستگیریهای متعدد فعالینی گردد که بدنه کارگران به آنها سخت نیاز دارند . کارگران زمانی می توانند روز کارگر را گرامی داشته باشند که بتوانند بصورت مستقل و در وحدت بایکدیگر و مجزا از تشکیلات وابسته تجمع کنند و برای اینکار نیاز دارند که از امروز اعتراضات گسترده را به تجمعاتی وسیع تبدیل کنند تا در ۱۱ اردیبهشت نیروهای امنیتی و انتظامی قادر نباشند تجمعات را برهم زنند . با این ترتیب کارگران نباید تا رسیدن به بیشتر خواسته هایشان دست از تجمع ، تحصن ، راه پیمایی و سد کردن جاده و خیابان دست کشند و این امر زمانی

تحقق می یابد که کارگران آگاه بسیاری از واحدها بدرک مبارزه مشترک حتی برای خواسته های اقتصادی رسیده و به پشتیبانی از یکدیگر پردازند.

انفجار دوباره در شرکت فولاد یزد و کشته شدن یک کارگر

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در 21 فروردین 92 آمده است: بر اثر انفجار در شرکت فولاد یزد، دوباره مرگ کارگر دیگری در این واحد تولیدی فولاد رقم خورد. به دلیل بارش باران های بهاری در چند روز گذشته در استان یزد، مقداری آب در زیر سرباره و کوره ذوب فولاد شرکت فولاد یزد نفوذ کرد و این نفوذ منجر به انفجار در این شرکت شد. به گزارش فارس در این انفجار که با آتش سوزی نیز همراه بود یکی از کارگران این شرکت دچار آتش سوزی شد و جان خود را از دست داد. هنوز اطلاعاتی از علت قطعی این انفجار در دست نیست و جسد کارگر متوفی نیز در پزشکی قانونی است. کارگر متوفی، راننده بیل مکانیکی بوده که در حال جابه جایی آهن، دچار آتش سوزی شده و جان خود را از دست داد. در سال 90 نیز یکی از کوره های این شرکت دچار انفجار شد و 18 کارگر جان خود را از دست دادند.

بیانیه شماره ۷۴

بیش بسوی برگزاری متحدانه روز جهانی کارگر کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد



جمهوری اسلامی با شدت بیشتری در بحرانهای داخلی و خارجی فرو می رود، او این را می داند و برای نجات و خرید فرصت های بیش تر به تلاش و کوشش خود می افزاید، در مقابل بحران ها بیش تر فشار می آورند. هسته ی مرکزی این نظام بعد از آزمودن اصلاح طلبی طی ۱۵ سال گذشته درک کرده است، حداقل فعلاً هیچ امکان نجاتی از این طریق وجود ندارد، یک لحظه کوتاه آمدن مساوی با فرو پاشی کل نظام است، او می داند که سرنوشتش از طریق حرکت های داخلی تعیین خواهد شد، راه نجات را در مقطع کنونی دادن باج و امتیاز بیش تر در سیاست خارجی، به جناح های مختلف سرمایه ی جهانی و کسب فرصت برای سرکوب بیش تر در سیاست داخلی می داند. داخل نیز طی ۳۵ سال مبارزه ی بی وقفه با اشکال گوناگون ثابت کرده است، هیچ گونه سازش و یا کوتاه آمدن را نمی پذیرد. جریانات و گروه ها مختلف طی دهه های گذشته وارد گود مبارزه شدند و ثابت کردند که به تنهایی توان مقابله با جمهوری اسلامی را ندارند، طبقه ی کارگر به طور دائمی اما بی برنامه و پراکنده در حال نبرد بوده، اما هنوز با تمام قدرت و برنامه ریزی شده با جمهوری اسلامی گلاویز نشده است. جمهوری اسلامی سرمایه داری می داند، طبقه ی کارگر با تمامی طبقات و گروه ها متفاوت است، این طبقه مبارزه اش مقطعی نیست، بنابراین شکست یا فریب خوردن برای طبقه ی کارگر دائمی نیست، با هیچ شکستی از دور مبارزه خارج نمی شود، به دلیل وجود تضاد میان کار و سرمایه، رفرم ها نیز در بلند و میان مدت پیروزی محسوب نمی شوند، آنچه برای کارگران قابل لمس و معنا دار است، پیروزی است، نه شکست. چون طبقه ی کارگر ماهیت وجودی خود را از وجود جامعه ی طبقاتی و تضاد میان کار و سرمایه کسب می کند، تا زمانی که جامعه ی طبقاتی و طبقه ی سرمایه دار وجود دارد، وجود طبقه ی کارگر و به طبع آن مبارزه علیه سرمایه داری و دولت های آن اجتناب ناپذیر است. حاصل جنایات و استثمار جمهوری اسلامی چندین برابر بیشتر از دیگران حکومت های سرمایه داری است، تعیین حداقل دستمزد خود جنایت علیه کارگران است، و زمانی که پنج برابر کمتر از خط فقر تعیین می گردد، جنایت مضاعفی است که باعث فلاکت و فقر روز افزون می گردد، در همین حین وقتی تاثیر شدید بحران های جهانی و داخلی و همچنین اثرات حذف یارانه ها و تحریم های اقتصادی را بر آنها بافزایم پی آمد وضعیت نا هنجاری است که با هیچ واژه و کلامی قابل بیان نیست. زنان بخصوص زنان کارگر و سرپرست خانواده به خاطر وجود و حاکمیت قوانین و اندیشه های عقب

مانده و ارتجاعی اسلامی چندین بار بیشتر دچار ستم هستند، بخاطر فشارهای اقتصادی، عدم امنیت شغلی و بیکاریهای گسترده خانواده‌ها از هم می‌پاشند، کودکان خیابانی، کودکان کار، معتادان، تن فروشی و فروش اعضای بدن، انواع بیماری‌های مسری و سرطان بر اثر سوء تغذیه و توزیع مواد غذایی آلوده توسط باند‌های وابسته به دولت، ستم بر ملیت‌ها و اقوام، تخریب محیط زیست از جمله تبدیل جنگل‌ها به بیابان و خشکاندن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها مانند زاینده رود و دریاچه ارومیه، بطور تساعدی روبه افزایش است، همه‌ای این موارد با اضافه صدها مورد دیگر نتیجه حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه داری است، هرکسی بخواهد با سرچشمه و عاملین این جنایات مبارزه کند مانند بسیاری از کارگران و فعالین سیاسی از جمله شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدارم نصرالهی، رسول بداعی، مهدی فراهی شان‌دیز، قنبری و هزاران نفر دیگر دستگیر، محاکمه و زندانی می‌شود.

در این راستا مبارزه‌ی کارگران و کمک بقیه طبقات و نیروهای انقلابی به کارگران که آزادی تمامی انسان‌ها را می‌تواند تضمین کند در حیطه‌ی تسلط و موجودیت جمهوری اسلامی برای کسب مطالبات مختلف تنها و تنها با نابودی جمهوری اسلامی نتیجه اصولی و منطقی کسب خواهد کرد، در نتیجه این رژیم ضمن این‌که برای مقابله با تمامی اپوزیسیون آماده می‌شود، اما می‌داند، آخرین و قوی‌ترین حریف، طبقه‌ی کارگر است، که جز پیروزی چیز دیگری را نمی‌شناسد، پس بیشتر برای مقابله با کارگران آماده می‌شود.

اکنون جمهوری اسلامی مجبور شده به برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت دست بزند، او بیشتر از هر چیزی به فکر نتایج و حرکت‌های جانبی و حاشیه‌ی انتخابات ریاست جمهوری است تا حاصل خود انتخابات، در نتیجه برای جلوگیری از احتمالاتی که باعث می‌شوند اختیار عنان را از دست بدهد برنامه‌ریزی می‌کند.

تعهد گرفتن از فعالین جنبش کارگری در سال ۱۳۹۱ که تا پایان انتخابات اعلام تجمع نکنند، چنگ و دندان نشان دادن با اعلام اینکه ۱/۵ میلیون نیروی سیاهی و بسیجی برای برگزاری انتخابات آماده شده‌اند و تهدید و بعضاً "دستگیری فعالین کارگری و سیاسی و همچنین تهدید زندانیان سیاسی و خانواده آن‌ها و... نشان از برنامه‌ی افزایش سرکوب دارد.

جمهوری اسلامی دچار شکاف عمیق درونی است حتی در صورت تمایل نیز قادر نیست تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری از مواضع خود عقب بنشیند و تمامی توان و هستی خود را برای کنترل جامعه در انتخابات و جلوگیری از هرگونه اعتراض توده‌ای بکار خواهد گرفت. از طرفی برای جمهوری اسلامی تا انتخابات ریاست جمهوری در کوتاه مدت و به طور اکتیویک فرصت مثبت، چند مناسبت که می‌توانند تحت شرایط‌های مختلف به فرصت یا ضد فرصت تبدیل شوند، از جمله آماده شدن مردم برای سالگرد اعتراضات و کشته شدن معترضین خرداد ۱۳۸۸ و مراسم‌های سالگرد مرگ خمینی همچنین یک ضد فرصت وجود دارد، فرصت مثبت او مذاکرات آلمانی است، که با طولانی کردن زمان نتایج آن و در نهایت دادن کم و بیش امتیازاتی پنهان و آشکاری، آمادگی خود را برای سرکوب داخلی بیشتر می‌کند، و ضد فرصت قبل از انتخابات روز جهانی کارگر است، شکی نیست جمهوری اسلامی از هم اکنون برای جلوگیری از آن برنامه ریزی کرده و در حال اجرای مقدمات نقشه‌های خود است.

در چنین اوضاع پیچیده‌ای نیروهای فعال کارگری در داخل لازم است با دقت بیشتر و دور از چشم و گوش رژیم سازماندهی برنامه‌های خود را در دو جهت مقابله با طرح‌ها و نقشه‌های سرکوب‌گرانه‌ی رژیم و جهت برگزاری مراسم آگاه‌گرانه‌ی روز جهانی کارگر همراه با طرح مطالبات مشترک توده‌ها که از جهت عینی برای هرگونه اعتراض و پراتیک رادیکال آماده‌اند، پیش ببرند، اما با توجه به شدت سرکوب سیستماتیک و طولانی مدت و نبود سازمان‌های توده‌ای و سیاسی نمی‌توان از نیروهای فعال داخلی انتظار معجزه داشت، نباید آن‌ها تمامی قدرت و هستی خود را در چنین وضعیتی بحرانی که هر لحظه ممکن است خیزش اعتراضات خود به خودی شروع شود، برای یک برنامه مصرف نمایند، بنابراین فعالیت نیروهای خارج از ایران در جهت تبدیل شدن به صدای داخل نقش پررنگی به خود می‌گیرد. ما در این راستا از تمامی نیروهای فعال ایرانی و حامیان بین‌المللی آن‌ها می‌خواهیم، با هماهنگی بیشتری رساننده‌ی صدای طبقه‌ی کارگر ایران به طبقه‌ی جهانی کارگر باشند، این وظیفه را در دو جهت باید انجام داد: اول این‌که همه‌جانبه خود را برای افشای سرکوب‌های فعلی و مواردی که با نزدیک شدن به روز جهانی کارگر بیشتر اتفاق خواهند افتاد آماده نماییم، دوم در جهت افشای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و سرمایه‌داری در ایران و مشکلات مستمر و دائمی طبقه‌ی کارگر ایران تلاش کنیم، و این کارها را باید گسترده و متحدانه و با پرهیز از خرده کاری و پراکندگی انجام داد.

ما در کمیته‌ی حمایت از شاهرخ زمانی در راستای چنین وظیفه‌ای می‌خواهیم برای روز جهانی کارگر و انجام وظایف گفته شده آماده شویم، بنابراین از تمامی ایرانیان مستقر در ترکیه و دوستان ترکیه‌ای آن‌ها دعوت می‌کنیم، تا جهت برگزاری روز جهانی کارگر و رساندن پیام کارگران ایران متحده و گسترده اقدام به برنامه‌ریزی مشترک نماییم، در این راستا از تمامی دوستان و رفقا می‌خواهیم جهت هماهنگی با رفقای نامبرده در زیر در تماس باشند، ضمناً از تمامی دوستان و رفقا می‌خواهیم وضعیت طبقه‌ی کارگر ایران را به دوستان ترک دقیق توضیح دهند، آن‌ها را نیز برای حمایت آماده کنند.

ما از این طریق می‌توانیم، حمایت‌های گسترده‌ای از فعالین داخل به عمل آوریم، فراموش نکنیم، پیش‌تر حوزه‌ی عمل ما در جهت کسب آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی قرار دارد، و در کنار این باید به افشای دیگر موارد سرکوب و مشکلات کارگران از جمله نبود حق تشکل و حق اعتصاب و بی‌کاری و اخراج و... بپردازیم.

ما از تمامی دوستان و رفقا می‌خواهیم در هر فرصت مناسب با نشریات و رسانه‌های دوستان و رفقای ترک مصاحبه کنند، پیام‌هایی در رابطه با مبارزات و وضعیت مردم از جمله کارگران ایران را برسانند و دست به افشاگری‌های لازم بزنند، ما به سمت آینده‌ای در حرکت هستیم که سرنوشت مردم منطقه هرچه پیش‌تر به هم گره می‌خورد.

ما در کمیته‌ی حمایت از شاهرخ زمانی در انتظار دریافت پیشنهادات و برنامه‌هایی در جهت برگزاری مراسم روز جهانی کارگر هستیم، برنامه‌های جمع‌بندی شده را نیز در بیانیه‌های بعدی و توسط هماهنگ‌کنندگان اعلام خواهیم کرد.

اسامی هماهنگ‌کنندگان، دوستان و رفقا عبارتند از :

۱- علی افشاری (در ترکیه) ۲- حسین حمیدی ۳- مرتضی شریفی ۴- شجاع ابراهیمی ۵- محمد اشرفی ۶- علیرضا بیانی ۷- اشرف عبودزاده بریهی (رویا) ۸- حمیدرضا کوهینی تفرشی ۹- ایده ترابی بابا اسکندری ۱۰- اندیشه ترابی بابا اسکندری ۱۱- الیاس ترابی بابا اسکندری

افزایش دست‌مزدها متناسب با تورم

حق تشکل، حق اعتصاب

لغو قراردادهای موقت

برقراری اشتغال دائم

پیش‌بسیوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر !!!

پیش‌بسیوی اعتراضات گسترده و متحده با شعار :

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۲۱/۱/۱۳۹۲

کلیات لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق رد شد

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 21 فروردین 92 آمده است : عضو کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی تکیه لایحه بودجه بر درآمدهای نفتی، تلاش دولت برای اجرای کامل قانون هدفمندی یارانه‌ها، نگاه انقباضی به بودجه تولیدات و سیاست‌های غلط ارزی را از علل مهم رد کلیات لایحه بودجه ۹۲ خواند.

محمدعلی عبدالله زاده در گفتگو با خبرنگار پارلمانی مهر با بیان اینکه کلیات لایحه بودجه ۹۲ در کمیسیون تلفیق رد شد، گفت: ضعف ساختار بودجه و تکیه بر درآمدهای نفتی از علل اصلی رد این لایحه در کمیسیون تلفیق بود.

نماینده مردم طبس در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: دولت در لایحه بودجه سال ۹۲ قصد داشت قانون هدفمندی یارانه‌ها را به طور کامل اجرا کند اما نمایندگان مخالف اجرای این قانون به طور کامل بودند.

وی با بیان اینکه کشور دچار رکود تورمی است، اظهار داشت: لایحه بودجه سال ۹۲ با وجود مشکل

تامین نقدینگی واحدهای تولیدی دارای نگاه انقباضی به تولید داخلی است. عضو کمیسیون برنامه و بودجه تصریح کرد: سیاستگذاری های غلط ارزی دولت در بودجه ۹۲ از دلایل دیگر رد این لایحه در کمیسیون تلفیق بود. چند نرخى بودن قیمت ارز و همچنین عدم مرجعیت بانک مرکزی در تعیین نرخ ارز نمایانگر سیاست های غلط ارزی در لایحه بودجه ۹۲ است. وی تاکید کرد: در سال جاری باید مشخصه اصلی بندهای بودجه استراتژی در مقابل تحریمها باشد در حالی که لایحه بودجه تقدیمی دولت دارای چنین ویژگی ای نبود. به گزارش خبرنگار پارلمانی مهر کلیات لایحه بودجه سال ۹۲ با ۲۲ رای موافق و ۲۲ رای مخالف از ۴۴ نماینده حاضر در کمیسیون تلفیق در این کمیسیون رد شد. دولت این لایحه را با تاخیر به مجلس ارائه داد و مجلس سه دوازدهم لایحه بودجه را برای اجرا در سه ماهه اول سال ۹۲ به تصویب رساند تا کلیات این لایحه را در سال ۹۲ بررسی کند.

پیام تسلیت اتحادیه آزاد کارگران ایران به خانواده های جان باختگان زلزله منطقه دشتی بوشهر

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران - 21 فروردین ماه 1392 آمده است : بار دیگر و به فاصله فقط کمتر از یک سال از زلزله شهرستان ورزقان، زلزله ای مخرب جان عزیزان دیگری از مردم کشورمان در منطقه دشتی استان بوشهر را گرفت و هزاران نفر را بی خانمان کرد. این اولین و آخرین بار نیست که زلزله های مهیبی در نقاط مختلف کشور جان عزیزان بسیاری را میگیرد و دهها هزار نفر از مردم ایران را از هستی ساقط میکند اما مسئولین کشوری هر بار فقط از کمبودها میگویند تا زلزله ای دیگر از راه رسد و زندگی و بقا هزاران نفر دیگر از مردم ایران را در معرض نابودی قرار دهد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز تاسف و همدردی عمیق با خانواده های جان باختگان زلزله منطقه دشتی، این ضایعه دردناک را به خانواده های این عزیزان، مردم استان بوشهر و عموم مردم ایران تسلیت میگوید و پیش آمدن چنین وضعیت دردناکی را که هر بار زلزله هایی جان عزیزان بسیاری را آنهم در شرایطی که با استانداردهای امروزی خانه سازی کاهش تلفات انسانی این بلای طبیعی به سهولت ممکن و میسر است متوجه کسانی میداند که کاهش و پیشگیری از تلفات انسانی زلزله در یک بعد کلان زندگی اجتماعی بر عهده آنان است.

چهارده میلیارد تومان از معوقات سال قبل چایکاران پرداخت نشده است

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 21 فروردین 92 آمده است :نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال از عدم پرداخت ۱۴ میلیارد تومان از معوقات سال ۹۱ چایکاران خبر داد . پرویز شعبانی در این باره به ایلنا گفت: حدود ۱۴ میلیارد تومان از طلب چایکاران باقی مانده است. شرکت صدرا که پیش از این قول داده بود تا همه طلب چایکاران را تا ۲۲ بهمن ماه سال گذشته پرداخت کند انصراف داد و سازمان چای کشور با واگذاری حواله به کارخانه ها سعی در پرداخت معوقات سال ۹۱ چایکاران دارد . وی در ادامه با انتقاد از تصمیم عجولانه شورای اقتصاد که منجر به تشویش در میان کشاورزان و کارخانه داران شده است بیان کرد: مطابق تصمیم شورای اقتصاد، کارخانه دارانی که هزینه خرید برگ سبز چای را به صورت کامل پرداخت کنند از دولت حواله دریافت می کنند اما به کارخانه دارانی که از یارانه دولت برای خرید برگ سبز چای استفاده می کنند حواله ای تعلق نمی گیرد . نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال در پایان اظهار داشت: در ازای هر یک کیلو چای خشک تولیدی در کارخانه ها، ۲ کیلو حواله واردات چای خشک به کارخانه داران داده می شود اما چون آنها توانایی واردات چای را ندارند این حواله ها را به تاجران می فروشند و پول آن را دریافت می کنند .

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا به شش ماه حبس تعزیری محکوم شدند

حکم محکومیت شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در شعبه اول دادگاه بدوی انقلاب سنندج به وکیل این کارگران ابلاغ شد. بر اساس این حکم شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا هر کدام به اتهام واهی توهین به نظام به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده اند.

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال بازداشت از سوی نیروهای امنیتی در روز 15 دی ماه 1390، روز 29 همان ماه از زندان آزاد شدند و اولین جلسه محاکمه آنان روز 25 اسفند 1390 برگزار شد اما دادگاه به دلیل عدم وجود مستندات دال بر تایید اتهامات آنان، هیچ حکمی در مورد این کارگران صادر نکرد و آنان بار دیگر با همان اتهامات قبلی روز 15 مهر ماه مورد محاکمه قرار گرفتند و سپس برای آخرین بار روز پنجم اسفند ماه سال گذشته در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج به محاکمه کشیده شدند.

این کارگران هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی خود و همکاری‌شان مرتکب نشده اند به همین دلیل نیز قاضی دادگاه روز پنجم اسفند ماه در جلسه محاکمه این کارگران رسماً و علناً به آنان اعلام کرد در صورت استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران حکم برائت شان را صادر خواهد کرد. اما از آنجا که شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در این دادگاه از حقوق قانونی و انسانی خود برای فعالیتهای صنفی دفاع کردند اتهام توهین به نظام به این کارگران در دستور دادگاه قرار گرفت و قاضی دادگاه با این اتهام واهی آنان را به شش ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران رای صادره از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج را بر علیه شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا اعمال فشاری علنی بر فعالین و رهبران کارگری برای به سکوت واداشتن آنان ارزیابی میکند و با محکوم کردن صدور چنین حکمی اعلام میدارد اعمال فشار برای به تمکین واداشتن کارگران معترض از طریق وارد کردن اتهامات واهی و به زندان افکندن آنان نه تنها ذره ای از صورت مسئله تحمیل شرایط غیر انسانی بر کارگران ایران و تلاش آنان برای دستیابی به یک زندگی انسانی را پاک نخواهد کرد بلکه بر عمق و دامنه نفرت و انزجار کارگران از وضعیت موجود خواهد افزود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 22 فروردین ماه 1392

سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه ایران در راه است

به گزارش صدای آلمان در تاریخ 22 فوردين 2 آمده است: با بي‌نتيجه ماندن نشست آلماني، کنگره آمریکا درصدد تصویب طرحی است که سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه ایران را رقم خواهد زد. طرح تازه صنعت نفت و گاز، شخصیت‌های سیاسی و منافع اقتصادی ایران در کشورهای متحد آمریکا را شامل می‌شود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز سه‌شنبه (۹ آوریل، ۲۰ فروردین) گزارش داد که عده‌ای از نمایندگان کنگره ایالات متحده آمریکا به دنبال طراحی "شدیدترین" و "سخت‌گیرانه‌ترین" تحریم‌هایی هستند که تا به حال علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده است.

این گزارش می‌گوید که بی‌نتیجه ماندن مذاکرات آلمانی میان ایران و کشورهای موسوم به ۵+۱ دلیل اتخاذ این تصمیم است. اگر این تحریم‌های تازه تصویب شود، ایران بخش چشم‌گیری از درآمدهای نفتی خود را از دست خواهد داد. از سال ۲۰۱۰ میلادی تاکنون این پنجمین بار است که کنگره آمریکا تحریم‌هایی را علیه اقتصاد و سیاستمداران ایرانی وضع می‌کند.

اد رایس، نماینده جمهوری خواه کنگره که ریاست کمیته سیاست خارجی را عهده‌دار است به آسوشیتدپرس گفت: «نگرانیم که ایران مذاکرات بی نتیجه را تنها به عنوان ابزاری برای این‌که وقت بیشتری به دست بیاورد، ادامه می‌دهد. همان تاکتیکی که کره شمالی نیز استفاده کرد.» رایس در بیانیه رسمی کمیته سیاست خارجی کنگره نیز تأکید کرده که کنگره آمریکا به فشار علیه اقتصاد ایران برای توقف برنامه اتمی این کشور ادامه می‌دهد. در این بیانیه آمده است: «کمیته سیاست خارجی فشار و تحریم‌ها علیه ایران را افزایش خواهد داد تا رهبران این کشور را وادار به توقف برنامه اتمی کند.»

تحریم شخصیت‌های سیاسی و نهادهای اقتصادی انتظار می‌رود طرح کنگره آمریکا در اواخر ماه آوریل جاری نهایی شود. گفته می‌شود مساله نقض حقوق زنان در ایران، زندانیان سیاسی و عدم وجود انتخابات آزاد در کشور نیز از جمله مواردی است که برای فشار بیشتر به ایران مطرح شده است.

بنا به گزارش اسوشیتدپرس طرح تازه کنگره آمریکا تأکید دارد که برای این‌که در ادامه مذاکرات احتمالی نام شرکت‌های ایرانی از لیست تحریم‌ها خارج شود، ایران باید گام‌های عملی در راه تأمین حقوق بشر و به ویژه حقوق زندانیان سیاسی و زنان بردارد.

در طرح تازه شمار بیشتری از شرکت‌ها و شخصیت‌های ایرانی که با برنامه اتمی ایران یا نقض

تحریم‌ها ارتباط دارند، مشمول تحریم خواهند شد. همچنین سفر برخی شخصیت‌های ایرانی که در نقض حقوق بشر سهیم‌اند ممنوع و دارائی‌های آن‌ها در آمریکا و کشورهای متحد آن توقیف خواهد شد.

طرح تازه تحریم‌های سنگینی را علیه منافع و نهادهای اقتصادی ایران در لبنان، نوار غزه، سودان، سوریه و کره شمالی نیز وضع خواهد کرد. این طرح دسترسی ایران به منابع مالی خود در این کشورها و انتقال آن به سایر کشورها را نیز با محدودیت‌های اساسی روبرو خواهد ساخت. این طرح تحریم‌های بیشتر و جدی‌تری را علیه صنعت نفت و گاز ایران نیز تصویب و اجرایی خواهد کرد.

مارک دویوتز، کارشناس ارشد تحریم و معاون سازمان "دفاع از دموکراسی‌ها" به آسوشیتدپرس گفت که سیاستمداران آمریکایی به ادامه‌ی مذاکرات میان ایران و گروه ۵+۱ خوشبین نیستند و این طرح برآیند همین عدم خوشبینی است. او اضافه کرد: «به نظر می‌رسد همه منتظر نتیجه آخرین دور مذاکرات در آلماتی بودند که عملاً نتیجه‌ای به بار نیاورد. حالا کنگره به این نتیجه رسیده است که باید جدی‌تر به ایران فشار بیاورد تا مانع از دستیابی ایران به سلاح اتمی شود.» تحریم‌های تازه در شرایطی مطرح می‌شود که علالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز بعد از نشست آلماتی در گفت‌وگویی با شبکه "العالم" تأیید کرد که خروج از آن پی‌تی به عنوان یک گزینه برای مقامات ایرانی مطرح است.

نهادهای چپ و کمونیست: فراخوان هفته دفاع از کارگران زندانی

برپایه فراخوان رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 22 فروردین 92 آمده است :
فراخوان
هفته دفاع از کارگران زندانی

کارگران و آزادیخواهان

رژیم جمهوری اسلامی ایران همزمان با هجوم به معیشت کارگران و گسترش فقر و بی حقوقی برای خانواده کارگری وکل جامعه موج دستگیری کارگران را شدت بخشیده است. هم اکنون دهها فعال کارگری و سیاسی در زندانها بسر میبرند. غالب حسینی، علی آزادی، شریف ساعد پناه، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم نژاد، پدram نصراللهی، رضا شهابی، محمد جراحی و فریبرز رئیس دانا و..... و دهها کارگر و فعال سیاسی دیگر

برای اعتراض به دستگیریها و حمله به جنبش کارگری روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل امسال را هفته دفاع از جنبش کارگری اعلام میکنیم. و روزشنبه ۲۰ آوریل را در این هفته کارگری به روز حرکت سراسری اختصاص میدهیم.

در این هفته به هر طریق ممکن اعم از اکسیون یا پیکت یا نمایشگاه و مراجعه به نهادهای کارگری در محل زیست و کار خود صدای اعتراض کارگران و زندانیان سیاسی را بر علیه سرمایه و جمهوری اسلامی رساتر میکنیم

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

هیات هماهنگی شورای نمایندگان احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست
۲۲ فروردین ۱۳۹۲ برابر با ۱۱ آوریل ۲۰۱۳

پیامد های فاجعه بار زمین لرزه بوشهر طبیعی نیست

زلزله حادثه ای طبیعی است، هر چند که امروز می توان ردپای نظام ضد محیط زیستی سرمایه داری را در بسیاری از اتفاقات "طبیعی" در سراسر جهان یافت. اما آنچه مسلم است پیامد های ویران گر و فاجعه بار زلزله لزوماً طبیعی نیست. شدت زلزله در استان بوشهر بنا به گزارش های رسمی شش و یک دهم در مقیاس ریشتر بوده است. زلزله ای با این شدت و حتی بیشتر از آن، در بسیاری از کشورها معمولاً ویران گر نیست و باعث خسارات مالی و بویژه انسانی نمی شود. اما وقوع چنین زلزله ای در استان بوشهر باعث شده که دهها نفر جان خود را از دست بدهند، صد ها نفر مجروح شوند و هزاران نفر هست و نیست شان بر باد برود و بی خانمان شوند. در همین زلزله بناها و ساختمان هایی که از حداقلی استاندارد برخوردار بودند، بر جا ایستادند، اما خانه های سنتی و فاقد استانداردهای لازم، به کلی ویران و در پاره ای موارد بر سر ساکنین خود آوار شدند.

گزارش شده است که در مناطقی 80 تا 100 درصد یک روستا تخریب شده و کل اهالی بی خانمان شده اند. این پیامد ها به هیچ رو طبیعی نیست. مسئول پیامد های ویران گر و فاجعه بار زمین لرزه هایی چون زلزله اخیر بوشهر، نه طبیعت، بلکه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است که در آن میلیون ها نفر از مردم به ناچار در خانه هایی زندگی می کنند که در زلزله ای نه چندان شدید، بر سر ساکنین شان خراب می شوند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران ضمن ابراز تاسف و انزجار از پیامد های فاجعه بار زلزله بوشهر، کشته شدن دهها نفر در این زلزله را به عموم مردم و به ویژه به خانواده ها و بازماندگان جان باختگان، تسلیت می گوید. ما مصرانه خواهان امداد رسانی گسترده و سریع به خسارت دیدگان زلزله هستیم. نهادهای دولتی موظف اند که امکانات کافی درمانی، آب، غذا، پتو، پوشاک و دیگر نیازمندی های زندگی را بطور سریع در اختیار آسیب دیدگان قرار دهند. بعلاوه، گروه های امداد رسانی مردمی باید بتوانند بدون ممانعت و خراب کاری ارگان های سرکوب رژیم، به زلزله زدگان کمک کنند. ما همچنین خواهان ایجاد مسکن مناسب و مقاوم در برابر زلزله و پرداخت خسارات مالی از سوی دولت جمهوری اسلامی به همه خسارت دیدگان این زلزله هستیم. اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران- ۱۱ آویل ۲۰۱۳

یک وکیل دادگستری: کارفرمایان حق اخراج کارگر بدلیل شکایت از مزد را ندارند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 22 فروردین 92 آمده است: یک کارشناس مسائل حقوقی معتقد است مطابق قانون اساسی تمامی مشمولان قانون کار می توانند علیه مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار در دیوان عدالت اداری اقامه دعوی کنند. «علیرضا مقدم» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: صرفه نظر از اعتراضاتی که به نحوه انتخاب اعضای گروه کارگری شورای عالی کار وارد است، ممکن است قضات دیوان با این استدلال که چون در زمان تصویب حداقل مزد نمایندگان گروه کارگری در جلسه حضور داشته و مصوبه این شورای عالی را تصویب کرده اند، ادعای معترضان به مزد سال 92 را رد کنند.

این وکیل دادگستری راه رفع این مشکل را این چنین توضیح داد: از آنجا که متعوضان معتقد به نقض سه جانبه گرایی و عدم اجرای مواد قانون کار هستند باید در لایحه شکایت خود یادآور شوند که شورای عالی کار در شرایطی مزد سال 92 را تصویب کرده است که دولت با تغییر آیین نامه این شورای عالی سه جانبه گرایی را نقض کرده است و در نتیجه دستمزدها بدون رعایت مواد 41 و 8 قانون کار تعیین شده است.

مقدم در بخش دیگری از سخنانش به صلاحیت افراد برای شکایت به دیوان عدالت اداری اشاره کرد و گفت: مطابق اصل 117 قانون اساسی از یکسو قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و از سوی دیگر هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

این حقوقدان همچنین در خصوص اینکه چه کسانی از نظر حقوقی برای شکایت علیه مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار «اهلیت ورود به دعوی را دارند»، گفت: علاوه بر کارگران و کارفرمایان هر فرد دیگری که ولو بصورت غیر مستقیم از مصوبه شورای عالی کار متحمل ضرر و زیان بشود نیز می تواند در دیوان عدالت اداری اقامه دعوی کند.

وی یادآور شد: به دلیل کثرت و گستردگی مشمولان قانون کار مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار بطور مستقیم و غیر مستقیم بر تمامی جامعه تاثیرگذار است.

مقدم در پاسخ به این پرسش که «آیا با مراجعه کارگران به دیوان عدالت اداری و شکایت از مصوبه دیوان عدالت اداری، امنیت شغلی آن ها تهدید می شود؟» گفت: طبق قانون کار نمی توان هیچ کارگری را به صرف مراجعه به دیوان عدالت اداری و شکایت کردن علیه مصوبه دستمزد شورای عالی کار از کار اخراج کرد.

این وکیل دادگستری با بیان اینکه در قانون کار موارد اخراج کارگر بصورت روشن و شفاف ذکر شده است، گفت: حتی اگر کارگری علیه کارفرمای خود اقامه دعوی بکند، قانون کار به کارفرما اجازه اخراج آن کارگر را نمی دهد و بنابراین چنین اقدامی غیرقانونی است. این حقوق دادن با تاکید براینکه مراجعه به دیوان و شکایت از شورای عالی کار به رابطه کارگری و کارفرمایی ارتباطی ندارد، گفت: طبق قانون دیوان عدالت اداری وظیفه دارد تا به شکایت هایی که

علیه اقدامات دستگاه‌های دولتی از جمله مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار می‌شود رسیدگی کند؛ بنابراین حتی اگر دیوان عدالت اداری در بررسی‌های خود شکایت کارگران معترض را وارد تشخیص ندهد در روابط کار آن‌ها تغییری ایجاد نخواهد شد .
وی افزود: هرچند دیوان عدالت اداری با شکایت یک نفر هم به پرونده رسیدگی می‌کند اما بهتر است تا کارگران برای نشان دادن وحت و همبستگی صنفی خود به صورت هماهنگ علیه مصوبه مزد اقامه دعوی کنند .

خانواده‌های قربانیان حادثه انفجار معدن یال شمالی طبس وعده های بی سرانجام!؟

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 22 فروردین 92 آمده است :خانواده ۸ کارگر کشته شده در حادثه انفجار معدن یال شمالی طبس در دی‌ماه سال گذشته، به دلیل از دست دادن سرپرست خانواده با مشکلات اقتصادی عدیده‌ای مواجه شده‌اند.
به گزارش 22 فروردین ایلنا، پس از این حادثه و کشته شدن هشت کارگر، وعده‌هایی از سوی مسئولان دولتی و کارفرمای معدن به خانواده‌های قربانیان داده شد؛ از جمله قرار بوده سازمان تأمین اجتماعی از ماه اسفند مقرر ماهانه خانواده‌های کشته‌شدگان را برقرار کند، علاوه بر آن مسئولان وعده داده بودند که برای فرزندان ذکور این قربانیان، در شرکت ملی فولاد ایران به صورت رسمی اشتغال ایجاد کنند.
براساس این گزارش، اخیراً، اشتغال یکی از پسران قربانیان حادثه معدن زغال سنگ یال شمالی طبس از طرف معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت وعده داده شده است.
بنابراین گزارش، حدود چهار ماه از وقوع حادثه معدن یال شمالی در طبس می‌گذرد ولی هنوز حکمی برای مقصران این حادثه مرگبار صادر نشده است و گفته می‌شود که هم‌اکنون هر سه نفر مقصر این حادثه آزاد هستند.

جوان چاه‌کن جان خود را از دست داد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 22 فروردین 92 آمده است :بنقل مرکز فوریت‌های پلیسی 110 روز 21 فروردین، جوانی 23 ساله حین حفر چاه در یکی از روستاهای سبزوار بر اثر اتصال برق بالابر دچار برق‌گرفتگی شد و در دم جان سپرد.

چادرنشینی کارگریکاربافانواده اش در بهشت زهرا!

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 22 فروردین 92 آمده است : این بار دومی است که وسایل زندگی خود را در گوشه‌ای از خیابان چیده‌اند و تمام تلاش خود را برای پنهان شدن از نگاه سنگین عابران کنج‌کاو به کار می‌گیرند. درباره خانواده‌ای حرف می‌زنیم که این روزها مهمان بی‌پناه بهشت زهرا شده و در فاصله‌ای 500 متری از ضلع شرقی ایستگاه متروی حرم زیر یک درخت توت اسباب‌اثاثیه خود را تلنبار کرده‌اند. دو دختر و مادرشان درون چادر نشسته‌اند، پدر خانواده هم که پنجاه و شش ساله است، می‌گوید: از بیست و پنجم اسفند و وقتی پولی برایمان باقی نماند تا رهن و اجاره خانه را پرداخت کنیم، ناچار به این محل آمده‌ایم.
این خانواده تا مدتی قبل در آپارتمانی 45 متری در سرآسیاب ملارد زندگی می‌کردند. آنها برای اجاره خانه یک میلیون تومان پول پیش داده بودند و ماهی 250 هزار تومان هم اجاره پرداخت می‌کردند، اما وقتی پدر خانواده از کار بیکار شد، اجاره‌ها هر ماه پس از ماه دیگر عقب افتاد و در حالی که زمان قرارداد به پایان رسیده بود صاحبخانه تصمیم گرفت یک میلیون تومان به پول پیش خانه اضافه کند، آنها هم که نمی‌توانستند از پس پرداخت اجاره خانه بربیایند ناچار وسایلشان را بار ماشین کرده و به این محل آمدند تا بلکه مسئولان وضع آنها را دیده و فکری به حالشان کنند.
برپایه این گزارش، مرد میانسال تراشکار است، اما به بیماری صرع مبتلاست و هرازگاهی به خاطر حمله عصبی تشنج به سراغش می‌آید.

سایت اتحاد با جعفر عظیم زاده به گفتگو می‌نشیند

سایت اتحاد: در آخرین روزهای سال گذشته شورای عالی کار حداقل مزد کارگران را با افزایش بسیار ناچیز 25 درصد به میزان 487 هزار تومان تعیین کرد. این مصوبه از همان لحظه تصویب مورد اعتراض شدید تمامی تشکلهای و نهادهای کارگری مستقل و منجمله مورد اعتراض تشکلهای دست ساز دولتی قرار گرفت اما از آنجا که حداقل مزد کارگران طبق روال هر ساله در روزهای نزدیک به پایان سال به تصویب رسید اظهار نظرها و اعتراضات بیشتر به این مصوبه عملاً به سال جدید موکول شد.

طی روزهای گذشته و با آغاز اولین روزهای کاری در سال جدید همه تشکلهای ساز دولتی تبلیغات گسترده ای را در همسوئی با اعتراض کارگران به حداقل مزد مصوب آغاز کرده اند. بویژه در این میان تشکلهایی چون کانون عالی شوراهای اسلامی، کانون عالی انجمنهای صنفی و مجمع عالی نماینده های کارگری که نماینده هایشان در شورای عالی کار حضور دارند چنان شعور کارگران ایران را دست کم گرفته اند که گویا کارگران میدانند که نماینده های این تشکلهای بودند که در شورای عالی کار امضای خود را بر پای حداقل مزد مورد نظر دولت و کارفرمایان گذاشتند. اما مسئله ای که در همسوئی این تشکلهای با خشم و انزجار کارگران از حداقل مزد مصوب بیش از هر چیز دیگری خود نمایی میکند فراخوان آنها به عموم کارگران برای شکایت از شورای عالی کار در دیوان عدالت اداری است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران در این زمینه و در باره ادامه اعتراضات کارگری به حداقل مزد مصوب، رویکرد شکایت از شورای عالی کار در دیوان عدالت اداری از سوی تشکلهای دست ساز دولتی را تلاشی از سوی آنان برای به تمکین کشاندن کارگران به حداقل مزد مصوب دانسته است. سوالی که در این میان مطرح است این است که چرا شکایت از شورای عالی کار نمیتواند به نفع کارگران تمام شود بویژه اینکه بر اساس تجاربی که کارگران در طرح شکایت های خود به دیوان عدالت اداری دارند این دیوان در اغلب اوقات و تقریباً بدون حواشی به شکایت کارگران بر اساس نص صریح قانون رسیدگی کرده است و آرا قابل توجهی را نیز به نفع کارگران صادر نموده است. بر این اساس باید گفت چه بسا که با شکایت کارگران به دیوان عدالت اداری در رابطه با حداقل مزد نیز آرای این دیوان به نفع کارگران صادر شود و حداقل مزد مصوب مورد تجدید نظر قرار گیرد. با این ملاحظات و در یک نگاه کلی به نظر میاید شکایت به دیوان عدالت اداری فی نفسه نمیتواند امری به ضرر کارگران تلقی شود با این حال اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه خود آنرا به نفع تجدید نظر در حاقل مزد در سالجاری ارزیابی نکرده است.

در این زمینه سایت اتحاد طی نشست با جعفر عظیم زاده عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران این سوال را با وی در میان گذاشت که چرا اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه خود شکایت به دیوان عدالت اداری را به ضرر مبارزه و تلاش کارگران برای تجدید نظر در حداقل مزد ارزیابی کرده است.

جعفر عظیم زاده در رابطه با این سوال به سایت اتحاد اظهار داشت: ما مخالف شکایت کارگران در مراجع قانونی نیستیم و خودمان نیز تاکنون به نمایندگی از کارگران بسیاری از کارخانه ها در مراجع قانونی طرح دعوی کرده ایم که در بیشتر اوقات بویژه در دیوان عدالت اداری آرا صادره به نفع کارگران بوده است به همین دلیل باید بگویم شکایت کارگران از مصوبه شورای عالی کار در باره حداقل مزد به دیوان عدالت اداری بخودی خود نمیتواند امری منفی تلقی گردد. اما مسئله ای که در این میان مطرح است این است که کسانی که بحث طرح دعوی حقوقی در دیوان عدالت را در باره حداقل مزد مطرح کرده اند و با ترغیب عموم کارگران به چنین اقدامی، تبلیغات گسترده ای را حول آن راه انداخته اند بطور زیرکانه ای تماستفاده از راههای قانونی را نیز در تبلیغات خود در رابطه با مخالفت با حداقل مزد مصوب و راه مقابله با آن برجسته کرده اند. معنای عملی چنین رویکردی این است که گویا فقط شکایت به دیوان عدالت اداری یک کار قانونی است و تجمعات اعتراضی و اعتصاب کارگران برای احقاق حق شان قانونی نیست به این ترتیب این آقایان با توسل به قانون و قانونی عمل کردن، بطور غیر مستقیم و البته آگاهانه ای کارگران را از استفاده از حربه اعتصاب و تجمع بر حذر کرده و فقط ابزار شکایت از شورای عالی کار در دیوان عدالت اداری را به عنوان یک اقدام قانونی و برجسته در مقابل آنان گذاشته اند. این در حالی است که از نظر ما و از نظر عموم کارگران در سراسر کشور بر پایی اعتصاب و تجمعات کارگری یک شیوه کاملاً قانونی برای احقاق حقوق کارگران است و آنان

حق دارند در دفاع از زندگی و هستی خود اقدام به برپایی اعتصاب و تجمعات بزرگ کارگری نکنند. به نظر من، آنجا که حق کارگران توسط کسانی که خود باید مجری قانون باشند به غیر قانونی ترین و خشن ترین شکلی زیر پا گذاشته میشود کاملاً روشن است که استفاده از هر ابزاری توسط کارگران برای دفاع از حقوق شان نیز مشروعیتی اجتماعی پیدا میکند.

گذشته از نکات فوق، نکته بسیار مهم دیگری که در نفس طرح شکایت برای لغو مصوبه حداقل مزد در دیوان عدالت اداری وجود دارد و عرفاً و قانوناً میتواند مانع هر گونه اعتراض کارگری دیگری از قبیل اعتصاب و تجمع برای لغو مصوبه حداقل مزد باشد این است که شما وقتی شکایتی را در یک مرجع قانونی مطرح میکنید انتظار طبیعی این است که باید منتظر رسیدگی به آن نیز باشید و به این معنا امکان دست زدن به هر گونه اعتراض دیگری را از خود سلب میکنید چرا که در صورت دست زدن به اعتراض دیگری از قبیل تجمع و اعتصاب، مجری قانون طلبکارانه به شما خواهد گفت مگر شکایت نکرده اید؟ منتظر باشید رای صادر شود و چنانچه راضی نبودید آنوقت دست به تجمع بزنید. اینجاست که ما مخالف شکایت در دیوان عدالت هستیم چرا که از یک سو رسیدگی به آن در دیوان عدالت ماهها طول خواهد کشید و تازه در خوشبینانه ترین حالت با لغو مصوبه حداقل مزد از سوی این نهاد، ترتیب برگزاری جلسات شورایی کار و تجدید نظر در حداقل مزد عملاً چنان به درازا خواهد کشید که ما به ماههای پایانی سال نزدیک خواهیم شد و از طرف دیگر امکان هر گونه اعتراضی از سوی کارگران به حداقل مزد از قبیل تجمع و اعتصاب بنا به دلایلی که فوقاً به آن اشاره کردم عملاً و قانوناً از کارگران سلب خواهد شد. به این معنا طرح شکایت در دیوان عدالت اداری بی هیچ ابهامی برابر است با عدم تجدید نظر در حداقل مزد در طول سال جاری، و به نظر من طراحان اصلی چنین شکایتی که در راس تشکلهای دست ساز دولتی قرار دارند بطور کاملاً آگاهانه ای بر این مسئله واقف اند.

جعفر عظیم زاده در ادامه این گفتگو افزود: ما کارگران از سال گذشته خواهان افزایش فوری حداقل مزد بر اساس اجرای بی کم و کاست ماده 41 قانون کار شدیم و تمام خون دل خوردن هایمان نیز برای این بود که در سال 92 حداقل مزد بر اساس اجرای بی کم و کاست این ماده قانونی تعیین شود. ما مبارزه نکردیم که امسال نیز آنهم در شرایطی که هزینه های زندگی چندین برابر افزایش پیدا کرده اند و هیچ چشم اندازی هم برای توقف سیر صعودی قیمتها در سال جاری وجود ندارد با حداقل مزد تحقیر آمیزی در فقر و گرسنگی بیشتری غوطه ور شویم. خواست افزایش حداقل مزد بر اساس ماده 41 قانون کار خواست همین امروز ماست و بدیهی است هر اقدامی که باعث شود تحقق خواست تجدید نظر در حداقل مزد به سال آینده کشیده شود (همچون طرح شکایت از شورایی کار در دیوان عدالت) بخودی خود به معنای کنار گذاشتن خواست تجدید نظر در حداقل مزد در سال جاری است. چنین اقدامی (طرح شکایت در دیوان) یعنی تضمین اجرای حداقل مزد مصوب در طول سال جاری و راحت کردن خیال دولت و کارفرمایان از بابت اجرای این مصوبه. چرا که خود دولت و کارفرمایان نیز به خوبی میدانند که رسیدگی به شکایت کارگران در دیوان عدالت و پروسه تجدید نظر در حداقل مزد از طریق رای این نهاد عملاً به ماههای پایانی سال کشیده خواهد شد.

جعفر عظیم زاده در ادامه این گفتگو در باره اقداماتی که اتحادیه آزاد کارگران ایران و هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران برای وادار کردن شورایی کار به تجدید نظر در حداقل مزد در دستور دارند گفت: ببینید ما سال گذشته موفق شدیم سی هزار امضا در اعتراض به حداقل مزد و برای تحقق دیگر خواست هایمان جمع آوری کنیم و در ادامه دست به تجمع در مقابل مجلس و محل وزارت کار زدیم همچنین کارگران شرکت واحد تهران نیز با جمع آوری دو هزار امضا و سپس تجمع در محل وزارت کار خواهان افزایش فوری حداقل مزد بر اساس اجرای ماده 41 قانون کار شدند به نظر من این اقدامات اعتراضی در اینکه شورایی کار به میزان 25 درصد حداقل مزد را افزایش داد بسیار موثر بود و گرنه چنانچه شما اظهارات مسئولین وزارت کار در محدوده زمانی اواخر شش ماهه اول و اوایل شش ماهه دوم سال گذشته را مرور کنید خواهید دید که برای امسال اینان در صد افزایش حداقل مزد نبودند و اگر افزایشی را نیز در حداقل مزد اعمال میکردند بطور یقین بدون این اعتراضات درصد بسیار پایین تری را اضافه میکردند. اخیراً نیز این مسئله فاش شد که دو گزینه 15 و 25 درصدی برای افزایش حداقل مزد بر روی میز شورایی کار بود و افزایش آن به میزان 15 درصد بیشتر مد نظرشان بود به این معنا میخوام بگویم اعتراضات ما کارگران آنهم اعتراضاتی از آن

دسته که توجه افکار عمومی را به خود جلب میکند بسیار موثر است. ما سال گذشته اعتراضات خود را از طریق طومار و تجمعات کوچک به پیش بردیم. من اطمینان دارم که چنانچه سال گذشته ما و کارگران شرکت واحد تهران از طریق طومار و تجمعات هر چند کوچک دست به اعتراض نمی زدیم در خوشبینانه ترین حالت اینان در رابطه با افزایش حداقل مزد به همان میزان 15 درصدی که در شورایعالی کار مد نظرشان بود بسنده میکردند. اما واقعیت این است که ما در حال حاضر اطمینان چندانی نداریم که چنین ابعادی از اعتراض بتواند شورایعالی کار را وادار به عقب نشینی در مقابل خواست ما کارگران بکند و منجر به تجدید نظر چشمگیری در حداقل مزد مصوب بشود. به همین دلیل معتقدیم که باید دست به اعتراضات جدی تری از قبیل اعتصاب و برگزاری تجمعات بزرگ کارگری زد. اما گذشته از اینکه ما چه اعتقادی داریم و یا چه اقدامی خواهیم کرد و توانائی مان برای اعتصاب و برگزاری تجمعات بزرگ کارگری چقدر است به نظر من با توجه به اینکه هم اکنون میلیونها خانواده کارگری با حداقل مزدی که به تصویب رسیده است بطور بی سابقه ای در حال دست و پنجه نرم کردن با فقر و فلاکت اند و با اینحال باز هم موج دیگری از افزایش سرسام آور قیمتها در راه است یقیناً کارگران ایران دست روی دست نخواهند گذاشت و در دفاع از هستی شان نظاره گر فقر و فلاکتی خرد کننده بر خود و خانواده هایشان نخواهند شد. دولت و شورایعالی کار خودشان با حداقل مزد ننگ آوری که برای گذران زندگی کارگران به تصویب رساندند و با تحقیر معیشتی بی سابقه ای که بر میلیونها کارگر تحمیل کردند به نظر من هیچ راه و چاره دیگری برای کارگران ایران جز دست زدن به اعتصاب و تجمعات بزرگ کارگری نگذاشته اند. پایان

<http://www.etehadyh.com/?page=news&nid=2917>

پیام تسلیت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به هموطنان زلزله زده بوشهر

هنوز زمانی کوتاهی از مصیبت کشته شدگان زلزله ورزقان نگذشته که یکبار دیگر شاهد زلزله ای سنگین درحوالی کاکي استان بوشهر بودیم ، که باعث کشته شدن 37 تن و زخمی شدن بیش از 900 تن از هموطنان عزیز مان گردید و خساراتی بسیار سنگینی بجا گذاشت که از جمله هزاران منزل مسکونی بطور صددرصد تخریب گردید و هزاران تن از مردم روستاهای زلزله زده از خانه هایشان آواره گردیده اند .

هنوز زمانی کوتاهی از مصیبت کشته شدگان زلزله ورزقان نگذشته که یکبار دیگر شاهد زلزله ای سنگین درحوالی کاکي استان بوشهر بودیم ، که باعث کشته شدن 37 تن و زخمی شدن بیش از 900 تن از هموطنان عزیز مان گردید و خساراتی بسیار سنگینی بجا گذاشت که از جمله هزاران منزل مسکونی بطور صددرصد تخریب گردید و هزاران تن از مردم روستاهای زلزله زده از خانه هایشان آواره گردیده اند .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن ابراز تأسف عمیق خود از این مصیبت به بار آمده و تسلیت به تمامی هموطنان عزیز کشور، بخصوص اهالی استان بوشهر و بازماندگان حادثه دلخراش زلزله ، از از مسئولین کشوری می خواهد با توجه به اینکه کشور ما در روی خط گسل زلزله قرار دارد و بطور مرتب شاهد این بلایای طبیعی هستیم و هر بار که در هر نقطه ازکشور زلزله ای حتی با قدرت پایین صورت میگیرد به علت عدم ایمن سازی مناطق روستا نشین و شهری و مستحکم نبودن بناها شاهد کشته شدن تعداد زیادی از هموطنان در اثر این زلزله ها هستیم و با توجه به اینکه حفظ جان مردم در هر کشوری به عهده حکومت ان کشور میباشد ، هر چه سریعتر نسبت به ایمن سازی خانه های روستایی و شهری که در مناطق زلزله خیز است اقدامات لازم را انجام دهد تا بیش از این شاهد کشته شدن هموطنان عزیز کشورمان نباشیم .

با امید به گسترش صلح و عدالت در تمام جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - فروردین 1392

بازهم نزدیک به 300 کارگرکارخانه پوشینه محمودآباد اخراج شدند

به گزارش خبری بلاغ، در 23 فروردین 92 آمده است : اخراج کارگران کارخانه پوشینه محمودآباد ادامه دارد. این بار نزدیک به 300 نفر از کارگران این کارخانه اخراج شدند.

براساس این گزارش، یکی از کارگران اخراجی گفت: با توجه به اینکه کارگران این شرکت به صورت قرار دادی در این کارخانه مشغول به کار هستند هرگاه قراردادشان با کارخانه به اتمام می رسد به دلایل گوناگون و از جمله نبود مواد اولیه تولید هر ماه تعدادی از آنها از ادامه همکاری با این کارخانه و انعقاد قرار داد جدید محروم می شوند که این روند همچنان ادامه دارد. این کارگر اخراجی با اشاره به شروع سال جدید و با توجه به تعداد قریب به 800 کارگر این کارخانه که همگی قرار دادی هستند و هر چند ماه یکبار قرار داد کاریشان با کارخانه خاتمه می یابد عنوان کرد: یک سالن تولیدی در این کارخانه رسماً از تولید باز ایستاده و کارخانه با تقریباً 190 نیرو در حال ادومه کار است که چشم انداز روشنی برای کارگران موجود نیست. این کارگر با اشاره به اینکه هر ماه بر تعداد کارگران اخراجی پوشینه افزوده می شود، افزود: در میان کارگران اخراجی کارگرانی وجود دارند که سابقه کار و فعالیت این عده از کارگران از 20 سال فراتر می رود که در قسمتهای مختلف تولیدی و پشتیبانی اداری و خدماتی فعال بوده اند. برپایه این گزارش، محسن استاد مدیر شرکت پوشینه محمودآباد، دراین رابطه گفت: سیاست تعدیل نیرو و اخراج کارگران صحت دارد. همچنین احمد مقصودی معاونت اداره کار و تامین اجتماعی شهرستان محمودآباد هم با اذعان به اخراج کارگران از کارخانه پوشینه اعلام کرد: متأسفانه تعداد انبوهی از کارگران قراردادی این کارخانه طی سال گذشته و همینطور امسال از کار بیکار شده اند که برخی از این کارگران دارای سابقه کاری 14 تا 20 سال فعالیت هستند. شایان ذکر است این کارخانه با ظرفیت اشتغال بیش از 800 نفر، در شهریور ماه 91 نیز در راستای تعدیل نیرو اقدام به اخراج 200 نفر از کارگران کرده بود که آمار امسال نیز به آن اضافه می شود.

واردات بیش از یک میلیون تن برنج هندی به کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 23 فروردین 92 آمده است: در ادامه واردات بی رویه محصولات کشاورزی، در سال 1391 بالغ بر یک میلیون و 289 هزار تن برنج به ارزش تقریبی یک میلیارد و 309 میلیون دلار وارد کشور شد. به گزارش ایسنا، براساس تازه ترین آمار گمرک ایران در سال گذشته واردات برنج به کشور از نظر وزنی 14,96 درصد کاهش یافت اما از نظر ارزشی با رشد 4,21 درصدی مواجه شد. برنج در سال گذشته از نظر ارزشی سهمی معادل 2,03 درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داد. هند اصلی ترین مبدا واردات برنج ایران در سال 1390 بود، به طوری که سهم این کشور از واردات برنج ایران از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب به 67,46 و 72,06 درصد رسید. در سال قبل حدود 870 هزار تن برنج به ارزش تقریبی 943 میلیون دلار از هند وارد ایران شد. امارات و پاکستان نیز به ترتیب از نظر وزنی 13,15 و 10,45 درصد از واردات برنج ایران را به خود اختصاص دادند. 8,94 درصد از واردات برنج ایران در سال گذشته نیز از طریق دیگر کشورها انجام شد. در همین حال وال استریت ژورنال به نقل از فعالان تجاری اعلام کرد که تقاضای بالای ایران باعث افزایش شدید قیمت برنج باسماتی شده است. ایران و هند در ژوئن سال گذشته مکانیسمی را برای نقل و انتقالات مالی بین خود تعریف کردند تا با این کار ضمن دور زدن تحریم های غرب بتوانند به مبادلات تجاری خود در حوزه های محصولات کشاورزی و غذایی به ویژه برنج، سویا و محصولات پتروشیمی ادامه دهند. آراس شادری، مدیر یک شرکت صادرکننده برنج باسماتی در هند در این باره گفت: هند به دلیل ایجاد مکانیسم پرداخت با رویه احتمالات تنها تامین کننده برنج مورد نیاز ایران است. به گفته وی مکانیسم مالی به وجود آمده بین ایران و هند می تواند به رشد 20 درصدی صادرات برنج هند به ایران در سال مالی جاری کمک کند. سال مالی جاری از اول آوریل امسال آغاز شد. شادری افزود: تخمین زده می شود که ایران هم اکنون ماهانه حدود 130 هزار تن برنج باسماتی هند را خریداری می کند. از سوی دیگر پیش بینی می شود واردات برنج ایران از هند در سال مالی فعلی به 1,2 میلیون تن برسد. برنج باسماتی سهمی 20 درصدی از کل ارزش صادرات برنج هند را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که ایران واردکننده تقریباً یک سوم از کل برنج باسماتی صادراتی هند است. پیش بینی می شود صادرات برنج باسماتی هند امسال با رشد 6,5 درصدی به حدود 3,2 میلیون تن

برسد .
در همین حال قیمت برنج پوسا ۱۱۲۱ که یکی از انواع پرترفدار باسماتی است تا ۱۴۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و به تنی ۱۵۰۰ دلار رسید .
ویجای ستیا، یکی از فعالان بزرگ صنعت برنج هند گفت: ما هیچ مشکلی را برای صادرات برنج هند به ایران طی ماه‌های آینده نمی‌بینیم. دو کشور از طریق مکانیسم مالی ایجاد شده به تبادلات تجاری خود ادامه می‌دهند .
افزایش تقاضای ایران برای خرید برنج هندی به هند کمک می‌کند تا بار دیگر جایگاه خود را به عنوان بزرگترین صادرکننده برنج در دنیا تثبیت کند. جایگاهی که هند و تایلند برای گرفتن آن با یکدیگر رقابت نزدیکی دارند. اگرچه در سال قبل خشکسالی به برخی از کشتزارهای برنج در هند آسیب زد. تقاضا برای برنج هندی از سوی بازارهای عربستان و عراق نیز افزایش یافته است .

محکومیت دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به شش ماه حبس

به نوشته سایت اصلاح طلب ندای سبز در 23 فروردین 92 آمده است : شریف ساعدپناه و مظفر صالح نیا، دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، به اتهام توهین به نظام هریک به شش ماه زندان محکوم شدند .
شریف ساعدپناه و مظفر صالح‌نیا پیشتر در دی ماه سال ۹۰ بازداشت و پس از دو هفته آزاد شده بودند .
اولین جلسه محاکمه آنان روز 25 اسفند 1390 برگزار شد اما دادگاه به دلیل عدم وجود مستندات دال بر تایید اتهامات آنان، هیچ حکمی در مورد این کارگران صادر نکرد و آنان بار دیگر با همان اتهامات قبلی روز 15 مهر ماه مورد محاکمه قرار گرفتند و سپس برای آخرین بار روز پنجم اسفند ماه سال گذشته در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج به محاکمه کشیده شدند .
براساس این گزارش قاضی دادگاه روز پنجم اسفند ماه در جلسه محاکمه این کارگران رسماً و علناً به آنان اعلام کرد در صورت استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران حکم برائت شان را صادر خواهد کرد. اما از آنجا که شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در این دادگاه از حقوق قانونی و انسانی خود برای فعالیتهای صنفی دفاع کردند اتهام توهین به نظام به این کارگران در دستور دادگاه قرار گرفت و قاضی دادگاه با این اتهام واهی آنان را به شش ماه حبس تعزیری محکوم کرد .

بدون شرح

بازار خرید رای مردم در این انتخابات داغ است:
محسن رضایی: سالی 5 میلیون به خانواده 4 نفره می دهیم

محسن رضایی در گفتگو با خبرگزاری تسنیم در تاریخ 23 فروردین 92 تاکید کرد: در دولت فعلی، بخش یارانه‌ها کار مثبتی بود که ما آن را با اصلاحاتی ادامه می‌دهیم. من معتقدم مرحله دوم یارانه‌ها را هم باید انجام بدهیم. برآورد من با قیمت‌های گذشته 110 هزار تومان بود.
وی افزود: البته مرحله دوم را باید درآمدی اجرا کنیم، نه تورمی. مرحله اول چون عمل شده، راهی نداریم. به همان شکل باید ادامه یابد، ولی مرحله دوم را باید درآمدی عمل کنیم؛ با سودی که از تولید و سرمایه‌گذاری اضافه می‌شود به مردم یارانه مرحله دوم ماهانه پرداخت، ولی سه ماهه و شش ماهه برداشت می‌شود تا ابتدا تولید و اشتغال را بالا ببرد.
رضایی گفت: بدین ترتیب، هر خانواده چهار نفره شش ماهه یک میلیون و نیم در مرحله دوم و یک میلیون تومان در مرحله اول دریافت می‌کند و لذا طی یکسال هر خانوار چهار نفره پنج میلیون تومان دریافت می‌کند. بنابراین یک وقفه در پرداخت در مرحله دوم است که منابع آن می‌رود و تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری را فعال می‌کند و بعد با یک سود برمی‌گردد که ما در حقیقت با این کار جلوی تورم را می‌گیریم. در اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها به تولید توجه نشده است.
این کاندیدای اصولگرا به یارانه سبز نیز اشاره کرد و گفت: ما علاوه بر اینکه مرحله دوم را تولیدی و درآمدی می‌کنیم، یک یارانه سبز هم خواهیم داد و این اصلاح را هم انجام می‌دهیم که بخش کشاورزی با کمک یارانه سبز با تحول مواجه بشود.
این یارانه سبز را به 8 مورد خواهیم پرداخت. برای مکانیزه کردن کشت ما یارانه می‌دهیم. الان کشت سنتی به هیچ وجه جوابگو نیست، یعنی در هر هکتار دو تن برداشت کردن غیر اقتصادی است، ولی با مکانیزه شدن کشت بالای 5 تن در هکتار برداشت می‌شود و کشاورزان می‌مانند و به

کشتشان ادامه می‌دهند.

محور دوم پرداخت یارانه صنایع تبدیلی است، یعنی اگر صنایع تبدیلی در کنار محصولات کشاورزی قرار بگیرد، ما به آن یارانه می‌دهیم. این هم اشتغال درست می‌کند و هم درآمد کشاورزان را به صورت گسترده‌ای بالا می‌برد.

رضایی درباره سفرهای استانی هم گفت: سرکشی به استان‌ها هم کار خوبی بوده، ولی این را هم اصلاح می‌کنیم. در سرکشی به استان‌ها محبت کردن به مردم خوب است، ولی قبل از محبت کردن به مردم ما باید اول با کارآفرینان و کارشناسان جلسه بگذاریم. من در تمام استان‌های کشور با کارآفرینان و کارشناسان همان استان جلسه می‌گذارم و معضلاتی که در آن استان است را بحث خواهیم کرد و سعی می‌کنیم از توانایی همان کارآفرینان و کارشناسان در حل معضلات استفاده کنیم. حسن آن این است که سفرهای استانی ادامه پیدا می‌کند، اما با یک شکل جدید. در حقیقت ما روش گذشته را کنار نگذاشتیم و با اصلاح همان کار را انجام می‌دهیم.

بدون شرح

پور محمدی: دنبال رأی حلال هستیم

به گزارش خبرآنلاین، در 23 فروردین 92 آمده است: حجت‌الاسلام والمسلمین پورمحمدی در دیدار با اعضای صنف حمل و نقل درون‌شهری و جاده‌ای و اعضای هیئت‌های ورزشی استان قم از وابستگی اقتصاد کشور به نفت انتقاد کرد و گفت: اقتصادی که وابسته به نفت باشد، معیوب است. همه دیدیم که در جریان تحریم چه اتفاقی پیش آمد. بی‌تدبیری بر مشکلات ناشی از تحریم افزوده شد و این‌گونه شد که قیمت ارز نابسامان گردید. وی افزود: این‌که می‌گوییم به نفت متکی نیستیم دروغ است. اگر وابستگی به نفت کم شد، پس چرا این‌همه مشکلات به وجود آمد.

پورمحمدی با اشاره به اقدامات توسعه‌ای که انجام شد، گفت: نفت با میانگین 100 دلاری را فروختیم و با پول آن شهر و ساختمان و اتوبان درست کردیم. آن وقت هر کدام از شهردار و وزیر و رئیس جمهور قیافه می‌گیرند و می‌گویند ما چه کردیم و چه کردیم. این‌که جای افتخار نیست. این پول نفت بود که این‌ها را ساخت. همین کاری که در کشورهای عربی و عربستان انجام می‌شود. کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اظهار داشت: من به حمل و نقل و ورزش توجه جدی دارم. اما اگر فردا مسئول شوم، اول به اشتغال و تولید فکر می‌کنم. اگر این را درست کنیم، بقیه کارها بهتر حل می‌شود. وی خطاب به حاضرین در جلسه گفت: اگر مشکلات گرانی و اشتغال فرزندان شما حل شود، بیشتر راضی هستید یا فقط مشکل مربوط به صنف شما.

پورمحمدی ادامه داد: من صحبت‌های همه طیف‌های اجتماعی را گوش می‌کنم، اما تحت تأثیر قرار نمی‌گیرم. وی در توضیح بیشتر این مطلب گفت: یک زمانی با آقای احمدی‌نژاد به این شهر و آن شهر می‌رفتیم و هر کس هرچه می‌گفت نیاز داریم، ایشان می‌گفتند درست می‌کنیم، می‌سازیم. مثلاً در یک شهر می‌گفتند: بیمارستان، در جایی دیگر می‌گفتند: پتروشیمی و در منطقه‌ای دیگر می‌گفتند: ورزشگاه و... همه را می‌گفتند: باشد، می‌سازیم یا بودجه‌اش را می‌دهیم. برای همین اگر به یک استان کمک می‌کردیم و به بقیه استان‌ها نمی‌کردیم می‌گفتند پس چرا به آن استان‌ها و شهرها کمک کردید و به ما نکردید. به خاطر همین برخی وقت‌ها به ما می‌گفتند: شما که این‌همه مصوبه در استان‌ها تصویب می‌کنید چطور می‌خواهید آن را اجرا کنید. هر جا رفتند یک کلنگ زدند و کارها نیمه‌کاره ماند. به هر حال باید به گونه‌ای عمل کرد که کارها طبق برنامه و بر اساس منابع موجود پیش برود.

پورمحمدی در بخش دیگر سخنان خود، در خصوص مسایل و مشکلات بخش حمل و نقل و هیئت‌های ورزشی استان قم گفت: حجم خدماتی که در قم ارایه می‌شود، با حجم جمعیت این شهر متناسب نیست. قم یک شهر تولیدکننده کالاهای فرهنگی است و مسئله این است که عادت کردیم هزینه این کالاهای مهم را نپردازیم. وی افزود: کشور را همیشه نمی‌شود با بگیر و ببند و... اداره کرد. فکر و تربیت و اخلاق و فرهنگ می‌خواهد و برای این‌کار باید کالای فرهنگی مناسب تولید شود.

پورمحمدی گفت: قم یک جمعیت مهاجر دارد که صاحب درآمد بالایی نیستند تا شهرداری را تأمین کنند. اقشار طلبه‌ای که در قم زندگی می‌کنند، وضع زندگی‌شان مشخص است. به هر حال حجم حمل و نقل در سطح شهر قم و نیز در سطح کشور، مقوله بسیار حساس و مهمی است و پایین آوردن نرخ حمل و نقل نیز یک سیاست کشوری است و یک فرهنگ است. ولی از نظر مبنایی

باید این فرهنگ تغییر یابد.

پورمحمدی خاطرنشان کرد: زحمت‌کش‌ترین و پایین‌ترین صنف جامعه از نظر درآمدی صنف حمل و نقل درون‌شهری یا برون‌شهری است و به این قشر باید حمایت‌های ویژه شود. پورمحمدی در پاسخ به مشکلاتی که هیئت‌های ورزشی استان قم در خصوص رشته‌های مختلف از جمله فوتبال مطرح کردند، گفت: نمی‌شود از فوتبال غافل شد. بیشترین طرفدار را دارد. فوتبال یک ورزش جهانی است و حتماً به آن باید بها داد. اما نباید به گونه‌ای باشد که از توجه به بخش‌های دیگر ورزش غفلت کرد.

پورمحمدی در پایان سخنان خود با بیان این که احساس می‌کنم یک دینی در گردن ما هست، گفت: دنبال رأی حلال هستیم. چون از رأی حرام کار حلال در نمی‌آید. اگر رأی حلال شد کار و محصول با برکت و حلال تولید می‌شود. وی گفت: امکانات، منابع و سرمایه در کشور زیاد داشتیم اما برکت با آن نیامد. باید دنبالش را بگیریم و ببینیم ایراد کار از کجاست.

بدون شرح

باهر هم برای رای با خامنه ای مرز کشید: دولت من دولت آقا اجازه نخواهد بود/ سهام شرکت‌ها باید به مردم واگذار شود

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، در تاریخ 23 فروردین 92 آمده است: محمدرضا باهنر نامزد عضو ائتلاف اکثریت اصولگرایان در جمع فعالان سیاسی اصولگرای شهرکرد با اشاره به نامگذاری سال از سوی رهبر معظم انقلاب گفت: نامگذاری سال به نام حماسه سیاسی و اقتصادی عمق اعتقاد رهبری به مردم را می‌رساند چرا که مردم می‌توانند حماسه سیاسی و اقتصادی را محقق کنند. وی افزود: در چند سال اخیر مسایل و دغدغه‌های اقتصادی همواره بر نامگذاری سال‌ها سایه انداخته است. علیرغم این موضوع آنچه اتفاق نیافتاده یک کار اقتصادی درخور شان مردم بوده است. نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه با دولت مهندس موسوی، هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد کار کرده‌ام گفت: بیشترین تاثیر را در سندهای راهبردی نظام از جمله سند چشم‌انداز داشته‌ام. با بیش از 250 وزیر بعد از انقلاب و بیش از 500 استاندار و بیش از 1500 نماینده در تعامل بوده‌ام لذا قوی‌ترین بانک اطلاعاتی را دارم. همه تجربه و هر آنچه دارم را در راستای بهبود وضع کشور و مردم به کار خواهم گرفت در مواردی چون تحقق درمان رایگان و گذاری اصل 44 به صورت واقعی بسیار مصمم هستیم.

باهر با بیان اینکه به رهنمودهای رهبری را عمل می‌کنم تصریح کرد: قطعاً دولت من دولت آقا اجازه نخواهد بود. البته رویه رهبری هم این نیست که در شرح وظایف قوا دخالت کنند. در طول حضورم در مجلس به عدد انگشتان یک دست نیز به خاطر ندارم که رهبری در شرح وظایف قوا دخالت کرده باشند.

وی همچنین گفت: اکنون پتروشیمی‌ها فولادها و دیگر کارخانه‌های کشور اصلاً سهامشان مشخص نیست مثلاً می‌گویند سهام فلان کارخانه را واگذار کرده‌ایم در حالی که هیچکس حق خرید و فروش ندارد. مالکیت سهام به صورت مشخص و صد درصد واقعی در اختیار مردم قرار بگیرد.

رنج نامه مادر ستار بهشتی خطاب به مردم ایران در واکنش به اظهارات وزیر کشور

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا - گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی؛ در تاریخ 23 فروردین 92 نوشته است: در نامه‌ای خطاب به ملت ایران نسبت به اظهارات وزیر کشور در خانه ملت واکنش نشان داد.

بنا به گزارش تارنمای سحام، مجلس شورای اسلامی روز سه شنبه ۲۰ فروردین ماه، وزیر کشور را برای بررسی علت مرگ ستار بهشتی احضار کرده بود.

علیرغم اینکه علی مطهری، نماینده سوال کننده از پاسخ‌های مصطفی محمد نجار قانع نشد، اما نمایندگان از پاسخ وزیر قانع شده و عملاً پرونده ستار بهشتی در مجلس خاتمه یافت.

محمد نجار در مجلس مدعی شده بود: "ستار بهشتی، ضمن همکاری با عوامل معاند خارج از کشور اطلاعات غلط و کذب را به معاندین و دشمنان انقلاب اسلامی ارائه می‌کرد

مادر ستار بهشتی در این نامه خطاب به این اظهارات و ادعاها آورده است: «همانگونه که بارها دردهای جامعه را آنگونه که بود مطرح می‌نمود و از اعلام نموده‌ام، فرزندم بصورت انفرادی و مستقل

«تا شاید گوش شنوایی برای شنیدن این مشکلات بیابدیدگاه خویش درد دل می‌کرد خانم گوهر عشقی در بخش دیگری از نامه خود آورده است: «شاید جناب وزیر پیشنهاد ۲۰۰ تا ۳۰۰ و تهدید و فحاشی و ضرب و شتم من و دختر و پسرانم را که همگی از میلیونی دیه را کمک مادی ای بسا که اکثریت مردم اینگونه دلجویی‌ها را به عینه آل سادات هستند دلجویی معنوی می‌دانند.» دیده‌اند و نیازی به بازگویی دوباره من نیست وزیر کشور در اظهارات خود در مجلس گفته بود: «ما برای کاهش آلام خانواده متوفی کمک‌های لازم مادی و معنوی را انجام داده‌ایم ستار بهشتی کارگر ویلاگ نویس اهل رباط کریم بود که به دلیل انتشار مطالب انتقادی علیه حکومت توسط پلیس فتا دستگیر شد. وی نهم آبان ۱۳۹۱ دستگیر و به زندان اوین تهران منتقل گردید، لیکن چهار روز بعد در حالی که به بازداشتگاه پلیس منتقل شده بود، در آنجا درگذشت خانواده ستار، هنگام دفن جسد وی آثار کبودی را در بخش‌هایی از بدن او مشاهده کرده بودند اکنون پس از گذشت ماه‌ها از آن واقعه، هنوز به پرونده قتل این فعال ویلاگ نویس رسیدگی نشده است.»

متن کامل این نامه بدین شرح است
به نام خدا

مردم شریف ایران

این صدای یک مادر است، صدای یک مادر که فرزند جوان و مهربانش را در سخت‌ترین هنگامه زندگی و پیری از دست داد، صدای مادری که فرزندش، پرستارگونه به گرد او می‌چرخید، هم نان آور خانواده بود و هم دل نگران جامعه و مادر و خانواده خویش و در همین ماه‌ها من و فرزندان دیگرم را از اکنون ماه‌هاست که این فرزند مهربان را از من ستانده اند انواع تهدیدها و تهمت‌ها و افتراها، بی‌نصیب نگذاشته‌اند.

طبیعتاً طی این مدت افراد مختلف بنا به نوع وظیفه و یا سمت و فعالیت خود، اظهارتی را مطرح نمودند. اما من به عنوان مادر ستار و نیز یکی از شهروندان اینجامعه، نسبت به اظهارات مسئولان رده بالای نظام، خصوصاً بالاترین مقام مسئول در پرونده فرزندم؛ از وزیر کشور انتظار دیگری داشتم. حداقل این انتظار، سخن گفتن بر اساس مستندات واقعی و نه تحریف شده بود. سخنان چند روز گذشته آقای وزیر کشور در صحن مجلس، دو باور به به ذهن من شاکی القاء می‌کند. با آقای وزیر محترم کشور، گزارش‌های غیر واقعی را خوانده و دریافت نموده‌اند ۱- و یا متأسفانه ایشان نیز بر خلاف واقعیت گزارشی را ارائه نمودند ۲-

من به عنوان مادر ستار و کسی که شاکی این پرونده بوده و هست و نیز به عنوان کسی که طی این مدت ماه‌های فراق فرزند، زیر سخت‌ترین فشارها، تهمت‌ها و ضربات روحی و جسمی قرار داشته، به پیشگاه ملت ایران و نمایندگان آنان در مجلس عرض می‌کنم که برخلاف گزارش و اظهارات آقای وزیر، بنده و خانواده‌ام هیچ مبلغی را دریافت نکرده‌ام و همچنان به عنوان یک مادر و نیز از منظر حقوقی به عنوان یک شاکی؛ پیگیر پرونده قتل فرزندم خواهیم بود چگونه است که مدعی اسلامیت جامعه هستیم و وزیر این کشور، خارج از مبانی اسلامی و انسانی سخن به میان می‌گوید؟

چهار روز پس از دستگیری، در روز عید غدیر به شهادت رساندند در فرزند جوانم را چگونه است که حالی که ستار، یک سادات بود

من و خانواده‌ام کجا و حسین (ع) و فرزندان و خانواده اسیرش کجا؟! لیکن آنچه طی این ماه‌ها از همان هنگامه دستگیری ستار تا پس از مراسم خاکسپاری و ختم و ... او، بر ما گذشت؛ مرا یاد بندید آن واقعه عاشورایی می‌انداخت و پرسش‌های گوناگونی از ذهن پرسشگر من مادر می‌گذشت

مردم فهیم ایران

نیک می‌دانم که شما آگاهید بر مصائبی که بر خانواده ما رفته و یقین دارم باور دارید همانگونه که با دیگر خانواده‌های قربانی و داغدار که عزیزی از دست داده‌اند، رفتار کرده‌اند، با ما نیز همان خواهند کرد. خانواده قربانیان فجایع کهریزک، که حتی رهبری دستور رسیدگی و تعطیلی آن را صادر نمودند؛ هنوز در راهروهای عدالت خانه ایران، نه برای احقاق حق که به دنبال عاملین این اتفاقات گذشت حدود چهار سال، هنوز هیچ متهمی برای این اتفاقات محکوم و متأسفانه پس از می‌گردند؛ نشده است.

جناب وزیر کشور که خود را پیرو ائمه هدی می‌داند بزرگ‌ترین ضربه را با این رفتار غیر اسلامی بر پیکره اسلام و دین وارد نموده و بجای مرهم دردها نمک بر زخم‌مان گذاشتند. من به عنوان یک مادر، از آن مهم‌تر، به عنوان مادر ستار بهشتی؛ عزم خود رو جزم نموده تا به همه دست اندرکاران نظامی که ادعای مردمی بودن دارند نشان دهم که از هیچ اتفاقی گریزان نیستم و برای آنچه که از آن به آزادی و عدالت حسین (ع) معتقدم، تا رسیدگی کامل و عادلانه به پرونده فرزندم، از پای نخواهم نشست.

یقیناً هستند اجیر شدگانی که به اندک اشاره، این مادر داغیده را نیز از پای در آوردند و چه گواراست وصال به فرزند دل‌بندم.

بارها اعلام نمودم و می‌نمایم که ما خانواده‌ای سیاسی نبوده و نیستیم اما قرار نیست اگر ادعا می‌کنیم سیاسی نیستیم قادر به پاسخگویی به ادعاها نباشیم.

وزیر کشور در سخنانی عنوان می‌نماید که فرزندم با افرادی معاند در خارج از کشور ارتباط داشته (!) که تحت هیچ شرایطی این ادعا مصداق واقعیت ندارد. همانگونه که بارها اعلام نموده‌ام، فرزندم دردهای جامعه را آنگونه که بود مطرح می‌نمود و از دیدگاه خویش درد دل بصورت انفرادی و مستقل. تا شاید گوش شنوایی برای شنیدن این مشکلات بیابدمی‌کرد.

اگر امروز اسم ستار در صدر بسیاری رسانه‌های خارجی نمایان است و این واقعه برای برخی آقایان نامطلوب است، بدانند که اثر مستقیم بی‌تدبیری خودشان و ادامه اصرارشان بر طی همین روند است و تا زمانی که به صورت عادلانه به خواسته این مادر داغدار نشود، ستار و ستارها بر صدر رسانه‌های «به قول ایشان معاند»، خواهد بود.

اقدام به تهمت نموده و ادعای دیگر و خلاف واقع جناب وزیر کشور این بود که رسماً در خانه ملت به لحاظ مالی و معنوی دلجویی به عمل آمده است! در ادعا کرده است که از خانواده ستار بهشتی این باب لازم است قویاً این موارد را تکذیب نمایم و هشدار دهم در برابر اینگونه رفتارهای وقیحانه به و حتم ایستادگی خواهم نمود. شاید جناب وزیر پیشنهاد ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیونی دیه را کمک مادی تهدید و فحاشی و ضرب و شتم من و دختر و پسرانم را که همگی از آل سادات هستند دلجویی ای بسا که اکثریت مردم اینگونه دلجویی‌ها را به عینه دیده‌اند و نیازی به بازگویی معنوی می‌دانند دوباره من نیست.

ملت آگاه ایران

بارها ادعا کرده و باز می‌کنم که خون فرزند من فروشی نبوده و نیست و من نیز در صدد گسترش حکم سلب حیات یا اعدام نیستم. اما اگر حکومت در موارد مشابه اقدامی موثر و پیشگیرانه انجام بی شک در آینده شاهد می‌داد یقیناً شاهد چنین فاجعه‌ای نبودیم و امروز اگر اینکار صورت بگیرد، چنین قتل‌ها و برخوردهایی نخواهیم بود.

که تن‌ها خواسته‌ام از قوه قضائیه و رییس محترم آن این و بوده و هست من بعنوان مادری داغدار تذکر دهم که افرادی متعدد در در پایان لازم می‌دانم، طبق قوانین جاری به این پرونده رسیدگی گردد نموده و سعی در تغییر مسیر عدالت خواهی قالب‌های مختلف خبرنگار و فعال، خود را به ما نزدیک؛ دست آنان بر ملا یدالله فوق ایدیه‌م که خوشبختانه همانگونه که خداوند حکیم فرموده: ما داشتند برای آگاهی عموم گشت و هویت آنان نیز فاش گردید. در آینده‌ای نه چندان دور شرح این رفتارها را مردم اعلام خواهند کرد.

و یا بصورت حضوری و غیر حضوری ما از تمامی کسانی که از ابتدای این ماتم ما را همراهی نموده از این آفت‌ها به زودی و آرزو می‌کنم کشور عزیزمان ایران را یاری نمودند کمال تشکر را داشته همراه با تواضع و خرد و احترام و در سایه عدالت ائمه هدی و لطف پرودگار، شاهد رفتاری‌هایی یابد متقابل با هم باشیم.

گوهر عشقی - ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۲

وزیر بهداشت: منتظر افزایش دو برابری نرخ دارو باشید

به نوشته سایت تابناک در تاریخ 23 فروردین 92 آمده است: «وزیر جدید بهداشت و درمان در دولت احمدی نژاد، با اذعان به وضعیت بغرنج دارویی کشور، اعلام داشت که باید منتظر افزایش دو برابری قیمت دارو در کشور بود.

به گزارش «تابناک»، یکی از مواردی که به باور عموم موجب برکناری تنها وزیر زن کابینه شد،

افشاگری هایی بود که وی درباره اختصاص نیافتن ارز مرجع مورد نیاز برای واردات دارو و مواد اولیه تولید آن داشت .

بر اساس این گزارش، محمدحسن طریقت منفرد در حاشیه "گردهمایی توسعه برنامه پزشکی خانواده با رویکرد اصلاح نظام سلامت" در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر وضعیت ارز مرجع برای دارو، گفت: «از امسال ارز مبادله ای جایگزین ارز مرجع شده است. یعنی باید ارز را تقریباً ۲ برابر بخریم؛ دولت تصویب کرده است که بابت آن به ما ۲۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار بدهد. یعنی اگر هزار میلیارد با ارز ۲ برابر بگیریم، باید هزار میلیارد اضافه بدهیم. اگر ۲ میلیارد دلار با ارز ۲ برابر بگیریم، باید ۲ هزار میلیارد تومان اضافه بدهیم.»

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ادامه جایگزینی ارز مبادلاتی با ارز ارزان تر مرجع را از دو منظر مهم (به زعم ایشان خوب!) خوانده و گفت: «اگر این امر محقق شود، دو اتفاق مهم می افتد؛ نخست اینکه فشار چند نرخی ارز از بین می رود و دوم، چون دارو با قیمت واقعی به بازار می رود، نظام بیمه ای که بابت آن پول بیشتری بدهد، انگیزه پیدا می کند که کنترل بیشتری داشته باشد.» بدین ترتیب، وی که بعد از برکناری مرضیه وحید دستجردی -به دلیل انتقادات آشکار وی به عملکرد دولت و بانک مرکزی در اختصاص ندادن ارز واردات دارو،- به سرپرستی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده و در واپسین روزهای سال گذشته، تنها با اختلاف یک رای (۱۱۳ رای از مجموع ۲۲۴ رای اخذ شده) از مجلس رای اعتماد گرفته و بر کرسی وزارت تکیه زده است، نه تنها جایگزینی ارز مبادلاتی با ارز مرجع را مصوبه دولت خوانده و از خود سلب اختیار کرده است، بلکه تمامی ادعاهای وزیر سابق در بی توجهی دولت نسبت به مقوله درمان و اختصاص ندادن ارز مرجع برای واردات کالایی که از نان شب هم واجب تر است مهر تایید زده است .

بر اساس این گزارش اما ماجرا زمانی عجیب تر می شود که موشکافانه تر به سخنان وزیر بنگریم؛ جایی که گران تر شدن نرخ ارز اختصاص یافته برای واردات دارو از دو منظر مایه مسرت ایشان شده است؛ نخست آنکه فشار چند نرخی ارز را از بین خواهد برد و سپس به این دلیل که نظارت را افزایش خواهد داد !

البته شاید بخش نخست ادعای وی از جهاتی درست به نظر برسد اما پر واضح است که کمتر کسی توقع دارد که وزیری که پزشک بوده و متولی سلامت مردم است، از گران شدن نرخ دارو به یک دلیل اقتصادی (که نه وی و نه وزارت خانه تحت امر وی و حتی قسمت اعظم مخاطبان آن وزارت خانه نیز ارتباطی با دلایل نابسامانی رخ داده در آن حوزه ندارند!) ابراز خشنودی کرده و در سایه این اظهار نظر عجیب فراموش کند که برنامه پنج ساله توسعه درباره مقوله سلامت چه می گوید، هدفمندی یارانه ها به دنبال چه بود و در نهایت وظیفه یک پزشک چیست؟

این در حالی است که مدعای دوم آقای وزیر برای ترجیح خرید ارز به نرخ دو برابر (البته در حالت خوش بینانه)، به مراتب مرتبط تر با زمینه کاری ایشان بوده اما در کمال تعجب، بسیار عجیب و غریب و حتی به دور از هرگونه کارشناسی بیان شده است؛ جایی که وزیر معتقد است با اختصاص ارز گران تر، دارو با قیمت واقعی به بازار رفته و در نتیجه آن، نظام بیمه ای که بابت آن پول بیشتری می دهد، انگیزه پیدا خواهد کرد که کنترل بیشتری داشته باشد .

شاید بتوان به این قسمت از سخنان طریقت منفرد ایرادات بسیاری وارد کرد، من جمله اینکه مگر تمامی داروهای وارداتی مورد استفاده برای کنترل و درمان بیماری هایی چون سرطان تحت پوشش بیمه قرار دارد که نظارت نظام بیمه ای بر آن را بتوان رهاورد نیک گران شدن ارز وارداتش دانست؟ یا از آقای وزیر پرسید که اصولاً بیمه های مختلف چند درصد بیماری ها را مورد پوشش قرار می دهند؛ مگر نه آنکه پوکی استخوان از بیماری های رایج زنان در کشور است و هیچ بیمه ای هزینه های آن را متقبل نمی شود؟

این گزارش می افزاید: اصلاً شاید بد نیست از آقای وزیر که دست کم در کسوت پزشک سالها با بیماران سر و کار داشته بپرسیم که مگر چند درصد مردم بیمه هستند و اصولاً آنهایی که بیمه هستند، چند درصد هزینه را خودشان می پردازند و در چند درصد باقیمانده از بیمه طرف قراردادشان یاری می گیرند؟

سوالاتی از این دست بسیار است اما آنچه از همه مهم تر به نظر می رسد، اینکه ظاهراً وزیر بهداشت کل مقوله واردات دارو را متأثر از مافیای این مبحث دانسته و به کل از یاد برده که افزایش انگیزه نظارتی بیمه های مختلف (البته به زعم وی) یک قسمت نادیده بزرگ دارد که آن هم بیمارانی هستند که زیر بار فشار بسیار زیادی که از بابت هزینه های درمانی متقبل می شوند، هر روز نحیف تر و شکننده تر شده و گاه تا آستانه فروپاشی پیش می روند نه بیمه هایی که یا دولتی هستند و دستشان در جیب دولت است و یا خصوصی هستند که اگر ضرر می کردند، لاجرم تعطیل

می شدند که تا کنون سابقه این امر ثبت نشده است !
با این تفاسیر درخواست می یافتم که آقای وزیر در هر دو دلیل مهمی که برای ترجیح ارزش مبادلاتی ذکر کرده اند، نقش بیمارانی که دارو برایشان حکم اب حیات را دارد نادیده گرفته و به جای آن به حل یک معضل اقتصادی و یک مشکل ریشه دار نظارتی پرداخته اند و در عین حال، کمتر سهمی برای خودشان در اصلاح امور قائل شده اند چرا که فارغ از مقوله فشاری که ارزش چند نرخی وارد می کند (با نادیده گرفتن این موضوع که با خروج دارو و درمان از لیست گیرندگان ارزش مرجع، عملاً نمی دانیم که چه کالایی ضروری تر شناخته شده و از مزایای ارزش مرجع بهره خواهد گرفت؟!)، به نظر می رسد که بحث نظارت و کنترل بر دارو پیش از هر نهادی، به وزارت بهداشت برگشته و این نظارت غیر قابل تفویض به نهاد دیگری است .

البته آقای وزیر گویا به این اندازه برای مجموعه تحت امر خود سهم قائل بوده است چرا که در ادامه سخنانش به راه اندازی سامانه ای به منظور توزیع مستقیم داروهای گران قیمت اشاره کرده و می گوید: «این سامانه در حال عملیاتی شدن است و داروهای گران قیمت اعم از داروهای بیماران خاص، سرطانی و از این سامانه توزیع شود. با اجرای این برنامه، خیلی از مشکلات تهیه دارو و بازار قاچاق دارو برطرف می شود.»؛ هر چند این اظهار نظر در تضاد آشکار با دومین نکته مهمی است که وزیر پیشتر به آن اشاره کرده بود .

اما اگر فکر می کنید که سخنان وزیر درباره گران شدن دارو، تنها منحصر به داروهای وارداتی و گران قیمت است، سخت در اشتباهید چرا که بر اساس آماری که چندی پیش منتشر شد، ۹۵ درصد مواد اولیه مورد نیاز برای تولید دارو وارداتی بوده و تغییر ارزش مرجع به ارزش مبادلاتی در تهیه آنها، معنایی جز افزایش دو برابری نرخ اغلب داروها نخواهد داشت؛ اما خالی از لطف نیست که اظهارات جسورانه وزیری که تازه منصوب شده و احتمالاً گزندی از بابت استیضاح متوجه وی نیست را در این باره بخوانیم :

طریقت منفرد با عنوان این مطلب که دارو در ایران ارزان تر از سایر کشورهای دنیاست، می گوید: «تصور نمی کنیم از بابت افزایش قیمت داروهای معمولی، فشار به نظام بیمه ای و حتی مردم وارد شود. ولی وقتی یک کالایی تقریباً مجانی شد، حیف و میل آن بیشتر است »

اعتراض قاطع کارگران راه آهن یزد به قراردادهای پیمانی: کار نمی کنیم

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 24 فروردین 92 آمده است :جمعی از کارگران شرکتی (پیمانی) راه آهن یزد با امضای طوماری خطاب به اداره کل راه آهن این استان، نسبت به اجرایی نشدن مصوبات دولت در خصوص تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری به قرار دادکار معین هشدار دادند.
براساس این گزارش، در این طومار که به امضای ۹۸ نفر از کارگران متخصص پیمانی و شرکتی شاغل در اداره ناوگان راه آهن استان یزد رسیده، خطاب به مدیرکل راه آهن یزد آمده است: در صورت اجرایی نشدن مصوبات هیات دولت توسط راه آهن، پرسنل متخصص شاغل شرکتی (پیمانی) مشمول تبدیل وضعیت، از تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال جاری که قرارداد کارشان پایان می یابد دیگر در قالب شرکت های پیمانکاری قادر به همکاری با راه آهن نیستند و لذا در صورت نیاز راه آهن به این کارگران متخصص باید قرارداد جدید کار بصورت مستقیم از طرف راه آهن منعقد شود.
گفتنی است «نیروی کار شرکتی» به کارگرانی گفته می شود که با واسطه یک شرکت دلال نیروی انسانی به استخدام درآمده اند تا به این ترتیب کارفرمای اصلی تعهدی نسبت به بخش عمده ای از حقوق قانونی کارگران متقبل نشود.

کارگران امضا کننده این طومار در ادامه به نامه ی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اشاره کرده اند که با اعلام نظر کارشناسی خود، صراحتاً مشاغل این کارگران قراردادی را تخصصی دانسته است و در ادامه آورده اند: این در حالیست که اداره کل راه آهن با اطلاع از این موضوع پس از گذشت چند سال از این مصوبه دولت، باز هم نسبت به تبدیل وضعیت کارکنان خود هیچ اقدامی صورت نداده و با تفسیر رای و استناد نابجا به مصوباتی که هیچ مغایرتی با مصوبات و قوانین فوق الذکر ندارد، از دستورات صریح ریاست جمهوری امتناع و از تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی و پیمانی خود داری می کند.

همچنین این کارگران با نادرست خواندن بهانه های مطروحه توسط مسئولان راه آهن، مدعی شده اند: تاخیر چند ساله این اداره در اعطای حقوق مسلم و قانونی بیش از چند هزار نیروی متخصص، هیچ توجیحی جز سود برخی صاحبان شرکت های وابسته ندارد.

در این نامه کارگران با اشاره‌ای مختصر به رد ادعای مسئولان اداره کل راه آهن یزد در زمینه تبدیل وضعیت کارکنان خود، آورده‌اند: با وجود اینکه کارگران طی دفعاتی هم بصورت کتبی و هم شفاهی خواسته خود را به کارفرما اعلام داشته‌اند، در صورت اجرا نشدن مصوبات هیات دولت تا پایان قرار داد اینجانبان (تا مورخه ۹۲/۰۱/۳۱ توسط این اداره کل) دیگر قادر به همکاری به صورت شرکتی نیستیم.

طومار نویسی کارگران راه آهن یزد درحالی است که پیش از این در تاریخ ۲۶ اسفند ماه سال ۹۱ نیز ۵۴ نفر از کارگران سیر حرکت پیمانکاری راه آهن شرق در نامه‌ای مشابه از اداره کل راه آهن یزد خواهان تبدیل وضعیت استخدامی خود از شرکتی به قرارداد کار معین شده بودند.

مرکزآمارنرخ بیکاری فصل زمستان و سال 1391 را اعلام کرد

مرکزآمارایران به تاریخ 24 فروردین، آورده است: چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار زمستان 1391 و چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال 1391 را منتشر کرد.

بنابهمین گزارش، بررسی نرخ بیکاری سال 1391 نشان می‌دهد که 12/2 درصد از جمعیت فعال، بیکار بوده‌اند. بر اساس این نتایج، نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است.

نرخ بیکاری جوانان 15 - 24 ساله حاکی از آن است که 26/9 درصد از جمعیت فعال 15 - 24 ساله بیکار بوده‌اند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است.

نرخ بیکاری جوانان 15 - 29 ساله نیز حاکی از آن است که 24/5 درصد از جمعیت فعال 15 - 29 ساله بیکار بوده‌اند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است.

بررسی سهم شاغلین 15 ساله و بیشتر با ساعت کار معمول 49 ساعت و بیش نشان می‌دهد، 40/6 درصد شاغلین به طور معمول بیشتر از 49 ساعت در هفته کار می‌کنند. این شاخص که یکی از نماگرهای کار شایسته می‌باشد نشان می‌دهد در کشور سهم زیادی از شاغلین بیشتر از استاندارد کار می‌کنند.

لینک چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال 1391:

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1391/ch_niru_91.pdf

لینک چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار زمستان 1391:

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1391/ch_niru_z91.pdf

مرگ دو کارگر در روستای جیرانلوی شهرستان مراغه

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 24 فروردین 92 آمده است: بنقل از حبیب حسینیقلی‌زاده، مسوول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی آذربایجان شرقی، صبح دیروز در روستای جیرانلوی شهرستان مراغه دو کارگر هنگام کار در چاهبر اثر گازهای متصاعد شده جان باختند و با تشخیص تکنسین‌های اعزامی یک نفر نیز به بیمارستان مراغه منتقل شد.

انتخابات درد این کارگران را درمان می‌کند؟ به جای نفت، گرسنگی بر سر سفره‌ها آوردند

روزنامه بهار در 24 فروردین 92 می‌نویسد: کارگران این روزها به نمای تازه‌ای در اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند. هر چند که هشت سال پیش مدیریت اجرایی اقتصاد ایران به آنها و سایر حقوق بگیران و طبقه ضعیف اقتصاد ایران وعده داد تا نفت را به سفره آنها هدیه کند ولی اکنون کار این کارگران و حقوق بگیران به جایی رسیده است که «هر شب دعا میکنند تا فردا یک کیسه پول از آسمان روی سفره آنها بیفتد.»

این را البته یک کارگر گچ کار ساختمانی به ما میگوید که هر روز برای چند ساعت کار حوالی فلکه صادقیه سایه نشینی و آفتاب نشینی میکند. باور کنید کارگر بودن سخت شده است؛ آنقدر سخت که وقتی در میان کارگران قرار میگیری جز یاس و ناامیدی از آینده چیزی نمیشنوی.

ما امروز فقط میخواهیم بخشی از این ناامیدی ها را در یک گزارش کوتاه برای شما نقل کنیم؛ شمایی که اگر کارگر هم نباشی حتما به خوبی میدانی که این روزها در اقتصاد ایران چه میگذرد و شاخص ها چگونه تیغ روی اقشار حقوق بگیر و کارگر کشیده اند. البته این مسئله را مدیران اقتصاد دولتی تایید نمیکنند چون بر این باورند که درست در هشت سال گذشته و درست در سالهایی که اقتصاد ایران بیشترین ضعف های مدیریتی و راهبردی را برای تاریخ به ارمغان گذاشته است، بیشترین و بهترین رفاه نیز برای کارگران و سایر حقوق بگیران به وجود آمده است. برای همین ما با تمام وجود سعی میکنیم که زیاد به مدیران اقتصادی دولت کاری نداشته باشیم و از آنها نیز میخواهیم زیاد وقت خود را صرف مطالعه گزارش هایی از این دست نکنند. در حال حاضر اقتصاد در طبقه کارگران به یک غده تبدیل شده است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم این مسئله به واقعیتی بزرگ برای اقتصاد ایران تبدیل شده است.

این نکته را نیز نباید از یاد برد که وضع ناخوشایند اقتصادی فقط شامل حال کارگران و حقوق بگیران نیز نمیشود بلکه به لطف سیاستهای اقتصادی در چند سال گذشته اکنون هم کارگران و هم کارفرمایان صنعتی، همه با هم در یک تنور اقتصادی سوختن را مزمره میکنند. اینکه میگفتند سرمایه داران طعم درد اقتصادی را نمیدانند یا آن ها با زخم های کارگری بیگانه هستند، افسانه هایی است که به سال های گذشته مربوط میشود.

اقتصاد ایران در چند سال گذشته از سوی مدیران اجرایی به گونه ای مدیریت شده است که اکنون سرمایه داران صنعتی یا سرمایه داران و سرمایه گذاران مولد نیز به اندازه کارگران باید زخم ها و دردهای اقتصادی را مزمره کنند، منتها به نظر میرسد که کارگران در نمای شفافتری به لحاظ اقتصاد اجتماعی ایستاده اند و گره های اقتصادی آنها را با وضوح بیشتری می توان شمارش کرد. این روزها کارگران و نهادهای کارگری در پی آن هستند تا دیوان عدالت اداری حداقل دستمزد آنها برای سال ۹۲ را تصحیح کند. در آخرین روزهای سال ۹۱ مدیران اقتصادی دولت برای سال جاری میزان حداقل حقوق کارگران را ۴۸۷ هزار تومان تعیین کردند این در حالی است که کارشناسان و بسیاری از نهادهای اقتصادی میگویند که حداقل میزان خط فقر یک میلیون ۶۰۰ هزار تومان است. به نظر میرسد حداقل مزد کارگران بیشتر شبیه یک طنز اقتصادی باشد که موجب ناخشنودی و نارضایتی کارگران شده است.

از یک کارگر در میدان آریاشهر میپرسیم که چرا کارگران تا حد زیادی عصبانی شده اند و دایم در حال گله و شکایت هستند و او میگوید: «این چرا را از آدم بزرگ هایی بپرسید که در دولت نشسته اند و برای شکم کارگران تصمیم می گیرند. خانواده من نزدیک دو ماه است گوشت نخورده است. هر روز به اینجا میآیم تا یک نفر مرا برای کارهای ساختمانی سر کار ببرد. بسیاری از روزها بیکار میمانم. صبح تا شب تلاش میکنم. هر ماه بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان درآمد دارم. یارانه هم میگیریم اما باز دو ماه است گوشت نخوردیم. با این درآمدها چرا نمیشود زندگی کرد؟»

کارگران دور ما دایره میشوند. اول فکر میکنند که برای کار روزانه دنبال کارگر هستیم اما وقتی میفهمند خبرنگاریم برای حرف زدن روی دست هم میزنند.

یک کارگر دیگر میگوید: «میخواهند به کارگران نزدیک ۵۰۰ هزار تومان حقوق بدهند. اول قرار بود نفت را برای ما بیاورند سر سفره ولی حالا میخواهند ۵۰۰ هزار تومان حقوق بدهند. البته یارانه میدهند ولی چند برابر پول یارانه باید پول آب و برق و گوشت و ماست و نان بدهیم». کارگری به میان حرف او میدود: «اگر جرات دارید بنویسید که پول یارانه مثل یه کلاه است که روی سر ما گذاشتند. ۴۵ هزار تومان یارانه میدهند اما چند برابر آن را پس میگیرند. من به بچه هایم گفتم که به ترک تحصیل فکر کنید چون دیگر نمیتوانم خرج درس و مشق آنها را بدهم. هر روز از ساعت ۷ صبح به اینجا میآیم تا ۷ شب مینشینم تا یکی مرا به سر کار ببرد. قرار بود پول نفت برای رفاه ما سر سفره بیاید ولی حالا یک کیلو گوشت گوساله را باید ۴۰ هزار تومان بخری. مگر زندگی خرجهای دیگر ندارد که بشود به سادگی گول خورد».

به کارگری میگویم که تحریم است و مشکلات اقتصادی را باید تحمل کرد و او اینگونه ادامه میدهد: «کدام تحریم.

دولتی ها بلد نیستند کار کنند میاندازند تقصیر تحریم. یکساله که تحریم زیاد شده. شماها فکر میکنید ما کارگرها از چیزی سر در نمیآریم. قبل از این یکسال چرا اقتصاد درست نمیشد. مگر قرار نبود دولت تولید کند پس چرا نتوانست و گوش نداد...»

راستش را بخواهید وقتی در میان جمع کارگران در یکی از میادین تهران میایستی آنقدر حرفهای تند و تیز اقتصادی میشنوی که نمیدانی باید با آنچه کرد. این واقعیتی است که به نظر میرسد مدیران اقتصادی دولت برای باور آن باید یکبار در میان این کارگران قرار بگیرند: «چند روز پیش فرزندان

مسموم شد هزینه چند ساعت بستری و یک نسخه به ۱۲۰ هزار تومان رسید آخر با ۵۰۰ هزار تومان حقوق ماهیانه چه باید کرد. بعضی از ما اگر خوش شانس باشیم در این میدانها در ماه تا یک میلیون تومان هم کاسب هستیم ولی باز هشتمان گرو نهمان است. کسانی که شعارهای اقتصادی سر میدهند و میگویند ما بهتر از هرکس برای اقتصاد کار کردیم بیایند پاسخ بدهند که چه شده که یک خانوار پنج نفره با درآمد یک میلیون تومانی باز هم تقریباً گرسنه میماند. قرار بود نفت بیاید اما یک مشت گرسنگی نصیب همه ما شده.»

اینها تنها بخشی از سخنان اقتصادی کارگران بود که ما سعی میکنیم دلی به دریا بزنیم و آنها را برای چاپ راهی چاپخانه کنیم. در شرایط امروز اقتصاد ایران البته مدیران اقتصادی دولت تنها کسانی هستند که میگویند اوضاع اقتصاد کشور بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ بهتر و بهینه تر است ولی واقعیت آن است که به لطف سیاست های اقتصادی در چند سال گذشته وضع اقتصاد ایران به هیچوجه برای کارگران و حقوق بگیران مطلوب ارزیابی نمیشود. در سال گذشته بهترین اتفاق برای اقتصاد ایران رخ داد و آن هم نامگذاری سال ۹۱ با عنوان سال تولید ملی بود اگر مدیران اجرایی اقتصاد تولید را باور میکردند در همین یکسال گذشته اوضاع در اقتصاد ایران به گونه ای دیگر ورق میخورد ولی متأسفانه سیاستهای پوپولیستی در اقتصاد باعث شد که به جای تولید مصرفگرایی شتاب بگیرد.

در سال جدید نیز حماسه اقتصادی با محوریت تولید در دستور کار اقتصاد ایران قرار گرفته است. اگر مدیران اجرایی اقتصاد بخواهند مانند سالهای گذشته عمل کنند باز هم در سال آینده باید گوشواره های شکست اقتصادی را شمارش کرد. در چنین شرایطی خیلی بیراه نیست که کارگران دست به دامن دیوان عدالت اداری شده اند. مدیران اقتصادی دولت برای درک وضع زندگی آنها ای کاش فقط به این پرسش پاسخ میدادند یا حداقل سخنگوی اقتصادی دولت را در مقابل دوربین ها قرار میدادند تا بگویند که اگر حقوق او نیز ۴۸۷ هزار تومان بود میتوانست بر گره های اقتصادی غلبه کند؟

فراخوان

هفته دفاع از کارگران زندانی

کارگران و آزادیخواهان

رژیم جمهوری اسلامی ایران همزمان با هجوم به معیشت کارگران و گسترش فقر و بی حقوقی برای خانواده کارگری وکل جامعه موج دستگیری کارگران را شدت بخشیده است. هم اکنون دهها فعال کارگری و سیاسی در زندانها بسر میبرند. غالب حسینی، علی آزادی، شریف ساعد پناه، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم نژاد، پدram نصراللهی، رضا شهابی، محمد جراحی و فریبرز رئیس دانا و.... و دهها کارگر و فعال سیاسی دیگر

برای اعتراض به دستگیریها و حمله به جنبش کارگری در روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل امسال را هفته دفاع از جنبش کارگری اعلام میکنیم. و روزشنبه ۲۰ آوریل را در این هفته کارگری به روز حرکت سراسری اختصاص میدهیم.

در این هفته به هر طریق ممکن اعم از اکسیون یا پیکت یا نمایشگاه و مراجعه به نهادهای کارگری درمحل زیست و کار خود صدای اعتراض کارگران و زندانیان سیاسی را بر علیه سرمایه و جمهوری اسلامی رساتر میکنیم

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

هیات هماهنگی شورای نمایندگان احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

۲۲ فروردین ۱۳۹۲ برابر با ۱۱ آوریل ۲۰۱۳

فراخوان دعوت به میتینگ اعتراضی شورای فعالین چپ و کمونیست هامبورگ

فراخوان

شورای فعالین چپ و کمونیست هامبورگ

رژیم جمهوری اسلامی سرمایه، تمام تلاش خود را بر آن نهاده است که بار بحران سرمایه داری را بر دوش طبقه کارگروتوده های وسیع مردم سرشکن کند. محاصره اقتصادی دول امپریالیستی خود موجب گسترده فقر و فلاکت عمومی گردیده است. پایین نگه داشتن دستمزدها، بیکارسازی های وسیع، کاهش خدمات اجتماعی و حذف یارانه ها بر ابعاد فقر و گرسنگی افزوده و کل جامعه را به سرحد نابودی می کشاند.

رژیم همزمان دامنه سرکوب خود را افزایش داده و صدها تن از فعالین کارگری و سایر جنبش های اجتماعی رادیکال را به بند کشیده است. این انسانهای شریف و آزاده فقط به خاطر دفاع از حقوق خود دستگیر و تحت شکنجه های روحی و جسمی قرار می گیرند. سرشکن کردن بحران اقتصادی بر شانه مزد و حقوق بگیران، بی حقوقی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی اکثریت جامعه و بگیر و ببندهای رژیم راهی به جز مبارزه جهت سرنگونی انقلابی آن توسط کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان باقی نگذاشته است. در دفاع از مطالبات بی پاسخ مانده کارگران و توده های وسیع مردم، در همبستگی با جنبش کارگری ایران، برای آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی، مبارزه مشترک را سازمان دهیم.

ما از فراخوان "نشست مشترک نیروهای چپ و کمونیست" جهت پیشبرد یک کارزار جهانی از "پانزده تا بیست و دوم آپریل به عنوان هفته دفاع از جنبش کارگری" در دفاع از کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی پشتیبانی میکنیم.

کارگران در بند و کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!
زنده باد همبستگی بین المللی با جنبش کارگری ایران!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

شورای فعالین چپ و کمونیست هامبورگ
شنبه بیستم آپریل از ساعت یک تا سه بعد از ظهر

Samstag, den 20.04.2013

Zeit: 13:00 - 15:00 Uhr

Ort: Glockengießerwall, Vorplatz Hbf. Ausgang Wandelhalle

اعتراض بلوچ ها به تبعیض در واگذاری مسئولیت های استانی

به نوشته رادیو دویچه وله در 24 فروردین 92 آمده است: برخی از نمایندگان مجلس و رهبران دینی بلوچ، به عدم به کارگیری متخصصان محلی بلوچ در پست های کلان استانی اعتراض کرده اند. گرچه گلایه بلوچ ها به این تبعیض ها تاکنون بی نتیجه بوده، اما تاکید آنها بر این حق ادامه دارد. محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران در آخرین دیدار استانی خود از استان سیستان و بلوچستان وعده داد که سیستان و بلوچستان را به سرعت "آباد" و این استان را به "زیباترین و امن ترین استان" تبدیل کند.

سایت "بازتاب" در این زمینه، نوشته است که یکی از مشکلات در دولت های نهم و دهم بهره نبردن از نیروهای بومی در دورترین نقاط کشور و روا داشتن برخی تبعیض های نابجا است. بازتاب ادامه می دهد: «این روند که بارها مورد اعتراض مقامات محلی به ویژه نمایندگان بوده، مربوط به منطقه ای خاص نیست و از استان های ترک و کردنشین گرفته تا استان هایی که بیشتر آنها را فارس زبانان یا لر زبان ها تشکیل می دهد (استفاده نکردن از نیروهای غیربومی و ناآشنا به فرصت ها و چالش های منطقه) به وفور به چشم می خورد.»

بازتاب از قول حمیدرضا پشننگ ریگی نماینده مردم خاش، میرجاوه، نصرت آباد، نوک آباد، کورین و ایرندگان در مجلس شورای اسلامی در ۲۰ فروردین ۱۳۹۲ می نویسد، بزرگترین مشکل در استان سیستان و بلوچستان، مشکل اقتصادی است و سیاست گذاری در این استان نقص جدی دارد. پشننگ ریگی عضو هیأت رئیسه کمیسیون عمران می گوید: «به کار نگرفتن پتانسیل های قوم بلوچ بی حرمتی به قوم بلوچ و به کار نگرفتن آنان در پست های کلان استان است.»

نماینده مجلس: ضایع شدن حق شهروندی بلوچ

نماینده مردم خاش در مجلس انتقاد می‌کند که آنچه اکنون در استان احساس می‌شود، ضایع شدن حقوق شهروندی قوم بلوچ است. وی اضافه می‌کند: «در استان ما، برخی رفتارها و حرکات های سیاسی، بی حرمتی به قوم بلوچ است که امیدواریم بتوانیم با پیگیری و ارائه راهکارها و سازوکارهایی، این حیثیت را به مردم برگردانیم. یکی از دغدغه های ما، ارج و بها دادن به شهروندان بلوچ در پست‌های مدیریتی و جلوگیری از ضایع شدن حق و حقوق این عزیزان است. هم اکنون مدیریت استان به نام قوم بلوچ، یکسری ظلم‌ها و حق کشی‌هایی می‌کند که در تاریخ استان سیستان و بلوچستان بی‌سابقه است!»

پشنگ‌ریگی تأکید می‌کند: «در پست‌های مدیریتی کلان استان، با توجه به شاخص جمعیتی و میزان تحصیل کرده‌های قوم بلوچ شمار بسیار معدودی از بلوچ‌ها در سمت‌های مدیریتی این استان و کشور حضور دارند که همین تعداد معدود هم در حال حذف شدن هستند.»

وی نتیجه می‌گیرد که این بی تدبیری‌ها با هر دلیل، جز تضعیف اعتماد عمومی به دولت و مسئولان ارشد کشور دستاوردی نخواهد داشت.

دولت نهم و دهم احمدی نژاد تاکنون با انجام ۳ سفر استانی به استان سیستان و بلوچستان و با جمع‌آوری ده‌ها هزار نامه به اهالی این استان وعده داد که محرومیت استان سیستان و بلوچستان را کاهش دهد. اما برخی از کاشناسان محلی به دویچه‌وله می‌گویند، دولت تاکنون صدها مصوبه ارائه کرده که فعلاً روی کاغذ مانده و اجرا نشده‌اند.

مقام‌های محلی منتصب دولت، انتقادهای و اعتراض نخبگان بلوچ و برخی از نمایندگان مجلس را قبول ندارند. سایت نیکشهر از قول صاحب‌گل صالحی فرماندار این شهر در جنوب سیستان و بلوچستان می‌نویسد: «دولت مسئولیت‌های زیادی به افراد بلوچ و اهل سنت واگذار کرده است.» وی همچنین تأکید می‌کند: «در انتصاب مدیران نباید قوم، مذهب، گرایش سیاسی، اجتماعی و حتی بومی بودن افراد ملاک باشد، بلکه آنچه مهم و ارزش دارد، اصل شایسته سالاری است.»

عباسعلی نورا، نماینده سابق مردم زابل و زهک نیز که نایب رئیس "کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات در مجلس" بود، انتقاد کرده که پروژه‌های افتتاح شده رئیس جمهور در سیستان و بلوچستان کمتر از انگشتان یک دست بوده است.

وی می‌گوید: «وضعیت اشتغال در استان بسیار آشفته است تا حدی که بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل بوده و تنها از ۲۰ درصد ظرفیت شهرک‌های صنعتی استان استفاده می‌شود.»

"وضعیت بدتر از تشریح نماینده مجلس است"

یک کارشناس محلی مقیم زاهدان که خواست نامش فاش شود، به دویچه‌وله گفت که وضعیت بلوچ‌ها بدتر از آن است که آقای پشنگ‌ریگی، نماینده بلوچ توصیف کرده است.

او می‌گوید که "در نیکشهر، بنت، فنوج و بخش مرکزی بر روی ۲۰ رودخانه بزرگ و کوچک در طول ۷۵ کیلومتری تابحال پلی نساخته‌اند. با کمترین بارندگی رودخانه‌ها طغیان می‌کنند و محور بنت به نیکشهر بسته می‌شود. در منطقه ذکر شده امکانات دولتی و تسهیلات بهداشتی برای ۸۵ هزار نفر از اهالی وجود ندارد."

آن گونه که خبرگزاری ایرنا در ۱۹ فرودین ۱۳۹۲ گزارش داده است، طغیان رودخانه‌های فصلی، وقوع سیل و قطع راه‌های روستایی نیکشهر جان فرزند یک زن باردار را در این شهرستان گرفت.

مولوی عبدالحمید: به تبعیض‌ها پایان دهید!

عدم واگذاری موقعیت و پست‌های مدیریتی استان به تحصیلکردگان و متخصصان بلوچ، مورد انتقاد رهبران دینی بلوچ هم قرار گرفته است. مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، تابه حال چندین بار به تبعیض در استخدام نیروهای متخصص و کاردان محلی بلوچ اعتراض کرده است. وی در سخنان روز ۱۲ فروردین "روز جمهوری اسلامی" امسال خود تأکید کرد: «اگر مسئولین به مدیریت وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای مسلح کشوری و استانی توجه کنند، مشاهده می‌کنند که درصد کمی از اهل سنت در این مشاغل به کار گرفته شده‌اند.»

این روحانی بلوچ پیش از این نیز در گفت و گو با دویچه‌وله خاطرنشان کرده بود که در واگذاری مسئولیت‌ها و مناصب از توان بلوچ‌ها و اهل سنت استفاده نمی‌شود: «یک وزیر اهل سنت نداشتیم، معاون وزیر، سفیر، استاندار هم از اهل سنت منصوب نشده است. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی هم یک سنی نمی‌تواند رئیس جمهور باشد، یعنی قانون هم این را تصریح کرده است. ما به این بند قانون اساسی اعتراض داریم و آن را تبعیض‌آمیز می‌دانیم. این سیاست‌های تبعیض نامکتوب هست ولی در کشور اعمال شده است.»

مولوی عبدالحمید افزود: « اهل سنت در ایران درخواست می‌کنند که در سیاست دولت بازنگری شود و این سیاست دولت باید تغییر پیدا کند. اهل سنت تقاضای مشارکت دارند و می‌خواهند بالاخره از شایستگان آنها استفاده شود

اجرایی نشدن افزایش مزد ۲۵ درصدی کارگران نانوائی‌ها

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 24 فروردین 92 آمده است: افزایش مزد ۲۵ درصدی کارگران واحدهای نانوائی سطح کشور هنوز عملیاتی و اجرایی نشده است. قیمت نان با سال ۹۱ هنوز تغییری نکرده است. کارفرمایان می‌گویند تا هزینه افزایش مزد در هزینه تولید نان محاسبه نشود و قیمت‌ها تغییر نکنند مزد کارگران را بر اساس مصوبه جدید شورای عالی کار پرداخت نمی‌کنند. رئیس انجمن صنفی نانوائی‌های اصفهان از اجرایی نشدن افزایش مزد ۲۵ درصدی کارگران نانوائی‌های سطح کشور خبر داد.

علی یزدانی در این باره به ایلنا گفت: افزایش مزد ۲۵ درصدی کارگران واحدهای نانوائی سطح کشور هنوز عملیاتی و اجرایی نشده است. وی ادامه داد: کارفرمایان واحدهای خبازی افزایش مزد ۲۵ درصدی را پذیرفته‌اند اما تا زمانی که در آنالیز هزینه تولید نان محاسبه نشود آن را پرداخت نمی‌کنند. این فعال کارگری افزود: قیمت نان با سال ۹۱ هنوز تغییری نکرده است. کارفرمایان می‌گویند تا هزینه افزایش مزد در هزینه تولید نان محاسبه نشود و قیمت‌ها تغییر نکنند مزد کارگران را بر اساس مصوبه جدید شورای عالی کار پرداخت نمی‌کنند. رئیس انجمن صنفی نانوائی‌های اصفهان در پایان اظهار داشت: تا این لحظه که در نیمه دوم فروردین ماه سال ۹۲ قرار داریم مسئولان دولتی تصمیمی در این باره اتخاذ نکرده‌اند.

واگذاری ساخت بخش دیگری از آزاد راه تهران - شمال به سپاه

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 24 فروردین 92 آورده است: به دنبال سيطرة سپاه بر بنیان‌های اقتصادی کشور، احمدی نژاد دستور داد با حذف بنیاد، ساخت قطعات ۲ و ۳ آزادراه هم به قرارگاه خاتم الانبیاء واگذار شود.

پیش از این نیز ساخت بزرگراه قم به مشهد نیز- بعنوان یکی از بزرگترین پروژه های کشور- توسط دولت به شرکت «تهران گسترش»، وابسته به قرارگاه خاتم الانبیاء واگذار شده بود. قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء، پس از آغاز دوران محمود احمدی نژاد، فعالیت های خود را در حوزه های مختلف گسترش داده و توانسته پروژه های بسیاری را با کمک دولت احمدی نژاد در دست بگیرد.

مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل در این باره گفت: عملیات احداث آزادراه تهران-شمال از سال ۷۶ آغاز شد و تا سال ۸۹ تنها ۶۴ درصد پیشرفت فیزیکی داشت اما از سال ۹۰ با پیگیری‌های خاص و اختصاص اعتبار، هر سال ۱۷ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

به گزارش فارس، احمد صادقی گفته است: منطقه ۱ این آزادراه از تهران تا شهرستانک توسط پیمانکار چینی و در قالب فاینانس در حال اجرا است؛ این قطعه، ۲۳ کیلومتر طول دارد که احداث تونل‌های آن به پایان رسیده است؛ در منطقه یک آزادراه فاینانسور شرکت SPA چینی است و مشکلات بانکی این فاینانسور در حال برطرف کردن است.

معاون وزیر راه و شهرسازی تصریح کرد: قرار شده است این قطعه تا پایان سال ۹۲ مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ احداث قطعه یک، ۶۰ کیلومتر مسیر تهران تا چالوس را کوتاه‌تر می‌کند.

وی با بیان اینکه از چندی پیش مقرر شده است در قطعات ۲ و ۳ این آزادراه کنسرسیوم داخلی حضور یابد، ادامه داد: پیمانکار این دو قطعه آزادراه شرکتی ایرانی است.

معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه مطالعات اجرایی این قطعات در حال انجام است، یادآور شد: اجرای این دو قطعه ۳ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری لازم دارد.

بنا به گفته مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور، در صورت فراهم بودن منابع مالی، این ۷۴ کیلومتر آزادراه با ۳۰ کیلومتر تونل، ظرف ۳ سال ساخته می‌شود.

وی درباره واگذاری اجرای این دو قطعه به قرارگاه خاتم‌الانبیاء توضیح داد: به دستور رئیس دولت اجرای قطعات ۲ و ۳ به قرارگاه خاتم واگذار شد و وزارت راه و شهرسازی هم‌اکنون در حال اخذ مصوبه‌های نهایی است.

اعتراض کارگران راه آهن یزد به قراردادهای پیمانی: کار نمی‌کنیم

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 25 فروردین 92 آمده است: جمعی از کارگران شرکتی (پیمانی) راه آهن یزد با امضای طوماری خطاب به اداره کل راه‌آهن این استان، نسبت به اجرایی نشدن مصوبات دولت در خصوص تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری به قرار دادکار معین هشدار دادند. به گزارش ایلنا، در این طومار که به امضای 98 نفر از کارگران متخصص پیمانی و شرکتی شاغل در اداره ناوگان راه آهن استان یزد رسیده، خطاب به مدیرکل راه آهن یزد آمده است: در صورت اجرایی نشدن مصوبات هیات دولت توسط راه آهن، پرسنل متخصص شاغل شرکتی (پیمانی) مشمول تبدیل وضعیت، از تاریخ 31 فروردین ماه سال جاری که قرارداد کارشان پایان می‌یابد دیگر در قالب شرکت‌های پیمانکاری قادر به همکاری با راه آهن نیستند و لذا در صورت نیاز راه آهن به این کارگران متخصص باید قرارداد جدید کار بصورت مستقیم از طرف راه آهن منعقد شود. گفتنی است «نیروی کار شرکتی» به کارگرانی گفته می‌شود که با واسطه یک شرکت دلال نیروی انسانی به استخدام درآمده‌اند تا به این ترتیب کارفرمای اصلی تعهدی نسبت به بخش عمده‌ای از حقوق قانونی کارگران متقبل نشود. کارگران امضا کننده این طومار در ادامه به نامه‌ی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اشاره کرده‌اند که با اعلام نظر کارشناسی خود، صراحتاً مشاغل این کارگران قراردادی را تخصصی دانسته است و در ادامه آورده‌اند: این در حالیست که اداره کل راه آهن با اطلاع از این موضوع پس از گذشت چند سال از این مصوبه دولت، باز هم نسبت به تبدیل وضعیت کارکنان خود هیچ اقدامی صورت نداده و با تفسیر رای و استناد نابجا به مصوباتی که هیچ مغایرتی با مصوبات و قوانین فوق الذکر ندارد، از دستورات صریح ریاست جمهوری امتناع و از تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی و پیمانی خود داری می‌کند.

همچنین این کارگران با نادرست خواندن بهانه‌های مطروحه توسط مسئولان راه آهن، مدعی شده‌اند: تاخیر چند ساله این اداره در اعطای حقوق مسلم و قانونی بیش از چند هزار نیروی متخصص، هیچ توجیحی جز سود برخی صاحبان شرکت‌های وابسته ندارد. در این نامه کارگران با اشاره‌ای مختصر به رد ادعای مسئولان اداره کل راه آهن یزد در زمینه تبدیل وضعیت کارکنان خود، آورده‌اند: با وجود اینکه کارگران طی دفعاتی هم بصورت کتبی و هم شفاهی خواسته خود را به کارفرما اعلام داشته‌اند، در صورت اجرا نشدن مصوبات هیات دولت تا پایان قرار داد اینجانبان (تا مورخه 92/01/31 توسط این اداره کل) دیگر قادر به همکاری به صورت شرکتی نیستیم. طومار نویسی کارگران راه آهن یزد درحالی است که پیش از این در تاریخ 26 اسفند ماه سال 91 نیز 54 نفر از کارگران سیر حرکت پیمانکاری راه آهن شرق در نامه‌ای مشابه از اداره کل راه آهن یزد خواهان تبدیل وضعیت استخدامی خود از شرکتی به قراردادی کار معین شده بودند.

دو کشته در انفجار مرکز ضایعات تبریز

به گزارش افکارنیوز، در 25 فروردین 92 آمده است: حبیب حسینیقلی زاده مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی آذربایجان شرقی گفت: ساعت 8، 15 صبح امروز انفجاری در حاشیه شهرک آزمایش (شهرک راهنمایی و رانندگی) به مرکز فوریت‌های پزشکی تبریز اطلاع داده شد که در پی آن آمبولانس‌های مرکز 203 و 211 به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: در این حادثه متأسفانه دو نفر به شکل دلخراشی جان خود را از دست دادند. انوشیروان کرمانی‌نژاد مدیرعامل آتش‌نشانی تبریز در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در تبریز گفت: علت این حادثه توسط کارشناسان در این مرکز ضایعات در حال بررسی است. براساس این گزارش، این انفجار در یک مرکز ضایعات که بخش خصوصی بوده اتفاق افتاده است.

افزایش فشار بر زنان روزنامه نگار

به گزارش رادیو صدای آلمان در 25 فروردین 92 آورده است: بنا بر گزارش‌ها فاطمه خردمند خبرنگار حوزه بهداشت و سلامت به پلیس امنیت تهران احضار شده است. هنگامه شهیدی روزنامه نگار محکوم به زندان نیز بر اثر حمله قلبی به بیمارستان تهران کلینیک منتقل شده است. فاطمه خردمند خبرنگار حوزه بهداشت و سلامت در پی تماس پلیس امنیت تهران، شنبه 24

فروردین ۱۳۹۲ به این اداره فراخوانده شده است. مسعود لواسانی همسر خانم فاطمه خردمند با اعلام این خبر در صفحه فیس‌بوک خود، نوشته است: «بازجوهای وزارت اطلاعات بارها و بارها در چند هفته ی اخیر با همسر من تماس گرفته و او را مورد پرسش در مورد ارتباط با خانواده زندانیان سیاسی قرار داده‌اند.»

بنا بر اعلام مسعود لواسانی، احضار فاطمه خردمند به پلیس امنیت در حالی صورت گرفته است که خانواده او در سفر به سر می‌برند و در شرایطی که بیم بازجویی از ایشان وجود دارد، هیچ یک از اعضای خانواده برای نگه داری پسر خردسال مسعود لواسانی و فاطمه خردمند در دسترس نیستند.

بنا بر نوشته مسعود لواسانی، خانم خردمند که در پرونده روزنامه "قلم سبز" در انتظار حکم شعبه ی ۲۶ دادگاه انقلاب است، در پی خروج همسرش از کشور، زیر فشارهای امنیتی شدید از سوی وزارت اطلاعات قرار دارد.

حمله قلبی هنگامه شهیدی

از سوی دیگر به گزارش ویسایت "سحام‌نیوز"، هنگامه شهیدی مشاور مهدی کروبی در انتخابات ۸۸ و همکار روزنامه توقیف شده اعتماد ملی، شامگاه پنجشنبه بر اثر حمله قلبی به بیمارستان تهران کلینیک منتقل شد.

بنا بر این گزارش دختر هنگامه شهیدی در صفحه فیس‌بوک مادرش نوشته است: «به دلیل فشارهای وارد شده در ایام اخیر به مادر، بیماری قلبی وی تشدید شد و برای چهارمین بار در معرض سنکوب قرار گرفت و از بعد از ظهر پنجشنبه ۲۲ فروردین در بخش سی سی یو بیمارستان تهران کلینیک بستری شد.»

هنگامه شهیدی ۹ تیر ۱۳۸۸ و در پی دستگیری‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران بازداشت و به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد. این روزنامه‌نگار خردادماه ۱۳۹۰ برای مرخصی استعلاجی به‌طور موقت از زندان آزاد شد. خانم شهیدی در طول زمان بازداشت نیز مدتی به دلیل مشکلات قلبی در بیمارستان بستری شده بود.

برنج هم مانند جای دارای مافیاست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا / رشت، در ۲۶ فروردین ۹۲ آمده است: نماینده مردم رشت در دوره‌های هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی واگذاری امور چای توسط دولت احمدی‌نژاد به استانداران گیلان را از سالیان گذشته تاکنون را برای فراق‌کنی و از سوئی دیگر سر کار گذاشتن استانداران دانست.

جبار کوچکی‌نژاد ارم ساداتی امروز در گفتگوی اختصاصی با خبرنگار ایلنا در رشت، دو محصول استراتژیک و مهم استان گیلان را برنج و چای عنوان کرد.

وی با اعلام تولید سالانه حدود ۱ میلیون تن برنج کشور در گیلان، خاطر نشان کرد: حدود ۴۰ تن چای نیز در این استان تولید می‌شود.

این مسئول، تولید محصول برنج را هم از بحث‌های جدی دانست و تاکید کرد: مسئولان باید همراه با محصول چای به برنج نیز که تولید آن با گرفتاری‌ها و مشقات فراوانی توأم است، توجه ویژه و اساسی کنند.

به گفته کوچکی‌نژاد ارم ساداتی، محصول چای به علت اینکه سال‌ها در پشت آن مافیا وجود داشته، به بحث روز تبدیل شده و برنج هم چیز کمی از چای ندارد و دارای مافیا و مشکلاتی در حوزه‌های تولید، بازرگانی و فرآیند تبدیلی است.

وی مدعی شد: خیلی از افراد دوست ندارند مشکل بخش چای حل شود، چون چند بار محمد رضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهوری در دولت‌های نهم و دهم به گیلان آمده است و گفته ما همه اختیارات دولت را به استان واگذار می‌کنیم.

عضو مجمع نمایندگان گیلان در دوره‌های هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: بعد از اینکه اختیارات به گیلان واگذار شد وقتی مواردی از جمله مطالبات چای کاران را از طریق معاونت راهبردی ریاست جمهوری پیگیری کردیم، به این نتیجه رسیدیم حتی به دستورات خود رحیمی، معاون اول رئیس جمهوری توجه نمی‌کنند.

کوچکی‌نژاد ارم ساداتی، اعتقاد دارد: واگذاری امورات چای به استان گیلان فراق‌کنی و عدم مسئولیت می‌باشد و این در حالی است که مسئولیت واگذار کردن امور به معنای دادن همه

اختیارات است .

وی اذعان کرد: استاندار و سازمان جهاد کشاورزی گیلان وقتی تصمیماتی در ارتباط با محصول چای می‌گیرند باید در حوزه مسئولیتی وزارت کشور اجرایی شود .

نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی، یاد آور شد: در سال گذشته حدود ۳۵ میلیارد تومان قرار بود برای چای کاران به منظور یارانه چای به کارخانجات اختصاص داده شود، ولی هنوز هم مقداری از آن پرداخت نشده است .

کوچکی‌نژاد ارم ساداتی با ارزیابی واگذاری امورات چای توسط دولت احمدی‌نژاد به استانداران گیلان در زمان فعالیت عبداللّهی، قهرمانی تا سعادت‌ی، ابراز کرد: معاون اول رئیس جمهوری با انجام سفرهایی به گیلان همه مسئولیت‌های چای را به استانداران اسبق اعطا کرد ولی در حقیقت همه مسئولیت‌ها در خود دولت متمرکز بود و چیزی عاید مردم نشد .

وی با تأکید بر اینکه علی‌رغم اینکه واگذاری مسئولیت امور چای به استانداران وقت گیلان انجام شد ولی تمام قوانین دست دولت بود و استانداران را سر کار گذاشتند، افزود: معاون اول رئیس جمهوری در روزهای گذشته، همه مسئولیت‌ها را به استاندار فعلی کیهان هاشم‌نیا واگذار کرد و رفت .

این مسئول، با اشاره به باقی ماندن حدود سه ماه از عمر دولت دهم، متذکر شد: باید ببینیم که مسئولیت‌های قبلی که به نمایندگان اسبق عالی دولت در استان گیلان داده شده آیا در بخش چای اثر گذار بوده یا خیر و اگر مشکل از استانداران بوده، باید به مردم معرفی شوند که عرضه نداشته‌اند .

کوچکی‌نژاد ارم ساداتی، اضافه کرد: اگر هم گیر از خود ساختار بروکراسی دولت هست، دیگر این نوع فراقکنی و بحث‌ها نداشته در بخش چای نداشته باشند .

وی در ادامه با اشاره به برگزاری جلسه‌ای تحت عنوان «ستاد راهبردی چای»، با حضور استاندار گیلان و مسئولین چای بعد از سفر اخیر معاون اول رئیس جمهوری به این استان، اظهار کرد: در این جلسه پیشنهادات خوبی از سوی کیهان هاشم‌نیا، نماینده عالی دولت در استان مطرح و به تصویب رسید .

عضو مجمع نمایندگان گیلان از جمله مصوبات تصویب شده در این جلسه را در بخش چای قاجاق، اعطای مناسب وام به چای کاران، ۲۷ میلیارد تومان دیده شده دولت برای بخش چای در بودجه کل کشور سال ۹۲ و انجام تعهدات دولت در قبال کارخانجات ذکر کرد .

کوچکی‌نژاد ارم ساداتی با اشاره به چای وارداتی یک کیلو در برابر سه کیلو چای حواله‌ای اظهار امیدواری کرد: اگر این موضوع هم عملیاتی شود بسیار جای خرسندی را به دنبال خواهد داشت .

وی از تلاش در کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی برای به تصویب رسانیدن افزایش تعرفه گمرکی واردات چای از ۳۰ به ۵۰ درصد که در استان گیلان ۱۰۰ درصد خواهد بود خبر داد .

به گفته نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی با تصویب این طرح در کمیسیون تلفیق و صحن علنی خانه ملت، از ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار پیش بینی شده ۲۰ درصد آن به استان گیلان تعلق خواهد گرفت .

کوچکی‌نژاد ارم ساداتی، اعتقاد دارد اگر این قانون را دولت کمک بکند در کمیسیون تلفیق و صحن علنی مجلس شورای اسلامی، تصویب شود، می‌توان بخشی از مشکلات چای را حل کند . وی تصریح کرد: اگر دولت خودش را کنار بکشد و با افزایش تعرفه واردات این محصول ونیز با برخی از قوانین و پیشنهادات استانی مخالفت نماید، همان روش باقی می‌ماند، از سوئی دیگر باید صادقانه با مردم صحبت کنند .

این مسئول از اعتراض خود به انجام چندین سفر معاون اول رئیس جمهوری به گیلان برای واگذاری امورات چای به استاندار و عملیاتی نشدن آن خبر داد و خاطر نشان کرد: به همین منظور در این سفر حضور نیافتم و در مجلس شورای اسلامی ماندم .

کوچکی‌نژاد ارم ساداتی ابراز امیدواری کرد با توجه به اینکه کیهان هاشم‌نیا استاندار فعلی قبلاً در سمت معاونت برنامه ریزی استانداری فعالیت کرده و به قوانین نسبت به استانداران اسبق اطلاعات بیشتری دارد، بتواند سریعاً درخواست‌های خود را به دولت اعلام تا ما نیز پی گیری کنیم .

وی اذعان کرد: در صورت پیگیری‌های مناسب امسال شاهد بروز تحولات در نحوه خرید برگ سبز چای، و بازسازی باغات خواهیم بود چرا که باغ‌ها با مشکلاتی در بخش آفات مواجه است و بسیاری از آنها در حال اسیدی شدن هستند که خطرات زیادی به دنبال دارد و دردهای نهفته‌ای است که کسی هم به آن نمی‌پردازد و فقط موضوع برگ سبز چای و فروش آن را می‌بینند .

افزایش نرخ بیکاری در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی/ استان‌های غربی بیشترین نرخ بیکاری را دارند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 26 فروردین 92 آمده است: استان‌های غربی کشور رکورددار بیکاری در سال 91 نام گرفتند. بنابر گزارش مرکز آمار، در زمستان سال گذشته استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان به ترتیب بالاترین نرخ‌های بیکاری را داشته‌اند تا بیشترین سهم از نرخ بیکاری ۲۱/۱۲ درصدی سال 91 را به خود اختصاص دهند. آماري که نشان مي‌دهد، نزديک به سه‌ميليون نفر از جمعيت ۱۰ ساله و بيشتر کشور بیکارند و در اين ميان، بررسی نرخ مشارکت اقتصادی یا نرخ فعالیت نشان مي‌دهد که ۷/۳۴ درصد جمعيت در سن کار یعنی ۱۰ ساله و بيشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند. همچنين نرخ مشارکت اقتصادی در بين زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی کمتر بوده است. در عين حال بررسی نرخ بیکاری حاکی از آن است که ۲۱/۱۲ درصد از جمعيت فعال بیکار بود و نرخ بیکاری در بين زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بيشتر بوده است. طبق آمار ارائه شده ۹/۸ درصد از جمعيت کشور دارای اشتغال ناقص بوده‌اند که اين شاخص در بين مردان بيشتر از زنان و در نقاط روستایی بيشتر از نقاط شهری بوده است. اما بخش خدمات با ۵/۴۷ درصد در بين بخش‌های عمده اقتصادی بيشترين سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است که براین اساس بخش‌های صنعت با ۶/۳۳ درصد و کشاورزی با ۹/۱۸ درصد در مراتب بعدی قرار دارند. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال نیز بيانگر آن است که ۹/۲۶ درصد از جمعيت فعال در اين گروه سنی بیکار بوده‌اند که اين شاخص در بين زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بيشتر بوده است.

به گزارش بهار، همچنين ۵/۲۴ درصد از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در سال 91 بیکار بوده‌اند که اين شاخص نیز بين زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بيشتری بوده است. بررسی سهم شاغلان ۱۵ ساله و بيشتر با ساعت کار معمول ۴۹ ساعت و بيشتر نشان مي‌دهد که ۶/۴۰ درصد شاغلان به‌طور معمول بيش از ۴۹ ساعت در هفته کار مي‌کنند و از آنجایی که اين شاخص یکی از نماگرهای کار شايسته است، نمايانگر آن است که سهم زیادی از شاغلان کشور بيش از ساعت استاندارد کار مي‌کنند. براساس اين گزارش، استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان به ترتيب با داشتن ۴/۲۰، ۲/۱۹، ۹/۱۸ و ۸/۱۸ بيشترين نرخ بیکاری را در زمستان سال گذشته داشته‌اند.

۲ ميليون فرصت‌های شغلی نابود شد، کدام اشتغالي‌اي؟ مرکز آمار در حالی سير حرکتی نرخ بیکاری را نزولی به نمايش مي‌گذارد تا بتوان آن را به معنای موفقیت‌آمیز بودن برنامه‌های اشتغالي‌اي دولتي‌ها دانست که نمايندگان مجلس از نابودشدن فرصت‌های شغلی در سال گذشته خبر داده و معتقدند که دو ميليون فرصت شغلی در یک سال گذشته در واحدهای توليدي از بين رفته و آماري که درباره ايجاد اشتغال از سوی دولت منتشر شده به دليل وضعيت بحرانی واحدهای توليدي معکوس بوده و غيرواقعی است. محمد حسن‌نژاد، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با اشاره به اين که نحوه آمارگيري در مورد اشتغال توسط دولت غلط است، به خانه ملت مي‌گويد: متاسفانه نحوه آمارگيري در مورد اشتغال به‌گونه‌ای است که حتی اگر فردی با گرفتن وام خواهان بافت قالی در خانه خود باشد، به عنوان وام‌خوداشتغالی یا افزايش نرخ اشتغال در کشور محسوب مي‌شود.

نماينده مرنده و جلفا در مجلس شورای اسلامی با بيان اين موضوع که دولت حتی تغيير تراکتور کشاورزان را نیز اشتغالي‌اي مي‌داند، افزود: ميليون‌ها فرصت شغلی در یک سال گذشته در واحدهای توليدي نابود شده است و آماري که اخيرا درباره ايجاد اشتغال از سوی دولت منتشر شده، به دليل وضعيت بحرانی واحدهای توليدي معکوس بوده و صحيح نيست. وی تصريح کرد: فردی ممکن است بيش از ۵۰ ميليون تومان هزينه کرده و شرکتی تاسيس کند تا بتواند روند اشتغالي‌اي در کشور را افزايش دهد، درحالي که همين شرکت شايد بتواند کمتر از ۲۰۰ نفر را جذب کند، حال چگونه دولت مي‌تواند ادعا کند که با یک ميليون تومان، برای چندين هزار نفر شغل ايجاد کرده است.

اين نماينده مردم در مجلس نهم، با اشاره به اين که بيشتر مراجعات مردم به نمايندگان مجلس درباره اشتغال است، تاکيد کرد: در شرايط کنونی نرخ بیکاری در ميان افراد دارای تحصيلات

دانشگاهی فوق العاده افزایش نشان می‌دهد، لذا با آمار دولت درباره اشتغال‌زایی غلط است یا دومیون شغل کفاف بیکار کشور را نمی‌دهد.

کارگران چگونه به پیشواز اول ماه می روند



به نوشته سایت خبری راه کارگر به نقل از به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 26 فروردین 92 آمده است: کارگران در سال جاری در حالی به پیشواز جشن اول ماه می روند که کارگزاران رژیم اسلامی در شورای تعیین مزد برای آنان دستمزدی به میزان یک سوم میزان خط فقر در نظر گرفته اند.

مسئول کانون انجمن های صنفی استان اصفهان با اعلام اینکه دستمزد سال نود و دوی کارگران نسبت به سال گذشته بیست و پنج درصد افزایش یافته که هیچ همخوانی و تناسبی با تورم موجود کشور ندارد، تاکید کرد درحالی که بر اساس آمارهای رسمی، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک به یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است، شورای تعیین مزد کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در سال جاری در نظر گرفته است. یزدانی با اشاره به اینکه کارد به استخوان همسران کارگران رسیده و توان اداره خانواده ها را ندارند، می پرسد آیا به نظر مسئولین دستمزد کمتر از پانصد هزار تومان، جوابگوی معیشت و تأمین حداقل نیازهای زندگی یک کارگر در تهران یا دیگر نقاط کشور خواهد بود؟ به گفته فعالین مستقل کارگری، در حالیکه سازمانها و تشکلهای شبه کارگری وابسته به رژیم سعی دارند اعتراضات کارگران به این میزان از دستمزد را در سطح چانه زنی با مسئولین و گذشت زمان به نفع رژیم، نگهدارند، درخواست برای دستمزد واقعی و اعتراض مشترک حقوق بگیران به این سطح دستمزدها به هرحال ممکن، می تواند نقطه عطف جدیدی در جنبش کارگری و روند شکل گیری تشکل های واقعی کارگران باشد.

دستمزد کارگران یک میلیون تومان با خط فقر فاصله دارد
ایلنا / دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی کارگران را فقط برای اجاره بهای یک اتاق کافی است/ فقر، منشأ ایجاد هر فسادى در جامعه است و مسوولان باید به این موضوع توجه کنند که این موضوع چه عواقبی را در جامعه در بر خواهد داشت. در حالی که بر اساس آمارهای رسمی، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک به یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است، شورای تعیین مزد کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در سال ۹۲ در نظر گرفته است.

مسئول کانون انجمن های صنفی کارگران استان اصفهان با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: دستمزد سال ۹۲ کارگران نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته که هیچ همخوانی و تناسبی با تورم موجود کشور ندارد. علی یزدانی با انتقاد از اینکه دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی کارگران را فقط برای اجاره بهای یک اتاق کافی است، تاکید کرد: آیا دستمزد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، جوابگوی معیشت و تأمین حداقل نیازهای زندگی یک کارگر در تهران یا دیگر نقاط کشور خواهد بود؟

یزدانی با اشاره به مظلوم واقع شدن این قشر هنگام تعیین دستمزد، ادامه داد: همسران کارگران زمانی که به قول معروف کارد به استخوانشان رسیده، پیش ما می آیند و می گویند با این دستمزد چگونه خانواده را اداره کنیم؟ قسط اجاره خانه عقب افتاده و حتی نمی توانیم در ماه نیم کیلو گوشت

هم بخیریم. به گفته وی تشکلهای کارگری در یک بررسی آماری، میانگین اقلام مصرفی کارگران به همراه مدارک آمار و ارقام آن را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارائه دادند، اما با وجود اینکه بر اساس این بررسی آماری، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است برای سال ۹۲، کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در نظر گرفته‌اند.

همچنین مسوول کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان یکی از مهمترین مشکلات کارگران را عدم امنیت شغلی و ثبات کار عنوان کرد و گفت: آن بخش از کارگران نیز که با قراردادهای موقت مشغول به کار هستند، همیشه دغدغه عدم ثبات شغلی خود را دارند. وی با بیان اینکه فقر، منشأ ایجاد هر فسادى در جامعه است، تصریح کرد مسوولان باید به این موضوع توجه کنند که این موضوع چه عواقبى را در جامعه در بر خواهد داشت و بر میزان بروز انحرافات اجتماعى و اخلاقى در جامعه خواهد افزود

3 میلیون بیکار طبق گزارش مرکز آمار ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر-گروه اقتصادی در تاریخ 26 فروردین 92 آمده است: حدود 3 میلیون نفر در زمستان 91 در استانهای کشور بیکار بوده اند و نرخ بیکاری در 23 استان دورقمی بود. از سویی، نرخ بیکاری در 7 استان بالای 15 درصد و در مورد 16 استان نیز بیش از 12 درصد بوده است.

به گزارش خبرنگار مهر، گزارش وضعیت بیکاری استان های کشور در زمستان سال گذشته و حدود یکماه پس از سال جدید منتشر شد که بر پایه آن اعلام شد 36.8 درصد جمعیت 10 ساله و بیشتر کشور در زمستان جزو جمعیت فعال اقتصادی محسوب شده اند که تعداد آنها نیز 23 میلیون و 628 هزار و 323 نفر بوده است.

همچنین به صورت کلی نرخ مشارکت اقتصادی در شهرها نسبت به روستاها و در مورد مردان نسبت به زنان بیشتر بوده است. با این حال این نرخ نسبت به فصل پاییز سال گذشته 7 دهم درصد کاهش داشته است. با این اوصاف در پایان سال گذشته 12.4 درصد جمعیت کشور بیکار بوده اند که تعداد آنها به میزان 2 میلیون و 918 هزار و 509 نفر بود. نسبت بیکاری مردان به زنان بیشتر و نرخ بیکاری زمستان نسبت به پاییز سال گذشته به میزان 1.2 درصد افزایش داشته است.

9.2 درصد از فعالان اقتصادی دارای اشتغال ناقص بوده اند که در این بخش نیز سهم مردان بیشتر از زنان است. در زمستان 91 بخش خدمات به میزان 48.7 درصد اشتغال را در کشور ایجاد کرد و در این بین سهم بخش کشاورزی 16.9 و بخش صنعت نیز 34.4 درصد بوده است.

در بخش مربوط به بیکاری جوانان 15 تا 24 ساله 26.1 درصد بیکاری وجود داشت که این میزان به نسبت پاییز سال قبل 3 دهم درصد بیشتر بود. در این بین 24.2 درصد هم بیکاری برای جوانان رده سنی 15 تا 29 ساله وجود داشت که نسبت به فصل پاییز 91 به میزان 1.2 درصد افزایش نشان می دهد.

طبق گزارش مرکز آمار ایران، 39 درصد شاغلان در زمستان 91 به طور متوسط بیشتر از 49 ساعت در هفته کار کرده اند که این موضوع نشان می دهد درصد بسیار زیادی از شاغلان بیشتر از استاندارد کار می کنند. تنها در 7 استان هرمزگان، مرکزی، گلستان، کرمان، قم، خراسان رضوی و خراسان جنوبی نرخ بیکاری تک رقمی بود که آن هم در 6 استان بالای 8 درصد بوده است. از کل 2 میلیون و 918 هزار و 509 نفر بیکار فصل زمستان گذشته 2 میلیون و 104 هزار و 800 نفر مرد و 813 هزار و 708 نفر نیز زن بوده اند. 2 میلیون و 267 هزار و 387 نفر از بیکاران در شهرها و 651 هزار و 121 نفر نیز در روستاهای کشور ساکن بوده اند.

تمرکز جمعیت بیکاران در رده سنی 15 تا 29 سال وجود دارد که 1 میلیون و 877 هزار و 828 نفر بوده اند. بخش کشاورزی در زمستان سال گذشته 3 میلیون و 496 هزار و 52 نفر اشتغال زایی داشته و بخش صنعت هم 7 میلیون و 118 هزار و 912 نفر را در خود جای داده است. در این بین بخش خدمات با بیشترین تاثیرگذاری در بازار کار کشور برای 10 میلیون و 948 هزار و 849 نفر اشتغال ایجاد کرده است.

طبق ارقام موجود، در زمستان سال 91 در 23 استان کشور نرخ بیکاری دورقمی، در 7 استان بالای 15 درصد و در 16 استان نیز بالای 12 درصد بوده است. بر این اساس با وجود نرخ بیکاری 12.4 درصدی در زمستان گذشته، نرخ بیکاری در استان های مختلف کشور طبق جدول زیر بوده است .

درصد نرخ بیکاری در استان ها - زمستان 91

آذربایجان شرقی 12.3

آذربایجان غربی 15.7

اردبیل 16.3

اصفهان 13.4

البرز 13.8

ایلام 19.2

بوشهر 11.9

تهران 10.1

چهارمحال و بختیاری 11.1

خراسان جنوبی 7.7

خراسان رضوی 8.3

خراسان شمالی 13

خوزستان 13.8

زنجان 11.6

سمنان 11.6

سیستان و بلوچستان 12.7

فارس 13.9

قزوین 12.6

قم 8.7

کردستان 18.8

کرمان 8.2

کرمانشاه 18.9

کهگیلویه و بویراحمد 12.3

گلستان 9.8

گیلان 18.2

لرستان 20.4

مازندران 10.3

مرکزی 9.5

هرمزگان 9.6

همدان 10.3

یزد 11.1

فریبرز رئیس دانا آزاد شد



بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : فریبرز رئیس دانا، استاد دانشگاه و عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران، روز دوشنبه پس از پایان دوره محکومیت یک ساله ی خود، از زندان اوین آزاد شد...

فریبرز رئیس دانا، روز دوشنبه از زندان اوین آزاد شد. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، فریبرز رئیس دانا، استاد دانشگاه و عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران، روز دوشنبه پس از پایان دوره محکومیت زندان، از زندان اوین آزاد شد. این اقتصاددانان و تحلیلگر چپ روز ۳۰ آذر ۱۳۸۹ در پی انتقاد از طرح هدفمندکردن یارانه ها بازداشت

و مدت یک ماه را بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین به سربرد. وی سرانجام در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران و به اتهام «توهین به ریاست جمهوری» و «عضویت در کانون نویسندگان ایران» به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شد. آقای رئیس دانا روز دوشنبه اول خرداد ۱۳۹۱، جهت گذراندن دوره حبس یک ساله بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود.

اطلاعیه ی 49 - بازگشت رضا شهابی به زندان!

برپایه خبر دریافتی به روز شمار کارگری آمده است: در عصر روز دوشنبه 26 فروردین 1392 رضا شهابی با بدرقه ی خانواده، تعدادی از رانندگان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و همچنین جمعی از فعالان جنبش کارگری و تعدادی از فعالین اجتماعی به زندان اوین بازگشت. بازگشت رضا در پی تماس مأموران امنیتی مبنی بر اتمام زمان مرخصی او بود. در پی این تماس رضا این موضوع را با اعضای سندیکا مطرح کرد و در نهایت تصمیم جمعی این شد که رضا در موعد مقرر و به همراه تعدادی از رانندگان و اعضای سندیکا تا زندان بدرقه شود. لازم به ذکر است بازگشت رضا به زندان در حالی است که پزشک معالج اش اعتقاد دارد که او همچنان از مشکلات در ناحیه ی گردن و کمر رنج برده و نیاز به فیزیوتراپی مستمر و تخصصی و همچنین درمان های تکمیلی دارد. علاوه بر آن دندانپزشک معالج رضا شهابی نیز که در این مدت تنها توانسته است تعداد محدودی از دندان های وی را ترمیم کند عنوان کرده است که لثه های رضا نیاز به جراحی دارد و ادامه ی روند ترمیم دندان و لثه های رضا با بازگشت او به زندان دچار اختلال خواهد شد. کمیته ی دفاع از رضا شهابی ضمن تشکر از تمامی عزیزانی که در این مدت همبستگی طبقاتی خود را با رضا شهابی اعلام کردند، ادامه ی حبس این کارگر مبارز و تمامی کارگران و فعالان کارگری در بند را محکوم می کند. کمیته ی دفاع از رضا شهابی - 26 فروردین ماه 1392

تجمع کارکنان منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد جلوی استانداری

به گزارش سایت کبنا نیوز، در 26 فروردین 92 آمده است: جمعی از نیروهای شرکتی مشغول در اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کهگیلویه و بویراحمد در جلوی محل استانداری تجمع کردند. براساس این گزارش، بنقل ازتهدادی تجمع کنندگان، طبق مصوبه ای هئیت دولت، نیروهای شرکتی باید تبدیل وضعیت شوند و در برخی از استانها این مصوبه اجرا شده است، ولی متأسفانه در منابع طبیعی این کار صورت نگرفته است. همچنین این کارکنان افزودند، حقوق و مزایا مرتب پرداخت نمی گردد، از سابقه کار بالای ۱۰ سال برخوردار هستیم که همچنان بلا تکلیف هستیم. یکی از این کارکنان که از مأموران یگان حفاظت جنگل های استان است به قول خودش در یکی از مأموریت های کاری از ناحیه کمر دچار صدمه گردید و با مشکلات عدیده ای روبرو است.

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر در مورد ادامه فشار بر فعالان کارگری برپایه اطلاعیه رسیده به روز شمار کارگری آمده است:

فریبرز رئیس دانا پس از گذراندن يك سال زندان و پایان دوران محکومیتش در روز دو شنبه 92/1/26 از بند 350 زندان اوین آزاد شد. جرم او آن بود که در شب اعلام هدفمندی یارانه ها توسط دولت، در يك مصاحبه این طرح را ضد کارگران و مردم تحت ستم دانسته بود. در همان شب مأموران به منزل او ریخته و در ساعت 12 شب او را در برابر چشمان نگران فرزند خردسالش بازداشت کردند. او در دادگاه از موضع خود دفاع کرد و حاضر به پس گرفتن حرف خود نشد. در تمام مدت بازداشت هیچ تقاضایی را برای مرخصی و سایر حقوق قانونی زندانیان نکرد و همواره در زندان از مواضع خود کوتاه نیامد که همانا دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان است. اکنون که پس از سپری کردن دوران محکومیت خود از زندان آزاد می شود، صحت مواضع او در باره طرح هدفمندی یارانه ها بیش از پیش اثبات شده است. این طرح که به آزاد سازی قیمت ها و تورم لجام گسیخته انجامیده، هر دم شکاف طبقاتی را در جامعه افزایش داده و زندگی فلاکت باری را بر مردم تحمیل کرده است.

همزمان با آزادی رییس دانا، رضا شهابی، عضو سندیکای شرکت واحد که جهت معالجه در مرخصی بود، با تمدید نشدن مرخصی اش به زندان بازگشت. تعداد زیادی از فعالین کارگری و اعضای سندیکای شرکت واحد به همراه فرزندان خردسال و خانواده ی نگران او، سرود خوانان با آرزوی آزادی اش، او را بدرقه کردند. رضا شهابی درحالی به زندان بازگشت که معالجات وی نیمه کاره مانده است.

با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نشده است و هنگامی که وی برای تمدید مرخصی مراجعه کرده به وی ابلاغ شده که غیبت هم دارد و باید هر چه زودتر خود را به زندان معرفی کند. این درحالی است که نیما ابراهیم زاده هم چنان تحت شیمی درمانی است و تهیه ی داروهای وی معضل بزرگی برای خانواده ی ایشان شده است و بیم آن می رود با بازگشت بهنام به زندان روند معالجات وی دچار اخلاص شود.

در همین حال با مرخصی محمد جراحی که تحت پرتو درمانی قرار دارد موافقت نشده است. این درحالی است که بعد از هر دوره پرتودرمانی بیمار باید به مدت یک هفته در قرنطینه تحت مراقبت باشد، زیرا تشعشعات درمانی برای نزدیکان بیمار ایجاد مشکل خواهد کرد.

آنها گمان می کنند با فشار به کارگران و فعالان کارگری زندانی و ایجاد شرایط غیرانسانی در زندان ها و فشار بر خانواده های زندانیان می توانند از اعتراضات کارگری جلوگیری کنند، اعتراضاتی که ناشی از تورم، گرانی و عدم افزایش دستمزدهاست که زندگی را بر کارگران بسیار دشوار کرده است.

این آزادی و بازگشت به زندان نشان می دهد که کارگران و فعالان کارگری همچنان در عقاید خود محکم و استوار ایستاده اند و بر حقوق کارگران پای می فشارند. کانون مدافعان حقوق کارگر باردیگر خواهان آزادی بی قید و شرط همه ی زندانیان سیاسی و فعالان کارگری است و بارها هشدار داده که این بگیر و ببندها تاثیری در اراده کارگران و فعالان کارگری در احقاق حقوق خود نخواهد داشت.

26 فروردین 92- کانون مدافعان حقوق کارگر

بیانیه 75

بازگرداندن رضا شهابی را به زندان محکوم می کنیم.

جمهوری اسلامی سال 1392 را با ترس شروع کرده است، زمین زیر پایش سست است، هر لحظه ممکن است بشکافد و این نظام سرمایه داری و ضد انسانی را نابود کند، سران و عاملین این نظام در ترس و واهمه قرار دارند هر روز که می گذرد بیشتر در خود می پیچند و بیشتر صدایشان می لرزد، در فضای پر وحشت و بحرانی خود، برای پنهان کردن ترس خویش دستگیری فعالین کارگری و سیاسی را افزایش داده اند، به سرعت محاکمات افزوده اند، هر

روز بیشتر چنگ و دندان نشان می دهند ، سلاح ها و نیروهای سرکوبگر شان را هر روز بیشتر به نمایش می گذارند، لحظه به لحظه سخنرانیهای تهدید آمیزتری منتشر می کنند، تا شاید بتوانند با ایجاد فضای رعب و وحشت التهاب و تپش انفجاری قلب نظام اسلامی را آرامتر کرده، انفجار و ایست آن را به زمانی دور تر موکول نمایند. تا شاید باز هم بتوانند از خطرات احتمالی روز جهانی کارگر و انتخابات پیش رو و دیگر مناسبات عبور کنند. تحت چنین شرایطی است که رضا شهابی به زندان بر گردانده می شود، زندانیان و خانوادههایشان به اشکال مختلف تهدید می گردند، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا محکوم به زندان می شوند ، تعدادی از کارگران با وثیقه های سنگین به گروگان گرفته می شوند و ... تا از شرکت آنها در مراسم روز جهانی کارگر و دیگر اعتراضات احتمالی جلوگیری کرده همچنین در میان دیگر فعالین کارگری و سیاسی ایجاد ترس نمایند.

ما ضمن محکوم کردن باز گردانی رضا شهابی به زندان، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی و تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی هستیم.

همچنین از تمامی کارگران، تشکل های کارگری ، زنان ، معلمان، جوانان و مردم ازادیخواه و نهادهای مختلف داخلی و جهانی می خواهیم در روز جهانی کارگر به صورت متحدانه و گسترده خواستار آزادی رضا شهابی، شاهرخ زمانی ،محمد جراحی، پدرام نصرالهی ، مهدی فراهی شاندیز، رسول بداغی، عبدالرضا قنبری ... و زندانیان سیاسی شوند.

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
افزایش دستمزدها متناسب با تورم
حق تشکل، حق اعتصاب
لغو قراردادهای موقت
برقراری اشتغال دائم
کمیتة حمایت از شاہرخ زمانی
1392/1/27
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

نامه اتحادیه جهانی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) در رابطه با بازگشت رضا شهابی به زندان

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است: آی تی اف (اتحادیه جهانی کارگران حمل و نقل) طی نامه ای بتاريخ 23 فروردین ماه 1392 خطاب به احمدی نژاد نسبت به لغو مرخصی استعلاجی رضا شهابی و بازگشتش به زندان، علیرغم نیازی به ادامه درمان، ابراز نگرانی کرد و خواستار آزادی دائمی رضا شهابی و لغو ممنوعیت ۵ سال فعالیت کارگری او شد.
آی تی اف طی این نامه همچنین خواستار لغو احکام همه فعالین و اعضای اتحادیه های کارگری در ایران شد.

رونوشت این نامه که از طرف دیوید کاکرافت دبیر کل آی تی اف امضا شده بود برای خامنه ای، اسدالله عباسی (سرپرست) وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی، صادق لاریجانی؛ رئیس قوه قضائیه، محمد جواد لاریجانی؛ دبیر شورای عالی حقوق بشر، شهردار تهران محمد باقر قالیباف و بیمان سنندجی؛ مدیر کل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، هم ارسال شد.

دستمزد کارگران یک میلیون تومان با خط فقر فاصله دارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 فروردین 92 آمده است: «دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی کارگران را فقط برای اجاره بهای یک اتاق کافی است/ فقر، منشأ ایجاد هر فساد در جامعه است و مسؤولان باید به این موضوع توجه کنند که این موضوع چه عواقبی را در جامعه در بر خواهد داشت»

در حالی که بر اساس آمارهای رسمی، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک به یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است، شورای تعیین مزد کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در سال ۹۲ در نظر گرفته است.
مسئول کانون انجمن های صنفی کارگران استان اصفهان با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: دستمزد سال ۹۲ کارگران نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته که هیچ همخوانی و تناسبی با تورم موجود کشور ندارد.

علی یزدانی با انتقاد از اینکه دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی کارگران را فقط برای اجاره بهای یک اتاق کافی است، تأکید کرد: آیا دستمزد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، جوابگوی معیشت و تأمین حداقل نیازهای زندگی یک کارگر در تهران یا دیگر نقاط کشور خواهد بود؟
یزدانی با اشاره به مظلوم واقع شدن این قشر هنگام تعیین دستمزد، ادامه داد: همسران کارگران زمانی که به قول معروف کارد به استخوانشان رسیده، پیش ما می آیند و می گویند با این دستمزد چطور خانواده را اداره کنیم؟ قسط اجاره خانه عقب افتاده و حتی نمی توانیم در ماه نیم کیلو گوشت هم بخریم.

به گفته وی تشکلهای کارگری در یک بررسی آماری، میانگین اقلام مصرفی کارگران به همراه مدارک آمار و ارقام آن را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارائه دادند، اما با وجود اینکه بر اساس این بررسی آماری، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است برای سال ۹۲، کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در نظر گرفته اند.

همچنین مسئول کانون انجمن های صنفی کارگران استان یکی از مهمترین مشکلات کارگران را عدم

امنیت شغلی و ثبات کار عنوان کرد و گفت: آن بخش از کارگران نیز که با قراردادهای موقت مشغول به کار هستند، همیشه دغدغه عدم ثبات شغلی خود را دارند .
وی با بیان اینکه فقر، منشأ ایجاد هر فسادى در جامعه است، تصریح کرد: مسئولان باید به این موضوع توجه کنند که این موضوع چه عواقبى را در جامعه در بر خواهد داشت و بر میزان بروز انحرافات اجتماعى و اخلاقى در جامعه خواهد افزود

کلیه فروشی برای زنده ماندن در پایتخت

به نوشته خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران- ایسنا در تاریخ 27 فروردین 92 آمده است : سیدحسین موسوی چلک در مطلب تازه خود در خبرآنلاین به بررسی موضوع کلیه فروشی در سریال پایتخت 2 پرداخته است .

به گزارش ایسنا، خبرآنلاین به نقل از رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران نوشت: کی از نکاتی که در سریال پایتخت 2 به آن اشاره شد موضوع فروش کلیه برای تامین هزینه های زندگی بود. گر چه در این سریال به همه ابعاد این موضوع پرداخته نشده و قرار هم نبود پرداخته شود. در زیر به چند نکته به اختصار اشاره می شود :

1-باور کنیم که عده ایی از مردم در کشور برای تامین هزینه های زندگی خود مجبور به فروش عضوی از بدن خود از جمله «کلیه» خود هستند. شاید برخی از ما نوشته هایی را روی دیوار هر به ویژه دیوارهای نزدیک به مراکز یا انجمن های بیماران کلیوی یا بیماران خاص دیده باشیم که حاکی از اعلام آمادگی برای فروش کلیه است .

2-عده ای هم به بهانه فروش کلیه به نیازمند پیوند کلیه حساسی کلاهبرداری می کنند و به اصطلاح خانواده ها را «سرکیسه» می کنند. خانواده ها هم که نیازمند کلیه هستند مجبورند به هر شکلی شده آنها را راضی کنند. در حالی که بسیاری از گروه از به اصطلاح فروشنده ها، کلیه را نمی فروشند فقط از شرایط خانواده سوءاستفاده می کنند و هزینه های زیادی را به آنها تحمیل می کنند .

3-عده ای هم دلالان کلیه هستند. این افراد کسانی هستند که راه و چاه کار را بلدند. مراکز را می شناسند. مقررات را بلدند و ... اما این افراد از دو طرف فروشنده و خریدار سوءاستفاده می کنند. موضوعی که در سریال پایتخت 2 به خوبی نشان داده شد .

4-عدم آشنایی با منابع اجتماعی هم از مشکلات دیگری است که موجب می شود تا از مردم سوءاستفاده شود .
توجه به این موضوع در سریال پایتخت 2 هم در نوع خود جالب بود .

دادستانی تهران تمدید شدن یا نشدن مرخصی بهنام ابراهیم زاده را به روزهای آینده موکول کرد

به گزارش وبلاگ پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده، امروز سه شنبه برای چندمین بار وبلاگ نویس و فعال کارگری و کودک بهنام ابراهیم زاده برای تمدید مرخصی اش به دادستانی تهران مراجعه کرد. به هنگام مراجعه این فعال کارگری وی نامه ای از سوی پزشکان بیمارستان محک که در آن تاکید کرده اند حضور بهنام می تواند برای بهبود وضعیت نیما موثر و ضروری است، و نامه ای از وضعیت وخیم پزشکی خودش که از آرتروز گردن و درد گوش رنج می برد اما تا این لحظه به خاطر شرایط فرزند بیمارش فرصت نداشته که به پزشک مراجعه کند، تحویل مقام دادستانی داد. اما دادستان جواب تمدید شدن و یا نشدن مرخصی بهنام ابراهیم زاده را به روز های آینده موکول کرد. این در حالی است نیما ابراهیم زاده فرزند بیمار این زندانی سیاسی که در حال حاضر تحت مراقبت پزشکان قرار دارد، از زمانی که شنیده است مقامات قضایی و امنیتی با مرخصی پدرش بهنام موافقت نکرده اند به شدت دچار استرس شده و همچنان وایت و پلاکت های بدن نیما پایین است. حتی در مواردی نیما تشنج نیز داشته است. پزشکان استرس های وارده را موجب این وضعیت برای این فرزند بیمار بهنام ابراهیم زاده می دانند. چرا که پزشکان معتقدند نیما باید بدور از استرس و نگرانی و در محیطی کاملاً آرام و بی صدا روند درمان خود را طی کند.

تقدیر صندوق بین‌المللی پول از هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران

به گزارش رادیو فرانسه رد تاریخ 27 فروردین 92 آمده است: صندوق بین‌المللی پول بار دیگر در گزارشی پیرامون مرحله و نحوه اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران، به تقدیر از نتایج به دست آمده از اجرای این طرح پرداخته است.

این در حالی است که در گذشته نیز صندوق بین‌المللی پول، با انتشار گزارشی به تشویق دولت ایران برای اجرای این طرح پرداخته بود، ولی کارشناسان ایرانی به صندوق بین‌المللی پول ایراد گرفتند که از وضعیت داخل ایران و شرایطی که هدفمند کردن یارانه‌ها در آن به اجرا گذاشته شده بی‌اطلاع بوده است.

دکتر فریدون خاوند- استاد اقتصاد دانشگاه‌های پاریس، همچنان بر این باور است که استناد صندوق بین‌المللی پول به آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی دولت تهران اشتباه است و از آن گذشته کارشناسان صندوق باید خود رأساً شرایط داخل ایران را مورد بررسی قرار دهند.

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس مقابل فرمانداری قروه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 فروردین 92 آمده است: بیش از یکصد و بیست کارگر کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به نمایندگی از ۲۶۰ کارگر این کارخانه دیروز (۲۶ فروردین ماه) در اعتراض به تعطیلی کارخانه طی یک ماه اخیر و عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند.

بنابراین گزارش، این کارگران که با سوابق کار ۱۰ تا ۲۰ سال در آستانه بیکاری قرار دارند نسبت به نابودی امنیت شغلی‌شان معترض‌اند. کارگران مدعی شده‌اند کارفرما بدون تعیین زمان مشخصی تنها به آنان گفته است فعلاً بر سر کار خود حاضر نشوید.

یکی از کارگران این واحد تولیدی که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت اظهار کرد: بیش از ۲۶۰ کارگر شاغل در این مجموعه تولیدی علاوه بر اینکه از بهمن ماه سال گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند، بعد از پایان تعطیلات نوروزی نیز از ورودشان به کارخانه جلوگیری شده است.

نماینده کارگران فولاد زاگرس در تشریح جزئیات مشکلات این کارگران افزود: به دستور کارفرما حراست کارخانه بعد از تعطیلات نوروزی در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۹۲ از ورود کارگران جلوگیری به عمل آورده است.

این کارگر اضافه کرد: مجدداً بعد از این تاریخ از سوی کارفرمای کارخانه پیامکی برای کارگران ارسال شد مبنی بر اینکه «تا پایان ماه (۳۰ / ۱ / ۹۲) بر سر کار خود حاضر نشوید تا به شما اطلاع داده شود».

این فعال کارگری ادامه داد: پس از دریافت این پیامک ۱۲۰ کارگر به نمایندگی از سایر کارگران در اعتراض به این اقدام کارفرما در مقابل فرمانداری تجمع کردند و بعد از دیدار با فرماندار، این مقام مسئول قول داد امنیت شغلی کارگران حفظ خواهد شد و دلیل بلا تکلیفی کارگران را مشخص نشدن اعضای هیئت مدیره از سوی تامین اجتماعی عنوان کرد.

گزارشی از جان باختن دو کارگر حادثه ورزشگاه نقش جهان اصفهان پس از گذشت 6 روز

به گزارش 27 فروردین خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ 27 فروردین 92 آمده است: مسئول روابط عمومی مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی اصفهان گفت: پس از سقوط جثه‌ای بر روی کارگران ورزشگاه نقش جهان یکی از آن‌ها در دم جان باخت و دیگری پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

عباس عابدی در خصوص چگونگی اتفاق و رسیدگی به مصدومین حادثه را اینگونه توضیح داد: پس از رسیدن همکاران ما بر سر صحنه دو نفر بر اثر افتادن جثه‌ای مصدوم شده بودند که یکی از آن‌ها به دلیل شدت جراحات وارد شده به قسمت سر او در دم جان باخته بود و نفر دوم نیز با تلاش همکاران ما احیا شد و به بیمارستان غرضی اصفهان منتقل شد.

مسئول روابط عمومی مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی اصفهان ادامه داد: ضربات وارد شده به مصدومان فقط از یک ناحیه نبود و سر و دست و پای این دو نفر کاملاً مصدوم شده بود که نفر دوم نیز به دلیل شدت جراحات در بیمارستان غرضی در گذشت.

بنابراین گزارش، حسین محمودیه معاون فنی مهندسی اداره ورزش و جوانان استان اصفهان

گفت:

مسئولان شرکت توسعه تجهیز و نگهداری اماکن ورزشی باید پاسخگویی این قضیه باشند. وی افزود: افتادن جرثقیل به دلیل وزش باد شدید بوده است، باد شدید باعث فشار بر بوم جرثقیل و افتادن آن بر روی دو کارگر شده است. محمودیه در پاسخ به این سؤال که کارگران فوت شده ایرانی یا از اتباع خارجی بوده‌اند؟ عنوان کرد: جذب کارگران بر عهده شرکت توسعه تجهیز و نگهداری اماکن ورزشی است و در خصوص اینکه افراد فوت شده چه کسانی بوده‌اند اطلاعی نداریم.

مجلس با کلیات بودجه ۹۲ موافقت کرد

به گزارش جام جم آنلاین، در ۲۷ فروردین ۹۲ آمده است: نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۱۹۱ رای موافق با کلیات بودجه ۱۳۹۲ کل کشور موافقت کردند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز سه شنبه در دو نوبت صبح و عصر بررسی گزارش کمیسیون تلفیق مجلس مبنی بر رد کلیات بودجه ۹۲ را مورد بررسی قرار دادند و در نهایت در نوبت عصر پس از استماع سخنان ۲۰ موافق و مخالف با این گزارش با ۱۹۱ رای موافق، ۲۶ رای مخالف و ۱۳ رای ممتنع از ۲۳۶ نماینده حاضر با کلیات لایحه بودجه ۹۲ موافقت کردند. براساس این رای گیری کمیسیون تلفیق از این پس وارد بررسی جزئیات لایحه بودجه ۹۲ خواهد شد. کمیسیون تلفیق کلیات بودجه را رد کرده بود

تعطیلی گسترده آزمایشگاه‌های کشور / ۹۰ درصد هزینه‌های درمانی از جیب مردم پرداخت می‌شود

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در ۲۷ فروردین ۹۲ آمده است: رئیس یازدهمین کنگره کشوری ارتقا کیفیت خدمات آزمایشگاهی تشخیصی پزشکی ایران با اشاره به سونامی تعطیلی آزمایشگاه‌های کشور به دلیل نوسانات ارز گفت: با تعرفه جدید وزارت بهداشت بیماران باید ۹۰ درصد هزینه‌های درمانی را از جیب بپردازند. بهزاد پوپک گفته است: عمده ترین چالش‌های آزمایشگاه‌ها مربوط به هزینه‌های مکان فیزیکی آزمایشگاه‌ها، گرانی تجهیزات و کیت‌ها به دلیل نوسانات ارز و بالا رفتن هزینه‌های انرژی است. وی افزود: مواد و تجهیزات آزمایشگاه‌ها به شدت وابسته به ارز است و این درحالی است که از این به بعد به گفته وزیر بهداشت دیگر ارز مرجع برای تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی اختصاص نمی‌یابد و از سال گذشته تاکنون نیز قیمت‌های مواد، کیت‌ها و تجهیزات آزمایشگاهی بیش از ۳ برابر افزایش یافته است. او با اشاره به اینکه در حال حاضر مردم بالغ بر ۷۰ درصد هزینه‌های درمانی و آزمایشی را از جیب می‌پردازند و نقش بیمه‌ها در این زمینه کم رنگ است، گفت: در صورت اجرای تعرفه‌های جدید وزارت بهداشت که از ۲۵ تا ۲۹ درصد را اعلام کردند نقش بیمه کم رنگتر خواهد شد بطوریکه مردم باید با این تعرفه‌ها ۹۰ درصد هزینه‌های درمانی را از جیب باید بپردازند. وی با مشکلات وام‌های بانکی و همچنین ورشکستگی آزمایشگاه‌ها در ماه‌های اخیر تصریح کرد: متأسفانه بسیاری از آزمایشگاه‌ها به دلیل نوسانات ارز دچار ورشکستگی شده‌اند و اگر این روند ادامه یابد شاهد ورشکستگی تمام آزمایشگاه‌های کشور خواهیم بود. به گزارش تسنیم به نقل از پوپک بیمه‌ها در حدود ۷ ماه است که مبالغ بدهی‌های خود را به آزمایشگاه‌ها پرداخت نکرده‌اند و این مسئله مشکل آزمایشگاه‌ها را بیشتر می‌کند و این در حالی است که شرکت‌های وارد کننده کیت و تجهیزات آزمایشگاهی برخلاف گذشته مبالغ خود را به نرخ دلار روز و نقد دریافت می‌کنند در حالیکه در گذشته یک کیت را سه ماه استفاده می‌کردیم و بعد پول آن را می‌پرداختیم. پوپک با اشاره به اختلاف و فاصله فاحش تعرفه وزارت بهداشت با تعرفه سازمان نظام پزشکی افزود: هنوز جزئیات تعرفه‌ها را به ما اعلام نکرده‌اند ولی در صورت اجرای شدن تعرفه وزارت بهداشت بیمه‌ها فقط ۱۰ درصد هزینه‌های درمانی بر گردن آنان خواهد افتاد در حالیکه براساس قانون باید مردم فقط ۳۰ درصد هزینه‌های درمانی را بپردازند که امروز معکوس آن را شاهد هستیم. وی با بیان اینکه با وجود تمام این مشکلات خوشبختانه خدمات آزمایشگاهی در کشور متوقف

نشده است، بیان داشت: ولی نوسانات ارز مشکلات زیادی برای آزمایشگاه‌ها ایجاد کرده است به صورتی که مسئولان آزمایشگاه‌ها باید از جیب خود هزینه‌های اضافی را بپردازند و حتی بیمار نیز به این صورت تحت فشار قرار نگرفته است که در نهایت این مشکلات باعث تعطیلی آزمایشگاه‌های متعددی شده است.

رئیس ششمین کنگره بین المللی و یازدهمین کنگره کشوری ارتقا کیفیت خدمات آزمایشگاهی تشخیصی پزشکی ایران در تشریح تناسب آزمایشات در ایران گفت: خوشبختانه تناسب مناسبی بین آزمایشات و بیماری‌ها در کشور وجود دارد البته از هر ۸ آزمایش یک مورد از آزمایشات غیرطبیعی می‌شوند.

پوپک به مسئله فارسی شدن آزمایشات نیز اشاره کرد و گفت: فارسی شدن بخشی از آزمایشات هیچ مانعی ندارد ولی برخی از جواب‌های آزمایشات مانند بیماری‌های صعب‌العلاج نظیر سرطان می‌تواند با فارسی نویسی باعث استرس شدید بیمار از جهت آگاهی یافتن از آزمایشات شود و باید تمام روند فارسی کردن آزمایشات به دقت و کارشناسی شده صورت پذیرد.

وی خاطرنشان کرد: به هر حال جامع آزمایشگاهی کشور با توجه به شرایط کنونی کشور دچار مشکلات بسیاری است که مسلماً بیماران را در روند تشخیص‌ها و درمان‌ها دچار مشکل می‌کند و خواستار آنیم که در یک فضای علمی و کارشناسی و به دور از مسائل سیاسی به این مشکلات پرداخته شود.

تجمع کارگران کارخانه نساجی اصفهان سیمین نو مقابل مجلس در اعتراض به عدم بازنشستگی با 20 سال سابقه کار

به گزارش جام جم، در تاریخ 27 فروردین 92 آمده است: جمعی از کارگران کارخانه نساجی سیمین نو اصفهان با تجمع مقابل مجلس خواستار احقاق حقوق خود و بازنشستگی با 20 سال سابقه کار شدند.

براساس این گزارش، این کارگران که تعدادشان به حدود 50 نفر می‌رسد به نمایندگی از 200 کارگر این کارخانه مقابل مجلس تجمع کردند.

کارگران معترض گفتند: براساس قانون بازنشستگی، حدود 400 کارگر این کارخانه با 20 سال سابقه کار بازنشسته شده‌اند اما از بازنشستگی حدود 200 کارگر خودداری می‌کنند.

کارگران افزودند: مسئولین کارخانه می‌گویند که علاوه بر 20 سال سابقه کار باید 10 سال هم سختی کار داشته باشید در حالی که این شرط برای کارگرانی که قبلاً بازنشسته شده بودند لحاظ نشده بود. کارگران با تجمع مقابل مجلس خواستار رسیدگی به اعتراض خود هستند.

ریزش آوار در هنگام تخریب ساختمان دو طبقه باعث مرگ و مصدومیت شدید 2 کارگر شد*

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 27 فروردین 92 آمده است: بنقل از سعید علیزاده معاون عملیات منطقه چهار آتش نشانی تهران، امروز در سعادت آباد، خیابان علامه شمالی خیابان 14 شرقی، دو کارگر 32 و 25 ساله در حال تخریب یک ساختمان دو طبقه بودند که ناگهان قسمتی از دیوار و سقف خرپشته این ساختمان فرو ریخت و هر دو کارگر را در زیر خروارها سنگ و آجر گرفتار کرد.

برپایه این گزارش، آتش نشانان پس از ایمن سازی محل، در یک عملیات سریع این کارگران را از زیر آوار خارج کردند که عوامل اورژانس پس از معاینه حادثه دیدگان، مرگ کارگر 25 ساله را تایید کرد و کارگر 32 ساله که بر اثر ریزش آوار به شدت دچار مصدومیت شده بود توسط عوامل اورژانس به مرکز درمانی انتقال پیدا کرد.

*بنابه گزارشات منتشره در همین رابطه کارگر 32 هم در بیمارستان یا در مسیر بیمارستان جان باخت.

مرگ یک کولبر در ارومیه

به گزارش آژانس گُردپا، در تاریخ 27 فروردین 92 آمده است: نیروهای نظامی ایران، ۲ کولبر گُرد را در مناطق مرزی شهرستان ارومیه هدف تیراندازی قرار دادند.

بنابه‌مین گزارش، روز یکشنبه‌ی هفته‌ی جاری یک کولبر ۲۲ ساله به نام "محمد صالح پذیری" فرزند عبدالکریم از سوی مأموران نظامی حکومت اسلامی ایران هدف شلیک مستقیم قرار گرفت و جان سپرد.

در این تیراندازی، یک کولبر دیگر کُرد به نام "محمی‌الدین پذیری" ۲۹ فرزند احمد نیز به شدت زخمی گردیده که به مراکز درمانی ارومیه منتقل شده است. این دو کولبر جوان از اهالی روستای "جورنی" از توابع شهرستان ارومیه هستند.

تعاونی کارگران پتروشیمی جایگزین پیمانکاران نشد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۷ فروردین ۹۲ آمده است: طی گزارشی از عدم جایگزینی تعاونی کارگران پتروشیمی بجای شرکت های پیمانکاری خبرداد. برپایه این گزارش، بیش‌تر مسئولان قول داده بودند تا با تشکیل تعاونی از سوی کارگران، به جای سپردن کار به شرکت‌های پیمانکاری با تعاونی‌ها همکاری کنند. حال که کارگران با صرف هزینه سنگین، تعاونی تشکیل داده‌اند می‌گویند نمی‌توانیم کار را به آن‌ها بسپاریم. گفتنی است ۱۳ آذر ماه سال جاری، نامه‌ای از طرف احمد رضا حراف (مدیر توسعه منابع انسانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی) آمد که مجوز سپردن کار از پیمانکاری‌ها به تعاونی‌ها را برای مدت ۳ سال متوالی از دولت گرفته بود. این نامه به این موضوع اشاره می‌کرد که با کارگرانی که قرارداد مستقیم نشده‌اند به صورت تعاونی قرارداد بسته شود.

مرگ دو کارگر ورزشگاه نقش جهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۷ فروردین ۹۲ آمده است: در حالی که انتشار خبری از یک منبع آگاه درباره وقوع سانحه در بزرگ‌ترین و جنجالی‌ترین پروژه عمرانی اصفهان، دوباره ورزشگاه نقش جهان را خبرساز کرده، مسوولان اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان از پاسخگویی خودداری می‌کنند. خبر سقوط یک جرثقیل سنگین وزن در ورزشگاه نقش جهان که به بخشی از سازه ورزشگاه آسیب رسانده و مرگ دو کارگر را به دنبال داشته از سوی یک منبع آگاه در شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی کشور اعلام شده است و پس از آن مدیر روابط عمومی اورژانس اصفهان در گفتگو با ایلنا خبر فوت دو کارگر در حادثه سقوط جرثقیل‌های ورزشگاه نقش جهان را تایید کرده است. عباس عابدی درباره این حادثه گفت: ساعت ۱۸ و ۲۴ دقیقه در روز ۲۲ فروردین ماه، تماسی با فوریت‌های پزشکی اصفهان برقرار شد که حاکی از سقوط جرثقیل‌های ساختمان و مصدومیت شدید دو نفر حکایت داشت. وی این مصدومان را از افراد حاضر در محل معرفی کرد و گفت: پس از اعزام دو واحد امدادی آمبولانس و چهار تکنیسین در محل حادثه، مشخص شد یکی از مصدومان بر اثر شدت جراحات فوت کرده است، مصدوم دیگر نیز در صحنه احیا و پس از نیم ساعت به بیمارستان دکتر غرضی منتقل شد که بر اساس گزارش‌های بعدی، او نیز بر اثر شدت جراحات در بیمارستان کاشانی فوت کرد. رضا صدراپی مسوول روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان با اظهار بی‌اطلاعی از این موضوع به ایلنا گفت: پیمانکاری که مسوول ساخت و تکمیل ورزشگاه نقش جهان است به صورت مستقیم زیر نظر شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی در تهران فعالیت می‌کند و تربیت بدنی اصفهان تنها بهره‌بردار این پروژه به شمار می‌رود.

زندانی شدن مجدد رضا شهابی را محکوم کنیم

رضا شهابی کارگر شرکت واحد تهران و حومه، عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد که در پی اعتصاب غذای دیماه ۱۳۹۱ بطور موقت از زندان اوین آزاد شده بود مجدداً در مورخه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۲ به زندان اوین بازگردانده شد. رضا شهابی در زمان بازداشت توسط بازجویان و حافظان سرمایه در زندان اوین مورد شدید ترین اذیت و آزارها روحی و جسمی قرار گرفته بود. قرار بود که رضا شهابی در خارج از زندان مورد معالجه و مداوای پزشکی قرار گیرد. اما شکنجه گران وزارت اطلاعات در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر رضا شهابی را به سلاح خانه اوین بازگرداندند.

در آستانه روز جهانی کارگر اداره اطلاعات و دیگر نیروهای سرکوبگر با بازداشت ، احضار و تهدید فعالین جنبش کارگری در تلاش هستند تا کارگران و فعالین این جنبش را مرعوب کرده و از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ممانعت به عمل آورند. در چنین اوضاعی کارگران و فعالین کارگری در شهر سنندج را به سیاه چال میاندازند تا شاید با تهدید و پرونده سازی عزم و اراده آنها را در هم بشکنند.

سرکوب و ارباب کارگران و جنبش کارگری در ایران پدیده جدیدی نیست . آنچه شرایط امروز را متمایز می کند بحران سیاسی و اقتصادی روز افزونی است که شالوده نظام سرمایه داری را به هم ریخته است. حاکمیت اسلامی ایران برای جلوگیری از اعتراضات و اعتصابات کارگری خود را ناچار می بیند که به اینگونه سرکوب ها دست بزند تا شاید چند صباحی مرگ خود را به عقب بیاندازد. حاکمان سرمایه می دانند که خشم و نفرت کارگران و مردم زحمتکش و ستمدیده از فقر ، فلاکت ، استثمار و... ، هم چون بشکه باروتی است که با هر جرقه ای، احتمال منفجر شدن را دارد . ترس از شورش گرسنگان و سازماندهی و هدایت اعتراضات عمومی و در راس آن اعتصابات کارگری آن چیزی است که با عث هراس حاکمان شده است .

زندانی شدن مجدد رضا شهابی و تهدید دیگر فعالین کارگری بر بستر چنین شرایطی صورت می گیرد . نظام اسلامی ایران می داند که پیشروان و نمایندگان راستین جنبش کارگری در تلاش هستند تا در اشکال مختلف روز جهانی کارگر را برگزار کنند. حضور مجدد رضا شهابی در بین هم طبقه ای های خود ، لرزه بر پیکر نظام سرمایه داری انداخته بود . ترس حکومت لرزان اسلامی از این است که این پیشروان می توانند در شرایط کنونی صفوف متفرق کارگران را سازماندهی کنند و به این دلیل سعی دارد پیشروان کارگری را بازداشت ، سرکوب و مرعوب کنند.

برگزاری مراسم روز جهانی کارگری یکی از سنت های جاری جنبش کارگری ایران است که در اشکال گوناگون و با توجه به فضای پلیسی در ایران هر ساله گرامی داشته شده است. امسال هم باید باشکوه تر از گذشته به استقبال این روز رفت و فوری ترین خواست و مطالبات کارگری را در دستور کار گذاشت . بی شک طبقه کارگر در ایران بر اساس روال گذشته در کنار دیگر مطالبات ، خواست فوری و بی قید و شرط آزادی کارگران را در دستور کار قرار خواهد داد. امسال هم باید شعار آزادی فوری فعالین کارگری ، رضا شهابی ، غالب حسینی، علی آزادی ، پدرام نصرالهی ، شاهرخ زمانی ، محمد جراحی و دیگر فعالین سیاسی از جمله محمد باقری ، محمد داودی ، رسول بدافی ، عبدالرضا قمری را سر داد و خواست منع تعقیب و مختومه اعلام شدن پرونده وفا قادری ، خالد حسینی ، حامد محمود نژاد و بهزاد فرج الهی شد. زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران

"انجمن کارگری چراغ ویسی"

27 فروردین 1392

خبری دیگر در این رابطه

گزارشی از جان باختن دو کارگر حادثه ورزشگاه نقش جهان اصفهان پس از گذشت 6 روز

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 27 فروردین 92 آمده است: مسؤول روابط عمومی مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اصفهان گفت: پس از سقوط جرثقیل بر روی کارگران ورزشگاه نقش جهان یکی از آنها در دم جان باخت و دیگری پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

عباس عابدی در خصوص چگونگی اتفاق و رسیدگی به مصدومین حادثه را اینگونه توضیح داد: پس از رسیدن همکاران ما بر سر صحنه دو نفر بر اثر افتادن جرثقیل مصدوم شده بودند که یکی از آنها به دلیل شدت جراحات وارد شده به قسمت سر او در دم جان باخته بود و نفر دوم نیز با تلاش همکاران ما احیا شد و به بیمارستان غرضی اصفهان منتقل شد.

مسؤول روابط عمومی مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اصفهان ادامه داد: ضربات وارد شده به مصدومان فقط از یک ناحیه نبود و سر و دست و پای این دو نفر کاملاً مصدوم شده بود که نفر دوم نیز به دلیل شدت جراحات در بیمارستان غرضی در گذشت.

بنابراین گزارش، حسین محمودیه معاون فنی مهندسی اداره ورزش و جوانان استان اصفهان گفت: مسؤولان شرکت توسعه تجهیز و نگهداری اماکن ورزشی باید پاسخگویی این قضیه باشند.

وی افزود: افتادن جرثقیل به دلیل وزش باد شدید بوده است، باد شدید باعث فشار بر بوم جرثقیل و افتادن آن بر روی دو کارگر شده است. محمودیه در پاسخ به این سؤال که کارگران فوت شده ایرانی یا از اتباع خارجی بوده‌اند؟ عنوان کرد: جذب کارگران بر عهده شرکت توسعه تجهیز و نگهداری اماکن ورزشی است و در خصوص اینکه افراد فوت شده چه کسانی بوده‌اند اطلاعی نداریم.

حساب‌های ایرانیان در بانک‌های ترکیه بسته می‌شوند

به گزارش رادیو صدای آلمان در 28 فروردین 92 آمده است: دولت ترکیه به بانک‌های این کشور دستور داده از مشتریان ایرانی خود بخواهند تا حساب‌های خود را ببندند در غیر این صورت وجوه این حساب‌ها بلوکه می‌شود. این دستورالعمل از روز چهارشنبه ۱۷ آوریل اجرایی شده است. روزنامه شرق در شماره‌ی روز چهارشنبه (۱۷ آوریل/ ۲۸ فروردین) به نقل از رسانه‌های ترکیه خبر داده که حساب‌های ایرانیان در بانک‌های ترکیه بسته می‌شوند. منبع خبر روزنامه شرق روزنامه دولتی "تودیزمان" است که از روزنامه‌های معتبر ترکیه به‌شمار می‌رود. گزارش ویژه این روزنامه ترکیه‌ای درباره بستن حساب بانکی ایرانیان در شماره روز دوشنبه (۱۵ آوریل/ ۲۶ فروردین) آن چاپ شده است. این روزنامه می‌نویسد: به یک ایرانی که ۱۰ سال است در ترکیه سکونت دارد گفته شده حساب بانکی شخصی‌اش را ببندد. هم‌چنین "شفق"، روزنامه دیگر ترکیه، روز دوشنبه نوشت، برخی بانک‌های ترکیه از مشتریان خود خواسته‌اند تا ۱۷ آوریل ۲۰۱۳ پول خود را خارج کنند وگرنه دارایی‌شان مصادره خواهد شد. ظاهراً دستور بستن حساب‌های ایرانیان از سوی "آژانس مقررات بانکی و نظارتی" ترکیه صادر شده و هدف آن همراهی با تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران است. اما روزنامه "شفق" در گزارش خود افزوده، این آژانس منکر صدور چنین بخشنامه‌ای شده است. یک مقام رسمی در یکی از شعب بانک "یاپی کردی" در محله "گالاتاسارای" استانبول که از مشتریان ایرانی خود خواسته حساب خود را مسدود کنند، به روزنامه "شفق" گفته است: «این کار مطابق بخشنامه آژانس مقررات بانکی و نظارتی است که از بانک‌ها می‌خواهد از ارائه خدمات به شهروندان کشورهای که هدف تحریم قرار دارند خودداری کنند». یک سال پیش نیز امارات عربی متحده به چنین اقدامی دست زد و با بستن حساب‌های بانکی ایرانیان فعال در این کشور، هرگونه ارتباط با بانک‌های ایرانی را هم برای شبکه بانکی خود ممنوع کرد.

قربانیان بی‌دلیل

یک ایرانی به نام "الف. ج." که برای تحصیل به ترکیه آمده، مجبور شده است ۱۵ هزار دلار سپرده خود را از بانک "یاپی کردی" خارج کند. او در اعتراض به این کار به روزنامه "شفق" گفته است: «با من به‌گونه‌ای رفتار کردند گویی همه ایرانی‌ها در خانه خود در حال غنی‌سازی اورانیوم هستند. من شهروندی هستم که درآمدی داشته و آن را، اینجا، در بانک‌های ترکیه سپرده‌گذاری کرده‌ام». وی معتقد است بی‌دلیل قربانی این رفتار بانک شده است و می‌خواهد به دادگاه شکایت کند. الف. ج. می‌گوید، "گارانته بانک" دیگر بانکی است که با مشتریان ایرانی و سوری خود تماس گرفته و به آنها اعلام کرده حساب خود را ببندند. مقام‌های رسمی سه بانک دیگر "فینانس بانک"، "وکیف بانک" و "هالک بانک" به روزنامه "شفق" گفته‌اند از صدور چنین بخشنامه‌ای از سوی "آژانس مقررات بانکی و نظارتی" بی‌اطلاع هستند.

الف. ج. که پول مورد بحث را از "یاپی کردی" بیرون کشیده و به بانکی دیگر سپرده است، این کار را بی‌معنی می‌داند. او می‌گوید در میان ایرانی‌ها و سوری‌هایی که به ترکیه می‌آیند دانشجوی و مریض هم هست و آنها هم در بانک‌های ترکیه حساب دارند: «کسانی که با ایران مشکل دارند مشکل‌شان را با ایران حل کنند نه با شهروندانی مثل ما.» وی می‌افزاید: «من شهروندی هستم که در بانک‌های ترکیه حساب دارد. این هیچ ربطی به سازمان ملل ندارد، هیچ ربطی به ناتو ندارد.»

«بستن حساب‌ها، سیاسی است»

محسن بهرامی، رئیس کمیسیون تجارت اتاق ایران در تحلیل اقدام بانک‌های ترکیه به "شرق" گفته است: «از زمانی که دویی همسوبا آمریکا هرگونه ارتباط با بانک‌های ایرانی را تحریم کرد، بسیاری

از فعالان اقتصادی دفاتر و حساب‌های بانکی خود را به ترکیه منتقل کردند. تجار ایرانی از همین کشور ال‌سی گشایش می‌کردند و حتی وجوه خود را از طریق ترکیه به سایر بانک‌های اروپایی منتقل می‌کردند. در واقع این کشور خلأ امارات را پر کرد و البته به سودهای قابل‌ملاحظه‌ای هم دست یافت»

به گفته بهرامی: «حالا ترکیه همسو با مواضع آمریکا و البته همسو با مواضع سیاسی خود که در منطقه نیز هست، رویه اماراتی‌ها را در پیش گرفته و در گام نخست اقدام به بستن حساب‌های ایرانیان کرده که در درجه نخست برای خود ترکیه‌ای‌ها اقدامی زیانده محسوب می‌شود که بعدها آثار آن هویدا خواهد شد».

رئیس کمیسیون تجارت اتاق ایران بستن حساب‌های بانکی ایرانیان را تنها محدودیت از طریق شبکه بانکی می‌داند و می‌گوید: «ما کماکان مانند گذشته می‌توانیم از طریق صرافی‌ها به نقل و انتقال وجوه از این کشور اقدام کنیم و شرکت‌ها هم مانند قبل می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند مگر اینکه ترک‌ها یا از این هم فراتر بگذارند و مانند اماراتی‌ها تاسیس شرکت را هم برای ایرانیان ممنوع کنند».

«هزینه تولید بالا می‌رود»

محمدرضا بهرامی، رئیس کمیسیون معادن اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، با اشاره به مشکلاتی که بانک‌های امارات متحده در مورد حساب‌های ایرانی در اواخر سال ۸۹ ایجاد کردند، به روزنامه شرق می‌گوید: «آن زمان، بخش عمده این سرمایه‌ها به سمت ترکیه منتقل شد که الزاماً همه صاحبان آن حساب‌ها با ایران مراودات اقتصادی و مالی ندارند و بسیاری از آنها به عنوان شهروند، دانشجو یا صاحبان شرکت تنها با تابعیت ایرانی فعالیت می‌کنند».

او با بیان اینکه تصمیم جدید بانک‌های ترکیه برای بازگرداندن سرمایه‌های ایرانی و در مرحله بعدی بلوکه کردن آن، نشانه‌های منفی برای بخش‌های تجارت و تولید است، می‌گوید: «بانک‌های ترکیه‌ای تحت تاثیر سرمایه‌گذاران خارجی‌شان و برای گریز از فشارهای بعدی که ممکن است به دلیل جذب سرمایه‌های ایرانی برایشان ایجاد شود، این قانون را وضع کرده‌اند و نقل و انتقال قانونی پول را بیش از پیش مشکل کرده‌اند».

به گفته بهرامی، با سد جدیدی که برای جابه‌جایی پول و به دنبال آن معاملات خارجی ایجاد می‌شود، بانک مرکزی باید توجه داشته باشد که هزینه‌های تمام شده تولید نیز افزایش خواهد یافت. او می‌گوید: «با اضافه شدن هر پله و لایه به مراودات اقتصادی، هزینه‌های تولید نیز افزایش می‌یابد. در این شرایط رئیس‌جمهوری آینده کشور باید تعامل با جهان را در دستور کار خود قرار دهد.»

تجمع بازنشستگان پالایشگاه آبادان در مقابل وزارت نفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 فروردین 92 آمده است: امروز ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم فروش و یا واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان، در مقابل ساختمان وزارت نفت واقع در خیابان طالقانی تهران تجمع کردند.

براساس این گزارش، بازنشستگان پالایشگاه آبادان پلاکاردهایی در اعتراض به مدیریت پالایشگاه آبادان در دست داشتند، در یکی از این پلاکاردها اشاره شده بود «ما کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان خواستار اجرای مصوبه دولت و مجلس شورای اسلامی در جهت فروش و واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان با عمر بالای بیش از ۷۰ سال هستیم».

بدون شرح

از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
عناوین هفته کارگر اعلام شد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 28 فروردین 92 آمده است: معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی عناوین روزهای هفته بزرگداشت مقام کارگر که از پنجم تا یازدهم اردیبهشت ماه برگزار می‌شود را اعلام کرد.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، کاوه اشتهاوردی گفت: پنجشنبه پنجم اردیبهشت ماه با عنوان روز «کارگر، ولایت، امام و شهداء» نامگذاری شده که حضور در مرقد مطهر بنیانگذار انقلاب اسلامی و تجدید میثاق کارگران با آرمانهای حضرت امام و غبار رویی مزار شهدای کارگر در سراسر کشور مهمترین برنامه اولین روز از هفته کارگر خواهد بود. وی افزود: با توجه به نامگذاری سال ۱۳۹۲ از سوی مقام معظم رهبری با عنوان «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی»، روزهای ششم و هفتم اردیبهشت ماه با عنوان روز «کارگر، نماز، وحدت و حماسه سیاسی» و نیز «کارگر، صیانت از کار، تولید ملی و حماسه اقتصادی» در نظر گرفته شده است.

معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به نامگذاری چهارمین روز از هفته کارگر با عنوان «کارگر، مهارت آموزی و نشاط اجتماعی» گفت: همایش پیاده روی خانواده‌های کارگری در سراسر کشور و همچنین ورزش صبحگاهی در مراکز کارگری از جمله ویژه برنامه‌های این روز است.

اشتهاوردی «کارگر، سلامت و خانواده» و همچنین «کارگر، فرهنگ کار و تعاون» را عناوین روزهای نهم و دهم اردیبهشت ماه اعلام و تاکید کرد: روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت به عنوان آخرین روز از هفته کارگر که با ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) و تولد حضرت امام خمینی (ره) مصادف شده روز «کارگر و بصیرت فاطمی» نامگذاری شده است. وی با اشاره به برگزاری بیست و چهارمین جشنواره ملی امتنان از کارگران، گروههای کار و واحدهای نمونه کشور در این هفته گفت: با همفکری و همراهی تشکلهای مختلف کارگری و کارفرمایی، بیش از ۷۵ عنوان ویژه برنامه با همکاری بیش از ۱۷ دستگاه مختلف به مناسبت گرامیداشت هفته کارگر در سراسر کشور پیش بینی شده است.

پایان پیام

تجمع متقاضیان مسکن مهر مقابل استانداری زنجان به دلیل افزایش قیمت واحدها

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 28 فروردین 92 آمده است: یکی از تجمع‌کنندگان: هیچ کدام از مسئولان لحظه‌ای شرایط و وضعیت زندگی ما را نمی‌توانند تحمل کنند. به گزارش 28 فروردین فارس، به دلیل افزایش قیمت واحدهای مسکونی مهر، حدود 100 نفر از متقاضیان مسکن مهر (از اعضای مجتمع مسکونی ساترا و احرار پونک در زنجان) در مقابل ساختمان شرکت مسکن مهر، واقع در خیابان جاوید زنجان تجمع کردند. برپایه این گزارش، تعدادی از معترضان به افزایش قیمت واحدهای مسکونی مهر پیش از ظهر امروز با تجمع، اعتراض خود را نسبت به افزایش قیمت این واحدها اعلام کردند. لازم به ذکر است، این تجمع به علت مطالبه 40 میلیون ریال از اعضای مسکن مهر، 20 میلیون ریال برای ساخت محوطه و 20 میلیون ریال نیز به علت افزایش قیمت‌ها صورت گرفته است. گفتنی است، بنا به گفته یکی از اعضای این تعاونی مسکن، قرارداد مربوط به ساخت این واحدها تا پایان سال 91 بود که تاکنون هیچ واحدی از این مجتمع تحویل متقاضیان نشده است. بر اساس گفته تجمع‌کنندگان، آنها از سال‌های 87 و 86 برای دریافت مسکن مهر ثبت نام کرده‌اند و باید دو سال پیش واحدهای خود را تحویل می‌گرفتند. به گفته یکی از تجمع‌کنندگان در حال حاضر از ثبت نام‌کنندگان مسکن مهر خواستار واریز 4 میلیون تومان به عنوان هزینه‌های مصالح شده‌اند، این در حالی است که عنوان کرده‌اند این 4 میلیون تومان نیز علی‌الحساب است. مشخص نبودن زمان تحویل واحدهای مسکن مهر یکی از مهمترین نگرانی‌های این تجمع‌کنندگان بود. یکی از تجمع‌کنندگان از نان و پنیر سفره و بچه‌های قد و نیم قد خود گفته و از مسئولان استان زنجان خواست تا سری به محل زندگی آنها بزنند تا شاید با دردهای این قشر آشنا شوند.

این زن درد دیده می‌گفت: هیچ کدام از مسئولان لحظه‌ای شرایط و وضعیت زندگی ما را نمی‌توانند تحمل کنند و در حال حاضر زندگی وی و کودکانش به سختی می‌گذرد.

بدون شرح

دبیر ستاد گرامیداشت هفته کارگر همدان عنوان کرد: هفته کارگر فرصتی برای طرح دغدغه‌های کارگران در جامعه

دبیر ستاد گرامیداشت هفته کارگر در استان همدان با اعلام تشکیل ستادی در این استان به منظور گرامیداشت و ارج نهادن به مقام کارگر، گفت: روز کارگر مایه افتخار و عزت کارگران است و کارگران جهان برای به ثمر رسیدن اهداف این روز خون‌های بسیاری داده‌اند تا این روز جهانی در تاریخ به ثبت برسد.

«چنگیز اصلانی» در خصوص هدف از تشکیل ستاد هفته کارگر به ایلنا گفت: بررسی و پیگیری مشکلات کارگری استان در بخش‌های امنیت شغلی، تضمین کار دائم و تضمین دستمزد قانونی در سال ۹۲ به ویژه از سوی تشکلات کارگری پی گیری خواهد شد.

او بررسی مشکلات جامعه کارگری همدان را از برنامه‌های هفته کارگر عنوان کرد و با بیان اینکه رساندن مشکلات جامعه کارگری به گوش مسئولان از اولویت‌های برنامه هفته کارگر است افزود: با توجه به افزایش نابرابر دستمزدها با نرخ تورم رسمی و عدم امنیت شغلی در واحدهای تولیدی، برنامه‌های هفته کارگر اردیبهشت ۹۲ از اهمیت بالایی برخوردار است.

به گفته اصلانی، برگزاری هفته کارگر در سال اخیر با نام کارگو با هدف حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی آغاز شده و تلاش خواهد شد تا هر چه با شکوه‌تر برگزار شود.

او در تشریح برنامه‌های هفته کارگر استان همدان اظهار داشت: دیدار با مسئولین تشکلات کارگری با ائمه جمعه و نماینده ولی فقیه در استان، حضور کارگران در نماز جمعه، گردهمایی نمایندگان کارگران، تجلیل از زنان کارگر نمونه، افتتاحیه اولین دوره مسابقه بزرگ قرآنی جامعه کارگری استان، گردهمایی تشکلات، انجمن‌ها و شوراهای کارگری، نشست مشترک تشکلهای کارگری و کارفرمایی، عیادت از کارگران بیمار، جشنواره نشان خدمت به قانون کار، عیادت از کارگران بیمار و اجتماع کارگران استان را از برنامه‌های مهم هفته کارگر در استان ذکر کرد.

پایان پیام

ادامه تعطیلات نوروزی در برخی کارخانه‌های لوازم خانگی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: یک فعال کارگری در استان تهران اعلام کرد: برخی تولید کنندگان لوازم خانگی داخلی به علت نبود مواد اولیه تولید، با افزودن بر زمان تعطیلات نوروزی، عملاً کار در واحدهای تولیدی خود را تعطیل کرده‌اند. اسماعیل حق پرستی نسبت به افزایش مشکلات واحدهای تولید کننده لوازم خانگی هشدار داد و به ایلنا گفت: هم اکنون تعداد زیادی از کارگران این واحدهای تولیدی، بعد از سپری کردن تعطیلات نوروزی به دلیل آنچه که از سوی کارفرما، فراهم نشدن مواد اولیه تولید عنوان شده است نتوانسته‌اند بر سر کار خود حاضر شوند.

او با بیان اینکه اکثر واحدهای معتبر تولید کننده لوازم خانگی داخلی با مشکل تهیه مواد اولیه تولید مواجه‌اند، افزود: به دنبال تشدید تحریم‌ها و افزایش قیمت مواد اولیه، تعدادی از کارخانجات تولید لوازم خانگی تعطیل و مابقی با مشکل تهیه مواد اولیه تولید مواجه شده‌اند. دبیر خانه کارگر تهران بر کاهش بروکراسی (کاغذبازی) اداری برای تسهیل واردات مواد اولیه تاکید کرد و گفت: در حال حاضر با وجود گران شدن قیمت این محصولات، بستر مناسبی برای سرمایه

گذاری در بخش تولید لوازم خانگی فراهم نشده است. او در خاتمه با بیان اینکه امنیت شغلی بسیاری از نیروی‌های فعال در واحدهای تولیدی تهدید شده است، افزود: با آنکه هنوز اخراجی صورت نگرفته و کارگری در این واحدها بیکار نشده است اما تعداد زیادی از کارگران فعال در کارخانه‌ها تولید کننده لوازم خانگی که بعد از تعطیلات ایام نوروز هنوز نتوانسته اند بر سر کار خود حاضر شوند، نگران امنیت شغلی خود هستند

دستمزد کارگران یک میلیون تومان با خط فقر فاصله دارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: در حالی که بر اساس آمارهای رسمی، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک به یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است، شورای تعیین مزد کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در سال 92 در نظر گرفته است.

مسوول کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان اصفهان با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: دستمزد سال 92 کارگران نسبت به سال گذشته 25 درصد افزایش یافته که هیچ همخوانی و تناسبی با تورم موجود کشور ندارد.

علی یزدانی با انتقاد از اینکه دستمزد 487 هزار تومانی کارگران را فقط برای اجاره بهای یک اتاق کافی است، تاکید کرد: آیا دستمزد کمتر از 500 هزار تومان، جوابگوی معیشت و تأمین حداقل نیازهای زندگی یک کارگر در تهران یا دیگر نقاط کشور خواهد بود؟ یزدانی با اشاره به مظلوم واقع شدن این قشر هنگام تعیین دستمزد، ادامه داد: همسران کارگران زمانی که به قول معروف کارد به استخوانشان رسیده، پیش ما می‌آیند و می‌گویند با این دستمزد چطور خانواده را اداره کنیم؟ قسط اجاره خانه عقب افتاده و حتی نمی‌توانیم در ماه نیم کیلو گوشت هم بخریم.

به گفته وی تشکلهای کارگری در یک بررسی آماری، میانگین اقلام مصرفی کارگران به همراه مدارک آمار و ارقام آن را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارائه دادند، اما با وجود اینکه بر اساس این بررسی آماری، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک به یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است برای سال 92، کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در نظر گرفته‌اند.

همچنین مسوول کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان یکی از مهم‌ترین مشکلات کارگران را عدم امنیت شغلی و ثبات کار عنوان کرد و گفت: آن بخش از کارگران نیز که با قراردادهای موقت مشغول به کار هستند، همیشه دغدغه عدم ثبات شغلی خود را دارند.

وی با بیان اینکه فقر، منشأ ایجاد هر فسادى در جامعه است، تصریح کرد: مسوولان باید به این موضوع توجه کنند که این موضوع چه عواقبی را در جامعه در بر خواهد داشت و بر میزان بروز انحرافات اجتماعی و اخلاقی در جامعه خواهد افزود.

مستمری بازنشستگان کفاف زندگی آبرومند را نمی‌دهد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: یک کارگر بازنشسته صنایع نساجی با انتقاد از افزایش ناچیز مستمری بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی، گفت: مقرری کارگران بازنشسته و از کارافتاده با وضعیت اقتصادی هیچ تناسبی ندارد.

نبی‌الله مختاری که برای بیان اعتراضش به تعیین مستمری بازنشستگان به دفتر ایلنا آمده بود، اظهار داشت: میزان افزایش مستمری بیمه شدگان بازنشسته و از کار افتاده حتی از حداقل نرخ تورم اعلام شده بانک مرکزی نیز کمتر است و در این شرایط بازنشستگان توان ادامه زندگی متناسب با شئونات سن و سالشان را ندارند.

وی با بایان اینکه بانک مرکزی در گزارش اسفند ماه خود نرخ تورم را بیش از 31 درصد اعلام کرده بود، گفت: در چنین شرایطی شاهد آن بودیم که سازمان تأمین اجتماعی مستمری کارگران را بازنشسته و از کار افتاده را تنها 25 درصد افزایش داده است.

این کارگر بازنشسته کارخانه‌های چیت ری و اطلس بافت ادامه داد: به استناد گزارشهای مورد تایید سازمان تأمین اجتماعی، حدود 38 سال کار کرده‌ام و هر ماه حق بیمه پرداخت کرده‌ام و امروز باید با مستمری 700 هزار تومانی هزینه‌های خود و خانواده‌ام را تأمین کنم. وی بایان اینکه بسیاری از بازنشستگان و از کارافتادگان مثل من زندگی می‌کنند، گفت: منابع

سازمان از محل حق بیمه کارگران تامین شده است، بنابراین مسئولان سازمان تامین اجتماعی نباید بابت افزایش ناچیز مستمری‌ها منت بگذارند بلکه باید طبق قانون تامین اجتماعی نرخ تورم را ملاک تعیین مستمری‌ها قرار دهند.

مختاری بایان اینکه در خانواده کارگران بازنشسته به دلیل کاهولت سن هزینه‌های درمانی به نسبت خانواده‌های کارگران شاغل بیشتر است، و بازنشستگان باید از نظر خوراک مراقبت‌های خاصی را رعایت کنند، پرسید: با این مستمری چگونه می‌توان از عهده مخارج يك زندگی آبرومند برآمد. وی درعین حال یادآور شد که در خانواده بیشتر بازنشستگان افراد جوان جویای کار نیز حضور دارند و بنابراین ناخواسته هزینه آن‌ها نیز از محل مستمری بازنشستگی تامین می‌شود. این کارگر بازنشسته که پارچه نوشته‌ای در اعتراض به میزان مستمری امسال بازنشستگان در دست داشت، در پایان گفت: وقتی به دلیل واردات بی‌رویه امکان اشتغال از جوانان سلب می‌شود بازنشستگان بصورت غیر مستقیم مسئول تامین هزینه‌های آن‌ها خواهند شد.

نرخ بیکاری سال گذشته ۲/۱۲ درصد بوده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۹ فروردین ۹۲ آمده است: مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد: نرخ بیکاری در سال ۹۱ را با کاهش ۱۰ درصدی نسبت به سال ۹۰ معادل ۱۲٫۲ درصد اعلام کرد. به گزارش ایلنا، مرکز آمار ایران گزارش داد: بررسی نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) نشام می‌دهد، ۳۷٫۷ درصد جمعیت در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر) از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی کمتر بوده است.

بررسی نرخ بیکاری حاکی از آن است که ۱۲٫۲ درصد از جمعیت فعال، بیکار بوده‌اند، این در حالی است که نرخ بیکاری در سال ۹۰ معادل ۱۲٫۳ درصد بود. براساس این نتایج، نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است. بررسی سهم اشتغال ناقص نشان می‌دهد که ۸٫۹ درصد جمعیت شاغل دارای اشتغال ناقص بوده‌اند. این شاخص در بین مردان بیشتر از زنان و در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری بوده است.

بررسی اشتغال در بخشهای عمده اقتصادی حاکی از آن است که بخش خدمات با ۴۷٫۵ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخشهای صنعت با ۳۳٫۶ درصد و کشاورزی با ۱۸٫۹ درصد قرار دارند. براساس این گزارش، نرخ بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله حاکی از آن است که ۲۶٫۹ درصد از جمعیت فعال ۲۴-۱۵ ساله بیکار بوده‌اند، این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است. همچنین نرخ بیکاری جوانان ۲۹-۱۵ ساله نیز حاکی از آن است که ۲۴٫۵ درصد از جمعیت فعال ۲۹-۱۵ ساله بیکار بوده‌اند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است.

بررسی مرکز آمار نشان داده که سهم شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر با ساعت کار معمول ۴۹ ساعت و بیشتر نشان می‌دهد، ۴۰٫۶ درصد شاغلین به طور معمول بیش از ۴۹ درصد در هفته کار می‌کنند. این شاخص که یکی از نماگرهای کار شایسته است، نشان می‌دهد در کشور سهم زیادی از شاغلین بیشتر از استاندارد کار می‌کنند.

براساس این گزارش، از مجموع ۲۴ میلیون و ۱۰۵ هزار جمعیت فعال کشور، ۲ میلیون و ۹۴۴ هزار و ۱۵۸ نفر بیکار هستند. همچنین نرخ بیکاری در نقاط شهری ۱۳٫۸ درصد و در نقاط روستایی ۸٫۲ درصد اعلام شده است.

بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری جوانان ۲۹-۱۵ ساله نشان می‌دهد که این شاخص نیز نسبت به فصل مشابه در سال گذشته ۲٫۴ درصد کاهش و نسبت به فصل قبل ۱٫۲ درصد افزایش پیدا کرده است.

بررسی سهم شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر با ساعت کار معمول ۴۹ ساعت و بیشتر نشان می‌دهد، ۳۹٫۰ درصد شاغلان به طور معمول بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار می‌کنند. این شاخص که یکی از نماگرهای کار شایسته به شمار می‌رود، نشان می‌دهد در کشور سهم زیادی از شاغلان بیشتر از استاندارد کار می‌کنند.

براساس این گزارش، استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان به ترتیب با داشتن ۴۲۰، ۱۹، ۲ و ۱۸ بیشترین نرخ بیکاری را در زمستان سال گذشته داشته‌اند.

تلاش کارگران جهت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کشتیرانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس از عدم اجرای ماده ۵۰ قانون کار و محاسبه طرح نقدی مشاغل در شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی انتقاد کرد. غلامرضا زنگی اهرمی در این باره به ایلنا گفت: پس از گذشت ۵ سال از شکایت اینجانب بر علیه شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به صدور نامه شماره ۱۹۷۲۰۶ مورخه ۱۳۹۱/۱۲/۰۵ جهت اعمال ماده ۵۰ قانون کار و محاسبه طرح نقدی مشاغل با وجود گذشت نزدیک به دو ماه از موضوع مذکور در عمل هیچگونه اقدامی صورت نگرفته است. وی با انتقاد از مشی کدخدامنشانه وزارت کار در مورد این مساله بیان کرد: هدف آقایان از این همه کاغذ بازی و نامه بازی چیست؟ اگر قرار است به صورت کدخدامنشی رسیدگی شود پس چرا این نامه صادر شده است؟ اگر کشتیرانی به مشکلات اینجانب رسیدگی می‌کرد که شکایت به وزارت کار نمی‌بردم.

این فعال کارگری مدعی شد: کشتیرانی می‌گوید حتی اگر ما طرح طبقه بندی مشاغل تمامی کارگران را رسیدگی کنیم طرح طبقه بندی شما (غلامرضا زنگی) را محاسبه نخواهیم کرد. عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس در پایان اظهار داشت: کارگران دریایی مدت‌هاست که خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند، در این راه نیز اقدامات بسیاری انجام داده‌اند و به ارگان‌های مختلفی مراجعه کرده‌اند. مشخص نیست مسئولان تا چه زمانی می‌خواهند ما را مثل توپ به هم‌پاس بدهند. گفتنی است آبان ماه سال گذشته بود که «نادر ظهوری» رئیس انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس با ارسال نامه‌ای به وزیر کار از عدم اجرای قانون طبقه بندی مشاغل از سوی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی انتقاد کرده بود. برای اطلاع از متن نامه مذکور به اینجا مراجعه کنید. همچنین در بهمن ماه همان سال، جمعی از کارکنان شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با ارسال نامه‌ای به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستار «اجرایی شدن طرح طبقه بندی مشاغل قانون کار» شدند. متن نامه مذکور:

درخواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای کارکنان کشتیرانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: جمعی از کارکنان شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با ارسال نامه‌ای به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستار «اجرایی شدن طرح طبقه بندی مشاغل قانون کار» شدند.

به گزارش ایلنا، در این نامه آمده است: شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران برابر سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی از سال ۸۷ به بخش غیر دولتی واگذار گردیده و تا کنون طرح طبقه بندی مشاغل قانون کار برای شرکت مذکور اجرایی نگردیده است. در ادامه این نامه ضمن درخواست برای «اجرایی شدن ماده ۵۰ قانون کار»، «غلامرضا زنگی اهرمی» به عنوان نماینده جمع امضا کنندگان «برای پیگیری اجرای طرح طبقه بندی مشاغل» معرفی شده است.

در پایان این نامه با اشاره «به پیگیری‌های که از سال ۸۸ برای اجرایی شدن طرح طبقه بندی مشاغل» انجام گرفته از بی‌نتیجه ماندن این تلاش‌ها ابراز تاسف شده است.

اعتراض قاطع کارگران راه آهن یزد به قراردادهای پیمانی: کار نمی‌کنیم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: جمعی از کارگران شرکتی (پیمانی) راه آهن یزد با امضای طوماری خطاب به اداره کل راه‌آهن این استان، نسبت به اجرایی نشدن مصوبات دولت در خصوص تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری به قراردادکار معین هشدار دادند.

به گزارش ایلنا، در این طومار که به امضای ۹۸ نفر از کارگران متخصص پیمانی و شرکتی شاغل در اداره ناوگان راه آهن استان یزد رسیده، خطاب به مدیرکل راه آهن یزد آمده است: در صورت اجرایی نشدن مصوبات هیات دولت توسط راه آهن، پرسنل متخصص شاغل شرکتی (پیمانی) مشمول تبدیل وضعیت، از تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال جاری که قرارداد کارشان پایان می‌یابد دیگر در قالب شرکت‌های پیمانکاری قادر به همکاری با راه آهن نیستند و لذا در صورت نیاز راه آهن به این کارگران متخصص باید قرارداد جدید کار بصورت مستقیم از طرف راه آهن منعقد شود. گفتنی است «نیروی کار شرکتی» به کارگرانی گفته می‌شود که با واسطه یک شرکت دلال نیروی انسانی به استخدام درآمده‌اند تا به این ترتیب کارفرمای اصلی تعهدی نسبت به بخش عمده‌ای از حقوق قانونی کارگران متقبل نشود.

کارگران امضا کننده این طومار در ادامه به نامه‌ی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اشاره کرده‌اند که با اعلام نظر کارشناسی خود، صراحتاً مشاغل این کارگران قراردادی را تخصصی دانسته است و در ادامه آورده‌اند: این در حالیست که اداره کل راه آهن با اطلاع از این موضوع پس از گذشت چند سال از این مصوبه دولت، باز هم نسبت به تبدیل وضعیت کارکنان خود هیچ اقدامی صورت نداده و با تفسیر رای و استناد نابجا به مصوباتی که هیچ مغایرتی با مصوبات و قوانین فوق الذکر ندارد، از دستورات صریح ریاست جمهوری امتناع و از تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی و پیمانی خود داری می‌کند.

همچنین این کارگران با نادرست خواندن بهانه‌های مطروحه توسط مسئولان راه آهن، مدعی شده‌اند: تاخیر چند ساله این اداره در اعطای حقوق مسلم و قانونی بیش از چند هزار نیروی متخصص، هیچ توجیحی جز سود برخی صاحبان شرکت‌های وابسته ندارد.

در این نامه کارگران با اشاره‌ای مختصر به رد ادعای مسئولان اداره کل راه آهن یزد در زمینه تبدیل وضعیت کارکنان خود، آورده‌اند: با وجود اینکه کارگران طی دفعاتی هم بصورت کتبی و هم شفاهی خواسته خود را به کارفرما اعلام داشته‌اند، در صورت اجرا نشدن مصوبات هیات دولت تا پایان قرار داد اینجانبان (تا مورخه ۹۲/۰۱/۳۱ توسط این اداره کل) دیگر قادر به همکاری به صورت شرکتی نیستیم.

طومار نویسی کارگران راه آهن یزد درحالی است که پیش از این در تاریخ ۲۶ اسفند ماه سال ۹۱ نیز ۵۴ نفر از کارگران سیر حرکت پیمانکاری راه آهن شرق در نامه‌ای مشابه از اداره کل راه آهن یزد خواهان تبدیل وضعیت استخدامی خود از شرکتی به قراردادی کار معین شده بودند.

اجرایی نشدن افزایش ۲۵ درصدی کارگران نانوائی‌ها

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۹ فروردین ۹۲ آمده است: رئیس انجمن صنفی نانوائی‌های اصفهان از اجرایی نشدن افزایش ۲۵ درصدی کارگران نانوائی‌های سطح کشور خبر داد.

علی یزدانی در این باره به ایلنا گفت: افزایش ۲۵ درصدی کارگران واحدهای نانوائی سطح کشور هنوز عملیاتی و اجرایی نشده است.

وی ادامه داد: کارفرمایان واحدهای خبازی افزایش ۲۵ درصدی را پذیرفته‌اند اما تا زمانی که در آنالیز هزینه تولید نان محاسبه نشود آن را پرداخت نمی‌کنند.

این فعال کارگری افزود: قیمت نان با سال ۹۱ هنوز تغییری نکرده است. کارفرمایان می‌گویند تا هزینه افزایش ۲۵ درصدی در هزینه تولید نان محاسبه نشود و قیمت‌ها تغییر نکند مزد کارگران را بر اساس مصوبه جدید شورای عالی کار پرداخت نمی‌کنند.

رئیس انجمن صنفی نانوائی‌های اصفهان در پایان اظهار داشت: تا این لحظه که در نیمه دوم فروردین ماه سال ۹۲ قرار داریم مسئولان دولتی تصمیمی در این باره اتخاذ نکرده‌اند.

مخالفت کارگران لامپ الوند با انتقال کارخانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۹ فروردین ۹۲ آمده است: نماینده کارگران شاغل در واحد تولید لامپ الوند قزوین اعلام کرد: ۲۶ کارگر رسمی کارگر تولیدی لامپ الوند مخالف تصمیم کارفرما در خصوص انتقال این کارخانه از شهرک صنعتی البرز به شهرک صنعتی لیا هستند.

«محرم رحمانی» به نمایندگی از سایر کارگران به ایلنا گفت: کارگران استدلال کارفرما جهت اجرای طرح اصلاح ساختاری را بهانه قلمداد کرده و می‌گویند با این انتقال هیچ تضمین برای اشتغال آنها

وجود ندارد.

وی گفت: در سال ۸۵ حدود ۴۰ کارگر رسمی این کارخانه در راستای اجرای طرح اصلاح ساختاری، از سوی کارفرما و علی رغم میل باطنی خود برای مدت ۱۹ ماه به بیمه بیکاری معرفی شدند. نماینده کارگران در تشریح جزئیات مشکلات کارگران لامپ الوند، افزود: کارفرمای این کارخانه با استفاده از غیبت کارگران مقرری بگیر، ابزار تولید، مواد اولیه و زمین و همچنین بخش زیادی از ملک کارخانه را به شرکتهای ایران چسب و تهویه فروخته است. به گفته این کارگر در مدتی که کارگران مقرری بگیر بیمه بیکاری بودند نه تنها در کارخانه هیچ اصلاح ساختاری انجام نگرفت بلکه از همان سال ۸۵ مدیریت شروع به فروختن مواد اولیه و ماشین آلات تولید لامپ به صورت ضایعات کرد.

رحمانی با بیان اینکه هزینه مقرری بیکاری کارگران این کارخانه بالغ بر ۲۰۰ میلیون تومان شده است؛ گفت: در حال حاضر از کارخانه لامپ الوند چیزی باقی نمانده و کارفرما از کارگران خواسته است تا برای ادامه کار به شهرک صنعتی «لیا» منتقل شوند. این کارگر گفت: درخواست انتقال کارگران به محل جدید کارخانه در حالی است که شرکت لامپ الوند در این شهرک صنعتی «لیا» هیچگونه ابزاری برای تولید ندارد. محرمی رحمانی با بیان اینکه کارگران نگران امنیت شغلی خود هستند، تصریح کرد: در حال حاضر ۲۶ کارگر شاغل در این واحد تولیدی با سوابق بیش از ۲۰ سال، در شرف بازنشستگی بوده و نگران مخدوش شدن سوابق بازنشستگی خود هستند.

سوء مدیریت عامل ایجاد مشکلات لامپ الوند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۲۹ فروردین ۹۲ آمده است: عید علی کریمی، دبیر خانه کارگر قزوین ضمن تایید ادعای کارگران لامپ الوند اظهار داشت: لامپ الوند از بهمن ماه سال ۸۳ در پی سیاست خصوصی سازی به بخش خصوصی واگذار شد و از همان سال به دلیل سوء مدیریت با مشکلات مالی و کمبود نقدینگی مواجه بوده است. او افزود: به نظر می رسد که مدیریت این واحد تولیدی به خواسته های قانونی کارگران توجهی ندارد و تنها درصدد انحلال کارخانه است. این فعال کارگری با بیان اینکه هم اکنون کارگران این کارخانه سرگردان هستند، گفت: برخلاف ادعای کارفرما هم اکنون بخش زیادی از اموال کارخانه فروخته شده و تولید متوقف است، بطوری که فقط یک تابلوی دو متری از این کارخانه باقی مانده است. دبیر خانه کار قزوین از مسئولان خواست که به مشکلات کارگران لامپ الوند رسیدگی کنند و با بازدید و بازرسی از این واحد تولیدی از نزدیک مشاهده کنند که چیزی به جز اسم از این کارخانه باقی نمانده است.

مصدومیت بیش از ۱۰ کارگر بر اثر انفجار در معدن فردوس

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ ۲۹ فروردین ۹۲ آمده است: دیروز انفجار مواد منفجره فرسوده در معدن فردوس جنب معدن شماره یک گل گهر، موجب مجروح شدن ۱۰ کارگر شد. برپایه این گزارش، دیروز چهارشنبه حوالی ساعت دو بعد از ظهر در معدن فردوس جنب معدن شماره یک گل گهر در اثر انفجار خارج از زمان تعیین شده، بیش از ۱۰ کارگر مجروح شدند. در این حادثه بیش از ۱۰ کارگر و مسئول آتشبار مصدوم شدند که بلافاصله به بیمارستان های سطح شهر منتقل شدند.

عدم تبدیل وضعیت بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارکنان پیمانکاری وزارت نفت و اعتراضات کارکنان تبدیل وضعیت شده

به گزارش پانا نیوز در تاریخ ۲۹ فروردین ۹۲ آمده است: حدود ۴۰ هزار نفر از کارکنان پیمانکاری وزارت نفت تعیین تکلیف شده و به قرارداد (قرارداد مدت موقت) مستقیم و یا تعاونی تبدیل شده اند و هنوز بیش از ۱۰۰ هزار نیروی پیمانکاری باقی مانده بلاتکلیفند. وزیر نفت دیروز از تمدید قرارداد کارکنان مدت موقت در سال ۱۳۹۲ و امضای قراردادهای مستقیم با دیگر کارکنان پیمانکاری وزارت نفت از ابتدای سال ۱۳۹۲ خبر داد.

کارکنان تبدیل وضعیت شده:

1- ۲۹/۱/۱۳۹۲ عسویه مدت موقت: چرا پرسنلی که داشتند به راحتی کار خودشان انجام میدادند اینجور بدبخت کردید. چرا نفرات دیگری می خواهید بدبخت کنید. شما اول فکر امکانات این پرسنل باشید بعد آنها را قرارداد مستقیم کنید.

چرا بعد از گذشت 13 ماه از قرارداد هنوز در باره پرداخت حقوق تصمیم جامعی نگرفته اید و ولی موقع عیدی سریعاً تصمیم به کسر آن گرفتید.

2- از سرخس ۲۹/۱/۱۳۹۲ به جمع بلاتکلیفان خوش آمدین

جناب وزیر برای ما که یکساله از قرارداد مستقیم شدنمون میگذره چه کردین که برای تبدیل وضعیت بقیه عجله دارین؟ البته برای شما بد نمیشه.

چون در طول سال از تمام مزایای کارمندان محروم میشن چون کارگرنه و آخر سال موقع عیدی یکدفعه معجزه میشه میشن کارمند وعیدی کارمندی میگیرن و در سال بعدش دیگه خودشونم نمیدونن چی هستن!!!!

3- پتروشیمی خوارزمی بندرامام ۲۹/۱/۱۳۹۲:

ما که تبدیل وضعیت شدیم نه حقوقمون بهتر شد نه مزایا بهمون دادن افزایش حقوق رو کارگری حساب میکنن. عیدی رو کارمندی حساب میکنن آبرو شرکت نفت داره میره با این کارهاش فکر میکنه کارگرهای تبدیل وضعیت شده گوشه‌هاشون درازه.

4- خسته از عسویه: ۲۹/۱/۱۳۹۲ با سلام. جناب آقای قاسمی بجای اینکه دستور بدین با اوناییکه از حالا به بعد حایز شرایط تبدیل میشوند قرارداد بدینند. بفکر افزایش حقوق ما باشید. آخه تا کی منتظر بمونیم. یکسال تمام حتی با شرایط حقوقی کمتر از بچه های پیمانکاری کار کردیم. آیا تو این سال جدید هم قرار نیست حقوق ما درست بشه. این بهونه ها چیه هی میگین بازنگری حقوق باید انجام بشه؟ چند سال باز نگری میکنید؟

تجمع متقاضیان مسکن مهر مقابل استانداری زنجان برای دومین روز متوالی

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 29 فروردین 92 آمده است: برای دومین روز متوالی، متقاضیان مسکن مهر در قابل ساختمان شماره 2 استانداری زنجان تجمع کردند.

براساس این گزارش، پس از برگزاری دو تجمع در روز گذشته امروز نیز قریب به 100 نفر از متقاضیان مسکن مهر پس از تجمع در مقابل ساختمان مسکن مهر واقع در خیابان جاوید به مقابل ساختمان شماره 2 استانداری زنجان رفته و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان از سوی مسئولان شدند.

این افراد که از اعضای مجتمعهای مسکونی «احرار» و «ساتراپ» هستند، از سال 87 و 86 برای دریافت مسکن مهر ثبت نام کرده‌اند.

بنا به گفته مسئولان و وعده‌های داده شده باید دو سال پیش واحدهای خود را تحویل می‌گرفتند که هنوز این وعده‌ها محقق نشده است و بنا به گفته ثبت نام‌کنندگان مسکن مهر خواستار واریز 4 میلیون تومان به عنوان هزینه‌های مصالح شده‌اند.

لازم به ذکر است، در حال حاضر نیز زمان مشخصی برای تحویل واحدهای مسکونی مهر برای متقاضیان تعیین نشده است و همین امر موجب تشدید اعتراض ساکنان شده است.

ترس از اخراج مانع اقدام قانونی در مقابل دستمزد کمتر از حداقل

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: دبیر خانه کارگر خراسان جنوبی اعلام کرد: حداقل دستمزد کارگران در حالی با افزایش ۲۵ درصدی نسبت در سال جاری تصویب شد که بسیاری از کارفرمایان در استان خراسان جنوبی به بهانه ناتوانی‌های مالی در پرداخت حداقل حقوق قانونی کارگران خود کوتاهی می‌کنند.

محمد حسین براتی با اعلام مطلب فوق، به ایلنا گفت: با وجود اینکه ماده ۴۱ قانون کار پرداخت حداقل دستمزد سالیانه تعیین شده در شورای عالی کار را وظیفه کارفرمایان و عواقب نپرداختن آن را نیز متوجه خود آنها می‌داند، برخی کارفرمایان با توسل به شیوه‌های مختلف از این مسئولیت‌شان خالی می‌کنند و از حداقل دستمزد نیز می‌کاهند.

این فعال کارگری افزود: این کارفرمایان به کارگران خود گفته‌اند به بهانه ناتوانی‌های مالی حاضر نیستند میزان حقوق کارگران خود را طبق مصوبه شورای عالی کار افزایش دهند، از این رو با

کارگرانی که به این موضوع اعتراض دارند برخورد می‌کنند . این فعال کارگری با بیان اینکه استان خراسان جنوبی بلحاظ صنعتی از استانهای محروم کشور است، اظهار داشت: با توجه به افزایش جمعیت در این استان، میزان برنامه‌های اشتغال زایی دولت رشد چندانی نداشته است، این در حالیست که تعداد زیادی از جوانان جویای کار هنوز نتوانسته‌اند شغلی مناسبی برای خود داشته باشند . او در این زمینه افزود: برخی کارفرمایان با سوءاستفاده از بیکاری این افراد جویای کار (که برخی از آنان تحصیل کرده نیز هستند) با دستمزدی کمتر از حداقل حقوق و با عقد قرارداد یکسویه سفید امضاء و گرفتن تعهدات محضری، بدون بیمه آنان را به استخدام خود در می‌آورند و از آنان بهره‌کشی می‌کنند . به گفته براتی هرچند قانون راهکارهایی را برای مقابله با پایین بودن سطح دستمزد افراد در بنگاه‌های تولیدی و زیرپا گذاشتن مصوبات شورای عالی کار پیش بینی کرده است، ولی کارگران به دلیل ترس از اخراج و از دست دادن شغل، در ۹۰ درصد موارد از مقابله قانونی صرف نظر می‌کند.

تجمع بازنشستگان پالایشگاه آبادان در مقابل وزارت نفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: امروز ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم فروش و یا واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان، در مقابل ساختمان وزارت نفت واقع در خیابان طالقانی تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان با بر افراشتن پارچه نوشته‌هایی در اعتراض به مدیریت فعلی پالایشگاه آبادان از «رستم قاسمی» وزیر نفت خواستند تا به مشکلات آنان رسیدگی کند. در یکی از این پارچه نوشته‌ها اشاره شده بود «ما کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان خواستار اجرای مصوبه دولت و مجلس شورای اسلامی در جهت فروش و واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان با عمر بالای بیش از ۷۰ سال هستیم

صدای اعتراضات خود را در رابطه با آزادی کارگران زندانی هر چه بیشتر رسا کنیم!

رژیم اسلامی سرمایه بیش از هر چیز از تشکل های سازمانیافته کارگران واهمه دارد و در هر شرایطی و با هر وسیله ای به سرکوب کارگران و اعتراضات کارگری و دستگیری و زندانی کردن نماینده گان آنان می پردازد . اکنون با توجه به بحران سیاسی رژیم و نیز با نزدیک شدن روز کارگر فشار بر فعالین کارگری ، دستگیری و زندانی کردن آنان بیش از پیش شدت یافته وهزینه هنگفتی برای رژیم در برداشته است . کارزارهای آزادی کارگران و فعالین کارگری برای آزادی بی قید و شرط آنان از زندانهای رژیم امر دائمی ما برای به عقب نشاندن سرمایه داری و ارتجاع اسلامی در ایران است . بیائید با هم همصدا شویم و از مبارزه برای رفاه اجتماعی و آزادی دریغ نکنیم . همبستگی ما در امر آزادی تشکل های مستقل طبقاتی کارگران و آزادی بی قید و شرط نماینده گان کارگری ، تضمینی در مبارزه برای باز شدن دریچه ای بروی رفاه و آزادی خواهد بود. ازآکسیون اعتراضی کارزار آزادی کارگران زندانی روز شنبه 20 آپریل از ساعت 15.00 تا 18.00 در مرکز شهر فرانکفورت پشتیبانی می کنیم!

کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت
17 آپریل 2013

اطلاعیه شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم در دفاع از کارگران زندانی

دفاع از کارگران زندانی وزندانیان سیاسی بدنبال تهاجم هرچه بیشتر به معیشت کارگران وتعیین حداقل دستمزدی معادل چندین برابر زیر خط فقر وحتى فلاکت ، دستگیری کارگران افزیش یافته است. هم اکنون دهها کارگر در زندانها به سر میبرند. جرم آنها دفاع از کارگران وتشکل یابی آنهاست . آنها اعتصاب واعتراض را حق کارگران میدانند وبدون اجازه سرمایه داران ودولت حامی شان دست به ایجاد تشکل زده اند.سرمایداران از اتحاد کارگران وحشت دارند. زیرا میدانند که کارگران آنچه میخواهند برای کل جامعه است .آنها رفاه

و آزادی را برای همه می‌خواهند. برای دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی به دعوت هیات هماهنگی شورای نمایندگان احزاب، سازمانها، و نهادهای چپ و کمونیست، روزهای 15 تا 21 آوریل هفته دفاع از کارگران زندانی اعلام شده است. شورای استکھلم در این رابطه روز جمعه 19 آوریل از ساعت ۱۸:۳۰ در سرگل توریت پیکت برگزار میکند همچنین در اجتماعات مختلف، از جمله تظاهرات بزرگی که روز ۲۰ آوریل علیه سیاست کنترل و اخراج خارجی ها در استکھلم برگزار میشود، شرکت می کنیم و با پخش اطلاعیه صدای کارگران زندانی را به گوش دیگران میرسانیم طبیعتاً این حرکت برای آگاهی مردم سوئد از وضعیت کارگران ایران است و لذا به زبان سوئدی اجرا میشود.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

زندانیهای سیاسی برچیده باید گردد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم.

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم

16 آوریل 2013

www.shora.se shoraye1@gmail.com Mobil: 0701502011

اطلاعیه مشترک: اکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد)

با همه توان از هفته دفاع از کارگران زندانی و امر آزادی زندانیان سیاسی پشتیبانی نماییم!

انسان های آزاده، فعالین مدافع حقوق کارگران، احزاب، سازمان های انقلابی و مدافعین حق پناهندگی

در پاسخ به فراخوان هیئت هماهنگی شورای نمایندگان احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست و در پیوند با تحرکات هفته دفاع از کارگران زندانی (روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل) برای آزادی فعالین کارگری و در دفاع از مطالبات برحق کارگران ایران، در اکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد) ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر فعالانه و متحدانه شرکت کنیم.

رژیم سرمایه داری اسلامی ایران هر روز بساط تازه ای درمی افکند. دکتر فریرز رئیس دانا را پس از سپری شدن دوره محکومیت اش آزاد می سازد. همزمان رضا شهابی، عضو سندیکا شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که جهت معالجه در مرخصی بوده است باز دیگری زندان می کشاند.

در همین حال محمد جراحی که تحت معالجه شیمی درمانی قرار دارد، همچنان در زندان مرکزی تبریز زندانی است. همچنین با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نکرده است و او باید خود را به زندان معرفی نماید. این در حالی است که فرزند بیمارش نیما در بیمارستان محک هم چنان تحت شیمی درمانی است و به همراهی پدرش سخت نیازمند است. شاهرخ زمانی از کمیته پیگیری، پدرام نصرالهی از فعالین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری و تنی چند از دستگیر شدگان هشت مارس امسال حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی برای آخرین دفاعیات در شعبه ۵ بازرسی بیدادگاه سنندج حاضر شدند و چند تنی از دستگیر شدگان هشت مارس تا حالا با قرار وثیقه های چند ده میلیون تومانی آزاد گشتند.

به این ترتیب در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، سرمایه داران و رژیم پاسدار منافع آنها در ایران، تعرض همه جانبه جدیدی را بر علیه کارگران سازمان داده اند. در همین راستا، ما امضاء کنندگان این اعلامیه مشترک برای مدافعه از کارزار بین المللی هفته دفاع از کارگران زندانی (روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل) در دفاع از مطالبات بی پاسخ مانده کارگران، به نشانه همبستگی با جنبش کارگری ایران، برای آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی همه شما آزادیخواهان را فرامیخوانیم و دست خود را برای همکاری بسوی همه پیش می آوریم تا به همراه یکدیگر در اکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد) ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر فعالانه و متحدانه شرکت کنیم.

کارگران در بند و کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

زنده باد همبستگی بین المللی با جنبش کارگری ایران!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی !
زنده باد آزادی و زنده باد سوسیالیسم !
امضاء کنندگان :

اتحاد فداییان کمونیست واحد گوتنبرگ
حزب کمونیست ایران واحد گوتنبرگ
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- هیئت اجرایی ، واحد گوتنبرگ
کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران- گوتنبرگ
انجمن پناهندگان ایرانی گوتنبرگ (سوئد)
جمعی از فعالین مستقل چپ مدافع حقوق کارگران

آزادی کارگران زندانی فوراً و بدون قید و شرط ! به کمپینها و کارزارهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی پیوندید !

رژیم سرمایه داری اسلامی ایران با سرکوبگری فزاینده، با وجود زندانی کردن طولانی مدت تعدادی از فعالین کارگری، باردیگر درآستانه هشت مارس امسال نیز با شبیخونی لجام گسیخته به منازل فعالین کارگری در شهرسندج حمله ور شده و تعدادی از فعالین را به بهانه عضویت در کمیته هماهنگی دستیگر و زندانی میکنند. رژیم برای ایجاد رعب و وحشت انداختن کارگران درآستانه اول ماه مه ۲۰۱۲ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲)، مانند همیشه دست به بازداشت های بدون دلیل کارگران و فعالین کارگری زده است تا آنان را، از پیشروی و تدارکات اولیه این روزجهانی بازدارند .

براین پایه رژیم سرمایه داری اسلامی ایران هرروز بساط تازه ای راه می اندازد. رضا شهابی، فعال کارگری و خزانه دار مالی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که جهت معالجه درمرخصی بوده را، قبل از اتمام معالجه و مرخصی اش باردیگر زندانی میکند. درهمین حال با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نکرده است و باید وی هرچه زودتر خود را به زندان معرفی نماید. این درحالی است که فرزندش نیما در بیمارستان محک، همچنان تحت معالجه شیمی درمانی است و تهیه ی داروهای وی معضل بزرگی برای خانواده ی ایشان شده است و بیم آن می رود با بازگشت بهنام به زندان، روند معالجات نیما دچاراخلال شود. همچنین زندانبانان رژیم با مرخصی محمد جراحی که تحت معالجه شیمی درمانی قراردارد موافقت نکرده اند و همچنان در زندان مرکزی تبریز زندانی است. رژیم ضد کارگراسلامی سرمایه، همچنین شاهرخ زمانی از کمیته پیگیری، پدرام نصرالهی از فعالین کارگری را به اتهام تبلیغ علیه نظام و عضویت در کمیته هماهنگی و شورای زنان در شعبه يك بیدادگاه انقلاب، به محاکمه کشانده و تا به امروز به دفعات از او خواسته اند تا از عضویت «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری» استعفاء دهند یا کشور را ترک کنند. جدا از این، تنی چند از دستگیر شدگان هشت مارس امسال حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی و فعالیت های کارگری در سندج دستگیر و برای آخرین دفاعیات در شعبه ۵ بازرسی بیدادگاه سندج حاضر شدند و تعدادی از دستگیر شدگان با قرار وثیقه های چند ده میلیون تومانی آزاد گشتند. رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه این تعرضات به سطح معیشت و دستمزد کارگران، همچنان بردامنه سرکوب و پیگرد فعالین کارگری و هم طبقه ای های ما درآستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲) فضای انتصابات پیشروی خواهد افزود. همین اوضاع ما را برآن می دارد که نگرانی عمیق خود را از وضعیت ناگوار زندانیان کارگرو سلامت جانی و جسمی یکایک آنان اعلام داریم .

نهادهای همبستگی همچنانکه سالها بی وقفه برای خواست آزادی و یاری رساندن به کارگران زندانی به برگزاری کمپینها و کارزارهای سراسری پرداخته است، تا آزادی کامل تمامی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از فعالیت و مبارزه دست برنخواهد داشت و کمپینها و کارزارها برای آزادی کارگران زندانی را ادامه خواهد داد. نهادهای همبستگی، همگان را فرامیخواند که به هر شکل که میتوانند به اعتراضات و کارزارهای جهانی برای آزادی کارگران زندانی در ایران پیوسته و همه کارگران، دوستداران، هواداران جنبش کارگری، نیروها و انسان های آزادی خواه را فرامیخواند که به هرسکلی و توانی که دارند برای آزادی کارگران زندانی بکوشند و قویا دستگیری وحشیانه و تداوم بازداشت و در زندان نگهداشتن فعالین کارگری را محکوم کنند. حکومت جمهوری اسلامی باید فوراً و بدون قید و شرط و دریافت هیچ وثیقه ای، همه کارگران زندانی را آزاد نماید .

به طوریکه پارچه و متحد، اعتراضات خود را به اعمال ضد کارگری رژیم اعلام کرده و آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران و فعالین جنبش کارگری و دیگر فعالین مبارز اجتماعی از زندان های جمهوری اسلامی را خواستار شویم .

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، مسئولیت هرگونه خطری که جان زندانیان کارگر را تهدید کند، تماما به عهده رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران میداند و بی جواب نخواهد گذاشت .

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۲۸ فروردین ۱۳۹۲ - ۱۷ آوریل ۲۰۱۳

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

پیام تشکر وفا قادری- خالد حسینی- حامد محمودی نژاد- بهزاد فرج اللهی یاران و همراهان!

نمی دانیم با کدامین زبان سرود واژه های سپاسمان را به پیشگاه شما عزیزان تقدیم نمائیم، و با کدامین کلام، درود بی پایانمان را نثار شما گرامیان کنیم؛ زیرا واژه ها اغلب رسانه هایی نارسایند. به راستی همراهی و هم آوایی شما عزیزان، اراده و توانمان را برای پایداری در زیر سهمگینی بار استثمار و عصیان در برابر آن صد چندان نموده، و عزممان را بیش از هر زمان دیگری برای درنوردیدن گردنه ها و تندپیچ های موجود بر سر راه جنبش کارگری جزم نموده است؛ به راستی همدلی شما همراهان، تالو نوری رهائی بخش را در این ظلمات سرمایه داری، به چشمان منتظرمان نوید بخشیده است.

حمایت های گسترده و همه جانبه ی شما زنان و مردان آزادی خواه از ما، به منزله ی مهر تأییدی دوباره بر مواضع برحق ما و جنبش کارگری، بر حقانیت این موضوع که طبقه ی کارگر، در صورت اتکاء به نیروی خود مرفقی ترین طبقه در عصر سرمایه داری است صیحه گذاشته، و در این کارزار، گوشه ای از ظرفیت های موجود درون خود را جهت استحضار عوامل سرمایه به نمایش گذاشت، و در این کوران مبارزاتی مفهوم اتحاد طبقاتی را در قالبی کوچک بر همگان آشکار نمود، و زمینه ی از میان برداشتن دیوار میان سازمان های توده ای کارگران و طبقه ی کارگر را فراهم آورد، و بخشی از فرمول بندی های عوامل سرمایه را به رسوبات تاریخ مبدل ساخت. با این وجود، بدون شک در فردای رهایی رنجبران و زحمتکشان از قید مناسبات سرمایه داری، حماسه ی شگفت انگیز شما عزیزان روایت روایت گران آزادی خواهد بود.

لذا بر خود لازم دانستیم نهایت سپاس و قدردانی کارگرمایان را نثار تمام کسانی نمائیم که: مفهوم اتحاد طبقاتی را دیگر بار، با پیوند خود با اعتراضات توده ای، و حمایت های بی دریغ از ما و جنبش کارگری و مواضع برحق آن، از دور و نزدیک پشتیبان واقعی ما و خانواده های ما بوده اند.

در پایان ضمن پایفشاری مجدد بر تمامی مواضع جنبش کارگری، و دفاع همه جانبه از خود و تمامی فعالین کارگری، که عزمی جدای از ارتقای سطح زندگی رنجبران و اعتراض به سفره ی خالی کارگران ندارند، خواهان پایان بخشیدن به تمامی سطوح فشار بر فعالین کارگری و کارگران پیشرو و تشکلهای مستقل کارگری بوده، و آزادی بدون قید و شرط تمامی همزمان خود از جمله: رضا شهابی- بهنام ابراهیم زاده- شاهرخ زمانی- محمد جراحی- رسول بدایعی- پدram نصراللهی- غالب حسینی- علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری را خواستاریم.

پیوسته باد همبستگی طبقاتی کارگران

با تقدیم احترام وفا قادری- خالد حسینی- حامد محمودی نژاد- بهزاد فرج اللهی

اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری- 1392/1/29

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس مقابل فرمانداری قروه در کردستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 فروردین 92 آمده است: بیش از یکصد و بیست کارگر کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به نمایندگی از ۲۶۰ کارگر این کارخانه دوشنبه ۲۶ فروردین در اعتراض به تعطیلی کارخانه طی یک ماه اخیر و عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران که با سوابق کار ۱۰ تا ۲۰ سال در آستانه بیکاری قرار دارند نسبت به نابودی امنیت شغلیشان معترض‌اند. کارگران مدعی شده‌اند کارفرما بدون تعیین زمان مشخصی تنها به آنان گفته است فعلاً بر سر کار خود حاضر نشوید. یکی از کارگران این واحد تولیدی که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت اظهار کرد: بیش از ۲۶۰ کارگر شاغل در این مجموعه تولیدی علاوه بر اینکه از بهمن ماه سال گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند، بعد از پایان تعطیلات نوروزی نیز از ورودشان به کارخانه جلوگیری شده است. نماینده کارگران فولاد زاگرس در تشریح جزئیات مشکلات این کارگران افزود: به دستور کارفرما حراست کارخانه بعد از تعطیلات نوروزی در تاریخ ۱۶/۱/۹۲ از ورود کارگران جلوگیری به عمل آورده است.

این کارگر اضافه کرد: مجدداً بعد از این تاریخ از سوی کارفرمای کارخانه پیامکی برای کارگران ارسال شد مبنی بر اینکه «تا پایان ماه (۳۰/۱/۹۲) بر سر کار خود حاضر نشوید تا به شما اطلاع داده شود»

این فعال کارگری ادامه داد: پس از دریافت این پیامک ۱۲۰ کارگر به نمایندگی از سایر کارگران در اعتراض به این اقدام کارفرما در مقابل فرمانداری تجمع کردند و بعد از دیدار با فرماندار، این مقام مسئول قول داد امنیت شغلی کارگران حفظ خواهد شد و دلیل بلا تکلیفی کارگران را مشخص نشدن اعضای هیئت مدیره از سوی تامین اجتماعی عنوان کرد.

نرخ بیکاری بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است/عدم محاسبه «اخراج» های ناشی از تعدیل

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 30 فروردین 92 آمده است: یک عضو شورای عالی کار با اعلام اینکه نرخ بیکاری بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است، گفت: علت نادرست بودن نرخ بیکاری، در عدم محاسبه میزان خروجی‌های مبتنی بر تعدیل و کاهش نیروی کار را از سوی مراکز آماری است. به گزارش ایلنا، فرامرز توفیقی با اعلام اینکه آمار دقیقی از شروع به کار بنگاه‌ها در سال جدید وجود ندارد گفت: بنگاه‌های تولیدی در انتظار آمار همسان سازی نرخ از سوی بانک مرکزی هستند. وی در مصاحبه با رادیو گفت و گو اظهار داشت: در حوزه کار برخی مراجع تنها آمار ورودی‌ها را اعلام می‌کنند و میزان خروجی‌های مبتنی بر تعدیل و کاهش نیروی کار را محاسبه نمی‌کنند تا آمار دقیقی از میزان اشتغال بدست آید.

توفیقی نرخ بیکاری را بین ۲۰ تا ۳۰ درصد تخمین زد افزود: مادامی که این آمار را به بعنوان یک بحث پنهان قلمداد کنیم و به درستی آن را در اختیار مراکز قرار ندهیم و نمی‌توانیم آمار را سنجش کنیم و قطعاً گمانه زنی‌ها نمی‌تواند به بار بنشیند

وی گفت: این امر باعث می‌شود هزینه بسیاری صرف شود ولی بازخورد این انرژی و سرمایه اندک باشد، چرا که بر اساس فرضیات و گمانه زنی‌ها چنین تئوری را پیاده سازی کرده‌ایم.

تماس تلفنی علی آزادی، فعال کارگری دربند با خانواده اش

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 30 فروردین 92 آمده است: طبق گزارش رسیده چهارشنبه شب (92/1/28)، علی آزادی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی، که مدت 45 روز است به اتهامات واهی در بازداشت اداره ی اطلاعات سنجده به سر می برد، طی تماسی تلفنی با همسرش خبر از اتمام بازجویی های خود داده، و ادامه بازداشتش را غیر قانونی اعلام نمود. همچنین نام برده طی این تماس خبر از وضعیت وخیم جسمی خود و امتناع مسئولین امنیتی بازداشتگاه اداره ی اطلاعات از ارائه ی خدمات درمانی و دارویی به خود را داد، و از شرایط غیر بهداشتی بازداشتگاه نیز ابراز ناراحتی نموده بود، که این وضعیت موجبات نگرانی خانواده، دوستان و دیگر فعالین کارگری را فراهم آورده است.

کمیته هماهنگی ضمن محکوم نمودن تمامی فشارهای اعمال شده بر این فعال کارگری و دیگر فعالین و تشکل های کارگری، خواهان پایان بخشیدن به احکام بازداشت و زندان تمامی کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران به مناسبت ۲۰ آوریل در دفاع از کارگران زندانی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران مردم شریف و آزاده و همه مدافعین حقوق کارگر در کشوره...ای مختلف را فرامیخواند که روز شنبه ۲۰ آوریل در آکسیون هائی که به این مناسبت اعلام میشود شرکت کنند و یا خود آکسیون هائی را به این مناسبت سازمان دهند و خواهان پایان دادن به اذیت و آزار فعالین و رهبران کارگری و آزادی فوری کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شوند. باید فشار به جمهوری اسلامی را گسترش داد و زمینه را برای یک خیزش هرچه قدرتمندتر علیه حکومت فقر و سرکوب اسلامی آماده تر ساخت. رضا شهابی را دوباره به زندان بردند و مرخصی بهنام ابراهیم زاده تمدید نشده است. هفته ای نیست که فعالی احضار یا دستگیر نشود. بسیاری از فعالین کارگری پرونده قضائی دارند و در مناسبت های مختلف احضار میشوند یا تحت انواع فشار قرار میگیرند. تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری در سیاه چال های حکومت اسلامی هستند. اول مه نزدیک است و سرکوبگران برای جلوگیری از تجمعات و اعتراضات کارگران و مردم، فشار به فعالین کارگری را افزایش میدهند. میتوانیم و باید این وضعیت را تغییر دهیم. پیش به سوی یک مبارزه گسترده برای آزادی کارگران زندانی و پایان دادن به پرونده سازی علیه فعالین کارگری و اذیت و آزار آنها. پیش به سوی مبارزه برای شکستن درب زندانها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی .

مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران
سرور کاردار

تجمع در مقابل ایران خودرو تبریز

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه به نقل از آناج در 30 فروردین 92 آمده است : تعدادی از شهروندان در اعتراض به عدم تحویل به موقع خودروهای خود در مقابل شرکت ایران خودرو تبریز تجمع کرده اند . به گزارش آناج، صدها شهروند تبریزی در اعتراض به عدم تحویل خودرو توسط ایران خودرو تبریز در زمان مقرر روزانه در مقابل شرکت ایران خودرو تجمع می کنند . خریداران حاضر در تجمع ورودی ایران خودرو تبریز با در دست داشتن مدارک مربوط به تاخیر در تحویل خودرو از عدم همکاری این شرکت انتقاد کرده اند. تاکنون هیچ مقام مسئولی به اعتراض شهروندان پاسخ نداده است .

آزادی فریبرز رئیس دانا اقتصاد دان و مدافع حقوق کارگران

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 30 فروردین 92 آمده است : فریبرز رئیس دانا روز سه شنبه 27 فروردین بعد از گذراندن حدود یکسال حبس از زندان آزاد گردید. نام برده به دنبال انجام مصاحبه های روشنگرانه در ارتباط با طرح به اصطلاح هدفمندی یارانه ها توسط نیروهای امنیتی بازداشت، و روانه ی زندان گردید.

وی تنها به اتهام دفاع از حقوق کارگران و نشان دادن تبعات زیان بار حذف یارانه ها از زندگی و معیشت محرومان ایران، و اعتراض به این طرح ضد کارگری اقدام به انجام مصاحبه هایی افشا گرانه بر علیه این برنامه های سرمایه محور نموده بود؛ اما حامیان غیر قابل انعطاف سرمایه در ایران، که منافعی را در سایه ی این افشاگری ها در خطر می دیدند، با برتابیدن حقایق افشا شده، و با به زندان افکندن وی تلاش کردند تا مانع از روشنگری های بیشتر ایشان شوند.

کمیته هماهنگی ضمن شادباش آزادی وی به خانواده ی ایشان و جامعه ی کارگری ایران، خواستار آزادی تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی، و منع محدودیت های اعمال شده بر علیه آنان می باشد..

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

فراخوان سه سازمان حقوق بشر کردستان اول ماه مه امسال را روز همبستگی با کولبران کرد اعلام کنید !

به نوشته سایت اخبارروز : سه سازمان حقوق بشر کردستان در فراخوانی خطاب به احزاب و سازمان های مترقی، تشکل های کارگری و برابری طلب و سازمان های مدافع آزادی های مدنی و حقوق بشر از آن ها خواسته اند که اول ماه مه روز جهانی کارگر را روز همبستگی با کولبران کورد اعلام کنند.

متن این بیانیه ی مشترک به این شرح است:
فراخوان!

احزاب و سازمانهای مترقی!

تشکلهای کارگری و برابری طلب!

سازمانهای مدافع آزادیهای مدنی و حقوق بشر!

سالهاست که بی حقوقی و اجحاف در جامعه مدنی ایران بخاطر سیاستهای مایشایی حکومت اسلامی ابعاد فاجعه باری را متحمل میگردد.

در همین راستا مناطق کشاورزی و دامداری در روستاهای کورد نشین مرزی به آتش کشیده میشوند تا به این وسیله زیر بنای محیط اجتماعی آنان از بین برود و ملت کورد را به تمکین و مطیع اوامر خویش وادارد.

عدم وجود اشتغال برای مرزنشیان مناطق کورد نشین آنها را وادار کرده است که برای رسیدن به یک زندگی ابتدایی مجبور به کولبری در مقابل دستمزدی بسیار کم در مناطق مرزی شوند و بدین وسیله امرار معاشی برای زندگی کردن خود بدست بیاورند.

ترفند حکومت اسلامی که ابعاد وخیمی بخود گرفته هر روز در مناطق مرزی و باکشتار این قشر زحمتکش تداوم داشته و نیروهای سرکوبگر سپاه و ژاندارمها، عملاً و بدون هیچ ابایی، هم دستگاه قانونگذار و هم مجری شده و تحت عنوان قاچاقچی، کولبران ستمکش را از راه دور محاکمه و بقتل میرسانند. امری که با توجه به نوع اجناس و کالاهایی که رد و بدل میشود، در قوانین ایران هرگز بعنوان جرم تلقی نشده است. این کالاهای نه تأثیرات مخربی دارند و نه مغایر مصالح عمومی و غیرشرعی محسوب میشوند.

بنا بر این کولبران زحمتکش کورد را که فاقد هر نوع تأمین اجتماعی از قبیل بیمه، بازنشستگی، حقوق بیکاری و پوشش درمانی هستند، میتوان بعنوان تهیدستترین قشر جامعه ایران قلمداد نمود که علیرغم این بی حقوقی فاحش و آشکار، نباید با گلوله های عوامل حکومت بخاطر ارتزاق و معیشت مصیبت بار خانواده بخاک و خون هم کشیده شوند.

اول ماه مه روز جهانی کارگر را پیش روی داریم و ضمن تبریک به تمامی کارگران و زحمتکشان، انتظار داریم اول ماه مه امسال را بنام روز همبستگی با کولبران کورد نام گذاری نمایید.

جمعیت حقوق بشر کرد

سازمان حقوق بشر کردستان

کوردوساید واچ (چاک - کمیته شرق کوردستان)

۱۳۰۴-۰۴-۱۸

عدم توجه به قرارگیری کارکنان علوم آزمایشگاهی در لیست مشاغل سخت و زیان آور

به نوشته سایت ایمن در 30 فروردین 92 آمده است : گزارشی از مشکلات کارکنان آزمایشگاه ها - ایدز و هیاتیت در کمین کارشناسان آزمایشگاهی

کارکنان علوم آزمایشگاه گرچه تاکنون از قانون بهره‌وری برخوردار نشده‌اند اما همچنان از اصلی‌ترین زنجیره تشخیص و درمان بسیاری از بیماری‌ها هستند و برای تشخیص و حتی پیشگیری از بسیاری از بیماری‌های مهلک تلاش می‌کنند هر چند که شاید در این بین جان خود را از دست دهند. آنان امیدوارند تا با قرار گیری آنان در لیست مشاغل سخت و زیان آور بسیاری از مشکلات آنان رفع شود.

حسن قجاوند با اشاره به اینکه آزمایشگاهیان همواره از قوانینی که در مجامع سلامت پیاده شده به دور مانده‌اند، می‌افزاید: به عنوان مثال در قانون بهره‌وری و ارتقای کیفیت به هیچ عنوان نامی از آزمایشگاه و کارکنان این رشته برده نشده است.

عضو هیات مدیره جامعه آزمایشگاهیان بالینی کشور با بیان اینکه این را باید در نظر داشت افزایش کیفیت در آزمایشگاه می‌تواند در بالا بردن سلامت جامعه دخیل باشد، می‌گوید: امروزه آزمایشگاهیان علی‌رغم کار در محیط‌های بسیار آلوده از کمترین سختی کار نیز برخوردار نیستند و حتی توافق وزیر بهداشت سابق در این زمینه افاقه نکرد و این امر انجام نشد. وی می‌افزاید: در حال حاضر کانون آزمایشگاهیان کل کشور نیز خواستار تحقق این امر و قرارگیری این شغل در لیست مشاغل سخت و زیان‌آور است. قچاوند با اشاره به اجرایی شدن قانون بهره‌وری برای پرستاران و می‌افزاید: اجرایی شدن این قانون برای پرستاران نه تنها به نفع آزمایشگاهیان بالینی نبود بلکه موجب افزایش ساعت کار آنان شد. محمد حسین‌خانی عضو نظام پزشکی اصفهان و مسوول فنی آزمایشگاه ثامن الائمه با بیان اینکه پایین بودن حقوق کارمندان این رشته نیز از دیگر مشکلاتی این جامعه است، اظهارداشت: با توجه به خطرات فراوانی که کارکنان آزمایشگاه را تهدید می‌کند این حقوق کفاف آنها را نمی‌کند. یکی از کارکنان علوم آزمایشگاهی با اشاره به اینکه حرفه آزمایشگاه از مشاغل سخت و زیان‌آور است، ادامه می‌دهد: بسیاری از کارکنان آزمایشگاه‌ها با خطر ابتلا به انواع و اقسام بیماری‌ها روبرو هستند، افرادی که روزانه برای آزمایش به این مراکز ارجاع داده می‌شود یا از بیماری خود بی‌اطلاع هستند یا در هنگام آزمایش حرفی در این زمینه نمی‌زنند و این در برخی موارد موجب انتقال برخی از بیماری‌های مهلک مانند هپاتیت و یا ایدز می‌شود. وی خواستار توجه ویژه به کارکنان علوم آزمایشگاهی و قرارگیری آنان در لیست مشاغل سخت و زیان‌آور شد و ادامه داد: در این صورت می‌توان امیدوار بود که در صورت ابتلا به بیماری می‌توان برای درمان هر چه سریعتر و بهتر آن تلاش کرد و از پیشرفت بیماری جلوگیری کرد.

سخنان رضا شهابی در مسیر بازگشت به زندان اوین:

http://www.youtube.com/watch?v=hJc0TQrP1uY&feature=player_embedded

دیدار فعالین کارگری آزاد شده با خانواده ی علی آزادی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 30 فروردین 92 آمده است: پنج شنبه شب 92/1/29 فعالین کارگری آزاد شده (وفا قادری- خالد حسینی و حامد محمودی نژاد)، به همراه تعداد دیگری از فعالین کارگری شهر سنندج، در دیداری صمیمانه با خانواده ی علی آزادی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی که هم اکنون در بازداشتگاه اداره ی اطلاعات سنندج به سر می برد، بار دیگر بر پیوند طبقاتی خود با علی آزادی و دیگر فعالین کارگری در بند تأکید ورزیده، و حمایت های بی دریغ و همه جانبه ی خود را از تمامی فعالین کارگری زندانی و مواضع برحقشان ابراز نمودند. حاضرین در این دیدار پشتیبانی توده ی کارگران را در پایان بخشیدن به این تهاجمات گسترده به صفوف فعالین کارگری را عاملی مهم، و ضرورتی اجتناب ناپذیر در پیشروی جنبش کارگری تلقی نموده، و خواستار حمایت همه جانبه از کارگران و فعالین کارگری زندانی شدند. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- 30 فروردین 1392

وخیمتر شدن وضعیت معیشتی کارگران با افزایش قیمت نان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 31 فروردین 92 آمده است: در پی انتشار خبر حتمی بودن افزایش قیمت نان در روزهای آینده، یک کارشناس مسائل کارگری نسبت به وخیمتر شدن وضعیت معیشتی کارگران در صورت گرانی نان هشدار داد. علیرضا حیدری در این باره به ایلنا گفت: نان یک کالای ضروری پرمصرف است و از نظر اهمیت نخستین کالا در سبد هزینه مصرفی کارگران محسوب می‌شود. وی یادآور شد: در سالهای گذشته همواره با افزایش بهای کالای‌های ضروری چون مواد پروتئینی، لبنیات، انواع گوشت و میوه و سبزیجات، کارگران به دلیل ضعف قدرت اقتصادی نان را جایگزین این کالاها کرده‌اند. به گفته این کارشناس مسائل کارگری با توجه به کاهش قدرت خرید کارگران چنانچه قیمت نان در سال ۹۲ تغییر کند باید شاهد کاهش تدریجی نان از سفره مزدگیران بود. حیدری تأکید کرد چنانچه نان نیز مانند گوشت، میوه و سبزی از سفره کارگران خارج شود، هیچ

کالایی برای جایگزین شدن وجود ندارد .
دبیر سابق کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: به همین دلیل دولت باید قیمت نان را کنترل کرده و در شرایط تورمی کنونی مانع افزایش بهای آن بشود .
این فعال کارگری گفت: چنانچه در سال ۹۲ حداقل درآمد یک خانواده متوسط کارگری را ۵۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم، بابت سهم هزینه هر یک از اعضای خانواده ماهانه ۱۲۵ هزار و روزانه سه هزار تومان اختصاص می‌یابد .
حیدری بابیان اینکه این مبلغ سرانه بر مبنای دلار مبادله‌ای ۲۵۰۰ تومانی معادل حدود یک دلار خواهد شد، گفت: این مبلغ با تعریف‌های جهانی که از خط فقر می‌شود بسیار مطابقت دارد. طبق تعریف سازمان ملل درآمد روزانه یک تا دو دلار معیار فقیر بودن افراد تلقی می‌شود

گزارشی از کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا: اخراج 180 کارگری سال گذشته - برداشت حق دندان پزشکی از حقوق ماهیانه کارگران بدون ارائه هیچگون خدماتی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 31 فروردین 92 آمده است: یک سال پس از مطرح شدن وعده ارائه خدمات دندان پزشکی به کارگران کارخانه «فروآلیاژ ازنا»، این کارگران با مشکلات عجیبی مواجه شده‌اند.

اردیبهشت ماه سال ۹۱ بود که به کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا وعده داده شد که به زودی در محل کار آن‌ها یک مطب دندانپزشکی راه اندازی خواهد شد.

بر این اساس قرار بود تا از طریق انعقاد یک تفاهم‌نامه همکاری میان کارفرمای شرکت فروآلیاژ با شرکتی به نام «بهبود آذین گستر» خدمات دندان پزشکی به کارگران و خانواده‌های آن‌ها ارائه شود. بنا بر ادعای کارگران فروآلیاژ، در نهایت این تفاهم نامه همکاری امضا شد و به موجب آن هر ماهه مبلغی از حقوق آن‌ها کاسته می‌شود بی‌آنکه خدماتی به کارگران و اعضای خانواده‌های آن‌ها ارائه شود.

به گفته کارگران این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه در پاییز سال گذشته سه نفر پزشک برای اجرای این طرح در محلی خارج از شهر مستقر شدند که به دلیل دوری مسافت، محدود بودن زمان مراجعه به روزهای پنجشنبه و جمعه، کثرت مراجعه کنندگان و نبود امکانات اولیه مانند روشنایی معابر، کارگران نتوانستند از این خدمات استفاده کنند.

کارگران فروآلیاژ می‌گویند این وضعیت سرگردانی برای مدت نزدیک به یک سال ادامه داشت تا اینکه به تازگی به آن‌ها گفته شده است به دلیل غیر معتبر بودن شرکت ارائه دهنده خدمات دندان پزشکی تفاهم نامه امضا شده غیر قابل اجراست.

این اظهارات درحالی است که مسئولان شرکت «بهبود آذین گستر» می‌گویند که به عنوان مجری ارائه دهنده خدمات بهداشت دهان و دندان هیچ تفاهم نامه‌ای را با کارخانه فروآلیاژ ازنا امضا نکرده‌اند.

به گفته خانم فرجی، مدیرعامل کنونی شرکت بهبود آذین گستر با اعلام اینکه شرکت متبوعش هیچ تفاهم نامه‌ای را با کارخانه فروآلیاژ ازنا امضا نکرده است، در خصوص ادعای نارضایتی کارگران این کارخانه گفت: مدیرعامل سابق این شرکت بدون اجازه، از جانب خود و بطور شخصی قراردادی را با کارخانه فروآلیاژ امضا کرده است اما از نظر قانونی و حقوقی هیچ مسئولیتی متوجه شرکت بهبود آذین گستر نیست.

وی با بیان اینکه مجموعه تحت مدیریت وی با دولت یک قرارداد کلی در خصوص فعالیت در شهرستان‌ها منعقد کرده است؛ تاکید کرد در حال حاضر تنها بصورت آزمایشی در تهران مشغول فعالیت هستیم.

هرچند بنا بر ادعای مدیرعامل، این شرکت هیچ تفاهم نامه همکاری با کارخانه فروآلیاژ منعقد نکرده است و از این بابت هیچ مسئولیتی ندارد اما در این میان نمی‌توان نسبت به وضعیت کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا بی‌تفاوت بود.

این کارگران که سال گذشته شاهد تعدیل حدود ۱۸۰ نفر از همکاران خود بودند مدعی‌اند که همزمان با گرانی‌های سال گذشته هر ماه مبلغی از حقوق آن‌ها بابت ارائه خدمات دندان پزشکی کسر شده است بدون آنکه خدماتی ارائه شود.

قیمت روغن نباتی 40 درصد افزایش یافت

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 31 فروردین 92 آمده است: دبیر انجمن صنایع روغن نباتی از افزایش 40 درصدی قیمت روغن نباتی خبر داد و گفت: با توجه به تغییر سیاستهای دولت در تخصیص نرخ ارز مرجع برای واردات روغن خام از یکشنبه اول اردیبهشت ماه واردات روغن خام صرفاً با ارز مبادله ای صورت می گیرد. قاسم فلاحتی با اشاره به وابستگی 90 درصدی کشور به واردات روغن خام افزود: تغییر نرخ ارز تأثیر مستقیمی بر قیمت تمام شده کالا دارد. بنابراین براساس مصوبه ستاد تنظیم بازار و هماهنگی به عمل آمده بین انجمن روغن نباتی و وزارت صنعت، معدن و تجارت افزایش 40 درصدی قیمت روغن نباتی تصویب شد. وی توقف تخصیص ارز مرجع به واردات روغن نباتی را عامل اصلی و مهمی برای افزایش قیمت روغن نباتی ذکر کرد. فلاحتی خاطرنشان کرد: انواع روغن از فردا اول اردیبهشت ماه با افزایش 40 درصدی در قیمت عرضه خواهد شد. دبیر انجمن صنایع روغن نباتی توضیح داد: تاکنون قیمت روغن براساس ارز مرجع محاسبه می شد، اما از این پس 50 درصد روغن خام با قیمت ارز مرجع و 50 درصد دیگر که توسط بخش خصوصی وارد شده است با ارز مبادله ای محاسبه و تامین خواهد شد.

حجم نقدینگی از مرز 500 هزار میلیارد تومان گذشته است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 31 فروردین 92 آمده است: نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی گفت: مرحله نخست اجرای هدفمندی سازی یارانه ها اشکالاتی داشت که برای مراحل بعدی باید مورد آسیب شناسی قرار گیرد. به گزارش ایلنا، محمدرضا باهنر ظهر امروز در نشست خبری که در هتل ساحل ارومیه برگزار شد، با تبریک فرا رسیدن سالروز تاسیس سپاه پاسداران، اظهار داشت: در تمام دوران ها، نیروهای مسلح برای دفاع از محدوده جغرافیایی کشور حضور داشته و در این زمینه نیز تلاش ها خوب بود. وی تصریح کرد: نیروهای مسلح در تولید و به روز رسانی تجهیزات نظامی خود تلاش زیادی می کنند، به طوری که بسیاری از رقبا اذعان دارند ایران اسلامی در تجهیزات دفاعی به نقطه خوداتکایی رسیده است. باهنر افزود: ما قصد تجاوز به حریم هیچ کشوری را نداریم، اما برای دفاع از خاک ایران اسلامی همواره آماده ایم و آمادگی دفاع و حرکت متقابل در تمام زمینه ها را داریم. وی با بیان اینکه ما خواهان صلح هستیم، خاطرنشان کرد: ایران اسلامی از جنگ بیزار است ولی اگر کشوری قصد حمله به ایران را داشته باشد، برای دفاع خیلی جدی هستیم. باهنر در ادامه با اشاره به تحریم ها علیه ایران، گفت: تلاش برای خنثی سازی تحریم ها خوب بود و ملت ایران نشان دادند که تحریم نه تنها تهدید نیست بلکه فرصت است. نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به راهبرد مجلس در زمینه های اقتصادی، گفت: راهبرد مجلس و دولت در رابطه با مسائلی مثل تورم و گرانی در کشور طبیعی است، بسیاری از این مشکلات از حمله گرانی و تورم نتیجه کار گذشتگان است که برای ما به ارث رسیده است. باهنر اظهار داشت: بخشی از برنامه ها نیز تعیین شده است که باید هر نهادی در درجه اختیارات خود از آن استفاده کند و در حد اختیارات خود نیز پاسخگو باشد. وی تصریح کرد: هدفمندی یارانه یک کار ضروری و غیر قابل اجتناب بوده و هست و من به عنوان کسی که تقریباً در تمام دولت های پس از انقلاب در مجلس بودم شهادت می دهم، تقریباً همه دولت ها آرزو داشتند تا این طرح را اجرایی کنند. باهنر افزود: دولت نهم این شجاعت را به خرج داد و مجلس را زیر بار این مسئولیت برد و مجلس نیز آن را در قالب قانون جامع و کامل تهیه کرد. کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری ادامه داد: در این میان اختلاف نظراتی بین مجلس و دولت وجود داشت که نمونه بارز آن سرعت اجرای این طرح بود که دولت می خواست در یک مرحله این طرح را اجرایی کند و مجلس خواهان این بود که مردم و دولت تاب تحمل این فشار سنگین را ندارند و اصرار داشتیم این طرح را در 5 سال اجرایی کنیم. باهنر گفت: بالاخره این قانون تصویب شد و دولت مجبور به اجرای آن بود و توانست به خوبی در این

مسیر حرکت کرده و راه را طی کند ولی قانون به صورت جامع اجرا نشد و برخی منافع این طرح زیر علامت سؤال رفت.

وی اظهار داشت: مواردی که بیشترین ضرر را از اجرای این طرح داشتند، بنگاه‌های تولیدی بود، سهمی از درآمد هدفمندی یارانه‌ها برای آن‌ها در نظر گرفته بودیم تا ساختار و تجهیزات خود را اصلاح کنند ولی دولت نتوانست این درآمدها را مدیریت کند و این امر مشکلاتی را ایجاد کرد. با هنر ادامه داد: قرار نبود تمام یارانه خانوار نقدی پرداخت شود و برای این منظور دست دولت را باز گذاشتیم که یارانه خانوار را کالایی، خدماتی و یا نقدی پرداخت کند که دولت آن را نقدی پرداخت کرد و حداکثر تلاش را داشت تا وضعیت اقتصاد خانوار بهبود یابد و از سوی دیگر چون کارخانه‌های تولیدی با این وضعیت تطبیق نیافتند، سبب ایجاد تورم شد به طوری که بنگاه‌ها از تولید باز مانده و سطح تولید کاهش یافت و برخی خانواده‌ها که کام شیرین از اجرای این طرح داشتند با مسئله گرانی‌ها کامشان تلخ شد.

وی افزود: مرحله نخست اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها اشکالاتی داشت که برای مراحل بعدی باید مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد.

با هنر خاطرنشان کرد: مرحله دوم این طرح حتماً اجرایی می‌شود، اما با آسیب‌شناسی مرحله اول و زمانی مرحله دوم آغاز می‌شود که مرحله نخست را آسیب‌شناسی کرده باشیم. وی با بیان اینکه علت اصلی تورم رشد بی رویه نقدینگی است، گفت: با سیاست‌های دولت حجم نقدینگی کشور افزایش یافت به صورتی که در ابتدای دولت احمدی‌نژاد حجم نقدینگی کشور حدود 70 هزار میلیارد تومان بود که امروز این میزان از مرز 500 هزار میلیارد تومان گذشته است. با هنر اعلام کرد: میزان نقدینگی در طول دولت نهم و دهم 7 برابر افزایش داشت که این امر فقط علت اصلی تورم محسوب می‌شود، ولی تورم می‌تواند علل دیگری نیز داشته باشد. وی در پایان یادآور شد: در مجلس تا جایی که امکان دارد تلاش خود را داریم که با دولت درگیر نشویم و در برخی موارد نیز نمی‌گذاریم برخی استیضاح‌ها به نتیجه نهایی برسد.

اعتصاب تاکسی داران همدان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 31 فروردین 92 آمده است: تاکسی‌داران چرخشی شهر همدان به دلیل نرخ‌گذاری غیر کارشناسی شورای شهر همدان دست به اعتصاب زدند. برپایه این گزارش، صبح شنبه هر رهگذری که از میدان جهاد همدان عبور کرد با حجم زیادی از تاکسی‌های زرد رنگی که همه محوطه این میدان را اشغال کرده بودند مواجه می‌شد که از سوار کردن مردم و مسافرانی که برای رسیدن به محل کار در ایستگاه بودن خودداری می‌کردند. با حضور در بین رانندگان تاکسی که به نشانه اعتراض صبح روز اول هفته، دست از کار کشیده بودند صحبتی کردیم تا چرایی و چگونگی و دلیل این اعتصاب را جویا شویم.

یکی از رانندگان که حدود 23 سال سابقه در صنف تاکسی‌دار دارد از عدم توجه مطلوب به این قشر به شدت گلایه داشت و معتقد بود که طی دو سال اخیر با حجم گرانی که از لوازم یدکی خودرو در بازار مواجه هستیم اصلاً مسئولان سازمان تاکسیرانی به فکر رانندگان که حجم بالایی از بار ترافیکی شهر را بر دوش دارند نیستند.

وی با اشاره به اینکه پنج‌شنبه از طریق پخش اطلاعیه از طرف سازمان نرخ تاکسی‌های گردش‌ی همدان اعلام شده که از اکثر مسیرها شاهد افزایش نرخ 50 درصدی هستیم اما در یکی از مسیرهای پرتردد که هر روزه با ترافیک بالایی روبرو است تنها 25 درصد افزایش داشته است. بر اساس اعلام نرخ جدید مسیر میدان امام تا میدان جهاد که در سال گذشته 200 تومان بوده، 250 تومان اعلام شده است و این در حالی است که در اکثر مسیرهای مشخص شده برای تاکسی‌های خطی یا گردش‌ی شاهد افزایش نرخ 50 درصدی هستیم.

کشته و زخمی شدن ۲ کولبر دیگر در مناطق مرزی پیرانشهر

به گزارشسایت کُرپا، در 31 فروردین 92 آمده است: یک کولبر کُرد در کوهستان‌های مرزی شهرستان پیرانشهر، با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران به قتل رسید. بنابه‌مین گزارش، روز جمعه سی‌ام فروردین‌ماه یک کولبر کُرد به نام "ابراهیم عزیزی" فرزند اسکندر، اهل روستای "دربکه" در شهرستان پیرانشهر به سبب تیراندازی مستقیم نظامیان حکومتی جان خود را از دست داد.

وی ۳۳ سال سن و دارای ۲ فرزند است. همچنین در نتیجه‌ی شلیک این نیروهای کولبر دیگر به نام "مولود" فرزند "بایزید" به شدت زخمی که جهت مداوا به مراکز درمانی ارومیه منتقل شده است. این کولبر ۴۰ ساله از اهالی روستای "تاچین آباد" شهرستان اشنویه بوده که در اثر شلیک نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران به شدت زخمی می‌شود. در این گزارش آمده است، در تعقیب و گریز کولبران توسط نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران، برادر ابراهیم به نام "کیوان" ناپدید می‌شود و تا لحظه‌ی انتشار این خبر، هیچ اطلاعی از سرنوشت وی در دست نمی‌باشد.

رشد بیش از ۹۵ درصدی قیمت دلار و سکه در سال ۹۱

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 31 فروردین 92 آمده است: استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی از رشد ۹۷ درصدی قیمت دلار و افزایش ۹۵ درصدی قیمت سکه در سال ۹۱ خبر داد.

حسن حیدری، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در گفتگو با ایلنا با بیان اینکه در سال ۱۳۹۱ بازار داراییها در اقتصاد ایران شاهد نوسانات شدیدی بود، اظهار داشت: در سال گذشته عمده نوسانات در بازار ارز، طلا و مسکن رخ داد و این نوسانات به گونه ای بود که با اغماض میتوان سال ۱۳۹۱ را از نظر اقتصادی پرنوسان ترین سال در دهه های اخیر دانست. وی افزود: پیش از آن شاهد این میزان نوسان در بازار ارز، افزایش قیمت طلا و افزایش قیمت مسکن نبوده ایم. تحولات بازارهای سکه و ارز و همچنین بازار مسکن نشان می دهد سرمایه گذاری در این بازارها بازدهی های قابل توجهی برای سرمایه گذاران به همراه دارد که در بخش تولید امکان کسب چنین نرخهای سودی وجود ندارد، لذا بسیار طبیعی و قابل انتظار خواهد بود که سرمایه گذاران به هرترفندی منابع را به این بازار تزریق کنند.

حیدری افزود: تداوم چنین روندی در سالهای آینده سبب خواهد شد تا بخش تولید به تدریج تضعیف شود، چرا که انگیزه کافی برای فعالیت در آن وجود ندارد. این چالشی است که سیاست گذاران اقتصادی باید با آن روبرو شوند، چرا که عدم درمان آن در میان مدت و بلندمدت صدمات جدی به اقتصاد ایران وارد خواهد کرد.

حیدری خاطر نشان کرد: در فروردین ماه ۱۳۹۱ متوسط قیمت هر دلار آمریکا ۱۸۷۷۲ ریال بوده است، درحالیکه در زمستان قیمت دلار از مرز ۳۷۰۰۰ ریال نیز عبور کرد. بر این اساس قیمت دلار بیش از ۹۷ درصد در مدتی کمتر از یکسال افزایش یافته است که به تبع آن تورم کالاهای وارداتی و افزایش هزینه تولید کالاهای داخلی که به مواد اولیه و واسطه ای وارداتی وابسته هستند رخ داد. وی افزود: قیمت دلار در سال ۱۳۹۱ به میزان زیادی تحت تاثیر اخبار سیاسی تغییر کرده است، بطوریکه با ایجاد محدودیت های جدید شاهد آثار آن در بازار غیررسمی ارز بودیم. این کارشناس بازرگانی تصریح کرد: اگرچه در همین سال شاهد تلاش دولت برای ساماندهی بازار ارز از طریق ایجاد مرکز مبادلات ارزی بودیم، ولی باید پذیرفت که مسیر قیمت ارز در بازار غیررسمی به طور کلی مستقل از تلاش های دولت بوده است و عمدتاً تحولات سیاسی است که نرخ ارز را تعیین می کند.

وی گفت: همزمان با بازار ارز، قیمت طلا نیز نوسان قابل توجهی داشته است. قیمت طلا از این جهت اهمیت دارد که در حال حاضر شاخصی از انتظارات تورمی و پیش بینی کارگزاران اقتصادی از آینده اقتصاد ایران است. بر اساس گزارشات در فروردین ماه سال ۱۳۹۱، متوسط قیمت هر سکه تمام بهار آزادی (طرح جدید) ۷۴۶۳۴۰۹ ریال بوده است، در حالیکه در اوایل اسفندماه سال ۱۳۹۱ این رقم به بیش از ۱۴۵۰۰۰۰۰ ریال رسیده است بر این اساس، قیمت سکه در حدود ۹۵ درصد در کمتر از یک سال رشد کرده است.

وی افزود: با مقایسه افزایش حدود ۹۷ درصدی قیمت دلار در بازار غیررسمی این واقعیت مشخص می شود که افزایش قیمت سکه تقریباً با افزایش قیمت دلار در بازار غیررسمی هماهنگ بوده است.

حیدری گفت: اگرچه بانک مرکزی سعی کرده است تا با سیاست عرضه سکه های پیش فروش در تابستان و همچنین اسفندماه سال ۱۳۹۱ قیمت سکه طلا را کنترل کند، اما باید پذیرفت که در میان مدت و بلندمدت مسیر قیمت سکه طلا (و همچنین طلا) از دو منبع قیمت جهانی طلا و قیمت دلار در بازار غیررسمی تاثیرپذیر خواهد بود.

وی ادامه داد: با توجه به اینکه قیمتهای جهانی مستقل از اقتصاد ایران تعیین می شوند و از سوی دیگر در حال حاضر قیمت دلار بیشتر از تحولات سیاسی تاثیر می پذیرد تا تحولات اقتصادی، لذا تلاش های دولت برای کنترل قیمت سکه خنثی خواهد شد و بانک مرکزی تنها می تواند به این سیاست با هدف کنترل بخشی از نقدینگی توجه کند.

حیدری تصریح کرد: در سال ۱۳۹۱ بازار مسکن نیز شاهد نوسانات قیمتی قابل توجهی بوده است. بر اساس نتایج "طرح جمع آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در شهر تهران-تابستان ۱۳۹۱"، که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد، متوسط قیمت یک متر مربع زمین یا زمین ساختمان مسکونی کلنگی در شهر تهران در تابستان ۱۳۹۱ نسبت به بهار همان سال ۱۷,۱ درصد و نسبت به تابستان سال قبل از آن ۳۳,۶ درصد افزایش یافته است.

وی افزود: به همین ترتیب متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی نیز در تابستان ۱۳۹۱ نسبت به سال قبل حدود ۳۲ درصد رشد کرده است. به تبع افزایش قیمت مسکن در این مدت، متوسط مبلغ اجاره به علاوه ۳ درصد ودیعه بابت یک متر مربع بنا در شهر تهران در تابستان ۱۳۹۱ نسبت به بهار همان سال ۱۱,۲ درصد و نسبت به تابستان سال قبل ۲۶,۵ درصد رشد کرده است. حیدری خاطرنشان کرد: به این ترتیب قیمت مسکن نیز در سال ۱۳۹۱ نوسان قابل توجهی داشته است. با توجه به اهمیت مسکن در سید خانوارها و جوان بودن جمعیت کشور، تداوم این روند در سال ۱۳۹۲ و نحوه کنترل آن یکی از چالشهای اصلی اقتصاد ایران است.

قیمت گوشت در فروشگاههای سطح شهر ۶۰ درصد گران شد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 31 فروردین 92 آمده است: قیمت گوشت در فروشگاههای سطح شهر ناگهان به صورت فزاینده ای بالا رفته است و قیمت تا حدود ۶۰ درصد افزایش را تجربه می کند. در این میان، مسئولان تنظیم بازار کشور، حذف اختصاص ارز مبادلاتی به واردات گوشت و هدایت واردکنندگان به سمت تامین ارز از بازار آزاد است.

به گزارش خبرنگار مهر، قیمت گوشت در سطح فروشگاههای شهر چند روزی است که با افزایش مواجه شده است و در برخی از انواع گوشت قرمز، این افزایش تا ۶۰ درصد هم خود را نشان داده است. به خصوص در سطح فروشگاههای زنجیره ای، افزایش قیمت مشهود است و از سوی دیگر، با پایان یافتن فروردین ماه، بساط توزیع گوشتهای تنظیم بازاری نیز برچیده شده است.

برخی از مسئولان، دلایل متفاوتی را برای افزایش قیمت گوشت در سطح بازار عنوان می کنند که از جمله آن، حذف اختصاص ارز مرجع به گوشت و هدایت واردکنندگان به سمت واردات گوشت با ارز مبادلاتی است. در عین حال، واردکنندگان اما اذعان دارند که در دریافت ارز مبادلاتی برای واردات گوشت قرمز با مشکل مواجه هستند و همین امر، روند واردات را کند کرده است. یک مقام مسئول در معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت در گفتگو با خبرنگار مهر می گوید: دلیل اصلی افزایش قیمت گوشت ظرف روزهای اخیر، قطع اختصاص ارز مرجع به گوشت قرمز است، ضمن اینکه مرکز مبادلات ارزی نیز صف طولانی برای اختصاص ارز مبادلاتی به واردکنندگان گوشت تشکیل داده است و همین امر، واردکنندگان را به سمت خرید ارز از بازار آزاد تشویق می کند.

وی می افزاید: استفاده از ارز آزاد برای واردات گوشت، خود عاملی برای گرانی این کالا در سطح بازار شده است. ضمن اینکه گوشت تنظیم بازاری نیز به صورت محدود عرضه می شود.

بهزاد درخور، عضو هیات مدیره مجمع عالی واردات نیز در این رابطه به خبرنگار مهر می گوید: علت اینکه قیمت گوشت در برخی فروشگاههای زنجیره ای از جمله شهروند با افزایش مواجه بوده، این است که این فروشگاه، قبل از عید قیمتهای خود را افزایش نداده بود و گوشت تنظیم بازاری را بسته بندی و با قیمت مصوب در اختیار مردم قرار می داد.

وی افزود: در ماههای پایانی سال گذشته، واردات گوشت با ارز مرجع صورت می گرفت که بر

اساس تصمیم دولت، ارز مرجع واردات گوشت حذف و واردکنندگان به سمت واردات با ارز مبادلاتی که دو برابر قیمت ارز مرجع را داشت، هدایت شدند. در عین حال، کنترل های لازم را صورت داده ایم تا قیمت گوشت دو برابر افزایش پیدا نکند و میزان افزایش قیمت کمتر باشد.

درخور گفت: هم اکنون سیاست توزیع گوشت قرمز و بسته بندی آن در واحدهای بسته بندی، تامین گوشت از منابع داخلی است و با توجه به اینکه منابع تولید گوشت قرمز هم اکنون در کشور مناسب است، تلاش کرده ایم تا علاوه بر تقویت تولید داخلی، گوشت با کیفیت تری را نیز

در اختیار مردم قرار دهیم. وی با تاکید بر اینکه منابع داخلی گوشت قرمز، هم اکنون پاسخگوی نیاز بازار است، خاطرنشان کرد: البته مسئولان نیز باید برنامه های جلوگیری از قاچاق دام زنده به مرزهای جنوبی و غربی کشور را با جدیت پیگیری کنند و اجازه خروج دام زنده از کشور را ندهند. درخور ادامه داد: با توجه به افزایش تولید گوشت قرمز در ده استان کشور، هم اکنون منابع با کیفیت تولید داخلی وارد بازار شده است. یکی از اپراتورهای خرید مجازی فروشگاه شهروند در گفتگو با خبرنگار مهر می گوید: دلیل افزایش قیمت گوشت قرمز در فروشگاههای زنجیره ای به دلیل افزایش قیمت در سطح شهر است و توزیع کنندگان گوشت نیز قیمت را بالا برده بودند، این در حالی است که چند روز توزیع گوشت به دلیل انجام مذاکرات میان توزیع کنندگان و مسئولان شهروند بر سر قیمت و اختلاف نظر آنها متوقف شده بود. وی می افزاید: بالاخره این توافق حاصل شده است و توزیع گوشت در فروشگاههای شهروند با قیمتهای جدید از سر گرفته شده است. به گفته وی، هم اکنون قیمت هر کیلوگرم ران گوسفندی که تا پیش از عید ۲۲ هزار تومان بود، هم اکنون به ۲۶ هزار تومان و قیمت ران گوساله که تا پیش از عید ۲۰ هزار تومان بود، هم اکنون به ۳۲ هزار تومان رسیده است.

گران شدن نان حتمی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 31 فروردین 92 آمده است: مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران از قطعی بودن افزایش قیمت نان خبر داد. بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، «عباس قبادی» با اعلام اینکه قیمت خرید تضمینی گندم طی امروز و فردا مشخص می شود، اظهارداشت: در حال حاضر گندم کشاورزان را به صورت علی الحساب کیلویی ۵۵۰ تومان خریداری می کنیم. قیمت پیشنهادی برای خرید تضمینی گندم بین ۶۵۰ تا ۸۰۰ تومان برای هرکیلو گرم است. مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران در پاسخ به این سوال که آیا با افزایش قیمت گندم، نان گران می شود، گفت: طبعاً قیمت نان گران می شود.

تعطیلی بیش از ۵۰۰ کارگاه کفاشی در اصفهان در سال گذشت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 31 فروردین 92 آمده است: معاون اتحادیه کفاشان استان اصفهان گفت: سال گذشته بیش از ۵۰۰ کارگاه کفاشی در اصفهان تعطیل شد. محمد نایب پور، معاون اتحادیه صنف کفاشان اصفهان با بیان اینکه تولیدکنندگان کفش انگیزه ای برای توسعه فعالیت خود ندارند، به ایلنا گفت: ابتدای سال ۹۱ با افزایش نرخ ارز، نرخ مواد اولیه وارداتی که اغلب از کشورهای اروپایی و چین وارد کشور می شدند به طرز چشم گیری افزایش یافت و افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی نرخ زیره کفش و مواد اولیه منجر به رشد ۶۰ درصدی قیمت نهایی کفش شد و با کاهش قدرت خرید مردم، در ایام پایانی سال استقبال خوبی از خرید کفش ایرانی نشد. معاون اتحادیه صنف کفاشان اصفهان با اشاره به اینکه کارگاههای تولید کفش در تهران، اصفهان و تبریز هنوز برنامه خاصی برای افزایش تولید ندارند افزود: متأسفانه به دلیل نوسانات قیمتی سال گذشته همه تولیدکنندگان این صنف برای تولید مردد هستند. وی در خاتمه با بیان اینکه در سال گذشته بیش از ۵۰۰ کارگاه تولید کفش در اصفهان تعطیل شد تصریح کرد: اگر در هر کارگاه هم ۵ نفر مشغول بوده باشند می بینیم تعداد زیادی از این افراد یا بیکار شده اند و یا در کارهای خدماتی نظیر رانندگی مشغول شده اند.

سمینار جنبش کارگری بمناسبت اول مه سخنرانی، بحث و پرسش و پاسخ

اوضاع سیاسی و موقعیت جنبش کارگری

سیاست کارگری در قبال جدالهای درون حکومتی

کارگران و آلترناتیو سازی
افقر و بیکاری و گرسنگی
مسائل اساسی طبقه کارگر در اوضاع کنونی

سخنرانان :

فاتح شیخ، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
صدیق اسماعیلی، حزب کمونیست ایران
یدی شیشوانی، اتحاد فدائیان کمونیست
صالح احمدیان، هسته اقلیت

جمعه 26 آپریل، ساعت 5 بعدازظهر
در آ. ب. اف مرکزی، طبقه سوم

ABF – Sveav,gen 41, Beskow salen, Fredag 26 april, kl. 17.00 - 21.00

از عموم علاقه مندان برای شرکت در این جلسه دعوت میکنیم
شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم
Tel: 072- 837 94 51

اول ماه مه گرامی باد به مناسبت روز جهانی کارگر

گوشه هایی از مبارزات دیروز و امروز کارگران در ایران
\$ تاریخچه برگزاری روز جهانی کارگر در ایران: علی خدري
\$ موانع تشکلیابی کارگران در ایران: اسد گلچینی و ایوب رحمانی
موسیقی: کاوه بهرامی
همراه شام و نوشیدنی
(چلو کباب کوبیده، وجوه کباب 5 پوند) نوشیدنی ها در سالن فروخته می شود .

زمان: شنبه 4 ماه مه 2013 از ساعت 6 تا 10 عصر
مکان: 2A Lithos Road, Finchley Road, London NW3 6EF
نزدیک ترین قطار زیرزمینی: Finchley Road روی خط Jubilee و Metropolitan

شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن

از "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران " پشتیبانی کنیم! به همه آزادی خواهان جهان

کارگران ایران از محروم ترین و تحت ستم ترین بخش های مردم ایران هستند که همواره ابتدایی ترین حقوق شان نادیده گرفته شده است. اول ماه مه هر سال فرصتی است برای یادآوری و افزایش تلاش برای پشتیبانی از مبارزه کارگران برای احقاق حقوق از دست رفته شان. امسال "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" به همت گروهی از تلاش گران حقوق بشر این مهم را برعهده گرفته و می ی خواهد صدای کارگران ایران به ویژه کارگران دربند باشد و فریاد حق طلبی آنان را به گوش جهانیان برساند. ما در "کانون ایران آزاد" با پشتیبانی کامل از این کمپین از تمامی کوشندگان حقوق بشر و حقوق کارگر دعوت می کنیم تا دست در دست هم به این کمپین بیوندند و از اول اردیبهشت 1392 (21 آوریل 2013 تا اول ماه می 2013)

(11 اردیبهشت 1392) در یک همبستگی جهانی ، صدای همه ی کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان و به ویژه کارگران در بند باشیم.

20 آوریل 2013

31 فروردین 1392

ایران آزاد

فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران"

به مناسبت روز جهانی کارگر
مردم آزاده جهان، هموطنان عزیز ایرانی

اجرای سیاست های ضد ملی و ضد کارگری مقامات مسوول جمهوری اسلامی ایران، زندگی و معیشت میلیون ها کارگر و خانواده های کارگری در ایران را به خطر انداخته است. سیاست های تعدیل اقتصاد، حذف یارانه ها، خصوصی سازی و رشد اقتصاد انگلی، موجب تعطیلی بسیاری از مراکز تولیدی شد و تولید صنعتی و کشاورزی را به سمت فعالیت های غیرمولد برده است. گزارش های کمیسیون اقتصاد مجلس شورای اسلامی به نقل از پایگاه خبری کارگرنیوز در 26 شهریور 91، نشانگر آن است که 50 درصد واحدهای تولیدی در ایران تعطیل و یا در شرف تعطیلی اند و اکثر واحدهای تولیدی بزرگ، با کم تر از 30 درصد ظرفیت مشغول به کارند.

بی توجهی به بحران اشتغال، وضعیت معیشت کارگران و تعیین دستمزدی به میزان یک سوم خط فقر علام شده در سال جاری، بدون هیچگونه حق تشکل مستقل، اعتراض و اعتصاب، زندگی کارگران که هم ترین سرمایه ملی و موثرترین نیروی اجتماعی هستند، را با دشواری های بی سابقه ای روبرو کرده است.

فقدان ایمنی محیط کار و وسایل مناسب کار، موجب رشد فزاینده ی حوادث ناشی از کار شده است. بنا به گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه 5 کارگر جان خود را از دست می دهند. در چنین شرایطی، ممانعت از فعالیت های متشکل و مستقل کارگران در سندیکاها و تشکل های کارگری، سرکوب کارگران و فعالان کارگری به جرم حق طلبی و دفاع از حقوق صنفی و قانونی، موجب بازداشت و شکنجه و صدور احکام سنگین برای ده ها نفر از کارگران پیشرو شده است. کارگران ایران با همه ی فشارها و محدودیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، همواره، نیروی عظیمی در مقابله با ظلم و استثمار بوده و هستند. به همین دلیل به شدیدترین شکل، سرکوب می شوند. ستار بهشتی کارگر و بلاگ نویس منتقد سیاست های ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران، نمونه ای از کارگران آگاه و مبارز ایرانی است که متأسفانه یک هفته پس از بازداشت در سال گذشته، بر اثر شکنجه به قتل رسید.

با تاکید بر ضرورت اجرای تعهدات ملی و بین المللی از جمله تعهدات پذیرفته شده جمهوری اسلامی ایران، در مقاله نامه های شماره 98 و 89 سازمان بین المللی کار ILO در مورد آزادی تشکل یابی کارگران، "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" برای همدلی و همراهی با کارگران ایران از کلیه افرادی که نگران آینده ایران و خواهان آزادی تشکل های مستقل کارگری و عدالت اجتماعی و آزادی کارگران مبارز در بند هستند، درخواست مینماید، به هر شکل و شیوه ممکن، از اول اردیبهشت 1392 (21 آوریل 2013) تا اول ماه می 2013

(11 اردیبهشت 1392) در یک همبستگی جهانی، صدای همه ی کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان به ویژه کارگران در بند باشیم. کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران - 92/2/1

جهت آشکار شدن وضعیت دشوار کار و زندگی کارگران در ایران، گزارش کوتاهی از وضعیت معیشت کارگران - حوادث کار - بیکاری کارگران - کارگران زندانی - زنان کارگر - کودکان کار و کارگران افغان، پیوست است.

• وضعیت معیشت کارگران در ایران

کارگران در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند.

اول دی ماه سال 1391 یکی از اعضای شورای عالی کار، سازمانی وابسته به دولت، در گفتگو با خبرگزاری دولتی پانا، خط فقر در ایران را یک میلیون و پانصد هزار تومان برای خانوار 4 نفری اعلام کرده است. با توجه به نرخ تورم که توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اعلام شده، نرخ تورم کالاهای مصرفی و خدماتی در ماه های پایانی سال 1391 به بیش از 31 درصد رسیده و این نرخ تورم در مورد کالاهای مصرفی بیش از 40 درصد اعلام شده است. با توجه به این نرخ تورم، خط فقر در آغاز سال 1392، حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان در ماه برآورد می شود. با مقایسه این رقم با حداقل دستمزد تعیین شده در سال 1392 از سوی شورای عالی کار، یعنی رقم چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در ماه، می توان تا حدودی به عمق فاجعه پی برد. در موارد بسیاری حتی این رقم ناچیز نیز به موقع پرداخت نمی شود و گاه، ماه ها به تعویق می افتد. براینمونه می توان به 2300 کارگر کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه اشاره کرد که در آستانه سال نو 1392، نه تنها عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند، بلکه حق

وق سه ماه پایان سال آنان نیز به تعویق افتاده‌است و یا کارگران راه سازی کهگیلویه و بویر احمد که تا اسفند سال 1391، به مدت هفت ماه از حقوق و مزایای خود محروم بوده اند. زندگی در چنین شرایطی به مثابه مرگ تدریجی برای کارگران و خانواده های کارگرياست.

این در شرایطی است که روند تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران از سوی شورای عالی کار، وزارت تعاون،

کار و رفاه اجتماعی، حتی مطابق با ماده ۴۱ قانون کار نیست. ضمن آنکه در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز آن را امضا کرده، آمده است: «هرکس حق دارد از سطح معیشتی کافی برای سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری بهره مند گردد و حق دارد به هنگام بیکاری، بیماری، از کارافتاده‌گی، بیوه‌گی و سالخورده‌گی یا فقدان وسیله امرار معاش و گذران زندگی که خارج از اختیار وی است تامین گردد.»

• حوادث حین کار

مرگ تدریجی تنها خطری نیست که کارگران را تهدید می کند. مرگ ناگهانی در اثر سوانح کار، یکی از موارد مهمی است که هر ساله جان هزاران کارگر را می گیرد و چون اغلب کارگران در کارگاه های کوچک بدون هیچ گونه نظارتی اشتغال دارند، خانواده های کارگرانی که در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و اغلب فاقد بیمه های حمایتی هستند. براساس گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه 5 کارگر در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و این نرخ هر ساله رو به افزایش است چنان که در سال 1389 تعداد تلفات ناشی از حوادث کار، 1290 نفر گزارش شده، در حالی که این رقم در سال 1390 به 1507 نفر بالغ گردیده است. بر اساس آمارها و گزارش های رسمی، حوادث ناشی از کار، دومین علت مرگ و میر در ایران است.

سقوط از بالای ساختمان های مرتفع در هنگام کار، انفجار معادن، آتش سوزی در محل کار، ریزش ساختمان در محل کار، و سقوط در چاه های عمیق عمده ترین دلایل حوادث کار هستند که تقریباً در تمام موارد به دلیل فقدان ایمنی محیط کار و نبود وسایل مناسب کار رخ داده است. در عین حال، در گزارش های خبرگزاری ایلنا و نیز تشکل های کارگری از «اهمال» بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سخن گفته شده است.

در مورد حوادث حین کار،

نمونه های بیشماری از این دست وجود دارد از جمله آتش سوزی در آذرماه سال 1390 در کارخانه فولاد غدیر یزد که طی آن 18 کارگر جان خود را از دست دادند و عده ای نیز تا نیمی از بدنشان در آتش سوخت. در اسفند ماه سال گذشته، انفجار معدن یال شمالی ذغال سنگ در طبس جان 8 کارگر را گرفت. در شماری از این حوادث، تاکنون پیگیری های قضایی به نتیجه نرسیده است.

• اخراج کارگران و بحران اشتغال

اغلب کارگران در ایران، بر اساس قراردادهای موقت، پیمانی، روزمزدی، ساعتی و سفیدامضا به کار گرفته می شوند. این کارگران فاقد بیمه های بیکاری و دوران بیماری یا آسودگی هستند. این قراردادها، اخراج و بیکارسازی انفرادی یا گروهی آنان را، برای کارفرمایان بسیار آسان کرده است. با توجه به تحریم های فزاینده اقتصادی علیه ایران و سیاست های ضد ملی حکومت جمهوری اسلامی ایران و افزایش سرسام آور نرخ ارز در ایران زندگی مردم به ویژه کارگران بسیار دشوار تر شده است.

بسیاری از کارفرمایان به سبب پیوندهایی که با دستگاه حکومتی دارند، همواره از نرخ دولتی ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات بهره مند هستند و در بسیاری از موارد، فروش ارزهای رانتی یا سرمایه گذاری در امور تجاری، از تولید کالا، سودآور تر شده است در نتیجه، کارفرمایان، بدون هیچ نظارتی کارخانه ها و کارگاه های تولیدی را تعطیل و کارگران را اخراج می کنند. بنا بر اظهارات رئیس خانه کارگر، که ه یک نهاد دولتی است، از اول ماه مه 1390 تا تاریخ مشابه در سال 1391، بیش از یکصد هزار نفر کارگرا ز کار اخراج شده اند.

• کارگران زندانی

با وجود به رسمیت شناخته شدن حق کارگران برای ایجاد انجمن های صنفی و سراسری در قوانین جمهوری اسلامی ایران، دولت، با تشکل های مستقلی که توسط خود کارگران و برای پیگیری خواسته های به حق شان تشکیل شده، به شدت به مقابله برخاسته است و کارگران پیشرویی را که در ایجاد سندیکا ها و تشکل های کارگری تلاش نموده اند، تحت تعقیب و آزار قرار می دهد. نمونه های آن را م

ی توان در سرکوب خشن "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه"، "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اهواز"، "سندیکای کارگران نقاش"، "اتحادیه کارگران آزاد" و "کمیته پیگیری برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، مشاهده کرد. بسیاری از اعضای این تشکل ها به زندان های طول مدت محکوم شده اند و هم اکنون برخی از آنان در زندان به سر می برند. شاهرخ زمانی محکوم به 11 سال، رضا شهبابی 6 سال، محمد جراحی 5 سال، بهنام ابراهیمزاده 5 سال و پدram نصرالهی به 3 سال حبس محکوم شده اند. (بهنام ابراهیمزاده تا زمان تهیه گزارش در مرخصی به سر می برد) علاوه بر اینان شمار زیادی از فعالان کارگری و مدافعان حقوق معلمان در زندان های جمهوری اسلامی در بند و بسیاری دیگر نیز با وثیقه های سنگین به طور موقت تا تشکیل دادگاه آزاد شده اند. تعدادی از کارگران زندانی از جمله محمد جراحی و شاهرخ زمانی به شدت بیمار هستند و به مراقبت های پزشکی احتیاج دارند.

اسامی کارگران فعال حقوق کارگری در بند : شاهرخ زمانی - محمد جراحی - بهروز علامه زاده - بهروز نیکوفرد - علیرضا سعیدی - غالب حسینی - علی آزادی - پدram نصرالهی - رسول بدایعی (عضو کانون صنفی معلمان) - عبدالرضا قنبری - مهدی فرحی شاندریز - شریف ساعد پناه - مظفر صالح نیا

وضعیت زنان کارگر

زنان کارگر، در جامعه مردسالار ایران از تبعیض های چندگانه ی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قانونی رنج می برند و اولین قربانیان وضعیت بحرانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در ایران هستند. زنان کارگر، علاوه بر اینکه مشاغل کم درآمد و پر زحمت با ساعات کار طولانی و غیرقانونی در اختیار دارند و در شرایط کار مساوی با مردان دستمزد کمتری دریافت می کنند، در صف اول اخراج ها نیز قرار دارند. افزایش نرخ بیکاری زنان، به نقل از سایت مرکز آمار ایران، از 33 درصد در سال 84 به 43 درصد در سال 90 نشانگر این واقعیت است.

زنان کارگر در آمارهای رسمی پنج درصد کل کارگران را تشکیل می دهند و چون اغلب در بخش غیر رسمی مشاغل هستند، در آمارها جایی ندارند و نادیده گرفته می شوند. هر چند آنان در بخش رسمی نیز از حقوق اولیه قانونی خود نیز بهره مند نمی شوند و طبق قانون کار امتیازاتی که ظاهراً برای کمک به زنان کارگر، در نظر گرفته شده، موجب شده است تا کارفرماها به استخدام زنان کارگر، رغبتی نشان ندهند و برای فرار از قانون مرخصی زایمان، حق شیردادن، ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک، از استخدام زنان کارگر سرباز زنند و با هنگام عقد قرارداد کار از کارگر زن تعهد گیرند که طی زمان قرارداد حق حامله شدن ندارند.

بر اساس ماده 191 قانون کار، کارگاه های کوچک کمتر از 10 نفر، از مقررات قانون کار مستثنی هستند

بنابر گزارش های موجود، کارگران شاغل در این بخش که اکثریت کارگران زن را تشکیل می دهند، بدون هیچ گونه حق بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی، مرخصی سالانه، مرخصی زایمان، با کار طاقت فرسا و ساعات کار طولانی و دستمزد اندک و بدون هیچ نظارتی در رعایت ایمنی کار و بهداشت محیط، مشغول به کارند.

بخش بزرگی از زنان کارگر نیز به مشاغل خانگی روی آورده اند که اغلب با کودکان و همراه با خانواده خود با ساعات کار بسیار طولانی به تولید خانگی می پردازند و دولت نیز هیچگونه نظارتی بر این بخش ندارد.

دولت با تصویب "طرح دور کاری" مشوق کارفرماها برای این نوع بهره کشی و افزایش فشارهای جسمی، روحی، روانی و انواع خشونت علیه زنان، می باشد.

متأسفانه به این کارگران باید کارگران تن فروش را هم اضافه نمود که هر روز بر تعدادشان افزوده می شود، این بخش از کارگران زن ضمن این که هیچ گونه حق و حقوقی ندارند، در معرض خطر دستگیری و زندان و اعدام نیز هستند.

کودکان کار

کار کودکان زیر 15 سال، بر اساس ماده 79 قانون کار، ممنوع است ولی طبق آمارهای غیر رسمی بنا به گزارش سایت دولتی مشرق و مرکز پژوهش های مجلس در 17 مهر 1391، از 3 میلیون و 265 هزار کودک بازمانده از تحصیل، حدود 3 میلیون نفر، کودکان کار هستند.

کودکان کار، اغلب در کارگاه های کوچک مشغول به کارند. و یا به مشاغل خانگی و یا به دستفروشی در خیابان ها، روی آورده اند. با توجه به نرخ 40 در صدی تورم و فقر خانوارهای محروم جامعه ایران، تعداد این کودکان رو به افزایش است. در شرایط کنونی،

به ویژه با افزایش میزان اخراج کارگران از واحد های صنعتی و شرکت ها، زنان و کودکان در فقر و بی پناهی و بی قانونی رها شده اند و افزایش آمار تن فروشی زنان و خردسالان، کاهش سن معتادان و افزایش بی سوادگی و کم سوادگی از پیامدهای آشکار آن است.

• کارگران افغان

وضعیت کارگران افغان و به طور کلی کارگران مهاجر در ایران به شدت اسفناک است. از حدود دو میلیون کارگر افغان ساکن در ایران، بیش از 1400000 نفر آنان، یعنی بیش از دو سوم، فاقد مدارک قانونی کار هستند و یا این که سال هاست در ایران مشغول به کارند، دولت به وضعیت اقامت آنان توجه نمی کند. این شرایط، باعث شده است، این کارگران حتی از آن بخش ناچیز حقوقی که دیگر کارگران برخوردارند، محروم باشند. دستمزد این کارگران در مقایسه با کارگران رسمی بسیار پایین تر و شرایط کاری شان دشوارتر است و از هیچ گونه بیمه درمانی، بازنشستگی و یا حوادث نیز برخوردار نیستند. فرزندان آنان از مدرسه و آموزش محروم هستند و برایشان برگه های هویت صادر نمی شود و در شرایط بسیار سختی روزگار می گذرانند.

منابع :

e-sepaar.net

www.mardomsalari.com

www.aftabnews.ir

www.aftabnews.ir

www.aftabnews.ir

www.aftabnews.ir

www.aftabnews.ir

www.aftabnews.ir

www.khabaronline.ir

www.bimehnews.ir

www.baharnewspaper.com

www.kargarnews.ir

www.baharnews.ir

www.tabnak.ir

www.mihanstar.com

www.tabnak.ir

www.tabnak.ir

www.tabnak.ir

www.asiran.com

www.asiran.com

www.baharnews.ir

تجمع و اعتراض مردم در نارمک

روز 31 فروردین جمعی از اهالی نارمک در اعتراض به نشت فاضلاب به اسفالت های ترمیم نشده خیابانها و چاله های ایجاد شده در مسیر که مشکلاتی را برای منطقه ایجاد کرده در مقابل ساختمان آب و فاضلاب منطقه نارمک تجمع و اعتراض کردند

محمد جراحی دوره ده روزه قرنطینه را در زندان می گذرانند.

محمد جراحی کارگر زندانی و عضو کمیته پی گیری ایجاد تشکل های کارگری همچنان با بیماری سرطان که هدیه زندان به اوست، دست به گریبان است. پزشکان متخصص و معالج وی بدلیل امکان پذیر شدن ادامه معالجه و بهبود حال او دستور داده بودند که دوره ده روزه قرنطینه را در محیط و فضای ویژه و بهداشتی بیمارستان و یا در منزل بگذرانند، این تجویز پزشکی که حق هر بیماری است با مخالفت قوه قضاییه روبرو شد، در نتیجه ادامه معالجه این کارگر زندانی از سوی پزشکان معالج با مشکلات ایجاد شده از سوی قوه قضاییه چندان مثمر ثمر واقع نگردیده است. مخالفت و ایجاد مشکل از طرف قوه قضاییه در حالی صورت می گیرد که در ملاقات خانواده این زندانی با دادستانی به انها قول همکاری لازم داده شده بود. مخالفت مسئولین زندان با مراجعه محمد جراحی به بیمارستان و یا منزلش جهت گذراندن دوره نقاهت در حقیقت اقدام به قتل عمد این کارگر زندانی می باشد. ما کارگران و خانواده ایشان و اعضای کمیته پی گیری مسئولیت هر گونه آسیبی به این کارگر زندانی را به عهده و اراده مستقیم قوه قضاییه میدانیم. و پاسخگویی عواقب نا هنجار این عدم همکاری با معالجه محمد جراحی قوقضاییه و دولت جمهوری اسلامی می باشد.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

1392/1/31

